

خود آموز ترکی استانبولی

بر اساس روانشناسی یادگیری

مؤلف: مرتضیٰ عبدی

خود آموز ترکی استانبولی

شامل:

مکالمه

دستور زبان

اصطلاح

ضرب المثل

و....

چون بیاموزی زبان دیگری جز مادری

برگشایی روی خود دروازه‌های دیگری

مؤلف: مرتضی عبدی

morteza.abdi@gmail.com

<http://www.facebook.com/morteza.abdi>

دوستان عزیز: توجه داشته باشید که بر طبق قوانین روانشناسی یادگیری؛ در مطالعه بار اول، شما از حافظه کوتاه مدت استفاده می‌کنید که دوام آن حدود ۳۰ ثانیه است و در موارد بسیار برای شخص مفید است. ولی در صورتی که که تمایل دارید مطالب مدت بیشتری در ذهن باقی بماند، باید مطالب را با فاصله و بعد از فراموشی تکرار نمایید. تکرار برای بار دوم باید چند ساعت بعد و بار سوم چند روز بعد و در صورتی که بخواهید مطالب دائمی در حافظه شما باشد باید پس از چند ماه مجدداً مرور کنید، افرادی که مطالب را در ذهن خود تکرار می‌کنند احتیاج کمتری به روخوانی دارند.

فهرست مندرجات

| | |
|----|---|
| ۱ | پیش گفتار |
| ۱ | چگونه یاد گیرنده موفق باشیم؟ |
| ۲ | کلام آخر |
| ۳ | کلیات زبان ترکی |
| ۵ | زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر |
| ۵ | زبان گفتار - زبان نگارش |
| ۷ | زبان و کلمات بیگانه |
| ۹ | ترتیب کلمات (در جمله) |
| ۱۰ | درباره ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی |
| ۱۱ | الف-جنبه التصاقی یا پیوندی |
| ۱۲ | ب- توالی پیوندها |
| ۱۳ | ج- هماهنگی اصوات |
| ۱۳ | د- کوتاهی مصوت‌ها |
| ۱۳ | ه-نبودن علامت جنس |
| ۱۴ | و-تنوع و نظم افعال |
| ۱۴ | ی-ریتم (وزن) |
| ۱۵ | نتیجه |
| ۱۵ | مبحث اصوات |
| ۱۵ | اصوات |
| ۱۶ | حروف-الفبا |
| ۱۷ | زبان ترکی استانبولی و الفبای موجود فارسی |
| ۱۸ | الفبای زبان ترکی استانبولی |
| ۲۱ | تکیه |
| ۲۱ | تقسیم هجایی |
| ۲۲ | تمرین تلفظ |
| ۲۵ | کشش واکه‌ای |
| ۲۶ | اصوات مصوت، اصوات صامت |
| ۲۶ | الف- اصوات مصوت: |
| ۲۶ | ب- اصوات صامت: |
| ۲۷ | گروه بندی اصوات |
| ۲۷ | الف-گروه بندی حروف مصوت |
| ۲۸ | ب-گروه بندی صامت‌ها |
| ۲۹ | هماهنگی و تطابق مصوت‌ها |
| ۳۰ | الف) تطابق خشن و ظریف (Kalınlık-incecik uyumu) |
| ۳۵ | ب) هماهنگی مصوت‌های راست و گرد (düzlük-yuvarlaklık uyumu) |

- ۳۵ زبان ترکی استانبولی زبان کوتاه مصوت
- ۳۶ مصوت ترکیبی
- ۳۷ حذف حروف مصوت (Ünlü düşmesi)
- ۴۱ یکی شدن مصوت (Ünlü birleşmesi)
- ۴۱ حروف صامت
- ۴۶ تغییر حروف صامت (Ünsüz değişimi)
- ۴۷ تغییر نوع اول
- ۴۸ تغییر نوع دوم
- ۵۲ "Y" میانجی
- ۵۳ حالت تشابه (Benzeşme)
- ۵۳ ۱- تشابه کامل (Tüm benzeşme) :
- ۵۴ ۲- تشابه ناقص (Yarı benzeşme) :
- ۵۴ ۳- تشابه پسین (İlerleyici benzeşme) :
- ۵۴ ۴- تشابه پیشین (Gerileyici benzeşme) :
- ۵۵ حالت تبدیل (Aykırılışma)
- ۵۵ حالت جا به جایی (Göçüşme)
- ۵۵ حذف حروف صامت (Ünsüz düşmesi)
- ۵۶ صامت‌های دو تایی
- ۵۷ مبحث کلمات
- ۵۸ بنیاد صوتی کلمات
- ۵۸ نقش اصوات مصوت در ساختمان هجا
- ۵۹ هجاهای باز، هجاهای بسته
- ۶۰ انواع هجاها
- ۶۰ تکیه
- ۶۱ ساختمان شکلی کلمات
- ۶۱ ریشه
- ۶۴ پیوندها (EKLER)
- ۶۶ اشکال صوتی پیوندها
- ۶۸ پیوندهای توصیفی (Yapım ekleri)
- ۷۰ پیوندهای تصریفی (Çekim ekleri)
- ۷۱ اصل توالی پیوندها
- ۷۲ اصوات کمکی
- ۷۲ اقسام کلمه از نظر مدلول و معنی
- ۷۲ اسم
- ۷۳ اشکال ساختمانی اسم:
- ۷۳ ۱- اسم ساده

- ۷۳ ۲- اسم پیوندی
- ۹۴ ۳- اسامی مرکب
- ۹۶ انواع اسم
- ۹۶ ۱- اسم عام:
- ۹۶ ۲- اسم خاص:
- ۹۶ ۳- اسم ذات:
- ۹۶ ۴- اسم معنی:
- ۹۶ ۵- اسم جمع:
- ۹۷ اشکال تصریفی اسم
- ۹۷ جمع و پیوند جمع
- ۹۸ تملیک و پیوند تملیک
- ۱۰۱ حالت و پیوندهای حالت:
- ۱۰۲ ۱- حالت فاعلی یا آزاد (Yalın hal)
- ۱۰۲ ۲- حالت اضافه یا تعلق (İlgi hali)
- ۱۰۴ ۳- حالت تأثیر یا مفعول مستقیم (Yükleme hali)
- ۱۰۵ ۴- حالت گرایش یا مفعول غیر مستقیم (Yönelme hali)
- ۱۰۶ ۵- حالت تخصیص یا مفعول فیه (Bulunma hali)
- ۱۰۸ ۶- حالت انفکاک یا مفعول عنه (Ayrılma hali)
- ۱۱۰ ۷- حالت واسطه (Vasita Hâl Eki)
- ۱۱۱ افعال (FİİLLER)
- ۱۱۲ افعال پرکاربرد ترکی
- ۱۱۳ اشکال ساختمانی فعل
- ۱۱۳ ۱- افعال ساده:
- ۱۱۳ ۲- افعال پیوندی:
- ۱۱۷ ۳- افعال مرکب:
- ۱۱۹ انواع فعل از نظر مدلول و معنی
- ۱۱۹ ۱- افعال لازم یا ناگذر (Geçişsiz Fiiller)
- ۱۱۹ ۲- افعال متعدی یا گذر (Geçişli Fiiller)
- ۱۲۰ ۳- افعال ارجاع (Dönüşlü Fiiller)
- ۱۲۰ ۴- افعال اجبار (Ettirgen Fiiller)
- ۱۲۱ ۵- افعال سببی (Oldurgan Fiiller)
- ۱۲۲ ۶- افعال مشارکت (işteş fiiller)
- ۱۲۷ پیوند نفی
- ۱۲۸ اشکال تصریفی فعل
- ۱۲۸ پیوندهای وجه و زمان
- ۱۲۹ پیوندهای شخص

- اشکال تصریفی فعل مرکب ۱۲۹
- وجه اخباری مرکب ۱۲۹
- ماضی بعید ۱۲۹
- ماضی مطلق ۱۳۰
- ماضی استمراری ۱۳۰
- ماضی مستقبل ۱۳۰
- وجه وصفی یا صفت فاعلی (Sıfat-fiiller)** ۱۳۱
- وجه مصدری یا اسم فعلی (İsim-fiiller) ۱۳۴
- وجه حالت یا قید فعلی (Zarf-fiiller) ۱۳۵
- صفت (Sıfat) ۱۳۷
- اشکال ساختمانی صفت ۱۳۸
- اشکال نسبی صفت: ۱۴۱
- زوج صفت ها ۱۴۹
- صفت ترکیبی: ۱۵۰
- صفت نسبی: ۱۵۰
- صفت رتبه‌ای (مقام): ۱۵۰
- صفت تشبیهی: ۱۵۰
- صفت وصفی: ۱۵۰
- رنگ ها ۱۵۱
- اقسام صفت از نظر مفهوم و مدلول ۱۵۲
- الف) صفات وصفی: ۱۵۲
- ب) صفات تعیینی: ۱۵۲
- ۱- صفت اشاره ۱۵۲
- ۲- صفات عددی ۱۵۳
- ۳- صفت پرسشی ۱۵۵
- ۴- صفتهای مبهم ۱۵۶
- شاخص:** ۱۵۷
- قبل از اسم: ۱۵۷
- بعد از اسم: ۱۵۷
- قبل و بعد اسم به همراه هم: ۱۵۷
- ضمیر (ZAMİR)** ۱۵۷
- انواع ضمائر ۱۵۸
- ۱- ضمائر شخصی ۱۵۸
- ۲- ضمیر انعکاسی (Dönüşlülük zamiri) ۱۶۰
- ۳- ضمائر اشاره (İşaret zamirleri): ۱۶۰
- ۴- ضمائر پرسشی (Soru Zamiri): ۱۶۱

- ۱۶۲ ۵- ضمائر مبهم (Belgisiz Zamir):
- ۱۶۴ ضمائر از نظر ساختار
- ۱۶۴ نحوه صرف مصدر imek (هستن، بودن)
- ۱۶۶ قیدها (Zarflar) :
- ۱۶۶ اقسام قیدها از نظر مدلول و ساختمان کلمه
- ۱۶۶ ۱- قید زمان (Zaman Zarfları) :
- ۱۶۸ ۲- قید مکان (Yer Zarfları):
- ۱۶۹ ۳- قید حالت (Hal Zarfları):
- ۱۷۰ ۴- قید مقدار (Miktar Zarfları) :
- ۱۷۱ ۵- قید ترتیب (Sayı Zarfları) :
- ۱۷۱ ۶- قید علت (Sebep Zarfları):
- ۱۷۲ ۷- قید اشاره (İşaret Zarfları):
- ۱۷۲ ۸- قید پرسش (Soru Zarfları) :
- ۱۷۳ مصدر
- ۱۷۳ مصدر در زبان ترکی:
- ۱۷۵ اضافه شدن پیوند تملیک به مصدر:
- ۱۷۹ مصدر سنگین
- ۱۷۹ طرز بیان تظاهر کردن، وانمود کردن
- ۱۸۰ ادات یا کلمات کمکی
- ۱۸۰ ادات وصل
- ۱۸۳ حرف ربط ربط
- ۱۸۶ انواع حرف ربط
- ۱۸۷ ادات ندا
- ۱۸۸ ۱- نداهای اصلی:
- ۱۸۹ درس ۱
- ۱۸۹ سلام و احوال پرسی و نیازهای اولیه
- ۱۹۰ درود و سلام روز مره و معمولی و اصول سلام کردن
- ۱۹۱ عبارات برای نیازهای اولیه
- ۱۹۲ کلمات خطاب
- ۱۹۳ پرسیدن اسم یکدیگر
- ۱۹۴ lar/ler پیوند جمع
- ۱۹۵ پیوندهای شخصی
- ۱۹۶ Var (هست، هستند، وجود دارد، هستی) ، Yok (نه، نیست، وجود ندارد):
- ۱۹۹ سؤال کردن
- ۲۰۲ Değil
- ۲۰۳ ساخت سؤالی منفی از değil

- ۲۰۵ مثال از گذشته پیوند منفی ساز deḡil:
- ۲۰۶ ساخت جملات کامل
- ۲۰۶ نکات جالب!
- ۲۰۶ تعداد کلمات ترکی در زبان‌های دیگر
- ۲۰۷ ضرب المثل
- ۲۰۷ اصطلاحات
- ۲۰۸ درس ۲
- ۲۰۸ پرسیدن اسم اشخاص
- ۲۰۹ پرسش درباره خانواده اشخاص
- ۲۱۰ خانواده
- ۲۱۴ birbir یا birbir (یک دیگر، هم دیگر)
- ۲۱۵ چگونه خود را معرفی کنیم؟
- ۲۱۶ چگونه دیگران را به هم معرفی کنیم؟
- ۲۱۹ İle
- ۲۲۰ مشاغل (حرفه‌ها)
- ۲۲۰ مشاغل و حرفه‌های رایج
- ۲۲۱ پیوند هشت شکلی -ci -çİ, -ci -çİ, -cu -çu, -cü -çü
- ۲۲۲ مکان‌های کار
- ۲۲۲ سفر (seyahat)
- ۲۲۲ گمرک (gümrük)
- ۲۲۳ کلمات مفید
- ۲۲۳ اطلاعات جهانگردان (turist bilgileri)
- ۲۲۴ رزرو (rezervasyon)
- ۲۲۵ ثبت برای پرواز (uçuş rezervasyonu)
- ۲۲۶ کلمات مفید
- ۲۲۶ در هواپیما (uçakta)
- ۲۲۷ کلمات مفید
- ۲۲۸ قطار/اتوبوس (tren/otobüs)
- ۲۲۹ کلمات مفید
- ۲۲۹ کشتی/قایق (feribot/gemi)
- ۲۳۰ کلمات مفید
- ۲۳۰ اثاثیه مسافر (bagaj)
- ۲۳۱ ممکن است بشنوید
- ۲۳۲ ضرب المثل
- ۲۳۲ اصطلاحات
- ۲۳۳ درس ۳

- ۲۳۳ پرسیدن سن اشخاص
- ۲۳۴ ماه‌های سال
- ۲۳۴ اعداد اصلی
- ۲۳۶ اعداد ترتیبی
- ۲۳۶ جمع، تفریق، ضرب، تقسیم
- ۲۳۷ واحدهای اندازه‌گیری و نشانه‌ها
- ۲۳۹ پرسیدن محل تولد
- ۲۴۱ پیوند -li/-lı/-lu/-lü
- ۲۴۱ جهات
- ۲۴۳ جاه‌های دیدنی
- ۲۴۳ اطلاعات جهانگردان/ رزرو تور (turizm danışma/tur rezervasyonu)
- ۲۴۵ کلمات مفید
- ۲۴۶ نشانی پرسیدن/ دادن (yol tarifi)
- ۲۴۷ کلمات مفید
- ۲۴۸ در موزه (muzede)
- ۲۴۸ کلمات مفید
- ۲۴۹ عکسبرداری (fotoğraf çekimi)
- ۲۵۰ سرگرمی/سینما/تئاتر (eğlence/sinema/tiyatro)
- ۲۵۱ کلمات مفید
- ۲۵۱ سرگرمی/تفریحات شبانه (eğlence/gece hayatı)
- ۲۵۲ ممکن است بشنوید
- ۲۵۲ زمان حال استمراری (şimdiki zaman)
- ۲۵۴ واژه‌های جدید
- ۲۵۴ dış / dışı (بیرون، خارج)
- ۲۵۴ استفاده به عنوان صفت (dış)
- ۲۵۴ استفاده به عنوان اسم (dışı)
- ۲۵۴ استفاده به عنوان قید مکان (dışarı- بیرون)
- ۲۵۵ استفاده به عنوان دستور (dışarı- بیرون)
- ۲۵۵ iç (داخل، درون)
- ۲۵۵ استفاده به عنوان صفت
- ۲۵۵ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۶ استفاده به عنوان قید مکان (içeri- داخل)
- ۲۵۶ استفاده به عنوان دستور (içeri- داخل)
- ۲۵۶ Yan (کنار، طرف، سمت، نزد، فرعی، غیره مستقیم)
- ۲۵۶ استفاده به عنوان صفت

- ۲۵۶ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۷ taraf (طرف، جهت، سمت، ناحیه، منطقه)
- ۲۵۷ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۷ üst (بالا، رویه، عالی، فوق، ماورا، سر)
- ۲۵۷ استفاده به عنوان صفت
- ۲۵۷ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۸ üzeri (روی، بالا، سر، علاوه بر)
- ۲۵۸ alt (پایین، زیر، پست)
- ۲۵۸ استفاده به عنوان صفت
- ۲۵۸ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۹ otra (وسط، مرکز، میان، میانه، نیمه)
- ۲۵۹ استفاده به عنوان صفت
- ۲۵۹ استفاده به عنوان اسم
- ۲۵۹ art (عقب، قسمت پشتی، پشت، پشت سر)
- ۲۶۰ arka (پشت، عقب)
- ۲۶۰ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۰ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۰ ön (جلو، پیش، آینده)
- ۲۶۰ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۱ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۱ yakın (نزدیک، در مجاورت)
- ۲۶۱ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۱ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۱ استفاده به عنوان قید مکان
- ۲۶۱ ara (بین، رابطه، واسطه، فاصله، وسط)
- ۲۶۲ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۲ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۲ karşı (مقابل، متقابل، ضد، مخالف، روبرو)
- ۲۶۲ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۲ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۳ etaf (اطراف، دور، اکناف، پیرامون)
- ۲۶۳ çevre (اطراف، دور، سرتاسر، پیرامون، محیط، دایره)
- ۲۶۳ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۳ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۴ aşağı (پایین، زیر)
- ۲۶۴ استفاده به عنوان صفت



- ۲۶۴ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۴ استفاده به عنوان قید مکان
- ۲۶۵ yukarı (بالا، مافوق، رو، فوق، رو)
- ۲۶۵ استفاده به عنوان صفت
- ۲۶۵ استفاده به عنوان اسم
- ۲۶۵ peş (پشت، دنبال، عقب سر)
- ۲۶۵ نمونه‌هایی برای مطالعه
- ۲۶۶ ضرب المثل
- ۲۶۶ اصطلاحات
- ۲۶۸ درس ۴
- ۲۶۸ خوش آمد گویی
- ۲۶۹ خواهش‌ها
- ۲۷۰ ابراز اولویت (رجحان)
- ۲۷۱ کاربرد زمان حال ساده (گسترده) (Geniş zaman)
- ۲۷۲ ۱- عمل همیشگی
- ۲۷۲ ۲- رضایت یا میل
- ۲۷۲ ۳- دستور دادن مؤدبانه
- ۲۷۲ ۴- درخواست محترمانه
- ۲۷۲ ۵- موافقت همراه با ادب رضایت خاطر
- ۲۷۳ ۶- آینده مردد
- ۲۷۳ شاخص زمان حال ساده
- ۲۷۳ افعال تک هجایی
- ۲۷۳ فعل‌های چند هجایی
- ۲۷۳ فعل‌های مختوم به مصوت‌ها
- ۲۷۴ استثناهای افعال تک هجایی
- ۲۷۵ ضرب‌المثل‌ها
- ۲۷۶ ya ... ya da (یا ... یا)
- ۲۷۶ نشان دادن سپاسگزاری
- ۲۷۷ تعریف کردن و قدردانی
- ۲۷۸ Ne ... Ne de (نه ... نه) و hem ... hem de (هم ... هم)
- ۲۷۹ gerek ... gerek ya gerekse (هم ... هم یا چه ... چه)
- ۲۷۹ ha ... ha (چه ... چه)
- ۲۷۹ ister ... ister (خواه ... خواه)
- ۲۷۹ olsun... olsun (هم ... هم)
- ۲۷۹ ama (اما، ولی)
- ۲۸۰ -(y)e / -(y)a

- ۲۸۰..... Hiç
- ۲۸۰..... ابراز رضایت و خرسندی
- ۲۸۱..... عبارات مورد نیاز در زمان خداحافظی
- ۲۸۳..... بیان ضرورت
- ۲۸۳..... تکرار عمل
- ۲۸۳..... ضرب المثل
- ۲۸۳..... اصطلاحات
- ۲۸۵..... درس ۵
- ۲۸۵..... تعارفات
- ۲۸۶..... واژه‌های مربوط به خانه
- ۲۸۷..... واژه‌های دیگر:
- ۲۸۷..... واژه‌های مربوط به حمام و دست شویی
- ۲۸۷..... سمت‌ها
- ۲۸۷..... چند مثال دیگر از جمله‌های تعارف آمیز:
- ۲۸۸..... ابراز موافقت/ مخالفت
- ۲۸۸..... موافقت:
- ۲۸۹..... مخالفت:
- ۲۹۰..... از... به (تا)
- ۲۹۰..... جملات سوالی که برای بیان عدم موافقت به کار می‌روند.
- ۲۹۰..... : Hem de; Hiç de
- ۲۹۱..... : Duymak
- ۲۹۱..... احساسات
- ۲۹۲..... ساعت
- ۲۹۳..... واژه‌های مربوط به زمان
- ۲۹۳..... اصطلاحات مربوط به ساعت
- ۲۹۴..... هتل
- ۲۹۴..... رزرو (Rezervasyon)
- ۲۹۶..... کلمات مفید
- ۲۹۶..... سرویس (servis)
- ۲۹۸..... شکایات (şikayetler)
- ۳۰۰..... کلمات مفید
- ۳۰۰..... پرداخت (ödeme)
- ۳۰۱..... امکانات (hizmetler)
- ۳۰۱..... اجاره (kiralamak)
- ۳۰۲..... کلمات مفید
- ۳۰۲..... ممکن است بشنوید

- ۳۰۳ ضرب المثل ضرب المثل
- ۳۰۳ اصطلاحات اصطلاحات
- ۳۰۵ درس ۶ درس ۶
- ۳۰۵ ابراز علاقه/ بی‌علاقگی ابراز علاقه/ بی‌علاقگی
- ۳۰۶ صفات ظاهری انسان ها صفات ظاهری انسان ها
- ۳۰۶ خصوصیات خلق و خوی خصوصیات خلق و خوی
- ۳۰۷ آرایشگاه آرایشگاه
- ۳۰۹ کلمات مربوط به آرایشگاه کلمات مربوط به آرایشگاه
- ۳۱۰ تصحیح کردن گفتار تصحیح کردن گفتار
- ۳۱۱ Gene Gene
- ۳۱۱ Gene de (هنوز، باز هم) Gene de (هنوز، باز هم)
- ۳۱۱ ابراز اطمینان/ عدم اطمینان ابراز اطمینان/ عدم اطمینان
- ۳۱۲ اصطلاحات اصطلاحات
- ۳۱۳ درس ۷ درس ۷
- ۳۱۳ نشان دادن مسیر/ راه نشان دادن مسیر/ راه
- ۳۱۴ حمل و نقل محلی (yerel ulaşım) حمل و نقل محلی (yerel ulaşım)
- ۳۱۴ اتوبوس/مترو (otobüs/metro) اتوبوس/مترو (otobüs/metro)
- ۳۱۵ کلمات مفید کلمات مفید
- ۳۱۵ تاکسی (taksi) تاکسی (taksi)
- ۳۱۶ کرایه ماشین (araba kiralama) کرایه ماشین (araba kiralama)
- ۳۱۸ کلمات مفید کلمات مفید
- ۳۱۸ رانندگی/پارک کردن (araba kullanmak/park etmek) رانندگی/پارک کردن (araba kullanmak/park etmek)
- ۳۱۹ کلمات مفید کلمات مفید
- ۳۲۰ در ایستگاه بنزین (benzin istasyonunda) در ایستگاه بنزین (benzin istasyonunda)
- ۳۲۱ کلمات مفید کلمات مفید
- ۳۲۱ خرابی‌ها (arızalar) خرابی‌ها (arızalar)
- ۳۲۳ کلمات مفید کلمات مفید
- ۳۲۳ حوادث (kazalar) حوادث (kazalar)
- ۳۲۴ تابلوهی راهنمایی و رانندگی (trafik işaretleri) تابلوهی راهنمایی و رانندگی (trafik işaretleri)
- ۳۲۵ ممکن است بشنوید ممکن است بشنوید
- ۳۲۶ معذرت خواهی و جواب دادن به آن معذرت خواهی و جواب دادن به آن
- ۳۲۷ چگونه، کاری را از کسی بخواهیم؟ چگونه، کاری را از کسی بخواهیم؟
- ۳۲۸ مؤدبانه کاری را از کسی خواستن مؤدبانه کاری را از کسی خواستن
- ۳۲۸ دستور دادن دستور دادن
- ۳۲۸ حالت امری حالت امری
- ۳۲۹ -süz/-süz/-süz/-süz (بدون، بی) -süz/-süz/-süz/-süz (بدون، بی)

- ۳۳۰..... (sizin/-sızın/-suzun/-süzün) (بدون، بی، بلا)
 ۳۳۰..... پیوندهای ملکی «زنجیره‌ای»
 ۳۳۰..... (y)erek, -(y)arak-(با انجام دادن چیزی) :
 ۳۳۰..... پیشنهاد کمک کردن
 ۳۳۱..... وجه آرزو
 ۳۳۲..... القاب و خطاب‌ها
 ۳۳۳..... اصلاحات
 ۳۳۵..... درس ۸
 ۳۳۵..... اظهار تأسف، تعجب، همدردی
 ۳۳۶..... واژه‌های مربوط به زمان
 ۳۳۷..... اعضای بدن و اصطلاحات مربوط، اصطلاحات پزشکی و سلامتی
 ۳۴۵..... علائم بیماری (belirtiler)
 ۳۴۸..... کلمات مفید:
 ۳۴۸..... مراجعه به پزشک (doktor ziyareti)
 ۳۵۰..... کلمات مفید:
 ۳۵۰..... دندان پزشک (dişçi) :
 ۳۵۱..... حوادث/کمک‌های اولیه (kazalar/ilk yardım) :
 ۳۵۲..... داروخانه (eczane)
 ۳۵۴..... کلمات مفید:
 ۳۵۵..... ممکن است بشنوید:
 ۳۵۶..... زمان ماضی مطلق: di'li geçmiş zaman
 ۳۵۸..... Hala (هنوز)، Artık (دیگر)
 ۳۵۸..... پیشنهاد دادن توصیه کردن
 ۳۶۰..... DEn sonra - (بعد از)
 ۳۶۰..... DEn önce - (قبل از)
 ۳۶۰..... DEn ewel - (قبل از)
 ۳۶۰..... روایت کردن یک حادثه
 ۳۶۱..... DEn beri - (از... تاکنون) و Dİr (به مدت)
 ۳۶۱..... bile
 ۳۶۲..... Henüz
 ۳۶۲..... Hiç (هرگز، هیچ)
 ۳۶۲..... اصطلاحات اضافی در صحبت‌ها
 ۳۶۲..... استفاده از وجه شرطی در ذکر وقایع غیرمنتظره
 ۳۶۳..... اصطلاحات
 ۳۶۴..... درس ۹

- ۳۶۴ بیان قصد و نیت
- ۳۶۵ خرید
- ۳۶۵ اطلاعات (danışma)
- ۳۶۶ کلمات مفید
- ۳۶۷ سرویس (سرویس)
- ۳۶۹ پوشاک (giyim)
- ۳۷۱ کلمات مفید
- ۳۷۱ لوازم تزئینی (aksesuarlar)
- ۳۷۲ کلمات مفید
- ۳۷۳ کفش (ayakkabı)
- ۳۷۳ کلمات مفید
- ۳۷۴ وسایل الکترونیکی (elektronik aletler)
- ۳۷۶ کلمات مفید
- ۳۷۶ سوغات (hediyelik eşya)
- ۳۷۸ کتابها (kitaplar)
- ۳۷۹ اسباب بازیها/بازی (oyuncaklar/oyun)
- ۳۸۰ کلمات مفید
- ۳۸۲ توتون/ الکل (tütün ürünleri/alkol)
- ۳۸۳ زیورآلات/ساعت مچی (mücevher/kol saatleri)
- ۳۸۵ کلمات مفید
- ۳۸۵ در سوپر مارکت (süpermarkette)
- ۳۸۷ کلمات مفید
- ۳۸۸ پرداخت (ödeme)
- ۳۸۹ ممکن است بشنوید:
- ۳۹۰ istemek (خواستن)
- ۳۹۰ پوشیدنیها و زیورآلات
- ۳۹۰ Gelecek zaman: زمان آینده:
- ۳۹۱ کاربرد زمان آینده
- ۳۹۱ تبریک و تهنیت
- ۳۹۲ برخی اصطلاحات رایج
- ۳۹۲ اصطلاحات مربوط به can (جانان، دوست، رفیق، روح، جان)
- ۳۹۳ حدس و گمان
- ۳۹۴ پیوند -ki
- ۳۹۵ Ki در نقش حرف ربط
- ۳۹۷ Gibi: (مثل، مانند)

- ۳۹۷..... Sanki: (گویا، انگار)
- ۳۹۷..... : -(y)IncA
- ۳۹۷..... -eli -diX -eli -eli beri, -eliden beri, -eli (از هنگامی که، از وقتی که، از زمانی که)
- ۳۹۸..... madem, madem ki (مادام، مادامی که)
- ۳۹۸..... توصیه کردن
- ۳۹۸..... عبارتهای مربوط به مقادیر
- ۳۹۹..... اصطلاحات
- ۴۰۰..... درس ۱۰
- ۴۰۰..... تصمیم گیری
- ۴۰۱..... ناتوانی
- ۴۰۱..... پیشنهاد انجام کاری
- ۴۰۲..... ساختن جمله شرطی با ise
- ۴۰۴..... واحدهای شمارشی خوراکی ها
- ۴۰۴..... ابراز تأسف
- ۴۰۵..... غذا و نوشیدنی (yeyicek ve içecek)
- ۴۰۶..... میوهها و سبزیجات (meyveler ve sebzeler)
- ۴۰۷..... غذای دریایی (deniz ürünleri)
- ۴۰۸..... ادویهها و چاشنیها (baharatlar)
- ۴۰۹..... گوشت (et)
- ۴۰۹..... خواربار (bakkal)
- ۴۱۰..... نوشیدنیهای غیر الکلی (meşrubat)
- ۴۱۱..... مشروبات الکلی (alkollu içecek)
- ۴۱۱..... در رستوران: اشتهای آورها (restoranda: apearitif)
- ۴۱۲..... در رستوران: سوپ (restoranda: çorba)
- ۴۱۳..... در رستوران: غذای اصلی (restoranda: ana yemekler)
- ۴۱۶..... در رستوران: دسر (restoranda: tatlı)
- ۴۱۶..... در رستوران: نوشیدنیها (restoranda: içecekler)
- ۴۱۷..... در رستوران: رزرو (restoranda: rezervasyon)
- ۴۱۹..... کلمات مفید
- ۴۱۹..... در رستوران: سفارش غذا (restoranda: yemek siparişi)
- ۴۲۱..... در رستوران: سرویس (restoranda: Servis)
- ۴۲۳..... کلمات مفید
- ۴۲۴..... در رستوران: پرداخت: (restoranda: Hesab)
- ۴۲۵..... در بار: (Barda)
- ۴۲۵..... در رستوران: ممکن است بشنوید: (restoranda: Duyabileceğiniz)

- ۴۲۶ دعوت
- ۴۲۷ اصطلاحات
- ۴۲۹ درس ۱۱
- ۴۲۹ بیان الزام و اجبار
- ۴۳۰ انجام کار توسط دیگران (جملات سببی)
- ۴۳۱ به خاطر آوردن و فراموش کردن
- ۴۳۱ یادآوری‌ها
- ۴۳۲ پیوند İken- یا (y)ken- (هنگام، زمانی که) مانند:
- ۴۳۳ -a rağmen (به رغم، علیرغم، با وجود این که)
- ۴۳۳ ancak, yalnız (فقط، اما، تنها، ولی، نهایت)
- ۴۳۳ زمان‌های گذشته
- ۴۳۴ اصطلاحات
- ۴۳۵ درس ۱۲
- ۴۳۵ بیان توانایی‌ها
- ۴۳۸ DEn başka (علاوه بر، به غیر از)
- ۴۳۸ مکالمه تلفنی
- ۴۴۱ کلمات مفید
- ۴۴۲ ممکن است بشنوید
- ۴۴۲ اینترنت
- ۴۴۳ کلمات مفید
- ۴۴۳ فوریت و اضطرار
- ۴۴۳ -mEz ... -İr (به محض اینکه) :
- ۴۴۳ -masıyla... bir oldu
- ۴۴۴ نامه نگاری
- ۴۴۴ یک نامه رسمی
- ۴۴۴ یک نامه نیمه رسمی
- ۴۴۴ یک نامه غیر رسمی
- ۴۴۵ لغات نامه رسمی
- ۴۴۵ لغات نامه نیمه رسمی
- ۴۴۵ لغات نامه غیررسمی
- ۴۴۵ اداره پست
- ۴۴۸ کلمات مفید
- ۴۴۸ -mEk üzere (به منظور، برای)
- ۴۴۸ (y) İncEyE kadar (تا، تا زمانی که)
- ۴۴۸ DEn dolayı (به علت، به خاطر)
- ۴۴۸ استفاده از -ip برای جلوگیری از تکرار

- درس ۱۳ ۴۵۰
- درباره کسی/ چیزی پرسیدن ۴۵۰
- افعال مجهول ۴۵۱
- «که»: موصولی فاعلی و مفعولی ۴۵۱
- عباراتی که برای «و غیره» به کار می‌روند ۴۵۵
- شکل و مواد ۴۵۷
- قرض گرفتن، قرض دادن، قول دادن ۴۵۷
- اشیاء مفقوده ۴۵۸
- خبر کردن پلیس ۴۵۹
- ممکن است بشنوید ۴۶۰
- Dikça - (هر بار، هر زمان، بیشتر) ۴۶۱
- diğince ۴۶۲
- dikte ۴۶۲
- Er ... - (Er) (پیوند توالی) ۴۶۲
- kimse و birisi (کسی) ۴۶۲
- ve (و) ۴۶۲
- درس ۱۴ ۴۶۵
- نقل قول (۱) ۴۶۵
- نقل قول: ۴۶۶
- تأیید یک عمل ۴۶۷
- لغات مربوط به محیط ۴۶۸
- آب و هوا (Hava durumu) ۴۶۹
- کلمات مفید ۴۷۰
- ورزش/اوقات فراغت (spor/boş vakit) ۴۷۰
- اردو زدن (kamp yapmak) ۴۷۰
- کلمات مفید ۴۷۲
- در ساحل (kumsalda) ۴۷۲
- مسابقه اسب دوانی/استادیوم (at yarışları/stadium) ۴۷۵
- کلمات مفید ۴۷۶
- تنیس/گلف (tenis/golf) ۴۷۶
- ممکن است بشنوید ۴۷۶
- زمان ماضی نقلی: geçmiş zaman -miş'li ۴۷۷
- کاربرد زمان ماضی نقلی: ۴۷۸
- روایات ۴۷۸
- واژه‌های روایت فوق ۴۷۹
- درس ۱۵ ۴۸۰

- ۴۸۰ نقل قول (۲)
- ۴۸۰ نقل قول جملات امری
- ۴۸۱ نقل قول جملات سؤالی
- ۴۸۱ نقل قول سؤالی با ne, zaman ,nasıl ,nerede ,kimin ,kim و
- ۴۸۲ Demek و Söylemek :
- ۴۸۲ اظهار تناقض در جملات
- ۴۸۴ نکات بیشتری در مورد Diye
- ۴۸۴ بانک
- ۴۸۴ واریز/برداشت (para yatırmak/para çekmek)
- ۴۸۵ کلمات مفید
- ۴۸۵ مبادله ارز (döviz bozdurmak)
- ۴۸۶ کلمات مفید
- ۴۸۶ ممکن است بشنوید
- ۴۸۶ ترجمه متون پیچیده
- ۵۰۰ نمودار صرف افعال

تقدیم به:

همه می کسانی که برای یاد دادن عشق می ورزند و همچون شمعی برای روشن ساختن جامعه

می سوزند.

به نام خدا

پیش گفتار

خویشتن را با تکیه بر یک کتاب وارد دنیای مکالمات یک زبان بیگانه نمودن امری پیچیده است و به تلاش پیگیری و روش صحیح نیاز دارد. در مواردی کافی است برای جوابگویی برخی نیازها به حفظ کردن یک سری عبارات و اصطلاحات بسنده کنیم؛ مثلاً سلام دادن و احوال پرسی، تشکر کردن و خداحافظی. برای سفارش دادن کالا و خدمات می‌توانیم از یک چهارچوب یا ساختار ثابت استفاده کنیم و کلمات مورد نظر را در آن جا دهیم. اما به زودی ضرورت این نکته را احساس خواهیم کرد که برای تبادل ایده‌ها و نظرها باید دامنه واژگان خود را گسترش داده و با قواعد گرامری و ساختار زبان آشنایی حاصل نماییم تا بتوانیم اندیشه‌های خود را با جملات معقول بیان کرده و به نوبه‌ی خود گفته‌شخص مقابل رو درک کنیم. به این منظور، دانستن قواعد گرامری و به خاطر سپردن لغات به تنهایی کافی نیستند. ما باید زبان را آن طور که در عمل استفاده می‌شود یاد بگیریم. مثلاً تشخیص بدهیم در کجا باید مؤدبانه صحبت کرد، کی، کجا، و چگونه کلمات صمیمی و رسمی بکار ببریم و با توجه به مخاطب خود نوع کلام را معین بسازیم. به طور خلاصه، ما به عنوان فراگیران زبان موقعیت‌هایی را در ذهن به وجود آوریم که نیاز به زبان را در ما بر انگیزد و برای برقراری ارتباط موثر، منبعی پر بار از عبارت متداول، گنجینه لغات و قواعد گرامری در مغز خود تعبیه کنیم. لزوم تفاهم بین‌المللی امروز بیشتر از هر زمان دیگر احساس می‌شود و ترکیه نه تنها به خاطر آهنگ رشد شتابانی که از خود نشان می‌دهد بلکه به مناسبت نقش آن به منزله پل ارتباطی بین اروپا، خاورمیانه، غرب و مرکز آسیا حائز اهمیت است. کتابی که پیش رو دارید وسیله ارزشمندی در گشودن باب آشنایی با ملت ترک و خصایص زبانی آن‌ها است.

چگونه یاد گیرنده موفق باشیم؟

شما در صورتی طعم شیرین موفقیت در یادگیری را خواهید چشید که از کاربرد زبان مطلع باشید، با ساختار آن یعنی دستور زبان، تلفظ، واژه‌ها و موارد استفاده آن آشنا شوید. برای این کار وجود انگیزه‌ای قوی لازم است. در راستای فراگیری زبان هرگز از اشتباه گفتن، نوشتن، و خواندن نهراسید، قوای درونی خود را به خاطر ترس از ریسک کردن خاموش نکنید. سعی کنید حتی‌الامکان با دیگران ارتباط کلامی ایجاد کنید. می‌دانیم که اساس یادگیری زبان و درست سخن گفتن و درست نوشتن، تمرین و ممارست است نه آموختن دستور زبان؛ کسی زبان را درست می‌آموزد که بسیار بشنود، بسیار سخن بگوید، بسیار بخواند و بسیار بنویسد و البته در همه‌ی آن‌ها دقت بگمارد و در این راه تا آنجا که می‌تواند سماجت به خرج دهد. بسیاری از نویسندگان معروف که امروزه ما در استقراء قواعد دستور از آثار آنان مثال می‌آوریم، دستور نخوانده بوده‌اند و دستور نمی‌دانسته‌اند. اما با تمرین و ممارست و دقت و غور در آثار نویسندگان دیگر و طبیعت زبان که در محاورت اکثریت مردم تجلی می‌کند، روح زبان را دریافته و آن را به درستی به کار برده‌اند. این سخنان درست است؛ اما بدان معنی نیست که دانش آموزان و دانشجویان نیازی به فراگیری دستور ندارند؛ زیرا برای شناخت درست و علمی زبان و برای جلوگیری از نابسامانی و گزینش‌های نابجای واژه‌ها و عمل کرد درست در واژه سازی در مقابل مفاهیم جدید که وارد جامعه می‌شوند یا در جامعه پدید می‌آیند و نیز در مدارس و سازمان‌های انتشاراتی

برای توجیه و روشننگری تصحیحاتی که در نوشته و مقاله‌ها و کتاب‌ها به عمل می‌آید و نیز برای سهولت یادگیری زبان‌های بیگانه، آموختن دستور، اگر ضرورت نداشته باشد، سودمند است، و سودمندی آن در حدی است که ما را وادار می‌کند دستور یاد بگیریم و درست هم یاد بگیریم؛ به همین خاطر در این کتاب سعی شده است در کنار کلمات، اصطلاحات و مکالمات، به نکات دستوری زبان ترکی استانبولی نیز تا حد امکان اشاره شود.

کلام آخر

طبیعتاً هیچ اثری عاری از سهو و خطا نمی‌باشد. به یقین دوستان، دستورنویسان دانشمند و استادان زبان شناس در آن، کاستی‌ها و لغزش‌های فراوان خواهند یافت. امید است در آنچه از این دست می‌یابند با اغماض ننگرند و خطا پوشی نکنند؛ بلکه اشتباهات را گوشزد نگارنده کنند تا اگر عمر و فرصت و توفیقی باشد در ویرایش‌های بعدی در رفع آن‌ها بکوشد و کتاب را به اصلاح آرَد. باشد که از این راه بتواند گامی اگرچه خُرد در گسترش و اعتلای زبان ترکی بردارد. شایان ذکر است در تهیه و تدوین این مختصر، مأخذ متعدد و مختلفی که مستقیماً مربوط به موضوع بوده و یا در روشن شدن آن می‌توانست مفید واقع شود، مورد مراجعه و بررسی قرار گرفته است. در میان این مأخذ علاوه بر زبان زنده‌ی خلق، از آثار مشروح آکادمیک گرفته تا ساده‌ترین چیزها و خودآموزهای درسی وجود داشته است. با وجود این، کتاب حاضر، به طوری که از اسم آن نیز بر می‌آید، در صورتی که بتواند چشم انداز درستی در موضوع مورد بحث به خواننده‌ی عزیز بدهد و مبنایی برای پژوهش‌های جامع‌تر بعدی باشد، نگارنده کوششی را که از این رهگذر متحمل شده است، مأجور خواهد یافت. و به عنوان کلام آخر از تمام دوستان و عزیزانی که مرا در تهیه و تنظیم این کتاب یاری نموده‌اند کمال سپاس گذاری را دارم.

مرتضی عبدی

بهمن ۱۳۹۱

Morteza.abdi@gmail.com



کلیات زبان ترکی

زبان ترکی یکی از بارزترین و شاخص‌ترین زبان‌های دنیا از جهت صرف افعال متفاوت و کاربرد آن‌ها در زبان‌های مختلف و همچنین وجود واژه‌ها و اصطلاحات و لغات منحصر به فرد برای بیان احساسات، عملکرد و سایر موارد زبانی در سطح جهان بعد از عربی یکی از کامل‌ترین زبان‌ها به شمار می‌رود. از طرف دیگر تداخل واژه‌ها و کلمات عربی، فارسی، انگلیسی و فرانسه در طول زمان باعث شده که این زبان از نظر غنای کلمه‌ای و واژه‌ای در سطح قابل توجهی قرار بگیرد. بالغ بر شصت میلیون نفر در کشور ترکیه، گروه کثیری از ملت‌های بلغارستان، صربستان، رومانی، یونان، قبرس و کشورهای خاورمیانه و بیش از دو میلیون نفر افراد ساکن در آلمان، هلند، بلژیک، بریتانیا و استرالیا به زبان ترکی صحبت می‌کنند. زبان ترکی در ریشه به دو شاخه تقسیم می‌شود؛ اوغوزی و قپچاگی که زبان رایج اوغوزی دارای یک ریشه در ساختار جمله و به کار بردن کلمات دارد که به طور کلی لهجه‌های مختلف ترکی شامل قسمت غرب آسیای میانه، آذربایجان، ترکیه و قاقائوزهای رومانی و بلغارستان می‌شود، در این گروه جای دارد. بقیه لهجه‌های ترکی ریشه در ترکی قپچاگی دارند. این تمایز دلیلی بر عدم وجود ارتباط زبانی بین ملت‌های مختلف ترک نیست و غالب ترک‌زبان‌ها بیش از ۷۰ درصد از واژه‌های یکدیگر را می‌دانند و می‌توانند ارتباط زبانی برقرار کنند. به طوری که امروزه یک فرد ترک‌زبان و مخصوصاً آشنا به لهجه‌ها و زبان ترکی در صورت سفر به آمریکا و حضور در میان سرخ پوستان ملون جان می‌تواند به سهولت با آن‌ها ارتباط برقرار کند. زبان ترکی استانبولی نیز یکی از اعضای خانواده زبان «ترک» است که خود زیر مجموعه زبان «آلتیک» است که از جمله آن می‌توان به مغول، منچو و تنگو اشاره کرد. زبان ترکی استانبولی به همراه آذربایجانی (آذری)، ترکمنی و گگاوز، شاخه غربی خانواده زبان «ترک» را تشکیل می‌دهد.

۱۲۵ میلیون تن در سراسر جهان به زبان ترکی گویش می‌کنند که بیشتر آن‌ها در کمربند وسیعی، از بالکان گرفته تا ترکیه، قفقاز و شمال ایران (محل زبان آذربایجانی) تا آسیای میانه، قزاقستان و جنوب سیبری (محل زبان‌های ازبک، قزاق، ترکمن و قرقیز) ونیز در ولکا (محل زبان تاتار) پراکنده کند. اهالی سیبری به یکی از زبان‌های ترک موسوم به «یاکوت» تکلم می‌کنند. در حقیقت همان‌طور که «ژاکلین کورن فیلت» نویسنده کتاب «ترکی و زبان‌های ترک» در سال ۱۹۹۰ خاطر نشان کرده است بیشتر از یک نفر از هر ۱۰ شهروند شوروی سابق، یک زبان مادری ترک دارد. علاوه بر این‌ها، باید به شمار انبوهی از جمعیت ترک زبان در شمال غربی چین اشاره که به زبان‌های «یوگور» و «قزاق» صحبت می‌کنند.

ساختار گرامری زبان ترکی با اکثر زبان‌های اروپایی کمی متفاوت است. البته این زبان بسیار منسجم و نظاممند است و همین امر موجب سهولت در فراگیری آن می‌شود، مشروط بر آنکه نوآموز از همان وهله نخست با مهم‌ترین ویژگی‌های ساختی آن آشنایی یابد. به عبارت دیگر این زبان دارای قواعد مختص به خود بوده که از بسیاری از جهات

با سایر زبان‌های دیگر تشابهات زیادی داشته و در برخی از موارد از تفاوت‌های اندکی برخوردار است که این تفاوت از نقصان فنون علمی این زبان ناشی نمی‌شود؛ بلکه تفاوت‌های موجود به وجود نواقص‌های گرامری و یا قواعدی زبان‌های دیگر برمی‌گردد. مکس مولر شرق شناس و زبان شناس معروف آلمانی درباره دستور زبان ترکی چنین می‌گوید:

“It is a real pleasure to read a Turkish grammar... The ingenious manner in which the numerous grammatical forms are brought out, the regularity which pervades the system of declension and conjugation, the transparency and intelligibility of the whole structure, must strike all who have a sense of that wonderful **power of the human mind which has displayed itself in language**”



ترجمه:

خواندن دستور زبان ترکی واقعاً لذت بخش است... روش مبتکرانه‌ای است که در آن گونه‌های بی‌شمار گرامری به وجود آمده‌اند. منظم و با قاعده بودن آن باعث شده سیستم صرف کلمات و ترکیب در آن فراوان باشد و شفافیت و قابل فهم بودن کل ساختار آن به ذهن همه‌ی کسانی که احساسی دارند، خطور می‌کند که **قدرت ذهن بشر، خود را در زبان نشان داده است.**

زبان ترکی در سیر تاریخی خود به اقتضای موقعیت جغرافیایی این خطه، از یک طرف با عناصر دیگر زبان ترکی قدیم و در درجه اول با زبان قپچاق، که به وسیله قبایل ترک زبان به این نواحی منتقل می‌شده الفت یافته و از طرف دیگر با زبان‌ها فارسی و کردی در جنوب و مغرب و زبان‌های گرجی و ارمنی و روسی در شمال و شمال غربی مجاورت و آمیزش پیدا کرده است. با اینکه این الفت و آمیزش، موجب تأثیر لفظی متقابل این زبان‌ها در همدیگر گردیده با این همه زبان ترکی مانند هر زبان زنده دیگر، سیر تکاملی خود را بر اساس مشخصات ذاتی ویژه خود ادامه داده و ضمن این که زبان ادبی آن در ادوار مختلف، به علل تاریخی، تحت تأثیر و جاذبه زبان فارسی و از مجرای زبان فارسی در معرض نفوذ لغات و کلمات عربی قرار گرفته و از این رهگذر مقدار نسبتاً زیادی لغات مأنوس و نامأنوس فارسی و عربی در زبان ادبی آن راه یافته، معه‌ذا سیر تکاملی زبان در اساس بر طبق مشخصات ذاتی آن دوام داشته و علاوه بر میراث ادبی کلاسیک، ادبیات فلکلوریک غنی و سرشاری از خود به جا گذاشته که یکی از شکوفاترین ادبیات فلکلوریک بوده تأثیر آن در ادبیات خلق اقوام و ملل هم‌جوار مشهود و نمایان است.

دورنمای کلی و اجمالی فوق‌ایجاب می‌کند قبل از طرح مباحث اصلی دستور زبان ترکی به نکات و مسائل عمومی چندی به اختصار اشاره شود. اشاره به این نکات به آن جهت مفید و ضروری به نظر می‌رسد که افق دید ما را برای بررسی مباحث اصلی آماده‌تر خواهد ساخت.

این مسائل عبارتند از: ۱- زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر ۲- زبان گفتار و نگارش ۳- زبان و کلمات بیگانه ۴- ترتیب کلمات (در جمله) ۵- درباره ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی.

زبان یک عامل اجتماعی تحول پذیر

زبان پدیده اجتماعی ویژه‌ای است که به عنوان عامل الفت و وسیله مبادله اندیشه‌ها و مقاصد و آرا مابین افراد اجتماع عمل می‌کند. زبان حاصل زندگی جمعی انسان‌ها بوده و به مانند سایر نهادها و اشکال اجتماعی پا به پای تکامل جوامع بشری در تغییر و تحول است.

جریان تغییر و تحول تاریخی زبان در عین حال که تحت تأثیر قوانین عمومی تکامل اجتماع انجام می‌پذیرد، خصوصیت‌های ویژه‌ای برای خود دارد که ناشی از خصصت‌های اجتماعی زبان است. وجه تمایز بارز زبان از سایر اشکال و نمودهای اجتماعی در آن است که اولاً زبان در مقام مقایسه با آن‌ها عاملی پایدارتر و ثابت‌تر است؛ و به همین لحاظ هم تغییر و تحول آن نسبت به نمودهای دیگر به آرامی و تدریج انجام می‌گیرد و ثانیاً زبان بر خلاف پدیده‌های اجتماعی دیگر که معمولاً به قسمتی از زندگی اجتماعی و در مرحله معینی از تاریخ تکامل جامعه تعلق دارند، با تمام فعالیت‌های تجربی و فکری و حسی انسان در تمام ادوار تاریخی ارتباط دارد، جامعه رشد می‌یابد و پا به پای تکامل جامعه، دانش و هنر و فن و اقتصاد و سایر شئون زندگی نیز رشد و توسعه می‌پذیرند و این رشد و تکامل، مستقیماً در زبان منعکس می‌گردد و قالب گیری می‌شود.

زبان در دوران تغییر و تکامل تدریجی و ممتد ویژه خود، مانند هر پدیده تحول پذیر دیگری از قوانین و قواعد خاصی پیروی می‌کند که قوانین درونی یا ذاتی زبان خوانده می‌شود. این قوانین و قواعد که با خود زبان به وجود آمده و در بطن آن جان می‌گیرند پا به پای تکامل زبان نضج و استحکام گرفته و بر کلیه تحولات و تبدلاتی که در زبان رخ می‌دهد، نظارت می‌کنند.

قوانین ذاتی هر زبان، با پیدایش اشکال صوتی و لغات بنیادی آن زبان به وجود می‌آیند و در خارج از دایره آگاهی یا عدم آگاهی اشخاص بر وجود چنین قواعد و قوانین عمل می‌کنند. کما اینکه وقوف دانش بشری بر وجود چنین قوانین در ادوار خیلی بعد اتفاق افتاده، در حالی که قوانین ذاتی زبان از روزی که زبان به عنوان وسیله محاوره و تبادل افکار و مقاصد به کار رفته وجود داشته است.

پیش از آنکه تکامل دانش بشری وجود قوانین ذاتی زبان را معلوم کند و در صدد ارزیابی تحولات زبان بر اساس این قوانین بر آید و در حقیقت تا پیش از پیدایش زبان‌شناسی علمی، چنین تصویری وجود داشت که زبان‌ها صورتی ثابت و لایتغیر دارند و سعی عمده علمای صرف و نحو و لغت معطوف بر این می‌شد که صورت ثابت و به اصلاح «دست نخورده» زبان را ثبت کنند و هرگونه عدول از آن را دلیل کفر و نادانی شمارند و کسانی را که ملزم به رعایت آن صور و اشکال نشوند، عامی و فرومایه خوانند. پیدایش زبان‌شناسی علمی، این امکان را به وجود آورد که زبان نه به عنوان یک پدیده ثابت و متحجر، بلکه به عنوان نمود اجتماعی ویژه تحول پذیر مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد.

زبان گفتار - زبان نگارش

هر زبان به مثابه عامل الفت و وسیله تفاهم مابین افراد اجتماع، معمولاً دو جناح متمایز دارد. به عبارت دیگر، انسان‌ها برای تفهیم احساس و اندیشه و مقصد خود، معمولاً از دو طریق استفاده می‌کنند: یکی طریق سخن گفتن، که از آن به عنوان زبان گفتار یا محاوره می‌توان نام برد و دیگری از راه نوشتن، که به آن نیز زبان نگارش یا کتابت می‌توان نام داد. بدین ترتیب هر زبان، به مثابه عامل الفت اجتماعی، دو جناح متمایز پیدا می‌کند. یکی زبان گفتار و دیگری زبان نگارش. البته باید متذکر بود که این دوگانه گی میان زبان گفتار و نگارش جنبه نسبی داشته و تنها از لحاظ حدود و نحوه عمل آن‌ها در نظر است و گرنه هر زبان نگارش در اصل از یک زبان گفتار به وجود آمده الزاماً متکی به آن است. زبان گفتار یا زبان محاوره، همان زبانی است که اجماع مردم در محاورات و مکالمات روزمره خود به کار می‌برند. زبان تکلم هر قوم زبان طبیعی آن قوم است و به همین لحاظ از آن به عنوان زبان مادری و زبان خلق نیز نام برده می‌شود. زبان تکلم، به حکم قوانین ذاتی و به اقتضای شرایط تاریخی در ادوار مختلف تاریخ میان شاخه‌های مختلف یک قوم و ساکنان هم زبان یک سرزمین خصوصیات صوتی و شیوه‌های تلفظ و مفاهیم کمابیش ویژه‌ای پیدا می‌کند و از این رهگذر، لهجه‌ها و شیوه‌های مختلف زبان تکلم به میان می‌آید.

لهجه‌ها و شیوه‌های گوناگون زبان تکلم، در مرحله معینی از تحول اجتماعی هر قوم که بر آن می‌توان دوران پراکنده گی نام داد به وجود می‌آید و برای مدت کم و بیش طولانی که دوران استقرار روش فئودالی در جامعه را در بر می‌گیرد. منظره عمومی زبان گفتار آن قوم را به وجود می‌آورند. با القای رژیم فئودالی و دگرگون شدن چهره عمومی جامعه، لهجه‌ها و شیوه‌های مختلف زبان نیز جای خود را با یک زبان عمومی و مشترک گفتار عوض می‌کنند.

زبان نگارش یا کتابت زبانی است که انسان از آن برای ثبت و ضبط احساسات، اندیشه‌ها و نتایج مشاهدات و تجارب خود و انتقال آن به افراد هم زمان دوردست و به نسل‌های آینده استفاده می‌کند. زبان نگارش هر قوم، زبان مدنیت و فرهنگ و ادبیات آن قوم محسوب است؛ و از این لحاظ به آن زبان ادبی نیز می‌گویند.

زبان نگارش در هر قوم، در درجه اول مورد استفاده کسانی قرار می‌گیرد که خواندن و نوشتن بلد باشند و بنابراین در میان توده‌های انبوه هر قوم که در طول تاریخ از این نعمت محروم می‌مانند احساس‌ها و اندیشه‌ها و تجارب از مجرای زبان گفتار از سینه به سینه و از نسل به نسل انتقال یافته و از مجموع آن ادبیات شفاهی یا زبانی خلق به وجود می‌آید. زبان ادبی هر قوم، بر اساس یکی از شیوه‌های تکلم همان قوم بنیاد می‌گیرد. از میان شیوه‌ها و طرز تکلم‌های مختلف، یک شیوه تکلم تحت تأثیر علل مختلف که در رأس آن مرکزیت و پیشرفته گی عمومی ناحیه رواج آن طرز تکلم نسبت به نواحی دیگر قرار دارد، موقعیت زبان نگارش را کسب می‌کند.

بدین ترتیب، هر زبان در عین حال که می‌تواند در قلمرو تکلم خود دارای لهجه‌ها و شیوه‌های تکلم متنوع باشد، معمولاً بیش از یک زبان ادبی نخواهد داشت. این زبان ادبی ضمن اینکه به یکی از لهجه‌های تکلم بیشتر از سایر لهجه‌ها نزدیک‌تر خواهد بود ولی هرگز صد در صد عین آن نخواهد بود. زیرا زبان ادبی، اولاً بعد از ایجاد و ثبات، ضوابط و قواعد و اسلوب‌های بدیعی و فنی ویژه‌ای پیدا خواهد کرد که لهجه در دوران حیات خود از آن بی نصیب است. دیگر اینکه زبان ادبی در خارج از حدود گنجایش لهجه تکلم که بر اساس آن استوار گشته است، کلمات و تعبیرات دیگری نیز از سایر لهجه‌ها و شیوه‌های خویشاوند و همچنین زبان‌های بیگانه می‌پذیرد. به طوری که ممکن است حتی تحت شرایط تاریخی معین، مورد استیلای یک یا حتی چند زبان اجنبی قرار گیرد و به صورت یک زبان کاملاً ساختگی درآید.

تفاوت و دوگانگی زبان نگارش با لهجه‌ها و شیوه‌ها گفتار، با نوسانات کم و بیش در تمام دورانی که جامعه در شرایط از هم گسیختگی و عقب‌ماندگی فئودالی به سر می‌برد ادامه می‌یابد. در این شرایط، زبان ادبی در دایره‌های اجتماعی محدودی رواج دارد و اکثریت بزرگ مردم به علت عدم آشنایی با خواندن و نوشتن از به کار بردن آن محرومند. زبان ادبی در اختیار افراد و قشرهایی قرار دارد که خود را در یک موقعیت برتر و فراتر می‌شمارند و از لهجه‌ها به عنوان زبان «عامیانه» و با خفت و حقارت نام می‌برند و آثاری را که احیاناً در لهجه‌ها به وجود می‌آید بی‌مقدار می‌شمارند. ولی با تکامل تاریخی جامعه و دگرگون شدن چهره اجتماع و در شرایط تعمیم فرهنگ و گسترش مطبوعات، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون و اینترنت، زبان ادبی از خدمت قشرهای محدود جامعه رها شده در خدمت اکثریت مردم جامعه گمارده می‌شود و بنابراین، در کمیت و کیفیت آن تحولات اساسی رخ می‌دهند.

این تحولات اساسی، بیش از هر چیز، در زمینه نزدیک شدن زبان عامه به زبان ادبی خود نمایی می‌کند. زبان ادبی به ناگزیر حالت گرایش آستی‌جویانه بی‌سابقه‌ای به زبان عامه نشان می‌دهد و برای ایجاد زبان گسترش یافته و تعمیم پذیرفته‌ای که حوائج نگارش و تکلم اکثریت بزرگ مردم را بر آورد، به کوشش بر می‌خیزد. حاصل این کوشش، سر انجام به صورت پیدایش زبان نگارش و تکلم عمومی و واحد که در فرق و دوگانگی دو جناح زبان به مرور از میان بر می‌خیزد، جلوه گر می‌گردد.

زبان و کلمات بیگانه

دانش زبان‌شناسی، حتی مدت‌ها پیش از آنکه به شکل دانش مستقل و مدونی در آید، این موضوع را به تلویح و تصریح پذیرفته است که هیچ یک از زبان‌های موجود روی زمین زبان «سره و تمیز» نبوده و نمی‌تواند هم باشد. لغات و کلماتی که در نتیجه روابط و تأثیر متقابل زبان‌ها مبادله می‌شوند، نه تنها در جرگه لغات ترکیبی زبان وارد می‌گردد، بلکه ممکن است به بنیاد لغوی زبان نیز راه یابند.

ملل و اقوامی که از دیر باز در جهان پا به عرصه هستی گذاشته‌اند، در عین حال که هر یک مراحل تاریخ اجتماعی و مدنی خود را به شکل خاصی پیموده‌اند، هیچ وقت به حالت انزوا و تجرید نزیسته، بلکه در حال ارتباط و مراوده با اقوام و ملل دیگر به سر برده‌اند. همین مسئله ارتباط و مراوده اجتناب ناپذیر ملل و اقوام، به تنهایی می‌تواند دلیل کافی برای تأثیر متقابل زبان‌های آن‌ها در یکدیگر باشد. در صورتی که در تاریخ هر قومی، در سیر مراحل رخدادهای گوناگونی از قبیل انفکاک، اختلاط، سلطه‌های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و نقل و انتقال کانون‌های مدنیت و فرهنگ از یک نقطه به نقطه دیگر وجود داشته و در نتیجه بر حدود و میزان این تأثیر بیش از پیش افزوده است.

از این دیدگاه، دخول لغات بیگانه در زبان هر قوم و ملتی از یک طرف امری اجتناب ناپذیر و از طرف دیگر متناسب با سیر و تحول تاریخی و مدنی و در نتیجه با میزان تکامل و وسعت زبان آن قوم خواهد بود.

اصولاً، اصالت یک زبان بیش از آنکه در قبول یا عدم قبول این یا آن کلمه بیگانه باشد، در استحکام ساختمان و چوب بست لغات بنیادی و پا برجایی و استواری قواعد داخلی آن است و تنها با از هم پاشیدن ساختمان لغات بنیادی و فسخ قوانین درونی است که زبان اصالت خود را از دست می‌دهد و چه بسا از بین می‌رود.

زبان، در سیر عادی و طبیعی خود، وقتی ناگزیر به قبول لغات بیگانه می‌گردد که با پدیده‌ها و مفاهیم تازه‌ای روبه‌رو می‌شود و نمی‌تواند با پیوند و اشتیاق و ترکیب از الفاظ و عناصر موجود خود، مدلول و وجه تسمیه‌ای بر آن‌ها معلوم کند، در این صورت زبان لغت مربوط را از زبان‌های دیگر به عاریت می‌گیرد و منتها اثر این عاریت را معمولاً با مجزا ساختن لغت مورد نظر از وابستگی‌های گرامری زبان اصلی و تعدیل و تغییر آن بر اساس قوانین صوتی و شکلی خود از بین می‌برد. به عبارت دیگر زبان لغت بیگانه را به صورت مجرد و به مثابه ماده خام پذیرفته و آن را وادار به پذیرش قواعد گرامری خود می‌کند. لغتی که به این شکل وارد زبان می‌شود، با قواعد خاص زبان تطبیق یافته و به اصطلاح قبول تابعیت می‌کند و بنابراین خللی هم بر استقلال زبان وارد نمی‌سازد.

علاوه بر حالت اجباری و اجتناب ناپذیر فوق، لغات بیگانه ممکن است به اشکال دیگر نیز وارد زبان شوند و این امر احتمال دارد در ادوار مختلف حیات زبان، به اقتضای اوضاع و عوامل خاص روی دهد. در چنین مواردی به خصوص اگر لغت خارجی با مشخصات گرامری خود وارد زبان شده و این مشخصات را در داخل زبان نیز حفظ کند، استقلال زبان را مخدوش ساخته و در زبان حقوق کلنی برای خود تحصیل می‌کنند.

این اتفاق در دورانی که زبان ادبی و زبان عامه به طور سوا از هم به سیر تاریخی خود ادامه می‌دهند، اکثراً برای زبان ادبی رخ می‌دهد و با اینکه غالباً با تصور و ادعای غنی کردن زبان توأم است، نتیجه آن درست در خلاف جهت این تصور و ادعا خواهد بود. زیرا این کلمات و لغاتی که بدون هیچ گونه لزوم و ضرورتی وارد زبان شده‌اند، مانند گیاهان هرزه آن را احاطه خواهند کرد و مانع از رشد و تحول طبیعی زبان خواهند بود.

البته وقتی جامعه به مرحله‌ای از تکامل می‌رسد که مسئله ایجاد زبان واحد عمومی مطرح می‌شود، زبان به حکم وظایف جدیدی که به عهده‌اش محول می‌گردد، آمادگی قطعی‌تری برای رها ساختن خود از قید کلمات و لغات ناموزون و مغایر با موازین داخلی خود ابراز می‌دارد. در همین مرحله است که یک عده از ادبا و دانشمندان و مجامع نیز با اندیشه تصفیه زبان از وجود لغات نامتجانس تماس پیدا می‌کنند. ولی کوشش این افراد و جوامع، وقتی مفید و مثمر خواهد بود که اقداماتشان در جهت درک و رعایت قواعد و موازین داخلی زبان بوده و متکی بر بدایع و زیبایی‌های زنده خلق باشد.

در همین راستا در زمان حکومت عثمانی در دوران‌های مختلف برای از میان برداشتن اختلاف ژرفی که بین زبان مردم و زبان «ادبی» طبقات مرفه و بالای جامعه پدید آمده بود کوشش‌هایی صورت گرفت. این کوشش‌ها برای آن بود که زبان عثمانی از تعبیرات، اصطلاحات و لغات نامأنوس پاک گردد و رو به سادگی نهد. نخستین کوششی که در این راستا انجام گرفت مربوط به دوران اصلاحات (۱۸۷۸-۱۸۳۹ میلادی) است که در تاریخ ترکیه از آن به عنوان «دوران تنظیمات» یاد می‌شود. با اینکه در این دوره برای پاک سازی و ساده کردن زبان عثمانی گام‌های مهمی برداشته شد، اما این روند ناتمام ماند. از سوی دیگر با «غرب‌گرایی» همه‌گیری که در این دوره پا به میدان نهاده بود، لغات بسیاری از زبان‌های اروپایی، به ویژه فرانسوی، به زبان عثمانی راه یافت.

مرحله دوم در ساده کردن زبان عثمانی با قیام «ترک‌های جوان» آغاز شد (۱۹۰۸ میلادی). در این مرحله نیز کوشش‌هایی که در جهت نزدیک کردن زبان عثمانی به زبان مردم صورت می‌گرفت بی نتیجه ماند و بدین ترتیب مسائلی که قرن‌ها گریبان گیر زبان ترکی شده بود همچنان حل نشده باقی ماند.

آغاز دوران جمهوری نقطه عطفی در پیشرفت و تکامل زبان ترکی بود. بعد از آنکه در سال ۱۹۲۳ رژیم سلطنتی به جمهوری تغییر یافت، اصطلاحات اساسی در زبان نیز شروع شد. ای اصطلاحات که تحت عنوان «انقلاب زبان» انجام گرفت از جمله منجر به تغییر الفبای ترکی از عربی به لاتین و تغییر نام زبان از «عثمانی» به «ترکی» شد. در سال ۱۹۳۲ مرکزی به نام «نهاد زبان ترک»، که نوعی فرهنگستان زبان است، تاسیس شد که وظیفه‌اش انجام اصطلاحات در زبان، ساختن واژه‌های نوین و پاک کردن زبان ترکی از لغات و اصطلاحات بیگانه است. این نهاد با استخراج واژگان از کتیبه‌ها و یادمان‌های باستانی ترکی، زبان‌های خویشاوند و زبان‌ها و لهجه‌های مختلف ترکی اقدام به یافتن معادل‌های ترکی برای لغات بیگانه، و در صورت لزوم ساختن واژه‌های نوین بر اساس واژه‌های قدیمی و گاه مهجور ترکی کرد.

البته در کار اصلاح زبان برخی زیاده روی‌ها نیز صورت گرفت، از جمله جایگزینی کلمات جدید به جای کلمات مأخوذی که در زبان مردم پذیرفته شده بود، ساختن کلمات مجعول و غیره. از سوی دیگر مداخله غیر ضروری در فرایند طبیعی تکامل زبان برای دست یافتن به موفقیت در کوتاه‌ترین مدت باعث ایجاد مشکلاتی شد. از جمله این مشکلات پدید آمدن نوعی اختلاف زبانی بین نسل‌ها بود. البته این مشکل امروزه بر اثر عواملی چون گذشت چندین دهه از شروع اصلاحات، تربیت چندین نسل با اصول نوین، پیشرفت و رواج وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو - تلویزیون، اینترنت) و... تا حد بسیار زیادی حل شده است.

ترتیب کلمات (در جمله)

زبان‌ها از نظر ساخت، ترتیب کلمات و یا جمله بندی بر اساس سه عنصر فاعل (S)، فعل (V) و مفعول (O) به سه الگوی متفاوت دسته بندی می‌کنند. ساخت SVO در زبان‌های فرانسوی، اسپانیایی و انگلیسی، ساخت SOV در فارسی، ترکی، ژاپنی و کره‌ای و ساخت VSO در عبری و ولزی معمول است. ترتیب جمله که برجسته‌ترین جنبه دستوری زبان تلقی می‌شود در ساخت جملات معنا دار نقش بنیادین دارد. برای اثبات این ادعا به دو جمله معنا دار و بی معنی زیر توجه نمایید:

«شما در جستجوی چه چیز هستید؟»

«چیز در هستید چه شما جستجوی؟»

به هم ریختن ترتیب کلمات در مثال دوم، جمله را از نظر دستور زبان فارسی ثقیل و نامقبول کرده است. اما همیشه این طور نیست که الگوها، خشک و تغییر ناپذیر باشند و یا اینکه بی بند و باری بر آن‌ها حاکم باشد و بتوان با آزادی کامل، ترتیب جملات را بهم ریخت. بلکه در محدوده‌ای قابلیت انعطاف و انطباق دارند. مثلاً همان طور که گفتیم الگوی متعارف ساخت جمله در زبان فارسی به صورت SOV (فاعل+مفعول+فعل) است مثلاً «احمد شیشه را شکست». احمد فاعل، شیشه مفعول و شکست فعل است این الگو را تحت شرایطی که فضای گویشی و نوشتاری مشخص می‌کند می‌توان به OSV (مفعول+فاعل+فعل) تغییر داد: «شیشه را احمد شکست».

الگوی SOV در زبان ترکی و فارسی نسبت به دیگر الگوهای زبانی انعطاف و دگرگونی بیشتری دارد یا به عبارتی، تغییر پذیر تر است. مثلاً گوینده ترک یا فارس زبان می‌تواند به آسانی با جا به جایی کلمات جمله، توجه خواننده را به مضمون اصلی جمله و یا به کلمه‌ای که نیازمند تاکید بیشتر است، معطوف کند. این از آنجا ناشی می‌شود که اولین کلمه جمله می‌تواند حامل مضمون اصلی جمله باشد و کلمه‌ای که بلافاصله بعد از فعل واقع می‌شود همانی است که گوینده بر آن تاکید می‌ورزد.

از ترکی مثال بزنیم: Ahmet elmayı yedi (احمد سیب را خورد) مضمون ساده و اصلی جمله این است که احمد اقدام به خوردن سیب کرده است و یا می‌تواند موید این نکته باشد که احمد سیب را خورد و نه موز را. اگر جمله را به Elmayı Ahmet yedi تغییر دهیم تاکید بر احمد است نه کس دیگر؛ و همین‌طور دو ساخت دیگر نیز می‌توان برای جمله فوق متصور شد:

| | | |
|--------|------|--------|
| Elmayı | yedi | Ahmet |
| Ahmet | yedi | elmayı |

که البته گزینش هر یک از جملات فوق‌الذکر بستگی به سبک و شرایط دارد. به طور کل در زبان‌های هند و اروپایی عنصر اصلی (مبتدا و خبر) در ابتدا قرار می‌گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط به شکل حلقه‌های زنجیر به یکدیگر مربوط می‌شوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند ساختمان جمله ناقص می‌شود. ولی در ترکی ترکیب عناصر کاملاً برعکس است یعنی باید ابتدا عناصر فرعی و ثانوی تنظیم و گفته شود، عنصر اصلی یا فعل هم در آخر قرار می‌گیرد. مثال از فارسی: من به استانبول رفتم تا دوستم را ببینم که اخیراً از فرانسه آمده و در آنجا شش سال طب خوانده است. همین مثال در ترکی:

Altı yıl tıp okuduktan sonra Fransa'dan yeni gelen dostumu görmek için İstanbul'a gittim.

جفری لوئیس در دستور خود اجزای جمله‌ی ترکی را به ترتیب زیر می‌شمارد:

۱-فاعل ۲-قید زمان ۳-قید مکان ۴-مفعول غیر صریح ۵-مفعول صریح ۶-قید و هر کلمه‌ای که معنی فعل را تغییر دهد ۷-فعل

هر چیز معین بر غیر معین مقدم است، یعنی اگر مفعول صریح معین باشد بر مفعول غیر صریح غیر معین مقدم می‌شود. مثال جمله ترکی مرتب چنین است:

Ressam geçen gün müzede izleyicilere resimlerini kendisi gösterdi.

نقاش روز گذشته در موزه تابلوهایش را به حضار، خودش نشان داد.

بعلاوه هر عنصری از جمله که به آن اهمیت بیشتری داده شود نزدیک فعل قرار می‌گیرد.

درباره ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی

منظور از ویژگی‌های عمومی، آن دسته از جنبه‌ها و خصوصیت‌ها است که به طور مشترک در ساختمان لفظی و گرامری زبان‌هایی که از یک اصل و ریشه منشعب گشته و جبراً اعضای یک گروه خویشاوند محسوب می‌شوند، خودنمایی

می‌کند. بررسی و ارزیابی این ویژگی‌ها، یکی از مسائل اساسی دستور زبان تطبیقی است و در عین حال جنبه‌های مترادف و متباین یک گروه خویشاوند را با گروه دیگر مشخص می‌سازد.

ویژگی‌های عمومی موجود در زبان‌های ترکی را می‌توان به شکل زیر خلاصه کرد:

الف - جنبه التصاقی یا پیوندی

اولین خصوصیت بارز و چشمگیری که در ترکیب ساختمانی کلمات و الفاظ زبان‌های ترکی به نظر می‌رسد، جنبه التصاقی یا پیوندی این زبان‌هاست. زبان‌های شناخته روی زمین از دیدگاه شکل ساختمانی کلمات و الفاظ به سه دسته تقسیم می‌شوند: زبان‌های تک هجایی، زبان‌های التصاقی یا پیوندی و زبان‌های تحلیلی.

در زبان‌های تک هجایی، کلمات از یک هجا به وجود می‌آیند و جمله از تسلسل یک رشته کلمات تک هجایی تشکیل می‌شوند و معنی آن در همان رشته تسلسل کلمات مفهوم می‌گردد. جریان تصریف و حالت پذیری که در زبان‌های دیگر به صورت افزودن پیوند و پیشوند و میان وند بر ریشه کلمات حاصل می‌شوند، در زبان‌های تک هجایی وجود ندارد. در این دسته از زبان‌ها کلمات اصولاً فاقد جنبه و استعداد ترکیب و تصریف هستند و جریان حالت پذیری در این زبان‌ها با دخالت کلمه دیگر عملی می‌گردد. زبان‌های چینی و تبتی و ژاپنی جزو این دسته از زبان‌ها هستند.

در زبان‌های التصاقی یا پیوندی، علاوه بر ریشه کلمات که از یک یا چند هجا تشکیل می‌یابند، ادات پیوندی وجود دارد. این پیوندها در زبان دو وظیفه مشخص انجام می‌دهند: یک دسته از آن‌ها با پیوستن به آخر ریشه‌ها کلماتی با مفاهیم مستقل و جداگانه به وجود می‌آورند و بدین وسیله بر میزان ذخیره کلمات بر زبان می‌افزایند و دسته دیگر، ضمن الحاق به آخر کلمات و الفاظ تصریف و حالت پذیری آن‌ها را در کلام میسر می‌سازند. در این دسته از زبان‌ها، رادیکال کلمه ثابت و تغییر ناپذیر بوده و به سهولت از ادات پیوندی قابل تشخیص است. این زبان‌ها ممکن است پیشوندی یا پیوندی باشند. یعنی امکان دارد پیوندها به اول یا آخر ریشه‌ها الحاق شوند. به عنوان مثال کلمه *ellerimde* (در دست‌های من) مرکب است از یک ریشه یعنی *el* (دست)، یک پیوند جمع *-ler*، یک پیوند ملکی برای اول شخص مفرد *-im*، و پیوندی برای محل یا مکان یعنی *-de* (در). زبان‌های اورال - آلتی و از آن میان زبان‌های گروه ترکی، منجمله زبان ترکی استانبولی جزو زبان‌های التصاقی پیوندی هستند. یعنی در این گروه زبان‌ها پیوندها عموماً به آخر ریشه‌ها و کلمات افزوده می‌شوند.

زبان‌های تحلیلی نیز از الحاق پیوندها و پیشوندها به اول و آخر ریشه‌های یک یا چند هجایی تشکیل می‌شوند. منتها در جریان ترکیب و تصریف غالباً در ساختمان خود ریشه نیز دگرگونی‌هایی روی می‌دهد. بعضاً صوت یا اصواتی در داخل ریشه برای خود جا باز می‌کنند و در مواردی نیز شکل اولیه کلمه از هم می‌گسلد و چوب بست آن فرو می‌ریزد. در بعضی از زبان‌ها این در هم ریختگی به یک دگرگونی کامل مبدل می‌شود و هیچ اثر و نشانه‌ای از ریشه اصلی به جای نمی‌ماند. زبان‌های هند و اروپایی و زبان‌های سامی و از این میان زبان‌های فارسی و عربی جزو این دسته از زبان‌ها هستند.

البته، به طوری که در بالا نیز اشاره شد، در این نوع زبان‌ها تغییرات و دگرگونی‌های حاصله یکسان و همانند نبوده و در زبان به صورت خاصی نمودار می‌شود. مثلاً در زبان فارسی ریشه اسامی عموماً تغییر پیدا نمی‌کند و اسما تصریف

نمی‌شود، در عوض ریشه‌های فعلی به صور مختلف دگرگون می‌شوند در حالی که در زبان عربی ریشه‌های افعال و اسما هر دو دچار تبدلات می‌گردند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

| ترکی | انگلیسی | فارسی |
|------------------------|-----------------------|-------------------------------------|
| bulut | cloud | ابر |
| bulut-lar | clouds | ابرها |
| bulut-lar-ım | my clouds | ابره‌ای من |
| bulut-lar-ım-da | in my clouds | در ابره‌ای من |
| bulut-lar-ım-da-ki | the one in my clouds | آن کس یا چیزی که در ابره‌ایم هست |
| bulut-lar-ım-da-ki-ler | the ones in my clouds | آن کس یا چیزهایی که در ابره‌ایم هست |

| ترکی | انگلیسی | فارسی |
|------------|-------------|---------------|
| gittim | I went | رفتم |
| giderim | I go | می‌روم |
| gitmişim | I have gone | رفته‌ام |
| gideceğim | I will go | خواهم رفت |
| gidiyordum | I was going | داشتم می‌رفتم |
| gidiyorum | I am going | دارم می‌روم |

ب- توالی پیوندها

یکی دیگر از جنبه‌های تمایز زبان‌های ترکی، اصل توالی منطقی پیوندها در این زبان‌هاست. به موجب این اصل، در زبان‌های ترکی از انواع پیوندها آنچه وظیفه ماهوی داشته و در معنی خود کلمه ایجاد تصرف کند، در فاصله نزدیک‌تر به ریشه و آنچه نقش خارجی داشته و برای ایجاد همبستگی میان اجزای مختلف کلام به کار رود، در فاصله دورتری از ریشه قرار می‌گیرد.

در زبان‌های ترکی، پیوندها به دو نوع عمده توصیفی و تصریفی قسمت می‌شوند. پیوندهای توصیفی به لحاظ اینکه نقش خود در داخل کلمه و در زمینه مفهوم جدید بخشیدن بر آن ایفا می‌کنند، از پیوندهای تصریفی که وظیفه ارتباط کلمه را با سایر اجزای کلام فراهم می‌سازند، بر ریشه نزدیک‌ترند. مسئله توالی پیوندها به حدود ریشه‌های توصیفی و توصیفی محدود نموده در میان اشکال هر یک از این دو نوع نیز رعایت می‌شوند.

ج- هماهنگی اصوات

خصوصیت بارز دیگر زبان‌های ترکی، هماهنگی و تطابق گروهی اصوات در این دسته از زبان‌هاست. اصوات یا آواها در زبان به عنوان عناصر بسیط تشکیل دهنده کلام دارای اهمیت و نقش اساسی هستند ولی چیزی که هست، اصوات در تشکیل کلمات و کلمات در انتخاب اصوات آزادی مطلق ندارند و هر کلمه نمی‌تواند مواضع صوتی خود را دل‌خواهی به هر صوتی بسپارد در نتیجه در زبان‌های هر گروه، غالباً وجود یک نوع نظم و ترتیب و انضباط آوایی به چشم می‌خورد که از آن بنام ویژگی‌های صوتی آن گروه نام می‌برند و معمولاً هر تغییر و تبدیل صوتی در زبان از این نظم و ترتیب پیروی می‌کند. این امر در زبان‌های ترکی به شکل هماهنگی گروهی اصوات تظاهر می‌کند که از جنبه‌های خاص این زبان بوده و منظره صوتی ویژه‌ای به کلمات و الفاظ آن‌ها می‌بخشد.

به عنوان یک اصل، کلمات ترکی فقط می‌توانند حاوی حروف مصوت پیشین (E , İ , Ü , Ö) و یا پسین (A, O, U , I) باشند (مانند torun نوه و tören مراسم) و این حروف موجود در ریشه است که نوع حروف مصوت بعد خود را تعیین می‌کنند. مثلاً به حروف مصوتی که به دو ریشه el (دست) و at (اسب) پیوند شده‌اند توجه کنید: eller (دست‌ها)، ellerim (دست‌های من)، atlar (اسب‌ها)، atlarım (اسب‌های من)، atlarım (به اسب‌های من).

د- کوتاهی مصوت‌ها

خصوصیت عمومی دیگر زبان‌های ترکی، کش دار نبودن اصوات مصوت رایج در این زبان‌ها است. منظور از کوتاه یا کشیده بودن یک صوت مصوت، فرق بین فاصله زمانی مابین شروع و پایان تلفظ آن است. به عبارت دیگر، وقتی یک مصوت به شکل انفجاری از حنجره خارج شود، شکل کوتاه و هرگاه به صورت کش دار ادا شود شکل کشیده آن را خواهد داشت. اصوات مصوت در هر زبان ممکن است از نوع کوتاه یا کشیده و یا ترکیبی از این دو باشند و حتی امکان دارد یک یا چند مصوت در یک زبان واجد هر دو شکل کوتاه و کشیده آن باشند. زبان‌های ترکی از نظر عمومی زبان‌های کوتاه مصوت به شمار می‌روند و با اینکه در برخی از کلمات اصیل به علت رخدادهای صوتی و همچنین در یک رشته از لغات دخیل به اشکال کشیده مصوت‌ها می‌توان برخورد، با وجود این، خصوصیت کوتاهی مصوت‌ها از وجوه تمایز این زبان‌ها بوده و یکی از لوازم بومی شدن لغات بیگانه این است که مصوت‌های کشیده آن‌ها به مصوت‌های کوتاه و متعارف تبدیل شوند.

ه- نبودن علامت جنس

زبان‌های ترکی، از نوع زبان‌های فاقد علامت جنس و حرف تعریف هستند. منظور از جنس در هر زبان تمایز شکلی اسامی مذکر و مؤنث از یکدیگر است. در گروهی از زبان‌ها، اسامی به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می‌شوند و در برخی از آن‌ها حالت خنثی نیز وجود دارد. تعیین جنسیت کلمات در این نوع زبان‌ها معمولاً با افزودن پیوند یا پیشوندهای مخصوص جنس به آخر یا اول کلمات و یا با آوردن حرف تعریف در جلو اسامی مشخص می‌گردد. در زبان‌های ترکی جنسیت گرامری وجود نداشته و جنس هر اسم از مدلول آن معلوم می‌شود.

و-تنوع و نظم افعال

زبان‌های ترکی از نظر وسعت و تنوع افعال از زبان‌های غنی محسوب می‌شوند. در این زبان‌ها افعال حالت انعطاف و استعداد فوق‌العاده‌ای به تصریف و پذیرش و مفاهیم و متنوع ابراز می‌دارند. جالب اینجاست که این انعطاف پذیری عموماً مبتنی بر نظم و قاعده است به طوری که زبان‌های ترکی از نظر تصریف افعال از با قاعده‌ترین زبان‌ها محسوب می‌گردند.

ی-ریم (وزن)

زبان ترکی (همچون اسپانیایی و فرانسوی) یک زبان هجایی یا متکی بر سیلاب است. به عبارت دیگر الگوی ریتمی یا وزن حاکم بر اصوات و تلفظ‌ها، ادا کردن مجموعه هجاها با آهنگی یکنواخت و فاصله برابر است. یعنی تک تک هجاها به طور واضح و با فاصله مساوی نسبت به هم بر زبان جاری می‌شود:

A-teş-ol-ma-yan-er-den-du-man-çık-maz. (از جایی که آتش نباشد دود بلند نمی‌شود). همان‌طور که ملاحظه می‌کنید جمله فوق را تقسیم هجایی کرده‌ایم و غرض نمایش این نکته این است که هجاها را باید جداگانه با طنین یکنواخت و واضح بیان کرد. اصولاً بسیاری از کلمات عربی و فارسی در زمان امپراتوری عثمانی به زبان ترکی استانبولی رخنه کرده‌اند و قطعاً تلفظ برخی از کلمات عاری از این تأثیر پذیری نبوده است از این نظر یادگیری آن برای فارسی زبانان مشکلی ایجاد نمی‌کند.

زبان‌های وابسته به یک گروه خویشاوند، ضمن دارا بودن جنبه‌ها و ویژگی‌های عمومی مشترک هر یک ویژگی‌های خاص خود را نیز دارند. این ویژگی‌ها که در حقیقت جهات و جنبه‌های متفاوت یک زبان از سایر زبان‌های هم گروه است، در تمام ساختمان زبان از اصوات بسیط گرفته تا جملات مرکب می‌تواند خود نمایی کند. ویژگی‌های خصوصی هر زبان را که در جریان تحول تاریخی زبان و تحت تأثیر مجموعه عوامل به وجود می‌آیند قبل از هر چیز باید در گرایش و تمایل طبیعی خود زبان جستجو کرد. نسبت دادن دگرگونی‌های تاریخی زبان صرفاً به تأثیر عوامل خارجی و نادیده گرفتن گرایش طبیعی زبان به معنی دست کم گرفتن خصلت دینامیکی زبان بوده و بیش از آنکه ما را به نتایج درست و منطقی هدایت کند به استنتاج‌های اشتباه آمیز غیر علمی می‌کشد.

به عنوان مثال می‌توان یاد آور شد که اصوات خ و ق از اصواتی هستند که به طور فعال در کلمات زبان ترکی آذری شرکت می‌کنند ولی این حروف در ترکی استانبولی مخرج آوایی ندارند. حال اگر چنین تصور کنیم که این مخارج صوتی در ترکی آذری صرفاً در نتیجه مجاورت با این یا آن زبان ایجاد شده نظر خطایی را توجیه کرده‌ایم.

توضیح ویژگی‌های خصوصی هر زبان وقتی به شکل برجسته نمایان می‌شود که بر اساس مقایسه و تطبیق انجام گیرد. به این معنی که زبان مورد نظر با یک یا چند تا از زبان‌های هم گروه سنجیده شود تا در ضمن ویژگی‌های اخص آن بهتر نمایان گردد.

نتیجه

زبان ترکی یکی از با قاعده‌ترین زبان‌ها است و از نظر لغات مخصوصاً افعال بسیار غنی است. وجود قانون هماهنگی اصوات، کلمات ترکی را موزون و آهنگ دار نموده و به آن‌ها نظم و ترتیب خاص داده است. در ترکی علاوه بر اسامی ذات لغات زیادی برای مفاهیم مجرد وجود دارد. بعلاوه لغات مترادفی با اختلاف جزئی در معنی موجود است که میدان قلم فرسایی را وسیع‌تر و قلم نویسند را تیزتر و دقیق‌تر می‌سازد.

افعال ترکی به قدری وسیع و متنوعند که در کمتر زبانی نظیر آن‌ها می‌توان یافت. گاهی با یک فعل ترکی اندیشه و مفهومی را می‌توان بیان نمود که در زبان فارسی و زبان‌های دیگر نیاز به جمله و جملاتی پیدا می‌کند. از طرفی وجود پیوندهای سازنده سبب شده که قابلیت لغت سازی برای بیان مفاهیم مختلف و تغییرات فعلی بسیار زیاد باشد. نحو و ترکیب کلام در ترکی با زبان‌های هند و اروپایی متفاوت است. عنصر اصلی جمله یعنی فعل اصلی در آخر جمله قرار دارد. زبان‌های هند و اروپایی عنصر اصلی جمله در ابتدا قرار می‌گیرد و عناصر بعدی با ادات ربط به شکل حلقه‌های زنجیر به یکدیگر مرتبط می‌شوند و اگر عناصر بعدی قطع شوند سازمان جمله ناقص می‌شود، ولی در ترکی کاملاً بر عکس است یعنی ابتدا باید عناصر ثانوی و فرعی تنظیم و گفته شود و قسمت اصلی در آخر قرار گیرد. بعد از اشاره به ویژگی‌های عمومی زبان‌های ترکی، جا داشت به مواردی از ویژگی‌های اخص زبان ترکی استانبولی نیز اشاره می‌شد. ولی چون طرح این موضوع ما را به راه دوری از مقایسه و تطبیق می‌کشاند و از مقصد اصلی منحرف می‌سازد بهتر آنکه به فرصت فراخ‌تر و موقعیت مناسب‌تری موکول گردد.

مبحث اصوات

اصوات

کلام که برای بیان مقاصد و اندیشه‌ها در کار است، از تلفیق کلمات به وجود می‌آید و کلمات از ترکیب اصوات تشکیل می‌شوند صوت یا آوا که در عرف زبان شناسی از آن به عنوان فونم نام می‌برند، به معنی صوت به طور مطلق نبوده، بلکه به صدایی اطلاق می‌شود که با کیفیت و آهنگی خاص، به هنگام سخن گفتن، از جهاز صوتی انسان خارج می‌شود.

بنابراین، اصوات عناصر بسیطی هستند که در حکم مصالح اولیه و ابزار اصلی کلام بوده و بی آنکه به خودی خود دارای معنی و مفهومی باشند، ندرتاً به تنهایی و عموماً به صورت ترکیب و تلفیق اشکالی به وجود می‌آورند که دارای معنی یا وظیفه مشخص در کلام بوده و کلمه را خواننده می‌شوند. قدرت جهاز صوتی انسان در ایجاد اصوات محدود بوده و از این لحاظ تعداد اصواتی که در زبان‌های مختلف به کار می‌رود محدود و مشخص و در قسمت عمده مشابه است. تعداد اصوات رایج در اکثریت بزرگ زبان‌های امروزه رقمی است مابین ۲۵ الی ۳۵.

در واقع، آنچه که زبان‌های ملل و اقوام مختلف را از هم متمایز می‌کند، اختلاف در تعداد و انواع اصوات نبوده بلکه اختلاف در اشکال و معانی کلمات است. با وجود این، هر زبان ممکن است آواهای ویژه خود را نیز داشته باشد که خاص همان زبان بوده و در زبان یا زبان‌های دیگر در کار نباشد. از این لحاظ وقتی زبان کلمات و لغاتی را از یک زبان

بیگانه می‌پذیرد که خود یک یا چند صوت را آن را فاقد است، ناگزیر آوا یا آواهای ناآشنا را به اصوات قریب المخرجی تبدیل می‌کند که خود در اختیار دارد.

اصوات ح، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، که مخصوص زبان عربی بوده و دارای مخرج آوایی خاصی هستند، در زبان فارسی نظیر اصوات قریب المخرج «ه، س، ز، ت، ء، غ» تلفظ می‌شوند و همچنین اصوات «پ، گ، چ، ژ» که از اصوات ویژه فارسی بوده و در زبان عربی متداول نیستند، به آواهای قریب المخرجی از نوع ب، ق، ج، مبدل می‌شوند. **در ترکی استانبول نیز اصوات خ و ق وجود ندارند (البته در بعضی از لهجه‌ها و گویش‌های ترکیه این اصوات به کثرت مورد استفاده قرار می‌گیرند.) و این دو صوت به ناچار به اصوات قریب المخرج «ه، ک» مبدل می‌شوند.**

حروف-الفبا

اصوات عناصر و ابزار اصلی زبان تکلم هستند. برای نمایاندن آواها در زبان نگارش، علامات و اشاراتی به کار می‌رود که حروف خوانده می‌شوند. حروف در واقع اشکال ثبت و ضبط زبان هستند. مجموعه حروف یک زبان را که به ترتیب خاصی تنظیم می‌شود، الفبای آن زبان می‌خوانند. از همین مختصر، می‌توان نتیجه گرفت که در هر زبان اصوات جنبه طبیعی و ذاتی داشته، ولی حروف جنبه اعتباری و قراردادی دارند. به عبارت دیگر، اصوات زبان را به صورت خلق الساعه نمی‌توان تغییر و تبدیل نمود، و چنین امری در درجه اول مستلزم گرایش طبیعی و سیر تاریخی کمابیش طولانی خود زبان و در درجه دوم آمیزش و تأثیر متقابل زبان با زبان‌های دیگر خواهد بود. ولی برای هر زبان ممکن است در ادوار مختلف الفباهایی با اشکال و اسلوب و گرافیک‌های مختلف بکار رود.

الفباهایی که امروزه مورد استفاده ملل و اقوام مختلف هستند و از آن‌ها به غلط یا صحیح، عموماً به عنوان الفبای ملی نام می‌برند، غالباً اقتباسی و تقلیدی است و اگر غیر از این می‌بود، می‌بایست اکثر ملل و اقوام حالا هم در کتابت از همان اشکال و حروف هیروگلیف و میخی و سانسکریت استفاده می‌کردند.

اساساً، تکیه بر روی جنبه ملی الفبا، و تلاش بر بزرگ جلوه دادن ارزش تاریخی آن در حفظ سنن ملی و مدنی و عدم توجه به ناسازگاری و ناهماهنگی آن با اصوات و قوانین طبیعی زبان به منزله فراموش کردن و نادیده گرفتن نقش فرهنگی و اجتماعی الفباست.

باید بر این نکته توجه داشت که همچنان که اصوات ابزار زبان تکلم هستند، حروف و الفبا نیز قبل از هر چیز، ابزار زبان نگارش محسوب می‌گردند. بنابراین، بهترین و کامل‌ترین الفبا برای زبان مفروض الفبایی خواهد بود که در برابر هر صوت از زبان تکلم، علامت و نگاشته‌اری مشخص داشته و با ساختمان طبیعی زبان هماهنگ باشد، تا بتواند کلمات و عبارات و جملات را آنچنان که از دهان خارج می‌شود، ضبط کند.

البته، هیچ الفبایی را نمی‌توان سراغ داشت که بتواند هنگام نگارش اصوات را به طور صد در صد منعکس کند. ولی اصالت نسبی الفبا در آن خواهد بود که این فاصله را در حداقل نگاه دارد. الفباهای موجود در روی زمین از نظر درجه نسبی نزدیکی و هماهنگی با اصوات و موازین زبان‌ها در یک سطح نیستند، بعضی از الفباها مثلاً الفبای زبان ارمنی و تا حدود زیادی الفباهای زبان روسی و آلمانی با اصوات این زبان‌ها هماهنگی نزدیکی دارند. در بعضی دیگر، از جمله زبان‌های انگلیسی و فرانسه شکل لفظی کلمات با شکل املائی آن‌ها فرق کلی پیدا می‌کند. در این زبان‌ها کلمات یک

شکل نگارش و یک شکل تلفظ دارند. حروف در موارد زیادی صدای اصلی خود را از دست می‌دهند و صدای دیگری را بیان می‌کنند و یا اساساً به تلفظ در نمی‌آیند. برای درست نوشتن این زبان‌ها باید شکل املائی خاص هر کلمه را جداگانه فرا گرفت.

مشکل عدم هماهنگی اصوات با حروف در الفبای فارسی، از جهت دیگری خودنمایی می‌کند و آن وجود حروفی است که در زبان فارسی مخرج آوایی نداشته و به همراه کلمات عربی وارد این زبان گشته‌اند. البته این حروف در زبان عربی هر یک مخرج آوایی ویژه خود را دارند و بنابراین، تکلیف گوینده و شنونده و خواننده و نویسنده در گفتن و شنیدن و خواندن و نوشتن آن‌ها روشن است. ولی این حروف، همان‌طور که در بالا اشاره شد، در زبان فارسی مخرج صوتی خود را از دست داده و با مخرج صوتی مشابهی که در زبان فارسی دارد، ادا می‌شوند و به این ترتیب، اگر در زبان‌هایی از نوع انگلیسی و فرانسه، یک حرف نماینده چند صدا است، در زبان فارسی، به علت وجود اصوات دخیل، عکس این حالت رخ می‌دهد. یعنی یک صدا معرف چند حرف می‌گردد و تعیین و تشخیص موضع حروف مشابه در کلمات منوط بر این است که شخص اشتقاق و ریشه کلمات را بداند. به عبارت روشن‌تر، درست نوشتن زبان فارسی مستلزم این است که شخص بر کلیات دستور زبان عربی نیز آگاهی داشته باشد.

زبان ترکی استانبولی و الفبای موجود فارسی

الفبای موجود فارسی، که رسم‌الخط آن به علاوه هشت فرزند ناتنی از عربی گرفته شده است، برای نوشتن زبان ترکی استانبولی ناقص و نارسا است. این الفبا، همان مشکلات و نارسایی‌هایی را که از قبیل تشابه شکلی حروف، خارج بودن حرکات از متن حروف، وجود حروف متحدالمخرج و مختلف الشكل، دگرگونی شکل و آوای حروف در مواضع مختلف کلمه، تقسیم حروف به متصل و منفصل، نقطه دار و بی نقطه و غیرذلک در نگارش زبان فارسی دارد و اینجا از کثرت وضوح نیازی به توضیح مجدد آن‌ها نیست؛ در نگارش زبان ترکی استانبولی نیز، همان اشکالات و نارسایی‌ها به علاوه مشکلات و موانع دیگری که ناشی از خصوصیات و قواعد خاص این زبان است، به میان می‌آورد.

نا هماهنگی میان حروف فارسی و خصوصیات و قواعد صوتی زبان ترکی استانبولی، به پایه ایست که کار کسانی را که از دیر باز کوشیده‌اند قواعدی برای نگارش این زبان با رسم‌الخط فارسی پیدا کنند، با عدم موفقیت روبرو ساخته است. از میان علل اخصی که باعث دشواری نوشتن زبان ترکی استانبولی با حروف فارسی می‌شود، می‌توان از دو مورد اساسی زیر نام برد:

۱. تعداد اصوات مصوت در زبان ترکی استانبولی بیشتر از اصوات مصوت زبان فارسی است و لااقل سه مصوت مستقل، یعنی ñ، ö، ı در زبان ترکی استانبولی هست که نشان دادن آن در نگارش با الفبای فارسی بسیار دشوار و اشتباه‌انگیز است. مثلاً ما مفهوم کلمه‌های آرد، جلو و ده را در ترکی استانبولی ناگزیریم به شکل «اون» بنویسیم. در صورتی که با الفبای صوتی املائی این سه کلمه به ترتیب un (آرد)، ön (جلو)، on (ده) است.

۲. زبان ترکی استانبولی قوانین صوتی خاص خود را دارد و کلماتی را که از زبان‌های دیگر می‌پذیرد، مشمول همین قوانین می‌گرداند. کلمات بهار، متاع، انصاف و خطا در ترکی استانبول به شکل bahar, matah, insaf و hata (بهار، اینساف، ماتاه و هاتا) تلفظ می‌شوند. حال اگر ما هنگام نگارش مقید به حفظ املائی کلمه باشیم همچنان که

چنین قیدی در نوشتن کلمات عربی رایج در زبان فارسی وجود دارد قوانین فونتیک زبان را نقض کرده‌ایم و اگر هر کلمه را به شکلی که تلفظ می‌شود بنویسیم، به قول فقهای لغت، مرتکب غلط فاحش گشته‌ایم. با توجه بر همین مشکلات و نارسایی‌ها است که ملل و اقوام ترک زبان که مدت‌ها در نگارش از الفبای عربی استفاده می‌کردند؛ در نیمه اول قرن بیستم، به تدریج الفباهای خود را تغییر دادند و انجمن زبان ترکی در ترکیه الفبایی بر اساس نگاشته‌ی لاتین و در جمهوری‌های ترک زبان شوروی الفبایی بر اساس نگاشته‌ی اسلاو رایج گردید و این مشکل بزرگ ناهماهنگی الفبا و اصوات از میان برداشته شده است.

الفبای زبان ترکی استانبولی

الفبای ترکی استانبولی که به موجب قانون شماره ۱۳۵۳ در تاریخ ۱ نوامبر ۱۹۲۸ به تصویب رسیده، شامل ۲۹ حرف است که هر کدام از این حروف اعم از صامت و یا مصوت دارای اشکال و صداهای متفاوت و منحصر به فردی بوده و از این رو فراگیری و یاد گرفتن این حروف و متعاقب آن قرائت کلمات با این حروف بسیار سهل و آسان است. از آنجایی که از تدوین الفبای جدید زبان ترکی استانبولی، زمان زیادی نمی‌گذرد و این که به ازای هر حرف یک صدا و به ازای هر صدا یک حرف وجود دارد این زبان همانطور که نوشته می‌شود خوانده می‌شود و بالعکس. از ۲۹ حروف مختلف این زبان ۸ تای از آن‌ها صدادار (مصوت) هستند که این دسته خود به دو گروه تقسیم می‌گردند: گروه حروف‌های صدادار خشن یا پسین و گروه حروف صدادار پیشین و یا ظریف.



آتا ترک و تدریس نمادین ۲۹ حرف جدید ترکی در شهر سینیوپ ۱۹۲۸ میلادی.

دلیل تقسیم بندی حروف‌های صدادار به دو گروه خشن یا پسین و ظریف یا پیشین به نوع بیان و تلفظ آن‌ها مربوط می‌شود. یعنی صداهایی که از ته دهان و از حلقوم و با کمک تنفس انسان بیرون داده می‌شود و به گوش می‌رسند به صداهای خشن شناخته می‌شوند و صداهایی که در نیمه ابتدایی دهان و با حرکت لب‌ها و دهان و دندان ادا می‌شوند به حروف صدا دار ظریف معروف هستند؛ لذا به نهایت می‌توان حروف صدادار زبان ترکی استانبولی را بدین ترتیب نام برد:

حروف صدادار خشن عبارتند از: A , I , O , U

حروف صدادار ظریف عبارتند از: E , İ , Ö , Ü



ناگفته نماند که برخی از مصوت‌ها در زبان ترکی استانبولی (عموماً صداهای ظریف) در هیچ یک از زبان‌های دنیا وجود نداشته (به غیر از زبان‌های آلمانی و فرانسه و زبان‌های ترکی با لهجه‌های مختلف) ادای آن را بسیار مشکل می‌نماید. ولی با کمی تمرین و دقت توجه بیان این صداها نیز راحت‌تر خواهد بود. در پایین نام حروف و شکل آن‌ها و شاخص‌های تلفظی آورده شده است:

| نام | شاخص | شکل | نام | شاخص | شکل | نام | شاخص | شکل |
|-------|-------|-----|-----|------|-----|-----|------|-----|
| آ | اَ | A a | ع | ی، ئ | I i | ر | ر | R r |
| ب | ب | B b | ای | ای | İ i | س | س | S s |
| ج | ج | C c | ژ | ژ | J j | ش | ش | Ş ş |
| چ | چ | Ç ç | ک | ک | K k | ت | ت | T t |
| د | د | D d | ل | ل | L l | او | او | U u |
| ه، اِ | ه، اِ | E e | م | م | M m | اوو | و | Ü ü |
| ف | ف | F f | ن | ن | N n | و | و | V v |
| ق، گ | ق | G g | اُ | او | O o | ی | ی | Y y |
| غ | غ | Ğ ğ | اؤو | وو | Ö ö | ز | ز | Z z |
| ح | ح | H h | پ | پ | P p | | | |

A B C Ç D E F G Ğ H İ İ J K L M N O Ö P R S Ş T U Ü V Y Z

لازم به ذکر است که در زبان ترکی استانبولی حروف (ق-گ) به یک شکل، یعنی به حالت (G) نوشته می‌شود و حرف (Ğ) هیچ گاه در اول کلمات نمی‌آید. این حرف به اسم (ق نرم) نیز شناخته شده است که تقریباً صدای (غ) در فارسی را نیز می‌دهد. مثل اوغلو = oğlu به معنای پسرش و در مواردی فقط صدای حرف صدا دار ما قبل خودش را کشیده‌تر می‌کند.

حرف I نیز در زبان فارسی صدایی شبیه به (ع و یا ای) دارد از نوع صداهای خشن محسوب شده و از ته حلقوم و با فشار نفس درون سینه بیرون داده می‌شود. مانند: (رعد و برق) ییلدیریم = Yıldırım

موضوع دیگر در قواعد زبان ترکی استانبولی، تبعیت صداها از یکدیگر است. یعنی صدای نخست هر کلمه‌ای از هر نوعی اعم از خشن و یا ظریف باشد تا آخر کلمه صداهای متعاقب نیز از آن نوع خواهد بود. به طور مثال وقتی می‌نویسیم: Gör-ü-nüz (ببینید) دو صدای ü در وسط و ü در آخر، هر دو از صدای نخست کلمه، یعنی Ö تبعیت می‌نمایند. یعنی بدین ترتیب گفته می‌شود اگر صدای نخست کلمه‌ای خشن باشد بقیه صداها نیز خشن خواهند بود؛ و اگر صدای نخست کلمه‌ای ظریف باشد تمامی صداهای متعاقب آن نیز ظریف خواهد بود. (البته در اسامی برخی اماکن و شخصیت‌ها که از زبان دیگری به زبان ترکی وارد شده و یا ریشه بیگانه‌ای دارند و از زبان فارسی و یا عربی و غیره وارد شده‌اند از این قاعده مستثنی هستند که در مباحث پیش رو توضیح داده خواهد شد. در پایین نمونه‌ای از این کلمات را می‌توانید مشاهده کنید.)

| | | | | |
|----------|-----------|------------|-----------|---------------------|
| hale | role | saate | harbe | حالت تأثیر «به»: |
| به حال | به نقش | به ساعت | به جنگ | |
| halde | rolde | saatte | harpte | حالت تخصیص «در»: |
| در حال | در نقش | در ساعت | در جنگ | |
| halden | rolden | saatten | harpten | حالت انفکاک «از»: |
| از حال | از نقش | از ساعت | از جنگ | |
| hali | rolü | saati | harbi | حالت گرایش «را»: |
| حال را | نقش را | ساعت را | جنگ را | |
| halle | rolle | saatle | harple | حالت واسطه «با»: |
| با حال | با نقش | با ساعت | با جنگ | |
| halim | rolüm | saatim | harbim | اضافه ملکی: |
| حال من | نقش من | ساعت من | جنگ من | |
| haller | roller | saatler | harpler | جمع: |
| احوال | نقش‌ها | ساعت‌ها | جنگ‌ها | |
| halleri | rolleri | saatleri | harpleri | جمع حرف اضافه «را»: |
| احوال را | نقش‌ها را | ساعت‌ها را | جنگ‌ها را | |

قاعده کلی بدین گونه است که همیشه صدای خش a به دنبالش 1 می‌آورد و صدای o حرف صدادار u را به دنبال خود می‌کشد. این قاعده در صداهای ظریف نیز صادق است و صدای e حرف صدادار i و ö مصوت ü را به دنبال دارد به مثال‌های زیر توجه کنید:

isterim می‌خواهم رفت gitti

| | | | |
|---------|--------------|-------|----------|
| severim | دوست می دارم | geldi | آمد |
| aldım | خریدم، گرفتم | kaçtı | فرار کرد |
| verdim | دادم | güldü | خندید |
| öptüm | بوسیدم | gördü | دید |

پیوندهایی که در زبان ترکی استانبولی بکار برده می شوند نیز بدین گونه بوده و صداهای آنها از صدای کلمه ریشه تبعیت خواهد کرد. مثلاً:

| | | | |
|------------|----------------|--------------|----------------|
| sevdi-mi ? | آیا دوست داشت؟ | güldü - mü ? | آیا خندید؟ |
| gördü-mü ? | آیا دید؟ | aldı-mı ? | آیا گرفت/خرید؟ |

تکیه

تکیه اکثر کلماتی که بیشتر از یک هجا دارند روی هجای آخر است. البته این قاعده استثناهایی نیز می پذیرد. این استثناءها را با حروف بزرگ مشخص کردیم به طور کل (مانند زبان فارسی) محل تکیه در کلمات یک جمله بستگی به مقصد گوینده دارد. مثال:

| | |
|--------------------|---|
| AhMET elmayı yedi. | احمد (و نه کسی دیگر) سیب را خورد. |
| Ahmet elmaYİ yedi. | احمد سیب (و نه چیز دیگر) را خورد. |
| Ahmet elmayı yeDİ. | احمد سیب را خورد (نه این که آن را پرت کند). |

تقسیم هجایی

در زبان ترکی استانبولی، هجاها یا سیلابها به طور واضح، مجزا و با طنین یکنواخت بر زبان جاری می شوند از این رو به زبان هجایی لقب گرفته است.

الگوی تقسیم هجایی در یک عبارت ترکی بدون هر گونه مکثی به طور اتوماتیک و منظم و بدون توجه به تقسیم بندی کلمات صورت می پذیرد:

| | | |
|-------------------------|-------------------------------|----------------------|
| İyi günler efendim | İ-yi- gün-ler- e-fen-dim | روز به خیر آقا/خانم. |
| NAsılsınız? | NA-sıl-sı-nız? | حال شما چطور است؟ |
| İyiyim Teşekkür ederim. | İ-yi-yim Te-şek-kür e-de-rim. | خوبم متشکرم. |
| Siz nasılsınız? | Siz-na-sıl-sı-nız? | شما چطورید؟ |
| Ben de iyiyim. | Ben-de- i-yi-yim. | من هم خوبم. |

تمرین تلفظ

Ü ü / / معادل این صوت در فارسی وجود ندارد. برای تلفظ آن باید لب را گرد کرد. ادای این صوت دقیقاً به شکل همتای آلمانی خود است مانند کلمه müde (خسته). همچنین تلفظ صوت u در فرانسوی مانند rue (خیابان).

| | | | |
|----------|-------|----------|---------------------|
| üzüm | انگور | dün | دیروز |
| üç | سه | sütçü | شیر فروش |
| gün | روز | dünya | دنیا |
| bütün | تمام | BÜSbütün | مطلقاً، به طور کامل |
| ütü | اتو | ümit | امید |
| / / ای / | | | |
| bin | هزار | kişi | شخص، نفر |
| dil | زبان | bizim | مال ما |
| diş | دندان | TAKsi | تاکسی |

Ö ö / / کشیده / معادل این صوت در فارسی وجود ندارد. برای تلفظ آن باید لب را گرد کرد. مانند کلمه körper (بدن) در آلمانی.

| | | | |
|------|----------|--------|----------|
| göl | دریاچه | öp | بیوس |
| kör | کور | kömür | زغال |
| sörf | موج ساحل | ölçmek | وزن کردن |
| ön | جلو | börek | نوعی غذا |
| köşe | گوشه | köy | دهکده |

E e / / صدای کسره دارد اما گاهی اوقات صدای «آ» فته و گاهی اوقات نیز صدایی ما بین کسره و فته به شکل کوتاه مانند تلفظ کلمه air در انگلیسی به خود می‌گیرد.

| | | | |
|--------------|-------------|-----------------|------|
| benim (بنیم) | مال من، منم | beş (بش) | پنج |
| cevap (چواپ) | جواب | deniz (دینیز) | دریا |
| ben (بن) | من | sen (سن) | تو |
| ne? (نه) | چه؟ | gel (گل) | بیا |
| evde (اود) | در خانه | türkçe (تورکچه) | ترکی |

چگونگی تلفظ e، یعنی اینکه «آ» یا «ا» و یا ما بین این دو تلفظ شود، تابع قانون خاصی نیست. البته این نکته را نیز باید ذکر کنیم که تلفظ مصوت e چه به صورت «آ» و چه به صورت «ا» تغییر معنایی در کلمه ایجاد نمی‌کند (مثلاً

کلمه güzel به معنای زیبا چه به صورت «گوژل» و چه به صورت «گوژل» تلفظ کنید معنای آن عوض نمی‌شود. با این همه برای تلفظ هر چه دقیق‌تر و متعارف‌تر کلمات، دانستن نکات زیر خالی از فایده نیست:

۱. مواردی که مصوت e به صورت «ا» تلفظ می‌شود:

الف) در ابتدای کلمات؛ مانند:

| | | | |
|-------|--------------|----------|-----------------|
| ev | خانه | eş | همسر |
| ek | پیوند، ضمیمه | elçi | فرستاده، صغیر |
| eylül | سپتامبر | ekim | اکتبر |
| geniş | وسیع، گسترده | temiz | تمیز |
| keçi | بز | seyirici | تماشاگر، بیننده |
| yeşil | سبز | geçici | گذرا |
| senin | مال تو | sevgi | محبت، عشق |

ب) در هجای اول کلمات چند هجایی مانند:

| | | | |
|----------|-------|----------|---------|
| elektrik | برق | bisiklet | دوچرخه |
| enerji | انرژی | elektron | الکترون |
| telefon | تلفن | | |

ج) در تمام هجاهای کلمات ماخوذ از زبان‌های اروپایی مانند:

| | | | |
|----------|-------|----------|---------|
| elektrik | برق | bisiklet | دوچرخه |
| enerji | انرژی | elektron | الکترون |
| telefon | تلفن | | |

د) در تمام هجاهای کلمات ماخوذ از زبان‌های اروپایی مانند:

| | | | |
|----------|-------|----------|---------|
| elektrik | برق | bisiklet | دوچرخه |
| enerji | انرژی | elektron | الکترون |
| telefon | تلفن | | |

البته بعضی از کلمات از این قاعده مستثنی هستند به عنوان مثال کلمه mersi (مرسی) به صورت «مرسی» تلفظ می‌شود و یا کلمه üniversite (دانشگاه) که به شکل «اونیورسیتته» ادا می‌گردد.

۲. مواردی که مصوت e به صورت «ا» تلفظ می‌شود:

معمولاً این حالت زمانی رخ می‌دهد که مصوت e قبل از صامت‌های l, m, n و r قرار گیرد و مصوت دیگری بلافاصله بعد از این صامت‌ها نیامده باشد مانند:

| | | | |
|--------|-----------------------------|--------|-------|
| her | هر | kent | شهر |
| germek | چیزی را از دو طرف سفت کشیدن | pergel | پرگار |

الف) هجای میانی و پایانی کلمات اصیل ترکی و کلمات ماخوذ از عربی و فارسی مانند:

| | | | |
|-------|---------|---------|-------------------|
| erkek | مرد، نر | öğrenci | دانشجو، دانش آموز |
| şeref | شرف | sefa | صفا |

ب) در اکثر کلمات تک هجایی مختوم به حرف صامت مانند:

| | | | |
|-----|----|------|----------|
| ben | من | şen | شاد |
| sen | تو | sert | زبر، خشن |

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

gel بیا ver بده

۳. مواردی که مصوت e مابین «ا» و «اِ» تلفظ می‌شود:

این حالت در آخر کلمات رخ می‌دهد مانند:

köyde در روستا önce پیش، قبل

ile با türkiyeye به ترکیه

توجه داشته باشید e در معدودی از کلمات زمانی که قبل از صامت‌های l، m و n قرار می‌گیرد ممکن است هم به صورت «ا» و هم به صورت «اِ» تلفظ شود. بنابراین بعضی از گویندگان کلمات elbise (لباس)، kendi (خود) و hem (هم) را به صورت «ا» و بعضی دیگر به صورت «اِ» تلفظ می‌کنند.

در کلماتی مانند gezegeende «گَزِگَنده» به معنای در سیاره و perende «پَرَنده» به معنای معلق، وارونه هر سه حالت بالا را مشاهده می‌کنیم.

/İ/A a

çay چای hafta هفته

baş سر hap حب، قرص

cevap جواب bal عسل

ama اما yağ روغن

havuz حوض ya یا

/Ū O o

oda اتاق on ده

boş خالی son آخر

o او dost دوست

çok زیاد okul مدرسه

/U u /او کوتاه/

buçuk نیم bulut ابر

çocuk بچه dul بیوه

bu این duş دوش

su آب kum ماش، شن، ریگ

I 1 /ئ/ مشابه همزه فارسی است مانند تلفظ کلمه again در انگلیسی.

kısa کوتاه yakın نزدیک

kış زمستان yıl سال

AYni همان kız دختر

کشش واکهای

اساساً کلیه حروف مصوت در ترکی کوتاه هستند. اما اگر بعد از حروف مصوت، حروف صامت، قرار نگیرد یعنی حرف مصوت در موقعیت هجایی باز باشد و یا اگر خود حروف مصوت تشکیل سیلاب دهد تا حد قابل توجهی کشیده تر تلفظ می‌شود. کشیده شدن، حروف مصوت تحت شرایط زیر امکان پذیر است:

۱- قرار گرفتن ğ بعد حرف صدادار در اول و آخر هجا:

| | |
|--------|---------------|
| sağ | راست |
| iğne | سوزن |
| tığ | قلاب تور دوزی |
| buğday | گندم |

۲- وجود a و i در برخی از کلمات عاریه‌ای از زبان‌های عربی و فارسی به صورت مصوت کشیده وجود دارد و معمولاً نشانه /[^]/ بر روی آن‌ها قرار می‌گیرد.

| | | | |
|-----|-------------|------|-------|
| âmâ | نابینا، کور | zekî | باهوش |
|-----|-------------|------|-------|

در برخی کلمات a ممکن است در یک متن یکسان به صورت کوتاه و کشیده ظاهر شود که این امر موجب تغییر معنایی می‌گردد:

| | | | |
|------|-----------------|------|--------------------------------|
| adet | عدد | âdet | عادت |
| ama | اما، ولی | âmâ | نابینا، کور |
| dahi | حتی | dahî | تیز هوش |
| hala | عمه | hâlâ | هنوز، حالا، اکنون، در حال حاضر |
| alem | علم، بیرق، پرچم | âlem | عالم، گیتی |

تغییر معنایی برای i کوتاه و کشیده نیز وجود دارد. اما تعداد این گونه کلمات بسیار محدود است.

| | | | |
|--------|--------------------|--------|--------|
| tarihi | تاریخ را یا تاریخش | tarihî | تاریخی |
| ilmi | علم را یا علمش | ilmî | علمی |

Osmanlı tarihi (تاریخ عثمانی)

۳- بجز o, ö و â، پنج حرف مصوت دیگر نیز می‌توانند کشیده ادا شوند. اگر چه نشانه‌ی کشیدن در شکل نگارشی این حروف دیده نمی‌شود:

| | |
|-------|--------------------|
| memur | کارمند دولت، مأمور |
| mide | معدّه |
| tane | عدد-دانه |

güya
munis

گویا
مونس

اصوات مصوت، اصوات صامت

اصوات رایج در زبان ترکی استانبولی مانند اصوات زبان‌های دیگر به دو دسته صدادار (مصوت) و بی صدا (صامت) تقسیم می‌شوند.

الف – اصوات مصوت:

اصواتی هستند که هنگام تلفظ آن‌ها جریان هوا بدون برخورد با هیچ مانعی از جهاز صوتی خارج می‌شود. در حین ادای این اصوات، مجرای صوتی کاملاً باز بوده و تنها میزان باز و بسته بودن نسبی آن فرق می‌کند. در تلفظ اصوات صدادار، زبان و لب‌ها حالات مختلفی به خود می‌گیرند. زبان در بیخ و وسط و نوک انحنای پیدا می‌کند و لب‌ها شکل افقی یا گرد به خود می‌گیرند. ولی هیچ‌یک از این تغییرات، مسیر مجرای صوتی را مسدود نمی‌کند و جریان هوا به راحتی از آن خارج می‌شود. از تغییراتی که در وضع زبان و لب‌ها و حفره دهان ایجاد می‌شود، انواع اصوات صدادار تعیین می‌گردند. از مجموع اصوات زبان ترکی استانبولی، هشت حرف زیر صدادار هستند:

ü و u و ö و o و ı و i و e و a

به این ترتیب زبان ترکی استانبولی، از نظر تعداد حروف مصوت از زبان‌های پر مایه بشمار می‌رود.

ب – اصوات صامت:

پس از کسر هشت صوت بالا از مجموع اصوات، بقیه یعنی ۲۱ صوت دیگر جزو اصوات بی صدا هستند. اصوات بی صدا آوایی هستند که در تلفظ آن‌ها جریان هوایی که از جهاز صوتی خارج می‌شود، در مسیر خود به مانع بر می‌خورد. این موانع به صورت تنگ شدن مجرای صوتی، برخورد و تماس نوک زبان به قسمت‌های مختلف سقف دهان و یا بیخ دندان‌ها، باز و بسته شدن لب‌ها و از این قبیل رخ می‌دهد و همین تغییرات انواع اصوات بی صدا را مشخص می‌سازد. در هر زبان، تعداد اصوات صامت بر اصوات مصوت فزونی دارد. ولی اصوات مصوت از نظر سهولت و عدم ممانعتی که در جریان تلفظ آن‌ها وجود دارد، از جهات چندی متمایز هستند. مهم‌ترین این جهات تمایز به قرار زیر است:

۱. اصوات مصوت، در تلفیق کلمات و واحدهای کلام، نقش عناصر ترکیب دهنده را ایفا می‌کنند. یعنی بدون دخالت و پادرمیانی آن‌ها اصوات صامت رأسان توانایی تلفیق و امتزاج با یکدیگر را ندارند. مثلاً در کلمه **Barış** (آشتی) اگر دخالت مصوت‌های **a** و **ı** نباشد صامت‌های موجود به صورت **brş** به تلفظ در می‌آیند.

۲. اصوات مصوت می‌توانند رأساً و به طور مستقیم هجا تشکیل دهند. در صورتی که اصوات صامت از این مزیت بی‌نصیبند و برای اینکه بتوانند هجا تشکیل دهند، حتماً باید با مصوت تلفیق شوند.

۳. اصوات مصوت به لحاظ آزاد بودن مجرای صوتی در تلفظ آن‌ها، می‌توانند به نحو دلخواه کشش پیدا کنند. بدین جهت، این دسته از اصوات علاوه بر اینکه در زبان‌های مختلف درجات کشش متفاوت دارند، در هر یک از زبان‌ها نیز

ممکن است هر مصوت، هم شکل کوتاه و هم شکل کشیده داشته باشد. در حالی که صامت‌ها از این جنبه نیز عاری هستند.

گروه بندی اصوات

در زبان ترکی استانبولی، هر یک از دو دسته اصوات مصوت و صامت، بر حسب میزان شرکت اعضای مختلف جهاز صوتی در تلفظ آن‌ها، چند نوع گروه بندی دارند. مسئله گروه بندی اصوات بر مبنای تغییرات مخرج آوایی در هر زبان ممکن است پیش آید. ولی این مسئله در دستور زبان زبان‌های ترکی و منجمله زبان ترکی استانبولی حائز اهمیت خاص است.

اصوات مصوت و صامت در زبان ترکی استانبولی به شکل زیر گروه بندی می‌شوند:

الف- گروه بندی حروف مصوت

مصوت‌ها از نظر تغییرات حاصله در حالت و وضعیت جهاز صوتی به شکل زیر گروه بندی می‌شوند:

۱- مصوت‌های پسین یا خشن، مصوت‌های پیشین یا ظریف

هنگام تلفظ مصوت‌ها، زبان در قسمت پسین یا پیشین به طرف کام انحنای پیدا می‌کند. بر حسب اینکه این انحنای در قسمت پسین یا پیشین صورت گیرد، مصوت‌ها به دو دسته خشن یا ظریف و یا پسین یا پیشین تقسیم می‌شوند. از اصوات هشت‌گانه مصوت، چهار صوت *a, ı, o, u* مصوت‌های پسین یا خشن و چهار صوت *e, ı, ö, ü* مصوت‌های پیشین یا ظریف هستند.

۲- مصوت‌های باز، مصوت‌های نیمه بسته، مصوت‌های بسته

از نظر میزان باز و بسته بودن حفره دهان در موقع تلفظ، اصوات مصوت‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: مصوت‌هایی که هنگام ادای آن‌ها دهان با فراخی بیشتری گشوده می‌شود، مصوت‌های باز و مصوت‌هایی که در ادای آن‌ها گشودگی دهان کمتر باشد، مصوت‌های بسته و مصوت‌هایی که بین این حالت قرار می‌گیرند، مصوت‌های نیمه باز نامیده می‌شوند. در این تقسیم بندی مصوت *a* جزو مصوت باز، مصوت‌های *e, o, ö* جزو مصوت‌های نیمه باز و مصوت‌های *ı, ü, ı, ü* جزو مصوت‌های بسته محسوب می‌شوند.

۳- مصوت‌های گرد، مصوت‌های راست

مصوت‌ها از نظر حالتی که لب‌ها به هنگام تلفظ به خود می‌گیرند، به دو دسته گرد و غیر گرد تقسیم می‌شوند. مصوت‌های که در تلفظ آن‌ها لب‌ها به صورت موازی باز می‌شوند، مصوت‌های غیر گرد و مصوت‌هایی که در تلفظ آن‌ها لب‌ها به حالت گرد در می‌آیند، مصوت‌های گرد خوانده می‌شوند. از این نظر مصوت‌های *a, e, ı, ü* جزو مصوت‌های راست و مصوت‌های *o, ö, u, ü* جزو گروه گرد منظور می‌شوند.

به طور کل حروف مصوت را بسته به محل تولید آن‌ها در دهان همان طور که در قبل اشاره شد به «پیشین یا ظریف» و «پسین یا خشن» بر حسب وضعیت زبان به «بسته»، «نیمه باز» و «باز» و بر حسب شکل لب‌ها به «گرد» یا «راست» طبقه بندی می‌کنند. این طبقه بندی در مبحث مربوط به قوانین هماهنگی حروف مصوت توضیح داده خواهند شد.

| شکل لب‌ها | وضعیت زبان | ارتفاع زبان |
|-----------|------------|-------------|
| گرد | پیشین | بسته |
| راست | پیشین | بسته |
| گرد | پیشین | نیمه باز |
| راست | پیشین | نیمه باز |
| راست | پسین | باز |
| گرد | پسین | نیمه باز |
| راست | پسین | بسته |
| گرد | پسین | بسته |

ب- گروه بندی صامت‌ها

در زبان ترکی استانبولی ۲۱ صامت وجود دارد:

b, c, ç, d, f, g, ğ, h, j, k, l, m, n, p, r, s, ş, t, v, y, z

صامت‌ها از نظر طنین صوتی، مخرج آوایی و درجه تماس اعضای جهاز صوتی به شکل زیر گروه بندی می‌شوند:

۱- صامت‌های طنین دار (titreşimli ünsüz)، صامت‌های گنگ (Ötümsüz ya da sert ünsüz)

اصوات طنین دار عبارتند از:

b, c, d, g, ğ, j, l, m, n, r, v, y, z

اصوات گنگ عبارتند از:

ç, f, h, k, p, s, ş, t

در میان عده‌ای از اصوات این دو گروه تقارن آوایی وجود دارد. صامت‌های متقارن عبارتند از:

(f v) و (ş s) و (j z) و (k g) و (t d) و (ç c) و (p b)

در زبان ترکی استانبولی مورد مصرف اصوات طنین دار بیش از اصوات گنگ است.

۲- اصوات صامت از نظر کیفیت حدوث به طریق زیر تقسیم بندی می‌شوند:

۱. صامت‌های جفت لبی که از فشار دو لب بر روی یکدیگر تولید می‌شوند عبارتند از:

b, m, p

۲. صامت‌های لب و دندان که از برخورد لب زیرین با دندان‌های قدمی بالا تولید می‌شوند عبارتند از:

f, v

۳. صامت‌های پیشین کامی که از برخورد نوک زبان به قسمت قدمی کام و یا بیخ دندان‌های فوقانی تولید می‌شوند. عبارتند از:

d, l, n, r, s, t, z, c, ç, j, ş

۴. صامت‌های میان کامی که از برخورد قسمت وسطی زبان به وسط سقف دهان تولید می‌شوند و عبارتند از:

g, k, y

۵. صامت پسین کامی که از برخورد قسمت پسین زبان به قسمت پسین کام تولید می‌شود که تنها حرف ğ است این صامت مانند حرف y یک حرف شبه مصوت به حساب می‌آید.

۶. صامت‌های حلقی، که تنها حرف h است.

۳- اصوات صامت از نظر نحوه بسته شدن مجرای صوتی در حین تکلم به گروه‌های زیر تقسیم بندی می‌شوند:

صامت‌های انفجاری:

t p k, g, d, c, b

صامت‌های اصطکاک‌کی:

z, v, ş, s, j, h, ğ, f

صامت‌های شبه مصوت:

y r n m l

اصوات دسته آخر را بدان جهت شبه مصوت می‌گویند که آهنگ صوتی آن‌ها به اصوات مصوت نزدیک‌تر است. در میان این‌ها صدای y بیشتر از سایرین به مصوت‌ها شباهت دارد.

| از نظر کیفیت حدوث | گنگ (خشن) | | طنین دار (نرم) | |
|-------------------|-----------|-------|----------------|-------|
| | کشیده | کوتاه | کشیده | کوتاه |
| لب | f | p | m, v | b |
| دندان | s, ş | ç, t | j, l, n, r, z | c, d |
| کام | - | k | ğ, y | g |
| حلق | h | - | - | - |

هماهنگی و تطابق مصوت‌ها

اصل هماهنگی و تطابق گروهی اصوات صدادار، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های صوتی زبان ترکی استانبولی است. بموجب این اصل، اصوات مصوتی که در ساختمان صوتی کلمات شرکت می‌کنند، به نحوی از انحا با هم تقارن و تجانس گروهی دارند. این اصل یکی از خصوصیات متمایز و بارز زبان‌های ترکی، منجمله ترکی استانبولی بوده و منظره صوتی خاصی به این زبانها می‌بخشد که زبان‌های دیگر فاقد آن هستند. اصل هماهنگی و تجانس گروهی

مصوت‌ها، تمام ساختمان کلمه، اعم از ریشه و پیوند و همچنین سلسله زنجیری پیوندها را که ممکن است به اقتضای موقعیت کلمه در کلام به آخر آن افزوده شود، در بر می‌گیرد. به موجب این اصل، نخستین حرف مصوت کلمه از هر گروه باشد، حروف صدادار بعدی نیز از همان گروه خواهند بود و صوت مصوت غیرمتجانس را در میان آن راه نخواهد بود. هماهنگی اصوات مصوت به اقتضای گروه بندی اصوات مصوت به خشن و ظریف و راست و گرد، دو حالت پیدا می‌کند:

تطابق خشن و نازک، تطابق راست و گرد.

الف) تطابق خشن و ظریف (Kalınlık-incecik uyumu)

به طور کل تطابق مصوت‌های خشن و ظریف که از آن به عنوان قانون تطابق عمومی نیز نام می‌برند، عبارت از هماهنگی و تجانس مصوت‌های خشن و ظریف در یک کلمه با یکدیگر است. به موجب این اصل، اصوات صدادار یک کلمه باید یا تماماً از نوع خشن و یا از نوع ظریف باشند. کلمه خواه در حالت بسیط باشد مانند *ayrı* (جدا)، *oyun* (بازی)، *dilek* (آرزو)، *güzel* (زیبا) و خواه در حالت ترکیب با پیوندها مانند *Ayrılık* (جدایی)، *oyuncu* (بازیگر)، *dileklerimiz* (آرزوهای ما)، *güzellik* (زیبایی)، این خصوصیت را حفظ می‌کند.

از نظر اصل هماهنگی خشن و ظریف، ریشه‌ها و پیوندها در کلمات ترکی استانبولی به دو نوع خشن مصوت و ظریف مصوت تقسیم می‌شوند. منتها با در نظر گرفتن اینکه ریشه‌ها عناصر اصلی و ثابت کلمات بوده و ساختمان صوتی آن‌ها در آغاز بر اساس مصوت‌های خشن یا ظریف بنیاد گردیده است، این تقسیم بندی در مورد آن‌ها از نظر ذاتی صدق می‌کند. به این معنی که هر ریشه بر حسب اینکه بر اساس مصوت‌های خشن یا ظریف بنیاد شده باشد، بیش از یک شکل معین ندارد. ولی پیوندها عناصر الحاقی و متغیر بوده و شکل مصوت‌های آن‌ها به مقتضای مصوت ریشه تعیین می‌گردد و بدین جهت هم، هر پیوند بر حسب اینکه به ریشه خشن یا ظریف پیوند یابد، شکل صوتی ستبر یا نازک خواهد داشت.

در زبان ترکی استانبولی مانند هر زبان دیگر، علاوه بر ریشه‌ها و لغات اصیل، یک رشته الفاظ و کلمات دخیل نیز رایج است. الفاظ و کلمات دخیل در برابر قانون هماهنگی خشن و ظریف وضع یکسانی ندارند. یک عده از این کلمات مانند *kemer* (کمربند)، *eser* (اثر)، *seher* (سحر)، *şeker* (شکر)، *bereket* (برکت) و غیره از نظر ساختمان صوتی با قانون هماهنگی مطابقت دارند. عده دیگری از کلمات دخیل، در زبان اصلی مصوت‌های خشن و ظریف را یکجا در ترکیب صوتی خود دارند و منتها بعد از دخول در زبان ترکی استانبولی در نتیجه تبدلاتی که از نظر قبول تابعیت زبان در اصوات مصوت آن‌ها رخ داده هماهنگی صوتی پیدا کرده‌اند مانند *rahat* (راحت)، *sandık* (صندوق)، *adam* (آدم، مرد)، *hata* (خطا)، *zaman* (زمان)، *müdür* (مدیر)، *mümkün* (ممکن) و غیره و بالاخره عده دیگری از کلمات نیز هستند که ساختمان صوتی آن‌ها تقریباً دست نخورده و از تأثیر قانون هماهنگی برکنار مانده‌اند. در این قبیل کلمات، نوع خشن یا ظریف پیوند از روی آخرین مصوت کلمه دخیل تعیین می‌گردد.

اصل هماهنگی خشن و ظریف که یکی از پابرجاترین قوانین زبان‌های ترکی استانبولی بوده و از بارزترین ویژگی‌های این زبان‌ها است، در زبان ترکی استانبولی به نسبت سایر زبان‌های هم‌گروه، با وسعت و استحکام بیشتری اجرا می‌شوند.

قانون هماهنگی حروف مصوت، تمامی ساختمان صوتی زبان ترکی را فراگرفته است و توزیع حروف مصوت در کلمه از این قانون تبعیت می‌کند. هر یک از هشت حرف مصوت ترکی می‌تواند در هجای اول کلمه ظاهر شود. به پیروی از اصل کلی، اولین حرف مصوت کلمه قبل از حرف / حروف صامت، نوع حروف صامت، نوع حروف مصوت بعدی را معین می‌کند:

| | | | | |
|---|---|---|---|---------------|
| i | ü | ı | u | مصوت‌های مقدم |
| e | ö | a | o | |
| ı | ü | ı | u | مصوت‌های تابع |

| | | |
|-----|-----|---------------|
| i ü | ı u | مصوت‌های مقدم |
| e ö | a o | |
| e | a | مصوت‌های تابع |

بنابراین با بررسی همه موارد متوجه می‌شویم که برای هر حرف مصوت در هجای اول، فقط دو حرف مصوت می‌توانند در هجای بعد آن قرار گیرند.

| مصوت‌های مقدم | مصوت‌های تابع |
|---------------|---------------|
| i | e,i |
| e | e,i |
| ü | e,ü |
| ö | e,ü |
| ı | a,ı |
| a | a,ı |
| u | a,u |
| o | a,u |

مثال با حروف مصوت پیشین:

| | | | |
|------|-------|------|--------|
| etek | دامن | örtü | رومیزی |
| ülke | کشور | ütü | اتو |
| Ekim | اکتبر | ipek | ابریشم |
| iyi | خوب | öğle | ظهر |

مثال با حروف مصوت پسین:

| | | | |
|------|------------------|-------|------------|
| ABla | آبجی، خواهر بزرگ | akıl | عقل |
| ufak | کوچک | okul | مدرسه |
| ucuz | ارزان | sokak | کوچه |
| ışık | نور | sıra | نوبت، ردیف |

نکته: در بعضی از کلمات اصیل ترکی این قانون صدق نمی‌کند؛ مثال:

| | | | |
|----------|---------------------|----------|--------------------|
| avuç | مشت، کف دست | savurmak | باد دادن، فحش گفتن |
| avurt | طرفین دهان، فک | kavun | خریزه |
| kavurmak | سرخ کردن، تف دادن | karpuz | هندوانه |
| kavuşmak | بهم رسیدن، واصل شدن | tavuk | مرغ |
| yağmur | باران | kabuk | پوست، رویه، غلاف |
| çamur | گل | | |

اما به هنگام اضافه شدن پیوندها به این کلمات، پیوندها از این قانون تبعیت کرده و تابع آخرین مصوت کلمه می‌شوند. اکنون روشن است که هر مصوت تابع می‌تواند باز (a یا e) یا بسته (u, ı, ü, ı) باشد و این به محیط آواشناسی کلمه بستگی دارد. در پایین دو مثال از پیوند جمع -lar و -ler می‌آوریم که چگونه از آخرین حرف صدادار کلمه تبعیت می‌کند:

| | | | |
|-------|-----|----------|--------|
| çocuk | بچه | çocuklar | بچه‌ها |
| sene | سال | seneler | سال‌ها |

پیوند چهار شکلی -li, -lu, -lü, -li دارا بودن یا داشتن را نشان می‌دهد:

| | | | |
|-------|-----|---------|----------------|
| şeker | شکر | şekerli | شکر دار، شیرین |
| akıl | عقل | akıllı | عاقل |
| süt | شیر | sütlü | شیردار |
| tuz | نمک | tuzlu | شور، نمک دار |

استثنای بر قوانین هماهنگی حروف مصوت

بسیاری از کلمات ترکی با قوانین هماهنگی حروف مصوت مطابقت نمی‌کنند. برخی از این کلمات ریشه اروپایی دارند و برخی نیز از عربی و فارسی به عاریه گرفته شده‌اند، اما حروف مصوت پیوندهایی که به این قبیل کلمات افزوده می‌شوند باز هم تحت تأثیر حروف مصوت ما قبل خود هستند مثال برای پیوند جمع -lar و -ler :

| | | | |
|-------|-------------|----------|---------------|
| memur | کارمند دولت | memurlar | کارمندان دولت |
|-------|-------------|----------|---------------|

| | | | |
|----------|---------|-------------|------------|
| anne | مادر | anneler | مادران |
| imza | امضاء | imzalar | امضاها |
| metod | روش | metodlar | روش‌ها |
| otomobil | اتومبیل | otomobiller | اتومبیل‌ها |
| komPOSto | کمپوت | komPOStolar | کمپوت‌ها |

به طور کل کلماتی که با قانون هماهنگی اصوات مطابقت ندارند را می‌توان در ۷ بخش دسته بندی کرد:
۱- کلماتی که ریشه خارجی دارند:

| | | | |
|----------|----------------------|------------|---------------------|
| kitap | کتاب | dünya | دنیا |
| sandalye | صندلی | kafi | کافی |
| Ahmet | احمد | mecburiyet | مجبورت |
| beraber | با هم دیگر، به اتفاق | cumhuriyet | جمهوریت |
| hakikat | حقیقت | kalem | قلم، مداد |
| lale | لاله | penaltı | پنالتی |
| fasulye | لوبیا | lobi | لابی |
| alkol | الکل | daktilo | تایپیست، ماشین نویس |
| akordeon | آکاردئون | rötar | تاخیر، دیرکرد |
| radio | رادیو | tiyatro | تئاتر |
| otobüs | اتوبوس | televizyon | تلویزیون |
| horoz | خروس، چخماق تفنگ | kamyon | کامیون |

۲- معبود کلمات ترکی که دچار تغییرات شدند:

| | | | |
|-------------------|----------------|-----------------|-------------------|
| anne (ana) | مادر | hani (kanı) | کو؟ چه شد؟ کجاست؟ |
| elma (alma) | سیب | hangi (kangı) | کدام؟ |
| kardeş (kardaş) | برادر یا خواهر | şişman (şişman) | چاق |
| inanmak (inanmak) | باور کردن | dahi (dakı) | حتی، نیز |

۳- کلمات مرکب:

| | | | |
|-----------|---------------------|-----------|-----------------------|
| çiçektozu | گرد گل | güneybatı | جنوب غربی |
| çokbilmiş | زیرک، حقه باز، مکار | babayiğit | مرد دلیر، جسور، دلاور |
| doğumevi | زایشگاه | sabretmek | صبر کردن |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | | | |
|-------------|----------|--------------|------------|
| bugün | امروز | karagöz | سیاه چشم |
| keçiboynuzu | ملخ | günaydın | روز به خیر |
| amperölçer | آمپرسنج | bilgisayar | کامپیوتر |
| sanatsever | هنر دوست | aslanpençesi | پنجه شیر |

۴- کلمات و ریشه‌های افعال، وقتی با پیوندهای -gil, -mtrak (-i), -leyin, -yor, -ki, -ken, که هیچ گاه تغییر نمی‌کنند همراه می‌شوند دیگر از قانون هماهنگی اصوات تبعیت نمی‌کنند:

| | | | |
|-----------|--------------------------------------|------------|--------------------------|
| okurken | ضمن خواندن، در حالی که می‌خواند | okuldaki | چیز یا کس موجود در مدرسه |
| uyurken | ضمن خوابیدن، در حالی که می‌خوابد | sabahleyin | وقت صبح، سر صبح |
| çeviriyor | دارد ترجمه می‌کند، دارد بر می‌گرداند | ekşimtrak | ترش مزه، میخوش |
| seviniyor | خوشحال می‌شود | masadaki | چیز یا کس در میز |
| halamgil | عمه من و خانواده‌اش (عمم این‌ها) | | |

پیوند چهار شکلی -teş, -taş, -deş, -daş- که پیوند همراهی و مصاحبت است نیز معمولاً از قانون هماهنگی اصوات تبعیت نمی‌کند:

| | | | |
|-----------|----------------------------|---------|-------------------|
| ülküdaş | هم وطن | denktaş | هم عیار، هم میزان |
| gönüldaş | هم دل، هم فکر | emektaş | هم خدمت، هم کار |
| meslektaş | شغل همکار، هم حرفه، هم شغل | | |

لازم به ذکر است که در پیوند زمان حال و گذشته استمراری یعنی -İyor- حرف İ به پیروی از حروف مصوت قبل از خود تغییر می‌کند اما O در همه حال ثابت می‌ماند. به عبارت دیگر تابع حروف مصوت قبل از خود نیست

| | | | |
|--------|----------------|---------|-------------------|
| iTiyor | او فشار می‌دهد | oKUyor | او می‌خواند |
| aÇıyor | او باز می‌کند | süRÜyor | او رانندگی می‌کند |

۵- حرف ربط ki در بعضی کلمات به صورت قالب و یک پارچه به کار می‌رود در این حالت خارج از کلماتی مانند dünkü (مال دیروز، مربوط به دیروز، دیروزی)، bugünkü (مال امروز، مربوط به امروز، امروزی) این نوع از کلمات از قانون هماهنگی اصوات تبعیت نمی‌کنند و همیشه به شکل ki بکار می‌رود:

| | | | |
|---------|-----------------|---------|--|
| halbuki | گویا، مثل اینکه | sanki | در صورتی که، در حالی که، با وجودی که |
| mademki | بعدی | sonraki | مادامی که، تا زمانی که، حالا که، وقتی که |
| oysaki | | | با وجودی که، در صورتی که |

۶- کلمات با ریشه بیگانه زمانی که به صامت I ختم می‌شوند، هنگام قبول پیوند از قانون هماهنگی اصوات تبعیت نمی‌کنند:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | | | |
|-----------|-------------------|------------|---------------------|
| hal-i-ni | حالت راه، حالش را | intikal-i | انتقال راه، انتقالش |
| helal-i | حلال راه، حلالش | amiral-e | به آدمیرال |
| ihtimal-e | به احتمال | petrol-den | از نفت |
| gol-ü | گل (در فوتبال) را | | |

۷- در بعضی از کلمات با ریشه خارجی که آخرین مصوت آن‌ها به مصوت a نرم ختم می‌شود نیز، قانون هماهنگی اصوات رعایت نمی‌شود:

| | | | |
|----------|---------------|------------|-----------------|
| kanaat-e | به قناعت | liyakat-li | با لیاقت |
| harf-i | حرف راه، حرفش | dikkat-e | به دقت |
| harb-i | جنگ راه، جنگش | şefkat-li | مهربان، با شفقت |
| kalp-ler | قلب‌ها | bahs-ler | مباحث |

۸- پیشوندها و پسوندهایی که از زبان‌های دیگر وارد ترکی شده‌اند:

| | | |
|-------|----------------|---|
| -en | tamamen | تماماً |
| -izm | Şamanizm | پیروی از عقاید جادوگران و کاهنان دوران اولیه تمدن بشر |
| anti- | antidemokratik | ضد دموکراتیک |
| bi- | bihaber | بی خبر |

ب) هماهنگی مصوت‌های راست و گرد (düzlük-yuvarlaklık uyumu)

علاوه بر تجانس و هماهنگی خشن و ظریف، یک نوع تطابق و توالی دیگر نیز در اصوات مصوت کلمات ترکی استانبولی به چشم می‌خورد که مربوط به هماهنگی مصوت‌های راست و گرد است و از آن نیز به عنوان تطابق خاص می‌توان نام برد. البته این قانون از نظر قدمت و عمومیت مانند قانون هماهنگی خشن و ظریف نیست و با اینکه در زبان ادبی در حدود ریشه‌ها کما بیش رعایت می‌شده، در پیوندها چندان مراعات نگشته و حکومت پابرجایی نداشته است و تنها بعد از آنکه گرامر زبان ترکی استانبولی به صورت متدیک تدوین یافته و الفبای آن تغییر پیدا کرده، در زبان ادبی بموقع اجرا در آمده است.

به موجب این قانون در زبان ترکی استانبولی، خواه در ریشه‌ها و خواه در پیوندها، بعد از مصوت‌های راست (â, e, î, î) ، مصوت‌های راست و بعد از مصوت‌های گرد (o, ö, u, ü) ، تنها مصوت‌های گرد بسته (u, ü) و یا مصوت‌های راست باز (a, e) می‌آیند.

زبان ترکی استانبولی زبان کوتاه مصوت

زبان ترکی استانبولی، در اساس زبان کوتاه مصوت است. در کلمات اصیل این زبان، به استثنای موارد معدود که ناشی از رخدادهای صوتی است، مصوت‌ها اعم از اینکه رأساً و به صورت منفرد و یا به حالت امتزاج با یک صامت هجا تشکیل دهند، همواره دارای شکل کوتاه متعارف هستند و تغییری که در میزان کشش صوتی آن‌ها در مواضع مختلف کلمه روی می‌دهد، نامحسوس است.

در زبان ترکی استانبولی، مصوت‌های کشیده به مقدار فراوان در کلمات دخیل به چشم می‌خورند. هر چند در قسمتی از این کلمات، مصوت‌ها شکل کشیده خود را از دست داده و از نظر صوتی استحاله یافته‌اند، با وجود این، کلمات و لغاتی هستند که کشش مصوت‌های خود را با خود دارند.

اصولاً در زبان‌های فارسی و عربی مصوت‌ها از لحاظ درجه کشش با مصوت‌های زبان ترکی استانبولی اختلاف فاحش دارند. بطوریکه هر گاه اصوات صدادار را در زبان فارسی شش فقره به حساب آوریم؛ یعنی آ، ا، اُ، آ، ای، او سه صوت از این شش مصوت، یعنی آ، ا، اُ شکل کوتاه و سه صوت دیگر یعنی آ، او، ای شکل کشیده دارند و این فقره تقریباً با همین مشابهت در زبان عربی صدق می‌کند. با این فرق که در عربی سه حرف « وای » که به نام حروف عله شناخته می‌شوند، چیزی جز شکل کشیده آ، ا، اُ نیستند.

این اختلاف در درجه کشش اصوات مصوت زبان ترکی استانبولی با زبان‌های عربی و فارسی در عیار هجاهای این زبان‌ها مستقیماً تأثیر می‌کند. در زبان ترکی استانبولی هجاها، اعم از اینکه مستقیماً از یک مصوت و یا از ترکیب مصوت و صامت تشکیل شوند، عیار مساوی دارند. ولی در واحد فارسی و عربی هرگاه عیار هجاهایی را که با مصوت‌های کشیده مجهزند واحد حساب کنیم، درجه کشش هجاهای مصوت عادی نصف واحد خواهد بود. این موضوع به خصوص در شعر حائز اهمیت فوق‌العاده است. در ترکی استانبولی به لحاظ مساوی بودن عیار صوتی هجاها، قالب طبیعی شعر وزن هجا است، در صورتی که در عربی و فارسی به جهت عدم تساوی صوتی هجاها وزن شعر عروض است.

مصوت ترکیبی

مصوت ترکیبی یا دیفتونگ، آوایی است که از امتزاج و وحدت دو صوت صدادار حاصل می‌شود. مصوت ترکیبی که در بعضی از زبان‌ها مانند انگلیسی و فرانسه به مقدار زیاد رایج است، در زبان ترکی استانبولی بجز در بعضی از شیوه‌های محلی به چشم نمی‌خورد. مصوت ترکیبی، از هم‌جواری دو مصوت در یک هجا به وجود می‌آید. مصوت‌هایی که در کلمه پهلو به پهلو قرار می‌گیرند، هنگام تلفظ در آغاز صدای مصوت اولی و سپس صدای مصوت دومی را به خود می‌گیرند و بنابراین حکم صدای واحدی را پیدا می‌کنند و در ترکیب کلمه نیز نقش مصوت تکی را به عهده می‌کشند. علت رایج نبودن مصوت ترکیبی در زبان ترکی استانبولی بدان جهت است که در این زبان‌ها هر هجا تنها یک مصوت می‌تواند داشته باشد و دیگر اینکه در دو هجای هم‌جوار یک کلمه نیز دو مصوت پهلو به پهلو قرار نمی‌گیرند و هر گاه در مواردی مثلاً در محل الحاق پیوندها به ریشه‌ها چنین حالتی رخ دهد، معمولاً با دخالت صوت صامتی میان این دو

مصوت فاصله ایجاد می‌شود. خلاصه اینکه در زبان ترکی استانبولی مصوت ترکیبی وجود ندارد و هرگاه کلماتی با این حالت پیدا شوند، مسلماً جزء کلمات دخیل خواهند بود.

حذف حروف مصوت (Ünlü düşmesi)

حذف حروف مصوت عموماً در آن دسته از اسامی دو هجایی صورت می‌گیرد که هجای پایانی آن‌ها یک حرف مصوت بسته (ı, i, ü, î) و بعد از آن‌ها یک حرف صامت (معمولاً l, m, n, r یا z) باشد. حذف حرف مصوت قبل از یک صامت نهایی در شرایطی است که یک پیوندی که با یک مصوت بسته آغاز شده است به آن متصل گردد. در این حالت، حرف مصوت حذف شده هنوز می‌تواند حرف مصوت پیوند را تعیین کند. مثال‌های زیر را مطالعه کنید:

حذف i

| | | | |
|-------|---------------|-------|-------------------|
| aciz | عجز، ناتوانی | aczi | عجز را (عجزش) |
| şehir | شهر | şehir | شهر را (شهرش) |
| isim | اسم، نام | ismi | اسم را (اسمش) |
| beyin | مغز | beyni | مغز را (مغزش) |
| akis | انعکاس، واکنش | aksi | انعکاس را (عکسش) |
| ahit | عهد، پیمان | ahdı | عهد را (عهدش) |
| azim | عزم | azmi | عزم را (عزمش) |
| zehir | ذهن | zehni | ذهن را (ذهنش) |
| cisim | جسم | cismi | جسم را (جسمش) |
| defin | دفن | defni | دفن را (دفنش) |
| devir | دوره | devri | دوره را (دوره‌اش) |
| ecir | اجر، پاداش | ecri | اجر را (اجرش) |
| emir | امر، دستور | emri | امر را (امرش) |
| fikir | فکر | fikri | فکر را (فکرش) |
| film | فیلم | filmi | فیلم را (فیلمش) |
| haciz | حجر، حق | haczi | حجر را (حجرش) |
| hasim | خصم | hasmi | خصم را (خصمش) |
| hapis | حبس | hapsi | حبس را (حبسش) |
| ilim | علم | ilmi | علم را (علمش) |
| kesir | کسر | kesri | کسر را (کسرش) |
| izin | اذن، اجازه | izni | اذن را (اذنش) |
| kadir | قدر، ارزش | kadri | قدر را (قدرش) |
| keşif | کشف | keşfi | کشف را (کشفش) |
| keyif | کیف، لذت | keyfi | کیف را (کیفش) |
| metin | متن | metni | متن را (متنش) |

| | | | |
|-------|-----------|-------|---------------------|
| nakil | نقل | nakli | نقل را (نقلش) |
| nakit | نقد | nakti | نقد را (نقدش) |
| nefis | نفس | nefsi | نفس را (نفسش) |
| nesir | نثر | nesri | نثر را (نثرش) |
| neşir | نشر | neşri | نشر را (نشرش) |
| neşir | رادیو | neşri | رادیو را (رادیو آش) |
| resim | عکس | resmi | تصویر را (تصویرش) |
| seyir | سیر، حرکت | seyri | سیر را (سیرش) |
| şekil | شکل | şekli | شکل را (شکلش) |
| vakit | وقت | vakti | وقت را (وقتش) |
| zehir | زهر | zehri | زهر را (زهرش) |

İyi bir fikir. فکر خوبی است.
 Onun fikri çok güzel. فکر او بسیار زیباست.
 Resim içinde neler var. داخل عکس چه چیزهایی وجود دارد.
 O resmi gördüm. آن عکس را دیدم.

حذف ü

در مثال‌های زیر از -im, -ım, -üm, -um (پیوند اول شخص مفرد که مالکیت را می‌رساند) استفاده می‌کنیم:

| | | | |
|-------|------|--------|---------|
| cürüm | جرم | cürmüm | جرم من |
| göğüs | سینه | göğsüm | سینه من |
| gönül | قلب | gönlüm | قلب من |
| ömür | عمر | ömrüm | عمر من |
| zulüm | ظلم | zulum | ظلم من |

Gönül bunu istedi. دل این را خواست.
 Gönlüm seni istiyor. دلم تو را می‌خواهد.
 Ömür geçti. عمر گذشت.
 Ömrüm geçiyor. عمرم دارد می‌گذرد.

حذف I

| | | | |
|------|------|-------|---------|
| ağız | دهان | ağzım | دهان من |
|------|------|-------|---------|

| | | | |
|--------|-------------------------|--------|---------------|
| akıl | عقل | aklım | عقل من |
| akıt | عقد | aktım | عقد من |
| alın | پیشانی | alnım | پیشانی من |
| asır | قرن | asrım | قرن من |
| asıl | اصل | aslım | اصل من |
| bağır | آغوش | bağrım | آغوش من |
| hacım | حجم | hacmım | حجم من |
| hazım | هضم | hazmım | هضم من |
| hışım | خشم | hışmım | خشم من |
| kahrır | قهر | kahrım | قهر من |
| karın | شکم | karnım | شکم من |
| kasıt | قصد | kastım | قصد من |
| kayın | برادر شوهر یا برادر زن | kaynım | برادر شوهر من |
| kayıp | غایب، گم | kaybı | غیب را |
| kısım | قسمت، تکه | kısmım | تکه‌ی من |
| nabız | نبض | nabzım | نبض من |
| nazım | نظم | nazmım | نظم من |
| sabır | صبر | sabrım | صبر من |
| Satıh | سطح | Sathım | سطح من |
| Sıkıt | سقط | sıktım | سقط من |
| tavır | طور، طرز، جور، نوع، حال | tavrım | حال من |
| vasıf | وصف | vasfım | وصف من |

حذف u

| | | | |
|-------|------|--------|---------|
| burun | بینی | burnum | بینی من |
| ufuk | افق | ufkum | افق من |
| usul | اصول | uslüm | اصول من |
| oğul | پسر | oğlum | پسر من |

مثال:

Kızım liseyi bitirdi, oğlum okula yeni başladı.

دخترم دبیرستان را تمام کرد، پسر من تازه دبستان را شروع کرده است.

اما اگر این اسامی به پیوندی اضافه شوند که با یک حرف صامت شروع شده است ساخت خود را از دست نمی‌دهد:

| | | | |
|---------|-------|----------|--------|
| isimler | اسمها | göğüsler | سینهها |
| oğullar | پسرها | kısımlar | قسمتها |

به علاوه پیوند زمان حال استمراری (-iyor, -üyor, -uyor, -ıyor) باعث حذف حرف مصوت ما قبل خود می شود:

bekleyor
 bekle+İyor: تبدیل می شود به: او (دارد) انتظار می کشد
 bekliyor

anlayor
 anla+İyor: تبدیل می شود به: او می فهمد
 anlıyor

isteyor
 iste+İyor: تبدیل می شود به: او می خواهد
 istiyor

اگر از پیوند منفی ساز -ma, -me استفاده شود a, e حذف می گردد:

beklemeyor
 bekle + me + iyor تبدیل می شود به: او منتظر نمی ماند
 beklemiyor

anlamayor
 anla + ma + iyor تبدیل می شود به: او نمی فهمد
 anlamıyor

istemeyor
 iste + me + iyor تبدیل می شود به: او نمی خواهد
 istemiyor

okumayor
 oku + ma + yor تبدیل می شود به: او نمی خواند
 okumuyor

görmeyor
 gör + me + iyor تبدیل می‌شود به: او نمی‌بیند
 görmüyor

یکی شدن مصوت (Ünlü birleşmesi)

در کلمات اصیل ترکی هیچ گاه دو مصوت در کنار هم نمی‌آیند. در چنین حالتی دو مصوت یکی شده و تبدیل به یک مصوت می‌شوند:

| | | |
|--------------|----------|------------------------|
| Kahve altı > | kahvaltı | صبحانه، ناشتایی |
| ne için > | niçin | چرا؟ برای چه؟ |
| ne asıl > | nasıl | چطور، چگونه، چه گفتید؟ |
| ne oldu > | noldu | چه شد؟ |

حروف صامت

بعضی از قوائد مرتبط با صامت‌ها:

۱- در بین کلمات ترکی، هیچ کلمه‌ای وجود ندارد که با دو صامت پیاپی شروع شود. به غیر از حرف ندای bre (هی، ای). کلماتی مانند tren (ترن، قطار)، fren (ترمز)، plân (پلان، طرح، نقشه، برنامه)، grup (گروه، دسته، طبقه، توده زمهره)، trafik (ترافیک، عبور و مرور، رانندگی)، kral (شاه، سلطان، فرمانروا) ترکی نیستند.

۲- در زبان ترکی کلمات به صامت‌های b, c, d, g ختم نمی‌شوند. با این حال تعداد معدودی از کلمات وجود دارند که از این قاعده پیروی نکرده و به این صامت‌های ختم می‌شوند. مانند: ad (نام)، od (آتش) و sac (ورق آهن). این امر به منظور جلوگیری از تشخیص اشتباه معنایی، با کلمات مشابه خود که به صامت‌های خشن ختم می‌شوند است. به جدول پایین دقت کنید:

| | | | |
|-------------------|---------|-----|-----|
| ad (isim) | نام | at | اسب |
| od (ateş) | آتش | ot | علف |
| sac (yassı demir) | ورق آهن | saç | مو |

به غیر از برخی از کلمات مانند şad (شاد، خوشحال)، yad (غریب، بیگانه) و hac (حج)، کلمات خارجی نیز از این قاعده پیروی کرده و صامت آخر آن‌ها دچار تغییر می‌شود. به عنوان مثال کلمه kebab (کباب) اشتباه است و شکل

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

صحیح آن در زبان ترکی kebab است. هرچند صورت صحیح آن در زبان مبدا خود یعنی عربی kebab است. همچنین Mehmed (محمد) نیز اشتباه است و باید Mehmet نوشته شود.

۳- در زبان ترکی هر صامت فقط با یک حرف نشان داده می‌شود. در بعضی از زبان‌های خارجی به ازای هر صامت چند حرف وجود دارد. مانند sh, ch, sch

/P p /پ/

/B b /ب/

/T t /ت، ط/

/D d /د/

| | | | |
|-----|-----|------|----------------|
| tib | نوع | dal | شاخه درخت |
| bit | شپش | dem | دم، لحظه، زمان |
| top | توپ | dek | تا |
| it | سگ | baba | بابا |

/K k /ک/

/G g /گ/

| | | | |
|-----|-------|-------|---------------------|
| kek | کیک | kok | بو |
| kir | کثافت | kiraz | گیلاس |
| gel | بیا | gol | گل (در بازی فوتبال) |

در برخی کلمات، حروف k و g ممکن است قبل از حرف مصوت پسین a واقع شوند این حالت را با نشانه /[^]/ مشخص می‌کنند.

| | | | |
|--------|-----|-------|------|
| kâr | سود | gâvur | کافر |
| rüzgâr | باد | | |

و مقایسه کنید:

| | | | |
|-----|-----|-----|-----|
| kâr | سود | Kar | برف |
|-----|-----|-----|-----|

/F f /ف/

/V v /و/

| | | | |
|-------|-----|-------|-------|
| sevgi | عشق | kavun | خریزه |
|-------|-----|-------|-------|

| | | | |
|-------|-------------|---------|-------|
| kavak | درخت تبریزی | tavşan | خرگوش |
| havlu | حوله | fırtına | طوفان |
| davul | طبل، دهل | fil | فیل |

S s /س، ص، ث /

Z z /ز، ض، ظ، ذ /

Ş ş /ش /

J j /ژ /

R r /ر /

| | | | |
|------|----------|-------|-------------|
| rica | خواهش | kör | کور، نابینا |
| renk | رنگ | gör | بین |
| ruh | روح | kır | صحرا، دشت |
| ver | بده | vur | بزن |
| bir | یک | türk | ترک |
| var | هست | raf | رف، طاقچه |
| kar | برف | radio | رادیو |
| kir | کثافت | jale | ژاله |
| sır | راز | şapka | کلاه |
| yer | جا، محل | dört | چهار |
| sor | بپرس | kurt | گرگ |
| gür | بین | demir | آهن |
| tur | تور، سفر | zarar | ضرر |

در تلفظ، iyör دقت کنید که تکیه روی -i است.

| | | | |
|-------|-----------------|-----------|---------------------|
| gel | بیا | geLiyor | او دارد می آید |
| bak | نگاه کن | baKıyor | او دارد نگاه می کند |
| gör | بین | göRüyor | او دارد می بیند |
| otur | به شین | otuRUyor | او دارد می نشیند |
| Konuş | صحبت کن | konuŞUyor | او دارد صحبت می کند |
| ver | بده | veRiyor | او دارد می دهد |
| bırak | رها کن، خارج شو | bıraKıyor | او دارد رها می کند |
| dön | بچرخ | dÖnüyor | او دارد می چرخد |

/H h، ه، ح /

| | | | |
|-------|-----------|-------|---------|
| sabah | صبح | eyvah | ای وای! |
| siyah | سیاه | Allah | الله |
| talih | بخت، طالع | halı | قالی |

در صحبت سریع، h قبل از یک حرف صامت غالباً حذف شده و حرف مصوت پیش از کشیده تر می گردد:

| | | | |
|----------|--------|--------|------|
| kahve | قهوه | Mehmet | محمد |
| bahşiş | انعام | Ahmet | احمد |
| kahvaltı | صبحانه | seher | سحر |

/Ç ç، چ /

| | | | |
|-------|------|-------|------------|
| bıçak | چاقو | çürük | پوسیده |
| güç | مشکل | için | برای |
| çiçek | گل | çabuk | چابک، سریع |

/C c، ج /

| | | | |
|------|-----------|------|----------|
| cam | شیشه، جام | acı | تلخ، داغ |
| cami | مسجد | gece | شب |

/M m، م /

| | | | |
|--------|--------|--------|---------|
| mermer | مرمر | kendim | خودم |
| MAsa | میز | evim | خانه ام |
| benim | مال من | masal | مثل |

/N n، ن /

حرف n قبل از p و b در مکالمات می تواند صدای «م» به خود بگیرد مانند: isTANbul که به صورت isTAMbul و یا tenbel (تنبل) که به صورت tembel به گوش می رسد.

| | | | |
|--------|-------------|-----|-------------------|
| nane | نعناع | ben | من |
| nuMAra | شماره | en | پهنا، عرض، گشادگی |
| nüfus | نفوس، جمعیت | ne | چه |

n قبل از g و k خیشومی (به صدایی خیشومی یا غنه گفته می شود که از دماغ بیرون داده شود) می شود:

| | | | |
|--------|--------|--------|--------------------------------------|
| renk | رنگ | zengin | ثروتمند |
| BANka | بانک | denk | لنگه، عدل، بار، موافق، معادله، میزان |
| ANkara | آنکارا | çünkü | چون که، زیرا |

L l / ل / : چنانچه قبل از l حرف پیشین (i, e, ü, ö) قرار گیرد صدای خفیف دارد:

| | | | |
|-----|--------|-----|---|
| il | شهر | pil | باتری |
| bil | بدان | bel | کمر |
| dil | زبان | yel | باد |
| fil | فیل | Nil | رودخانه نیل |
| sel | سیل | mil | ۱- واحد طول مایل ۲- میله، میل، سیخ فلزی |
| göl | دریاچه | tel | رشته، کابل، مفتول، لیف، نخ |

ل در مثال‌های زیر خفیف تلفظ می‌شود:

| | | | |
|--------|-----------------------|--------|----------|
| zil | زنگ | tilki | روباه |
| böl | تقسیم کن | bilmek | دانستن |
| gel | بیا | milli | ملی |
| gümlek | خندیدن | eller | دستها |
| gelmek | آمدن | bülül | بلبل |
| ölmek | مردن | değil | نه، نیست |
| sil | پاک بکن | elli | پنجاه |
| kel | کچل | gül | گل |
| kül | خاکستر | belli | آشکار |
| silk | ۱- تکان بده ۲- ابریشم | | |

اما اگر قبل و یا بعد از L حروف پسین (i, u, o, a) قرار گیرند به صورت غلیظ تلفظ می‌شود:

| | | | |
|----------|--------|--------|------------|
| saLAta | سالاد | losyon | لوسیون |
| salon | سالن | kalmak | باقی ماندن |
| yanlış | اشتباه | bulduk | پیدا کردیم |
| yolculuk | سفر | musluk | شیر آب |
| bulut | ابر | | |

همچنین حروف R و L پایانی را در پیوند جمع (-lar و -ler) تمرین کنید:

ل غلیظ

| | | | |
|-------|---------|----------|-----------|
| akşam | عصر، شب | akşamlar | شبها |
| ağaç | درخت | ağaçlar | درختها |
| araba | ماشین | arabalar | ماشینها |
| uçak | هواپیما | uçaklar | هواپیماها |
| sıra | ردیف | sıralar | ردیفها |
| bina | ساختمان | binalar | ساختمانها |

ل خفیف

| | | | |
|----------|-----------|-------------|--------|
| gün | روز | günler | روزها |
| gece | شب | geceler | شبها |
| otel | هتل | oteller | هتلها |
| teşekkür | تشکر | teşekkürler | تشکرات |
| şehir | شهر | şehirler | شهرها |
| kalem | قلم، مداد | kalemler | مدادها |

در برخی از واژه‌های عاریه گرفته شده از زبان‌های بیگانه، l علیرغم این که قبل یا بعد از آن حروف پسین آمده باشند، خفیف تلفظ می‌شود:

| | | | |
|-------|-------------|-------|------------|
| plan | طرح، برنامه | plaj | پلاژ، ساحل |
| lamba | لامپ | lale | لاله |
| blok | بلوک | kabul | قبول |
| flaş | فلاش | rol | نقش |
| kalp | قلب | lazım | لازم |
| sulh | صلح | | |

Y y / ای /

| | | | |
|----------|--------------|--------|------|
| yıl | سال | yılan | مار |
| yıldırım | ساعقه | yalan | دروغ |
| seviyor | دوست می‌دارد | yoğurt | ماست |

تغییر حروف صامت (Ünsüz değişimi)

در فرایند پیوند و الصاق، زمانی که پیوندی را به ریشه یک لغت اضافه می‌کنیم دو نوع تغییر در حروف مصوت به وجود می‌آید:

(الف) تغییر در اولین حرف بی صدای پیوند اضافه شده

(ب) تغییر در آخرین حرف بی صدای ریشه لغت (با پیوند قبلی)

این تغییرات برای چهار جفت حرف مصوت صورت می‌پذیرد:

t-d p-b ç-c k-g or ğ

تغییر نوع اول

اگر پیوندی با جفت حرف مصوت متغیر، t-d یا ç-c آغاز شده باشد و به یک حرف صامت خشن (ç,f,h,k,p,s,ş,t) وصل شود به شکل خشن ظاهر خواهد شد (ç یا t)؛ اما اگر به یک مصوت غیر خشن یا نرم مختوم گردد به شکل ملایم‌تر آن یعنی (c یا d) نمایان خواهد شد. به عنوان مثال پیوند CI- بعد از صامت خشن به صورت çI- و بعد از یک صامت نرم یا مصوت به شکل cI- در خواهد آمد. به خاطر داشته باشید پیوند CI- قابلیت تغییر به çI, cI, çü, cü, çu, -cü, -cu را دارا است:

| | | | |
|-------|------|---------|----------|
| süt | شیر | sütçü | شیر فروش |
| POSta | پست | POStacı | پستچی |
| balık | ماهی | balıkçı | ماهیگیر |
| kapı | در | kapıcı | دربان |
| kahve | قهوه | kahveci | قهوه‌چی |
| yalan | دروغ | yalancı | دروغ‌گو |
| top | توپ | topçu | توپچی |

به همین ترتیب، پیوند مکان (DE)- بسته به محیط صوتی به -da, -ta, -te تبدیل می‌شود:

| | | | |
|------------|--------------|--------------|------------|
| ev | خانه | evde | در خانه |
| okul | مدرسه | okulda | در مدرسه |
| üniversite | دانشگاه | üniversitede | در دانشگاه |
| klüp | باشگاه، کلوب | klüpte | در باشگاه |
| ANkara | آنکارا | ANkarada | در آنکارا |
| İzmir | ازمیر | İzmirde | در ازمیر |
| Sokak | کوچه | Sokakta | در کوچه |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

پیوند گذشته در ترکی -İDİ (da, dı, dü, du, ta, tı, tü, tu) است. در مثال پایین مشاهده می‌کنید که چگونه نسبت به محیط صوتی دچار تغییر می‌شود:

| | | | |
|-------|---------|-------------------------------|----------|
| at | بیانداز | at+ (idi) = attı | انداخت |
| oku | بخوان | oku + (idi) = okudu | خواند |
| iç | بنوش | iç+ (idi) = içti | نوشتید |
| konuş | صحبت کن | konuş+ (idi) = Konuştu | صحبت کرد |

با افزودن پیوند CE (-ca, -ce, -ça, -çe) به اسامی کشورها، ملیت‌ها، و گروه‌های نژادی، زبان آن کشور نشان داده می‌شود، مانند Türk (تُرک) که می‌شود Türkçe (زبان ترکی). به مثال‌های زیر توجه کنید:

| | | | |
|----------|-----------|-------------------|----------------|
| Çin | چین | Çince | زبان چینی |
| Fars | فارس | Farsça | زبان فارسی |
| NORveç | نروژ | NORveçce | زبان نروژی |
| İzLANda | ایسلند | İzLANdaca | زبان ایسلندی |
| Rus | روسی | Rusça | زبان روسی |
| İspanyol | اسپانیایی | İspanyolca | زبان اسپانیایی |
| FRANsız | فرانسوی | FRANsızca | زبان فرانسوی |
| Alman | آلمانی | Almanca | زبان آلمانی |
| Yunan | یونانی | Yunanca | زبان یونانی |
| Arap | عرب | Arapça | زبان عربی |
| Japon | ژاپنی | Japonca | زبان ژاپنی |

تغییر نوع دوم

در تغییر نوع دوم، صامت‌های خشن (p, k, t, ç) در برخی لغات به معادل خود (b, g, ğ, d, c) در صورتی تغییر می‌یابند که بعد از آن‌ها مصوت قرار گیرد. اما چه حرف خشن پیوند باشد و یا بعد آن یک صامت آمده باشد، همچنان خشن می‌مانند. (معدودی از کلمات ترکی به استثناء چند کلمه بیگانه عاریتی، به b, d, g یا c ختم می‌شود):

| | | | | | |
|-------|------|---------------|---------|-----------------|---------|
| kitap | کتاب | Kitabı | کتاب را | Kitaplar | کتاب‌ها |
| yurt | کشور | yurdu | کشور را | yurtlar | کشورها |
| renk | رنگ | rengi | رنگ را | renkler | رنگ‌ها |
| ağaç | درخت | ağacı | درخت را | ağaçlar | درخت‌ها |

اگر قبل از k پایانی حرف n قرار گیرد k تبدیل به g می‌شود:

| | | | | | |
|--------|---------------|---------|----------|-----------|----------|
| denk | لنگه، عدل | dengi | لنگه را | denkler | لنگه‌ها |
| ahenk | آهنگ، هارمونی | ahengi | آهنگ را | ahenkler | آهنگ‌ها |
| kepenk | کرکره | kepengi | کرکره را | kepenkler | کرکره‌ها |
| renk | رنگ | rengi | رنگ را | renkler | رنگ‌ها |
| cenk | جنگ | cengi | جنگ را | cenkler | جنگ‌ها |

اگر قبل از k پایانی یک حرف صدادار باشد تبدیل به ğ می‌شود:

| | | | | | |
|-------|--------|-------|-----------|----------|-----------|
| sokak | خیابان | sokağ | خیابان را | Sokaklar | خیابان‌ها |
| çocuk | بچه | çocuğ | بچه را | çocuklar | بچه‌ها |

| | | | | | |
|------------|-----------|------------|-----------|-----------|----------------------|
| kitap | ağaç | damat | renk | ekmek | حالت آزاد |
| کتاب | درخت | داماد | رنگ | نان | |
| kitaba | ağaca | damada | renge | ekmeğe | حالت تأثیر «به»: |
| به کتاب | به درخت | به داماد | به رنگ | به نان | |
| kitapta | ağaçta | damatta | renkte | ekmekte | حالت تخصیص «در»: |
| در کتاب | در درخت | در داماد | در رنگ | در نان | |
| kitaptan | ağaçtan | damattan | renkten | ekmekten | حالت انفکاک «از»: |
| از کتاب | از درخت | از داماد | از رنگ | از نان | |
| kitabı | ağacı | damadı | renği | ekmeği | حالت گرایش «را»: |
| کتاب را | درخت را | داماد را | رنگ را | نان را | |
| kitapla | ağaçla | damatla | renkle | ekmekle | حالت واسطه «با»: |
| با کتاب | با درخت | با داماد | با رنگ | با نان | |
| kitabın | ağacın | damadın | renğın | ekmeğın | حالت اضافه ملکی: |
| مال کتاب | مال درخت | مال داماد | مال رنگ | مال نان | |
| kitaplar | ağaçlar | damatlar | renkler | ekmekler | جمع: |
| کتاب‌ها | درختان | دامادها | رنگ‌ها | نان‌ها | |
| kitapları | ağaçları | damatları | renkleri | ekmekleri | حالت جمع گرایش «را»: |
| کتاب‌ها را | درختان را | دامادها را | رنگ‌ها را | نان‌ها را | |

تعداد معدودی از ریشه‌های فعل ترکی دچار این تغییر می‌شوند:

| | | | | | |
|-----|-----------|--------|------------|-------|-----------------|
| git | برو | gitmek | رفتن | gider | او می‌رود |
| et | انجام بده | etmek | انجام دادن | eder | او انجام می‌دهد |

| | | | | | |
|-----|--------|-----------|---------------------|---------|------------------|
| tat | tatmak | بچش | چشیدن | tadacak | خواهد چشید |
| güt | gütmek | چوپانی کن | چوپانی کردن، چراندن | güdecek | چوپانی خواهد کرد |

در برخی از کلمات عاریتی، g پایانی، زمانی که قبل از آن یک مصوت باشد قبل از یک پیوند صدادر تبدیل به ğ می‌شود:

| | | | | | |
|----------|-------------------|------------|--------------|-------------|--------------|
| sosyolog | sosyoloğ <u>u</u> | جامعه شناس | جامه شناس را | sosyologlar | جامعه‌شناسان |
| Katalog | kataloğ <u>u</u> | کاتالوگ | کاتالوگ را | kataloglar | کاتالوگ‌ها |

بسیاری از اسامی تک سیلابی و برخی اسامی که بیشتر از یک هجا دارند نشان دهنده پدیده یکسان نیستند:

| | | | | | |
|-------|---------|----------------------|-----------------------|----------|-----------|
| top | topu | توپ | توپ راه، توپش | toplar | توپ‌ها |
| aç | açı | گرسنه | گرسنه راه، گرسنه‌اش | açlar | گرسنگان |
| küp | küpü | ۱-خم، ۲-مکعب | خم‌راه، خم‌راهش | küpler | خم‌ها |
| iç | içi | داخل، درون، تو | درونش، درون را | içler | درون‌ها |
| sepet | sepeti | سبد | سبد راه، سبدش | sepetler | سبدها |
| aygıt | aygıtı | دستگاه، اسباب، جهاز | دستگاه راه، دستگاهش | aygıtlar | دستگاه‌ها |
| konut | konutu | خانه، اقامتگاه، مسکن | خانه راه، خانه‌اش | konutlar | خانه‌ها |
| it | iti | سگ | سگ راه، سگش | itler | سگ‌ها |
| ok | oku | کمان | کمان راه، کمانش | oklar | کمان‌ها |
| maç | maçı | بازی، مسابقه | مسابقه راه، مسابقه‌اش | maçlar | مسابقه‌ها |
| ak | akı | سفید | سفید راه، سفیدش | aklar | سفیدها |
| ek | eki | پیوند، پیوست | پیوند راه، پیوندش | ekler | پیوندها |
| erk | erki | قدرت، اقتدار، نفوذ | قدرت راه، قدرتش | erkler | قدرت‌ها |
| et | eti | گوشت | گوشت راه، گوشتش | etler | گوشت‌ها |
| göç | göçü | کوچ، مهاجرت | مهاجرت راه، مهاجرتش | göçler | مهاجرت‌ها |
| ip | ipi | طناب، نخ، ریسمان | طناب راه، طنابش | ipler | طناب‌ها |
| kaç | Kaçıncı | چند | چندمین | - | |
| kök | kökü | ریشه | ریشه راه، ریشه‌اش | kökler | ریشه‌ها |
| ot | otu | علف | علف راه، علفش | otlar | علف‌ها |
| saç | saçı | مو، گیس | مو راه، مویش | saçlar | گیسوان |
| sap | sapı | دسته، دستگیره | دسته راه، دسته‌اش | saplar | دسته‌ها |
| süt | sütü | شیر | شیر راه، شیرش | sütler | شیرها |
| üç | üçü | سه | سه راه، هر سه تایشان | - | |
| suç | suçu | گناه، جرم، تقصیر | جرم راه، جرمش | suçlar | جرائم |

ولی در معدودی از اسامی تک هجایی، k به ğ، ç به c، p به b و t به d تغییر می‌یابد :

| | | | |
|------|-------------------------------|---------------|-------------------|
| çok | خیلی | çoğ <u>u</u> | بسیاری از |
| cep | جیب | ce <u>bi</u> | جیب راه، جیبش |
| taç | تاج | taç <u>ı</u> | تاج راه، تاجش |
| tat | مزه | ta <u>dı</u> | مزه راه، مزه‌اش |
| but | ران | bu <u>du</u> | ران راه، رانش |
| dip | بیخ، زیر، عمق، کف | di <u>bi</u> | عمق راه، عمقش |
| gök | آسمان | göğ <u>ü</u> | آسمان راه، آسمانش |
| kap | ظرف، جلد، کیف | ka <u>bi</u> | ظرف راه، ظرفش |
| kurt | گرگ | ku <u>rdu</u> | گرگ راه، گرگش |
| uç | نوک، سر، کنار، ته، انتها، مرز | uc <u>u</u> | نوک راه، نوکش |
| yurt | کشور، وطن | yu <u>rdu</u> | کشور راه، کشورش |

در بعضی از کلمات خارجی که وارد ترکی شده‌اند حروف k, p, t نرم نمی‌شوند و به همان شکل باقی می‌مانند:

| | | | |
|--------|-------|-----------------|-------------------|
| Adalet | عدالت | adalet <u>i</u> | عدالت راه، عدالتش |
| Ayet | آیت | ayet <u>i</u> | آیت، آیتش |
| Cemaat | جماعت | cemaat <u>i</u> | جماعت راه، جماعتش |
| Aşk | عشق | aşk <u>ı</u> | عشق راه، عشقش |
| halk | خلق | halk <u>ı</u> | خلق راه، خلقش |
| sirk | سیرک | sirk <u>i</u> | سیرک راه، سیرکش |
| bank | بانک | bank <u>ı</u> | بانک، بانکش |
| frak | فراق | frak <u>ı</u> | فراق، فراقش |

حرف ğ تحت تأثیر مصوت‌های O و Ö به راحتی تبدیل به حرف v می‌شود:

| | | |
|----------|--------|---|
| Döğmek > | dövmek | کنتک خوردن، گم کردن |
| Koğmak > | kovmak | بیرون کردن، خارج کردن، از کاری بیرون کردن |
| Oğmak > | ovmak | ماساژ دادن، مالیدن با دست، ساییدن، مشت و مال کردن |
| Söğmek > | sövmek | فحش دادن، دشنام گفتن |

هر دو شکل این کلمات چه در نوشتار و چه در گفتار صحیح می‌باشد. اما شکل مناسب تر آن در نوشتار این است که با v نوشته شود.

همچنین حرف ğ در زبان گفتار تحت تأثیر مصوت‌های e و i به حرف y تبدیل می‌شود:

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

| | | | |
|----------|---|----------|--------------------------------|
| eğilmek | > | eyilmek | کج شدن، خم شدن |
| beğenmek | > | beyenmek | پسندیدن، خوش دیدن، مناسب یافتن |
| öğle | > | öyle | ظهر، وقت ظهر، ناهار، نیمروز |
| siğil | > | siyil | زگیل |

"Y" میانجی

اگر کلمه‌ای به یک حرف مصوت ختم شود و به پیوندی که با یک حرف مصوت آغاز شده باشد متصل گردد حرف نیمه مصوت Y بین دو هر مصوت قرار می‌گیرد:

| | | | | | |
|-------|------------|---------|---------------|----------|--------------|
| gece | شب | geceyi | شب را | geceler | شب‌ها |
| halı | قالی | halıyı | قالی را | halılar | قالی‌ها |
| araba | ماشین | arabayı | ماشین را | arabalar | ماشین‌ها |
| dişçi | دندان‌پزشک | dişçiyi | دندان‌پزشک را | dişçiler | دندان‌پزشکان |
| kutu | قوطی | kutuyu | قوطی را | kutular | قوطی‌ها |
| sözcü | سخنگو | sözcüyü | سخنگو را | sözcüler | سخنگوها |

به علاوه اگر حرف مصوت نهایی در ریشه فعل، e و a باشد ممکن است به وساطت حرف Y به i و ı تبدیل شود. به عنوان مثال، به کاربرد پیوند زمان آینده (-ecek , -acak) توجه کنید:

| | | | |
|---------------|----------------|------------|----------------|
| beklemek | منتظر شدن | bekleyecek | منتظر خواهد شد |
| bekle+y+ AcAK | منتظر خواهد شد | bekliyecek | منتظر خواهد شد |
| anlamak | فهمیدن | anlayacak | خواهد فهمید |
| anla+y+ AcAK | خواهد فهمید | anlıyacak | خواهد فهمید |
| istemek | خواستن | isteyecek | او خواهد خواست |
| iste+y+ AcAK | او خواهد خواست | istiyecek | او خواهد خواست |
| demek | گفتن | deyecek | او خواهد گفت |
| de+y+ AcAK | او خواهد گفت | diyecek | او خواهد گفت |
| yemek | خوردن | yecek | او خواهد خورد |
| ye+y+ AcAK | او خواهد خورد | yiyecek | او خواهد خورد |

مثال‌های دیگر از پیوندهای An(y)-، IncA(y)- و ImAy(y)-:

| | | | |
|---------|-----------------------|-------|-----------------------|
| demek | گفتن | deyen | کسی که می‌گوید/می‌گفت |
| de+y+An | کسی که می‌گوید/می‌گفت | diyen | کسی که می‌گوید/می‌گفت |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | | | |
|--------------|-------------------|-----------|-------------------|
| yemek | خوردن | yeyince | وقتی می خورد/خورد |
| ye+y+ Inca | وقتی می خورد/خورد | iyince | وقتی می خورد/خورد |
| istemek | خواستن | isteyeyim | بخواهم |
| iste+y+ AyIm | بخواهم | istiyeyim | بخواهم |

پیوند (y)Inca- فاقد شخص و زمان است. شخص و زمان این پیوند در درون جمله مشخص می شود. مانند:

| | |
|---------------------------|--|
| Paramı bul-unca sevindim. | وقتی پولم را پیدا کردم خوشحال شدم. |
| Parası bul-unca sevindi. | وقتی پولش را پیدا کرد خوشحال شد. |
| İşe gid-ince yorulurlar. | هنگامی که به کار می روند خسته می شوند. |

Y میانجی بعضاً در کلماتی مختوم به مصوت که بعد از آن‌ها پیوندی که با یک مصوت شروع می شود آورده می شود، نیز به کار می رود:

| | | |
|--------------|-----------|--|
| hasta imiş > | Hastaymış | بیمار بوده |
| hasta idi > | Hastaydı | بیمار بود |
| hasta ise > | Hastaysa | اگر بیمار است/بود |
| hasta iken > | Hastayken | زمانی که بیمار است/بود، در حالی که بیمار است/بود |

حالت تشابه (Benzeşme)

تشابه به حالتی اطلاق می شود که یک صدا بر روی صدای ما قبل یا ما بعد خود تأثیر کرده و آن را به عین و یا به قرینه گروهی خود تبدیل می کند حالت تشابه بر حسب قدرت تأثیر صوت عامل، شکل کامل و یا ناقص و به اقتضای جهت تأثیر حالت پیشین یا پسین خواهد داشت اصوات ممکن است به چهار شکل نمودار می شود.

۱- تشابه کامل (Tüm benzeşme):

در این شکل تشابه، صدای عامل بر روی صدای بعد و یا قبل از خود تأثیر کرده و آن را کامل از نوع خود می کند. تشابه کامل فقط در زبان گفتار نمود می کند و در زبان نوشتار وجود ندارد مانند:

| | | |
|------------|----------|---------------------------------|
| Anlatmak > | annatmak | تعریف کردن، توضیح دادن، فهماندن |
| Bunlar > | bunnar | این‌ها |
| Onlar > | onnar | آن‌ها |
| Yalnız > | yannız | تنها، فقط، مجرد |
| senle > | senne | با تو |
| olsun > | ossun | باشد |

۲- تشابه ناقصی (Yarı benzeşme):

در این شکل تشابه، صدای عامل بر روی صدای بعد و یا قبل از خود تأثیر کرده ولی چون نمی‌تواند آن را به عین خود تبدیل کند، به آوای قرین خود تبدیل می‌کند و گاهی خود نیز تغییر می‌کند. مانند:

| | | |
|----------|--------|-----------------------|
| Abdest > | aptes | آب دست، وضو |
| Çenber > | çember | چمبر، حلقه، دایره |
| Anbar > | ambar | انبار، مخزن |
| Cübbe > | cüppe | جبه، جامه گشاد و بلند |
| Tesbih > | tespîh | تسبیح |

تشابه ناقص در زبان گفتار نیز وجود دارد:

| | | |
|-------------|-----------|--------------|
| Binbeşyüz > | bimbeşyüz | هزار و پانصد |
| Binbir > | bimbir | هزار و یک |
| Onbir > | ombir | یازده |

۳- تشابه پسین (İlerleyici benzeşme):

در این حالت صدای عامل به صدای ما بعد خود تأثیر کرده آن را به عین خود تبدیل می‌کند. مانند:

| | | |
|-----------|---------|---------------------------------|
| Bunlar > | bunnar | این‌ها |
| Motör > | motor | موتور، موتور سیکلت، قایق موتوری |
| Müfti > | müftü | مفتی، آگاه به قوانین اسلامی |
| Şemsiye > | şemşiye | چتر |
| Çünkü > | çünkü | چون که، زیرا |

۴- تشابه پیشین (Gerileyici benzeşme):

در این حالت صدای عامل به صدای ما قبل خود تأثیر کرده آن را به عین یا به قرینه گروهی خود تبدیل می‌کند مانند:

| | | |
|------------|----------|------------------------|
| O bir > | öbür | آن دیگری، آن شخص دیگر |
| Bu ile > | böyle | چنین، این‌طور، این‌جور |
| Şu ile > | şöyle | چنین، این‌طور، این‌جور |
| Pantolon > | pantolon | شلوار |
| Asker > | esker | سرباز |

Yatsı > yassı

پهن، صاف، هموار

در کلمه o bir حرف i پس از تأثیر بروی حرف o آن را به ö تبدیل می‌کند و سپس خود نیز تبدیل ü می‌شود. همچنین در مثال bu ile و şu ile نیز حرف i با تأثیر بر حرف u آن را به ö تبدیل می‌کند و همان‌طور که در قسمت y میانجی گفته شده چون bu و şu به مصوت ختم شده‌اند و ile با مصوت شروع شده است حرف i نیز به y تبدیل می‌شود.

حالت تبدیل (Aykırılışma)

تبدیل، حالتی است که یک صدا در مواضع مختلف کلمه، جای خود را به صدای دیگر که به نحوی از انحا با آن تشابه گروهی دارد، می‌سپارد:

Aşçı > ahçı

آشپز

Muşamma > muşamba

مشمع، بارانی، مشمایی، مشما

Kibrit > kirpit

کبریت، ماده سولفور

حالت جا به جایی (Göçüşme)

جا به جایی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن دو حرف جای خود را با یکدیگر عوض می‌کند و تنها در زبان گفتار نمود پیدا می‌کند:

Yaprak > yarpak

برگ، ورق، ورق کاغذ، ورق کتاب

Toprak > torpak

خاک، خشکی، زمین، اراضی

Çömlek > çölmek

ظروف گلی، سفال

Yalnız > yanlız

تنها، فقط، مجرد

Perhiz > pehriz

پرهیز، روزه گرفتن، نخوردن

حذف حروف صامت (Ünsüz düşmesi)

حذف حروف صامت در سه شکل دیده می‌شود:

۱- پیوند -cak, -cık که پیوند تحقیر و کوچک شماردن است، در صورتی که کلمه‌ای به صامت k ختم شده باشد آن را حذف می‌کند:

-cık:

küçük

küçücük کوچک، ریز، جوان، بچه

خیلی کوچک، بسیار ریز

yumuşak

yumuşacık نرم، ملایم، لطیف

نرمینه و لطیف، کرکی

| | | | |
|--------------|----------------------|----------|------------------------------|
| alçak | پایین، زبون، پست | alçacık | بسیار پست و حقیر |
| sıcak | گرم | sıcacık | کمی گرم |
| -cak: | | | |
| büyük | بزرگ، بلند، مرتفع | büyücek | نسبتاً بزرگ |
| çabuk | تند، سریع، زود | çabucak | فوراً، سریعاً |
| sağlık | صحت، سلامتی، دل خوشی | sağlıcak | ۱- صحت و سلامت ۲- عمر، زندگی |

۲- در زبان گفتار بعضاً شاهد حذف صامت‌ها هستیم:

| | | |
|-----------|----------|------------------------|
| نوشتار | گفتار | معنی |
| Bir şey | Bi şey | یک چیز، چیزی |
| Bir tane | Bi tane | یک دانه، یک عدد |
| Bir lira | Bi lira | یک لیره |
| Böyle | Bö: le | چنین، این‌طور، این‌جور |
| Tabakhane | Tabakane | دباغی |
| Yetimhane | Yetimane | یتیم‌خانه |
| Serbest | Serbes | آزاد، خلاص |
| Çiftsayı | çiftsayı | هر تعداد زوج |

۳- بعضی صفت‌ها هنگامی که از آن‌ها فعل ساخته می‌شود اگر حرف آخر به صامت ختم شده باشد حذف می‌شود:

| | | | |
|---------|---|-----------|--------------------------------------|
| Alçak | > | alçalmak | پست شدن، پایین شدن، زبون شدن |
| Büyük | > | büyümeek | بزرگ شدن، نمو کردن، رشد یافتن |
| Soğuk | > | soğumak | سرد شدن، از دهان افتادن غذا، یخ کردن |
| Yumuşak | > | yumuşamak | نرم یا ملایم شدن |

صامت‌های دو تایی

دو حرف صامت یکسان در وسط کلمه با شدت و طول بیشتری ادا می‌شود اولین حرف صامت متعلق به هجای اول و دومین حرف متعلق به هجای بعدی است eli (دستش) را با elli (پنجاه) مقایسه کنید.

| | | | |
|----------|-----------|----------|-----------|
| melli | ملی | teşekkür | تشکر |
| belli | آشکار | HATta | حتی |
| yollamak | فرستادن | müfettiş | بازپرس |
| dikkat | دقت، توجه | Allah | الله، خدا |

| | | | |
|----------|---------------------|-------|----------|
| bakkal | بقال | ANne | مادر |
| muhakkak | اطمینان، حتمی، تحقق | evvel | قبل، اول |

واژه‌های زیر را که دارای صامت غیر همانند در وسط کلمه هستند ملاحظه کنید. حرف صامت را جداگانه و به طور مشخص با هجا بندی تلفظ نمایید:

| | | | |
|------------|---------|-----------|-------------|
| IZgara | سرخ شده | ANkara | آنکارا |
| LÜTfen | آشپز | aşçı | آشپز |
| Hafta | هفته | ayrıtmaq | رزرو کردن |
| ŞAPka | کلاه | böşaltmak | خالی کردن |
| akşam | عصر، شب | karpuz | هندوانه |
| kahve | قهوه | doktor | دکتر |
| kibrit | کبریت | BANka | بانک |
| köprü | پل | birkaç | چند، چندمین |
| dünya | دنیا | makbuz | قبض |
| eşya | اشیاء | içmek | نوشیدن |
| kerTENkele | مارمولک | çiftçi | کشاورز |

مبحث کلمات

کلمات ترکیبات صوتی ویژه و مستقلی هستند که از تلفیق آواها به وجود می‌آیند و معنی و وظیفه مشخصی را در کلام تعهد می‌کنند. آواها در عین حال که عناصر بسیط تشکیل دهنده کلام هستند، فی نفسه فاقد معنی و نقش دستوری بوده و به تنهایی هیچ نوع نمود و حرکتی را تجسم نمی‌بخشند ولی وقتی با هم تلفیق می‌یابند، کلمه را به وجود می‌آورند که دارای معنی مستقل و یا نقش مشخص گرامری بوده و در مقام اشتراک در واحدهای بزرگ‌تر زبان، یعنی ترکیبات و جملات، با اینکه دست‌خوش تغییرات شکلی می‌شوند، هویت اصلی خود را محفوظ می‌دارند. کلمات به هنگام شرکت در واحدهای بزرگ‌تر زبان، ضمن اینکه پشت سرهم و تقریباً به صورت به هم پیوسته از دهان خارج می‌گردند و در نوشتن نیز به همین سیاق نوشته می‌شوند؛ با این همه خواه در زبان گفتار و خواه در زبان نگارش، از نظر شکل صوتی آغاز و انجام مشخصی دارند. این خصوصیت مجموعه کلمات زبان را به صورت منظومه‌ای نمودار می‌سازد که در آن الفاظ و ترکیبات صوتی ویژه‌ای که در اصطلاح زبان شناسی از آن به عنوان 'مورفم' نام می‌برند، با هویت مستقل و معنی و وظیفه‌ای خاص شرکت دارند.

کلمات به ندرت از یک صوت و معمولاً از ترکیب دو یا چند صوت به وجود می‌آیند. تعداد کلمات تک صوتی در اکثر زبان‌ها بسیار نادر است. این کلمات مانند O و a طبعاً از اصوات مصوت تشکیل می‌شوند.

کلمات از نظر ترکیب صوتی و ساختمان شکلی خود از دو جنبه مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند. در بررسی کلمات از نظر بنیاد صوتی، موضوع همبستگی آوایی اصوات موجود در کلمه مطرح می‌شود و بنابراین از آن به عنوان بررسی ظاهری و لفظی نیز می‌توان نام برد. در بررسی کلمات از نظر ساختمان شکلی، موضوع نقش و وظایف اشکال متشکله کلمه مطرح می‌شود و به این ترتیب از ساختمان شکلی کلمات، به نام ساختمان درونی یا مفهومی آن‌ها در کلام نیز می‌توان نام برد.

جنبه‌های ساختمان صوتی و مفهومی در ترکیب کلمه وحدت تشکیل می‌دهند و با اینکه در زبان محاوره و نگارش مورد توجه و تمایز قرار نمی‌گیرند؛ با وجود این، با اندکی دقت در بنیاد کلمات می‌توان این دو جنبه را از هم تمیز داد.

بنیاد صوتی کلمات

کلمات به هنگام تلفظ، به صورت واحدهای متمایزی از دهان خارج می‌شوند. واحدهای صوتی در بنیاد صوتی کلمات، به صورت اصوات تکی و یا به حالت گروه صوتی نمودار می‌شوند. واحدهای در ایجاد و تشکیل کلمات نقش بس مهمی دارند. این اهمیت از آنجا ناشی است که کلمات از ترادف و توالی عادی اصوات به وجود نیامده، بلکه از پیوستگی زنجیری آن‌ها به وجود می‌آیند. جهاز صوتی هنگام تلفظ یک کلمه، اصوات تشکیل دهنده آن را به صورت مستقل و مجزا و با ایجاد فاصله و سکوت در میان هر صوت ادا نکرده؛ بلکه به همراه ادای صوت قبلی بی آنکه به حال سکونت عادی برگردد و وقفه‌ای حاصل کند، به ادای صوت بعدی می‌پردازد. اصوات در جریان یک چنین تسلسل زنجیری، به دو شکل آمیختگی و پیوستگی خود نمایی می‌کند. آن عده از اصوات که حالت آمیختگی به خود می‌گیرند، گروه صوتی واحد و یکپارچه‌ای به وجود می‌آورند. جهاز صوتی در ادای این گروه صوتی یکپارچه، به حرکات خود استقامت واحدی می‌دهد و به این ترتیب هر گروه صوتی، مانند صوت تکی، با یک حرکت و در یک ضربه، از دهان خارج می‌شود.

کلماتی که در بنیاد صوتی آن‌ها بیش از یک گروه وجود داشته باشد، گروه‌های صوتی با یکدیگر حالت الحاق پیدا می‌کنند. منتها این الحاق به صورت آمیختگی نبوده بلکه به شکل پیوستگی انجام می‌گیرد. یعنی صوت آخر گروه ماقبل، با صوت اول گروه ما بعد پیوند می‌خورد و این پیوند بی آنکه در اصوات دیگر گروه موثر باشد، به جهاز صوتی امکان می‌دهد که بی آنکه وقفه‌ای حاصل کند، حالت خود را برای ادای گروه صوتی دوم تغییر دهد و به این ترتیب حلقه‌های پیوند خورده گروه‌های یکپارچه صوتی تسلسل کلمه را به میان می‌آورند.

گروه‌های یکپارچه صوتی که به این کیفیت در ساختمان کلمات به چشم می‌خورند، هجا خوانده می‌شوند. بنابراین هجا آنچنان واحد صوتی است که با یک ضربه و به همراه حرکت از جهاز صوتی خارج می‌شود. هجا وقتی تنها از یک صوت تشکیل شود، یکپارچگی آن بسیار طبیعی است و وقتی از دو یا چند صوت تشکیل گردد، چنان حالت امتزاجی به خود می‌گیرد که برای ادای آن حرکت جهاز صوتی کافی است.

نقش اصوات مصوت در ساختمان هجا

یکی از موارد برتری و اساساً مهم‌ترین مورد برتری و تفوق اصوات مصوت بر صامت، نقش مهم و تعیین کننده آن در تشکیل هجاست. هجا همواره در مرکز خود یک صوت مصوت دارد. به عبارت دیگر، هر کلمه به تعداد اصوات مصوت خود هجا دارد. باید گفت که برای وجود هجا یک صوت مصوت لازم و کافی است. از این لحاظ که بعضی از هجاها فقط از یک مصوت تشکیل می‌شوند. البته تعداد هجاهای تک صوتی زیاد نبوده و موارد آن از کلمات معدود تک هجایی و هجای اول بعضی از کلمات چند هجایی و یک عده پیوندهای تک هجایی تجاوز نمی‌کند. اکثریت بزرگ هجاها از ترکیب دو یا چند صوت به وجود می‌آیند، که این نوع هجاها نیز حداقل و حداکثر همان یک صوت مصوت را دارند و در همه حال، برای هجا داشتن بیش از یک صوت مصوت مقدور نیست زیرا جهاز صوتی قدرت ادای دو صوت مصوت را در آن واحد و با یک حرکت ندارد. بنابراین، برای وجود یک هجا یک مصوت لازم و کافی است.

اصوات صامت، هنگام تلفظ در سر راه خود به مانع برمی‌خورند و صدای آن‌ها در ورای سدی که در مجرای صوتی ایجاد می‌شود، قطع می‌گردد و همین امر امکان امتزاج پذیری را از صامتها سلب می‌کند و در این مرحله تنها با پادریانی و دخالت صوت مصوتی مجرای صوتی به حال عادی برمی‌گردد و برای ادای صامت بعدی مهیا می‌شود. به پیروی از همین خصوصیت است که، هر صامت امتزاج با مصوت مابعد را بر امتزاج با مصوت ماقبل ترجیح می‌دهد و وقتی یک صامت در وسط کلمه میان دو مصوت قرار می‌گیرد، از نظر هجایی حتماً به مصوت بعد از خود می‌پیوندد. اساساً تک مصوتی بودن هجای اول یک عده از کلمات که با مصوت شروع می‌شوند، به همین علت است. زیرا در این قبیل کلمات، صامتی که بلافاصله بعد از مصوت آغاز کلمه می‌آید، تمایل ترکیب با مصوت بعد از خود را دارد.

هجاهای باز، هجاهای بسته

از توضیح بالا چنین بر می‌آید که همه هجاها می‌باید به یک مصوت ختم شوند ولی در ترکیب صوتی کلمات خلاف آن نیز رخ می‌دهد. این امر در دو مورد اتفاق می‌افتد. مورد اول وقتی است که صامت حرف آخر کلمه باشد و دیگر بعد از آن حرف مصوتی نیاید و مورد دوم موقعی است که دو صامت در وسط کلمه کنار هم قرار گیرند. در این حالت صامت اولی به مصوت ماقبل خود می‌پیوندد و صامت دوم برای الحاق به مصوت بعد از خود آزاد می‌ماند.

هجا وقتی به مصوت ختم شود، هجای باز خوانده می‌شود. زیرا صدای آن به اقتضای طبیعت صوت مصوت بدون برخورد با هیچ مانعی می‌تواند به نحو دلخواه کشش پیدا کند. ولی هر جا به صامت ختم شود به آن هجای بسته اطلاق می‌شود. زیرا جریان صوت به مقتضای طبیعت صامت الزاماً قطع می‌گردد.

با توجه به ترتیب توالی اصوات مصوت و صامت در هجاها، این نکته خود به خود روشن می‌گردد که در زبان ترکی استانبولی در اول هجاها و کلمات به دو صامت متوالی و در آخر هجاها و کلمات به سه صامت متوالی نمی‌توان برخورد و تنها در وسط کلمه توالی سه صامت امکان دارد که در این صورت هم دو صامت به مصوت قبل از خود و صامت سوم به بعد از خود می‌پیوندد. این ترتیب توالی اصوات نیز یکی از خصوصیات زبان ترکی استانبولی بوده و در ترکیب صوتی آن عده از کلمات دخیل که توالی آن‌ها مغایر با ترتیب فوق باشد موجب یک رشته دگرگونی‌های صوتی می‌گردد.

انواع هجاها

در زبان ترکی استانبولی هر هجا حداقل از یک و حداکثر از چهار صدا تشکیل می‌شود. هجاهای تک صوتی و چهار صوتی هر یک دارای یک نوع و هجاهای دو صوتی و سه صوتی هر یک دارای دو نوع هستند. به این ترتیب امکان دارد در ساختمان صوتی کلمات شش نوع هجا به کار رفته باشد:

۱- هجاهایی که از مصوت تکی تشکیل شوند مانند: هجاهای O و a و i در کلمات O (او) ، açık (باز) ، inan (باور کن). این هجا شامل کلمات معدود تک مصوتی و هجای اول یک نوع کلمات دو یا چند هجایی است که با مصوت آغاز می‌شوند.

۲- هجاهایی که از مصوت صامت تشکیل می‌شوند مانند: هجاهای at, ol, en در کلمات at (اسب) ، olta (قلاب ماهیگیری) ، enli (عریض). این هجا در یک نوع کلمات تک هجایی و در هجای اول کلمات دو یا چند هجایی که با حروف مصوت شروع شوند خود نمایی می‌کند.

۳- هجاهایی که از صامت مصوت تشکیل می‌شوند مانند: هجاهای de, ri, ba, eg در کلمات de (بگو) ، bakış (نگاه) ، erimek (آب شدن) ، esirgemek (دریغ داشتن) این هجا در یک نوع کلمات تک هجایی و در مواضع مختلف کلمات چند هجایی دیده می‌شود.

۴- هجاهایی که از صامت مصوت صامت تشکیل می‌شوند. مانند هجاهای bak, dur, kın, lüm در کلمات bak (بنگر) ، durgun (راکد) ، sıkıntı (دل‌تنگی) ، gülümsemek (تبسم کردن). این هجا نیز در یک نوع کلمات تک هجایی و در مواضع مختلف کلمات چند هجایی به کار می‌رود.

۵- هجاهایی که از مصوت، صامت، صامت، تشکیل می‌شوند. مانند: ört, alt در کلمات alt (زیر) ، örtmek (پوشیدن). این هجا نیز در یک عده کلمات تک هجایی و در هجای اول بعضی کلمات چند هجایی مشاهده می‌شود.

۶- هجاهایی که از صامت مصوت صامت تشکیل می‌شوند. مانند: dört, kork, şalt در کلمات dört (چهار) ، korkmak (ترسیدن) ، boşaltmak (خالی کردن). این هجا نیز در یک نوع کلمات یک هجایی و در مواضع مختلف کلمات چند هجایی به کار می‌رود.

تکیه

قبلاً تکیه مورد بحث قرار گرفته بود در این بخش کمی مفصل‌تر در مورد آن توضیح داده خواهد شد. کلماتی که در ترکیب صوتی خود بیشتر از یک هجا داشته باشند، هنگام تلفظ، یکی از هجاها، نسبت به بقیه آن‌ها، با توان و انرژی بیشتری ادا می‌شوند. این عمل که با یک نوع توقف و تکیه بر روی هجای مورد نظر انجام می‌گیرد، کلمه را از حالت تسلسل هجاهای یکنواخت خارج ساخته و آهنگ صوتی موجداری به آن می‌بخشد.

زبان ترکی استانبولی از نظر تکیه، زبانی متعارف است. یعنی مابین هجاهای بی تکیه و تکیه دار آن از نظر شدت صوتی فرق فاحشی احساس نمی‌شود.

در زبان ترکی استانبولی هجا یا هجاهای وسط کلمه بدون تکیه است. از دو هجای اول و آخر کلمه نیز به غیر از موارد خاص که تکیه بر روی هجای اول منتقل می‌شود، معمولاً روی هجای آخر کلمه قرار دارد. این مورد خاص موقعی است

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

که کلمه در حالت امر و خطاب قرار گیرد و در این حال هرگاه کلمه به صورت عادی خوانده شود، چه بسا معنی دیگری از آن استنباط شود، مثلاً نمونه‌های زیر:

| | |
|-----------------------------|-------------------------------|
| Akar sular derin olmaz. | آب‌های روان عمیق نمی‌شوند. |
| Ağaçtan meyveleri derin. | میوه‌ها را از درخت بچینید. |
| Koyun kuzuyla otluyor. | گوسفند دارد با بره می‌چرد. |
| O kitabı masa üstüne koyun. | آن کتاب را روی میز بگذارید. |
| Bu gün yemek ne yapalım? | امروز غذا چه چیزی درست کنیم؟ |
| Ben şunu yemek istiyorum. | من می‌خواهم این را بخورم. |
| Bu yaz havalar çok sıcak. | این تابستان هوا خیلی گرم است. |
| Bu kelimeleri yaz. | این کلمات را بنویس. |

در دو مثال اول کلمه *derin*، در مثال دوم کلمه *koyun*، در مثال سوم *yemek* و در مثال چهارم *yaz* بر حسب تغییر محل تکیه معانی مختلفی می‌دهند.

البته محل تکیه به اقتضای پیوندهای مختلف به آخر کلمه ممکن است عوض شود. در این حالت تکیه معمول به روی یکی از هجاهای ما قبل آخر منتقل می‌گردد و چون این موضوع، در مورد اقسام کلمات و بر حسب نوع پیوندها به اشکال خاصی رخ می‌دهد، بهتر آن خواهد بود که موارد انتقال تکیه در هر مورد به طور جداگانه یادآوری شود.

ساختمان شکلی کلمات

در زبان‌های پیوندی که زبان ترکی استانبولی هم از آن زمره است، در ساختمان شکلی کلمات دو شکل متمایز از هم می‌توان تمیز داد. از این دو نوع شکل که به آسانی از یکدیگر قابل تشخیص هستند، شکل اول دارای حالت ثابت و معنی و مدلول مستقل بوده و شکل دیگر وضع ثابت و مفهوم مستقل نداشته و فقط دارای وظیفه مفهوم‌پذیری و ایفای نقش گرامری است. هر یک از این دو شکل از نظر بنیاد صوتی ممکن است از یک صوت واحد، از یک هجا و یا از پیوستگی چند هجا تشکیل شده باشد.

اشکالی را که دارای شکل ثابت و معنی و مدلول مستقل هستند و در کلمه عموماً جای اول را احراز می‌کنند، ریشه و اشکالی را که حالت ثابت و مفهوم مستقل نداشته و تنها با الحاق به آخر ریشه‌ها عمل مفهوم‌پذیری و جایگزینی در کلام را بر آن‌ها میسر می‌سازند، پیوند می‌خوانند.

ریشه

ریشه قسمت اصلی و تغییر ناپذیر کلمه است که دارای معنی و مدلول مستقل است و در کلام رأساً و یا به صورت ترکیب با پیوندها به کار می‌رود. ریشه به منزله پایه و بنیان کلمه محسوب می‌شود که اشکال ترکیبی مختلف کلمه بر

روی آن بنیان می‌گردد. ریشه یا هسته هر کلمه را بسیط‌ترین و کوچک‌ترین شکل غیر قابل انفکاک آن کلمه می‌توان محسوب داشت که در صورت بهم ریختگی و کاستن حتی یک حرف از مجموع حروفها، موجودیت شکل از بین می‌رود و چوب بست آن در هم می‌ریزد.

ریشه به استثنای موارد نادر در بنیان خود بیش از یک صدا دارد. ریشه‌هایی که از ترکیب دو یا چند صدا به وجود می‌آیند، ممکن است یک یا چند هجایی باشند. در گروه زبان‌های التصاقی از جمله ترکی استانبولی ریشه‌ها معمولاً تک هجایی هستند.

امروزه ما در مقام کاوش ریشه‌های بسیاری از کلمات، به اشکال تک هجایی می‌رسیم. در کلماتی هم که نتیجه بررسی به ریشه‌های تک هجایی نمی‌رسد، اگر شواهد و قراینی از ادوار قدیم‌تر در دسترس باشد، مطمئناً ریشه‌های تک هجایی آن‌ها هم به دست خواهد آمد، هر گاه ریشه‌های رایج در زبان امروز مالک قرار گیرند، اکثریت ریشه‌ها تک هجایی هستند و تعداد قلیلی هم که به جای می‌ماند، عموماً دو هجایی می‌باشند.

ریشه‌ها، اشکال صوتی مستقلی هستند که موجودات و مفاهیم و جنبه‌ها و حالات و حرکات آن‌ها را به طور منفرد و بدون در نظر گرفتن وابستگی متقابل آن‌ها مشخص می‌سازد و از این لحاظ نام مجرد موجودات و مفاهیم و جنبه‌ها و حالات و حرکات آن‌ها به شمار می‌روند.

ریشه‌ها از نظر مدلول و معنی به دو نوع عمده تقسیم می‌شوند. نوعی از آن‌ها برای نامیدن موجودات بی جان و جاندار و اوصاف و حالت آن‌ها و نوع دیگر برای بیان تغییرات و حرکات موجودات و مفاهیم بکار می‌روند. ریشه‌های نوع اول را ریشه‌های وصفی یا اسمی و ریشه‌های نوع دوم را ریشه‌های کنشی یا فعلی می‌توان نامید. (البته علاوه بر ریشه‌های وصفی و فعلی ریشه‌های نوع سوم نیز در زبان هستند که از آن‌ها به عنوان ریشه‌های اداتی می‌توان نام برد. ولی چون این ریشه‌ها از یک طرف به خودی خود فاقد معنی و مدلول بوده و از طرف دیگر قابلیت پذیرش پیوند ندارند، لذا در این تقسیم بندی منظور نگردیده است).

اصولاً کائنات از موجودات و مفاهیم و تغییرات دائمی آن‌ها به وجود می‌آیند. از این مقوله که مستلزم و مکمل یکدیگرند، نخستین یعنی موجودات و مفاهیم، کلیه هستی‌های جاندار و بی جان و صور و اشکال مختلف آن‌ها را در بر می‌گیرند، دومی یعنی تغییرات مداوم، هر نوع حرکت و حدوث و کنش اشیا و نمودها را در بستر زمان و مکان شامل می‌شود. به این ترتیب ریشه‌های وصفی در حکم اسامی خود اشیا و پدیده‌ها و ریشه‌های فعلی به منزله اسامی حرکات و کنش‌های آن‌ها است.

اشیاء و نمودها مستقلاً و به خودی خود وجود دارند، ولی حرکات و کنش‌ها در عین حال که ذات اشیا و نمودها هستند، به هر صورت ناشی از وجود آن‌ها می‌باشند. بنابراین، ریشه‌های وصفی که نماینده موجودات و پدیده‌ها هستند، در کلام هم به طور بسیط و هم به حالت پذیرش پیوند، ولی ریشه‌های فعلی عموماً به صورت قبول پیوند به کار می‌روند. ریشه‌ها ترکیبات صوتی ثابتی هستند که قبلاً در زبان به وجود آمده و تثبیت شده‌اند. زبان برای نامیدن موجودات و مفاهیم و حالات و حرکاتی که در خارج از دایره شمول ریشه‌های رایج و متداول در آن باشد، معمولاً ریشه‌های جدید وضع نمی‌کند، بلکه با تلفیق خاص مصالح موجود زبان، لغات و ترکیبات مناسبی وضع می‌کند.

کار ایجاد لغات و ترکیبات جدید برای نامیدن نموده‌ها و مفاهیم جدید، در هر یک از زبان‌ها به شکل و شیوه خاص انجام می‌شود. در زبان‌های پیوندی این کار به صورت الحاق پیوندهای مناسب به آخر ریشه‌های موجود زبان و تشکیل کلمات الحاقی از یک طرف و به شکل پیوستن دو یا چند کلمه و تشکیل کلمات مرکب از طرف دیگر انجام می‌گیرد. در زبان ترکی استانبولی ریشه‌ها خواه هنگام پذیرش پیوند و ایجاد کلمات پیوندی، و خواه هنگام ترکیب با یکدیگر و تشکیل کلمات مرکب به جز در موارد استثنایی که ناشی از عدم تجانس اصوات است ترکیب صوتی خود را محفوظ نگاه می‌دارند. مانند:

| | | | |
|------------|--------------|-------------|----------|
| söz-lük | فرهنگ لغت | söz ver-mek | قول دادن |
| al-mak | گرفتن، خریدن | iyi-ce | به خوبی |
| deve kuş-u | شتر مرغ | yor-gun | خسته |
| al-ış-kan | معتاد | yürü-mek | قدم زدن |

به این ترتیب با این که کلمات پیوندی عموماً و کلمات مرکب اکثراً به صورت یکپارچه تلفظ شده و به همین ترتیب هم نوشته می‌شوند، ترکیب صوتی ریشه‌ها در آن‌ها به وضوح نمایان است. منتها در کلمات پیوندی ترکیب صوتی پیوندها تابع ریشه‌ها بوده ولی در کلمات مرکب کلمات مفرد ترکیب صوتی خود را حفظ می‌کنند.

البته در زبان ترکی استانبولی مانند سایر زبان‌ها مقدار فراوان لغات و الفاظ دخیل نیز وجود دارد. این قبیل کلمات علاوه بر تبدیلاتی که از نظر صوتی به حکم قوانین صوتی زبان در اشکال بسیط آن‌ها رخ می‌دهد، از نظر قبول پیوندها عموماً تابع قوانین صوتی زبان ترکی استانبولی می‌گردند.

کلمات پیوندی و مرکب در زبان دارای مدلول و معنی مستقل بوده و مانند ریشه‌ها برای بیان اسامی و حالات و حرکات موجودات و مفاهیم به کار می‌روند و در کتب فرهنگ و لغت نیز در ردیف کلمات بسیط جای وسیعی به خود اختصاص می‌دهند.

همه کلمات ترکی ریشه دار هستند. از آنجایی که زبان ترکی زبان التصاقی است و پیوند می‌گیرد این خاصیت باعث شده است تا کلمات با پیوند گرفتن کلمه دیگری درست کنند. مخصوصاً اینکه بیشتر این کلمات ریشه فعلی دارند. در حالی که بیشتر کلمات زبانی مثل فارسی ریشه نداشته و کلمات از روی عادت تکرار ساخته شده‌اند. کلمات زیر و ریشه آن‌ها این مسئله را آشکارتر بیان می‌کند:

| | |
|---------------------|------------------------|
| کلمه معادل در فارسی | کلمه ترکی |
| مهمان (از ریشه؟) | konmak از ریشه konuk |
| سرخ (از ریشه؟) | kızılmak از ریشه kızıl |
| گل (ترکی) | gülmek از ریشه gül |
| نه (از ریشه؟) | doğmak از ریشه dokuz |
| چشم (از ریشه؟) | görmek از ریشه göz |
| خدا | Tanrı از ریشه tanımak |

چند کلمه در زیر انتخاب و ساختار آنها بیان شده که ریشه دار بودن کلمات ترکی را به وضوح نشان می‌دهد:

| | | | |
|--------|---------------|----------|-------------------|
| tepe | تپه | topuk | پاشنه |
| top | توپ | toplantı | جلسه |
| toplum | اجتماع، انجمن | toptan | به طور عمده، یکجا |

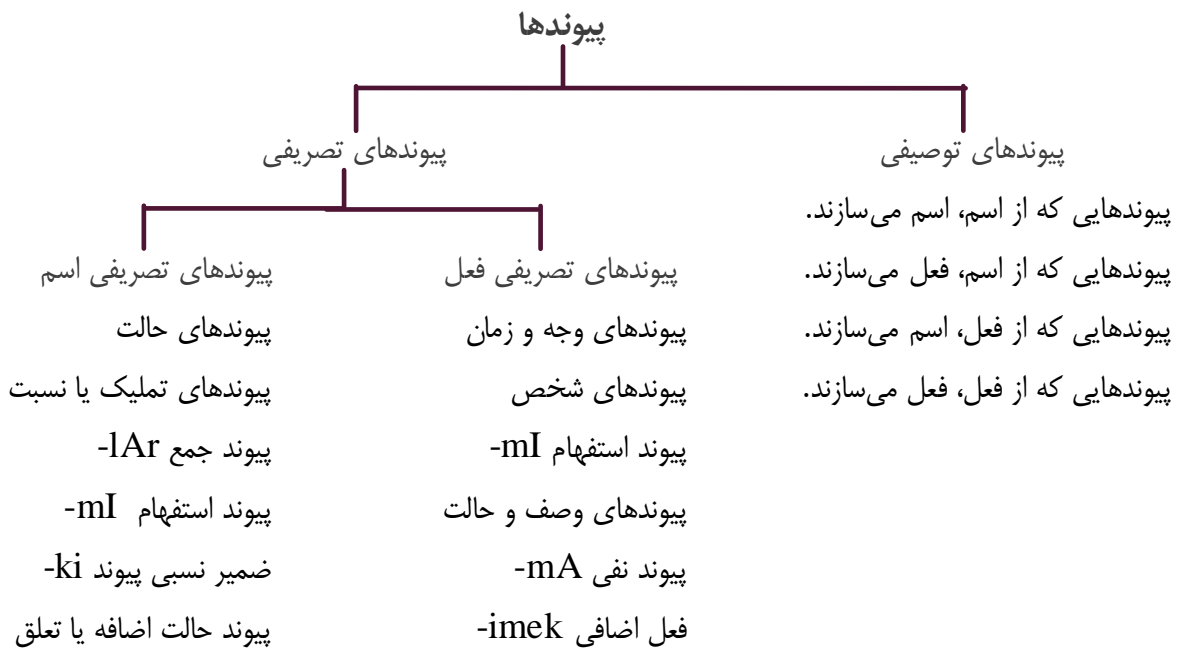
کلمات بالا همگی از ریشه toplamak به معنی «جمع کردن و انباشتن» ساخته شده‌اند.

kardeş (kardaş) = karın (شکم) + daş(هم) برادر و خواهر

yoldaş = yol (راه) + daş(هم) هم راه و دوست

yurttaş = yurt (وطن) + taş (هم) هم وطن

پیوندها (EKLER)



پیوندها ترکیبات صوتی متغیری هستند که به خودی خود فاقد معنی و مفهوم بوده (به عنوان مثال در کلمات **babam** پدرم، **odunluk** انبار هیزم، **tatlı** شیرین، پیوندهای **-m**، **-luk**، **-lı** به خودی خود معنی ندارند) و تنها با الحاق به آخر ریشه‌ها دو وظیفه مهم و مشخص را به انجام می‌رسانند. از این وظایف، یکی ایجاد کلمات جدید برای نامیدن مفاهیم مختلف و دیگری آماده ساختن ریشه‌ها برای ایفای نقش گرامری در زبان است.

به طوری که در سطح بالا تصریح گردید، تعداد ریشه‌ها در هر زبان، با وسعت کم و بیش محدود بوده و به تنهایی کافی برای نامیدن کلیه اشیاء و نمودها و حالات و حرکات گوناگون آنها نیستند. بنابراین ایجاد کلمات و مشتقات مختلف بر مبنای ریشه‌های موجود در هر زبان امری ضروری و اجتناب ناپذیر جلوه می‌کند، این عمل در زبان‌های مختلف بر حسب ساختمان لفظی آنها به صورت خاصی انجام می‌پذیرد و در زبان‌های پیوندی این وظیفه به عهده پیوندهایی محول می‌گردد که آنها را می‌توان پیوندهای **توصیفی** یا پیوندهای سازنده نام نهاد. به عنوان مثال تمام کلمات زیر از ریشه göz (چشم) ایجاد شده‌اند:

| | | | |
|-------------|------------------------|----------|----------------------|
| gözlemek | مترصد بودن، منتظر بودن | gözlemci | ناظر، شاهد |
| gözlem | مشاهده، نظارت | gözcülük | عینک ساز، عینک فروش |
| gözcü | نگهبان، پاسبان، قراول | gözetmen | سرپرست |
| gözlükçülük | عینک فروشی | gözlük | عینک |
| gözlü | با چشم، بینا | gözlüklü | عینکی |
| gözsüz | کور، بی چشم | gözükmek | دیده شدن |
| gözgü | آینه | gözetmek | اعتنا کردن، نظر کردن |

از طرف دیگر، ریشه‌ها به عنوان مصالح اصلی و بنیادی زبان و کلمات الحاقی که از پیوستن پیوندهای توصیفی به آخر ریشه‌ها تشکیل می‌شوند، موجودات و مفاهیم را به طور منفرد و مجزا از هم و حالات و حرکات را به صورت مجرد بیان می‌دارند. در صورتی که کائنات در طبیعت و جامعه به حالت منفرد و حرکات به صورت مجرد نبوده بلکه در یک وضع پیوستگی و ارتباط متقابل و فعل انفعال مداوم به سر می‌برند و در احساس و اندیشه نیز به همانسان انعکاس می‌یابند. زبان برای اینکه از عهده بیان این روابط و همبستگی‌های متقابل برآید، ناگزیر باید ریشه‌ها و کلمات الحاقی را برای این کار مجهز سازد و این تجهیز در زبان‌های پیوندی باز با الحاق یک رشته پیوندها و اشارات به آخر کلمات انجام می‌شود که از آنها نیز می‌توان به عنوان پیوندهای **تصریفی** نام برد.

به این ترتیب، در زبان‌های پیوندی، منجمله زبان ترکی استانبولی وظیفه ایجاد کلمات جدید برای بیان موارد و وجوه گوناگون اشیاء و نمودها و همچنین نقش ایجاد همبستگی در میان عناصر مختلف کلام به عهده پیوندها محول است و از این لحاظ بررسی دستور این زبان‌ها بدون بررسی سیستم پیوندی آن کامل و جامع نخواهد بود.

پیوندها مانند سایر اشکال کلام از اصوات تشکیل می‌شوند. هر پیوند در بنیان صوتی خود ممکن است از یک تا چند صوت جای دهد. تعداد پیوندهای تک صوتی به نسبت ریشه‌های تک صوتی فوق‌العاده زیاد است. در ریشه‌ها، مصوت بودن ریشه‌های تک صوتی امری الزامی است. ولی در مورد پیوندها، چنین الزامی وجود ندارد. یعنی پیوندها ممکن است صامت تکی هم باشند. پیوندهای تک صوتی با اصوات ریشه تلفیق می‌یابند و هجا تشکیل می‌دهند. پیوندهایی که در ترکیب صوتی خود بیش از یک مصوت داشته باشند ممکن است به صورت یک یا دو و در موارد نادر به صورت سه هجا نمودار شوند.

پیوندها به منزله عناصر و مهره‌های تحرک زبان هستند و به همین جهت هم خیلی بیشتر از ریشه‌ها در جریان سیر تاریخی زبان معروض تغییرات و تبدلات می‌گیرند، این تغییرات و تبدلات به صورت دگرگونی‌های صوتی در بنیاد پیوندها و یا به شکل از میان رفتن یک پیوند و جایگزین شدن پیوند دیگر بجای آن رخ می‌دهد.

اشکال صوتی پیوندها

در زبان ترکی استانبولی پیوندها به طور کلی از نظر هماهنگی اصوات تابع ریشه‌ها هستند و سرنوشت اصوات آن‌ها معمولاً از روی آخرین مصوت کلمه‌ای که به آن می‌پیوندند، تعیین می‌گردد. به این ترتیب برخلاف ریشه‌ها که اشکال صوتی ثابت و تغییر ناپذیری دارند، اکثریت بزرگ پیوندها (به استثنای پیوندهای تک صامتی که الزاماً بیش از یک شکل ندارند و تعدادی از پیوندهای چند صوتی که در زیر به آن‌ها اشاره خواهد شد) به اقتضای قانون هماهنگی اصوات در زبان ترکی استانبولی، بیش از یک شکل دارند. البته این تفاوت شکلی پیوندها در زبان تنها در حدود تفاوت صوتی آن‌ها مطرح بوده و هرگز نباید از آن‌ها به منزله پیوندهای جداگانه که مفاهیم متفاوتی را ارائه می‌دهند تعبیر کرد. پیوندها از نظر هماهنگی با ریشه‌ها ممکن است دارای اشکال زیر باشد:

۱- پیوندهای تک صوتی که از یک صوت بی صدا تشکیل می‌شوند، تنها یک شکل می‌توانند داشته باشند.
مانند: yaşa- r (اسم پسر، جاوید)، anla-m (معنا، مفهوم)

۲- پیوندهای تک صوتی که از زبان صوت صدادار باز (a, e) تشکیل می‌شوند، بدین شکل نوشته می‌شوند.

| | |
|---------|-----------|
| ölçü-ye | به اندازه |
| oyun-a | به بازی |
| el-e | به دست |
| baş-a | به سر |

۳- پیوندهای تک صوتی که از یک صوت صدادار بسته تشکیل (ı, u, ü) می‌شوند، به چهار شکل نوشته می‌شوند.
مانند:

| | |
|-------|---------------------------------|
| boy-u | قد، اندازه را یا قدش، اندازه‌اش |
| göz-ü | چشم را یا چشم او |
| el-i | دست را یا دست او |
| baş-ı | سر را یا سر او |

۴- پیوندهای چند صوتی که صوت مصوت آن‌ها صدادار باز باشد نیز بدین شکل نوشته می‌شوند.

| | |
|--------|---|
| gez-me | نگرد |
| kaz-ma | نکن |
| gör-en | کسی که می‌بیند/می‌دید، بینا، ناظر، بیننده |
| bak-an | کسی که نگاه می‌کند/می‌کرد |

۵- پیوندهای چند صوتی که صوت مصوت آن‌ها صدادار بسته باشد نیز به چهار شکل نوشته می‌شوند. مانند:

| | |
|--------|---------|
| dur-up | ایستاده |
|--------|---------|

gör-üp دیده

bil-ip دانسته

bak-ıp نگاه کرده

به این ترتیب، در زبان ترکی استانبولی پیوندها با تمام انواع متنوع آن از نظر مطابقت با ریشه‌ها و الفاظی که بر آنها می‌پیوندند از چهار حالت یک شکلی، دو شکلی، چهار شکلی و هشت شکلی خارج نیستند.

یک شکلی: (masa-m) m

دو شکلی: -an, -en (koşan, gelen)

چهار شکلی: -ıp, -ip, -up, -üp (alıp, verip, koşup, görüp)

هشت شکلی: (yazdı, geldi, durdu, gördü, attı, gitti, sustu, düştü) -dı, -di, -du, -dü, -ti, -tı, -tu, -tü

و اما شناخته‌ترین پیوندهای چند صوتی که تنها دارای یک شکل هستند عبارتند از:

پیوند -iken یا (y)ken- (هنگام، زمانی که) مانند:

bak-ar-ken

iste-r-ken

gör-ür-ken

پیوند -iken فاقد شخص و زمان است. شخص و زمان این پیوند در درون جمله مشخص می‌شود. مانند:

Ali küçükken çok yaramazdı. علی وقتی کوچک بود بسیار بازیگوش بود.

Sen küçükken çok yaramazdın. تو وقتی کوچک بودی بسیار بازیگوش بودی.

Bahçedeyken onu gördüm. زمانی که در باغچه بود او را دیدم.

Bahçedeyken bizi gördüler. زمانی که در باغچه بودیم ما را دیدند.

این پیوند در جملات فعلی «در حالی که» هم معنی می‌دهد.

Ben geliyorken o gidiyordu. در حالی که داشتم می‌آمدم او می‌رفت.

Hamama gidecekken vazgeçti. در حالی که قصد رفتن به حمام داشت تصمیمش را عوض کرد.

Kırılabilir. Lütfen taşırken dikkatli olun. شکستنی است. لطفاً هنگام حمل آن مراقب باشید.

پیوند -ki

این پیوند از تکرار اسمی که حالت اضافه یا ملکی دارد جلوگیری می‌کند و به معنای «مال، آنی که، از آن» است:

Benim arabam bozuk. Senininki çalışıyor mu? ماشین من خراب است. آیا مال تو کار می‌کند؟

Bu kutuda bal var. Raftakinde ne var?

در این قوطی عسل هست. در آن (قوطی) که روی قفسه است چه چیز هست؟

Ağaçtaki elma büyüktür. سیب روی درخت بزرگ است.

Senin araban Ahmet'inkinden daha büyük mü? آیا ماشین شما بزرگ‌تر از مال احمد است؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

پیوند تک شکلی **gil** - با الحاق با آخر اسامی اشخاص و اقربا و موجودات، نام‌های مربوط با آن‌ها را تشکیل می‌دهد و در اینجا پیوند جمع نیستند. مانند:

teyzemgil
annemlgil
kedigil

خالم این‌ها (خالم و خانواده‌اش)
مادرم این‌ها
گربه سانان

پیوند **leyin**- با الحاق به آخر بعضی اسم‌ها از آن‌ها قید می‌سازد:

| | | | |
|-------|-----|------------|-----------------|
| akşam | عصر | akşamleyin | وقت عصر |
| gece | شب | geceleyin | وقت شب، سر شب |
| sabah | صبح | sabahleyin | وقت صبح، سر صبح |
| öğle | ظهر | öğleyin | وقت ظهر، سر ظهر |

پیوندهایی که از زبان‌های دیگر وارد ترکی شده‌اند:

| | | |
|-------|-----------------------|--------------|
| -en | tamamen | تماماً |
| anti- | antidemokratik | ضد دموکراتیک |
| bi- | bihaber | بی خبر |
| -baz | hokkabaz | حقه باز |

پیوندهای توصیفی (Yapım ekleri)

پیوندهای توصیفی در کلمات بلافاصله بعد از ریشه‌ها جای می‌گیرند و بدین لحاظ هر گاه ریشه‌ها را عناصر بنیادی درجه اول کلام محسوب داریم، پیوندهای توصیفی موقعیت عناصر کلامی یا مورفم‌های درجه دومی را خواهند داشت که حالت پیوستگی ثابت و پا بر جایی را با ریشه‌ها دارند.

نقش اساسی پیوندهای توصیفی در کلام یک نقش ماهوی یا داخلی است. به این معنی که پیوندهای توصیفی با الحاق به آخر ریشه‌های وصفی و فعلی در معنی و مدلول آن‌ها ایجاد تصرف کرده و اشکال و کلماتی به وجود می‌آورند که ضمن اینکه با مفهوم ریشه رابطه و مشابهت دور یا نزدیکی را حفظ می‌کنند، به شکل کلمات جداگانه‌ای در می‌آیند که بر ای نامیدن مفاهیم مشخص و مستقلاً از اشیاء و اشخاص و حرکات و حالات به کار می‌روند.

پیوندهای توصیفی دارای اشکال گوناگون بوده و از نظر دایره عمل و حدود رواج در زبان یکسان نیستند. بعضی از پیوندهای توصیفی حدود عمل بسیار وسیعی دارند و به اصطلاح پیوندهای فعال یا بارور محسوب می‌شوند، ولی برخی دیگر دایره عملشان محدود بوده و پیوندهای غیر فعال هستند. پیوندهای توصیفی، هنگام الحاق به آخر ریشه‌های وصفی و فعلی نه تنها کلماتی از نوع ریشه به وجود می‌آورند، بلکه می‌توانند مفهوم گرامری آن را تغییر داده ریشه

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

وصفی را تبدیل به کلمه فعلی و بالعکس نمایند، با در نظر گرفتن این اصل پیوندهای توصیفی را می‌توان به شکل زیر طبقه بندی کرد:

۱- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های وصفی کلمات پیوندی وصفی تشکیل می‌دهند این نوع پیوندها از اسم، اسم می‌سازند. مانند:

| | |
|------------|--|
| korku-lu | وحشتناک، ترسناک، خطرناک، بیمناک |
| yıl-lık | چیزی که یک سال از رویش گذشته، یک ساله، سالیانه، سالنامه، برای یک سال، اجرت سالیانه |
| mutlu-luk | سعادت، خوشبختی |
| ev-li-lik | تاهل، متاهل بودن |
| ana-lık | مادری |
| baba-lık | پدري |
| köy-lü | دهاتی، روستایی، دهقان |
| balık-çı | ماهیگیر |
| su-suz | بی آب، کم آب، تشنه |
| yazı-cı | نویسنده |
| ev-cil | اهلی، خانگی |
| taş-lık | سنگلاخ |
| güzel-lik | زیبایی |
| çirkin-lik | زشتی |
| pis-lik | کثافت، نجاست، آلودگی، غایط انسان |
| saman-lık | کاه دان |

۲- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی کلمات پیوندی وصفی ایجاد می‌کنند. این پیوندها از فعل، اسم می‌سازند
مانند:

| | |
|-----------|---|
| bulma-ca | معما، چیستان، نغز |
| iç-ki | مشروب، نوشابه الکلی |
| yapış-kan | چسبنده، چسبناک |
| bil-gin | عالم، دانشمند |
| geç-im | معیشت، مخارج، سازگاری، معاشرت |
| düş-kün | زبون، حقیر، شکسته، از پا افتاده، بدبخت، مبتلا |

۳- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی افعال پیوندی تشکیل می‌دهند این پیوندها از فعل، فعل می‌سازند. مانند:

| | |
|-------------|---|
| bil-dir-mek | اطلاع دادن، فهماندن، ابلاغ کردن، آگاهی دادن |
| gör-üş-mek | همدیگر را دیدن، دیدار کردن، ملاقات کردن |
| öp-üş-mek | روبوسی کردن، همدیگر را بوسیدن |

| | |
|--------------|-----------------------------|
| bul-uş-mak | بهم رسیدن، ملاقات کردن |
| sil-in-mek | پاک شدن، محو شدن |
| kopar-ıl-mak | کنده شدن، قطع شدن، چیده شدن |
| yat-ır-mak | خوابانیدن، پول ودیعه گذاشتن |
| al-in-mak | به خود گرفتن، رنجیدن |

۴. پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های وصفی افعال پیوندی به وجود می‌آورند این پیوندها از اسم، فعل می‌سازند.
مانند:

| | |
|--------------------|---|
| baş-la-mak | شروع، آغاز کردن |
| kolay-la-mak | کاری را آسان کردن، نزدیک به پایان آوردن |
| kolay-ılan-mak | آسان شدن، تسهیل شدن |
| kolay-laş-tır-mak | ساده کردن، به وضعیت سهل و آسان رساندن |
| gece-le-mek | شب به سر آوردن، بیدار ماندن تا سحر |
| duru-l-mak | حل و فصل کردن |
| tür-e-mek | تولید شدن، ظاهر شدن، به وجود آمدن |
| boz-ar-mak | کم رنگ شدن، رنگ باختن |
| taş-la-mak | سنگ انداختن، سنگ زدن، طعنه زدن |
| el-le-mek | دست زدن، لمس کردن |
| yakın-laş-mak | نزدیک شدن، مناسبت حاصل شدن |
| sanayi-leş-tir-mek | صنعتی کردن |
| serin-le-mek | خنک شدن |

شاید مناسب‌تر می‌بود اگر انواع پیوندهای توصیفی بر حسب طبقه بندی فوق اینجا نقل می‌شد. ولی چون هنگام بحث از اقسام کلمات و در مبحث فعل‌ها به اشکال مختلف این پیوندها اشاره خواهد شد، نقل آن‌ها در اینجا امری تکراری و زاید به نظر می‌رسد.

پیوندهای تصریفی (Çekim ekleri)

پیوندهای تصریفی به منظور آماده ساختن کلمات جهت انجام نقش گرامری و برای ایجاد همبستگی میان عناصر مختلف کلام به آخر کلمات آورده می‌شوند، پیوندهای تصریفی، بر خلاف پیوندهای توصیفی که نقش خود را در داخل کلمه و در جهت معنی و مدلول جدید بخشیدن به آن انجام می‌دهند، کاری به معنی و مدلول کلمه نداشته و وظیفه خود را در خارج از چارچوب آن و به صورت ایجاد ارتباط ما بین عناصر مختلف کلام به انجام می‌رسانند.

پیوندهای تصریفی به اعتبار وظیفه گرامری خود، در کلماتی که ناگزیر از قبول هر دو نوع پیوند توصیفی و تصریفی هستند، بعد از پیوندهای توصیفی جای می‌گیرند. بدین ترتیب، پیوندهای تصریفی از نظر ارتباط با ریشه‌ها وضعی گذرا و ناپایدار ولی از حیث شمول و حدود عمل شامل تر و همگانی تر از پیوندهای توصیفی هستند.

پیوندهای تصریفی در مورد هر یک از اقسام کلمات به نحو خاصی عمل می‌کنند. به عبارت دیگر هر یک از اقسام کلمات بر حسب اشکال و مشخصات خود پیوندهای تصریفی ویژه‌ای دارند. بنابراین پیوندهایی که برای حالت پذیر ساختن کلمات وصفی به کار می‌روند، هر چند در مواردی از نظر شکل شبیه پیوندهایی باشند که در تصریف فعل به کار می‌روند، از نظر نقش گرامری از هم فرق خواهند داشت.

در زبان ترکی استانبولی پیوندهای تصریفی کلمات وصفی عبارتند از:

پیوند جمع، پیوندهای تملیک یا نسبت، پیوندهای حالت و پیوند استفهام.

و پیوندهای تصریفی فعل عبارتند از:

پیوندهای وجه، پیوندهای زمان، پیوندهای شخص، پیوند استفهام و پیوندهای وصف و حالت که هنگام بحث از اقسام کلمات به هر یک از آنها به طور جداگانه اشاره خواهد شد.

اصل توالی پیوندها

اصل توالی و تسلسل پیوندها یکی از خصوصیات بارز و جهات نمایان زبان‌های ترکی و از آن جمله زبان ترکی استانبولی است، به موجب این اصل، هر پیوند در جریان الحاق به آخر کلمات هر قدر دایره شمول و حدود عمل آن محدودتر باشد، به ریشه نزدیک تر و به میزانی که دایره شمول و حوزه‌ی عمل آن وسیع تر باشد، در فاصله دورتری از ریشه جای می‌گیرد.

به طوری که در سطور فوق اشاره شد، پیوندهای توصیفی در ساختمان کلمات جلوتر از پیوندهای تصریفی جایگزین می‌شوند. ولی توالی پیوندها به همین حدود محدود نمانده و اشکال مختلف هر یک از دو نوع و به خصوص پیوندهای تصریفی دارای درجات تقدم و تأخر هستند. اینک با یک نگاه سطحی به اشکال منتزع ساختمان کلمه‌ی YAZ-1-C1-lar-ımız-dan (از نویسنده‌هایمان) ترتیب توالی پیوندها را می‌توان مشاهده کرد همچنین به مثال زیر توجه نمایید.

| | |
|--------------------------------|--|
| Avrupa | اروپا |
| Avrupalı | اروپایی |
| Avrupalılař(mak) | اروپای شدن |
| Avrupalılařtır(mak) | اروپایی کردن |
| Avrupalılařtırma | حالت عدم توان به اروپایی کردن |
| Avrupalılařtıramadık- | نتوانستیم به اروپایی شدن گرایش دهیم |
| Avrupalılařtıramadıklar | کسانی که نتوانستند اروپایی شوند |
| Avrupalılařtıramadıklarımız | کسانی که نتوانستیم آنها را اروپایی کنیم |
| Avrupalılařtıramadıklarımızdan | از کسانی که نتوانستیم آنها را اروپایی کنیم |

آیا از کسانی که نتوانستیم آن‌ها را اروپایی کنیم؟
 آیا از کسانی که نتوانستیم آن‌ها را اروپایی کنیم هستید؟
 Avrupalılaştıramadıklarımızdan mı?
 Avrupalılaştıramadıklarımızdan mısınız?

اصوات کمکی

تلفیق پیوندها با ریشه‌ها و همچنین ترتیب تقدم و تأخر آن‌ها به دو صورت انجام می‌گیرد. در حالت اول پیوند الحاقی مستقیماً و بدون دخالت هیچ عامل دیگر با ریشه پیوند می‌یابد. ولی در حالت دوم، الحاق پیوند با میانجیگری یک عامل صوتی انجام می‌پذیرد. این عامل صوتی که معمولاً یکی از اصوات است، نقش یک گذر گاه صوتی را ایفا می‌کند. در جریان الحاق پیوندها، اصوات کمکی وقتی حق دخالت پیدا می‌کنند که دو صوتی که پهلو به پهلو قرار می‌گیرند، از یک جنس بوده و تلفظ متوالی آن‌ها غیر ممکن باشد در این صورت هر گاه حروف متقارن از نوع مصوت باشد صوت کمکی صامت و بالعکس خواهد بود.

از اصوات مصوت چهار صوت $\ddot{u}, u, \dot{u}, \dot{i}$ و از اصوات صامت n, y و در مواردی نیز s وظیفه صوت کمکی را انجام می‌دهد.

اقسام کلمه از نظر مدلول و معنی

کلمات که شرح ساختمان صوتی و شکلی آن‌ها گذشت، از نظر معنی و وظیفه‌ای که در کلام بر عهده دارند، به دو دسته تقسیم می‌شوند: کلمات اصلی، کلمات کمکی.

کلمات اصلی به آن دسته از کلمات اطلاق می‌شود که دارای معنی و مدلول مستقل و معین بوده و در کلام وظیفه بیان و توصیف نام و چگونگی و حرکت اشیا و اشخاص و نمودها را بر عهده دارند. کلمات اصلی به منزله مصالح بنیادی کلام بوده و با پذیرش پیوندهای توصیفی و تصریفی کار همبستگی اجزای کلام را در قالب گیری اندیشه و مقصد و بیان مفاهیم میسر سازد.

کلمات اصلی به انواع وصفی و فعلی تقسیم می‌شوند. کلمات وصفی که اقسام اسم و صفت و ضمیر و ظرف را در بر می‌گیرند، برای بیان اسامی و اوصاف و اشکال موجودات و مفاهیم و کلمات فعلی که انواع و اشکال و وجوه مختلف افعال را شامل می‌شوند، برای توصیف تغییرات و حرکات آن‌ها به کار می‌روند.

کلمات کمکی که از آن‌ها تحت عنوان عمومی ادات می‌توان نام برد، دارای معنی و مدلول مستقل نبوده و تنها وظیفه ایجاد مناسبات گرامری مابین کلمات وصفی و فعلی را بر عهده دارند.

قسمت عمده کلمات رایج در زبان را کلمات اصلی تشکیل می‌دهند و تعداد کلمات کمکی در مقام مقایسه با آن‌ها بسیار کم است.

اینک در زیر اقسام کلمات و مشخصات آن‌ها را به طور جداگانه و به اجمال از نظر می‌گذرانیم.

اسم از مهم‌ترین اجزای تشکیل دهنده کلام است و به آن دسته از کلمات وصفی اطلاق می‌شود که برای نامیدن موجودات جاندار و بی جان و پدیده‌ها و مفاهیم و مجردات بکار می‌رود.

اسم در زبان ترکی استانبولی از نظر مدلول و شمول آن به اسم خاص و عام، اسم ذات و اسم معنی و سایر تقسیم بندی‌های از این قبیل شامل همان جنبه‌ها و توصیف‌هایی است که معمولاً در دستور زبان هر زبانی عنوان می‌شود و اینجا نیز در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

در زبان ترکی استانبولی، چیزی که در مورد اسم و سایر اقسام کلمات بی‌اش از پیش حائز اهمیت و دقت است، بررسی آن‌ها از نظر اشکال ساختمانی و اشکال تصریفی است.

اشکال ساختمانی اسم:

منظور از اشکال ساختمانی یا توصیفی اسم، اشکال و انواعی است که اسم در زمینه نامیدن موجودات و مفاهیم به خود می‌پذیرد. اسم در ترکی از نظر شکل ساختمانی دارای اشکال ساده، پیوندی و مرکب است.

۱- اسم ساده

اسمی است که تنها از یک ریشه بسیط به وجود آمده باشد. مانند su (آب)، demir (آهن)، ay (ماه)، iş (کار)، kar (برف)، yol (راه).

۲- اسم پیوندی

در زبان ترکی استانبولی تعداد کثیری از اسامی با الحاق پیوندهای توصیفی به آخر سایر انواع کلمات به وجود می‌آیند.

| | |
|----------|-----------------------------------|
| oyun-cak | بازیچه، اسباب بازی |
| taş-lık | سنگلاخ |
| yazı-cı | نویسنده |
| düşün-ce | فکر، اندیشه، عقیده، غم و غصه، نظر |

پیوندهایی که با الحاق به آخر کلمات وصفی و فعلی اسامی پیوندی تشکیل می‌دهند، متنوع هستند و اینک در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف- پیوندهایی که با الحاق به آخر کلمات وصفی اسامی پیوندی تشکیل می‌دهد. پیوندهایی که از اسم، اسم می‌سازند.

پیوند چهار شکلی -lık, -lik, -luk, -lük این پیوند از رایج‌ترین و بارورترین پیوندهای توصیفی است که با الحاق به آخر کلمات وصفی، اسامی پیوندی گوناگونی به شرح زیر به وجود می‌آورد. ساخت اسم آلت و اشیاء مانند:

| | |
|-----------|-----------------------------|
| kulak-lık | گوشی، وسیله شنوایی، آلت گوش |
| baş-lık | سر پوش |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|-----------|--------------------|
| ön-lük | پیش بند |
| diz-lik | زانو بند |
| gece-lik | لباس خواب |
| korku-luk | مترسک |
| söz-lük | فرهنگ لغت، دیکشنری |
| göz-lük | عینک |

با اضافه شدن به صفات، اسم‌هایی که حالات را بیان می‌کنند، می‌سازد. مانند:

| | |
|-----------|--------|
| iyi-lik | خوبی |
| güzel-lik | زیبایی |
| küçük-lük | کوچکی |

با یک عده از اسامی بسیط پیوند یافته نام‌های مربوط به جایگاه و فور یا به طور ساده مکان آن‌ها را تشکیل می‌دهد. مانند:

| | |
|------------|---|
| dağ-lık | کوهستانی، اهل کوهستان |
| badem-lik | بادامستان |
| taş-lık | سنگلاخ، جای سنگ دار، سنگ فرش |
| elma-lık | باغ سیب |
| orman-lık | جنگل، محل بیشه و جنگل |
| boş-luk | خلأ، چاله، محلی که گود است و رویش پوشیده نشده است |
| sebze-lik | سبزه زار |
| zeytin-lik | باغ زیتون |
| kömür-lük | جای زغالی، انبار زغال، زغال دانی |
| koru-luk | بیشه، جنگل کوچک، محل پر درخت |
| gül-lük | گلستان، گلزار |
| ekin-lik | محل کشت و زرع |
| kitap-lık | کتابخانه |
| odun-luk | انبار الوار، چوب و هیزم |
| üzüm-lük | تاکستان |
| saman-lık | کاه دان |
| şeker-lik | شکر دان |
| tuz-luk | نمکدان |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

نام انجمن می‌سازد. مانند:

| | |
|-----------|------------------------------------|
| genç-lik | انجمن جوان‌ها، اجتماع جوان‌ها |
| insan-lık | اجتماع بشر |
| Türk-lük | اجتماع قوم ترک، محل جمع شدن ترک‌ها |

اسامی شغل و حرفه‌ها را به وجود می‌آورد. مانند:

| | |
|--------------|--------|
| öğretmen-lik | معلمی |
| doktor-luk | پزشکی |
| demirci-lik | آهنگری |
| rehber-lik | رهبری |

نسبت خونی بین افراد را نشان می‌دهد. مانند:

| | |
|------------|------------------|
| Ana-lık | مادری |
| baba-lık | پدری |
| kardeş-lik | برادری یا خواهری |

با یک عده از اسامی پیوند یافته و از آن‌ها صفت می‌سازد. مانند:

| | |
|------------|--|
| gün-lük | روزانه، مال همان روز |
| yıl-lık | چیزی که یک سال از رویش گذشته، یک ساله، سالیانه، سالنامه، برای یک سال، اجرت سالیانه |
| hediye-lik | برای هدیه، چشم روشنی |
| kira-lık | کرایه‌ای، اجاره‌ای، مورد اجاره |
| adım-lık | انسانیت، مقام منزلت آدمی |

اسم‌های انتزاعی می‌سازد. اسم‌های انتزاعی غیرقابل لمس هستند. مانند اسم‌هایی که به احساسات، آرزوها و ایده‌ها دلالت می‌کنند. این نوع اسم‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارند، و شما نمی‌توانید آن‌ها را ببینید، بشنوید، لمس کنید، بو بکشید یا مزه کنید. مانند:

| | |
|-----------|----------|
| genç-lik | جوانی |
| insan-lık | انسانیت |
| Türk-lük | ترک بودن |
| çocuk-luk | کودکی |
| hanım-lık | خانمی |

| | |
|--------------|---------|
| Müslüman-lık | مسلمانی |
| kul-luk | بندگی |
| erkek-lik | مردانگی |

با یک رشته از اعداد پیوند یافته اسامی مربوط به واحد مقیاس و مقدار به وجود می‌آورد. مانند:

| | |
|----------|----------|
| yüz-lük | صد تایی |
| on-luk | ده تایی |
| yedi-lik | هفت تایی |
| beş-lik | پنج تایی |

این پیوند علاوه بر کلمات بسیط می‌تواند به آخر کلمات پیوندی نیز الحاق یافته و اسامی پیوندی با مفهوم مستقل به وجود می‌آورد. مانند:

| | |
|-------------|-------|
| arkadaş-lık | دوستی |
| düşman-lık | دشمنی |
| dilenci-lik | گدایی |

پیوند هشت شکلی -cu, -cü, -ci, -cı, -çü, -çü, -çi, -çî, -çî- این پیوند نیز از پیوندهای پر ثمر رایج در زبان ترکی استانبولی بوده و اسم‌هایی مرتبط با شغل و حرفه تشکیل می‌دهد. مانند:

| | |
|----------|---------------------------|
| dilen-ci | گدا |
| eski-ci | کهنه فروش سمسار، پینه دوز |
| göz-cü | نگهبان، پاسبان، قراول |
| av-cı | شکارچی |
| aş-çı | آشپز، طبخ |
| ok-çu | تیرانداز، تیر ساز |
| bek-çi | نگهبان، قراول، مستحفظ |
| yol-cu | مسافر |
| süt-çü | شیر فروش |
| oyun-cu | بازیگر |

پیوند چهار شکلی -lı, -li, -lu, -lü- از پیوندهای بسیار پر ثمر در تشکیل اسم‌های وصفی است و با الحاق به آخر کلمات توصیفی صفاتی متناسب با مفهوم آن‌ها به وجود می‌آورد. این پیوند حالت اثباتی دارد یعنی وجود کیفیتی را در یک چیز و یا وابستگی خصوصیتی را به یک چیز به اثبات نشان می‌دهد این پیوند، پیوند کوتاهی است و دارای دو قسم است:

۱. نشانه مالکیت:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|----------|-------------------------|
| kilit-li | قفل شده، کلید شده، بسته |
| su-lu | آبکی، آبدار، لوس، رقیق |
| ölüm-lü | فانی، مردنی |
| para-lı | پول دار |

۲. نشانه نسبت

| | |
|-------------|-----------------------|
| Ankara-lı | آنکارایی |
| Tahran-lı | تهرانی |
| nere-li | کجایی |
| lise-li | دبیرستانی |
| köy-lü | دهاتی، روستایی، دهقان |
| İstanbul-lu | استانبولی |

پیوند چهار شکلی -SİZ,-sİZ,-SUZ,-SÜZ شکل منفی پیوند بالا بوده و با الحاق به آخر شماره کثیری از کلمات وصفی عدم وجود کیفیت و خصوصیتی را در یک چیز و یا فقدان چیزی را در چیز دیگر نشان می‌دهد مانند:

| | |
|---------|----------------------|
| taş-sİZ | بی سنگ، بدون سنگ |
| iş-sİZ | بیکار، بدون کار |
| su-sUZ | تشنه، بی آب، بدون آب |
| sen-sİZ | بی تو، بدون تو |

این پیوند به ندرت به عنوان یک پیوند تصریفی پس از پیوند مالکیت نیز می‌تواند بکار رود مانند:

| | | | |
|------------|-----------|------------|------------|
| baba-m-sİZ | بدون پدرم | anne-m-sİZ | بدون مادرم |
|------------|-----------|------------|------------|

پیوند چهار شکلی -daş, -deş, -taş, -teş با الحاق به آخر ریشه‌های وصفی اسم‌هایی با مفهوم همبستگی ایجاد می‌کند. مانند:

| | |
|-----------|-----------------|
| arka-daş | دوست |
| yol-daş | هم راه |
| vatan-daş | هم وطن |
| yurt-taş | هم میهن |
| emek-taş | هم خدمت، هم کار |
| ülkü-daş | هم وطن |
| gönül-daş | هم دل، هم فکر |

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

meslek-taş شغل همکار، هم حرفه، هم شغل
denk-taş هم عیار، هم میزان

پیوند تک شکلی lak- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نامهایی با مفهوم جدید تشکیل می‌دهد. مانند:

ot-lak چراگاه
kış-lak قشلاق
yay-lak ییلاق

پیوند دو شکلی dem-, dam- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نامهایی با مفهوم جدید تشکیل می‌دهد. مانند:

er-dem فضیلت
gün-dem روزنامه
yor-dam مهارت، زبردستی، زرنگی، ملکه، عادت

پیوند دو شکلی el-, al- با الحاق به آخر یک رشته از اسامی، صفت‌هایی که نشانه نسبت است از نوع زیر می‌سازد:

gen-el کلی، کل، عمومی
yer-el محلی، موضعی، مربوط به منطقه‌ای
öz-el مخصوص، خصوصی، شخصی، ویژه

پیوند دو شکلی el(s)-, al(s)- (کلماتی که به s, z ختم می‌شوند el, al) با الحاق به آخر یک رشته از اسامی، صفت‌هایی که نشانه نسبت است از نوع زیر می‌سازند:

kum-sal ماسه دار، شن زار، ریگزار
kır-sal روستایی، رعیتی
belge-sel منطقه‌ای
sanat-sal هنری

| | | | |
|---------|-------|----------|-------------|
| tarih | تاریخ | tarihsel | تاریخی |
| siyaset | سیاست | siyasal | سیاسی |
| cebir | جبر | cebirsal | جبری |
| kimya | شیمی | kimyasal | شیمیایی |
| fizik | فیزیک | fiziksel | فیزیکی |
| öz | خود | özel | شخصی، خصوصی |
| bilim | علم | bilimsel | علمی |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

مشروطه anayasal قانون اساسی anayasa
 در مثال آخر به خاطر اینکه کلمه به sa ختم می‌شود فقط پیوند 1- اضافه شده است.
 زبان ترکی پر از کلمات عربی است که به پیوند 1 ختم می‌شود مانند tarihî (تاریخی)، dinî (دینی)، siyasi (سیاسی)، millî (ملی) و iradi (ارادی). در راستای حمایت از زبان ترکی و پاک‌سازی این زبان از ساختارهای زبان‌های بیگانه پیوند -(s)el, -(s)al- جایگزین این پیوند شده است.

پیوند دو شکلی -ek, -ak- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نام‌هایی با مفهوم جدید تشکیل می‌دهد. مانند:

سنبله، خوشه گندم یا جو baş-ak
 گونه، رخ، یک طرف صورت yan-ak
 چپ دست، کسی که با دست چپ کار می‌کند sol-ak

پیوند دو شکلی -e, -a- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نام‌هایی با مفهوم جدید تشکیل می‌دهد. مانند:

شب gec-e
 فرمان، دستور، حکم komut-a

پیوند دو شکلی -et, -at- با پیوستن به پایان عده‌ای از اسامی، اسم‌هایی با مفهوم جدید به وجود می‌آورد. مانند:

خلاصه، خلاصه مذاکرات öz-et
 گودال آب göl-et

پیوند دو شکلی -elek, -alak- با پیوستن به پایان عده‌ای از اسامی، اسم‌هایی با مفهوم جدید به وجود می‌آورد. مانند:

غوزه درخت، (کاج، صنوبر، سرو) koz-alak
 خولان top-alak

پیوند تک شکلی و تک صوتی ڭ- با الحاق به آخر بعضی از اسامی، نام‌هایی با مفهوم جدید تشکیل می‌دهد. مانند:

درشت، زمخت ana-ڭ
 از نیاکان، اجداد ata-ڭ
 فعل صفت (دستور زبان) orta-ڭ
 نفرت آور، منفور، کربه iğren-ڭ
 ایمان، اعتقاد، عقیده inan-ڭ
 سود، استفاده، بهره، منفعت kazan-ڭ
 حسود، بخیل kiskan-ڭ

usan-ç ستوه، تنگ آمدن

پیوند دو شکلی -en, -an- با پیوستن به پایان عده‌ای از اسامی، اسم‌هایی با مفهوم جدید به وجود می‌آورد. مانند:

er-en واصل، راشد

kök-en ۱- منشأ ۲- اصل، نسب ۳- بوته

kız-an جوان، پر جسور

پیوند هشت شکلی -cul, -cül, -cil, -cıl, -çul, -çül, -çıl, -çıl- با الحاق به آخر یک رشته از اسامی، صفت‌هایی که نشانه نسبت است از نوع زیر می‌سازد:

insan-cıl انسانی، انسان دوست

ev-cil اهلی، خانگی

ot-çul علف خوار، حیوانات علف خوار

پیوند -In و -leyin با الحاق به آخر بعضی اسم‌ها از آن‌ها قید می‌سازد:

| | | | |
|-----|---------|-------|-------------|
| yaz | تابستان | yazın | وقت تابستان |
|-----|---------|-------|-------------|

| | | | |
|-----|--------|-------|------------|
| kış | زمستان | kışın | وقت زمستان |
|-----|--------|-------|------------|

| | | | |
|-------|-----|------------|---------|
| akşam | عصر | akşamleyin | وقت عصر |
|-------|-----|------------|---------|

| | | | |
|------|----|-----------|---------------|
| gece | شب | geceleyin | وقت شب، سر شب |
|------|----|-----------|---------------|

| | | | |
|-------|-----|------------|-----------------|
| sabah | صبح | sabahleyin | وقت صبح، سر صبح |
|-------|-----|------------|-----------------|

| | | | |
|------|-----|---------|-----------------|
| öğle | ظهر | öğleyin | وقت ظهر، سر ظهر |
|------|-----|---------|-----------------|

ب- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی، اسامی پیوندی تشکیل می‌دهند. به این نوع از اسامی اسم مصدر یا حاصل مصدر می‌گویند این پیوندها از فعل اسم می‌سازند:

پیوند دو شکلی، -mek, -mak- این پیوند در زبان ترکی استانبولی پیوند مصدری شناخته می‌شود و بلا استثنا به آخر کلیه ریشه‌ها و بنیادها یا انواع گوناگون افعال الحاق شده و اسامی نامعین حرکات را به وجود می‌آورد. مصدر در عرف دستور زبان حالت اصلی فعل شناخته می‌شود و در مواردی که بخواهند فعل را بدون وابستگی آن به زمان‌ها و اشخاص نشان دهند علامت مصدر را به آن می‌افزایند. در این کتاب نیز از این روش پیروی شده است:

aç-mak باز کردن، گشودن، برطرف کردن مانع

yaz-mak نوشتن، آرایش دادن، نام نویسی کردن، مشرف به افتادن

oku-mak خواندن، قرائت، تحصیل، درس خواندن

uyu-mak خوابیدن، خفتن، غفلت کردن

| | |
|--------------|---|
| gör-mek | دیدن، ملاقات کردن، مشاهده کردن |
| bekle-mek | منتظر شدن، صبر کردن، نگهبانی کردن، توقع داشتن |
| çekil-mek | عقب نشینی کردن، از انجام کاری خودداری کردن، استعفا نمودن، پرهیز نمودن، کم شدن |
| düşün-mek | تفکر کردن، اندیشیدن |
| sürüklen-mek | معطل شدن، طول کشیدن، کشیده شدن |
| ilikle-mek | دگمه کردن، دگمه‌ها را بستن |

پیوند دو شکلی -ma, -me این پیوند نیز به آخر انواع فعل الحاق یافته، نام عمومی عمل و کنش ناشی از فعل را به وجود می‌آورد:

| | |
|-------------|---------------------------------|
| yaz-ma | عمل نوشتن، دست نوشته |
| evlen-me | تأهل، ازدواج |
| anlaş-ma | پیمان، قرارداد، قرار و مدار |
| incile-me | بررسی، مطالعه |
| atla-ma | کار پریدن، پرش |
| doku-ma | بافندگی، پارچه بافته شده |
| ısırt-ma | گرم کنی، گرم کردگی |
| işle-me | ۱- کار دستی ۲- عملکرد |
| oku-ma | خواندن، سواد |
| geliş-me | پیشرفت، ترقی، بهبودی، توسعه |
| haberleş-me | مخابره، مکاتبه |
| arın-ma | تمیز شدگی، برائت |
| korun-ma | حمایت شده، دفاع شده، حفاظت شده |
| ısmarla-ma | سفارش، سفارشی |
| anımsa-ma | تداعی شدگی، تجسم شدگی، یادآوری |
| geçin-me | وسایل زندگی، معاش، گذران |
| geçin-me | حسن معاشرت |
| kat-ma | علاوه، اضافه |
| akset-me | انعکاس، بازتاب، فرایند |
| kes-me | ۱- عمل بریدن ۲-مقطوع، بریده شده |
| yaklaş-ma | نزدیکی |
| koş-ma | دوندگی، دو |

| | |
|--------------|--|
| ansı-ma | یادآوری، به خاطر آوردن، تداعی |
| oyalan-ma | حواس پرتی |
| antlaş-ma | قرارداد، میثاق، عهد نامه |
| püskürt-me | عمل پاشیدن |
| doğra-ma | خرد شده، بریده شده، تکه تکه شده |
| araştır-ma | تحقیق و بررسی |
| danış-ma | مشورت، اطلاعات |
| kalkın-ma | عمران و آبادی، توسعه و ترقی |
| an-ma | یادآوری، تداعی، ذکر کردن مورد یا چیزی و یا شخصی، به یار آوری فردی به خوبی و نیکی |
| ezdir-me | عمل تحمیل کردن |
| açıkla-ma | فاش کردن، به طور کلی آشکار ساختن |
| gevşe-me | رخاوت، سستی، شلی |
| açıklan-ma | معرفی، تشریح |
| beze-me | آرایش |
| açım-la-ma | تشریح، توضیح |
| dayanış-ma | پیوستگی، همبستگی، مشترک |
| dene-me | تجربه، امتحان، آزمایش |
| kabar-ma | بالا آمدگی، برجستگی، بالا آمدگی آب دریا، مد |
| kabart-ma | هر چیز برجسته و بالا آمده، برجسته کاری روی چوب یا فلز و... |
| barış-ma | آشتی، تفاهم، هماهنگی، صلح |
| açındır-ma | هموار و باز کردن چیزی |
| aç-ma | آماده سازی زمین برای کشت |
| batılılaş-ma | غرب گرایی، گرایش به فرهنگ و تمدن غربی |
| kay-ma | لغزش، سرخوردگی، لیز خوردگی |
| doğ-ma | تولد، طلوع، ظهور |
| kapla-ma | روکش، پوشش، روپوش |
| acı-ma | ترحم، همدردی کردن با کسی، دلسوزی |
| acın-ma | ترحم، دلسوزی، همدردی |
| kaz-ma | ۱-حفر، کندگی ۲-کلنگ |
| dök-me | افشان، ریخته، ریزش |
| sürtün-me | اصطکاک، مالش |

| | |
|-----------|-------------------------|
| kana-ma | خونریزی داخلی یا خارجی |
| dondur-ma | بستنی |
| dol-ma | دلمه، پر کرده شده |
| iç-me | ۱-نوشیدنی ۲-آب‌های مدنی |

فرقی که مابین پیوند *-ma, -me* با پیوند مصدری *-mak, -mek* وجود دارد این است که پیوند اخیر نام عمومی حرکت و پیوند *-ma, -me* نام عمل ناشی از حرکت را معلوم می‌کند و بنابراین هم، جنبه اسمی اشکالی که از الحاق پیوند *-ma, -me* به وجود می‌آیند، خیلی بیشتر از جنبه اسمی مصدر است. به طوری که در میان گروه بی شمار اشکال مصدر به تعداد انگشت شماری از آن‌ها نظیر *yemek* (غذا، طعام، خوراک) و *çakmak* (فندک) می‌توان برخورد که مفهوم ذاتی پیدا کرده‌اند. در حالی که در اسامی فعلی که پیوندهای *-ma, -me* را دارند تعداد خیلی بیشتری وجود دارند که اسامی ذاتی اشیا معین هستند که در بالا مثال‌های زیادی از آن آورده شد.

پیوند چهار شکلی *-iş, -uş, -üş, -ış* یکی از پرکاربردترین پیوندها است این پیوند نیز مانند دو پیوند فوق به آخر انواع فعل الحاق یافته و نقشی شبیه پیوند *ma, me* بازی می‌کند. یعنی اسامی فعلی ناشی از حرکت و کنش اشیا را به وجود می‌آورد که به جز فعل بی قاعده *imek* بر سر سایر افعال آورده می‌شود و از فعل، اسم می‌سازد:

| | |
|-----------|--------------------------------------|
| al-ış | ستد، خرید |
| dön-üş | رجعت، عودت، برگشت |
| at-ış | تیر اندازی، طرز انداختن، آتش اندازی |
| yürü-y-üş | طرز راه رفتن، حرکت کردن، رژه رفتن |
| çekil-ış | قرعه کشی |
| dur-uş | طور، طرز، حالت، وضع |
| yağ-ış | باران |
| otur-uş | صندلی |
| duy-uş | احساس، طرز شنیدن |
| bak-ış | نظر، نگاه، دید |
| dağıl-ış | پراکنده شدگی، از هم گسستگی، فرو ریزی |
| söylen-ış | طرز بیان، طرز تلفظ یا گفتن |
| gör-üş | دیدار، دیدگاه، عقیده، نظر |
| gül-üş | خنده، تبسم |
| çık-ış | خروج |
| gir-ış | ورود |

طرز فهمیدن، فراست، هوشیاری، فهم
 نظیر این پیوند در فارسی نیز وجود دارد که معمولاً در آخر بن مضارع و گاهی صفت می‌آید و اسم مصدر می‌سازد مانند:
 خورش، برش، روش، جهش، نرمش، گرمش، ورزش، پیدایش، کشش، کنش، سوزش، افزایش، پیرایش، ستایش، پرش...

پیوند هشت شکلی -gi, -gi, -gu, -gü, -k1, -ki, -ku, -kü از پیوندهای پرثمر بوده و با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی مرتبط با مدلول فعل به وجود می‌آورد. مانند:

| | |
|--------|---|
| bil-gi | معلومات، علم، دانش، آگاهی |
| bıç-k1 | اره دو سر |
| bas-k1 | فشار، چاپ |
| büz-gü | فشردگی و یا جمع کردن قسمتی از پارچه به وسیله رشته نخ یا کش را گویند |
| gör-gü | تجربه، آداب معاشرت، چشم دل، مشاهده |
| ver-gi | مالیات، عوارض، موهبت الهی |
| sev-gi | محبت، دوستی، عشق، حب، شوق |
| duy-gu | حس، احساس |
| çal-gı | آلت نواختن موسیقی، ساز موسیقی |
| kes-ki | ۱- آلت قطع کردن یا بریدن ۲- اسکنه، تبر، قلم کوچک |
| iç-ki | مشروب، نوشابه الکلی |
| bil-gi | معلومات، علم، دانش، آگاهی |
| ser-gi | نمایشگاه، محل ارائه و نمایش کالا جهت فروش |
| sor-gu | بازپرس، استنتاج |
| et-ki | تأثیر، اثر، نفوذ |
| say-gı | احترام، حرمت، عدم مزاحمت |
| sar-gı | ۱- باند، باند پیچی ۲- مست، مشروب خورده |
| bur-gu | مته، دشنه، آلت نجاری برای سوراخ کردن چوب |
| ör-gü | بافندگی، مو یا نخ یا غیره را بهم بافتن، بافته شده |
| yar-gı | حکم، قرار (در محکمه دادگاه) |

پیوند هشت شکلی -gın, -gin, -gun, -gün, -kın, -kin, -kun, -kün از پیوند مبالغه است که بر سر ریشه فعل‌های تک سیلابی آورده می‌شود. این پیوند نیز از پیوندهای پرثمر بوده، که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی مرتبط با مدلول فعل به وجود می‌آورد. مانند:

| | |
|---------|----------------------------------|
| dal-gın | پریشان فکر، غرق در فکر، حواس پرت |
| az-gın | عصبانی، وحشتناک، خشمگین، حشری |
| dar-gın | رنجیده، دلگیر، قهر |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|----------|---|
| eriş-kin | بالغ، بزرگسال |
| küs-kün | قهر کرده، رنجیده، دلخور، ناراضی |
| alış-kın | عادت، معتاد |
| bay-gın | بیهوش |
| gir-gin | تو دل برو، زرنگ |
| ol-gun | کامل، رسیده، پخته، جا افتاده |
| piş-kin | خوب پخته شده، برشته، بی عار |
| coş-kun | پر حرارت، جوش و خروش، نشاط |
| aş-kın | بیش از مقدار و یا زمان مورد نظر، بیش از حد، زیاد، فراتر |
| düz-gün | صاف و هموار، درست، مرتب، تمام و کمال |
| üz-gün | ضعیف، کم بنیه، سست |

پیوند چهار شکلی -gan, -gen, -kan, -ken پیوند مبالغه شدید است که بر سر ریشه فعل‌های تک سیلابی آورده نمی‌شود. این پیوند نیز یکی دیگر از پیوندهای پرثمر بوده، که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی مرتبط با مدلول فعل به وجود می‌آورد. مانند:

| | |
|------------|-----------------------|
| alın-gan | نازک نارنجی، زود رنج |
| sıkıl-gan | خجالتی، کمرو، محجوب |
| konuş-kan | پرحرف، وراج |
| somurt-gan | غرغرو، عبوس، ترش رو |
| çekin-gen | خجالتی، کمرو، محجوب |
| giriş-ken | زرنگ، کاربر |
| unut-kan | فراموش کار، نسیان کار |

پیوند دو شکلی -man, -men این پیوند نیز از پیوندهای پر ثمر رایج در زبان ترکی استانبولی بوده و اسم‌هایی مرتبط با شغل و حرفه تشکیل می‌دهد. مانند:

| | |
|-----------|--|
| öğret-men | معلم |
| okut-man | معلمی که برای تدریس زبان در دانشگاه استخدام می‌شود |
| say-man | حسابدار، محاسب |
| seç-men | انتخاب کننده |
| yaz-man | کاتب، نویسنده، منشی |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

پیوند چهار شکلی -i, -ı, -u, -ü, -1 که بسیار پر کاربرد بوده و با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی اسم‌هایی را که در نتیجه اجرای فعل حاصل می‌گردد تشکیل می‌دهد. مانند:

| | |
|---------|--|
| sür-ü | گله، رمه، گروه یا دسته‌ای از حیوانات |
| sev-i | عشق، محبت |
| dikil-i | دوخته شده، بخیه شده، کاشته شده |
| ört-ü | پوشش، روپوش، ستر |
| dol-u | پر |
| koş-u | مسابقه اسب دوانی |
| öl-ü | مرده، مرحوم، فوت کرده |
| yap-ı | ساختمان، وجود، بنیه، هیكل |
| kok-u | ۱-بو، رایحه ۲-جزیی، مقدار کم |
| kork-u | ترس، هراس، نگرانی، خطر |
| çek-i | نام وزنی معادل ۲۵۰ گرم که در استانبول رایج است |
| yaz-ı | نوشته، مکتوب، نامه، مقاله، خط نوشته |

پیوند چهار شکلی -ün-tü, -un-tu, -in-ti, -in-ti فعل تشکیل می‌دهد. مانند:

| | |
|-----------|--|
| boğ-un-tu | ۱-به زور تنفس کردن ۲-گران‌فروشی، منازعه کردن، دست به یقه شدن |
| öd-en-ti | حق عضویت، عایدات |
| sık-ın-tı | دل‌تنگی، ناراحتی، عذاب، بی‌حوصلگی، مشقت |
| bur-un-tu | درد شکم |
| ak-ın-tı | ترشحات، چرک، جراحت، چیزی که روان است، ریزش، ترشح |
| çık-ın-tı | برآمدگی، پیش‌آمدگی، بال‌آمدگی |
| çök-ün-tü | نشست، ته‌نشین، ناتوانی، ضعیف |
| kur-un-tu | وهم، خیال، اوهام، تصورات نابجا |
| kov-un-tu | مطرود، بیرون رانده شده |

پیوند چهار شکلی -ücü, -ucu, -ıcı, -ıcı می‌آورد. مانند:

| | |
|---------|---|
| sür-ücü | سورچی، راننده، هدایت‌کننده حیوانات |
| al-ıcı | خریدار |
| sev-ıcı | زنی که از روی شهوت زن دیگری را دوست داشته باشد. |
| vur-ucu | زننده |
| ak-ıcı | روان، جاری، سیال |

| | |
|---------------|---------------------------------------|
| oku-yucu | خواننده، آوازه خوان |
| gül-dür-ücü | خنده آور، مضحک |
| uyuş-tur-ucu | مواد مخدره، بی هوش کننده، بی حس کننده |
| hayat ver-ici | حیات بخش |
| serhoş ed-ici | مست کننده، سر خوش کننده |

پیوند چهار شکلی -ik, -ik, -uk, -ük, -k) در ریشه‌هایی که به مصوت ختم می‌شوند. که بسیار پر کاربرد بوده و با الحاق به آخر یک رشته از افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|-----------|---|
| aç-ık | گشاده، باز، واضح، کم رنگ، آزاد رک و پوست کنده، صریح |
| böl-ük | قسمت، دسته |
| düş-ük | افتاده، سقوط نازل |
| dile-k | آرزو، میل، تمنا، خواهش |
| yat-ık | تمایل |
| yan-ık | سوخته، نشو و نما کرده، ضعیف مانده، سوختگی |
| at-ık | رنگ و رو پریده، وارفته، خراب شده (چراغ) |
| buruş-uk | چین و چروک |
| yuvarla-k | گرد، کروی، مدور |
| iste-k | خواسته، تقاضا، میل، آرزو |
| tara-k | شانه |
| ele-k | الک |
| büyük-k | بزرگ |
| soğ-u-k | سرد |

پیوند دو شکلی -ek, -ak) که بسیار پر کاربرد بوده و با الحاق به آخر یک رشته از افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|---------|--|
| at-ak | جسور، ماجراجو، پرجرات |
| dön-ek | خائن |
| kaç-ak | ۱- قاقاق ۲- نشست مایع یا تراوش‌ها هوا از چیزی به طور خیلی کم |
| sanc-ak | پرچم، بیرق، علم |
| dur-ak | ایستگاه اتوبوس یا تراموای |
| yala-k | لگن، تشتک |
| bat-ak | باتلاق |
| ölç-ek | مقیاس، ظرف اندازه گیری غله |
| yed-ek | یدک، اضافه، یدکی، ذخیره، احتیاطی |

| | |
|----------|--------------------------|
| tapın-ak | معبد، پرستشگاه، عبادتگاه |
| dayan-ak | پشتیبان، ضامن، تکیه گاه |
| sığın-ak | پناهگاه، ملجأ |
| ürk-ek | رمو، ترسو، خجالتی |

پیوند چهار شکلی *ıt, it, ut, üt* (t-) در ریشه‌هایی که به مصوت ختم می‌شوند. با الحاق به آخر ریشه یک رشته از افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|---------|---|
| ayır-t | فرق، تمایز، تفاوت |
| öğ-üt | پند، نصیحت، وعظ |
| geç-it | معبور، گذرگاه، تنگه، رژه، مراسم عبور |
| yoğur-t | ماست |
| um-ut | امید |
| an-ıt | بنای یادگاری |
| soy-ut | مجرد، مطلق، مشخص، معنا |
| taşı-t | وسایط نقلیه |
| yak-ıt | سوخت |
| yaz-ıt | قطعه نوشته شده روی سنگ، حک شده یا نوشته شده روی سنگ‌نبشته |
| | همچنین این پیوند صفت‌هایی از تو زیر را نیز به وجود می‌آورد: |
| yaş-ıt | هم سن و سال |
| eş-ıt | مساوی، معادل، برابر |
| karş-ıt | ضد، مخالف، مقابل، مغایر |

پیوند دو شکلی *-am, -em* با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|--------|-------------------|
| tut-am | یک مشت از هر چیزی |
| dön-em | دوره، موسم، فصل |
| kur-am | نظریه |

پیوند دو شکلی *-an, -en* با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|--------|----------------------------------|
| bak-an | وزیر |
| düz-en | انتظام، نظم و ترتیب، تزویر و حقه |
| kap-an | تله، دام، تله کوچک |

پیوند دو شکلی -ga, -ge- با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|----------|--|
| bil-ge | ۱- علم افزون و متقن، علمی که صحت و سقم دارد. ۲- کسی که علم خود را به دیگری می‌آموزد. ۳- فایده رسان |
| dal-ga | موج، حالت خماری |
| yon-ga | تراشه نجاری، براده آهن |
| böl-ge | منطقه ناحیه |
| süpür-ge | جارو، جاروب |
| kavur-ga | بو دادن خشکبار، گندم، ذرت بر روی آتش |

پیوند دو شکلی -acak, -ecek- کاربرد ی است و با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|----------|--------------------------|
| gel-ecek | آینده، مستقبل، آتیه |
| giy-ecek | پوشاک، لباس، پیراهن |
| yak-acak | سوختنی، مواد سوختنی |
| sil-ecek | پاک کن، حوله، دست پاک کن |
| ver-ecek | بدهی، قرض |

پیوند دو شکلی -a, -e- که کم کاربرد است و فقط در چند کلمه دیده می‌شود:

| | |
|-------|--|
| yar-a | زخم، جراحت |
| sap-a | راه کج، بیراهه |
| öt-e | ماوراء، آن طرف، آن سوی |
| oy-a | کار دستی یا سوزن کاری کناره سفره یا دستمال |

پیوند دو شکلی -av, -ev- (بعد از مصوت -v-) با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|--------|--|
| gör-ev | وظیفه، خدمت، تکلیف، مأموریت |
| öd-ev | وظیفه، مشق درس شاگرد که باید آماده نماید |
| sına-v | امتحان، آزمایش |
| işle-v | تابع |

پیوند دو شکلی -aç, -eç- (بعد از مصوت -ç-) با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|--------|--|
| tıka-ç | تویی، سوراخ گیر، کهنه یا چوبی که به سوراخی می‌تپانند |
|--------|--|

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

say-aç کنتور (برق، آب، گاز و غیره)
kaldır-aç اهرم، دیلم

پیوند چهار شکلی -agan, -egen, -ağan, -eğan که بسیار کم کاربرد است، با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

ol-ağan عادی، قابل انجام، معمولی
gez-egen سیاره
dur-ağan پایدار، ایستا

پیوند چهار شکلی -sı, -si, -su, -sü که کم کاربرد است این پیوند نیز فقط در چند کلمه دیده می‌شود:

yat-sı عشاء، غروب آفتاب گذشته یا نصف شب، شامگاه
sin-si زیرزیرکی، مخفیانه
yas-sı پهن، صاف، هموار
tüt-sü بخور یا چیزی که برای بخور دادن بکار می‌رود.

پیوند دو شکلی -arı, -eri که بسیار کم کاربرد است و با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد:

uç-arı آدم سر به هوا، کسی که به انواع تفریحات می‌پردازد
göç-eri دوست دار مهاجرت، کسی که مدام کوچ می‌کند

پیوند دو شکلی -anak, -enek که کم کاربرد است:

sağ-anak رگبار، باران شدید
gel-enek رسم و قاعده، رسوم و عادت
gör-enek عادت، رسوم، عنعنه

پیوند دو شکلی -amak, -emek این پیوند نیز مانند پیوند بالا کم کاربرد است:

tut-amak دسته، دستگیره، شی قابل تکیه
basa-mak پلکان، رتبه، درجه، بالا رفتن از پله

پیوند دو شکلی -ay, -ey با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازد و از پیوندهای کم کاربرد است:

| | |
|--------|----------------------------|
| ol-ay | واقعه، حادثه، اتفاق |
| yap-ay | مصنوعی، ساخته شده توسط دست |
| düz-ey | سطح |
| düş-ey | عمودی، شاغولی |

پیوند دو شکلی -alak, -elek- این پیوند نیز کم کاربرد است:

| | |
|----------|---|
| yat-alak | زمین گیر، علیل، مریض، بستر طولانی |
| as-alak | طفیلی، سربار کسی، دامن گیر |
| çökel-ek | کشک، تورنا، شوره باقیمانده از روغن گیری کره |

پیوند دو شکلی -alga, -elge- این پیوند هم از موارد کم کاربرد است:

| | |
|----------|---------------------|
| çiz-elge | نمودار، شکل نماینده |
| bit-elge | باروری (از خاک) |
| kon-alga | اقامتگاه |

پیوند دو شکلی -ası, -esi- بسیار کم کاربرد است و با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسمهایی از نوع زیر می‌سازد:

| | |
|--------|-----------------------|
| ol-ası | احتمالی، محتمل الوقوع |
|--------|-----------------------|

پیوند چهار شکلی -ın, -in, -un, -ün- که بسیار پرکاربرد بوده و با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسمهایی از نوع زیر می‌سازند:

| | |
|--------|------------------------------|
| ak-ın | حمله، هجوم |
| ek-in | کشت و زرع، محصول، حاصل زراعی |
| tüt-ün | توتون |
| yıǵ-ın | توده، انبوه، پشته |
| bas-ın | مطبوع، روزنامه، مجلات |
| gel-in | عروس |

پیوند چهار شکلی -gıç, -giç, -guç, -güç- با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسمهایی از نوع زیر می‌سازند:

| | |
|---------|--------------|
| dal-gıç | غواص، آب باز |
|---------|--------------|

| | |
|------------|------------------------------|
| bil-giç | دانشمند، عالم |
| başlan-gıç | ابتدا، شروع، سر لوحه |
| patlan-gıç | ترقه، ترقه بازی، مواد منفجره |

پیوند چهار شکلی -gaç, -geç, -kaç, -keç معادل پیوند قبلی است. مانند:

| | |
|------------|---|
| yüz-geç | شناگر، بال ماهی که به وسیله آن شنا می کند |
| süz-geç | آب پاش، فیل تر، صافی |
| kıs-kaç | ۱-گیره، انبر ۲-نردبان باز و بسته شونده |
| utan-gaç | خجول، محجوب، خجالتی |
| patlan-gaç | ترقه، ترقه بازی، مواد منفجره |

پیوند چهار شکلی -im, -im, -um, -üm با الحاق به آخر یک رشته از ریشه افعال اسم‌هایی از نوع زیر می‌سازند:

| | |
|----------|---------------------------------|
| al-im | خرید، جذابیت |
| iç-im | جرعه، غورت |
| yurd-um | جرعه، غورت |
| dil-im | قاج، یک تکه بریده شده |
| doğ-um | تولد، ولادت |
| öl-üm | مرگ، مردن، موت، فنا |
| tut-um | حالت، وضعیت، روش، صرفه جویی |
| bas-ım | چاپ، طبع |
| de-yim | گفته، تعبیر، اصطلاح، عبارت |
| dur-um | حالت، وضعیت، شکل |
| biç-im | نوع، شکل، قواره |
| uçur-um | پرتگاه، دره، حالت سقوط، بدبختی |
| yatır-ım | وجوه ودیعه گذاشته شده، پس انداز |
| sev-im | علاقه، مهر و محبت |
| geç-im | معیشت، مخارج، سازگاری، معاشرت |

علاوه بر این‌ها در زبان ترکی استانبولی برای تشکیل اسامی پیوندی انواع دیگری از پیوندها نیز مانند ca .cak, cek و امثال آن بکار می‌رود.

بازیچه، اسباب بازی

oyun-cak

bulma-ca معما، چیستان
bilme-ce معما

در ردیف پیوندهای توصیفی اسم، به ترکیبات صوتی چندی نیز مانند baz ، dar ، hane و غیره می‌توان برخورد که ضمن کلمات دخیل وارد زبان ترکی استانبولی شده و صرف‌نظر از مفهومی که در زبان اصلی دارند، اینجا نقش پیوند توصیفی را بازی می‌کنند. مانند:

oyun-baz حقه باز، حيله گر، شارلاتان
cam-baz بند باز، آکروبات
hokka-baz تردست، شعبده باز، شیاد، حقه باز
kütüp-hane کتابخانه
posta-hane پستخانه
pasta-hane شیرینی فروشی
ecza-hane داروخانه
süt-hane لبنیاتی
dikim-hane اتاق دوخت
aşhane فروشگاه آشپزی
haber-dar خبردار

پیوند -vari (بهشت وار، پلنگ وار، دیوانه وار) که از فارسی وارد ترکی شده و معنی همانندی را می‌دهد:

Şekspirvari همانند شکسپیر، شکسپیر وار
James bondvari bir casusluk جاسوسی همانند جیمز باند

پیوند -ane که از فارسی وارد شده و برای تشبیه و نسبت و لیاقت به کار می‌رود و صفت و قید می‌سازد:

| | | | |
|----------|------|-------------|---------|
| mest | مست | mestane | مستانه |
| şah | شاه | şahane | شاهانه |
| şair | شاعر | şairane | شاعرانه |
| dost | دوست | dostane | دوستانه |
| müddebir | مدیر | müddebirane | مدیرانه |
| bilgiç | عالم | bilgiçane | عالمانه |

Müddebir bir paşa یک پاشای مدبر
Paşanın müddebebirane hareketi حرکت مدیرانه پاشا

۳- اسامی مرکب

در زبان ترکی استانبولی به دو طریق: ۱- به طریق بهم پیوستن کلمات ناهمانند ۲- به طریق توالی کلمات همانند تشکیل می‌شوند.

۱- تشکیل اسامی مرکب به طریق بهم پیوستن کلمات ناهمانند:

الف) از بهم پیوستن دو اسم. مانند:

| | |
|--------------|----------|
| ana yol | راه اصلی |
| erkek kardeş | برادر |
| kız arkadaş | خواهر |
| kadın doktor | دکتر زن |
| avukat kadın | وکیل زن |

ب) از بهم پیوستن دو اسم در حالی که اسم دوم دارای پیوند نسبت باشد. مانند:

| | |
|---------------|-------------|
| deve kuşu | شتر مرغ |
| yılan balığı | مار ماهی |
| ayak kapı | کفش |
| otobüs bileti | بلیط اتوبوس |
| el çantası | کیف دستی |
| masa örtüsü | رو میزی |
| çay bardağı | لیوان چای |
| çocuk bahçesi | باغ کودک |

پ) از بهم پیوستن دو اسم در حالی که اسم اول اسامی مواد است. مانند:

| | |
|------------|------------|
| çelik kapı | در فلزی |
| taş duvar | دیوار سنگی |
| yün çorap | جوراب پشمی |

ج) از بهم پیوستن اسم با کلمات وصفی. مانند:

| | |
|-----------|-----------|
| akçay | سفید رود |
| akpınar | سفید چشمه |
| karabiber | لفل سیاه |
| karafatma | سوسک سیاه |

| | |
|------------|---|
| kabakulak | نوعی مرض مصری یا آماس غده زیر گوش، اوریون |
| sarıgöz | چشم زرد |
| kırk ayak | چهل پا |
| akciğer | جگر سفید، شش |
| acı çay | چای تلخ |
| sarı humma | تب زرد |
| aktaş | سنگ سفید |

(د) از بهم پیوستن اسم با فعل. مانند :

| | |
|--------------|----------|
| tırnak tutan | ناخن گیر |
|--------------|----------|

۲-تشکیل اسامی مرکب به طریق توالی کلمات مانند:

الف- به طریق تکرار متوالی یک اسم. مانند:

| | |
|---------------|-----------|
| oyun oyun | بازی بازی |
| hıngır hıngır | زار زار |
| bölük bölük | قسمت قسمت |

ب- به طریق توالی دو اسم که از لحاظ معنی تقارن و مشابهتی در میان آنها باشد.

| | |
|------------|--------------|
| koyun kuzu | گوسفند و بره |
| karı koca | زن و شوهر |

ج- به طریق تکرار یک اسم در حالی که حرف اول اسم دوم تغییر صوتی پیدا می کند و معنی خود را از دست می دهد.
مانند:

| | |
|-------------|-----------|
| çocuk mocuk | بچه مچه |
| adam madam | آدم مادم |
| iş miş | کار مار |
| çoluk çocuk | زن و بچه |
| abuk sabuk | پرت و پلا |
| sıkı fıkı | خوش مشرب |

د- به طریق توالی اسامی متضاد. مانند:

| | |
|-------------|------------------------|
| alış veriş | خرید و فروش، داد و ستد |
| gece gündüz | شب و روز |

انواع اسم

اسم دارای انواع زیر است:

۱- اسم عام:

نام عمومی اشخاص، جانوران و اشیا است. به عبارت دیگر، اسم عام اسمی است که تمام افراد یا چیزهای همجنس خود را شامل می‌شود. مثال:

مرغ tavuk دختر kız شهر şehir

۲- اسم خاص:

کلمه‌ای است که بر شخص یا چیز معین یا خاص دلالت دارد. مثال:

استانبول İstanbul ایران Iran علی Ali

نکته: به طوری که ملاحظه می‌کنید، اسم خاص با حرف بزرگ شروع می‌شود.

۳- اسم ذات:

اسمی است که در عالم ظاهر موجود باشد و به توان آن را لمس کرد. مثال:

درخت ağaç قفس kafes فناری kanarya

۴- اسم معنی:

اسمی است که در عالم ظاهر وجود ندارد و نمی‌توان آن را دید یا لمس کرد. مثال:

سعادت saadet ایمان iman عشق aşk

۵- اسم جمع:

بعضی از اسم‌ها هستند که مفرد نیستند و علامت جمع ندارند، اما بر بیش از یک نفر یا چیز دلالت می‌کنند، مانند:

لشگر، سپاه، ارتش، قشون ordu

جمعیت، دسته، گروه alay

گله، رمه، گروه یا دسته‌ای از حیوانات sürü

کنگره، جلسه عمومی هیئت یا جمعیتی kurultay

| | |
|--------|------------------------------|
| meclis | مجلس |
| takım | دسته، گروه، رسته |
| aile | خانواده |
| grup | گروه، دسته، طبقه، توده، زمره |

به این گونه اسامی، اسم جمع می‌گویند. اسم‌های جمع را نیز می‌توان جمع بست.

اشکال تصریفی اسم

در زبان ترکی استانبولی، اسم به اقتضای ارتباط و هم بستگی خود با سایر اجزای کلام تصریف می‌شود. در این زبان، اشکال تصریفی اسم با الحاق پیوندهای تصریفی متناسب به آخر اسم تعیین می‌گردد. پیوندهای تصریفی اسم که به منزله‌ی مهره‌ها و ابزار جایگزینی آن در کلام هستند، دارای اشکال مختلف بوده و از نظر شمول و نحوه‌ی عمل هر یک جای ویژه‌ای برای خود دارند. به طوری که قبلاً نیز اشاره شد، جای پیوندهای تصریفی، در ترکیب کلمات همواره بعد از پیوندهای توصیفی است. منتها خود پیوندهای تصریفی از نظر حدود عمل درجاتی دارند. از پیوندهای تصریفی اسم، آنچه درجه‌ی شمولش محدودتر باشد، به پیوندهای توصیفی نزدیک‌تر و آنکه شمولش وسیع‌تر باشد به نسبت دورتر خواهد بود. به این ترتیب، در اسم‌ها، پیوند جمع قبل از همه‌ی پیوندهای تصریفی و بعد به ترتیب پیوندهای تملیک و حالت قرار می‌گیرند و از این میان آنچه به مفهوم حقیقی کلمه اشکال تصریفی اسم را به وجود می‌آورد، همان پیوندهای حالت است و بقیه یعنی پیوندهای جمع و تملیک موقعیت بینابینی دارند

جمع و پیوند جمع

اسم در زبان ترکی استانبولی، مانند زبان فارسی، به دو حالت مفرد و جمع به کار می‌رود و حالت تثنیه که در یک عده از زبان‌ها متداول است، در این زبان وجود ندارد. اسم در حالت مفرد بدون علامت و در حالت جمع یعنی هر وقت تعداد آن از دو بیشتر باشد، علامت جمع می‌پذیرد.

پیوند جمع در زبان ترکی استانبولی از دیر باز پیوند دو شکلی -lar, -ler است. اسم‌هایی که مصوت آخری آن‌ها پسین یا خشن باشد، با -lar و آن‌هایی که مصوت آخرشان پیشین یا ظریف باشد، با -ler جمع بسته می‌شوند. مانند:

| | |
|-----------|---------|
| bitki-ler | گیاهان |
| oyun-lar | بازی‌ها |
| gün-ler | روزها |
| ay-lar | ماه‌ها |

الحاق پیوند جمع در آخر اسم تنها از نظر کمیت موثر بوده و نقشی در جریان ارتباط و همبستگی اسم با اجزای دیگر کلام ندارد. به همین لحاظ هم، پیوند جمع شباهت زیادی به پیوندهای توصیفی دارد. در اسم‌هایی که علامت جمع می‌پذیرند، پیوندهای نسبت و حالت بعد از پیوند جمع می‌آیند. مانند:

| | |
|----------------|----------|
| düşünce-ler-im | افکار من |
|----------------|----------|

ağaç-lar-dan

از درختان

پیوندهای -lar و -ler در فعل نیز به عنوان علامت سومین شخص جمع به کار می‌رود. مانند:

bak-tı-lar.

نگاه کردند.

gör-müş-ler

دیده‌اند.

در حالت جمع اسامی، تکیه بر روی جمع می‌افتد. مثلاً در kuşlar (پرنده‌گان) و serçeler (گنجشک‌ها) تکیه در روی پیوند جمع قرار دارد. در مورد پیوندهایی که بعد از پیوند جمع قرار می‌گیرند، هر گاه این پیوندها تکیه دار باشند، پیوند جمع تکیه خود را از دست می‌دهد. مثلاً در kuşlardan (از پرنده‌گان) و serçelerim (گنجشک‌های من) تکیه بر روی پیوند حالت و تملیک منتقل شده است.

تملیک و پیوند تملیک

حالت تملیک یا نسبت در سلسله‌ی پیوندهای تصریفی اسم به حالتی اطلاق می‌شود که اسم در آن حال تعلق به یکی از اشخاص شش گانه «من، تو، او، ما، شما، ایشان» قرار می‌گیرد. حالت تملیک در زبان فارسی با افزودن علائمی به آخر اسم‌ها که از آن‌ها به ضمائر ملکی نام می‌برند، ایجاد می‌شود. ولی در زبان ترکی استانبولی این حالت با الحاق پیوندهایی که بنام پیوند تملیک شناخته شده‌اند تشکیل می‌گردد.

حالت تملیک در بعضی از زبان‌ها وجود ندارد. در برخی دیگر این حالت به جای یک کلمه بوسیله‌ی گروه کلمات بیان می‌گردد. در زبان ترکی استانبولی حالت تملیک از نظر تعلق به اشخاص شش گانه تصریف می‌شود و اشکال تصریفی آن بر حسب این که آخر اسم به صامت یا مصوت ختم شود به شرح زیر است:

| | | | | | | |
|--------|--------|-----------|--------|---------|-----------|-------------|
| el | دست | akşam | عصر | köy | روستا | çocuk (بچه) |
| elim | دستم | akşamım | عصرم | köyüm | روستایم | çocuğum |
| alin | دستت | akşamın | عصرت | köyün | روستایت | çocuğun |
| eli | دستش | akşamı | عصرش | köyü | روستایش | çocuğu |
| elimiz | دستمان | akşamımız | عصرمان | köyümüz | روستایمان | çocuğumuz |
| eliniz | دستتان | akşamınız | عصرتان | köyünüz | روستایتان | çocuğunuz |
| elleri | دستشان | akşamları | عصرشان | köyleri | روستایشان | çocukları |

| | | | |
|-------------|------------|---------------|-------------|
| anne (مادر) | kapı (درب) | ölçü (اندازه) | korku (ترس) |
| annem | kapım | ölçüm | korkum |
| annen | kapın | ölçün | korkun |
| annesi | kapısı | ölçüsü | korkusu |

| | | | |
|----------|----------|----------|-----------|
| annemiz | kapımız | ölçümüz | korkumuz |
| anneniz | kapınız | ölçünüz | korkunuz |
| anneleri | kapıları | ölçüleri | korkuları |

کلمه su (آب) یک استثنا است که به همراه y میانجی حالت مالکیت را به خود می‌گیرد. همچنین کلمه ağabey (آقا داداش) در شکل مخفف به صورت abi بکار می‌رود به جدول زیر توجه کنید:

| | | |
|---------|------------|---------|
| su | ağabey | abi |
| suyum | ağabeyim | abim |
| suyun | ağabeyin | abin |
| suyu | ağabeyi | abisi |
| suyumuz | ağabeyimiz | abimiz |
| suyunuz | ağabeyiniz | abiniz |
| suları | ağabeyleri | abileri |

در ترکی استانبولی مالکیت را با پیوندهای مختلف نشان می‌دهند:

۱- اضافه شدن پیوند به ضمیر:

| | |
|----------|----------|
| ben-im | مال من |
| sen-in | مال تو |
| o-nun | مال او |
| biz-im | مال ما |
| siz-in | مال شما |
| onlar-ın | مال آنها |

۲- اضافه شدن به اسم:

| | بعد از حروف صامت | بعد از مصوت |
|------|-------------------------------|---------------------------|
| مفرد | | |
| ۱ | -im , -ım , -um , -üm | -m |
| ۲ | -in , -ın , -un , -ün | -n |
| ۳ | -i , -ı , -u , -ü | -si , -sı |
| جمع | | |
| ۱ | -ımız , -ımız , -umuz , -ümüz | -miz , -mız , -muz , -müz |
| ۲ | -iniz , -ınız , -unuz , -ünüz | -niz , -nız , -nuz , -nüz |
| ۳ | -leri , -ları | -leri , -ları |

مثال:

| | | | | |
|----------------|---------------|-----------------|---------------|-----------------|
| Benim | adım | babam | eşim | dedem |
| | اسم من | پدرم | همسرم | پدر بزرگم |
| Senin | adın | baban | eşin | deden |
| | اسم تو | پدرت | همسرت | پدر بزرگت |
| Onun | adı | babası | eşi | dedesi |
| | اسم او | پدرش | همسرش | پدر بزرگش |
| Bizim | adımız | babamız | eşimiz | dedemiz |
| | اسم ما | پدرمان | همسرمان | پدر بزرگمان |
| Sizin | adınız | babanız | eşiniz | dedeniz |
| | اسم شما | پدرتان | همسرتان | پدر بزرگتان |
| Onların | adları | babaları | eşleri | dedeleri |
| | اسم آنها | پدرشان | همسرشان | پدر بزرگشان |

چند مثال دیگر:

Benim sigaram

سیگار من

Onun adresi

آدرس او

Senin otomobilin

اتومبیل تو

Bizim biramız

آبجوی ما

در گفتگو روز مره، ضمایر ملکی را همیشه حذف می کنند زیرا پیوندی که به اسم یا ضمیر متصل می شود خود معرف مالک است:

soyadım

نام خانوادگی ام

adresin

آدرس تو

çocuğu

بچه او

پیوند ملکی را می توان به دنبال پیوند جمع آورد:

çocuğum

بچه من

çocuklarım

بچه های من

dedemiz

پدر بزرگ ما

dedelerimiz

پدر بزرگ های ما

اطلاق نام ضمیر به پیوندهای تملیک در زبان ترکی استانبولی از آن نظر نادرست است که در این زبان ضمائر جزو گروه کلمات مستقل بوده و هر ضمیر برای خود دارای ریشه ایست که می‌تواند در کلام برحسب موقعیت خود پیوندهای مختلف بپذیرد. در حالی که پیوندهای تملیک از بکار رفتن به صورت مستقل در کلام محروم بوده و تنها در نقش پیوند وظیفه خود را به انجام می‌رساند.

شباهت پیوندهای نسبت به حالت بیشتر از پیوند جمع بوده و بدین لحاظ نیز ، در رشته تسلسل پیوندها، بعد از پیوند جمع و جلوتر از پیوندهای حالت جای می‌گیرد.

پیوندهای تملیک جزو پیوندهای تکیه دار بوده و وقتی در کلمه جای آخر را بگیرند، تکیه را با خود همراه می‌کشند و تنها موقعی که بر پیوندهای حالت مقدم باشند تکیه را از دست می‌دهند . بنابراین در کلماتی از نوع: başım (سر)، gözlerin (چشم‌هایت)، babanız (پدرتان)، anneleri (مادرشان)، تکیه بر روی پیوند تملیک می‌ماند و در کلمات başımdan (از سرم)، gözlerinde (در چشم‌هایت)، babanızda (در پدرتان)، annelerini (مادرشان) را، تکیه بر روی پیوند حالت منتقل می‌شود.

حالت و پیوندهای حالت:

در زبان ترکی استانبولی ارتباط اسم با سایر اجزای کلام به خصوص افعال به صورت حالت پذیری اسم انجام می‌پذیرد. حالات اسم به آن عده از اشکال تصریفی اسم اطلاق می‌شود که موقعیت و وظیفه آن را در کلام تعیین می‌کنند. عمل حالت پذیری اسم در زبان ترکی استانبولی عموماً به وسیله پذیرش پیوندهای حالت انجام می‌گیرد. پیوندهای حالت با الحاق به آخر اسامی و کلماتی که می‌توانند در کلام نقش اسم را به عهده بگیرند، ارتباط آن‌ها را با سایر اجزای کلام و در درجه اول با افعال فراهم می‌سازند و بدین لحاظ در تشکیل ترکیبات و جملات نقش اساسی و فوق‌العاده دارند.

مناسبات اسم با سایر کلمات هم‌جوار از دو نوع می‌تواند باشد:

در نوع اول وابستگی عنصر خارجی به اسم و در نوع دوم وابستگی اسم به عنصر خارج مشخص می‌گردد. پیوندهای تملیک برای استقرار وابستگی نوع اول و پیوندهای حالت برای استقرار وابستگی نوع دوم بکار می‌روند. در نوع اول جهت مناسبت به جانب اسم و در نوع دوم وابستگی اسم به خارج است. به همین لحاظ پیوندهای حالت در مفهوم حقیقی کلمه، پیوندهای تصریفی بشمار می‌آیند.

شناخته‌ترین حالات اسم در زبان ترکی استانبولی به قرار زیر هستند:

| حالت | پیوند | فارسی | مثال | فارسی |
|--------------------------------|--------|---------|------------------|-------|
| حالت فاعلی یا آزاد | - - | | kitap کتاب | |
| حالت اضافه یا تعلق | -(n)İn | مال.... | kitabın مال کتاب | |
| حالت تأثیر یا مفعول مستقیم | -(y)İ | را | kitabı کتاب را | |
| حالت گرایش یا مفعول غیر مستقیم | -(y)A | به | kitaba به کتاب | |

| | | | | |
|---------|----------|----|---------------|--------------------------|
| در کتاب | kitapta | در | -DA | حالت تخصیص یا مفعول فیه |
| از کتاب | kitaptan | از | -DEN | حالت انفکاک یا مفعول عنه |
| با کتاب | kitapla | با | ile یا -(y)la | حالت واسطه |

۱- حالت فاعلی یا آزاد (Yalın hal)

حالت فاعلی یا آزاد، حالتی است که اسم در کلام نقش عامل را ایفا می‌کند و بنابراین، از وابستگی به سایر کلمات بی‌نیاز است. اسم در حالت آزاد، اعم از اینکه به صورت مفرد یا جمع بکار رود، بدون قبول پیوند حالت و با همان شکل اصلی خود شرکت می‌کند.

اسم در حالت فاعلی در هر دو نوع جمله فعلی و اسمی بکار رفته و خبر یا مسند خود را از فعل و یا از سایر اقسام کلمات می‌توانند بر گزینند مثلاً در جمله فعلی *çocuk oynuyor* (کودک بازی می‌کند) اسم *çocuk* (کودک) در مقام مبتدا، فعل *oynuyor* (بازی می‌کند) را برای خود خبر قرار داده و در جمله اسمی *şebnem güzel* (شبنم زیبا است) اسم *şebnem* در مقام مسندالیه کلمه‌ی *güzel* (زیبا) را مسند انتخاب کرده است.

علاوه بر موارد فوق، اسم در نوعی از ترکیب اضافی نیز به حالت آزاد و در نقش تعیین کننده بکار می‌رود. مانند *altın yüzük* (انگشتر طلا)، *demir kapı* (در آهنی). اسم در حالت فاعلی به سؤالات *kim?* (که، کی)، *ne?* (چه، چی) و *nerede?* (کجا؟) جواب می‌دهد. حالت فاعلی، حالت اصلی اسم محسوب است و در فرهنگ‌ها نیز اسم با این حالت ثبت می‌شود.

۲- حالت اضافه یا تعلق (İlgi hali)

حالت اضافه یا تعلق حالتی است که همبستگی اسم را از نظر تعلق به اسم دیگر نشان می‌دهد. حالت اضافه در زبان ترکی استانبولی از نظر اقسام آن (تخصیصی، تشبیهی، استعاری و غیره) شامل تقسیم بندی مرسوم سایر زبان‌ها است. ولی در این زبان بر خلاف زبان فارسی مضاف‌الیه مقدم بر مضاف است، *bağın ağacı* (درخت باغ)، *geminin yelkeni* (بادبان کشتی).

اسم در حالت اضافه به دو شکل قبول و عدم قبول پیوند بکار می‌رود و از این نظر حالت اضافه دارای دو حالت معین و نامعین است. حالت معین که با قبول پیوندهای اضافه بکار می‌رود، از تعلق شیئی بر شیئی معین حکایت می‌کند. مانند *şehirin kalası* (قلعه‌ی شهر)، *kapının anhatarı* (کلید در)، *Zeynebin saçı* (گیسوی زینب).

علامت حالات اضافه معین پیوند چهار شکلی *ün, un, in, in* (در کلماتی که به مصوت ختم می‌شوند با دخالت صدای کمکی *n* یعنی *nün, nun, nin, nin*) است.

اسم در حالت اضافه معین به سؤالات *kimin?* (مال که؟)، *neyin?* (مال چه؟)، *nerenin?* (مال کجا؟) جواب می‌دهد.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

حالت اضافه غیر معین که بدون قبول پیوند اضافه بکار می‌رود، از تعلق شیئی بر شیئی نامعین حکایت می‌کند. koyun süti (شیر گوسفند).

اگر بعد از پیوندهای ملکی -sı و -si، پیوند دیگری افزوده شود یک حرف خنثی n بین آن دو قرار می‌گیرد:

araba-sı-n-da در ماشین او
anne-si-n-den از مادرش

در شرایطی که مالک یک اسم (و نه ضمیر) باشد. این پیوندها بعد از حرف صامت -in, -ün, -un, -ın و بعد حرف مصوت -nin, -nün, -nun, -nün هستند:

Kızın adı اسم دختر
Ali'nin soyadı نام خانوادگی علی
Osman beyin adresi آدرس عثمان آقا
hanım efendinin eşi همسر خانم

پیوند حالت اضافه (in, -ın, -un, -ün و nin, -nün, -nun, -nün) را می‌توان بعد پیوند ملکی نیز آورد:

babamın adı نام پدرم
arkadaşımın telefonu تلفن دوستم

اما اگر اسم اول فاقد پیوند حالت اضافه باشد در آن صورت نقش توصیف کننده (و نه ملکی) را برای اسم دوم خواهد داشت:

Ankara şehri شهر آنکارا
Hilton oteli هتل هیلتون
Hava alanı فرودگاه
Türkiye Cumhuriyeti جمهوری ترکیه

مثال‌های دیگر:

üniversite profesörleri-i پرفسورهای دانشگاه
Orhan'ın ismi نام اورگان (نقش ملکی)
Nergiz ismi اسم نرگس (نقش وصفی)
sultan Ahmed'in türbesi آرامگاه سلطان احمد (نقش ملکی)
sultan Ahmed türbesi آرامگاه سلطان احمد (نقش توصیف کننده)

| | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| Ebru eşi reza | همسر ابرو رضا |
| Türkiye büyük elçisi | سفیر ترکیه (نقش وصفی) |
| Türkiye'nin büyük şehirleri | شهرهای بزرگ ترکیه (نقش ملکی) |
| Hasan kızı mehtap | دختر حسن مهتاب |
| Muhammetlerin kızı leyla | دختر محمد لیلا |
| İstanbul camileri | مساجد استانبول (نقش وصفی) |
| İstanbul'un tarihî camileri | مساجد تاریخی استانبول (نقش ملکی) |
| suyun birdenbire donma | انجماد ناگهانی آب |
| Türkiye cumhuriyeti seçim kurulu | ستاد انتخاباتی جمهوری ترکیه |
| mahkeme kararı | قرار دادگاه (نقش وصفی) |
| mahkemenin bu kararı | این قرار دادگاه (نقش ملکی) |

۳- حالت تأثیر یا مفعول مستقیم (Yükleme hali)

حالتی است که اسم را در موقعیت پذیرش حرکات و کنشی که از طرف شخص یا چیزی اعمال می‌گردد نشان می‌دهد. افعالی که در این حالت با اسم ایجاد ارتباط می‌کنند، الزاماً از نوع افعال متعدی هستند بنابراین، اسم در حالت تأثیر نقش مفعول صریح را به عهده دارند، مانند: yangın odun-u yaktı (آتش هیزم را سوزاند)، sis dağ-ı bürdü (مه کوه را پوشاند)، Arzu su(yu) içti (آرزو آب (را) خورد).

اسم در حالت تأثیر به سؤالات ? kimi (که را؟)، ? neyi (چه را؟)، ? nereni (کجا را؟) جواب می‌دهد.

اسم در حالت مفعول مستقیم، غالباً با قبول پیوند و بعضاً نیز بدون آن بکار می‌رود. از این لحاظ حالت تأثیر نیز دارای دو حالت معین و نامعین است.

حالت تأثیر معین که اسم در آن با قبول پیوندهای ü, ñ, u, d, i (در اسم‌هایی که به مصوت ختم شده باشد، با دخالت یکی از اصوات کمکی n, y) شرکت می‌کند، حالتی است که در آن موجود تحت تأثیر فعل معلوم و مشخص باشد مانند: sözü sordum (حرف را پرسیدم)، evi süpürdü (خانه را جارو کرد)، onu gördüm (او را دیدم)، elmayı derdi (سیب را چید)، ayı görmüşler (ماه را دیده‌اند). در این مثال‌ها از ev, söz, o, elma و ay معین صحبت شده است.

اسم در حالت تأثیر معین غالباً قبل از خود یکی از کلمات bu (این)، şu (این)، o (او) و غیره را همراه می‌گیرد: bu fikri baştan çıkart (این اندیشه را از سر بدر کن)، o lambayı söndür (آن چراغ را خاموش کن)، şu kapıyı kapat (این در را ببند).

حالت تأثیر نامعین که اسم در آن بدون قبول پیوند شرکت می‌کند، حالتی است که شیئی یا شخص تحت تأثیر فعل نامعین باشد. مانند taş at (سنگ بیانداز)، ders çalış (درس بخوان).

در این دو مثال taş (سنگ) و ders (درس) غیر معین هستند.

مثال:

| | |
|----------|--------------|
| Tahran'ı | تهران را |
| beni | من را |
| kitabı | کتاب را |
| Ebru'yu | ابرو را |
| onu | او را، آن را |
| bunu | این را |

| | |
|-----------------------------------|--|
| Bu gazete-yi çıkarmak zor bir iş. | این روزنامه را منتشر کردن کار سختی است. |
| Evimiz-i یا bizim ev-i kiraladı. | خانه ما را اجاره کرد. |
| Adana'yı gezdik. | آدانا را گشتیم. |
| Hasan'ı hemen tanıdım. | حسن را به سرعت شناختم. |
| Profesör-u selamladı. | پرفسور را سلام کرد. |
| Siz-i ilgilendirmez. | به شما مربوط نمی‌شود. |
| Bu-nu neden yaptın. | این را برای چه انجام دادی. |
| öküz-ü aldı. | گاو نر را گرفت. |
| Kitab-ı okumadım. | کتاب را نخواندم. |
| Mavi kumaşı seçti. | پارچه آبی را انتخاب کرد. |
| İstanbul'u İstanbul yapan budur. | کسی که استانبول را استانبول کرد این است. |
| Sen-i arkadaş sanırdım. | تو را دوست می‌پنداشتم. |

اگر این پیوند به اسامی خاص ملحق شود بین آن‌ها (') گذاشته می‌شود (مانند آنکارا و استانبول در مثال فوق).

۴- حالت گرایش یا مفعول غیر مستقیم (Yönelme hali)

حالتی است که اسم را در حالت کشش و گرایش به فعل نشان می‌دهد. مانند: kuş ağaca kondu (پرنده روی درخت نشست)، çocuk yere düştü (کودک به زمین افتاد). اسم در حالت گرایش نقش مفعول غیر مستقیم را به عهده دارد.

اسم در حالت گرایش به سؤالات kime? (به کی؟)، neye? (به چی؟)، nereye? (به کجا؟) جواب می‌دهد و همواره با پیوند بکار می‌رود.

پیوندهای گرایش -a, -e است. در کلماتی که به صامت ختم می‌شوند -ya, -ye است. مثال:

| | |
|------------|-------------|
| İstanbul'a | به استانبول |
| sana | به تو |
| Ali'ye | به علی |
| paraya | به پول |

| | |
|---------------------------------|--------------------------------------|
| Mektubu Ali'ye gösterdim. | نامه را به علی نشان دادم. |
| Hizmetçi-ye bir palto alacağız. | برای خدمتکار یک پالتو خواهیم خرید. |
| Türkiye'ye döndüler. | به ترکیه برگشتند. |
| Yer-e düştü. | به زمین افتاد. |
| Borc-a batmayalım. | به (در) قرض فرو نرویم. |
| Şişe-yi masa-ya koydu. | بطری را به روی میز گذاشت. |
| Sandalye-ye oturdum. | به روی صندلی نشستم. |
| Bir orman-a gizlendiler. | در یک جنگل مخفی شدند. |
| kız çiçek dermeğ-e çıkıyor. | دختر به (برای) چیدن گل بیرون می‌رود. |
| göz-e göz | چشم برای چشم |
| diş-e diş | دندان برای دندان |
| göz göz-e | چشم تو چشم |
| el el-e | دست تو دست |
| Bunu kaç-a aldın? | این را به چند خریدی؟ |

۵- حالت تخصیص یا مفعول فیه (Bulunma hali)

حالتی است که اسم در آن بر شیئی دلالت دارد که شیئی دیگر در داخل آن قرار داشته باشد مانند: evde satıyorlar (در خانه می‌فروشند)، elinde gördüm (در دستش دیدم).
اسم در حالت تخصیص همواره پیوند می‌پذیرد و به سؤالات kimde? (در کی؟)، neyde? (در چی؟)، nerde? (در کجا؟) جواب می‌دهد.

علامت حالت تخصیص پیوند چهار شکلی -te، -ta، -de، -da است.

مثال:

| | |
|-------------|-------------|
| İstanbul'da | در استانبول |
| sen-de | در تو |
| gazete-de | در روزنامه |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

sokak-ta در خیابان
 Ramazan'da در رمضان
 ihtiyalık-ta در پیروی
 sıhat-ta در صحت و سلامت

ben-de para yok پولی در من نیست. (من پول ندارم)
 5 eylül'de در پنجم سپتامبر
 radyo'da bir konuşma var در رادیو یک گفتگو وجود دارد.
 yumurta şeklin-de bir taş سنگی در (به) شکل تخم مرغ
 kahve rengin-de bir şapka کلاهی در رنگ قهوه‌ای
 on metre uzuluğun-da bir ip طنابی در (به) طول ده متر
 yermi yaşın-da در بیست سالگی
 bu fikir-de değilim در این فکر نیستم.

اگر این پیوند جدا نوشته شود به معنی «هم» است:

ben de من هم
 annem de مادرم هم
 Ankara' da آنکارا هم

این پیوند گاهی اوقات معنای «و» به خود می‌گیرد.

bizi gördü de selam vermedi ما را دید و سلام نداد
 çalışmış da kazanmış کار کرده و برنده شده
 گاهی نیز معنی «اما» می‌دهد.

Öğrencilerin hepsinin adlarını bilmiyorum da yüzleri tanıyorum

اسم تمام دانش آموزان را نمی‌دانم اما چهره‌هایشان را می‌شناسم.

Sen git de ben gelmeyeceğim. تو برو اما من نمی‌آیم.

Ahmet mesajı bulup da yanlış anlamış meğerse.

احمد پیغام را پیدا کرده اما نگو که اشتباه متوجه شده است.

همچنین این پیوند می‌تواند در نقش حرف ربط «که» ظاهر شود:

nasıl oldu da seçilmediniz چطور شد که انتخاب نشدید

ne iyi ettin de geldin چه خوب کردی که آمدی

بعضاً هم در معنای «دیگر» می‌آید:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

niçin sormadın? utandım da
utandım da ondan

برای چی نپرسیدی؟ خجالت کشیدم دیگر
خجالت کشیدم دیگر به این خاطر
سایر مثال‌ها:

misafir gelmez gelmez de, birden gelir
o film çok da güzel imiş
bu söylenti hiç de doğru değil

مهمان نمی‌آید نمی‌آید و به یکباره می‌آید.
آن فیلم خیلی هم قشنگ بوده.
این روایت هیچ هم درست نیست.

۶. حالت انفکاک یا مفعول عنه (Ayrılma hali)

حالتی است که در آن اسم بر خلاف حالت گرایش از فعل منفک می‌شود. اسم در حالت انفکاک همواره پیوند می‌پذیرد و علامت آن پیوند چهار شکلی **-dan**، **-den**، **-tan**، **-ten** است. مانند:

Ağaç-tan düştü.

از درخت افتاد.

Yer-den çıktı.

از زمین رست یا بیرون آمد.

Yoldan ayrıldı.

از راه جدا شد.

پیوندهای **-tan**، **-den** در کلماتی نظیر **birden** (ناگهان) و **çoktan** (از پیش‌تر) با اینکه از نظر شکل شبیه پیوند انفکاک هستند اما از نظر نقش گرامری به کلی با آن فرق داشته و جزو پیوندهای وصفی قید محسوب می‌شوند. حالت انفکاک به سؤالات **kimden?** (از کی؟)، **neden?** (از چی؟)، **nereden?** (از کجا؟) جواب می‌دهد.

| | | | |
|-----------|----------------|-----------|----------------|
| yol-dan | از راه | bülbülden | از بلبل |
| nur-dan | از نور | bir-den | از یک (ناگهان) |
| kız-dan | از دختر | kör-den | از کور |
| çok-tan | از خیلی قبل‌تر | kent-ten | از شهر |
| sabah-tan | از صبح | köpek-ten | از سگ |

همان‌طور که ملاحظه فرمودید اگر آخرین حرف کلمه، صامت خشن (Ç, F, H, K, P, S, Ş, T) باشد از **-tan** و **-ten** استفاده می‌شود. برای نمونه در مثال **köpek** چون آخرین مصوت آن حرف **e** که یک مصوت نرم و آخرین صامت آن حرف **k** که یک صامت خشن است، از پیوند **-ten** استفاده شده است.

مثال‌های دیگر:

Şehir-den ayrıldı.

از شهر جدا شد.

Rağbet-ten düştü.

از رغبت افتاد.

Bu gidiş yerin-den edecek.

این رفتن، او را از جایگاهش دور خواهد کرد.

Bal-dan tatlı

از عسل شیرین‌تر

| | |
|--|--|
| Kıl-dan ince | از مو نازک تر |
| Pencere-den girdi. | از پنجره وارد شد. |
| Hangi yol-dan gidilir? | از کدام راه می شود رفت؟ |
| Sizi telefon-dan arıyorlar. | شما را پای تلفن می خواهند. |
| Haber radyo-dan yayıldı. | خبر از رادیو پخش شد. |
| Hırsız kolun-dan tuttum. | دزد را از بازوهایش گرفتم. |
| kitabı bir yerinden daha açtım. | کتاب را از جای دیگرش باز کردم. |
| İhtiyar böbreklerin-den rahatsızdır. | پیرمرد از کلیه هایش ناخوش است. |
| muvaffakiyet-ten serhoş | از موفقیت سرخوش است. |
| açlık-tan bitkin | از گرسنگی ناتوان است. |
| ne-den | از چه (چرا) |
| o-ndan | از آن (به آن خاطر، به آن سبب) |
| Ondan hoşlanıyorum. | از او (آن) خوشم می آید. |
| Ondan nefret ediyorum. | از او (آن) نفرت دارم. |
| Ondan korkuyordun. | از او (آن) می ترسیدی. |
| Ondan süpheleniyoruz. | به او (آن) شک داریم. |
| İran türkiye'den büyüktür | ایران از ترکیه بزرگ تر است. |
| nylon-dan yapılmış bir balık ağı | نخ ماهیگیری که از نایلون ساخته شده |
| söz gümüş-ten, sükût altın-dan | حرف از نقره، سکوت از طلا |
| Geçen gün öğrencilerden biri yanıma geldi. | روز گذشته یکی از دانش آموزان پیش من آمد. |
| Bu ürünlerden hangisini istediğinizi söyleyin. | بگویید از این محصولات کدام یک را می خواهید. |
| Sudan sebeplerle buradan ayrılıp gitti. | به دلایل بیهوده و پوچ از اینجا جدا شد و رفت. |
| ateş-ten gömlek | پیراهنی از آتش |
| kumşular-dan biri | یکی از همسایه ها |
| Yorgunluk-tan uyuyuverdi. | از خستگی فوراً خوابید. |
| üyeler-den bir kaç | تعدادی از عضوها |
| Bundan iyisi bulunmaz. | بهتر از این پیدا نمی شود. |
| Bu elmaları kaç-tan aldın? | در چه قیمتی این سیبها را خریدی؟ |
| Yarın gece-den yola çıkmayı düşünüyoruz. | ما در فکر این هستیم که از فردا شب راه بیافتیم. |
| O gün öğle-den sonra bulutlar gökyüzünde daha da yığılıyordu | |

| | | | | |
|---------|----------|--------|----------|-------------|
| gemi | کشتی | ana | مادر | حالت آزاد |
| geminin | مال کشتی | ananın | مال مادر | حالت اضافه |
| gemiye | به کشتی | anaya | به مادر | حالت تأثیر |
| gemiyi | کشتی را | anayı | مادر را | حالت گرایش |
| gemide | در کشتی | anada | در مادر | حالت تخصیص |
| gemiden | از کشتی | anadan | از مادر | حالت انفکاک |
| gemiyle | با کشتی | anayla | با مادر | حالت واسطه |

حالات تصریفی کلمه su (آب) به عنوان یک استثنا

| | | |
|-------|--------|-------------------|
| su | آب | حالت آزاد |
| suyun | مال آب | حالت اضافه |
| suya | به آب | حالت تأثیر «به»: |
| suda | در آب | حالت گرایش «را»: |
| sudan | از آب | حالت تخصیص «در»: |
| suyu | آب را | حالت انفکاک «از»: |
| suyla | با آب | حالت واسطه «با»: |

افعال (FİLLER)

افعال کلماتی هستند که حرکات و کنش‌ها را بیان می‌دارند. البته منظور از حرکت و کنش معنی وسیع و همه جانبه آن در نظر است که شامل کلیه اشکال وقوع و حدوث و تغییرات و تبدلات و جنبش‌هایی است که موجودات جاندار و بی‌جان و مادی و معنوی در بستر زمان و مکان از خود بروز می‌دهند و یا به خود می‌پذیرند. فرق اساسی فعل با سایر اقسام کلمه به طوری که هنگام بحث از ساختمان شکلی کلمات نیز اشاره شد، در آنست که کلمات دیگر، یعنی اسم و صفت و قید و ضمیر، نام و یا رمز و علامت شناسایی خود موجودات و اشیا هستند و بنابراین در کلام هم به طور مجرد و هم به شکل قبول پیوند به کار می‌روند، در صورتی که افعال نماینده‌ی حرکات و کنش‌های ناشی از اشیا و اشخاص هستند و بنابراین در کلام عموماً به صورت قبول پیوند و یا به عبارت دیگر به صورت ارتباط با موجودات استعمال می‌شوند، به این ترتیب بررسی افعال در زبان‌ها قبل از هر چیز بررسی آن سلسله از تغییرات و دگرگونی‌ها است که فعل در زمینه‌ی بیان حرکات و کنش‌ها حاصل می‌کند. در زبان ترکی استانبولی، تغییرات فعل در بیان حرکات و کنش‌های موجودات، به صورت الحاق پیوندهای توصیفی و تصریفی به ریشه‌ی فعل انجام می‌پذیرد و خود ریشه از هر نوع تغییری محفوظ می‌ماند. در این زبان ریشه‌ی فعل شکل مجردی است که از نظر ترکیب صوتی معادل صیغه‌ی مخاطب مفرد

است. مانند: al (بگیر، بخر) ، bak (نگاه کن)، gör (بین)، yaz (بنویس)، iste (بخواه)، konuş (صحبت کن) و الی آخر.

افعال پر کاربرد ترکی

| | | | |
|----------|-----------------------|-----------|--------------------|
| açmak | باز کردن | kaybetmek | گم کردن |
| almak | گرفت، خریدن | kırmak | شکستن |
| anlamak | فهمیدن | koymak | گذاشتن |
| aramak | جستجو کردن | konuşmak | صحبت کردن، حرف زدن |
| atmak | انداختن | koşmak | دویدن |
| bakmak | نگاه کردن | kullanmak | بکار بردن |
| başlamak | شروع کردن | okumak | خواندن |
| beğenmek | پسندیدن | olmak | شدن |
| beklemek | انتظار کشیدن | oturmak | نشستن |
| bırakmak | رها کردن | öğrenmek | یاد گرفتن |
| bilmek | دانستن، توانستن | öğretmek | یاد دادن |
| bulmak | یافتن | ölmek | مردن |
| çalışmak | کوشیدن، کار کردن | sanmak | فکر، تصور کردن |
| çekmek | کشیدن | satmak | فروختن |
| çıkmak | بیرون آمدن، بالا رفتن | saymak | شمردن، احترام کردن |
| demek | گفتن | seçmak | انتخاب کردن، گزیدن |
| dinlemek | گوش کردن | sevmek | دوست داشتن |
| durmak | ایستادن | sormak | سؤال کردن، پرسیدن |
| duymak | شنیدن | söylemek | گفتن |
| düşmak | افتادن | tanımak | شناختن |
| düşünmek | فکر کردن | tutmak | گرفتن |
| etmek | کردن | uçmak | پرواز کردن |
| geçmek | گذشتن | unutmak | فراموش کردن |
| gelmek | آمدن | utanmak | خجالت کشیدن |
| getirmek | آوردن | uyanmak | بیدار شدن |
| girmek | داخل شدن، وارد شدن | uyumak | خوابیدن |

| | | | |
|------------|---------------------|-----------|-----------------|
| gitmek | رفتن | vermek | دادن |
| göndermek | فرستادن | vurmak | زدن |
| görmek | دیدن | yapmak | ساختن، کردن |
| hatırlamak | به خاطر آوردن | yaşamak | زندگی کردن |
| içmek | نوشیدن، سیگار کشیدن | yatmak | به رختخواب رفتن |
| işitmek | شنیدن | yazmak | نوشتن |
| kalmak | ماندن | yemek | خوردن |
| kalkmak | برخواستن، بلند شدن | yollanmak | به راه افتادن |
| kapamak | سرپوش گذاشتن، بستن | yürümek | راه رفتن |

اشکال ساختمانی فعل

افعال در زبان ترکی استانبولی از نظر شکل ساختمانی به سه گروه تقسیم می‌شوند: ساده، پیوندی و مرکب.

۱- افعال ساده:

افعالی هستند که از یک ریشه‌ی بسیط تشکیل شده باشند. مانند:

bak-mak (نگاه کردن)، bil-mek (دانستن)، al-mak (گرفتن، خریدن)، gör-mek (دیدن)

۲- افعال پیوندی:

افعالی هستند که با الحاق یک رشته پیوندهای توصیفی به آخر کلمات وصفی یا فعلی ایجاد می‌شوند.

الف- پیوندهایی که با الحاق به آخر کلمات وصفی افعال پیوندی تشکیل می‌دهند به عبارتی دیگر از اسم، فعل می‌سازند.

پیوند دو شکلی -la, -le از پیوندهای بسیار پرحاصل بوده و با الحاق به آخر کلمات وصفی مختلف افعالی مرتبط با مدلول این کلمات به وجود می‌آورد. مانند:

| | |
|---------------|---|
| baş-la-mak | شروع کردن، آغاز کردن |
| destek-le-mek | پایه زدن، پشتیبانی کردن، یاری کردن |
| numara-la-mak | نمره زدن، نمره کردن |
| çelik-le-mek | پرورش دادن گیاهان به وسیله قلمه، قلمه زدن |
| gammaz-la-mak | سخن چینی کردن، تفتین کردن |
| taş-la-mak | سنگ انداختن، سنگ زدن، طعنه زدن |
| el-le-mek | دست زدن، لمس کردن |
| saçma-la-mak | سخن بیهوده گفتن، مزخرف گفتن |

| | |
|---------------|---|
| gece-le-mek | شب به سر آوردن، بیدار ماندن تا سحر |
| selâm-la-mak | سلام کردن، سلام و خوش آمد گفتن |
| üf-le-mek | فوت کردن، دمیدن، خاموش کردن، نی زدن، دمیدن |
| yara-la-mak | زخمی کردن |
| saykal-la-mak | صیقلی کردن |
| hafif-le-mek | سبک شدن، آسان شدن |
| karar-la-mak | تخمین زدن، حساب تقریبی کردن |
| aya-la-mak | به کف گرفتن، به کف آوردن |
| nokta-la-mak | نقطه گذاری کردن، علامت گذاری کردن |
| sap-la-mak | کارد یا خنجر به بدن کسی فرو بردن، نصب کردن، نشانیدن |
| çın-la-mak | صدای ناقوس درآوردن، ناقوس زدن |

پیوند دو شکلی -laş, -leş با الحاق به آخر یک رشته از کلمات وصفی افعالی با مفهوم تغییر حالت تشکیل می‌دهد. مانند:

| | |
|----------------|--|
| ağır-laş-mak | سنگین شدن، متین شدن |
| bir-leş-mek | متحد شدن، متفق شدن |
| dert-leş-mek | همدردی کردن، راز دل بهم گفتن |
| çocuk-laş-mak | بچه شدن، مثل بچه رفتار کردن |
| ant-laş-mak | عهد بستن، پیمان بستن، سوگند خوردن، پیمان نامه را امضا کردن |
| iyi-leş-mek | خوب شدن، سالم شدن، بهبود یافتن |
| koyu-laş-mak | غلیظ شدن، شدید پر شدن، رنگ شدن |
| güzel-leş-mek | زیبا شدن، قشنگ گشتن |
| karar-laş-mak | مقرر شدن، قرار گذاشته شدن |
| derin-leş-mek | عمیق شدن، گود شدن |
| yakın-laş-mak | نزدیک شدن، مناسبت حاصل شدن |
| kalın-laş-mak | کلفت یا ضخیم شدن، غلیظ شدن |
| güç-leş-mek | سخت شدن، مشکل شدن |
| selâm-laş-mak | به همدیگر سلام و علیک گفتن |
| çirkin-leş-mek | زشت شدن، بدقیافه شدن |
| karşı-laş-mak | برخوردن، راست آمدن، روبرو شدن |
| aksi-leş-mek | بر عکس شدن، متغیر شدن، عناد ورزیدن |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|----------------|--------------------------------------|
| kötü-leş-mek | به حال بدی افتادن، بدن شدن، خراب شدن |
| kör-leş-mek | از کار افتادن، کور شدن |
| haber-leş-mek | مخابره کردن، مکاتبه کردن |
| mektup-laş-mak | مکاتبه، نامه نگاری |

پیوند دو شکلی -lan, -len- با الحاق به آخر کلمات وصفی افعالی با مفهوم تغییر کمیت و کیفیت به وجود می‌آورد.
مانند:

| | |
|----------------|--|
| can-lan-mak | جان گرفتن، به فعالیت افتادن |
| kabul-len-mek | قبول شدن، مورد قبول قرار گرفتن |
| gam-lan-mak | غمگین شدن، غصه خوردن |
| şeref-len-mek | مشرف شدن، شرف و آبرو یافتن |
| ev-len-mek | ازدواج نمودن، متأهل شدن |
| çiçek-len-mek | گل کردن، گل بستن، آبله شدن |
| kabuk-lan-mak | پوست بستن، پوست گرفتن، پوسته پوسته شدن |
| alev-len-mek | شعله‌ور شدن، عصبانی شدن |
| yara-lan-mak | زخمی شدن |
| sap-lan-mak | فرو رفتن کارد یا خنجر به بدن کسی، نصب شدن، نشستن |
| dert-len-mek | دردناک شدن، متأثر شدن، متأسف شدن |
| güç-len-mek | قوی شدن، مقتدر شدن، زور پیدا کردن |
| dalga-lan-mak | موج زدن، به اهتزاز در آمدن، موج آمدن |
| aksi-len-mek | بر عکس شدن، غیر از موارد اصلی بودن |
| kuvvet-len-mek | قوت گرفتن، تقویت شدن |
| ilgi-len-mek | علاقمند شدن، توجه پیدا کردن |
| kapak-lan-mak | بند شدن پا و لغزیدن، سکندری رفتن، زمین خوردن |
| bilinç-len-mek | با شعور شدن، آگاه شدن |
| karşı-lan-mak | استقبال شدن |

پیوند دو شکلی -al, -el- با الحاق به آخر یک رشته از صفات، افعالی تشکیل می‌دهد و معنی «شدن» می‌دهد که برای بیان تغییرات به کار می‌رود. مانند:

| | |
|------------|-----------------------|
| sağ-al-mak | سالم شدن، بهبود یافتن |
| dar-al-mak | تنگ شدن |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

kör-el-mek کم نور شدن، کند شدن
 yön-el-mek به جهتی متوجه شدن، توجه کردن
 boş-al-mak خالی شدن، تخلیه شدن، ارضاء شدن

پیوند چهار شکلی -i, -ı, -u, -ü, -1, که به آخر یک رشته از صفات الحاق می‌یابد. امروزه کاربردش از بین رفته و فقط در چند کلمه دیده می‌شود مانند:

şak-ı-mak چهچهه زدن، صدای چهچهه بلبل درآوردن
 taş-ı-mak حمل کردن، حمل نقل کردن، انتقال دادن
 ac-ı-mak ۱-دل سوختن، درد کردن، سوزناک گشتن ۲-تلخ شدن، به تلخی گراییدن ۳-متأسف شدن، شریک غم و رنج دیگری شدن

پیوند سه شکلی -ar, -er, -r مانند:

baş-ar-mak موفق شدن، از عهده بر آمدن
 mor-ar-mak کیود شدن، بنفش شدن
 kara-r-mak ۱-سیاه شدن، تاریک شدن ۲-خاموش شدن
 yeş-er-mek سبز شدن، روییدن، برگ دادن
 yaş-ar-mak مرطوب شدن، تر شدن، اشک به چشم آوردن، نمناک شدن
 gö (gök) er-mek (göğermek) سبز شدن، روییدن، کیود شدن
 boz-ar-mak کم رنگ شدن، رنگ باختن

پیوند دو شکلی -a, -e مانند:

yaş-a-mak زیستن، زندگی کردن، عیش کردن
 kan-a-mak خون آمدن، خون بند نیامدن
 tün-e-mek در جای بلند قرار دادن
 tür-e-mek تولید شدن، ظاهر شدن، به وجود آمدن
 uzun: uz-a-mak دراز شدن، طول کشیدن
 oyun: oyn-a-mak بازی کردن، رقصیدن، تکان خوردن

پیوند دو شکلی -sa, -se کاربردى نیست و فقط در چند کلمه دیده می‌شود مانند:

benim-se-mek تصاحب کردن، مال خود شمردن
 su-sa-mak تشنه شدن، به چیزی میل شدید داشتن

garip-se-mek چیزی را عجیب و غریب تلقی کردن، احساس غریبی کردن
mühim-se-mek اهمیت دادن، مهم شمردن

پیوند دو شکلی -de , -da از اسامی که برای تقلید صدا در طبیعت بکار برده می‌شود، فعل می‌سازد. مانند:

gümbür-de-mek مردن، از بین رفتن
takır-da-mak صدای «تق تق» در آوردن
hırıl-da-mak خر خر کردن، خس خس کردن (سینه)
hışırl-da-mak خش خش کردن
inil-de-mek ناله کردن
şırırl-da-mak صدای «شر شر» کردن آب که به زمین می‌ریزد
uğul-da-mak صدای غرش، پیچیدن صدا در گوش، صدای غرش چیزی در گوش
fısır-da-mak صدای خش خش در آوردن پارچه یا لباس

پیوند چهار شکلی -kır, -kır, -kur, -kür که از انعکاس‌ها فعل می‌سازد. مانند:

püs-kür-mek پاشیدن، اسپری، افشاندن
hay-kır-mak نعره کشیدن، جیغ کشیدن، فریاد کردن
fis-kır-mak جهیدن، جستن، بیرون پریدن
fiş-kır-mak پاشیدن، جهیدن
hıç-kır-mak سکسکه کردن، هکچه زدن

ب- پیوندهایی که با الحاق به آخر ریشه‌ها و اشکال فعلی، افعال پیوندی به وجود می‌آورند.
نقش اساسی این پیوندها در الحاق به ریشه‌ها و اشکال فعلی تشکیل انواع مختلف فعل از نظر مفهوم و مدلول است.
بنابراین بهتر خواهد بود که از این پیوندها در چهارچوب انواع فعل نام برده شود.

۳- افعال مرکب:

فعل‌های مرکب فعل‌هایی که از یک کلمه با یک فعل ساده ساخته می‌شوند و مجموعاً معنی واحدی را می‌رساند؛ مانند:
namaz kılmak (نماز خواندن) ، iyi olmak (خوب شدن). جزء غیر صرفی در این قبیل فعل‌ها در حکم جزء صرفی است و از این رو نقش نحوی در جمله ندارد. اگر جزء غیر صرفی، نقش مشخصی داشته باشد و از مجموع جزء غیر صرفی و صرفی یعنی فعل ساده، دو معنی حاصل شود، مجموع آن دو را نمی‌توان فعل مرکب نامید؛ مانند: ev yaptım (خانه ساختم)، که ev (خانه) مفعول yaptım (ساختم) است و مجموع آن دو، فعل مرکب نیست. با این

همه، در کتاب‌های لغت، بسیاری از ترکیبات فعلی، مخصوصاً ترکیباتی که جزء صرفی یا غیر صرفی یا هر دو معنای مجازی دارد، فعل مرکب دانسته شده است.

افعال مرکب با اینکه در نگارش سوا نوشته می‌شوند، با وجود این وحدت مفهوم این افعال را به صورت عناصر واحدی در می‌آورد که هر نوع پیوند توصیفی و تصریفی به انتهای آن الحاق می‌شود و طرف اول از هر نوع تغییرات برکنار می‌ماند.

افعال مرکب در زبان ترکی استانبولی به دو طریق ۱- به طریق به هم پیوستن دو یا چند کلمه از انواع کلمات با یکی از افعال معین ۲- به طریق همراهی فعل با فعل مکمل تشکیل می‌گردد.

۱- تشکیل افعال مرکب به طریق به هم پیوستن دو یا چند کلمه از انواع کلمات با یکی از افعال کمکی:

از افعال کمکی که در تشکیل این نوع افعال مرکب نقش درجه اول دارند به عنوان نمونه می‌توان *olmak* (شدن، بودن، گردیدن، گشتن) ، *etmek* (کردن، نمودن)، *bulmak* (یافتن، پیدا کردن)، *buyurmak* (فرمودن)، *eylemek* (کردن، نمودن)، *kılmak* (کردن، انجام دادن، بجا آوردن)، *yapmak* (کردن، نمودن، ساختن، اجرا کردن، بنا کردن) را نام برد. هر یک از افعال کمکی، نوع خاصی از افعال مرکب را به وجود می‌آورند که معنی آن از آمیزش مفهوم فعل با مدلول کلمه یا کلماتی که بر فعل مقدم است، ناشی می‌شود. کلماتی که در افعال مرکب بر فعل کمکی تقدم می‌جویند، ممکن است دارای شکل ساده، پیوندی، مرکب، گروه کلمات و همچنین کلماتی در حالت قبول پیوندهای تصریفی باشند. مثال:

| | | | |
|-----------------------|-------------|------------------------|-------------|
| <i>akın etmek</i> | روان کردن | <i>dikkat buyurmak</i> | دقت فرمودن |
| <i>göç etmek</i> | کوچ کردن | <i>namaz kılmak</i> | نماز خواندن |
| <i>kul olmak</i> | بنده شدن | <i>icra kılmak</i> | اجرا کردن |
| <i>mecbur olmak</i> | مجبور شدن | <i>doğum yapmak</i> | زایمان کردن |
| <i>son bulmak</i> | پایان یافتن | <i>hesap yapmak</i> | حساب کردن |
| <i>kabul buyurmak</i> | قبول فرمودن | <i>naz etmek</i> | ناز کردن |

۲- تشکیل افعال مرکب به طریق همراهی فعل با فعل مکمل :

منظور از فعل مکمل فعلی است که جلوتر از فعل اصلی بیاید و معنی آنرا تکمیل کند. در این حالت فعل مرکب معنی خاصی حاصل نمی‌کند و تنها مفهوم آن از نظر استقامت تکمیل می‌گردد و حرکت و کنش در افعالی به شکل جاندارتر و گویاتر بیان می‌شود. علامت این نوع فعل مرکب پیوند چهار شکلی *-ib, -ib, -ub, -üb* (در افعالی که اساس آن‌ها به حرف صدادار ختم می‌شود با دخالت حرف *y*) است. مانند :

| | |
|-------------------------|----------------------|
| <i>sarıp solmak</i> | زرد شدن و پژمردن |
| <i>gelip gitmek</i> | رفتن و آمدن |
| <i>düşünüp konuşmak</i> | فکر کردن و صحبت کردن |

yanıp kül olmak
tutuşup yanmak

سوختن و خاکستر شدن
شعله ور شدن و سوختن

انواع فعل از نظر مدلول و معنی

افعال در زبان ترکی استانبولی از نظر مفهوم و مدلول دارای انواع لازم، متعدی، ارجاع، اجبار و مشارکت است. تعیین نوع افعال بعضاً از روی مدلول خود فعل و در مواردی نیز به وسیله‌ی پیوندهای نوع که به اساس فعل الحاق می‌یابد، مشخص می‌گردد.

۱- افعال لازم یا ناگذر (Geçişsiz Fiiller)

افعالی هستند که به داشتن فاعل اکتفا می‌کنند. در این افعال جهت حرکت و کنش به داخل و به سوی خود فاعل معطوف بوده و علت اطلاق عنوان ناگذر به این دسته از افعال نیز به همین سبب است. در زبان ترکی استانبولی نوع افعال لازم اعم از اینکه فعل از نظر ساختمانی ساده باشد مانند: akmak (جاری شدن)، azmak (مست شدن، محتلم شدن)، itmek (هل دادن)، esmek (وزیدن)، dolmak (پر شدن)، durmak (ایستادن) و یا پیوندی مانند: yaralanmak (زخمی شدن)، iyileşmek (خوب شدن)، bozarmak (رنگ باختن)، daralmak (تنگ شدن) و یا مرکب مانند: el çekmek (دست کشیدن)، uyku görmek (خواب دیدن)، bel bağlamak (کمر بستن)، el tutmak (دست گرفتن) و امثال آن از نظر مدلول خود فعل تعیین می‌گردد.

۲- افعال متعدی یا گذر (Geçişli Fiiller)

افعالی هستند که به داشتن فاعل اکتفا نکرده و خواستار مفعول هستند. در این افعال جهت حرکت و کنش به خارج و به سوی کسی یا چیزی است که مفعول یا متمم خوانده می‌شود. افعال متعدی در زبان ترکی استانبولی مانند بسیاری از زبان‌ها به دو نوع معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند. در افعال متعدی معلوم، فاعل فعل معلوم است. مانند: Meryem elmayı kopardı. (مریم سیب را چید) ولی در افعال متعدی مجهول فاعل نامعلوم است. مانند: elma koparıldı (سیب چیده شد). نوع افعال متعدی معلوم نیز اعم از این که فعل از نظر ساختمانی ساده باشد و یا پیوندی از مدلول خود فعل به دست می‌آید.

علامت نوع افعال متعدی مجهول پیوند چهار شکلی -ül, -ul, -il, -ıl (در افعالی که به l ختم می‌شوند -in, -ün, -un, -ün) است. مانند:

| | | | |
|--------|------------|----------|----------------|
| sevmek | دوست داشتن | sevilmek | دوست داشته شدن |
| almak | گرفتن | alınmak | به خود گرفتن |
| silmek | پاک کردن | silinmek | پاک شدن |
| bölmek | تقسیم کردن | bölünmek | تقسیم شدن |

۳- افعال ارجاع (Dönüşlü Fiiller)

افعالی هستند که به اجرای حرکت و کنش درباره‌ی خود فاعل دلالت می‌کنند. مانند: yıkanmak (استحمام کردن، خود را شستن)، sevinmek (خوشحال شدن).

علامت نوع افعال ارجاع پیوندهای -ül, -ul, -il, -ıl و یا -ün, -un, -in, -ın است. مانند:

| | | | |
|---------|-----------|----------|---------------------------|
| soymak | لخت کردن | soyunmak | لخت شدن |
| yaymak | پهن کردن | yayılmak | پهن شدن |
| bakmak | نگاه کردن | bakılmak | اطراف را نگاه کردن |
| taramak | شانه کردن | taranmak | خود را شانه زدن، شانه شدن |

به طوری که ملاحظه می‌شود علامت‌های نوع مجهول و ارجاع در مواردی شبیه یکدیگر هستند که در این موارد تشخیص نوع فعل از روی معنی آن میسر خواهد بود. مثلاً در جمله‌ی cam silindi (شیشه پاک شد) فعل silindi (پاک شد) از نوع مجهول است زیرا فاعل آن معلوم نیست. ولی در جمله‌ی gül sevindi (گل خوشحال شد) کلمه‌ی gül (گل) در مقام فاعلی است که فعل sevindi (خوشحال شد) به آن ارجاع شده است.

۴- افعال اجبار (Ettirgen Fiiller)

به افعالی اطلاق می‌شود که در آن‌ها حرکت و کنش به خواست و هدایت شخص به وسیله‌ی شخص ثانی اجرا می‌شود. مانند: yazdırmak (نویساندن)، okutmak (به خواندن واداشتن، وسایل تحصیل کسی را فراهم کردن). در افعال اجبار، فاعل کسی یا چیزی نیست که کار انجام می‌دهد بلکه فاعل کسی یا چیزی است که وادار به انجام کاری می‌کند. علامت نوع اجبار پیوند هشت شکلی -tür, -tur, -tır, -tir, -dür, -dur, -dır, -dir (بعد از مصوت -t) است که به اساس فعل اضافه می‌شود.

Ali Bey, gömlüklerini her zaman kızına ütületir. (ettirgen)

فاعل مفعول فعل

علی آقا، همیشه پیراهن‌هایش را می‌دهد دخترش اتو کند. (اجبار)

در مثال بالا با آوردن پیوند -t بر سر فعل -ütüle (اتو کردن) که یک فعل متعددی است، درجه متعددی آن افزایش داده شده است. در فعل ütöletmek (دادن اتو کردن) مفهوم انجام کار توسط دیگری وجود دارد. در این جمله فاعل، کسی که کار انجام می‌دهد، نیست، بلکه کسی که وادار به انجام کار می‌کند، است. علی آقا عمل اتو کردن را خودش انجام نمی‌دهد، او انجام این عمل را به دخترش واگذار می‌کند و می‌دهد او اتو کند. فعل ütöletmek با نظر به مفعول خود یک فعل اجبار است.

Arzu, hasta annesine evin bütün camlarını sildirmiş. (ettirgen)

فاعل مفعول فعل

آرزو، برای مادر بیمارش تمام شیشه‌های خانه را پاک کرده. (اجبار)

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

در این جمله با آوردن پیوند **-dir** بر سر فعل **-sil** (پاک کردن) که یک فعل متعددی است، درجه متعددی آن افزایش داده شده است. در فعل **sildirmek** (پاک کردن به وسیله دیگری) مفهوم انجام کار توسط دیگری وجود دارد. در این جمله فاعل، کسی که کار انجام می‌دهد، نیست، بلکه کسی که وادار به انجام کار می‌شود، است. آرزو برای خودش شیشه‌ها را پاک نمی‌کند، او برای مادرش پاک می‌کند بنابراین انجام این کار از طرف مادر به دختر واگذار شده است. به همین سبب فعل **sildirmek** با نظر به مفعول خود یک فعل اجبار است.

Çocuklardan birine gazete **aldırdım**. دادم یکی از بچه‌ها برایم روزنامه گرفت.

Valizleri bir hamala **taşıtmış**. چمدان‌ها را به وسیله یک حامل حمل کرده.

Çürük dişini acemi bir dişçiye **çektirmiş**.

دندان پوسیده‌اش را توسط یک دندان پزشک ناشی کشیده.

Saçını her zaman kısacık kestirir. موهایش را هر زمان خیلی کم کوتاه می‌کند.

Şeyda, kendisine laf atan adamı ağabeyine **dövdürmüştü**.

شیدا، مردی که به او تیکه انداخته بود را داده آقا داداشش کتک زده.

۵- افعال سببی (Oldurgan Fiiller)

افعال لازم پس گرفتن پیوندهای **-İr, -t, -DİR** می‌توانند قبول مفعول کنند. در نتیجه به افعالی که در اصل لازم هستند و فقط با اضافه شدن پیوند می‌توانند قبول مفعول کنند، افعال سببی می‌گویند. نکته: در بحث قبول مفعول فرقی ما بین افعال متعددی و افعال سببی وجود ندارد، به عبارتی هر دو می‌توانند قبول مفعول کنند.

چه تفاوتی میان افعال سببی با افعال متعددی وجود دارد؟

افعال متعددی از بدو پیدایش بدون آنکه نیازی به پیوندی داشته باشند توانایی پذیرش مفعول را دارا می‌باشند؛ اما افعال سببی در اصل افعال لازم هستند و پس از قبول پیوندهای **-İr, -t, -DİR** می‌توانند قبول مفعول کنند.

| | | | |
|---|-------------------|-------------|--------------------|
| oyynamak | بازی کردن، رقصیدن | oynatmak | بازی دادن، رقصاندن |
| gülmek | خندیدن | güldürmek | خندانند |
| ölmek | مردن | öldürmek | کشتن |
| barışmak | آشتی کردن | barıştırmak | آشتی دادن |
| همچنین علامت چهار شکلی -ür, -ur, -ir, -ır مانند: | | | |
| içmek | نوشیدن | içirmek | نوشاندن |
| kaçmak | فرار کردن | kaçırmak | فراری دادن |
| batmak | غرق شدن | batırmak | غرق کردن |

Genç polis ve annesi otobüsün kapısında hasretle **kucaklaştılar.** (işteş)

فاعل

فعل

پلیس جوان و مادرش، در جلوی درب اتوبوس با حسرت همدیگر را در آغوش گرفتند. (مشارکت)
در این مثال حرکت و کنشی که انجام شده، **kucaklaşmak** (همدیگر را به آغوش کشیدن) است. عمل به آغوش کشیدن (**kucaklama işi**) توسط بیش از یک فاعل (پلیس جوان و مادرش) هم زمان و به صورت متقابل (پلیس جوان، مادرش را بغل کرد؛ مادر، بچه‌اش را بغل کرد) صورت گرفته است. به همین سبب فعل **kucaklaşmak** با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان‌ی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **kucakla-** (بغل کردن، به آغوش کشیدن) پیوند **-ş** آورده شده است.

Yaşlı başlı adamlar çocuk gibi yol ortasında saatlerce **dövüştüler.** (işteş)

فاعل

فعل

مردان گنده (سن و سال دار)، مثل بچه‌ها تو راه ساعت‌ها با هم دعوا کردند. (مشارکت)
در این مثال حرکت و کنشی که انجام شده، **dövüşmek** (دعوا کردن، با دیگری زد و خورد کردن) است. عمل زدن و کوبیدن (**dövme işi**) توسط بیش از یک فاعل (مردان گنده، چند مرد بزرگ سال) هم زمان و به صورت متقابل (یکی به دیگری مشت و چک و لگد می‌زند؛ سپس دیگری مشت و چک و لگد می‌زند) صورت گرفته است. به همین سبب فعل **dövüşmek** با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان‌ی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **döv-** (زدن، کوفتن، کوبیدن) پیوند **-üş** آورده شده است.

Eşimle ben hemen her konuda çok iyi **anlaşırız.** (işteş)

فاعل

فعل

من و همسرم فوراً در هر موضوعی خیلی خوب به تفاهم می‌رسیم. (مشارکت)
در این مثال حرکت و کنشی که انجام شده، **anlaşmak** (به تفاهم رسیدن، همدیگر را فهمیدن، پیمان بستن، عقد قرار داد، قرار و مدار گذاشتن) است. عمل فهمیدن و درک کردن (**anlama işi**) توسط بیش از یک فاعل (من و همسرم) هم زمان و به صورت متقابل (همسرم مرا می‌فهمد، در قبال من از خودش درک و فهم نشان می‌دهد؛ من هم همسرم را می‌فهمم، در قبال همسرم از خودم درک و فهم نشان می‌دهم) صورت گرفته است. به همین سبب فعل **anlaşmak** با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان‌ی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل **anla-** (زدن، کوفتن، کوبیدن) پیوند **-ş** آورده شده است.

Patronla işçiler sürekli **şakalaşırlar.** (işteş)

فاعل

فعل

کارگران و رییس مدام با هم شوخی می‌کنند. (مشارکت)

در این جمله حرکت و کنشی که انجام شده، *şakalaşmak* (با هم شوخی کردن، با یکدیگر مزاح کردن) است. عمل مزاح کردن (*şakalaşma işi*) توسط بیش از یک فاعل (رییس و کارگران) هم زمان و به صورت متقابل (رییس با کارگزارانش شوخی می‌کند؛ کارگران هم با رییس شوخی می‌کنند) صورت گرفته است. به همین سبب فعل *şakalaşmak* با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم *-şaka* (شوخی، مزاح) پیوند *-laş* آورده شده است.

Doktor, hastasıyla bir süre dertleşti. (işteş)

فاعل

فعل

دکتر با بیمارش مدتی همدردی کرد. (مشارکت)

در این جمله حرکت و کنشی که انجام شده، *dertleşmek* (همدردی کردن، راز دل به هم گفتن) است. عمل همدردی (*dertleşme işi*) توسط بیش از یک فاعل (دکتر و بیمارش) هم زمان و به صورت متقابل (دکتر به بیمارش دردش را می‌گوید، سفره‌ی دل خود را برای او باز می‌کند؛ بیمار هم دردش را به دکتر می‌فهماند، سفره‌ی دلش را برای او باز می‌کند) صورت گرفته است. به همین سبب فعل *dertleşmek* با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم مقابله به مثل را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم *-dert* (درد، مرض، غصه، مشکل، اندوه) پیوند *-laş* آورده شده است.

۲- افعالی که مفهوم همکاری در خود دارند

افعالی هستند که توسط بیش از یک فاعل، هم زمان و با هم (در یک جهت و نه در جهت عکس و تقابل) ساخته می‌شوند:

Odanın penceresine konan kuşlar ötüşüyor. (işteş)

فاعل

فعل

پرندehایی که کنار پنجره‌ی اتاق لانه کردند با هم می‌خوانند. (مشارکت)

در این مثال عمل آواز خواندن (*ötme işi*) توسط بیش از یک فاعل (پرنده‌ها) هم زمان و با هم در حال انجام شدن است. به همین سبب فعل *ötüşmek* (با هم آواز خواندن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم همکاری را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل *-öt* (آواز خواندن، نغمه) پیوند *-üş* آورده شده است.

Deprem anında herkes dışarı kaçıştı. (işteş)

فاعل

فعل

در لحظه‌ی وقوع زلزله همه با هم به بیرون فرار کردند. (مشارکت)

در این مثال عمل گریز و فرار (*kaçma işi*) توسط بیش از یک فاعل (همه) هم زمان و با هم در حال انجام شدن است. به همین سبب فعل *kaçışmak* (همه با هم گریختن، همه با هم فرار کردن یا دویدن) با نظر به فاعل خود،

فعلی است که مفهوم همکاری را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل -kaç (فرار کردن، گریختن) پیوند 1-Ş آورده شده است.

Boğulan gencin yakınları ağlaşıyorlar. (işteş)

فاعل فعل

نزدیکان جوانی که خفه شده دارند با هم گریه می‌کنند. (مشارکت)

در این جمله عمل گریه (ağlama işi) توسط بیش از یک فاعل (نزدیکان جوان خفه شده) هم زمان و با هم در حال انجام شدن است. به همین سبب فعل ağlaşmak (با هم گریستن، با هم عزاداری کردن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم همکاری را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل -ağla (گریه کردن، گریستن) پیوند ۱-Ş آورده شده است.

Asansörde kalan çocuklar bağıştılar. (işteş)

فاعل فعل

بچه‌هایی که در آسانسور گیر کرده بودند باهم فریاد زدند. (مشارکت)

در این جمله عمل داد زدن، فریاد کشیدن (bağırma işi) توسط بیش از یک فاعل (بچه‌های حبس شده در آسانسور) هم زمان و با هم در حال انجام شدن است. به همین سبب فعل bağırmak (با هم داد زدن، با هم فریاد کشیدن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم همکاری را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر فعل -bağır (داد زدن، فریاد کشیدن) پیوند 1-Ş آورده شده است.

۳-افعالی که مفهوم برابری وصفی را در خود دارند

از الحاق پیوند دو شکلی -laş, -leş به آخر یک رشته از کلمات وصفی، افعالی با مفهوم تغییر حالت به وجود می‌آید:

Son birkaç yılda saçım tamamen beyazlaştı. (işteş)

فاعل فعل

در این سال‌های اخیر موهایم کلاً سفید شد. (مشارکت)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (موی سیاه) به یک حالت وصفی دیگر (موی سفید) است. فعل beyazlaşmak (سفید شدن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمانی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم -beyaz (سفید) پیوند -laş آورده شده است.

Güneşte fazla kaldığın için yüzün iyice esmerleşmiş. (işteş)

فاعل فعل

به خاطر اینکه زیاد در آفتاب مانده‌ای صورتت به خوبی سبزه شده. (مشارکت)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (بدن سفید) به یک حالت وصفی دیگر (بدن سبزه) است. فعل esmerleşmek (سبزه شدن) با نظر به فاعل

خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان‌ی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم **esmer-** (سبزه) پیوند **-leş** آورده شده است.

Güneşte fazla kaldığın için yüzün iyice esmerleşmiş. (işteş)

فاعل فعل

به خاطر اینکه زیاد در آفتاب مانده‌ای صورتت به خوبی سبزه شده. (مشارکت)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (بدن سفید) به یک حالت وصفی دیگر (بدن سبزه) است. فعل **esmerleşmek** (سبزه شدن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان‌ی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم **esmer-** (سبزه) پیوند **-leş** آورده شده است.

Kürek ve kazma tutmaktan elleri nasırlaşmıştı. (işteş)

فاعل فعل

از گرفتن بیل و کلنگ دست‌هایش پینه بسته بود. (مشارکت)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (یک دست نرم و پینه نبسته) به یک حالت وصفی دیگر (دست پینه بسته) است. فعل **nasırlaşmak** (پینه بستن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان‌ی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم **nasır-** (پینه) پیوند **-laş** آورده شده است.

(Ben) Son günlerde biraz halsizleştim. (sesteş)

فاعل مستتر فعل

(من) در روزهای اخیر کمی بی حال شدم. (هم صدایی)

در این مثال چیزی که می‌خواهد فهمانده شود؛ انجام فعلی توسط بیش از یک فاعل نیست، مفهوم گذشتن از یک حالت وصفی (انسان سر حال و توانا) به یک حالت وصفی دیگر (انسان بی حال و رمق) است. فعل **halsizleşmek** (بی حال شدن) با نظر به فاعل خود، فعلی است که مفهوم برابری وصفی را در خود دارد. همچنین زمانی که از نظر شکل ساختمان‌ی به فعل نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که بر سر اسم **halsiz-** (بی حال) پیوند **-leş** آورده شده است. نکته: در بعضی از فعل‌ها حرف **ş** را نمی‌توانیم با توجه به قواعد گرامری تفکیک کنیم، به بیان صحیح‌تر نمی‌توانیم به آن مانند یک پیوند نگاه کنیم. با این وجود حس می‌شود که این تیپ از افعال از جهت مفهوم افعال مشارکتی قوی هستند.

güreşmek

کُشتی گرفتن

savaşmak

جنگ کردن، دعوا کردن

barışmak

آشتی کردن، صلح کردن

yarışmak

مسابقه گذاشتن، رقابت کردن، در مسابقه شرکت کردن

kavuşmak

به هم رسیدن، متصل شدن، واصل شدن، پیوستن

konuşmak

صحبت کردن، حرف زدن

Turnuvadaki sporcular gayet centilmence yarıştılar.

ورزشکاران حاضر در مسابقه بین دو تیم، در اوج جوانمردی با هم رقابت کردند.

در این جمله فعل yarışmak است. بیایید سعی کنیم تا این فعل را از نظر ریشه و پیوند تفکیک کنیم. فعل

yarışmak از آوردن پیوند 1-ş- بر سر کلمه yar (یار، معشوق، معاون، جای بریدگی، کمک) و یا از آوردن پیوند ۱- بر

سر کلمه yar (نصف، نیم، نیمه) به وجود نیامده است. زیرا دو کلمه yar و yar (کوچکترین ارتباط معنایی با فعل

yarışmak ندارند. فعل yarışmak هر چقدر هم که از نظر مفهوم، فعل مشارکتی به نظر برسد به این خاطر که با

پیوند 1-ş- ساخته نشده است فعل مشارکتی به حساب نمی آید.

البته در زبان ترکی استانبولی همه ی افعال برای تشکیل انواع مختلف فعل استعداد و آمادگی ندارند. عده ی کثیری از

افعال می توانند به تمام یا قسمتی از انواع انطباق پیدا کنند مثلاً فعل görmek (دیدن) واجد تمام انواع فعل است:

görmek

دیدن، ملاقات کردن، مشاهده کردن

gör-ül-mek

دیده شدن، ملاحظه یا مشاهده شدن

gör-ün-mek

خود را نشان دادن، دیده شدن، زهر چشم گرفتن

gör-dür-mek

وادار به انجام دادن کاری، کاری را به وسیله کسی به انجام رساندن

gör-üş-mek

دیدار کردن، ملاقات کردن

در حالی که برخی از افعال مانند gelmek (آمدن) تنها یک نوع - نوع معلوم فعل - است.

یک فعل در عین حال می تواند خصوصیت و مدلول چند نوع را در خود جمع کند مثلاً فعل öldürülmek (کشته

شدن) نوع اجبار مجهول، görüş-türmek (ملاقات کردن) نوع مشارکت اجبار و koparılmak (چیده شدن) نیز

نوع اجبار مجهول است.

پیوند نفی

افعال در عین حال که به جریان وقوع و حدوث حرکات و کنشها دلالت می کنند، می توانند حاکی از جریان عدم وقوع

و یا حدوث آنها نیز باشند. فعل وقتی جریان وقوع یا حدوث حرکت و کنش را بازگو کند، در حالت مثبت یا تصدیق و

هر گاه حاکی از عدم وقوع یا حدوث آن باشد، در حالت نفی یا انکار خواهد بود.

علامت نفی افعال در زبان ترکی استانبولی پیوند دو شکلی -ma, -me- است که به آخر انواع فعل افزوده می شود.

مانند:

gör-me

نبین

sev-me

دوست نداشته باش

git-me

نرو

kop-ar-ma

نکن

| | | | |
|-----------|------------|-----------|------------|
| bil-me | ندان | çık-ma | خارج نشو |
| kal-ma | نمان | tut-ma | نگیر |
| bekle-me | منتظر نمان | sil-in-me | پاک نشو |
| gör-ül-me | دیده نشو | gör-üş-me | ملاقات نکن |

در افعال منفی تکیه همواره روی هجای قبل از علامت نفی قرار می‌گیرد. هرگاه تکیه بر روی علامت نفی کشیده شود کلمه از حالت فعل خارج می‌گیرد و مفهوم اسم فعلی به خود می‌گیرد.

اشکال تصریفی فعل

افعال در زبان، قبل از هر چیز ابزار بیان حرکات و کنش‌ها و حالات هستند. جریان وقوع یا حدوث کنش‌ها و حرکات و حالات از طرف موجودات به صورت و اشکال گوناگون و در زمان‌های مختلف و به وسیله‌ی اشخاص و اشیا مختلف انجام می‌گیرد. منظور از اشکال تصریفی فعل، کلیه‌ی تغییراتی است که شکل مجرد فعل در زمینه‌ی بیان وجه‌ها، زمان‌ها و اشخاص به خود می‌پذیرد.

اشکال تصریفی فعل در زبان ترکی استانبولی، با تمام تنوع آن به صورت الحاق پیوندهای وجه، زمان و شخص به آخر اشکال مجرد فعل تشکیل می‌شود.

پیوندهای وجه و زمان

پیوندهایی هستند که اشکال مجرد فعل را به قالب‌های وجه و زمان می‌ریزند. این پیوندها در عین حال هم جنبه‌ی وجه و هم جنبه‌ی زمان دارند. جنبه‌ی وجه در تمام آن‌ها و جنبه‌ی زمان در عده‌ای از آن‌هاست. به عبارت دیگر نوعی از این پیوندها تنها وجه و نوعی دیگر هم وجه و هم زمان را مشخص می‌کنند.

علت این دوگانگی در وظیفه پیوندهای وجه و زمان از آنجا ناشی است که کنش‌ها و حرکات و حالاتی که از طرف اشخاص و اشیا حدوث یا وقوع می‌یابند، در اصل بر دو نوعند: نوعی از آن‌ها وقوع یا حدوثشان قطعی و نوع دیگر موکول به شرط و احتمال و الزام و اجبار است.

در صورت اول، پیوندها مشخص کننده‌ی وجه و زمان و در صورت دوم تعیین کننده‌ی وجه هستند. از وجه‌های مختلف افعال، وجه اخباری که به وقوع و حدوث یا عدم وقوع و حدوث قطعی فعل دلالت دارد، به وسیله‌ی پیوند مشترک وجه و زمان و وجوه امر و شرط و ایجاب و آرزو و التزام به وسیله‌ی پیوندهای وجه تصریف می‌گردند و وجه‌های وصفی و مصدری به مناسبت مشابهتی که از نظر مدلول با کلمات وصفی پیدا می‌کنند، در کلام پیوندهای تصریفی اسم را می‌پذیرند.

زمان‌های فعل در اصل گذشته، حال و آینده است که هر یک از این سه زمان نیز دارای شقوق جداگانه‌اند. زمان‌های فعل بر حسب اینکه فعل به طور مستقل و یا به کمک فعل امدادی imek صرف شود، به دو گروه اصلی زمان‌های ساده و مرکب تقسیم می‌شوند.

پیوندهای شخص

پیوندهایی هستند که اشکال قالب گیری شده از نظر وجه و زمان را به اشخاص می‌بندند. بنابراین جای پیوندهای شخص در وجه‌های تصریفی فعل بعد از پیوندهای وجه و زمان است. در زبان ترکی استانبولی به علت نبودن علامت جنس و تثنیه، افعال دارای همان صیغه‌های شش‌گانه متکلم، مخاطب، غائب، اول شخص و دوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع هستند. از این شش صیغه، متکلم و مخاطب مفرد و جمع در هر یک از وجه‌ها و زمان‌ها به استثنای موارد معدود، پیوند ویژه‌ی شخص دارند، سوم شخص مفرد به جز در موارد معین فاقد پیوند شخص است و سوم شخص جمع با الحاق پیوندهای -ler و -lar به آخر صیغه‌ی سوم شخص مفرد تشکیل می‌شود.

اشکال تصریفی فعل مرکب

اشکال تصریفی مرکب افعالی هستند که به کمک فعل امدادی imek صرف می‌شوند. در اشکال تصریفی مرکب، فعل اصلی اول و فعل امدادی بعد از آن می‌آید و در حقیقت جایگزین پیوند شخص اشکال تصریفی ساده فعل اصلی می‌گردد.

اشکال تصریفی مرکب فعل بر حسب اینکه با ماضی مطلق و یا ماضی استمراری فعل امدادی تصریف شوند، دارای شکل حکایت یا روایت خواهند بود و در همه حال به زمان گذشته دلالت خواهند داشت.

وجه اخباری مرکب

وجه اخباری مرکب شامل زمان‌های ماضی بعید، ماضی ناقص، ماضی استمراری و ماضی مستقبل است.

ماضی بعید

ماضی بعید وقوع یا حدوث فعل را در گذشته بسیار دور و یا در حال تقدم به یکی از صیغه‌های ماضی نشان می‌دهد: sen eve gelince çocuklar uyumuştur (وقتی تو به خانه آمدی بچه‌ها خوابیده بودند). شکل حکایت ماضی بعید از همراهی ماضی نقلی فعل اصلی با ماضی مطلق فعل امدادی به دست می‌آید.

yazmış idi (yazmıştı) (نوشته بود)

bilmiş idi (bilmişti) (دانسته بود)

و شکل روایت آن از همراهی ماضی نقلی با ماضی استمراری فعل امدادی به وجود می‌آید.

(گرفته بوده) almış imiş (almışmış)

ماضی مطلق

بر حدوث و وقوع فعل در گذشته‌ی معین دلالت می‌کند درحالی‌که نتیجه و خاتمه‌ی آن درحین تکلم برای شنونده معلوم نباشد. uzaktan inilti sesleri gelirdi (از دور دست صدای ناله‌شان می‌آمد).

حکایت ماضی ناقص از همراهی زمان حال فعل اصلی با ماضی مطلق فعل امدادی به دست می‌آید:

yazar idi (yazardı) (می‌نوشت)

bilir idi (bilirdi) (می‌دانست)

و روایت ماضی ناقص از همراهی زمان حال فعل اصلی با ماضی استمراری فعل امدادی حاصل می‌شود:

yazar imiş (yazarmış) (می‌نوشته)

bilir imiş (bilirmiş) (می‌دانسته)

yazarmıştır (می‌نوشته است).

ماضی استمراری

بر مداومت حدوث یا وقوع فعل در زمان گذشته دلالت می‌کند.

güneş parlak saçlarını yamaçlara serpiyordu (خورشید داشت گیسوان درخشانش را بر دامنه‌ها می‌پاشید)

حکایت ماضی استمراری از همراهی زمان حال استمراری فعل اصلی با ماضی مطلق فعل امدادی به دست می‌آید:

yazıyor idi (yazıyordu) (داشت می‌نوشت).

biliyor idi (biliyordu) (می‌دانست).

و روایت آن از همراهی زمان حال استمراری فعل اصلی با ماضی استمراری فعل امدادی حاصل می‌شود:

yazıyor imiş (yazıyormuş) (داشت می‌نوشته)

bililiyor imiş (biliyormuş) (می‌دانسته)

yazıyormuştur (داشت می‌نوشته است).

ماضی مستقبل

ماضی مستقبل نظر بودن انجام فعل را در گذشته نشان می‌دهد. o sözü size diyecektim (آن حرف را می‌خواستم به شما بگویم).

حکایت ماضی مستقبل از همراهی زمان آینده‌ی با ماضی مطلق فعل امدادی به دست می‌آید:

yazacak idi (yazacaktı) (می‌خواست بنویسد).

(bilecekti) **idi** (bilecek (می خواست بداند).

روایت ماضی مستقبل از همراهی زمان آینده‌ی با ماضی استمراری فعل امدادی حاصل می‌شود:

(yazacak **imiş**) (yazacak **imiş**) (می خواسته بنویسد).

(bilecek **imiş**) (bilecek **imiş**) (می خواسته بداند).

اشکال مرکب وجوه شرط و الزام و آرزو از همراهی اشکال ساده‌ی این وجوه با زمان‌های ماضی مطلق و استمراری فعل امدادی تشکیل می‌شوند:

yazsa **idi** (yazsaydı) اگر نوشته بود یا ای کاش نوشته بود.

yazsa **imiş** (yazsaymış) می‌گویند بهتر است بنویسد.

yaza **idi** (yazaydı) ای کاش می‌نوشت.

yaza **imiş** (yazaymış) می‌گویند نوشته بوده

yazmalı **idi** (yazmalıydı) باید می‌نوشت.

yazmalı **imiş** (yazmalıymış) باید می‌نوشته

وجه شرطی فعل **imek** با قسمت عمده‌ی وجوه و زمان‌های فعل اعم از ساده و مرکب تلفیق یافته شکلی به وجود می‌آورد که آن را شکل عمومی شرط می‌توان نامید.

(aldı **ise** (aldıysa) (اگر گرفت)

(almış **ise** (almışsa) (اگر گرفته)

(alacak **ise** (alacaksa) (اگر بخواهد/می‌خواست بگیرد)

وجه وصفی یا صفت فاعلی (Sifat-fiiller)

وجه وصفی وجهی است که حرکات و کنش‌ها را در قالب وصف نمودار می‌سازد. اشکال وصفی فعل از نظر مدلول و نحوه‌ی پذیرش پیوندهای تصریفی در ردیف کلمات وصفی جای می‌گیرند و در کلام در نقش صفت خودنمایی می‌کنند و از این لحاظ از آن‌ها به نام صفات فعلی نیز نام می‌برند. فرق صفات فعلی با صفات معمولی در آن است که صفات معمولی موجودات را از نظر کیفیات و علامات ثابت مندرج در آن‌ها (مانند: **yüce dağ** کوه بلند، **yeşil çimen** چمن سبز، **güzel kız** دختر زیبا) تعیین می‌کنند، ولی صفات فعلی آن‌ها را از نظر حرکت و کنش مندرج در آن‌ها (مانند: **bakan göz** چشم نگران، **sönmüş od** آتش خاموش، **uyuyan çocuk** کودک خفته) تعیین می‌کنند، بنابراین در صفات فعلی اشیا به اقتضای حرکت و عملی که انجام می‌دهند مشخص می‌گردند و پیوندهایی که با الحاق به آخر اساس فعل صفات فعلی را به وجود می‌آورند، در عین حال پیوند شکل و زمان نیز محسوب می‌شوند.

مهم‌ترین این پیوندها عبارتند از:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

پیوند دو شکلی -(y)an, -(y)en- که به آخر کلیه‌ی افعال ملحق شده و اشکالی به وجود می‌آورد که از آن به صفت فاعلی نیز می‌توان نام برد. این پیوند به کیفیت و حالت موجود اشیا و اشخاص در زمان حال دلالت می‌کند. مانند:

| | |
|----------------|--------------------------|
| ak-an su | آب روان |
| açıl-an kapı | دری که باز می‌شود/می‌شد. |
| gel-en misafir | مهمانی که می‌آید/می‌آمد. |
| tanın-an kişi | شخص شناس |
| bil-en öğrenci | دانش آموز دانا |

پیوند چهار شکلی -mış, -miş, -muş, -müştü- اشکالی به وجود می‌آورد که از آن به صفت مفعولی نیز نام می‌برند. این پیوند کیفیت و علامتی را که موجودات در گذشته داشته‌اند معلوم می‌کند.

| | |
|-------------------|----------------------|
| kırıl-mış kanat | بال شکسته |
| bil-miş çocuk | کودک دانسته (دانا) |
| tanın-mış sanatçı | هنرمند شناخته شده |
| görme-miş kadın | زن ندیده (ندید بدید) |
| çür-müş ağaç | درخت پوسیده |

-acak, -ecek- پیوند دو شکلی اوصافی به وجود می‌آورد که اشیا را از نظر حرکت و عملی که در آینده باید انجام دهند، مشخص می‌کند. مانند:

| | |
|-----------------|----------------------------------|
| sevil-ecek kız | دختر دوست داشتنی. |
| gel-ecek yıl | سال آینده |
| kırıl-acak eşya | اشیا شکستنی |
| gidil-ecek yol | راهی که رفته خواهد شد، راه رفتنی |
| içil-ecek su | آب نوشیدنی. |
| gör-eceğim gün | روزی که خواهم دید. |
| yaz-acağın yazı | نوشته‌ای که خواهی نوشت. |
| öpül-ecek bebek | نوزاد بوسیدنی. |
| konuş-acak şey | چیزی که گفته خواهد شد. |

پیوند دو شکلی -ar, -er- که به کیفیت و علامت اشیا و اشخاص هم در زمان حال و هم در همه‌ی زمان‌ها دلالت می‌کند. مانند:

| | |
|----------|---------|
| ak-ar su | آب روان |
|----------|---------|

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--------------|------------|
| bak-ar göz | چشم نگران |
| yan-ar od | آتش سوزان |
| bil-ir kişi | فرد دانا |
| uç-ar birlik | دسته پرنده |

پیوند دو شکلی -esi, -ası که کیفیت و علامت موجودات را به شکل ایجاب می کند و بیشتر در خشم و نفرت کاربرد دارد. مانند:

| | |
|--------------|----------------|
| kahr ol-ası | لعنتی |
| geber-esi | گور به گور شده |
| öpül-esi el | دست بوسیدنی |
| lanet ol-ası | لعنتی |
| yıkıl-ası | خراب شده |

پیوند دو شکلی -mez, -maz کیفیت و علامت اشیا را در شکل نفی مشخص می کند . مانند:

| | |
|----------------|--------------------------|
| utan-maz kadın | زن بی شرم و حیا |
| yara-maz çocuk | کودک شیطان (به درد نخور) |
| bil-mez insan | انسان نادان |
| din-mez ağrı | درد تسکین ناپذیر |

پیوند هشت شکلی -tür, -tur, -tir, -tür, -dur, -dir, -dır, -dür خصوصیت و علامتی را که در گذشته برای اشیا و اشخاص ایجاد شده معین می کند.

| | |
|-----------------|----------------------------------|
| tanı-dık adam | مرد آشنا |
| bil-dik insan | انسان دانا |
| oku-duğum kitap | کتابی که خواندم، می خوانم. |
| bil-diğın iş | کاری که می دانی / می دانستی. |
| ara-dığın kız | دختری که جستجو می کنی / می کردی. |
| bul-duğum para | پولی که پیدا کردم / می کنم. |

-meli, -malı پیوند دو شکلی اوصافی به وجود می آورد که اشیا را از نظر حرکت و عملی که در آینده باید انجام دهند، مشخص می کند و در لهجه آذری زنده می باشد. مانند:

de-meli söz “denecek söz” حرف گفتنی

“öğ-meli güzel” “övülecek güzel”

زیبای ستودنی

به طوری که در مثال‌ها نیز مشهود است، از پیوندهای فوق، پیوند **AcAk**- و پیوند **Dİr**- برخلاف سایر پیوندهای وجه وصفی، پیوند شخص می‌پذیرد و خصوصیت و موقعیت اشیا را علاوه بر وجه زمان نسبت به اشخاص شش‌گانه نیز تعیین می‌کند.

وجه مصدری یا اسم فعلی (İsim-fiiller)

وجه مصدری وجهی است که نام عمومی حرکات و کنش‌ها را بدون وابستگی به زمان و شخص بیان می‌دارد. وجه مصدری، مانند وجه وصفی از نظر مدلول و نحوه‌ی پذیرش پیوندهای تصریفی در ردیف کلمات وصفی جای می‌گیرد و در کلام به صورت اسم نمودار می‌شود و از این لحاظ از اشکال مصدری به نام اسامی فعلی نیز نام می‌برند. فرق اسامی فعلی با اسامی عادی در آن است که اسامی عادی نام خود موجودات ولی اسامی فعلی نام غیرمعین حرکات و کنش‌ها و اعمال ناشی از آنهاست.

اشکال مصدری با الحاق پیوندهای مصدری به آخر اساس فعل تشکیل می‌شوند. این پیوندها عبارتند از:

پیوند دو شکلی، **-mek, -mak**- این پیوند در زبان ترکی استانبولی پیوند مصدری شناخته می‌شود و بلا استثنا به آخر کلیه‌ی ریشه‌ها و بنیادها یا انواع گوناگون افعال الحاق شده و اسامی نامعین حرکات را به وجود می‌آورد. مصدر در عرف دستور زبان حالت اصلی فعل شناخته می‌شود و در مواردی که بخواهند فعل را بدون وابستگی آن به زمان‌ها و اشخاص نشان دهند علامت مصدر را به آن می‌افزایند. در این کتاب نیز از این روش پیروی شده است:

aç-mak باز کردن، گشودن، برطرف کردن مانع

yaz-mak نوشتن، آرایش دادن، نام نویسی کردن، مشرف به افتادن

oku-mak خواندن، قرائت، تحصیل، درس خواندن

uyu-mak خوابیدن، خفتن، غفلت کردن

پیوند دو شکلی **-ma, -me**- این پیوند نیز به آخر انواع فعل الحاق یافته، نام عمومی عمل و کنش ناشی از فعل را به وجود می‌آورد

yaz-ma عمل نوشتن، دست نوشته

evlen-me تأهل، ازدواج

anlaş-ma پیمان، قرارداد، قرار و مدار

فرقی که مابین پیوند **-ma, -me** با پیوند مصدری **-mek, -mak** وجود دارد این است که پیوند اخیر نام عمومی حرکت و پیوند **-ma, -me** نام عمل ناشی از حرکت را معلوم می‌کند و بنابراین هم، جنبه اسمی اشکالی که از الحاق پیوند **-ma, -me** به وجود می‌آیند، خیلی بیشتر از جنبه اسمی مصدر است. به طوری که در میان گروه بی شمار اشکال مصدر به تعداد انگشت شماری از آنها نظیر **yemek** (غذا، طعام، خوراک) و **çakmak** (فندک) می‌توان

برخورد که مفهوم ذاتی پیدا کرده‌اند. در حالی که در اسامی فعلی که پیوندهای -ma, -me را دارند تعداد خیلی بیشتری وجود دارند که اسامی ذاتی اشیا معین هستند که در بالا مثال‌های زیادی از آن آورده شد. پیوند چهار شکلی -İş, -uş, -İş, -İş یکی از پرکاربردترین پیوندها است این پیوند نیز مانند دو پیوند فوق به آخر انواع فعل الحاق یافته و نقشی شبیه پیوند ma, me بازی می‌کند. یعنی اسامی فعلی ناشی از حرکت و کنش اشیا را به وجود می‌آورد که به جز فعل بی قاعده imek بر سر سایر افعال آورده می‌شود و از فعل، اسم می‌سازد:

al-ış ستد، خرید

dön-üş رجعت، عودت، برگشت

at-ış تیر اندازی، طرز انداختن، آتش اندازی

نقش اساسی پیوندهای -İş و -ma در زبان ترکی استانبولی ایجاد اشکال متنوع اسم مصدر است.

وجه حالت یا قید فعلی (Zarf-fiiller)

از وجوه مشخص فعل در زبان ترکی استانبولی وجه حالت یا ظرف فعلی است که حالت مجرد حرکت را بیان می‌دارد. بطوریکه هنگام بحث از اشکال ساختمانی فعل اشاره رفت، نوعی از افعال مرکب، به صورت همراهی فعل متمم با فعل اصلی ایجاد می‌شود. در این نوع افعال مرکب فعل متمم که در نقش وجه حالت یا ظرف فعلی عمل می‌کند، تغییری در معنی فعل بوجود نمی‌آورد و تنها جنبه و استقامت حرکت را مشخص تر و گویاتر می‌سازد. ظرف فعلی بر خلاف اشکال وصفی و مصدری گرایشی به قبول پیوندهای تصریفی اسم نشان نمی‌دهد و به همین جهت از آن به وجه غیر قابل تصریف فعل نیز نام می‌برند.

قیود فعلی ربط: (Bağlama Ulaç)

پیوند İp(y)- با الحاق پیوندهای حالت به آخر اساس فعل تشکیل می‌شوند. این پیوند معمولاً جای حرف ربط ve (و) را می‌گیرد. فعلی که پیوند İp(y)- بر سر آن آورده می‌شود از نظر شخص و زمان با فعل پیرو یکی است.

Telefon edip hâlini hatırını sordum. < Telefon ettim ve hâlini hatırını sordum.

تلفن کرده حال و احوالت را پرسیدم. > تلفن کردم و حالت را پرسیدم.

تکرار این قید فعلی نشانه‌ی تاکید و استقامت در حرکت و کنش فعل است:

Gidip gidip komşuları rahatsız ediyor. هی می‌رود و می‌رود و مزاحم همسایه‌ها می‌شود.

Bakıp bakıp gülüyor. هی نگاه می‌کند و نگاه می‌کند و می‌خندد.

قیود فعلی حالت: (Durum Ulaçları)

با پیوندهای -cesine, -meksizin, -meden, -e..., -erek ساخته می‌شود و چگونه گی فعل را بیان می‌دارد:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Sınıfa gülerek girdi. خندان (با خنده) وارد کلاس شد.

Olayı adeta yeniden yaşıyormuşçasına anlattı.

اتفاق را طبق معمول انگار از نو گذرانده فهماند.

Gece karanlık sokaklarda düşe kalka ilerlediler.

شب در کوچه‌های تاریکی کج دار و مریض به پیش رفتند.

Dinlene dinlene gittiler.

با استراحت‌های پی در پی رفتند.

Gürültüye aldırmadan işiyle meşgul oluyordu.

بدون توجه به صدا مشغول کار می‌شد.

Hiç dinlenmeksizin yedi saat yürüdüm.

بدون اینکه اصلاً استراحت کنم هفت ساعت راه رفتم.

Her şeyi bilircesine konuşuyordu.

طوری صحبت می‌کرد گویی هر چیز را می‌داند.

قیود فعلی زمان: (Zaman Ulaçları)

با پیوندهای -İncE, -dİkçE, -dİğİndE, -ken, -mEdEn, -İr, -mEz ساخته می‌شود و زمان فعل را مشخص می‌کند:

Gülünce gözlerinin içi gülüyor.

وقتی می‌خندد خنده در چشم‌هایش نمایان می‌شود.

Canım sıkıldıkça şiir okurum.

هر وقت دلم می‌گیرد شعر می‌خوانم.

Kar yağınca herkes sokaklara döküldü.

زمانی که برف بارید همه به کوچه‌ها ریختند.

İlk okuduğumda iyi anlayamamıştım.

بار اول که خواندم خوب متوجه نشده بودم.

Uyurken hep sayıklar.

هنگام خواب همواره هذیان می‌گویند.

Gün ağarırken düştük tarla yollarına.

هنگام سپیده دم به ره سپار مزرعه شدیم.

Uyumadan önce de yarım saat kitap okunabilir.

قبل از خوابیدن هم می‌شود نیم ساعت کتاب خواند.

Gelir gelmez seni sordu.

به محضی که آمد تو را پرسید.

قیود فعلی آغاز: (Başlama Ulaçları)

با پیوندهای -Elİ ساخته می‌شود و شروع فعل بعدی را مشخص می‌کند:

Buraya geleli çocuğa bir hâller oldu.

از زمانی که به اینجا آمد بچه یک حالتی شده.

Seni tanıyalı hayatım değişti.

از زمانی که تو را شناختم زندگی‌ام تغییر کرد.

قیود فعلی علت: (Nedenlik Ulaçları)

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

بوسيله پيوندهای -EcEğ, -dİğİ, بوجود می آيند و به همراه ادات -dEn dolayı, için, -dEn ötürü بکار می رود:

Çok yalnızlık çektiğinden (dolayı) buralarda kalmak istemiyor.

به خاطر این که خیلی تنهایی می کشد نمی خواهد اینجا بماند.

Sizden ayrılacağı için üzülüyor.

برای اینکه می خواهد از شما جدا شود ناراحت است.

قيود فعلی پايان: (Bitirme Ulaçları)

بوسيله پيوندهای -EnE, -İncEyE, -EsİyE بوجود می آيند و به همراه ادات değın, dek, kadar می رود که چايان فعل بعدی را نشان می دهد:

Sen gelene kadar biz burada bekleyeceğiz.

تا زمانی که شما برگردید ما در اینجا منتظر خواهیم ماند.

Yollar açılıncaya kadar bekledik.

تا باز شدن راهها منتظر ماندیم.

Öldüresiye dövdüler.

تا به حد کشت کوبیدند.

صفت (Sıfat)

صفات به آن دسته از کلمات وصفی اطلاق می شوند که اوصاف و چگونگی اسم را بیان می دارند. اشیا و موجوداتی که اطراف ما را احاطه کرده اند، ضمن اینکه معمولاً هر یک با اسم شناخته می شوند دارای اوصاف و اشکال و خصوصیات گوناگونند. صفات کلماتی هستند که برای نامیدن این اشکال و اوصاف بکار می روند. بنابراین، بارزترین خصوصیت صفت در آنست که برای خود موصوفی داشته باشد.

صفت در زبان ترکی استانبولی مانند بیشتر زبانها وقتی به همراه موصوف بکار رود مانند: yeşil yaprak (برگ سبز)، açık kapı (در باز)، parlak yıldız (ستاره تابناک) صفت محسوب می گردد. ولی وقتی به صورت مستقل یعنی yeşil (سبز)، açık (باز)، parlak (تابناک) استعمال شود جنبه ی اسم به خود می گیرد و در حکم اسامی این اوصاف و اشکال عمل می کند و در کلام حالات اسم را می پذیرد.

صفت وقتی با موصوف همراه باشد، ترکیبی به وجود می آورد که از آن به ترکیب وصفی می توان نام برد. در زبان ترکی استانبولی بر خلاف زبان فارسی در ترکیبات وصفی صفت عموماً مقدم بر موصوف بوده و بدون توجه به حالات مختلفی که موصوف ممکن است در کلام داشته باشد، صفت همواره به صورت مفرد و بدون قبول پیوند تصریفی بکار می رود.

مانند:

yüce dağ

کوه بلند

yüce dağlar

کوههای بلند

| | |
|--------------------|---------------------------------|
| yüce dağların | مال کوههای بلند، کوههای بلند تو |
| yüce dağlardan | از کوههای بلند |
| yüce dağlarımızdan | از کوههای بلندمان |

بخشی از کلماتی که در ترکی استانبولی به شکل صفت بکار گرفته می‌شوند به شکل زیر است:

| | | | |
|-----------|---------------|---------|----------------|
| acaip | عجیب | kolay | آسان |
| ahmak | احمق | komik | خنده دار، مضحک |
| boş | خالی | küçük | کوچک |
| büyük | بزرگ | meşgul | مشغول |
| çirkin | زشت | meşhur | مشهور |
| derin | عمیق | pahalı | گران |
| dikkatli | دقیق، با توجه | sağlam | محکم |
| erken | زود | sert | سفت، سخت |
| eski | قدیمی، کهنه | sessiz | آرام، بی صدا |
| fakir | فقیر | sıkıcı | کسالت آور |
| fena | بد | şanslı | خوش شانس |
| geç | دیر | ucuz | ارزان |
| genç | جوان | ufak | کوچک |
| gürültülü | شلوغ | yalnız | تنها |
| güzel | زیبا | yaşlı | مسن |
| ilginç | جالب | zengin | ثروتمند |
| iyi | خوب | zor | دشوار، مشکل |
| kızgın | عصبانی | ağır | سنگین |
| kırlı | کثیف | yumuşak | نرم |

اشکال ساختمانی صفت

صفت در زبان ترکی استانبولی، مانند اسم، از نظر شکل ساختمانی دارای اشکال ساده، پیوندی و مرکب است.

۱- **صفت ساده:** صفتی است که تنها از یک ریشه تشکیل شده باشد. مانند:

| | |
|-------------|-----------|
| beyaz kağıt | کاغذ سفید |
| kara saç | موی سیاه |
| ağır taş | سنگ سنگین |
| iyi kız | دختر خوب |

۲- صفات پیوندی: صفاتی هستند که از الحاق یک رشته پیوندهای توصیفی به آخر اقسام مختلف کلمات به وجود می‌آیند و اینک در زیر به تعدادی از شناخته‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

پیوند چهار شکلی **-li, -li, -lu, -lü** از پیوندهای بسیار پرثمر در تشکیل صفت‌های پیوندی است و با الحاق به آخر کلمات توصیفی صفاتی متناسب با مفهوم آن‌ها به وجود می‌آورد. این پیوند حالت اثباتی دارد یعنی وجود کیفیتی را در یک چیز و یا وابستگی خصوصیتی را به یک چیز به اثبات نشان می‌دهد. مانند:

akıllı kız دختر عاقل

fırtınalı kış زمستان طوفانی

yağmurlu hava هوای بارانی

tuzlu yemek غذای شور

پیوند چهار شکلی **-sı, -sı, -su, -sü** این پیوند، شکل منفی پیوند بالا بوده و با الحاق به آخر شماره کثیری از کلمات وصفی عدم وجود کیفیت و خصوصیتی را در یک چیز و یا فقدان چیزی را در چیز دیگر نشان می‌دهد. مانند:

annesiz çocuk کودک بی مادر

sütsüz inek گاو بی شیر

sessiz ev خانه بی صدا

otsuz çöl بیابان بی علف

پیوند چهار شکلی **-kı, -ki, -ku, -kü** این پیوند با الحاق به آخر یک رشته از کلمات وصفی صفاتی حاکی از دلالت و وابستگی شیئی به زمان و مکان بوجود می‌آورد. مانند:

gökteki yıldız ستاره در آسمان

dünkü dizi سریال دیروزی

şimdiki kızlar دختران امروزی

بطوریکه در مثال‌ها نیز مشهود است، این پیوند به طور استثنا به آخر اسم‌هایی که پیوند تصریفی دارند الحاق می‌شود.

پیوند چهار شکلی **-cıl, -cil, -cul, -cül** این پیوند با الحاق به آخر بعضی از کلمات وصفی صفاتی از نوع زیر بوجود می‌آورد.

evcil hayvan حیوان خانگی

insancıl davranış رفتار انسانی

پیوند هشت شکلی **-gın, -gin, -gun, -gün, -kın, -kin, -kun, -kün** به آخر یک رشته از ریشه‌های فعلی الحاق یافته و صفاتی با مفهوم تزايد و تشدید و برتری تشکیل می‌دهد. مانند:

üzgün adam مرد ناراحت

durgun deniz دریای راکد

yorgun at اسب خسته

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

düzgün iş کار درست

keskin söz حرف مقطوع

پیوند چهار شکلی -gan, -gen, -kan, -ken پیوند مبالغه شدید است که بر سر ریشه فعل‌های تک سیلابی آورده نمی‌شود. این پیوند نیز یکی دیگر از پیوندهای پرثمر بوده، که با الحاق به آخر ریشه‌های فعلی صفت‌هایی مرتبط با مدلول فعل به وجود می‌آورد. مانند:

unutkan adam مرد فراموشکار

alınan kız دختر زود رنج (نازک نارنجی)

konuşkan kadın زن وراج

پیوند چهار شکلی -ük -uk -ik -ık -k در کلماتی که به مصوت ختم می‌شوند (با الحاق به آخر یک رشته ریشه‌های فعلی صفاتی از نوع زیر تشکیل می‌دهند.

sönük lamba لامپ خاموش

kırık kanat بال شکسته

delik kayık قایق سوراخ

yanık el دست سوخته

açık kapı در باز

علاوه بر این‌ها پیوندهایی از نوع -lük, -luk, -lik, -lık که در تشکیل اسامی پیوندی بکار می‌روند، می‌توانند صفات پیوندی نیز بوجود آورند مانند:

دونلوق (پارچا)، یازلیق (بوغدا) و امثال آن.

۳- صفات مرکب: صفاتی هستند که از بهم پیوستن صفت و اسم، از توالی دو صفت و یا تکرار یک صفت تشکیل می‌شوند.

از بهم پیوستن صفت و اسم مانند:

mavi göz kız دختر چشم آبی

uzun burun balık ماهی اوزون بورون

در یک عده از این نوع صفتهای مرکب، اسم جلوتر از صفت قرار گرفته و با قبول پیوند نسبت با صفت تلفیق می‌یابد:

kaşık kara kız دختر ابرو سیاه

başlı büyük öküz گاو کله گنده

ayağı bağlı ceylan آهوی پا بسته

از توالی دو صفت مانند:

dayalı döşeli ev خانه مبله

paralı evli adam مرد پول دار و متاهل

از تکرار یک صفت مانند:

| | |
|----------------------|------------------------|
| beyaz beyaz dişler | دندان‌های سفید سفید |
| sıcak sıcak çörekler | کلوچه‌های داغ داغ |
| sarı sarı kumlar | شن‌های زرد زرد |
| uzun uzun yollar | راه‌های دراز دراز |
| taze taze yumurtar | تخمه مرغ‌های تازه تازه |

در نوعی از صفت مرکب که از تکرار دو صفت تشکیل می‌شود، صفت دوم شکل مقلوب صفت اول را به خود می‌گیرد و بدون آنکه معنی معینی افاده کند، به منزله‌ی همزاد صفت اول به کار می‌رود. مانند:

از بهم پیوستن موصوف و پیوند II- مانند:

| | |
|-------------------------------|-----------------|
| <u>büyük yapraklı</u> ağaçlar | درختان بزرگ برگ |
| <u>kısa boylu</u> asker | سرباز قد کوتاه |
| <u>kara kaşlı</u> kız | دختر ابرو سیاه |
| <u>mavi gözlü</u> erkek | مرد چشم آبی |
| <u>kırık camlı</u> ev | خانه چهل پنجره |
| <u>büyük kapılı</u> bina | خانه در بزرگ |

از بهم پیوستن موصوف و پیوند II- مانند:

| | |
|--------------------|----------------|
| yarım günlük tören | مراسم نیم روزه |
| üç kuruşluk iş | کار سه قرونی |

اشکال نسبی صفت:

یکی از جنبه‌های خاص صفت که آنرا از سایر کلمات گروه وصفی متمایز می‌آند، جنبه‌ی نسبی یا درجاتی آن است. موجودات و پدیده‌ها از نظر اوصاف و اشکال مختلف بوده و حتی اشیایی که دارای جنبه‌ها و صفات مشابه هستند به طور نسبی و با فرق کمابیش از هم متمایز می‌شوند.

بنابراین، صفت به عنوان بیان کننده‌ی اوصاف و اشکال و مشخصات اشیا و اشخاص، ناگزیر از قبول اشکال درجاتی یا نسبی است. در زبان ترکی استانبولی اشکال نسبی صفت بعضاً با الحاق پیوند به آخر صفات عادی و بعضاً نیز با همراه شدن صفت با یکی از ادات انجام می‌شود. اشکال نسبی صفت را به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:

۱- مشخص کننده‌ای صفات از حیث درجه و سنجش

صفت برتری: صفتی که برتر بودن صفتی را به هم شکل‌های خود بیان می‌کند.
صفت برتری به سه نوع تقسیم می‌شود.

الف- صفت مطلق

ب- صفت تفضیلی

ث- صفت عالی

الف - صفت مطلق:

کلماتی امثال iyi (خوب)، kötü (بد)، büyük (بزرگ)، küçük (کوچک) و... می‌باشند که در جملات به شکل زیر بکار گرفته می‌شود:

این شخص آدم خوبی است.
این دختر زیبا است.
این کوه بزرگ است.

bu kişi iyi biri.
bu kız güzel.
bu dağ büyük.

ب - صفت تفضیلی:

به وسیله حرف اضافی -dan, -den که می‌تواند با daha نیز همراه باشد، ساخته می‌شود. مثال:

حرف اضافی «-dan, -den» در جمله به اسم متصل شده و سپس کلمه صفتی بکار گرفته می‌شود:

این دختر از آن پسر بهتر درس می‌خواند.
در مقایسه کردن منفی از az (کم، کمتر) استفاده می‌شود:

Bu kız o oğlandan iyi ders okuyor.

لندن کمتر از استانبول مشغول است.
معماها کمتر از درس‌های ترکی جالب هستند.

Londra İstanbul'dan az meşgul.
Bulmacalar Türkçe derslerden az ilginç.

حرف اضافی «daha» جدا و بعد از حرف اضافی «-dan, -den» و ما قبل صفت نوشته می‌شود:

انار از سیب شیرین‌تر است.
این کوه از کوه‌های دیگر بلندتر است.
محمد از علی ثروتمندتر است.
استانبول از لندن زیباتر است.
احمد بزرگ‌تر از حسن است.
آهن از آب سنگین‌تر است.

Nar elmadan daha tatlı.
Bu dağ öbürü dağlardan daha yüce.
Mehmet Ali'den daha zengin.
İstanbul Londra'dan daha güzel.
Ahmet Hasan'dan daha büyüktür.
Demir sudan daha ağır.

ث - صفت عالی:

برای برتری دادن به صفت بکار گرفته می‌شود و به وسیله حرف «en» ساخته می‌شود:

حرف «en» جدا از حرف ما قبل خودش و جلوی صفت بکار گرفته می‌شود. مثال:

بهترت جنس (کیفیت)
سبک‌ترین چمدان
سنگین‌ترین بسته
محمد ثروتمندترین مرد است.
زیباترین شهر جهان استانبول است.
پرجمعیت‌ترین شهرهای ترکیه استانبول است.

En iyi kalite mal
En hafif bavul
En ağır paket
Mehmet en zengin adam.
Dünyanın en güzel şehri, İstanbul.
Türkiye'nin en kalabalık şehri İstanbul'dur.

صفات تفضیلی را می توان با ساخت ملکی نیز ارائه داد:

Resimlerin en güzeli
Arabaların en pahalısı

زیباترین عکسها
گران ترین ماشینها

۲- کوچک و صغیر کننده های صفت

۱- پیوند -cık,-cak- که پیوند تحقیر و کوچک شماردن است، در صورتی که کلمه ای به صامت k ختم شده باشد آن را حذف می کند:

-cık:

| | | | |
|---------|----------------------|-----------|----------------------|
| küçük | کوچک، ریز، جوان، بچه | küçücük | خیلی کوچک، بسیار ریز |
| yumuşak | نرم، ملایم، لطیف | yumuşacık | نرمینه و لطیف، کرکی |
| alçak | پایین، زبون، پست | alçacık | بسیار پست و حقیر |
| sıcak | گرم | sıcacık | کمی گرم |

۳- تقویت کننده های مفهوم صفت

kadar (به قدر، به اندازه)

از kadar برای مساوی قرار دادن دو کس یا دو چیز استفاده می شود:

Londra İstanbul kadar güzel
Mehmet Ali kadar zengin.
Kar kadar beyaz.

لندن به اندازه استانبول زیبا است.
محمد به اندازه علی ثروتمند است.
به اندازه برف سفید است.

değil (نیست) برابری منفی

برابری منفی به وسیله değil ساخته می شود:

Londra İstanbul kadar güzel değil.
Ayşe Deren kadar boylu değil.

لندن به اندازه استانبول زیبا نیست.
لندن به اندازه استانبول زیبا نیست.

en az (حداقل)

Ahmet en az Mehmet kadar zekidir.
Sen de en az benim kadar yeteneklisin.

احمد حداقل به اندازه محمد باهوش است.
تو هم حداقل به اندازه من با استعداد هستی.

kadar iyi (به خوبی)

Bu, o kadar iyi
Bu onun kadar iyi

این، به خوبی آن است.
این به اندازه آن خوب است.

(بهتر از...) -dan/-den daha iyi

Bu, ondan daha iyi

این از آن بهتر است.

(بهترینش) en iyisi

Bu, en iyisi (dir)

این بهترینش است.

çok (خیلی، بسیار، زیاد، بیشتر)

Çok para istiyor.

خیلی پول می خواهد.

Çok mutluyum.

خیلی خوشحالم. (خوشبختم)

Çok odalı bir otel.

هتلی با اتاق های زیاد.

(بیشترین) en çok

En çok para

بیشترین پول

Ali'nin en çok parası var

علی بیشترین پول را دارد.

Tepede en çok ev var

بیشترین خانه ها بر روی تپه است.

(بیشتر) daha

İki çay daha, lütfen

دو تا چای بیشتر (دیگر) لطفاً

Daha beş bira, lütfen

پنج آبجوی بیشتر (دیگر) لطفاً

(زیاد، افزون، بیشتر، بیش از حد، خیلی) fazla

Fazla yemek geldi

غذا بیش از حد آمده است.

Fazla para istediler

آن ها پول زیاد خواستند.

(بیشتر، زیادتر، افزون تر) daha fazla

Daha fazla yemek geldi

خیلی بیشتر غذا آمده است.

Daha fazla para istediler

پول زیادتری خواستند.

(کم، کمی، یک کم، مقداری) az, bir az

Az sonra çarşıya gidiyorum

به زودی (کمی بعد، تا لحظاتی دیگر) به بازار می روم.

Biraz tuz istiyorum

کمی نمک می خواهم.

(کمتر) daha az

Yemeğe daha az tuz koyunuz
Buralarda, daha az polis var

به غذا نمک کمتری بزنید.
در اینجا پلیس کمتری هست.

(خیلی کم، بسیار کم) pek az

Pek az sigara kullanıyorum.
Pek az şeker istiyorum.

خیلی کم سیگار استفاده می‌کنم.
خیلی کم شکر می‌خواهم.

(خیلی کم) çok az

Çok az benzin kalıyor.
Çok az para istedi.

خیلی کم بنزین مانده است.
خیلی کم پول خواست.

نوع پیشوند که از تلفیق دو حرف اول صفت با یکی از حروف m, p, r, s به وجود می‌آید که از علائم نسبی تزاید صفت محسوب می‌گردند. مانند:

Bembeyaz kar gibi
Kapkara saç gibi

سفید سفید مثل برف
سیاه سیاه مثل مو

| | | | |
|--------|--------------|---------------|--------------------|
| acayip | عجیب و غریب | apacayip | بسیار عجیب و غریب |
| acele | عجله | alelacele | خیلی عجله |
| açık | روشن / باز | apaçık | بسیار روشن / باز |
| ayrı | جدا | apayrı | کاملاً جداگانه |
| bakkal | بقال | bakkal çakkal | بقال مقال |
| başka | دیگر | bambaşka | کاملاً یک چیز دیگر |
| bayağı | معمولی | basbayağı | بسیار معمول |
| baygın | بی‌هوش | aygın baygın | بی حال، سست |
| bedava | رایگان | besbedava | کاملاً رایگان |
| belli | مشهود، معلوم | besbelli | کاملاً معلوم |
| beter | بدتر | besbeter | حتی بدتر |
| beyaz | سفید | bembeyaz | سفید سفید |
| bok | پُخ، گُه | bombok | کاملاً گهی (خراب) |

| | | | |
|---------|--------------------------|--------------|---------------------------|
| boş | خالی | bomboş | کاملاً خالی |
| burun | بینی | baltaburun | بینی کج |
| buruşuk | چین و چروک | bumburuşuk | کاملاً چروک |
| bütün | همه | büsbütün | کاملاً |
| canlı | زنده | capcanlı | سرزنده |
| çabuk | سریع | çarçabuk | فوراً، سریعاً |
| çevre | محیط | çepeçevre | دور تا دور، تمام اطراف |
| çöp | زباله، آشغال | çerçöp | آت اشغال |
| çıplak | برهنه، لخت | çırılçıplak | کامل لخت |
| dağınık | درهم و برهم | darmadağınık | درب و داغان |
| daracık | خیلی تنگ | dapdaracık | بسیار تنگ |
| deli | مرد دیوانه | zıırdeli | دیوانه از کوره در رفته |
| deli | دیوانه | zırdeli | دیوانه صرف |
| delice | دیوانه وار | deldelice | کاملاً دیوانه وار |
| dik | عمود، راست | dimdik | راستِ راست، کاملاً عمود |
| diri | زنده | dipdiri | پر از زندگی |
| dizgin | رکاب | doludizgin | کاملاً سراسیمه |
| dızlak | لخت / برهنه | dımdızlak | بیچاره، نیازمند، تهی |
| doğru | راست، درست | dosdoğru | کاملاً صحیح درست |
| dolu | پر | dopdolu | پر پر، کاملاً پر |
| duru | زالال، تمیز، شفاف | dupduru | بسیار زلال |
| düz | صاف | düpedüz | کاملاً صاف |
| düz | راست | dümdüz | راست، مستقیم، راست و درست |
| düz | حتی | düpedüz | حتی هم |
| geniş | وسیع | gepgeniş | بسیار وسیع |
| gündüz | روز | güpegündüz | روز روشن |
| ince | نازک، ظریف | ipince | بسیار نازک |
| ılık | ولرم | ıılık | ولرم ولرم، کاملاً ولرم |
| ııslak | مرطوب | ıııslak | خیلی خیس و لغزنده |
| ııssız | خانه یا جای ساکت و بی کس | ıııssız | متروکه |
| iri | بزرگ | ipiri | بسیار عظیم |

| | | | |
|-----------|---------------------|------------------|------------------------------|
| kara | سیاه | kapkara | سیاهِ سیاه |
| karışık | مخلوط | karmakarışık | قاطی واتی، درهم |
| kısa kısa | کوتاه | kıpkısa, kısacık | بسیار کوتاه |
| koca | بزرگ | koskoca | بسیار بزرگ |
| kocaman | بزرگ | koskocaman | عظیم |
| kolay | ساده | kopkolay | به راحتی، خیلی آسان |
| koyu | تاریک | kopkoyu | واقعاً تاریک |
| kör | کور | köpkör | کاملاً کور |
| kötü | بد | köpkötü | خیلی بد (زبان کودک) |
| kötürüm | فلج | köskötürüm | به طور کامل فلج |
| kuru | خشک | kupkuru | خشکِ خشک |
| kütük | مست و لایعقل | küskütük | پرت و مست |
| kıvrak | چالاک، قبراق | kıskıvrak | چست و چالاک |
| mavi | آبی | masmavi | کاملاً آبی، آبی روشن |
| mor | رنگ ارغوانی | mosmor | کاملاً ارغوانی، ارغوانی روشن |
| pak | پاک | akpak | بسیار پاک |
| pembe | رنگ صورتی | pespembe | صورتی تکان دهنده |
| perişan | پریشان | perperişan | بسیار پریشان |
| parça | تکه | paramparça | تکه تکه |
| pis | کثیف | pimpis | کثیفِ کثیف (زبان کودک) |
| sağlam | سالم | sapsağlam | کاملاً سالم و تندرست |
| sağlam | سالم | sapasağlam | کاملاً سالم و تندرست |
| sarı | زرد | sapsarı | زردِ زرد |
| sefil | بدبخت، فقیر | sersefil | خیلی بدبخت / فقیر |
| sıcak | داغ | sımsıcak | داغِ داغ |
| sıklam | خیس | sırılsıklam | کاملاً خیسِ خالی |
| sıkı | تنگ | sımsıkı | خیلی تنگ |
| sivri | تیز | sipsivri | تیزِ تیز |
| siyah | سیاه | simsiyah | سیاهِ سیاه |
| şirin | جذاب | şipşirin | بسیار جذاب |
| talan | تالان، تاراج، چپاول | alantalan | کاملاً به تالان رفته |

| | | | |
|----------|-------------------------|--------------|------------------------|
| tamam | کامل | tastamam | کامل |
| tatlı | شیرین | taptatlı | بسیار شیرین |
| taze | تازه | terütaze | تر و تازه |
| taze | تازه | taptaze | بسیار تازه |
| temiz | تمیز | tertemiz | تر و تمیز |
| top | توپ | tortop | توپِ توپ |
| uslu | عاقل، آرام، ساکت، معقول | upuslu | خیلی خوب رفتار و معقول |
| uzun | طولانی | upuzun | بسیار طولانی |
| uygun | مناسب | upuygun | کاملاً مناسب |
| yalnız | تنها | yapayalnız | مطلقاً تنها، تک و تنها |
| yassı | صاف و گسترده | yamyassı | بسیار صاف |
| yaş | مرطوب | yamyaş | خیسِ خیس |
| yeni | جدید | yepyeni | جدیدِ جدید |
| yeşil | سبز | yemyeşil | سبزِ سبز |
| yumru | تورم، دور | yusyumru | بسیار متورم، دور |
| yumuşak | نرم | yusyumuşak | بسیار نرم |
| yuvarlak | کروی | yusyuvarklak | کاملاً کروی |
| zayıf | نازک، ضعیف | zapzayıf | بسیار باریک، سست |

نوع دیگر از ساخت صفت‌های نسبی بدین صورت است که عین صفت تکرار می‌شود. مثال:

| | |
|----------------------|--------------------------|
| Beyaz beyaz dişler | دندان‌های سفیدِ سفید |
| Sıcak sıcak çörekler | کلوچه‌های داغِ داغ |
| Sarı sarı kumlar | شن‌های زردِ زرد |
| Uzun uzun yollar | راه‌های درازِ دراز |
| Taze taze yumurtar | تخمه مرغ‌های تازه‌ی تازه |

| | |
|-------------|--------------|
| Yavaş yavaş | یواش یواش |
| Çabuk çabuk | به سرعت |
| Kapı kapı | از در به در |
| Damla damla | قطره قطره |
| Sabah sabah | صبح اولِ صبح |

| | |
|-------------|------------------|
| Usul usul | آرام و به آهستگی |
| Rahat rahat | راحتِ راحت |
| Birer/birer | یک به یک |

با قرار دادن پیوند استفهامی -mı, -mi, -mü, -mu بین دو صفت تکرار شده می‌توان نوعی دیگر از صفات تکراری را ایجاد کرد:

| | |
|-------------------------|--------------------------|
| Beyaz mı beyaz dişler | دندان‌های سفیدِ سفید |
| Sıcak mı sıcak çörekler | کلوچه‌های داغِ داغ |
| Sarı mı sarı kumlar | شن‌های زردِ زرد |
| Uzun mu uzun yollar | راه‌های درازِ دراز |
| Taze mi taze yumurtar | تخمه مرغ‌های تازه‌ی تازه |

زوج صفت‌ها

| صفت | متضاد |
|----------|-------------|
| güzel | zشت |
| daha iyi | بدتر |
| büyük | کوچک |
| ucuz | گران |
| erken | دیر |
| kolay | سخت |
| serbest | مشغول |
| dolu | خالی |
| iyi | بد |
| ağır | سبک |
| burada | آنجا |
| sıcak | سرد |
| yakın | دور |
| gelecek | پایان |
| ihtiyar | جوان |
| eski | جدید |
| açık | بسته |
| çabuk | کند، یواش |
| doğru | اشتباه، غلط |
| | çirkin |
| | daha kötü |
| | küçük |
| | pahalı |
| | geç |
| | zor |
| | meşgul |
| | boş |
| | kötü |
| | hafif |
| | orada |
| | soğuk |
| | uzak |
| | son |
| | genç |
| | yeni |
| | kapalı |
| | yavaş |
| | yanlış |

صفت ترکیبی:

emalı pasta
muzlu süt
Şekersiz çay
dalgın çocuk
uyuyan köpek

کیک سیب
شیر موز
چای بدون شکر
کودک حواس پرت
سگی که خواب است

صفت نسبی:

صفتی است که اهلیت و نسبییت کسی و شیئی را بیان می کند. این صفت به دو شکل صرف می شود:

۱- به شکل ضمیر ملکی

۲- با کمک حرف آ- اضافی

Atatürk bizim halkımızın oğludur
İstanbul şehri güzeldir.
bu ağaç elma ağacıdır.

آتاتورک فرزند خلق ما است.
شهر استانبول زیبا است.
این درخت، درخت سیب است.

صفت رتبه‌ای (مقام):

صفت رتبه‌ای صفتی است که رتبه و مقام کسی یا چیزی را بیان کند:

serin su
zengin adam

آب خنک
آدم ثروتمند

صفت تشبیهی:

صفتی است که نسبت مشابهی را بیان می کند:

bu kız çiçek gibidir.
bu oğlan pehlivan gibidir.

این دختر مثل یک (دسته) گل است.
این پسر مانند پهلوانان است.

صفت وصفی:

صفاتی هستند که کم و کیف ذاتی اشیا و اشخاص را بیان می دارند مانند:

karlı dağ
yeşil yaprak
yüce dağ
sarı gül

کوه برفی
برگ سبز
کوه بلند
گل زرد

doğru söz

حرف درست

اشیا و پدیده‌ها به اندازه مشخصات و اوصاف گوناگون خود واجد صفات وصفی هستند و به همین جهت صفات وصفی در هر زبان قسمت اصلی صفت‌ها را تشکیل می‌دهند. صفات وصفی در گرامر زبان‌های مختلف به اشکال گوناگونی تقسیم بندی می‌شوند ولی هیچ یک از این تقسیم بندی‌ها از نظر دستور زبان حائز اهمیت اساسی نیست.

رنگ‌ها

| | |
|--------------------------|---------------------|
| Siyah (Farsi - (Simsiyah | سیاه - سیاه سیاه |
| Kara-Kapkara | سیاه - سیاه سیاه |
| Beyaz - Bembeyaz | سفید - سفید سفید |
| Kırmızı - Kıpkırmızı | قرمز - قرمز قرمز |
| Mavi - Masmavi | آبی - آبی آبی |
| Turuncu | نارنجی |
| Yeşil - Yemyeşil | سبز - سبز سبز |
| Mor - Mosmor | بنفش - بنفش بنفش |
| Pembe - Pespembe | صورتی - صورتی صورتی |
| Kahverengi | قهوه‌ای |
| Sarı- Sapsarı | زرد - زرد زرد |
| Gri | خاکستری |
| Renk / Rengi | رنگ |
| Açık Renkli | رنگ روشن |
| Açık yeşil | سبز روشن |
| Koyu Renkli | رنگ تیره |
| Koyu gri | خاکستری تیره |
| Turkuaz | فیروزه‌ای |
| Lacivert | لاجوردی |
| Gümüş Renkli | نقره‌ای |
| Eflatun | یاس بنفش |
| Macenta | سرخابی |
| Bej | بژ |
| Bordo | شرابی |
| Altın Renkli | طلایی |
| Ak (ترکی قدیم) | سفید |
| Al (ترکی قدیم) | قرمز |

مثال:

| | | | |
|----------------|----------------|---------------------|--------------------|
| Limon sarıdır | لیمو زرد است. | Yaprak yeşildir | برگ سبز است. |
| Kan kırmızıdır | خون قرمز است. | Kömür siyahtır | زغال سیاه است. |
| Süt beyazdır | شیر سفید است. | Potakal Turuncudur | پرتغال نارنجی است. |
| Gök mavidir | آسمان آبی است. | Kahve kahverengidir | قهوه قهوه‌ای است. |

اقسام صفت از نظر مفهوم و مدلول

صفات حالات و چگونگی اشیا و پدیده‌ها را به دو شکل نشان می‌دهند. گروهی از صفات اوصاف ذاتی و درونی اشیا و پدیده‌ها و گروه دیگر موقعیت خارجی آن‌ها را تعیین می‌کنند. صفاتی که اوصاف و مشخصات ذاتی نمودها و موجودات را بیان می‌دارند، صفات وصفی و صفاتی که وضع بیرونی اشیا را معین می‌کنند، صفات تعیینی می‌توان نامید.

الف) صفات وصفی:

صفات هستند که کم و کیف ذاتی اشیا و اشخاص را بیان می‌دارند. مانند:

yeşil yaprak (برگ سبز)، çürümüş ağaç (درخت پوسیده)، doğru söz (حرف راست)، yüce dağ (کوه بلند)، parlak yıldız (ستاره تابناک) و...

اشیا و پدیده‌ها به اندازه‌ی مشخصات و اوصاف گوناگون خود واجد صفات وصفی هستند و به همین جهت صفات وصفی در هر زبان قسمت اصلی صفت‌ها را تشکیل می‌دهند.

صفات وصفی در گرامر زبان‌های مختلف به اشکال گوناگونی تقسیم بندی می‌شوند ولی هیچ یک از این تقسیم بندی‌ها از نظر دستور زبان حائز اهمیت اساسی نیست.

ب) صفات تعیینی:

صفات تعیینی، بر خلاف صفات وصفی کاری به اوصاف ماهوی موصوف نداشته و تنها موقعیت زمانی و مکانی و کمی آنرا معلوم می‌کنند. موقعیت و وضع خارجی موجودات را از جهات مختلفی می‌توان تعیین کرد، مثلاً در یکجا ممکن است شیئی از نظر دوری یا نزدیکی آن، در جای دیگر از نظر تعداد و درجای سوم از لحاظ معلوم و یا بود و نبود آن توصیف گردد. از این نقطه نظر صفات تعیینی به چهار گروه تقسیم می‌شوند.

۱- صفات اشاره ۲- صفات عددی ۳- صفات استفهامی ۴- صفات نامعین

۱- صفت اشاره

صفت اشاره در اصل، دو لفظ «این» و «آن» هستند وقتی که همرا اسمی بیایند و بدان اشاره کنند. البته شکل‌های دیگر از این صفت وجود دارد که در زیر مشاهده می‌کنید:

| | |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| Bu kalem | این قلم |
| Şu pencere | این پنجره |
| O araba | آن ماشین |
| Öteki çocuk | آن یکی بچه |
| Beriki bisiklet | دوچرخه این طرفی |
| Dolaptaki elbise | لباس درون کمد |
| Beriki dağ | کوه این طرفی |
| Öteki kitap | کتاب دیگری، آن یکی کتاب |
| Yoldaki araba | ماشین در راه |
| Bu soruyu kim cevaplayacak? | این سؤال را چه کسی می‌خواهد جواب دهد؟ |
| Kitabı şu genç almıştı. | کتاب را این جوان خریده بود. |
| O eşyaları nereye götürüyorsun? | آن وسایل را به کجا دارید می‌برید؟ |
| Öteki sorulara geçiniz. | به آن یکی سؤال‌ها بروید. |
| Beriki masaları da taşıdık. | میزهای مجاور را نیز جا به جا کردیم. |

۲- صفات عددی

صفاتی هستند که شماره اشیا و اشخاص را بیان می‌دارند. هرگاه در ترکیب وصفی، صفت از نوع عدد باشد، موصوف را معدود نیز می‌توان نامید اعداد در اصل و به خودی خود نام شماره‌ها هستند ولی وقتی با موصوف همراه باشند، صفت آن محسوب می‌گردند.

صفات عددی به نوبه‌ی خود صفات عددی اصلی، ترتیبی، کسری، گروه عددی و شمارشی توزیعی تقسیم می‌شوند.

صفات عددی اصلی، شماره‌ی معدود را بیان می‌دارند. مانند: bir dağ (یک کوه)، üç kuş (سه پرنده)، beş elma (پنج سیب)، yüz yıl (صد سال).

صفات عددی اصلی مانند سایر انواع صفت وقتی همراه معدود باشند، حالت صفت در صورتی که به طور مستقل به کار روند، موقعیت اسم را قبول می‌کنند.

صفات عددی اصلی با اینکه به استثنای bir (یک) همگی به کثرت دلالت می‌کنند، معدودی که همراه این اعداد می‌آید، عموماً حالت مفرد دارد. با وجود این در زبان خلق از دیر باز به مواردی از نوع Kırk Haramîler (چهل حرامی‌ها) و Yedi kardeşler (هفت برادران) که در آن‌ها معدود علامت جمع به خود پذیرفته است، می‌توان برخورد.

صفات عددی اصلی وقتی برای بیان شماره‌های حرکت به کار روند از شماره‌ی بزرگ‌تر آغاز شده و به شماره‌ی کوچک‌تر ختم می‌شوند. مانند: elli üç (۵۳)، yüz otuz altı (۱۳۶)، onbin ikiyüz altmış (۱۰۲۶۰) و الی آخر.

صفات عددی ترتیبی، مرتبه و درجه‌ی معدود را بیان می‌دارند. مانند:

| | |
|----------------|-------------|
| birinci gün | اولین روز |
| üçüncü kadın | سومین زن |
| beşinci bölüm | پنجمین قسمت |
| onaltıncı asır | قرن شانزدهم |

به طوری که در مثال‌های فوق دیده می‌شود، صفات عددی با افزودن پیوند -Incl- به آخر اعداد اصلی به دست می‌آیند.

کلمه ilk مترادف birinci است:

از اولین جاده به راست بپیچید.
 İlk (birinci) caddeden sağa dönün.
 کلمات son (آخر، نهایت، انتها، انجام، انتها، آخرین، پایان)، sonuncu (آخرین) و ortanca (میانی، وسطی، میانه) نیز جزو صفات عددی ترتیبی بشمار می‌روند:

| | |
|---------------|----------------------|
| son fırsat | آخرین فرصت |
| ortanca çocuk | کودک میانی، بچه وسطی |
| sonuncu kişi | آخرین شخص |

صفات عددی کسری یک یا چند قسمت مساوی از معدود را تعیین می‌کنند . مانند :

| | |
|---------------------|----------------------|
| üçte bir | یک سوم |
| onda iki | دو دهم |
| yüzde kırkbeş | چهل و پنج درصد |
| Yüzde bir ihtimal | احتمال یک در صد |
| yarım ekmek | نصفه نان |
| çeyrek (dörtte bir) | چارک، ربع (یک چهارم) |
| yarıyıl | نیمسال |
| iki buçuk lira | یک و نیم لیره |

وجه مشخص اعداد کسری قبول پیوند -DA- بوده به علاوه نحوه ترکیب آن‌ها بیش از ترکیب وصفی به حالات ترکیبی اسم شباهت دارد . مثال‌های elmanın üçte biri (یک سوم سیب‌ها)، yolun yüzde ellisi (پنجاه درصد راه)، halkın onda ikisi (دو دهم مردم) از نظر شکل پیوند و تقدم و تأخر طرفین ترکیب، به حالت اضافه رفته است.

صفت گروه عددی معادل قلو و گانه در فارسی است. مثال:

| | |
|----------------|-----------------|
| İkiz çocuk | بچه دوقلو |
| Üçüz bebek | نوزاد سه قلو |
| beşiz çocuklar | بچه‌های پنج قلو |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

صفت شمارشی توزیعی، موصوف (معدود) را به بخش‌های برابر تقسیم می‌کند و توسط پیوند er(Ş)- ساخته می‌شود.
مثال:

Üçer kişi

سه نفر سه نفر

Her kese ikişer elma verin.

نفری دو تا سیب بدهید.

ellişer milyon

پنجاه میلیون پنجاه میلیون

birer gün arayla

یک روز در میان

۳- صفت پرسشی

صفاتی هستند که موقعیت موجودات را به صورت پرسش مشخص می‌سازند. شناخته‌ترین این صفات عبارتند از:
kaç (چند؟)، که در مقام پرسش از کمیت و مقدار موصوف به کار می‌رود. مانند: kaç kişi (چند نفر).
hangi (کدام؟)، که در مقام پرسش از هویت موصوف به کار می‌رود. مانند: hangi gün (کدام روز).
nasıl (چطور؟) که در مقام پرسش از کمیت موصوف به کار می‌رود. مانند: nasıl iş (چطور کاری).
nerdeki (کدام؟) که در مقام پرسش از مکان موصوف به کار می‌رود. مانند: neredeki ev (کدام خانه؟).

Nasıl çocuk?

چطور کودکی؟

Hangi okul?

کدام مدرسه؟

Kaç para?

چقدر پول؟

Kaçar elma?

چند تا سیب تا سیب؟

Kaçta kaç pasta?

چقدر پاستا در چقدر؟

Kaçıncı çocuk?

چندمین کودک؟

Ne biçim böcek?

چه نوع از حشره؟

Ne tür bitki?

چه نوع گیاهی؟

Ne çeşit meyve?

چه نوع میوه؟

Ne kadar karpuz?

چقدر هندوانه؟

Neredeki ev?

کدام خانه؟

Hangi çılgın bana zincir vuracakmış şaşarım.

کدام دیوانه می‌خواسته به من زنجیر بزند متحیرم.

Kaçıncı sınıfta okuyor?

در چه مقطعی می‌خواند؟

Ne gün geleceğini söyledi mi?

آیا گفت چه روزی می‌خواهد بیاید؟

Kaçar kişilik gruplar hâlinde gideceğiz?

در گروه‌های چند نفره خواهیم رفت؟

Kaçta kaç hisse istersin?

سهم چند به چند می‌خواهی؟

نکته: کلمه ne می‌تواند به عنوان صفت، قید و ضمیر بکار رود:

Ne bakıyorsun?

قید

چیه نگاه می‌کنی؟

Ne almak istiyorsun?

ضمیر

چه می‌خواهی بگیری؟

| | | |
|------------------------|-----|--------------------------|
| Ne gün geleceksin? | صفت | چه روزی می خواهی بیایی؟ |
| Ne iş yapıyordunuz? | صفت | چه کار داشتید می کردید؟ |
| Bugün ne çalıştık ama. | قید | امروز عجب کار کردیم اما. |

۴- صفتهای مبهم

صفاتی هستند که مشخصات اشیا را به طور نامعین معلوم می کنند و مهم ترین آن ها عبارتند از:

bir (یک - و به مفهوم یائی وحدت که در فارسی به آخر اسم می آید).

این کلمه علاوه بر اینکه در ردیف اعداد اصلی به کار می رود، در مورد نمایاندن موجودات به طور نامعین نیز استعمال می شود: bir gün (یک روز - روزی)، bir taş (یک سنگ - سنگی).

bütün (تمام، همه) که جمع نامعین موصوف را می رسانند : bütün gece (تمام شب)، bütün çocuklar (همه ی بچه ها).

aynı - başka (دیگر) که نامعین و ناشناس بودن موصوف را بیان می آند. başka yer (جای دیگر)، aynı şey (چیز دیگر).

علاوه بر این ها کلماتی از نوع çok (بسیار)، az (کم) نیز که در اصل قید محسوب می شوند، وقتی قبل از اسم قرار گرفته و بر تعداد نامعین آن دلالت کنند، صفت محسوب می گردند. مانند çok iş (خیلی کار)، az söz (حرف کم).

| | |
|--------------------|--------------------------|
| Biraz süt | یک کم شیر |
| Birkaç çocuk | تعدادی کودک |
| Birçok insan | برخی از مردم |
| Birtakım kuşlar | یک دسته از پرنده ها |
| Her anne | هر مادر |
| Başka gün | روز دیگر |
| Herhangi bir konu | هیچ موضوعی |
| Hiç bir zaman | هیچ وقت |
| Beş on defter | پنج تا ده دفتر |
| Üç beş ay | سه پنج ماه (سه چهار ماه) |
| Bütün yıl | تمام سال |
| Bir gün | یک روز |
| kimi insanlar, | بعضی انسان ها |
| bir yaz günü, | یک روز تابستان |
| bazı sıfatlar | یعضی صفات |
| herhangi bir zaman | هر زمانی |
| her soru, | هر سوال |
| birtakım insanlar, | یک دسته انسان |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

birkaç kişi, چند نفر

Birçok seneler geçti; dönen yok seferinden.

خیلی سال گذشت؛ خبری از کسی باید از سفر برگرده نیست.

tüm insanlar, تمام انسان‌ها

شماخص:

شماخص‌ها عناوین و القابی برای درجه، رتبه، شغل و موقعیت اجتماعی افراد هستند که بدون نشانه و یا نقش نمایی پیش یا پس از اسم می‌آیند و نزدیک‌ترین وابسته به هسته گروه اسمی‌اند و به سه شکل زیر بکار می‌رود:

قبل از اسم:

Doktor Mehmet

دکتر محمد

Yüzbaşı Hasan

سروان حسن

Bay Reza

آقا رضا

Demirci Ahmet

احمد آهنگر

بعد از اسم:

Ahmet Bey

احمد آقا

Ayşe Hanım

عایشه خانم

Hasan Yüzbaşı

سروان حسن

Mustafa Kemal Paşa

ژنرال مصطفی کمال

قبل و بعد اسم به همراه هم:

Öğretmen Ayşe Hanım

خانم معلم عایشه

Doktor Mehmet Bey

آقا دکتر محمد

Makinist Ahmet Usta

استاد احمد مکانیک

ضمیر (ZAMİR)

ضمایر به آن دسته از کلمات وصفی گفته می‌شود که اشیا و اشخاص را به اشاره و کنایه نشان می‌دهند و به همین لحاظ در کتاب‌های دستور زبان از آن‌ها به عنوان کنایات نیز نام می‌برند، تمایز اساسی ضمایر با اسامی در آنست که اسم نماینده لفظی و رمز شناسایی خود موجودات و پدیده‌ها است و بر زبان رانند آن‌ها خواه به طور مستقل و خواه در حین کلام مفهوم آن شی و پدیده را در ذهن ایجاد می‌کند، در صورتی که ضمیر رمز اشاره اشیا و اشخاص است که به خودی خود دارای مصداق نبوده و تنها در حین کلام و به شکل گذرا به جای اسم مورد نظر می‌نشیند و از تکرار آن

جلوگیری می‌کند و موجب ایجاز و اختصار در کلام می‌گردد. همین خصوصیت ضمیرها، یعنی عدم دلالت آن‌ها به نفس و ذات موجودات موجب می‌گردد که دایره شمول این کلمات وصفی از اسم وسیع‌تر و همگانی‌تر باشد، هر اسم شامل فرد یا جنس مشخصی از اشیا و اشخاص و نموده‌ها است در حالی که ضمیر اشخاص و اشیا بی‌شماری را می‌تواند نشان دهد. به عنوان مثال: اسامی çocuk (کودک) و yaprak (برگ) به غیر از خود این موجودات بر ذات دیگری دلالت نمی‌کند. در حالی که ضمیر bu (این) شامل کودک و برگ و درخت و کوه و سنگ و آب و آتش و خاک و باد خلاصه هر آنچه را که بتوان به اشاره نشان داد می‌گردد. جنبه همگانی و وسعت شمول ضمیرها در زبان موجب می‌گردد که تعداد آن‌ها نسبت به شماره اسامی بسیار محدود باشد. به طوری که برای نشان دادن هزارها اسم تعداد انگشت شماری از ضمائر کفایت می‌کند. وسعت شمول ضمائر، آن‌ها را تا حد زیادی از پذیرش پیوندهای توصیفی نیز بی‌نیاز می‌سازد و این نیز یکی دیگر از جنبه‌های تمایز ضمیر از اسم است.

انواع ضمائر

۱. ضمائر شخصی ۲. ضمائر انعکاسی ۳. ضمائر اشاره ۴. ضمائر مبهم ۵. ضمائر پرسشی ۶. ضمیر نسبی ۷. ضمیر ملکی

۱- ضمائر شخصی

| | | | |
|-----|--------|-------|--------------|
| ben | من | biz | ما |
| sen | تو | siz | شما |
| o | او، آن | onlar | آن‌ها، ایشان |

در ترکی برای الفاظ او (مذکر)، او (مؤنث) و آن (اشیا، حیوانات) فقط O بکار می‌برند. Sen (تو) را در روابط خودی برای افراد خانواده، دوستان نزدیک، بچه‌ها و ... و Siz (شما) را در روابط رسمی و محترمانه برای بزرگ‌ترها، آشنایان دور، مکاتبات رسمی و به عنوان ضمیر جمع sizler (شماها) بکار می‌برند.

جدول تصریفی ضمائر شخصی

| | | | | | | |
|--------|--------|-------|--------|--------|----------|-------------------|
| ben | sen | o | biz | siz | onlar | ضمائر شخصی: |
| من | تو | او | ما | شما | آن‌ها | |
| bana | sana | ona | bize | size | onlara | حالت تأثیر «به»: |
| به من | به تو | به او | به ما | به شما | به آن‌ها | |
| bende | sende | onda | bizde | size | onlarda | حالت تخصیص «در»: |
| در من | در تو | در او | در ما | در شما | در آن‌ها | |
| benden | senden | ondan | bizden | sizden | onlardan | حالت انفکاک «از»: |

| | | | | | | |
|---------|---------|--------|---------|---------|-----------|--------------------|
| از من | از تو | از او | از ما | از شما | از آنها | حالت گرایش «را»: |
| beni | seni | onu | bizi | sizi | onları | |
| من را | تو را | او را | ما را | شما را | آنها را | |
| benle | senle | onla | bizle | sizle | onlarla | حالت واسطه «با»: |
| با من | با تو | با او | با ما | با شما | با آنها | |
| benim | senin | onun | bizim | sizin | onların | حالت اضافه ملکی: |
| مال من | مال تو | مال او | مال ما | مال شما | مال آنها | |
| benimle | seninle | onunla | bizimle | sizinle | onlarınla | حالت ملکی و واسطه: |
| با من | با تو | با او | با ما | با شما | با آنها | |

اگر دقت کرده باشید در حالت تأثیر دو ضمیر شخصی ben (من) و sen (تو) به ترتیب تبدیل به ban و san می‌شود.
bana (به من) ، sana (به تو)

ضمیر متصل به فعل

همانطور که از اسم آن مشخص است. یعنی ضمیری هستند که به آخر فعل افزوده می‌شوند و بدین ترتیب زیر می‌باشند:

| | | | |
|---------------------------------|----------------|---------------------------|-----------------|
| -iz , -iz , -uz , -üz | در اول شخص جمع | -im , -im , -um , -üm | در اول شخص مفرد |
| -sınız , -sınız , -sunuz -sünüz | در دوم شخص جمع | -sın , -sın , -sün , -sun | در دوم شخص مفرد |
| -lar , -ler | در سوم شخص جمع | - | در سوم شخص مفرد |

مثال:

در جدول زیر زمان حال ساده از مصدر gelmek (آمدن) صرف شده است:

| | | |
|------|----------------|--------------|
| مفرد | | |
| ۱ | Ben gelirim | من می‌آیم |
| ۲ | Sen gelirsin | تو می‌آیی |
| ۳ | o gelir | او می‌آید |
| جمع | | |
| ۱ | Biz geliriz | ما می‌آییم |
| ۲ | Siz gelirsiniz | شما می‌آیید |
| ۳ | Onlar gelirler | آنها می‌آیند |

۲- ضمیر انعکاسی (Dönüşlülük zamiri)

ضمیر انعکاسی کلمه است که از تکرار مجدد ضمیر در جمله جلوگیری می‌کند این ضمیر پایانه‌های شخصی به خود می‌گیرد:

| | | | |
|------------|---------|-----------------|--------------|
| ben kendim | من خودم | biz kendimiz | ما خودمان |
| sen kendin | تو خودت | siz kendiniz | شما خودتان |
| o kendisi | او خودش | onlar kendileri | آن‌ها خودشان |

اگر این کلمه دوباره در جمله تکرار شده باشد نشان دهنده آن است که عمل به تنهایی انجام گرفته است:

Kendi kendine oynuyor. او تنها بازی می‌کند.

Kendi kendime oturuyorum. من خودم تنها نشسته‌ام.

Kendi kendine konuşuyor خودش با خودش دارد صحبت می‌کند.

kendi kendime öğrendim خودم آموز یاد گرفتم.

Tabiatın pek nafile yere bana verdiği bu gençlik hazinesinin kendi kendine tükenip gittiğine sızladım...

از این که این گنج جوانی که طبیعت به من داده بود خیلی بی خود و الکی خودش برای خودش نابود شد و رفت سوختم

مثال‌های دیگر:

saçını kendin mi kestin? آیا موهایت را خودت کوتاه کردی؟

hayır kestirdim. خیر، دادم کوتاه کردند.

Örtüyü kendin mi ütüledin? آیا لباس‌ها را خودت اتو کردی؟

Hayır, ütülettim. خیر، دادم اتو کردند.

Yalnız kendisini düşünen kardeş, ne kardeştir ne akraba.

برادر که در بند خویشست، نه برادر و نه خویشست.

۳- ضمائر اشاره (İşaret zamirleri):

ضمایری هستند که برای نشان دادن دوری یا نزدیکی موجودات به کار می‌روند. ضمائر اشاره در زبان ترکی استانبولی bu و şu (این) و o (آن) است. این ضمائر نیز در قبول پیوندهای جمع و حالت از اسم پیروی می‌کنند:

| | | | | | | |
|--------|--------|-------|-----------|-----------|----------|-------------------|
| bu | şu | o | bunlar | şunlar | onlar | ضمائر شخصی: |
| این | این | آن | این‌ها | این‌ها | آن‌ها | |
| buna | şuna | ona | bunlara | şunlara | onlara | حالت تأثیر «به»: |
| به این | به این | به آن | به این‌ها | به این‌ها | به آن‌ها | |
| bunda | şunda | onda | bunlarda | şunlarda | onlarda | حالت تخصیص «در»: |
| در این | در این | در آن | در این‌ها | در این‌ها | در آن‌ها | |
| bundan | şundan | ondan | bunlardan | şunlardan | onlardan | حالت انفکاک «از»: |

| | | | | | | |
|---------|---------|--------|------------|------------|-----------|--------------------|
| از این | از این | از آن | از این‌ها | از این‌ها | از آن‌ها | حالت گرایش «را»: |
| bunu | şunu | onu | bunları | şunları | onları | |
| این را | این را | آن را | این‌ها را | این‌ها را | آن‌ها را | |
| bunla | şunla | onla | bunlarla | şunlarla | onlarla | حالت واسطه «با»: |
| با این | با این | با آن | با این‌ها | با این‌ها | با آن‌ها | |
| bunca | şunca | onca | bunlarca | şunlarca | onlarca | حالت برابری: |
| این همه | این همه | آن همه | این همه | این همه | آن همه | |
| bunun | şunun | onun | bunların | şunların | onların | حالت اضافه ملکی: |
| مال این | مال این | مال آن | مال این‌ها | مال این‌ها | مال آن‌ها | |
| bununla | şununla | onunla | bunlarınla | şunlarınla | onlarınla | حالت ملکی و واسطه: |
| با این | با این | با این | با این‌ها | با این‌ها | با آن‌ها | |

گفتنی است دو ضمیر اشاره به نزدیک، مثل *bu*, *şu*, *bu* اشیا و افراد را در نزدیکی نشان می‌دهد. فرق در این است که وقتی چیزی کاملاً در نزدیکی ما قرار دارد و می‌توانیم بدون زحمت آن را نشان داده و اشاره کنیم از ضمیر اشاره به نزدیک *şu* و اگر چیزی در نزدیکی ماست؛ ولی برای دست زدن به آن باید کمی خم شده و قدمی فراتر بگذاریم، آن زمان از ضمیر اشاره به نزدیک *bu* بهره می‌جویم. همچنین *şu* در جملاتی که با احساس ترحم، بی تفاوتی، بی‌علاقگی و یا کوچک شمردن همراه است کاربرد فراوان دارد:

Şu çocuğa birkaç Kuruş verelim.

بیا به این بچه کوچک (طفلك بیچاره) چند سکه (قروش، از اجزای پول ترکیه) بدهیم.

Şunca/şuncacık, yaradan ölmezsin.

تو با این زخم کوچک نمی‌میری!

bu, şu, o به تنهایی صورت جمع می‌گیرند اما قبل از اسم‌های جمع همانند فارسی همچنان مفرد باقی می‌مانند:

این پرده‌ها *bu perdeler* این‌ها *bunlar*

پیوندهای *-ra*, *-re* به هر سه ضمیر فوق اضافه می‌شوند و محل را نشان می‌دهند *şu-ra*, *o-ra*, *bu-ra* اگر چه

این سه شکل، مبنایی برای پذیرفتن پیوندهای بعدی نیز می‌شوند:

از آنجا *oradan* در اینجا *burada*

به همین ترتیب *-re* را به *ne* (چه) می‌افزایند تا مبنایی برای پذیرفتن پیوندهای دیگر بشود:

محل تولدتان کجاست؟ *Doğum yeriniz neresi?*

۴- ضمائر پرسشی (Soru Zamiri):

ضمایری هستند که هویت اشخاص و اشیا را به طریق پرسش تعیین می کنند. رایج ترین ضمائر استفهامی در زبان ترکی استانبولی عبارتند از:

| | | | |
|-------|------|----------|---------|
| kim | که | kimler | که ها |
| ne | چه | neler | چه ها |
| hangi | کدام | hangiler | کدام ها |
| kaç | چند | | |

مثال:

| | |
|------------------------|-----------------------------|
| Ne alacaksın? | چه می خواهی بخری؟ |
| Kim gelecek? | چه کسی خواهد آمد؟ |
| Kaçı aldın? | (به) چند خریدی؟ |
| Kaçını yaptın? | چندمی را انجام دادی؟ |
| Nereye gideceksin? | به کجا می خواهی بروی؟ |
| Neyi beğendin? | چه چیزی را پسندیدی؟ |
| Nereden geliyorsun? | از کجا می آیی؟ |
| Marketten neler aldın? | از مارکت چه چیزهایی خریدی؟ |
| Geziye kimler gidecek? | چه کسانی به تور خواهند رفت؟ |
| Neyi seçtin? | چه چیزی را انتخاب کردی؟ |

۵- ضمائر مبهم (Belgisiz Zamir):

ضمایری هستند که موجودات را به صورت نامعین نشان می دهند، ضمائر نامعین نیز هنگام تصریف پیوندهای حالت را قبول می کنند.

| | |
|--------------|----------------------------|
| Biri | یکی |
| birisi | یکی، یک کسی، یکی از آن |
| birileri | یک کسانی، برخی از، بعضی ها |
| birkaçı | چند تایی |
| kimisi | کسی، شخصی |
| hiç kimse | هیچ کس |
| bütün | همه، تمام، کلیه |
| başka biri | کسی دیگر |
| Öteki | آن دیگری، آن یکی، دیگری |
| Ötekisi | کسی دیگر |
| Öteki beriki | هرکس، هرکس و ناکس |
| falan | فلان، فلانی |
| falanca | فلانی |

| | |
|-----------|---------------------------|
| falanca | فلانی |
| kimse | کسی، هرکس، هیچ کس |
| herkes | هر کس |
| tümü | هم آن، همه اش |
| pek çoğu | بسیاری، بیش ترش |
| hepsini | همه، همه آن را، همه اش را |
| bazısı | بعضی از آن، برخی از |
| hiçbirini | هیچ کدام، هیچ کدام را |
| hiçbirisi | هیچ کدامش |
| her biri | هر یک |
| başkası | دیگر، دیگری |
| başkaları | دیگران، برخی دیگر |
| bir kısmı | برخی از |
| öbürsü | آن دیگری، دیگری، آن یکی |
| öbürleri | آن یکی‌ها، دیگران |

مثال:

| | |
|--------------------------------------|----------------------------------|
| Biri yemeğini yemedi. | یکی غذايش را نخورد. |
| Birisi okula gelmedi. | یکی به مدرسه نیامد. |
| Kimse incinmesin. | هیچ کس دلخور نشود. |
| Çocukların tümü otobüse binsin... | تمام بچه‌ها سوار اتوبوس شوند. |
| Bir kısmı içeride kalsın. | بخشی داخل بمانند. |
| Bunlar gitsin, öbürleri gelsin. | این‌ها بروند، آن یکی‌ها بمانند. |
| Çocukların hiçbirini geziye gitmiyor | هیچ یک از بچه‌ها به تور نمی‌رود. |

چند مثال دیگر:

| | |
|---|-----------------------------------|
| Öteki evi aldık - صفت اشاره | آن یکی خانه را خریدیم. |
| Ötekini aldık - ضمیر اشاره | آن یکی را گرفتیم. |
| Şu bölüme bakla ektik - صفت اشاره | در این قسمت باقلا کاشتیم. |
| Şuraya bakla ektik - ضمیر اشاره | اینجا باقلا کاشتیم. |
| O kısmı çapaladık - صفت اشاره | آن قسمت را بیل زدیم. |
| Orasını çapaladık - ضمیر اشاره | آنجا را بیل زدیم. |
| Böyle insan görmedim - صفت اشاره | این جور انسان ندیدم. |
| Böylesini görmedim - ضمیر اشاره | این جوریش را ندیدم. |
| Öyle adamdan hiçbir şey olmaz - صفت اشاره | از چنین مردی هیچ چیزی در نمی‌آید. |

از چنین چیزی هیچ چیز در نمی‌آید. ضمیر اشاره - Öylesinden hiçbir şey olmaz

ضمایر از نظر ساختار

۱. ضمایر ساده ۲. ضمایر مرکب ۳. ضمایر گروهی ۴. ضمایر پیوندی

نحوه صرف مصدر imek (هستن، بودن)

تنها فعل بی قاعده زبان ترکی است که در نقش فعل امدادی، در دایره بسیار وسیعی عمل می‌کند. این فعل به علت داشتن قابلیت الحاق به آخر کلیه اشکال وصفی و فعلی، نام فعل معین یا امدادی اصلی و به مناسبات حالت فعل بخشیدن به اسم، نام فعل اسمی بر خود دارد.

فعل imek به صورت مستقل بی فایده بوده و به همین جهت از قبول پیوندهای توصیفی برکنار مانده و حالت مصدری آن یعنی ایمک نیز در کلام مورد استعمال ندارد.

اشکال تصریفی فعل imek در عین حال که فی نفسه و در خارج از سلسله کلام فاقد معنی هستند، استعداد و نرمش فوق‌العاده‌ای در الحاق به آخر انواع کلمات وصفی و فعلی دارند.

فعل imek از تمام وجوه و زمان‌ها فعل، زمان حال، ماضی مطلق، ماضی استمراری و وجه شرط را دارد.

زمان حال فعل imek فاقد شکل مستقل است و تنها به صورت پیوندهای فعلی به آخر عده کثیری از کلمات وصفی الحاق یافته و حالت فعلی زمان حال آن‌ها را به وجود می‌آورد.

در زبان ترکی ضمایر شخصی را به وسیله ریشه مصدر imek صرف می‌کنند. مصدر مذکور عملکردی همانند مصدر «بودن» در فارسی دارد که به همان معنی نیز بکار گرفته می‌شود. خود مصدر imek به شکل «بودن» مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، بلکه صرف آن به شکل «هستم»، «هستی» به کار گرفته شده و برای ضمایر شخصی صرف می‌شود:

| علامت صرفی | ترکی | فارسی | |
|------------|-----------------|-------|-------------------|
| im | Benim | آم | هستم (منم) |
| sin | Sensin | ای | هستی (تویی) |
| dur | Odur | ت | هست (او هست) |
| iz | Biziz | یم | هستیم (ماییم) |
| siniz | Sizsiniz | ید | هستید (شما یید) |
| (dır) lar | Onlar (dır) lar | ند | هستند (آن‌ها یند) |

| شخص | بعد از حروف نرم | بعد از صامت‌های خشن ç, f, h, k, p, s, ş, t | بعد از مصوت‌ها |
|---------|--------------------|---|------------------------|
| من هستم | -im, -ım, -üm, -um | - | -yim, -yım, -yüm, -yum |

| | | | |
|-------------|------------------------------------|-------------------------------------|------------------------|
| تو هستی | -sin, -sın, -sün, -sun | - | - |
| او هست | (dir, -dır, -dür, -dur) | (tir, -tır, -tür, -tur) | - |
| ما هستیم | -iz, -ız, -üz, -uz | - | -yiz, -yız, -yüz, -yuz |
| شما هستید | -sınız, -sınız, -sünüz, -sunuz | - | - |
| آن‌ها هستند | (dirler, -dırlar, dürler, -durlar) | (tirler, -tırlar, -türler, -turlar) | - |

صرف فعل «imek» را پیوند صرفی و یا ضمیر متصل شخصی نیز می‌نامیم. «Ben varım» و «Benim» (موجود بودن، هستی) در زبان فارسی معنی «من هستم» را می‌دهند.

Ben varım ,sen varsın ,o var (dır) ,biz varız ,siz varsınız ,onlar var (dır) lar

مثال‌های دیگر:

Sen benim gülüm**sün**

تو گل من هستی

Biz yorgun**uz**

ما خسته هستیم

Siz hastas**ınız**

شما مریض هستید

O güzel**dir**

او زیبا است

Onlar iy**iler**

آن‌ها خوب هستند

Ben kızgın**ım**

من عصبانی هستم

sen kısas**ın**

تو کوتاه هستی

Biz Türk**üz**

ما ترکیم

O İranlı**dır**

او ایرانی است

صرف مصدر imek در گذشته

| شخص | پیوند | پس از حروف خشن | بعد از مصوت‌ها |
|-------------|--------------------------------|--------------------------------|------------------------------------|
| من بودم | -dim, -dım, -düm, -dum | -tim, -tım, -tüm, -tum | -ydim, -ydım, -ydüm, -ydum |
| تو بودی | -din, -dın, -dün, -dun | -tin, -tın, -tün, -tun | -ydin, -ydın, -ydün, -ydun |
| او بود | -di, -dı, -dü, -du | -ti, -tı, -tü, -tu | -ydi, -ydı, -ydü, -ydu |
| ما بودیم | -dik, -dık, -dük, -duk | -tik, -tık, -tük, -tuk | -ydik, -ydık, -ydük, -yduk |
| شما بودید | -diniz, -dınız, -dünüz, -dunuz | -tiniz, -tınız, -tünüz, -tunuz | -ydiniz, -ydınız, -ydünüz, -ydunuz |
| آن‌ها بودند | -diler, -dılar, -düler, | -tiler, -tılar, -tüler, | -ydiler, -ydılar, -ydüler, |

| | | | |
|--|--------|--------|---------|
| | -dular | -tular | -ydular |
|--|--------|--------|---------|

مثال:

| | |
|--------------------------------------|----------------|
| genç i dim = gençtim | جوان بودم. |
| güzel i din = güzeldin | زیبا بودی. |
| sabah i di = sabahtı | صبح بود. |
| zengin i dik = zengindik | ثروتمند بودیم. |
| paralı i diniz = paralıydınız | پول دار بودید. |
| polis i diler = polistiler | پلیس بودند. |

قیدها (Zarflar) :

قیدها، آن عده از کلمات وصفی را در بر می‌گیرند که زمان و مکان و کم و کیف حرکت و کنش را بیان می‌دارند. قید نیز مانند صفت وقتی به طور مستقل و بدون داشتن وابستگی به کلمه‌ی دیگر در کلام شرکت می‌کند، در حکم اسم است. ولی وقتی برای توجیه معنی فعل و یا کلمه‌ی یکدیگر استعمال می‌شود، حالت قید به خود می‌گیرد. قیدها تا وقتی وظیفه‌ی اصلی خود، یعنی ایجاد تغییر در نحوه‌ی وقوع یا حدوث فعل را انجام می‌دهند، هیچ نوع پیوند تصریفی نمی‌پذیرند. ولی وقتی به جای اسم به کار روند، به قبول پیوندهای تصریفی تن در می‌دهند.

قیدها برای تغییر مفهوم صفت و یا قید دیگر نیز استعمال می‌شوند. ولی مورد مصرف اصلی قید با فعل است و از این نظر قیدها را صفات افعال نیز می‌توان نامید.

در زبان ترکی استانبولی، قید در نقش تعیین کننده، مانند صفت قبل از کلمه‌ی تعیین شونده قرار می‌گیرد و وقتی تعیین شونده فعل باشد، مطلقاً پیوند تصریفی نمی‌گیرد. مانند: içeri girmek (داخل شدن). حال اگر این ترکیب به صورت içeriye girmek استعمال شود، در حکم اسم متممی خواهد بود که پیوند تصریفی پذیرفته است.

اقسام قیدها از نظر مدلول و ساختمان کلمه**۱- قید زمان (Zaman Zarfları) :**

قیدهایی هستند که زمان وقوع فعل را بیان می‌دارند مانند:

| | |
|------------|--------------------|
| ansızın | ناگهان، غفلتاً |
| asla | هرگز، ابداً، اصلاً |
| birdenbire | ناگهان |
| bu akşam | امشب |

| | |
|---------------|--------------------------------------|
| bu gece | امشب |
| bu yıl | امسال |
| bugün | امروز |
| çabuk | زود |
| daha sonra | پس، بعد |
| daima | همیشه، همواره |
| derhal | بی درنگ، فوراً |
| devamlı | پیوسته |
| dün | دیروز |
| dün akşam | دیشب |
| dün gece | دیشب |
| erken | زود |
| eskiden beri | دیر باز، از گذشته تا کنون |
| geceleyin | شبانه، وقت شب |
| hemen | فوراً |
| her an | دم بدم، هر لحظه |
| her gece | همه شب، هر شب |
| her zaman | همیشه، همواره |
| zaman zaman | گاه گاه، بعضی مواقع ها، بعضاً |
| hiçbir zaman | هیچ گاه، هیچ وقت |
| iki gün sonra | پس فردا |
| ne vakit | چه وقت |
| sabah | صبح |
| ne zaman | هر وقت، چه هنگام، هر گاه، چه زمان |
| o zaman | آنگاه، پس |
| ondan önce | پیش از آن |
| ondan sonra | پس از آن، سپس |
| önceden | قبلاً |
| sonra | پس، بعد |
| şimdi | حالا، اکنون، حال، الآن، اینک |
| şimdiciik | فوراً، الآن، همین حالا |
| şimdiden | از حالا، از همین الآن |
| şimdilik | برای حال حاضر، برای همین الآن، فعلاً |
| yarın | فردا |
| yine | باز، باز هم، مجدداً، دوباره |

Zaman zaman buraya da uğrar.

گاه گاه به اینجا هم سر می‌زند.

Sabah sabah canımı sıkma.

سر صبح حوصله‌ام را سر نبر.

Çabuk ol.

زود باش.

Biraz çabuk ol.

کمی سریع باش.

Geceleyin bir ses böler uykumu içim ürpermeyle dolar-Nerdesin?

شبها صدایی خوابم را قطع می‌کند و درونم از وحشت پر می‌شود-کجایی؟

۲- قید مکان (Yer Zarfları):

قیدهایی هستند که مکان و جهت جریان فعل را نشان می‌دهند. مانند:

altına

تحت، زیر

altında

تحت، در زیر

alttaki

زیرین

beriki

در نزدیکی، این طرفی

arkasında

پس

aşağıdaki

زیرین

aşağısında

در زیرش

aşağıya

پایین

baştanbeşe

سراسر

bura

اینجا

burada

در اینجا

burası

اینجا، اینجایش

dışarı

بیرون

dışarıda

در بیرون

dışarısı

بیرونش

dışında

خارج، در بیرون

her nerede

هر جا

her neresi

هر جا، هر جایش

neresi

چه جایی، چه جایی

içeri

درون

içeride

درون، در داخل

içerisi

درون، درونش

karşıkarşıya

روبرو

karşısında

روبروی

| | |
|----------|------------------------|
| kenarda | کنار، در کنار |
| nerede | کجا، هر جا، در کجا |
| neresi | کجا، کجایش |
| ora | آنجا |
| oracıkta | همان جا |
| orada | آنجا، در آنجا |
| orası | آنجا، آنجایش |
| önünde | پیش، در جلوی، در جلویت |
| uzakta | دور، در دور دست |
| üstünde | بالای |
| üzerinde | بالای، در بالای |
| yakında | نزدیک، در نزدیک |
| yanında | پیش، در کنار |

۳- قید حالت (Hal Zarfları):

قیدهایی هستند که حالت و چگونگی فاعل یا مفعول را در حین انجام دادن یا انجام گرفتن کار می‌رساند. مانند:

| | |
|----------|-----------|
| ardarda | پیپی |
| boş yere | بیپهوده |
| boş | تهی، خالی |
| gülerek | خندان |
| kolay | آسان |
| nispeten | نسبتاً |
| tamamen | کاملاً |
| temiz | پاک، تمیز |
| tümüyle | کاملاً |
| yavaş | آهسته |
| zorla | به زور |

خود این نوع قید دارای تقسیم بندی هایی است:

الف: قیود توصیفی

این قید ها را در جملاتی که فعل آنها به nasıl (چطور) پاسخ می دهد، می توان یافت:

- بیشتر صفات توصیفی می توانند بعنوان قیود توصیفی بکار روند:

Eğri oturalım, doğru konuşalım.

کج بنشینیم، راست صحبت کنیم.

Düşüncelerini ne güzel dile getirebiliyorsun!

افکارت را چه زیبا می توانی به زبان بیاوری!

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Çocukça hareket ediyorsun. بچگانه رفتار می کنی.

Böyle gelmiş, böyle gider. چنین آمده و چنین می رود.

• کلماتی که پیوند برابری CE- و از گیوندهای حالت، پیوند واسطه یعنی پیوند IE- را به همراه خود دارند می توانند بعنوان قید حالت بکار روند

| | | | |
|----------|--------------------|------------|----------------------|
| kardeşçe | برادرانه، خواهرانه | hafifçe | به آسانی، به سبکی |
| gizlice | مخفیانه | yavaşça | به آرامی |
| sessizce | بی صدا | hızlıca | به سرعت، با شتاب |
| hızla | با سرعت، به سرعت | kahkahayla | قهقهه کنان، با قهقهه |

Küçük kız güzelce süslendi. (niteleme) دختر کوچک به زیبایی خودش را آرایش کرد.

Babasını sevinçle karşıladı. (niteleme) با شادی از پدرش استقبال کرد.

۴- قید مقدار (Miktar Zarfları):

قیدهایی هستند که مقدار و کمیت حرکت و کنش را معلوم می‌دارند.

مانند:

| | |
|-------------------|-------------------------|
| az çok | کمابیش |
| az | اندک |
| bazısı | برخی |
| hepsi | همه‌اش، تمامش، کلیه‌اش |
| bütün | همه، کلیه، تمام |
| hemen hemen hepsi | بیش ترش |
| bir kısmı | برخی |
| biraz | اندکی |
| bir çift | یک جفت |
| biraz | کمی |
| birçok | بسی، مقدار زیادی، چندین |
| bol | فراوان |
| bu kadar | چندین، این قدر |
| bunca | چندین، این همه |
| cüz'î | جزئی |
| çok | فراوان، خیلی، بسیار |
| çoğu | بیش ترش |
| o kadar | چندان، آن قدر |

| | |
|-----------------|-----------|
| öbek öbek | گروه گروه |
| pekçok | بسیار |
| tümüyle | به کلی |
| yaklaşık olarak | تقریباً |
| | مثال: |

Dairelerin hemen hemen hepsi sarı, ama bir tanesi siyah.

بیشتر این دایره‌ها زرد هستند ولی یکیشان سیاه است

Hemen hemen bütün üçgenler siyah

بیشتر مثلث‌ها سیاه هستند.

bütün üçgenler sarı

تمام مثلث‌ها زرد هستند.

Çok yeme.

زیاد نخور.

Az çalışmışsın.

کم کار کرده‌ای.

Daha çok çalışmalısın.

بیشتر باید کار کنی.

Bu kadar umutsuz olma.

این قدر ناامید نباش.

Biraz daha sabret.

کمی آزادتر.

۵- قید ترتیب (Sayı Zarfları):

| | |
|-----------|-------|
| birbir | یک یک |
| birinci | نخست |
| birincisi | اولاً |
| birkaç | چند |
| her | هر |
| ikinci | دوم |
| ilk | نخست |

۶- قید علت (Sebeup Zarfları):

| | |
|------------|--------------|
| bu nedenle | به این جهت |
| bu yüzden | از این رو |
| çünkü | چون که |
| çünkü | زیرا |
| zîrâ | زیرا |
| için | به جهت، برای |
| nedeniyle | به جهت |
| o halde | پس |
| şu halde | پس |

o zaman

پس

۷- قید اشاره (İşaret Zarfları):

aynı şekilde

همچنان

aynı

همان

işte

اینک

o

همان

öyle

همان طور، همچنان، آن طور، آنچنان، بدان گونه

öylese

در صورتی که، اگر به طوری که

şöyle

این طور، این جور، چنین

şöyle böyle

این طور، آن طور

şöylece

این طوری، این چنین

böyle

چنین، این طور، این جور

böyle böyle

این طوری، این جوری و آن جوری

böylece

این گونه، این چنین

۸- قید پرسشی (Soru Zarfları):

hangi

کدام

niye

چرا

kaç tane

چند تا

kaç

چند

ne kadar

چند، چقدر

ne sebeple

بچه سبب

ne vakit

چه وقت

ne zaman

چه هنگام، کی

neden

بچه سبب، برای چه، برای چه

nerede

کجا، در کجا

neresi

چه جایی

niçin

برای چه

Niçin yanıt vermiyorsunuz?

برای چه پاسخ نمی دهید؟

Neden susuyorsun?

چرا ساکت می شوی؟

Sizi daha **ne kadar** bekleyeyim?

چقدر دیگر منتظر شما بمانم؟

Buraya nasıl gelmişler?

به اینجا چطورى آمده‌اند؟

مصدر

مصدر اسمی است که از میان چهار مفهوم فعل، فقط معنا را دارد و از سه مفهوم دیگر (زمان، شخص، تعداد) بی نصیب است.

مصدر در زبان ترکی:

در حالت استاندارد علامت مصدر در زبان ترکی -mek و -mak است که با حذف علامت مصدر از فعل ریشه فعل به دست می‌آید. با این کار ما فعل امر غیر محترمانه را نیز ساخته‌ایم.

| | |
|--------|----------------------------------|
| okumak | خواندن، قرائت، تحصیل، درس خواندن |
| görmek | دیدن، ملاقات کردن، مشاهده کردن |
| gitmek | رفتن، برازنده بودن، مناسب بودن |
| almak | گرفتن، خریدن، وصول کردن |

علامت مصدر -mek و -mak نیز تابع قانون هماهنگی اصوات است. با حذف علامت مصدر، فعل امر دوم شخص بدست می‌آید که همان ریشه فعل است همچنین با حذف حرف k از مصدر فعل امر منفی دوم شخص به دست می‌آید.

| | | | |
|--------|-----------|-------|----------|
| satmak | فروختن | sat | بفروش |
| gitmek | رفتن | git | برو |
| bakmak | نگاه کردن | bakma | نگاه نکن |
| görmek | دیدن | görme | نبین |

اسم مصدر یا حاصل مصدر اسمی است که حاصل و نتیجه معنای مصدر را نشان می‌دهد، بی آن که خود دارای علامت مصدر باشد. مثال:

| | | | |
|--------|----------|-------|------------|
| acımak | دل سوختن | acıma | دلسوزی |
| gelmek | آمدن | gelme | حالت آمدن |
| koşmak | دویدن | koşma | دوندگی، دو |
| girmek | وارد شدن | giriş | ورود |

نکته: قبلاً در مورد پیوند دو شکلی -ma, -me توضیح داده شد که نقش اساسی آن ایجاد اسم مصدر است این پیوند را نباید با پیوند نفی (-ma, -me) اشتباه گرفت به مثال‌های زیر توجه کنید:

| | |
|-----------------------|---------------------------|
| اسم مصدر یا حاصل مصدر | فعل امر منفی دوم شخص مفرد |
|-----------------------|---------------------------|

| | | | |
|---------|------------|---------|----------------------|
| koşma | ندو | koşma | دوندگی، دو |
| yazma | نویس | yazma | عمل نوشتن، دست نوشته |
| bekleme | منتظر نمان | bekleme | انتظار |

Ben bekleme odasında Ali'yi bekliyorum, sen onu bekleme.

من در اطاق انتظار منتظر علی هستم، تو منتظر او نباش.

هرگاه تکیه بر روی علامت نفی کشیده شود کلمه از حالت فعل خارج می‌گردد و مفهوم اسم مصدر به خود می‌گیرد.

جزئیات فرم مصدر

| مثبت | | منفی | |
|---------------|--------------------|------------------|------------------------|
| gel-mek | آمدن | gel-me-mek | نیامدن |
| gel-me-ye | به آمدن، برای آمدن | gel-me-me-ye | به نیامدن، برای نیامدن |
| gel-me-yi | آمدن را | gel-me-me-yi | نیامدن را |
| gel-mek-te | در حال آمدن | gel-me-mek-te | در حالت نیامدن |
| gelmek-ten | از آمدن | gel-me-mek-ten | از نیامدن |
| gelmek-le | با آمدن | gel-me-mek-le | با نیامدن |
| gel-mek-sizin | بدون آمدن | gel-me-mek-sizin | بدون نیامدن |

مثال:

Gelmeye çalıştı.

به (برای) آمدن سعی کرد. (او سعی کرد بیاید).

Yüzmeyi severim.

شنا کردن را دوست دارم.

Onu yapmaktayım.

در حال انجام دادن آن هستم.

Sigara içmeyi bıraktım.

سیگار کشیدن را ترک کردم.

Kesmeyi bıraktı.

بریدن را رها کرد.

Sürmeyi öğreniyorum.

رانندگی یاد می‌گیرم.

Gülmemeye çalışıyorlar.

آن‌ها سعی می‌کنند نخندند.

İnsan çalışmaksızın para kazanmaz.

انسان بدون کار کردن پول بدست نمی‌آورد.

Deminden beri sebebini bilmeksizin rahatsız oluyordum.

از چند لحظه پیش تا الآن بدون اینکه دلیلش را بدانم کسل می‌شدم.

چند مثال دیگر به همراه فعل unutmak (فراموش کردن):

Geçen hafta ödevimi yapmayı unuttum

هفته گذشته فراموش کردم تکلیفم را انجام بدهم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|----------------------------------|---|
| Garajdan arabamı almayı unuttum | فراموش کردم ماشین را از گاراژ درآورم. |
| Ali, sana söylemeyi unuttu | علی فراموش کرد به تو بگوید. |
| Affedersin, seni aramayı unuttuk | می بخشید، فراموش کردیم به تو زنگ بزنیم. |
| Filmi izlemeyi unuttum | فراموش کردم فیلم را تماشا کنم. |
| Kediyi beslemeyi unuttum | فراموش کردم غذای گربه را بدهم. |
| Mehmet'i sormayı unuttunuz | فراموش کردید محمد را پرسید. |
| Kapıyı kapamayı unuttum | فراموش کردم در را ببندم. |
| Pencereyi açmayı unuttular | فراموش کردند پنجره را باز کنند. |

اگر بخواهیم به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کنیم جمله اول را باید به این شکل ترجمه کنیم «هفته گذشته انجام دادن تکلیفم را فراموش کردم»

اضافه شدن پیوند تملیک به مصدر:

مصدرها پس از حذف حرف k از آخر آنها قابلیت الصاق با پیوندهای ملکی را دارند.

| مثبت | | منفی | |
|-------------|---------|----------------|-----------|
| gel-mek | آمدن | gel-me-mek | نیامدن |
| gel-me-m | آمدنم | gel-me-me-m | نیامدنم |
| gel-me-n | آمدنت | gel-me-me-n | نیامدنت |
| gel-me-si | آمدنش | gel-me-me-si | نیامدنش |
| gel-me-miz | آمدنمان | gel-me-me-miz | نیامدنمان |
| gel-me-niz | آمدنتان | gel-me-me-niz | نیامدنتان |
| gel-me-leri | آمدنشان | gel-me-me-leri | نیامدنشان |

پیوندهای حالت نیز می‌توانند بعد از پیوند تملیک بیایند:

| | | |
|--------------|-----------|-------------------|
| gel-me-m | آمدنم | حالت تملیک |
| gel-me-m-in | مال آمدنم | حالت اضافه |
| gel-me-m-e | به آمدنم | حالت تأثیر «به»: |
| gel-me-m-de | در آمدنم | حالت گرایش «را»: |
| gel-me-m-den | از آمدنم | حالت تخصیص «در»: |
| gel-me-m-i | آمدنم را | حالت انفکاک «از»: |

| | | |
|-----------------|-------------|--------------------|
| gel-me-m-le | با آمدنم | حالت واسطه «با» : |
| | | شکل منفی: |
| gel-me-me-m | نیامدنم | حالت تملیک |
| gel-me-me-m-in | مال نیامدنم | حالت اضافه |
| gel-me-me-m-e | به نیامدنم | حالت تأثیر «به»: |
| gel-me-me-m-de | در نیامدنم | حالت گرایش «را» : |
| gel-me-me-m-den | از نیامدنم | حالت تخصیص «در» : |
| gel-me-me-m-i | نیامدنم را | حالت انفکاک «از» : |
| gel-me-me-m-le | با نیامدنم | حالت واسطه «با» : |

مثال‌های تکمیلی:

Konu-yu iyice anla-**mak** gerek. موضوع را باید به خوبی فهمید.

Biz siz-e iki ay iç-i-n-de geri öd-**mek** şart-ı-yla on milyar-lık borç ver-e-bil-ir-iz.

ما به شرط برگرداندن ظرف دو ماه می‌توانیم به شما ده میلیارد قرض بدهیم.

Ali İstanbul'a gel-ince yeni-den buluş-**mak** üzere ayrıl-mış-lar-dı o gün.

آن روز به امید این که وقتی علی دوباره به استانبول آمد مجدداً همدیگر را ملاقات می‌کنند از هم جدا شده بودند.

Türkçe öğren-**mek** zor. یاد گرفتن ترکی دشوار است.

Hayat-taki en büyük nimet-ler-den biri sevil-**mek**-tir.

یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌ها در زندگی دوست داشته شدن است.

Sen nere-ye git**mek** isti-yor-sun? تو کجا می‌خواهی بروی؟

Bütün gün müze gez-**mek** bizi çok yor-muş-tu.

تمام طول روز در موزه گشتن ما را خسته کرده بود.

Ev taşı-**mak** Mehmet'e çok kolay geldi. اسباب کشی برای محمد خیلی آسان بود.

Kimse-ye bir şey söyle-me-**mek** kolay ol-ma-yacak ben-im için.

برای من آسان نخواهد بود که به کسی چیزی نگویم.

Sizin-le konuş-**mak** hoş ol-du. مصاحبت با شما زیبا بود.

Bütün gece otur-**mak** çok zor ol-muş-tur. تمام شب نشستن خیلی سخت بوده است.

Bir çocu(k)ğ-a öyle bir şey söyle-me-**mek** lazım. به یک کودک نباید چنین چیزی را گفت.

Amac-ım, beş yıl iç-i-n-de zengin ol**mak**-tı. هدف من، ثروتمند شدن ظرف پنج سال بود.

Amaç, beş yıl iç-i-n-de zengin ol**mak**-tı. هدف، ثروتمند شدن ظرف پنج سال بود.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Deniz yemek yap-**ma**-yı bil-iyor mu? آیا «دنیز» غذا پختن بلد است.

Bu yaz İtalya'ya git**me**-yi düşün-üyoruz. ما این تابستان در فکر رفتن به ایتالیا هستیم.

Ahmet araba kullan-**ma**-sı-nı sev-er. احمد رانندگی را دوست دارد.

Her gün beş sayfa yaz**ma**-ya çalış-ıyor-um. سعی می‌کنم هر روز پنج صفحه بنویسم.

Ben-i konuş-**ma**-ya zorla-ma! مرا مجبور نکن صحبت کنم!

Demet otobüs-le git-**mek**-te diren-iyor. «دمیت» در رفتن با اتوبوس پافشاری می‌کند.

Sigara iç-**mek**-ten vazgeç-meli-siniz. شما باید از سیگار کشیدن منصرف شوید

Ayten'i eski bilgisayar-ı-nı ban-a ver-**mek**-le suçlu-yor-lar.

«آیتین» را با دادن رایانه‌ی قدیمی‌اش به من متهم می‌کنند.

Yaş-lı-lar-ı dinle-**mek**-te fayda var.

در گوش کردن به قدیمی‌ها فایده است. (گوش کردن به افراد مسن مفید است.)

Baba-n-a bir kere daha sor-**mak**-ta yarar var.

ارزش دارد که یک بار دیگر از پدرت بپرسی (در پرسیدن دوباره از پدرت ارزش نهفته است)

Ev-i kendi-m temiz-le-**mek**, başka-sı-na temiz-le-t-**mek**-ten daha kolay gel-iyor.

تمیز کردن خانه توسط خودم، از تمیز کردن خانه توسط دیگری راحت‌تر به نظر می‌آید.

Toplantı müdür gel-me-den başla-t-ıl-**mak** iste-n-di.

خواسته شد که جلسه قبل از آمدن مدیر آغاز شود.

Toplantı müdür gel-me-den başla-t-**mak** iste-di-ler.

آن‌ها خواستند قبل از آمدن مدیر جلسه را شروع کنند.

Biz yürüyüş sıra-sı-n-da önce polis, sonra düzen-le-y-ici-ler taraf-ı-n-dan dur-dur-ul-**mak** iste-n-dik.

ما در طول تظاهرات ابتدا توسط پلیس، سپس انتظامات خواستیم متوقف شویم.

Deprem bölge-si-ne gid-il-**me**-ye çalış-ıl-ıyor.

مردم سعی می‌کنند به مناطق زلزله زده بروند. (سعی می‌شود به مناطق زلزله زده رفته شود.)

Ben-ce Ali-yi çağır-**ma**-nın anlam-ı yok.

به نظر من صدا کردن علی معنی ندارد. (بی معنی است.)

Sigara-yı bırak-**ma**-nın fayda-sı-n-ı ilk gün-ler-de gör-me-ye-bilirsin.

تو نمی‌توانی در روزهای اول فایده‌ی ترک کردن سیگار را ببینی.

Fatma Hanım-ın üç kat merdiven çık-**ma**-sı çok zor.

برای فاطمه خانم بالا رفتن از پله‌های سه طبقه (ساختمان) خیلی مشکل است.

Sekiz buçuk'ta havaliman-ı-n-da ol-**ma**-mız gerek-iyor.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

ما باید در ساعتِ هشت و نیم، در فرودگاه باشیم.

Ayla'nın iş-ten hep geç ve yorgun gel-me-si ev-de gergin-lik yarat-ıyor-du.

همیشه دیر و خسته آمدن «آیلا» از کار، در خانه تیرگی و کدورت به وجود می آورد.

Herkes-in birer hika-ye anlat-ma-sı iste-n-iyor-muş.

از هر کس خواسته می شده که یکی یک دانه داستان تعریف کند.

Bu ürü-nün elde yıkan-ma-sı tavsiye ed-il-ir.

توصیه می شود این محصول با دست شسته شود.

Önemli ol-an siz-in bu ev-i beğen-me-niz.

چیزی که اهمیت دارد این است که شما این خانه را پسند کنید.

Biz-im rica-mız toplantı-nın hafta-ya erte-len-me-si olacak.

خواهش ما این خواهد بود که جلسه به هفته ی آینده موکول شود.

Bu tablo-nun şura-ya as-ıl-ma-sı-nı isti-yor-uz. ما می خواهیم این تابلو در اینجا آویزان شود.

Otel müdür-ü oda-yı hemen boşalt-ma-ları-n-ı söyle-di.

مدیر هتل به آن ها گفت که هر چه سریع تر اتاق را خالی کنند.

Tuğba anne-m-e herkes-in kalın giysiler-le gel-me-si-n-i söyle-miş.

طوبا به مادرم گفته که همه با لباس های خودمانی بیایند.

Ali biz-den taşınacağı gün kendisine yardım et-me-miz-i istedi.

علی از ما خواست روزی که می خواهد منتقل شود به او کمک کنیم.

İlkbahar-daki yağmur-lar mahsul-ün bol ol-ma-sı-n-ı sağladı.

باران های بهاری موجب فراوانی محصول شد.

Koca-sı-nın kendi-si-n-e yalan söyle-me-si-n-i affed-e-mi-yor-du.

او نمی توانست دروغی که شوهرش به او گفته را ببخشد.

Mehmet, Ali-nin kendi-si-ni çağır-ma-ma-sı-n-a gücen-di.

محمد از علی دلخور شد که او را خبر نکرده است.

Zeynep'in süre-k-li kendi-si-n-den söz et-me-si-n-den sıkılı-yor-um.

من از این که زینب مدام از خودش حرف می زند حوصله ام سر می رود.

Sıcak hava-lar, meyva-lar-in erken olgun-laş-ma-sı-n-a yol aç-tı bu yıl.

امسال هوای گرم راهی باز کرد تا میوه ها زودتر برسند.

Çocuk-lar bura-yı topla-ma-nız-a yardım et-sinler.

بچه ها کمک کنند تا اینجا را جمع و جور کنید.

Ev sahib-i-miz kedi ya da köpek besle-me-miz-e izin ver-mi-yor-du.

صاحب خانه ما اجازه نمی‌داد که ما سگ یا گربه پرورش دهیم.

به نظر من بی معنی است که علی را خبر کنیم. Ben-ce Ali-yi çağır-ma-mız-ın anlam-ı yok.

مصدر سنگین

فرم دیگری از مصدر بدین شکل است که پیوند **lik** و **lik**- بعد از مصدر قرار می‌گیرد که در اغلب موارد حرف **k** حذف می‌شود. در حالت منفی نیز **mez** و **maz**- به ترتیب جایگزین **mek** و **mak**- می‌شود.

از نظر معنایی این فرم از مصدر، با مصدر استاندارد معنای یکسانی دارند اما از نظر کاربرد هنگامی از مصدر سنگین استفاده می‌شود که جمله در چهار چوب ابهام قرار داشته باشد و مبهم باشد. پیوند ملکی را نیز می‌توانید به این نوع از مصدر اضافه کنید:

| مثبت | | منفی | |
|-------------------|---------|---------------|-----------|
| gelme (k) lik | آمدن | gelmezlik | نیامدن |
| gelme (k) liğim | آمدنم | gelmezliğim | نیامدنم |
| gelme (k) liğın | آمدنت | gelmezliğin | نیامدنت |
| gelme (k) liği | آمدنش | gelmezliği | نیامدش |
| gelme (k) liğımız | آمدنمان | gelmezliğimiz | نیامدنمان |
| gelme (k) liğiniz | آمدنتان | gelmezliğiniz | نیامدنتان |
| gelme (k) likleri | آمدنشان | gelmezlikleri | نیامدنشان |

طرز بیان تظاهر کردن، وانمود کردن

Bana bakmamazlıktan geldi او وانمود کرد که به من نگاه نکرده است.

Onu görmemezlikten geliyorsunuz شما وانمود می‌کنید که او را ندیده‌اید

Ayşe hanımı sevmemezlikten gelir misiniz? آیا شما تظاهر می‌کنید که عایشه خانم را دوست ندارید؟

Bilmemezlikten gelemesiniz شما نمی‌توانید وانمود کنید که نمی‌دانید.

bilmemezliğe gelemesiniz شما نمی‌توانید وانمود کنید که نمی‌دانید.

bilmemezliğe vuramazsınız شما نمی‌توانید خودتان را به ندانستن بزنید.

ادات یا کلمات کمکی

ادات یا کلمات کمکی به اشکالی اطلاق می‌شود که به خودی خود فاقد معنی بوده و تنها وظیفه‌ی معینی را در کلام به انجام می‌رسانند. ادات فی نفسه هیچ نوع نمود یا حرکتی را تعیین نمی‌کنند. ولی وقتی به همراه سایر کلمات به کار می‌روند، تا حدودی مفهوم پیدا می‌کنند و به انجام نقش‌های گرامری خود نائل می‌شوند. البته بعضی از ادات به تنهایی نیز نوعی مفهوم ارائه می‌دهند. ولی حتی این قبیل ادات نیز، برای ثمربخش ساختن مفهوم خود، همراهی کلمات و ترکیبات دیگر را لازم دارند.

نقش اساسی ادات ایجاد مواصلت و ارتباط میان عناصر اصلی کلام به منظور تسهیل کار بیان است و اطلاق نام کلمات کمکی به این کلمات نیز به همین دلیل است. وجه مشخص ادات از سایر انواع کلمات اصلی در آن است که ادات برای قبول پیوندهای توصیفی و تصریفی آمادگی و استعداد ندارند و در واقع اشکال بی پیوند زبان محسوب می‌شوند و تنها وقتی حالت اسم را قبول کنند، می‌توانند پیوند بپذیرند.

در زبان ترکی استانبولی، ادات را از نظر وظیفه و موقعیت آن‌ها در کلام به ادات وصل، ادات ربط و ادات ندا می‌توان تقسیم بندی کرد.

ادات وصل

کلماتی هستند که وظیفه‌ی ایجاد مناسبت و مواصلت میان دو جز کلام را انجام می‌دهند. ادات وصل از نظر وظیفه‌ی عمومی نقش پیوندهای تصریفی اسم را در کلام بازی کرده و مانند آن‌ها اسم را به عناصرخارج از خود می‌پیوندند و از این نظر ادات وصل را ادات تصریفی نیز می‌گویند. (به مناسبت همین تشابه و همانندی گرامری است که برخی از ادات وصل تک هجائی مانند ile (با) غالباً در کلام شکل پیوندی به خود می‌گیرند و به هنگام الحاق به آخر اسم جلوتر از خود، از نظر صوتی نیز با آن تطابق پیدا می‌کنند، Gözle gördüğüne inan, kulakla duyduğuna inanma! - چیز که با چشم می‌بینی را باور کن، چیزی که با گوش می‌شنوی را باور نکن!)

شناخته‌ترین ادات وصل در زبان ترکی استانبولی عبارتند از :

| | |
|----------|---|
| için | برای |
| içeri | داخل، درون |
| kadar | قدر، مقدار، اندازه، تا...، الی |
| -E kadar | به قدر، تا به... |
| gibi | مثل، مانند |
| göre | نظر به ... بنابر ... |
| ile | با |
| üzere | در حالت، در حین، به موجب، بر حسب، بر اساس |
| yalnız | فقط، تنها، مجرد |

| | |
|-----------|---|
| -E karşı | به مقابل... در مقابل... در روبرو... به سمت... |
| sanki | گویا، مثل اینکه |
| ancak | اما، تنها، ولی، نهایت |
| -dEn beri | از به این طرف |
| -E doğru | به سمت... به طرف... |
| önce | قبل |
| sonra | بعد |
| dek | تا |
| olarak | به عنوان... به شکل... به صورت... |
| başka | غیر، دیگر |
| ötürü | زیرا |
| diye | مثل اینکه، به عنوان اینکه |
| beri | اینجا، این طرف |
| sanki | گویا، مثل اینکه |

بعضی از این ادات مانند *gibi*, *dek*, *için* و... در کلام تنها در نقش ادات ظاهر می‌شوند و از آن‌ها به ادات وصل ثابت نام می‌برند ولی برخی دیگر مانند *sonra*, *başka*, *içeri* و... در نقش انواع دیگر کلمات به کار می‌روند و از آن‌ها نیز به ادات وصل غیرثابت نام می‌برند.

ادات وصل در مواصلت با اسامی و کلماتی که می‌توانند وظیفه‌ی اسم را به عهده بگیرند، ترکیبی تشکیل می‌دهند که از آن به ترکیب اداتی می‌توان نام برد. در ترکیب‌های اداتی همراهی ادات با عنصر اسم به ترتیب خاصی انجام می‌شود. در این باره هرگاه عنصر اسم یک اسم باشد، ادات بعضاً با حالت آزاد ولی در اکثر موارد با حالات تصریفی آن همراهی می‌کنند و در صورتیکه عنصر اسم ضمیر باشد، ادات مطلقاً با حالت تصریفی آن همراه می‌شوند. از طرف دیگر نوع پیوند تصریفی اسم نیز برحسب انواع ادات وصل تغییر می‌کند. بعضی از ادات به حالت تاثیر و برخی دیگر به حالت انفکاک اسم گرایش دارند و آن عده از ادات هم که از اسم حالت آزاد طلب می‌آیند، از ضمائر حالت اضافه می‌خواهند. ادات وصل از نوع *gibi*, *içeri için ile* و ... عموماً از اسم حالت آزاد و از ضمیر حالت اضافه طلب می‌کنند:

| | |
|--------------------------|----------------------------|
| Altın gibi parlıyor. | مانند طلا می‌درخشد. |
| Şehir içeri dolaşıyorum. | داخی شهر می‌چرخم. |
| araba ile gidenler | کسانی که با ماشین می‌روند. |
| Senin için aldım. | برای تو گرفتم |
| onun gibi biçare | مانند او بیچاره |

ادات وصل از نوع *göre*, *karşı*, *dek* و... معمولاً از اسم و ضمیر حالت تاثیر طلب می‌کنند:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

تا شب کار کرده بود. Akşama'dek çalışmıştı.
 ادات وصل از نوع önce, beri, başka, sonra... معمولاً از اسم و ضمیر حالت انفکاک طلب می‌کنند:
 قبل از دوستانم من رسیدم. Arkadaşlarımdan önce ben vardım.
 بعد از ظهر خواهند آمد. Öğleden sonra gelecekler.
 کسی غیر از شما را ندیدم. Sizden başkasını görmedim.

ویژگی‌ها و مثال‌ها

- در ترکی اسم‌ها و فعل‌ها کلمات با معنی هستند. اما ادات به صورت منفرد و مجرد مفهومی ندارد؛ و تنها در جمله معنی پیدا می‌کنند و یا فقط به کلمات دیگر معنی می‌بخشند.
- از انجایی که ادات بین کلمات روابط مفهومی متنوعی بوجود می‌آورد به آن کلمه کمکی نیز گفته می‌شود.
 برای درس خواندن به اتاقش رفت. (نیت) Ders çalışmak için odasına çekildi. (amaç)
 مثل گرگ گرسنه شده بودم. (تشبیه) Kurt gibi acıkmıştım. (benzerlik)
- ادات بین کلمات ما قبل و ما بعد خود ارتباط معنایی بوجود می‌آورند. فرق آن با قید و حرف ربط، ایجاد یک ارتباط معنایی جدید است.
 باز از شفاهی نمره ضعیفی گرفته است. (قید) Sözlüden yine zayıf almış. (zarf)
 به خانه رفتم، اما آن را پیدا نکردم. (حرف ربط) Eve gittim, fakat onu bulamadım. (bağlaç)
 به جهت صحبت کردن برخاست. (ادات) Konuşmak üzere ayağa kalktı. (edat)
- زمانی که ادات را از جمله خارج می‌کنیم، جمله دچار ناقصی، محدودیت و یا از هم پاشیدگی معنایی می‌شود.
 مانند خورشید سرش به آسمان‌ها رسید. Güneş gibi başı göklere erdi.
 پس از خارج کردن ادات
 سر خورشید به آسمان رسید. Güneş başı göklere erdi.
- ادات به صورت منفرد و مجرد نمی‌توانند بکار گرفته شوند. اما با ترکیب با کلمات دیگر گروه‌ها با نقش قیدی یا صفتی تشکیل می‌دهند.
 مرد مثل کوه نابود شد رفت. (گروه صفتی) Dağ gibi adam yok oldu gitti. (sıfat öbeği)
 اگر تو هم به اندازه‌ی من کار کنی... (گروه قیدی) Sen de benim kadar çalışsan... (zarf öbeği)
- زمانی که به شکل منفرد و مجرد هستند می‌توانند به عنوان اسم، صفت، قید، حرف ربط به کار رود. در این شرایط از حالت ادات خارج می‌شوند.
 در روستای روبرو فامیل داشتند. (صفت) Karşı köyde akrabaları vardı. (sıfat)

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Derenin karşısına geçtik. (ad) به مقابل دره رفتیم. (اسم)

Her söylenene karşı çıkıyor. (birleşik fiilde isim)

جلوی هر کس که حرف می‌زد در می‌آمد. (اسم در فعل مرکب)

Bana doğruyu söyle. (isim)

راستش را به من بگو. (اسم)

Doğru söze ne denir? (sıfat)

به حرف راست چه گفته می‌شود؟ (صفت)

Lütfen doğru oturun. (zarf)

لطفاً صاف بنشینید. (قید)

Beride bir adam duruyor. (isim)

در اینجا یک مرد ایستاده است.

Beri taraf oldukça dikenli. (sıfat)

این طرف بسیار خاردار است.

Biraz beri gel. (zarf)

کمی بیا این طرف. (قید)

Bir ömür boyu yalnız yaşadı. (zarf)

یک عمر تنها زندگی کرد. (قید)

Biz bu dünyada hep yalnızız. (isim)

ما در این دنیا همیشه تنهایییم. (اسم)

Parkta oturan yalnız adam onun babasıydı. (sıfat)

مرد تنهایی که در پارک نشسته پدر او بود (صفت)

Meyveler güzel, yalnız biraz renksiz. (bağlaç)

میوه‌ها خوب هستند، فقط کمی بی رنگ هستند. (حرف ربط)

حرف ربط ربط

اشکالی هستند که عناصر و قسمت‌های مختلف کلام را از نظر شکل و معنی به هم پیوسته و در میان آن‌ها نوعی ارتباط دستوری و منطقی ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر حرف ربط، کلمه‌ای است که دو کلمه همگون یا دو عبارت یا دو جمله را به هم می‌پیوندد و آن‌ها را همپایه و هم نقش می‌سازد و یا جمله‌ای را به جمله دیگر می‌پیوندد و دومی را وابسته اولی قرار می‌دهد. زبان‌های ترکی در اصل فاقد حرف ربط هستند و بنابراین قسمت عمده‌ی اشکالیکه اکنون در این زبانها به نام حرف ربط شناخته شده، جزو کلمات و اشکال دخیل است که به مرور ایام در زبان حقوق هموطنی تحصیل کرده‌اند.

حرف ربط از نظر شکل ساختمانی ممکن است دارای اشکال ساده و مرکب باشند و رایج‌ترین آن‌ها در زبان ترکی استانبولی در زیر آورده شده است.

açıkçası

راستش، راستیتش، رک و پوست کنده

ama

اما، ولی

ancak

اما، تنها، ولی، نهایت

bile

حتی، هم، نیز

çünkü

چونکه، زیرا، برای اینکه

| | |
|---------------------|---|
| dahi | حتی، نیز |
| dE | هم، و، که |
| dE.....dE | هم هم |
| demek ki | گویا، به نظر می‌رسد که، مثل اینکه |
| eğer | اگر |
| fakat | فقط، ولی، ولیکن، اما |
| gene | باز هم، مجدداً |
| gerek...gerek(se) | هم ... هم یا چه ... چه |
| ha.....ha | چه چه |
| hâlbuki | در صورتی که، در حالتی که، با وجودی که |
| hatta | حتی |
| hele | حالا، هیچ نباشد، اقلأ |
| hem | هم |
| hem de | و هم |
| hem.....hem (de) | هم (و) هم |
| ile | با، به اتفاق، بوسیله، به واسطه، و |
| ise | اما، اگر، اگر باشد |
| ister.....ister(se) | خواه خواه |
| kâh.....kâh | گاه گاه |
| kısacası | خلاصه کلام، منحص کلام |
| ki | که |
| lâkin | لیکن، اما |
| madem(ki) | مادام، مادامی که، تا زمانی که، حالا که، وقتی که |
| nasıl ki | چطور که |
| ne var ki | با این حال |
| ne yazık ki | چه حیف که، متأسفانه |
| ne.....ne (de) | نه.... (و) نه |
| nitekim | چطور که، همانطوریکه |
| oysa | در صورتیکه، با وجودی که |
| oysaki | در صورتیکه، با وجودی که |
| öyle ki | بطوریکه، به نحویکه |

| | |
|---------------|-----------------------------|
| öyleyse | در صورتیکه، اگر بطوریکه |
| şimdi ki | حالا که |
| üstelik | به اضافه، به علاوه، مضافاً |
| ve | وَ |
| veya | یا، و یا |
| veyahut | و یا، یا اینکه |
| ya da | و یا، یا اینکه |
| ya....ya (da) | یا (و) یا |
| yahut | یا، یا اینکه، یا خود |
| yalnız | فقط، تنها، مجرد |
| yeter ki | کافی است که |
| yine | باز، باز هم، مجدداً، دوباره |
| yoksa | وگرنه، مگر، مبادا، یا اینکه |
| zira | زیرا |

حرف ربط را از نقطه نظرهای مختلفی می توان تقسیم بندی کرد که اساسی ترین آن ها تقسیم ادات ربط به تبعی و غیر تبعی است . ادات غیرتبعی مانند: *ancak, de, hem, ve* و ... اداتی هستند که ارکان متساوی الحقوق و قسمت های مستقل جملات مرکب را به هم ربط می دهند . *Ali ve Arzu birlikte dışarıya çıktılar.* (علی و آرزو با هم به بیرون رفتند). ادات تبعی مانند *şimdi ki, yoksa, ki, eğer* ... اداتی هستند که ارکان وقسمتهای وابسته و غیر مستقیم کلام را به هم ربط می دهند. *Şimdi ki gidiyorsun, bizi unutma.* (حالا که داری می روی، ما را فراموش نکن).

ویژگی های حرف ربط

- به جای حرف ربط می توانیم از علائم نشانه گذاری استفاده کنیم.
- وقتی حرف ربط را از جمله خارج می کنیم معنی جمله ناقص نمی شود، اما جمله می تواند محدود شود. ادات ربط (به غیر از *ile*) از کلمات قبل و بعد از خود جدا نوشته می شوند. آنچه به صورت سرهم نوشته می شود حرف ربط نیست بلکه پیوند است.

| | |
|--|---|
| Eve gittim, <u>fakat</u> onu bulamadım. (bağlaç) | به خانه رفتم، اما آن را پیدا نکردم. (حرف ربط) |
| Konuşmak <u>üzere</u> ayağa kalktı. (edat) | به منظور صحبت کردن بلند شد. (ادات) |
| Sözlüden <u>yine</u> zayıf almış. (zarf) | باز هم از نمره شفاهی کم گرفته است. (قید) |
| Ben <u>de</u> seninle geleceğim. (bağlaç) | من هم با تو خواهم آمد. (حرف ربط) |
| Ev <u>de</u> rahat çalışamadı. (çekim eki) | در خانه راحت نتوانست کار کند. (پیوند تصریفی) |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|---|
| Söz <u>de</u> Ermeni soy kırımını (yapım eki) | نسل کشی ارمنه که چنین نامیده شده (پیوند توصیفی) |
| Sen <u>ki</u> hep çalışmamı isterdin... (bağlaç) | تو که همیشه میخواستی من کار کنم... (حرف ربط) |
| Senin <u>ki</u> de lâf işte... (çekim eki) | مال تو هم حرف است... (پیوند تصریفی) |
| Evde <u>ki</u> hesap (yapım eki) | حساب موجود در خانه (پیوند توصیفی) |

انواع حرف ربط

۱-حروف ربط هم پایه ساز

Ve (و)

برای عطف به کار می رود و دو کلمه همجنس یا دو جمله یا دو عبارت را به هم می پیوندد.

Duygu ve düşünce bir olmalıdır. (فاعلها) حس و فکر باید واحد باشد.

Köyünü, yaşlı dedesini ve ninesini özlemişti. (اشیاء)

برای روستایش، پدر بزرگ و مادر بزرگ پیرش دل تنگ شده بود.

Şiir ve roman okuma alışkanlığı edinin. (اشیاء) اعتیاد خواندن شعر و رمان حاصل کنید.

Bana baktı ve güldü. (جملهها) به من نگاه کرد و خندید.

Anlatılanları dinliyor ve çocuğa hak veriyordu. (جملهها)

به توضیحات گوش می کرد و به کودک حق می داد.

Aylarca ve yıllarca sustu. (کلمات مشابه) ماهها و سالها سکوت کرد.

Binlerce yerli ve yabancı turist geldi. (صفات) هزاران توریست خارجی و محلی آمدند.

به جای حرف ربط ve ویرگول و یا پیوندهای افعال قیدی، -İp, -ErEk- نیز می تواند بکار گرفته شود.

Masaya yaklaştı ve kitabı aldı. به میز نزدیک شد و کتاب را برداشت.

Masaya yaklaştı, kitabı aldı. به میز نزدیک شد، کتاب را برداشت.

Masaya yaklaşp kitabı aldı. به میز نزدیک شده کتاب را برداشت.

Masaya yaklaşarak kitabı aldı. با نزدیک شدن به میز کتاب را برداشت.

نکته:

قبل از ve علائم نقطه گذاری بکار نمی رود. جمله با این حرف ربط آغاز نمی شود. در اشعار معاصر برای ایجاد تأثیر و

جذابیت بیشتر حرف این کار را انجام می دهند که صحیح نمی باشد.

بکار بردن نشانه & به جای ve بسیار نا مأنوس است و صورت خوشی ندارد.

ile, -IE (با)

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

با وجود اینکه با حرف ربط ve دارای یک وظیفه هستند اما نمی‌توانند به جای یکدیگر بکار روند
شمول دامنه کاربردی ile محدودتر می‌باشد

ile جمله‌ها را به یکدیگر پیوند نمی‌دهد؛ فقط کلماتی که دارای یک وظیفه هستند را به هم پیوند می‌دهد.

Duygu ile düşünce bir olmalıdır. حس با فکر باید واحد باشد.

Yaşlı dedesi ile ninesini özlemişti. دل‌تنگ پدر بزرگ و مادر بزرگ پیرش شده بود.

Edebiyatımızda en çok eser verilen türler şiir ile romandır

بیشترین انواع آثاری که در ادبیاتمان ارائه می‌شود شعر و رمان است.

نکته:

حرف ربط ile با دیگر ile که به عنوان ادات و همچنین قید ساز بکار می‌رود متفاوت است.

Mehmet ile Ali sinemaya gittiler. محمت و علی به سینما رفتند. (حرف ربط)

Mehmet, Ali'yle sinemaya gitti. محمت با علی به سینما رفت. (ادات)

Mehmet heyecanla yerinden kalktı. محمت با هیجان از جایش برخاست. (ادات)

۲-حرف ربط هم ارزشی

ya da, veya, yahut, veyahut

برای تسویه و تخییر، یعنی وقتی دو یا چند امر با هم مساوی باشند و قرار بر اختیار یکی از آن‌ها باشد:

Biriniz gideceksiniz: Sen ya da kardeşin. یکی از شما خواهد رفت: تو و یا برادرت

Bisiklet veya motosiklet alacağım. می‌خواهم دوچرخه و یا موتورسیکلت بگیرم.

Sen, ben veya başkası... تو، من و یا دیگری

Sen olmasan yahut (veyahut) seni görmesem dayanamam.

اگر تو نباشی و یا اینکه تو را نبینم نمی‌توانم تحمل کنم.

ادات ندا

اشکالی هستند که هیجان و شادی و غم و نفرت و تأسف و تعجب و خطاب و نظایر آن را می‌رسانند. خصوصیت بارز این دسته از ادات در وسعت شمول آن‌ها در انعکاس دادن انواع گوناگون احساس انسانی است. به طوری که برخی از آن‌ها می‌توانند مفهوم یک جمله کامل را بیان کنند. این احاطه و وسعت شمول بعضاً از کیفیت صوتی خود ندا و بعضاً نیز از سلسله‌ی جملاتی که این ادات در میان آن‌ها به کار می‌رود، ناشی می‌گردد. ادات ندا وقتی به صورت مستقل و در خارج از جمله به کار روند، در نگارش به آخر آن‌ها علامت ندا اضافه می‌شود. نداها ممکن است دارای اشکال ساده یا مرکب باشند. وسعت شمول نداها در بیان گونه‌های احساس‌ها و هیجان‌ها هر یک این ادات صوتی را به بیان اشکال مختلفی از حالات حسی انسان قادر می‌سازد.

نداها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

۱- نداهای اصلی:

کلماتی که نقش اصلی آن‌ها منادا است و در نقش دیگری نمی‌توان آن‌ها را به کار برد. این مناداها در مقام خطاب و احساس بیان می‌شوند.

ندای خطاب

| | |
|-------------------------|------------------------|
| Ey Türk Gençliği! | ای جوانیِ ترک! |
| Hey! Biraz bakar mısın? | هی! یک کم توجه می‌کنی؟ |
| Bre melûn! Ne yaptın? | ای ملعون! چکار کردی؟ |
| Şşt! Sus bakayım! | هیس! ساکت ببینم! |
| Hişt! Buraya gel! | پیشت! بیا اینجا! |

در کنار این‌ها اسم‌ها و اسم‌های خاص نیز می‌توانند نقش منادایی خطاب را داشته باشند.

محمد! Mehmet! خدای من! Tanrım! همشهری‌هایم! Hemşehrilerim! مادر! Anne!

ندای احساس

| | | | |
|------------------|--------------------|---------------------|-----------------------|
| Ee, yeter artık! | خوب! بس است دیگر! | Ah, ne yaptım! | آه، چکار کردم! |
| Eh! Fena değil. | ای! بد نیست. | itme ha! | هل نده ها! |
| Hah, şimdi oldu! | آهان! الان شد! | Vah zavallı! | وای بیچاره! |
| Vay sersem! | وای سرم رفت! | Eyvah! Geç kaldım! | ای وای! دیرم شد! |
| Aa! Bu da ne? | ای! این دیگر چیست؟ | İmdat! Boğuluyorum! | کمک! دارم خفه می‌شوم! |
| Ay, elim! | ای، دستم! | Hay Allah! | ای خدا! |

ادات ندای hey می‌تواند در مقام خطاب: Hey, sözümü dinliyor musun yoksa? (هی، حرفم را گوش می‌کنی یا نه؟) و هم در مقام تاسف: Hey, geçen günlerim nerde kalmışsınız! (هی، روزهای گذشته‌ام کجا مانده‌اید!).

و یا ادات ندای vay! هم در مقام رنج و اندوه: Vay, ne ağır geçiyor bu günler! (وای، چه سنگین می‌گذرد این روزها!) و هم در مقام تعجب: Vay, ne yaman dolu yağıyor! (وای، چه حیرت آور تگرگ می‌بارد!) وامثال آن به کار می‌رود.

درس ۱

سلام و احوال پرسى و نیازهای اولیه



Nasılsınız?

رسمی

Nasılsın?

Ne var ne yok?

غیر رسمی

Ne haber?

İyiyim. teşekkür ederim.

İyilik (sağlık)

İyi günler efendim. Nasılsınız?

Teşekkür ederim. İyiyim siz nasılsınız?

Teşekkür ederim. Ben de iyiyim.

روز به خیر آقا/خانم. حالتان چطور است؟

تشکر می‌کنم. خوبم. حال شما چطور است؟
متشکرم. من هم خوب هستم.

Merhaba, ne haber?
İyilik. Sende ne var ne yok?
Bende de iyilik. Sağol

سلام، چطورید (چه خبر)؟
سلامتی شما چطورید (چه حال چه خبر)؟
من هم خوبم. سلامت باشی.

درود و سلام روز مره و معمولی و اصول سلام کردن

| | |
|-----------------------------------|---|
| Merhaba | سلام |
| Selam | سلام |
| selamün aleyküm | سلام علیکم |
| aleyküm selam | علیکم سلام |
| selam vermek | سلام دادن، سلامتی خواستن |
| selam söylemek | سلام گفتن، سلام دادن به کسی |
| Günaydın | صبح به خیر |
| İyi günler | روز خیر |
| İyi akşamlar | (شب) عصر به خیر |
| Nasılsınız? | حال شما چه طور است؟ |
| İyiyim, teşekkür ederim | خوبم، متشکرم. |
| Nasıl geçiyor günleriniz? | اوضاع چه طور است؟ |
| Nasıl gidiyor? | اوضاع چه طور است؟ |
| Ne haber? | چه خبر؟ |
| Tanıştığımızıza memnun oldum. | از ملاقات با شما خوشبختم. |
| Sizi tekrar gördüğüme sevindim. | خوشحالم دوباره شما را ملاقات می‌کنم. |
| Ne var ne yok? | تازه چه خبر؟ |
| Uzun zamandır görmedim. | کم پیداایید. |
| Memnun oldum. | خوشحال شدم. |
| Sizinle tanıştığımızıza sevindim. | از آشنایی شما خوشوقتم. |
| Tünaydın | گرچه معادل بعد از ظهر به خیر است اما چندان معمول نیست و به جای آن از İyi günler (روز به خیر) که در صبح نیز می‌توان بکار برد، استفاده شود. |

عبارات برای نیازهای اولیه

| | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| Teşekkür ederim | متشکرم. |
| Çok teşekkür ederim. | بسیار متشکرم. |
| teşükkür ediyorum. | تشکر می‌کنم. |
| Mersi | مرسی. |
| Bir şey değil. | خواهش می‌کنم. |
| Önemli değil | مهم نیست. |
| Bu zevk bana ait. | باعث افتخار من است. |
| Evet. | بله. |
| Hayır. | خیر. |
| Lütfen. | لطفاً. |
| Buyurun. | بفرمایید. |
| Anlıyorum | متوجه هستم. |
| Anlamıyorum | متوجه نمی‌شوم. |
| Özür dilerim, anlamadım. | متأسفم، منظورتان را نفهمیدم. |
| Peki. | بسیار خوب. |
| Tamam. | باشد. مسئله‌ای نیست. |
| Şehir ne kadar uzaklıkta? | تا شهرستان چقدر راه است؟ |
| Şehir ne kadar uzaklıkta? | تا شهر چقدر راه است؟ |
| Otel ne kadar uzaklıkta? | تا هتل چقدر راه است؟ |
| Otobüs durağı ne kadar uzaklıkta? | تا ایستگاه اتوبوس چقدر راه است؟ |
| Kaç? | چه تعداد؟ |
| Kaç? | چه مقدار؟ |
| Ne kadar uzun? | چقدر طول می‌کشد؟ |
| Ne kadar uzak? | چقدر راه است؟ |
| Kime sorabilirim? | از چه کسی باید بپرسم؟ |
| Önden buyurun. | اول شما. |
| Ben kayboldum. | من گم شده‌ام. |
| İspanyolca konuşamıyorum. | من نمی‌توانم اسپانیایی صحبت کنم. |
| Farsça konuşamıyorum. | من نمی‌توانم فارسی صحبت کنم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|--|
| Rusça konuşamıyorum. | من نمی‌توانم روسی صحبت کنم. |
| Lütfen İngilizce konuşun. | لطفاً انگلیسی صحبت کنید. |
| İngilizce konuşabilir misiniz? | آیا انگلیسی بلد هستید؟ |
| İspanyolca'da nasıl denir? | در اسپانیایی به این چه می‌گویید؟ |
| Farsça'da nasıl denir? | در فارسی به این چه می‌گویید؟ |
| Rusça'da nasıl denir? | در روسی به این چه می‌گویید؟ |
| Fransızca'da nasıl denir? | در فرانسوی به این چه می‌گویید؟ |
| En yakın otel nerede? | نزدیک‌ترین هتل کجاست؟ |
| En yakın restoran nerede? | نزدیک‌ترین رستوران کجاست؟ |
| En yakın süpermarket nerede? | نزدیک‌ترین سوپرمارکت کجاست؟ |
| En yakın banka nerede? | نزدیک‌ترین بانک کجاست؟ |
| En yakın eczane nerede? | نزدیک‌ترین داروخانه کجاست؟ |
| En yakın tren istasyonu nerede? | نزدیک‌ترین ایستگاه قطار کجاست؟ |
| En yakın turizm danışma bürosu nerede? | نزدیک‌ترین دفتر اطلاعات جهانگردان کجاست؟ |
| Tuvalet nerede? | سرویس بهداشتی کجاست؟ |
| Kim? | چه کسی؟ |
| Neden? | چرا؟ |
| Ne? | چی؟ |
| Ne zaman? | چه وقت؟ |
| Bakın! | نگاه کنید! |
| Bekleyin! | صبر کنید! |
| Yardım edin! | کمک کنید! |
| İmdat! | کمک! |
| Orada İngilizce konuşan biri var mı? | آیا آنجا کسی انگلیسی بلد است؟ |
| Burada İngilizce konuşan biri var mı? | آیا اینجا کسی انگلیسی بلد است؟ |
| Kim İngilizce konuşuyor? | چه کسی انگلیسی بلد است؟ |
| Ateş! | آتش! |

کلمات خطاب

Bay: «آقا» قبل از نام و نام خانوادگی می‌آید:

Bay Ali Can یا

Bay Can

Bayan: «خانم» قبل از نام یا نام خانوادگی می‌آید:

یا Bayan Ebru Gündeş

Bayan Gündeş

در زبان ترکی دوشیزه، بانو، خانم و ... با لفظ خانم خطاب می‌شوند.

Bey: «آقا» لفظی مؤدبانه است که بعد از نام کوچک می‌گویند و در مقایسه با Bay رسمیت کمتری دارد:

Ahmet bey

Hanım: «خانم» زوج Bey است و همان نقش گفته شده برای آن را دارد:

Ebru hanım

Beyefendi: «آقای محترم»، شکل مؤدبانه و رسمی مخاطب قرار دادن است. این عنوان را به تنهایی و

بدون اسم بکار می‌برند:

Günaydın, beyefendi. آقای محترم، صبح به خیر،

Hanım efendi: «خانم محترم»، زوج Beyefendi است و همان نقش را دارد.

Sayın: «جناب، محترم» به جای همه‌ی خطاب‌های فوق قبل از اسم و یا فقط با نام خانوادگی می‌تواند قرار گیرد.

Efendim: خطابی مؤدبانه برای خانم و یا آقا:

Evet efendim بله، آقا/خانم

zât -1 aliniz یا zat -1 alileri: این کلمات جایگزین siz (شما) می‌شود و به در معنای «جناب عالی» بکار

گرفته می‌شود که این ساختار با اضافه فارسی ساخته شده است اگر دقت کرده باشید «ذات عالی شما» معنی می‌دهد.

پرسیدن اسم یکدیگر

| | |
|------------------------------|--------|
| Adınız | |
| İsminiz ne (dir) | |
| Soyadını ... mı? | |
| ... - (İ) nînîz adı ne (dir) | |
| | ismi |
| | soyadı |

Günaydın efendim. İsminiz nedir lütfen?

Ali.

Soyadınız?

Can.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

صبح به خیر آقا، اسم شما چیست لطفاً؟

علی.

نام خانوادگی تان؟

جان.

Adınız nedir?

Ayşe. sizin?

Ali.

اسمتان چیست؟

عایشه؛ و شما؟

علی.

Affedersiniz, sizin isminiz Ayşe mi?

Hayır benim ismim Ferište.

Firište mi?

Hayır. Ferište. F - E - R - Ş - T - E

Pekiyi, çocuklarınız ismi ne?

Çocuklarım yok. Ben evli değilim.

بیخشید. آیا اسم شما عایشه است؟

خیر اسم من «فرشته» است.

فیریشه؟

خیر، فرشته. ف - ر - ش - ت - ه

بسیار خوب، اسم بچه‌هایتان چیست؟

بچه ندارم من متأهل نیستم.

Pardon, siz Ali Can Mısınız?

Evet benim. /Hayır ben Murat Tok' um

بیخشید آیا شما علی هستید؟

بله هستم. خیر من مراد توک هستم.

توجه: ad مترادف isim است (مانند نام و اسم در فارسی) و در هر جا (مانند مثال بالا) می‌تواند به جای آن قرار گیرد:

Adınız nedir lütfen?

جمع پیوند lar/ler

جمع بندی کلمات ترکی به وسیله دو پیوند lar و ler می‌گیرد کلماتی که آخرین مصوت آن‌ها پسین A, I, O, U

است با پیوند lar جمع بسته می‌شوند و آن دسته از کلماتی که آخرین مصوت آن‌ها پیشین E, İ, Ö, Ü است با ler

جمع بسته می‌شوند.

| | | | |
|-------|---------|----------|--------|
| akşam | عصر، شب | akşamlar | شبها |
| ışık | نور | ışıklar | نورها |
| ot | علف | otlar | علفها |
| çocuk | بچه | çocuklar | بچهها |
| et | گوشت | etler | گوشتها |
| ip | طناب | İpler | طنابها |
| söz | حرف | sözler | حرفها |
| gün | روز | günler | روزها |

پیوندهای شخصی

این پیوندها را به اسم جمله می‌افزایند و جملاتی بدون فعل درست می‌کنند قبلاً در بخش اول کتاب درباره‌ی آن توضیح داده شد در اینجا به منظور یادآوری دوباره به ذکر آن‌ها می‌پردازیم:

| | |
|--------------|---------------|
| bekar-ım. | من مجرد هستم. |
| iyi-yim. | من خوبم |
| hasta-yım. | بیمارم. |
| öğretmen-im. | من معلم هستم. |

| | | بعد از حروف صامت | بعد از مصوت | |
|------|---------------|------------------|--------------|---------------|
| مفرد | | | | |
| ۱ | öğretmenim | معلم هستم | öğrenciyim | دانش آموزم |
| ۲ | öğretmensin | معلم هستی | öğrencisin | دانش آموزی |
| ۳ | öğretmendir | معلم است | öğrencidir | دانش آموز است |
| جمع | | | | |
| ۱ | öğretmeniz | معلم هستیم | öğrenciyiz | دانش آموزیم |
| ۲ | öğretmensiniz | معلم هستید | öğrencisiniz | دانش آموزید |
| ۳ | öğretmenler | معلم هستند | öğrenciler | دانش آموزند |

| | | بعد از حروف صامت | بعد از مصوت |
|------|-----------------------|------------------|--|
| مفرد | | | |
| ۱ | -im , -ım , -um , -üm | | - (y) im , - (y) ım , - (y) um , - (y) |

| | | |
|-----|--|---|
| | | üm |
| ۲ | -sin , -sin , -sun , -sün | |
| ۳ | (dir, -dır, -dür, -dur) (tir, -tır, -tür, -tur) | |
| جمع | | |
| ۱ | -iz , - ız , - uz , - üz | - (y) iz , - (y) ız , - (y) uz , - (y) üz |
| ۲ | -sınız , -sınız , -sunuz , -sünüz | |
| ۳ | - (dir) ler, - (dır) lar, - (dür) ler, - (dur) lar - (tir) ler, - (tır) lar, - (tür) ler, - (tur) lar | |

Var (هست، هستند، وجود دارد، هستی) ، Yok (نه، نیست، وجود ندارد):

| | |
|---------------|-------------------------------|
| | مثال از var: |
| Kedim var. | من گربه دارم. |
| Köpeğin var. | تو سگ داری. |
| Arabası var. | او ماشین دارد. |
| Evimiz var. | ما خانه داریم. |
| Bahçeniz var. | شما باغچه دارید (حیاط دارید). |
| şişeleri var | آن‌ها بطری دارند. |

| | |
|---------------|--------------------|
| | مثال از yok: |
| Kedim yok. | من گربه ندارم. |
| Köpeğin yok. | تو سگ نداری. |
| Arabası yok. | او ماشین ندارد. |
| Evimiz yok. | ما خانه نداریم. |
| Bahçeniz yok. | شما باغچه ندارید. |
| şişeleri yok. | آن‌ها بطری ندارند. |

| | |
|-----------------|-------------------|
| | حالت سؤالی مثبت: |
| kedim var mı? | آیا من گربه دارم؟ |
| köpeğin var mı? | آیا تو سگ داری؟ |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

arabası var mı? آیا او ماشین دارد؟
 evimiz var mı? آیا ما خانه داریم؟
 bahçeniz var mı? آیا شما باغچه دارید، حیاط دارید؟
 şişeleri var mı? آیا آنها بطری دارند؟

حالت سؤال منفی:

kedim yok mu? آیا من گربه ندارم؟
 köpeğin yok mu? آیا تو سگ نداری؟
 arabası yok mu? آیا او ماشین ندارد؟
 evimiz yok mu? آیا ما خانه نداریم؟
 bahçeniz yok mu? آیا شما باغچه ندارید؟
 şişeleri yok mu? آیا آنها بطری ندارند؟

توجه داشته باشید که پیوند ملکی در اینجا برای نشان دادن مالک بکار می‌رود. var و yok در معنی «وجود دارد»، «وجود ندارد» (هست و نیست) نیز بکار می‌روند:

İstanbul'da çok turist var. توریست‌های زیادی در استانبول وجود دارد.
 Türkçede 'w' yok. حرف W در ترکی وجود ندارد.
 Varım. هستم.
 Yokum. نیستم.

مثال‌های تکمیلی:

Yeni bir arabanız var mı? آیا شما ماشین جدید دارید؟
 Yeni bir arabamız olsaydı, beraber/birlikte kasabaya gidebilecekmiydik? آیا اگر ماشین جدید داشتیم می‌توانستیم به شهر کوچک برویم؟
 Ali'in yeni arabası varmış (به نظر می‌رسد/آن‌ها می‌گویند) علی یک ماشین جدید دارد/داشت
 Şekeriniz var mı, lütfen? آیا شکر دارید، لطفاً؟
 Şekeriniz yoksa, sade içeyim. اگر شکر ندارید، ساده بنوشم؟
 Boş vaktimiz var mı? آیا وقت خالی دارید؟
 Boş vakitleri/zamanları olsaydı, bize gelirdiler/gelirlerdi اگر وقت خالی داشتند، به خانه ما می‌آمدند.

Cevabı yok جوابی ندارد.

- Cevabı yoksa اگر جوابی ندارد.
- Elmaları yok آنها سیب ندارند
- Elmaları yokmuş. (به نظر می‌رسد / می‌گویند) آنها سیب ندارند / نداشتند - آنها سیب نداشته‌اند.
- Elmaları yok mu? آیا آنها سیب ندارند؟
- Mehmet'in kedisi var. محمد گربه دارد.
- Mehmet'in kedisi varken, köpeğimi onunla bırakamam تا زمانی که محمد گربه دارد، سگم را نمی‌توانم با آن رها کنم.
- Sadece az param var فقط کم پول دارم
- Ali 'nin parası var mı? آیا علی پول دارد؟
- Yeterli param varsa, yeni araba alırım. Ama o kadar yokmuş gibi geliyor... اگر به قدر کافی پول داشته باشم، یک ماشین جدید می‌خرم. اما به نظر می‌رسد آن قدر پول ندارم...

| جدول صرف var و yok | | | | |
|--------------------|---------------------|------------|---------------------|-------------|
| مفرد | | | | |
| ۱ | ben varım | من هستم | ben yokum | من نیستم |
| ۲ | sen varsın | تو هستی | sen yoksun | تو نیستی |
| ۳ | o var (dır) | او هست | o yok (tur) | او نیست |
| جمع | | | | |
| ۱ | biz varız | ما هستیم | biz yokuz | ما نیستیم |
| ۲ | siz varsınız | شما هستید | siz yoksunuz | شما نیستید |
| ۳ | onlar var (dır) lar | آنها هستند | onlar yok (dur) lar | آنها نیستند |

| حالت سؤالی | | | | |
|------------|------------------|--------------|----------------|---------------|
| مفرد | | | | |
| ۱ | ben var mıyım? | آیا من هستم؟ | ben yok muyum? | آیا من نیستم؟ |
| ۲ | sen var mısın? | آیا تو هستی؟ | sen yok musun? | آیا تو نیستی؟ |
| ۳ | o var mı (dır) ? | آیا او هست؟ | o yok mudur? | آیا او نیست؟ |

| | | | | |
|-----|------------------|------------------|------------------|-------------------|
| جمع | | | | |
| ۱ | biz var mıyız? | آیا ما هستیم؟ | biz yok muyuz? | آیا ما نیستیم؟ |
| ۲ | siz var mısınız? | آیا شما هستید؟ | siz yok musunuz? | آیا شما نیستید؟ |
| ۳ | onlar var mı? | آیا آن‌ها هستند؟ | onlar yok mu? | آیا آن‌ها نیستند؟ |

| | | | | |
|-----------|----------|-------------------|----------|---------------------|
| حالت شرطی | | | | |
| مفرد | | | | |
| ۱ | varsam | اگر هستم / باشم | yoksam | اگر نیستم / نباشم |
| ۲ | varsan | اگر هستی / باشی | yoksan | اگر نیستی / نباشی |
| ۳ | varsa | اگر هست / باشد | yoksa | اگر نیست / نباشد |
| جمع | | | | |
| ۱ | varsak | اگر هستیم / باشیم | yoksak | اگر نیستیم / نباشیم |
| ۲ | varsanız | اگر هستید / باشید | yoksanız | اگر نیستید / نباشید |
| ۳ | varsalar | اگر هستند / باشند | yoksalar | اگر نیستند / نباشند |

| | | | | |
|-----------|-------------|-----------|-------------|------------|
| حالت شرطی | | | | |
| مفرد | | | | |
| ۱ | varsaydım | اگر بودم | yoksaydım | اگر نبودم |
| ۲ | varsaydın | اگر بودی | yoksaydın | اگر نبودی |
| ۳ | varsaydı | اگر بود | yoksaydı | اگر نبود |
| جمع | | | | |
| ۱ | varsaydık | اگر بودیم | yoksaydık | اگر نبودیم |
| ۲ | varsaydınız | اگر بودید | yoksaydınız | اگر نبودید |
| ۳ | varsaydılar | اگر بودند | yoksaydılar | اگر نبودند |

سؤال کردن

-mi, -mı, -mu, -mü - پیوندهای استفهامی هستند که حالت سوالی به کلمه و یا خود جمله می‌دهند. البته در برخی موارد در درون کلمه تداخل یافته و در بعضی مواقع در آخر کلمه می‌آیند.

Çocuğunuz var **mi**?

آیا بچه دارید؟

Siz evli **misiniz**?

آیا متأهل هستید؟

- Orda **mi**sin? آیا آنجا هستی؟
- Yağmur **mu** yağıyor? آیا دارد باران می بارد؟
- Eve gittiniz **mi**? آیا به خانه رفتید؟
- Cemal okula gitti **mi**, (yoksa) gitmedi **mi**? آیا جمال به مدرسه رفت؟ (یا این که) نرفت؟
- Bu hastanede ameliyathane var **mi**, (yoksa) yok **mu**? در این بیمارستان اتاق عمل وجود دارد (یا) ندارد؟
- Ankara'ya **mi** İstanbul'a **mi** gitmek istiyorsun? آیا می خواهی به آنکارا بروی یا استانبول؟
- Yalnız başına burada kitap **mi** okuyordun? تنهایی این جا کتاب می خواندی؟
- Kediden **mi** korkuyorsun yoksa? آیا از گربه می ترسی یا...؟
- İKİ orta yaşlı adam **mi** çalmış arabayı? آیا دو مرد میان سال ماشین را دزدیده اند؟
- Murat' ın evi **mi** satılmış? آیا خانه **مراد** فروخته شده است؟
- Murat' ın **mi** evi satılmış? آیا خانه **مراد** فروخته شده است؟
- Sen şimdi o filmi görmüş **mi** oldun? آیا تو الان آن فیلم را دیدی؟
- Sen şimdi o filmi görmüş oldun **mu**? آیا تو الان آن فیلم را دیدی؟
- Sana yardım **mi** etti o adam? آیا آن مرد به تو کمک کرد؟
- Sana yardım etti **mi** o adam? آیا آن مرد به تو کمک کرد؟
- Aynur Zehrayla buluştuktan sonra **mi** çocukları okuldan aldı? آیا اینور **پس از دیدار** با زهرا بچه هایش را از مدرسه تحویل گرفت؟
- Aynur Zehra'yla **mi** buluşmadan önce çocukları okuldan aldı? آیا اینور پیش از دیدار با **زهرا** بچه هایش را از مدرسه تحویل گرفت؟
- Ahmet **mi** paraları evde unutmuş? آیا احمد پول هایش را در خانه جا گذاشته است؟
- Bankaya sabahleyin **mi** gideceksin? آیا صبح به بانک می خواهی بروی؟
- Kitabı Ahmet'e **mi** verdin? آیا کتاب را به احمد دادی؟
- Nermin okula **mi** gitmiş? نرمین به **مدرسه** رفته؟
- Nermin okula gitmiş **mi**? نرمین به **مدرسه** رفته؟
- Sokağa **mi** çıkıyorsun? آیا داری به **خیابان** می روی؟
- Sokağa çıkıyor **musun**? آیا به خیابان **داری** می روی؟

همان طور که در مثال های بالا ملاحظه می فرمایید تکیه بر روی کلمات و افعالی است که گوینده آن ها را مورد پرسش قرار داده است. به عنوان مثال در مثال *Yalnız başına burada kitap mı okuyordun?* گوینده در مورد کتاب سوال می پرسد و هدفش این است که بفهمد آیا مخاطب کتاب می خوانده و کار دیگری انجام نمی داده مثلا شعر

خواندن. حال اگر mi پس از yalnız başına قرار بگیرد، گوینده بر روی تنهایی شخص تاکید دارد و می‌خواهد بداند آیا مخاطب تنهایی درس می‌خوانده یا شخص یا اشخاصی در کنار ایشان بوده‌اند. و اگر mi بعد از burada قرار داده شود مقصد سوال این است که آیا مخاطب اینجا درس می‌خوانده یا در جای دیگر. همچنین در صورتی که تکیه سوال بر روی فعل okuyordun باشد این فعل به شکل okuyor muydun در می‌آید که هدف گوینده این است که بداند آیا مخاطب کتاب می‌خوانده و یا اینکه مثلاً کتاب می‌نوشته است. در مثال Kediden mi korkuyorsun yoksa? قسمت دوم سوال به قرینه حذف شده است. گوینده برای کوتاه شدن جمله از این روش استفاده می‌کند و از مخاطب می‌پرسد آیا از گربه می‌ترسی یا (موجود دیگری)?

لازم به یادآوری است که در برخی موارد در جملات با کلمه‌ای دیگر به عنوان acaba روبرو می‌شویم که این کلمه نیز به معنای «آیا» است؛ منتها در ادای جمله‌ای، وقتی از کمیت و یا موجودیت چیزی خبر نداریم، از این کلمه استفاده می‌کنیم. به طور مثال:

Acaba burası müze mi?

آیا اینجا موزه است؟

یعنی چون دقیقاً نمی‌دانیم ساختمانی که در برابرش ایستاده‌ایم مربوط به موزه است یا نه، جمله را با چنان کلمه‌ای شروع می‌کنیم.

| مفرد | | | | |
|------|------------------|-----------------|---------------|----------------|
| ۱ | öğretmen miyim | آیا معلم هستم؟ | hasta mıyım | آیا بیمارم؟ |
| ۲ | öğretmen misin | آیا معلم هستی؟ | hasta mısın | آیا بیماری؟ |
| ۳ | öğretmen mi | آیا معلم است؟ | hasta mı | آیا بیمار است؟ |
| جمع | | | | |
| ۱ | öğretmen miyiz | آیا معلم هستیم؟ | hasta mıyız | آیا بیماریم؟ |
| ۲ | öğretmen misiniz | آیا معلم هستید؟ | hasta mısınız | آیا بیمارید؟ |
| ۳ | öğretmenler mi | آیا معلم هستند؟ | hastalar mı | آیا بیمار است؟ |

| مفرد | | | | |
|------|----------------|---------------|---------------|---------------|
| ۱ | yorgun muyum | آیا خسته‌ام؟ | büyük müyüm | آیا بزرگم؟ |
| ۲ | yorgun musun | آیا خسته‌ای؟ | büyük müsün | آیا بزرگی؟ |
| ۳ | yorgun mu | آیا خسته است؟ | büyük mü | آیا بزرگ است؟ |
| جمع | | | | |
| ۱ | yorgun muyuz | آیا خسته‌ایم؟ | büyük müyüz | آیا بزرگیم؟ |
| ۲ | yorgun musunuz | آیا خسته‌اید؟ | büyük müsünüz | آیا بزرگید؟ |

| | | | | |
|---|--------------|---------------|-------------|-------------|
| ۳ | yorgunlar mı | آیا خسته‌اند؟ | büyükler mi | آیا بزرگند؟ |
|---|--------------|---------------|-------------|-------------|

| مفرد | | |
|------|--|------------|
| ۱ | mıyım?, miyim?, muyum?, müyüm? | آیا هستیم؟ |
| ۲ | mısınız?, misiniz?, musunuz?, müsünüz? | آیا هستی؟ |
| ۳ | mı?, mi?, mu?, mü? (غیر رسمی) mıdır?, midir?, mudur?, müdür? (رسمی) | آیا هست؟ |
| جمع | | |
| ۱ | mıyız?, miyiz?, muyuz?, müyüz? | آیا هستیم؟ |
| ۲ | mısınız?, misiniz?, musunuz?, müsünüz? | آیا هستید؟ |
| ۳ | -lar mı?, -ler mi?, -lar mu?, -ler mü? (غیر رسمی) mıdırlar?, midirler?, mudurlar?, müdürler? (رسمی) | آیا هستند؟ |

این پیوند می‌تواند در جملات غیر فعلی به تنهایی ظاهر شود و می‌توان پیوندهای شخصی نیز بدان افزود اما در مورد lar/ler استثنا وجود دارد این پیوندها به -mi, -mı, -mu, -mü نمی‌چسبند ولی می‌تواند به کلمات دیگر مانند değil (نیست) ملحق شوند.

Değil

(پیوند منفی ساز) دو کار انجام می‌دهد:

۱- جملات غیر فعلی را منفی می‌کند و بعد آن پیوند شخصی می‌آید:

Ben evli değilim.

من متأهل نیستم.

Sen türk değilsin.

تو ترک نیستی.

Onlar yorgun değiller.

آن‌ها خسته نیستند.

۲- مانند جملات کوتاه پرسشی منفی عمل می‌کند. در این حالت پیوند شخصی نمی‌گیرد:

O bekar, değil mi?

او مجرد است، آیا نیست؟ (این طور نیست؟)

Sen hasta değilsin, değil mi?

تو مریض نیستی، این طور نیست؟

Çocuk türk, değil mi?

بچه ترک است این طور نیست؟

Ahmet doctor, değil mi?

احمد دکتر است آیا این طور نیست؟

Tiyatroya gitmeden önce yer ayırtmamıştın, değil mi?

پیش از رفتن به تئاتر جا نگرفته بودی این طور نیست؟

Cemal bugün okula gitmedi, değil mi?

جمال امروز به مدرسه نرفت این طور نیست؟

در مکالمات روزمره به جای استفاده از değil mi از مخفف همین کلمه یعنی demi? استفاده می کنند که معادل

«مگه نه؟ یا نه؟» فارسی است:

Ayşe sekreter, demi?

عایشه منشی است، مگه نه؟

ساخت سؤالی منفی از değil

zengin değil miyim?

آیا ثروتمند نیستم؟

pahalı değil mi?

آیا گران نیست؟

hasta değil miyiz?

آیا بیمار نیستم؟

genç değiller mi?

آیا آن‌ها جوان نیستند؟

yorgun değil misin?

آیا خسته نیستی؟

büyük değil mi?

آیا بزرگ نیست؟

yaşlı değil misiniz?

آیا شما مسن نیستید؟

yoksul değiller mi?

آیا آن‌ها ندار نیستند؟

| جدول صرف değil نیست | | | | |
|---------------------|---------------|-------------------|----------------|---------------------------|
| مفرد | مثبت نیستم | منفی آیا نیستم | گذشته نبودم | گذشته سؤالی آیا نبودم؟ |
| ۱ | değilim | değil miyim? | değildim | değil miydim ? |
| ۲ | değilsin | değil misin? | değildin | değil miydin? |
| ۳ | değil (dir) | değil mi? | değildi | değil miydi? |
| جمع | | | | |
| ۱ | değiliz | değiliz miyiz? | değildik | değil miydik? |
| ۲ | değilsiniz | değil misiniz? | değildiniz | değil miydiniz? |
| ۳ | değiller | değiller mi? | değillerdi | değil miydiler? |

| مفرد | عدم حضور مشروط اگر نیستم | |
|------|-----------------------------|------------|
| ۱ | değilsen | değil isem |

| | | |
|-----|--------------------------|--------------|
| ۲ | değilsen | değil isen |
| ۳ | değilse | değil ise |
| جمع | | |
| ۱ | değilsek | değil isek |
| ۲ | değilseniz | değil iseniz |
| ۳ | değilseler یا değıllerse | değil iseler |

هر دو حالت بالا قابل استفاده است

| | | | |
|------|-----------------------------------|---------------|--------------|
| مفرد | عدم حضور مشروط گذشته اگر نبودم | | |
| ۱ | değil idiysem | değildiysen | değildimse |
| ۲ | değil idiyse | değildiysen | değildinse |
| ۳ | değil idiyse | değildiysen | değildinse |
| جمع | | | |
| ۱ | değil idiysek | değildiyseniz | değildikse |
| ۲ | değil idiysek | değildiyseniz | değildinizse |
| ۳ | değil idiysek | değildiyseniz | değildilerse |

هر سه حالت بالا قابل استفاده است

| | | |
|------|--|---------------|
| مفرد | با imiş (کمکی فرضی) او گفت من نیستم/نبودم یا استنباط من این است که من نیستم/نبودم | |
| ۱ | değil imişim | değilmişim |
| ۲ | değil imişsin | değilmişsin |
| ۳ | değil imiş | değilmiş |
| | | |
| ۱ | değil imişiz | değilmişiz |
| ۲ | değil imişsiniz | değilmişsiniz |
| ۳ | değil imişler | değilmişler |

هر دو حالت بالا قابل استفاده است

| | | |
|------|--|---------------|
| مفرد | با ise (کمکی شرطی) و imiş (کمکی فرضی) آن‌ها می‌گویند اگر من نیستم یا اگر من استنباط می‌کنم که نیستم یا اگر نبوده‌ام | |
| ۱ | değil imişsem | değilmişsem |
| ۲ | değil imişsen | değilmişsen |
| ۳ | değil imişse | değilmişse |
| | | |
| ۱ | değil imişsek | değilmişsek |
| ۲ | değil imişseniz | değilmişseniz |
| ۳ | değil imişseler | değilmişseler |

هر دو حالت بالا قابل استفاده است

مثال از گذشته پیوند منفی ساز değil:

| | |
|--------------------------------|------------------------|
| zengin değildim | ثروتمند نبودم. |
| hasta değildin | مريض نبودم. |
| yorgun değildi | خسته نبود. |
| mutlu değildik | شاد نبودیم. |
| aç değildiniz | گرسنه نبودید. |
| yoksul değildiler | فقیر نبودند. |
| açık değil miydi? | آیا باز نبود؟ |
| mutlu değil miydik? | آیا ما خوشبخت نبودیم؟ |
| hava soğuk değil miydi? | آیا هوا سرد نبود؟ |
| zengin değil miydiler? | آیا ثروتمند نبودند؟ |
| emin değil miydim? | آیا مطمئن نبودم؟ |
| Mehmet meşgul değil miydi? | آیا محمد مشغول نبود؟ |
| yorgun değil miydiniz? | آیا خسته نبودید؟ |
| çocuklar soğuk değil miydiler? | آیا بچه‌ها سرد نبودند؟ |

değil در معنای «نه» نیز استفاده می‌شود:

| | |
|--|---|
| Bu gün değil, dün geldi | امروز نه، دیروز آمد |
| değil sen, ben de bilmedim | نه تو، من هم ندانستم |
| değil parasını, o hayatını kurtaramadı | پولش نیست، او زندگی‌اش را نتوانست نجات دهد. |

ساخت جملات کامل

در آخر جملات یا پرسش‌های غیر فعلی می‌توان پیوند **-dir, -dır, -dur, -dür** قرار داد. این پیوند غالباً در گفتگوهای روزمره حذف می‌شود و معنی «است» می‌دهد:

| | | |
|----------|---------------------------------|--------------------------|
| رسمی | Türkiye'nin başkenti Ankaradır. | پایتخت ترکیه آنکارا است. |
| غیر رسمی | Türkiye'nin başkenti Ankara. | پایتخت ترکیه آنکارا است. |
| رسمی | İsminiz nedir? | اسم شما چیست؟ |
| غیر رسمی | İsminiz ne? | اسمتان چیه؟ |

نکات جالب!

در ترکی ترکیه بسیاری از کلمات ناب و خالص وجود دارد که به دست فراموشی سپرده شده‌اند که در زندگی مدرن امروزی یا بلا استفاده‌اند و یا فقط در شرایط خاص از این قبیل کلمات استفاده می‌شود. این کلمات را نباید با کلماتی که بعدها توسط انجمن زبان ترکی TDK ایجاد شده، اشتباه گرفته شوند. این کلمات در قرون معاصر مورد استفاده قرار می‌گرفته که می‌تواند جایگزین کلمات امروزی، که منشأ خارجی دارند بشوند. انجمن زبان ترکی این کلمات را به عنوان کلمات منسوخ و قدیمی تعریف کرده است. بعضی مثال‌ها:

| معنی | ترکی ناب | وارد شده از زبان: | ترکی آمیخته با کلمات بیگانه |
|----------|----------|-------------------|-----------------------------|
| آتش | od | فارسی | ateş |
| آینه | gözgü | فارسی | ayna |
| داماد | güvey | فارسی | damat |
| بیمار | sayrı | فارسی | hasta |
| خوش، خوب | yahşi | فارسی | hoş |
| باد | yel | فارسی | rüzgar |
| پاییز | güz | فارسی (bahar) | sonbahar |

تعداد کلمات ترکی در زبان‌های دیگر

- چینی: ۲۸۹
- رومانیایی: ۲۷۸۰
- چکی: ۲۸۴
- روسی: ۲۴۷۶
- اردو: ۲۲۷
- عربی: ۱۹۹۰
- آلمانی: ۱۶۶
- بلغاری: ۳۳۹۰
- مجاری: ۱۹۸۰
- ایتالیایی: ۱۴۶
- یونانی: ۲۹۸۴
- اکراینی: ۸۰۰
- فنلاندی: ۱۱۵
- فارسی: ۲۹۶۹
- انگلیسی: ۴۷۰
- آلبانیایی: ۲۶۲۲

ضرب المثل

Dağ dağa kavuşmaz, insan insana kavuşur. کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد.
 Kuruların yanında yaşlar da yanar. تر و خشک به پای هم می‌سوزند.
 Sağ baş yastık istemez. سری که درد نمی‌کند را دستمال نمی‌بندند.

اصطلاحات

Acem kılıcı gibi olmak:

مانند شمشیر عجم بودن: کنایه از دوطرفه کار کردن: هم برای دوست و هم برای دشمن کار کردن

Apar topar:

با عجله و دست پاچگی

Armut piş, ağzıma düş:

گلابی پیز. به دهانم بیفت. این اصطلاح در مواقعی به کار می‌رود که بدون صرف هیچ زحمتی در پی نتیجه دادن کاری باشیم

Ayrarı kabarmak:

عصبانی شدن. خشمگین شدن فریاد زدن

Bahtı kara:

سیاه بخت. بدبخت

Balık etinde:

نه چاق نه لاغر. متناسب. کسی که وزنش مناسبه

Bulanık suda balık avlamak:

از آب گل آلود ماهی گرفتن

Boy atmak:

قد کشیدن. رشد کردن

Burnu havada (olmak):

کنایه از انسان خودپسند و متکبر

Buyur etmek:

بفرما زدن. کسی را استقبال کردن و به درون فراخواندن

درس ۲

پرسیدن اسم اشخاص



| | | | |
|----|---------|--------|------------|
| Bu | hanımın | | |
| Şu | kızın | adı | |
| O | oğlanın | ismi | ne (dir) ? |
| | adamın | soyadı | |

اسم این، آن (خانم، دختر، پسر، آدم) چیست؟

| | | |
|----|-----------|-------------|
| | bey | |
| Bu | çocuk | |
| Şu | beyefendi | kim (dir) ? |

O kadın

این، آن (آقا، بچه، آقای محترم، زن) کیست؟

Ali

Bu Ahmed'in

Şu Ayten hanım değil mi?

O Cemalın annesi

آیا این، آن (علی، پسر احمد، خانم آیتن، مادر جمال) نیست؟

پرسی درباره خانواده اشخاص

Ali Bey evli mi, bekar mı?

Evli.

Çocuk çocuğu var mı?

var. bir kızını bir oğlu var.

Karısının ismi ne?

Ayşe.

Çocuklarının?

Kızının selma, oğlunun Taner

آیا علی آقا متأهل است یا مجرد؟

متأهل.

آیا او بچه دارد؟

بله. یک دختر و یک پسر دارد.

اسم همسرش چیست؟

عایشه.

و (اسم) بچه‌هایش؟

اسم دخترش «سلما» و اسم پسرش «تانر»

Ayşe hanım'ın kardeşi var mı?

Var. Bir erkek bir de kız kardeşi var.

Erkek kardeşi bekar mı?

nışanlı.

kızkardeşi?

O evli.

Adı ne?
Gül sağlam.
Kocasının adı?
Ahmet.



آیا عایشه خواهر و برادر دارد؟
دارد. یک برادر یک خواهر.
آیا برادرش مجرد است.
نامزد است (نامزدی کرده).
خواهرش چی؟
او متأهل است.
اسمش چیه؟
«گل سالم»
اسم شوهرش؟
احمد.

Ali Bey'in annesi ve babası kim?
Dr Mehmet Koç ve Suzan Hanım.
Yani, Dr Mehmet Bey Selma ve Taner'in dedesi. Öyle mi?
Evet. Selma ve Taner, Mehmet Bey ve Suzan Hanım' torunları.

پدر و مادر علی آقا کیستند؟
دکتر محمد کوچ و سوزان خانم.
یعنی دکتر محمد آقا پدر بزرگ سلما و تانر است. این طور است؟
بله. سلما و تانر نوه‌های محمد آقا و سوزان خانم هستند.

خانواده

| | | | |
|--------------|-----------------------|------------------------|----------------------|
| baba | پدر، بابا | kayınbaba ; kayınpeder | پدر زن پدر شوهر |
| anne | مادر، مامان | kaynana ; kayınvalide | مادر زن یا مادر شوهر |
| bebek | نوزاد | baldız | خواهر شوهر |
| erkek kardeş | برادر، داداش | bacanak | باچناق |
| kız kardeş | خواهر، آجی | damat | داماد |
| abi (ağabey) | برادر بزرگ، آقا داداش | gelin | عروس |

| | | | |
|------------------------|------------------------|-----------------|----------------------|
| abla | خواهر بزرگ، خان باجی | enişte | شوهر خواهر |
| ođul ; erkek çocuk | پسر، پسر بچه | torun | نوه |
| kız ; kız çocuk | دختر، دختر بچه | ikiz | دوقلو |
| teyze | خاله | ikiz kardeş | خواهر یا برادر دوقلو |
| hala | عمه | eş, hanım, karı | زن، خانم، همسر زن |
| dede ; büyükbaba | پدر بزرگ، بابا بزرگ | koca | شوهر |
| nine ; büyükanne | مادر بزرگ | üveyanne | نامادری |
| anneanne | مادر بزرگ (مادری) | üveybaba | ناپدری |
| babaanne | مادر بزرگ (پدری) | yenge | همسر برادر، زن داداش |
| üvey erkek kardeş | برادر ناتنی | üvey kız kardeş | خواهر ناتنی |
| yeğen | خواهر و یا برادر زاده | ođlan | پسر، فرزند پسر |
| amca | عمو | dul | بیوه |
| dayi | دایی | nişanlı | نامزد |
| kuzen | پسر عمو یا پسر دایی | evli | متأهل |
| kuzin | دختر عمو یا دختر خاله | bekar | مجرد |
| erkek | مرد، مذکر | kadın | زن، مؤنث |
| kayın, kayın birader | برادر شوهر یا برادر زن | çocuk | بچه |
| kız | دختر | kayın hanımı | جاری |
| zevce, karı, eş, hanım | زن، همسر | aile | خانواده |

Üç erkek ve iki kız yeğenim var.

من سه پسر برادر (و پسر خواهر) و دو دختر خواهر (و دختر برادر) دارم.

| | |
|-----------------------|------------------------------------|
| küçük erkek kardeş | برادر کوچک |
| kardeşçe | برادرانه |
| erkek yeğen | پسر خواهر، پسر برادر |
| evli çift, karı-koca | زوج، زن و شوهر |
| evlilik, izdivaç | ازدواج |
| evlenmek | ازدواج کردن |
| gençler arası evlilik | ازدواج زود هنگام (در سنین نوجوانی) |
| karımı gördün mü? | خانم مرا دیده‌ای؟ |
| erkek evladın eşi | همسر پسر |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|---|--|
| gelin ve damat | عروس و داماد |
| (düğün gününde) evlenecek olan kadın | (در روز عروسی) زنی که می‌خواهد عروسی کند. |
| gerdek | حجله عروس |
| gelin olmak, gerdeğe girmek | عروس شدن، به حجله عروس وارد شدن |
| gelinlik | لباس عروس |
| nedime | ساقدوش عروس |
| duvak | تور عروس |
| düğün alayı, düğüne katılan misafirler | کاروان عروس، مهمان‌هایی که در عروسی شرکت می‌کنند. |
| hala, teyze, yenge | عمه، خاله، زن داداش |
| hitap sözcüğü olarak da kullanılır; çocuğun tanıdığı bayan akraba | همچنین به شکل فرم خطایی نیز بکار می‌رود؛ فامیل یا شخص مؤنثی که بچه خوب می‌شناسد. |
| yaşlı bir teyze | خاله پیر |
| amcanın karısı | زن عمو |
| babanın erkek kardeşinin karısı | زن برادر بابا |
| babanın kız kardeşi | خواهر بابا (عمه) |
| hısım, akraba | خویشاوند، فامیل |
| kocamın bir akrabası | یکی از خویشاوندان شوهرم |
| uzak akrabalar | خویشاوندان دور |
| hısım, akraba, soy, nesil | خویشاوند، فامیل، اصل و نسب، نسل |
| sülale | سالله، نسل، نسبت، اصل |
| biz (birbirimizle) akrabayız | ما با هم فامیلیم. |
| soylu aile | فامیل نجیب‌زاده |
| aileden kalma çiftlik | مزرعه‌ی فامیلی |
| soy özelliği | نشان اختصاصی یک فامیل |
| soy/şecere araştırması | شجره نامه شناسی |
| aile destanı | حماسه‌ی خانوادگی |
| soy ağacı | شجره‌نامه |
| jenerasyon, kuşak, nesil | نسل |
| orta kuşak | نسل میانی |
| yazarlar kuşağı | نسل نویسندگان |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|--|
| kuşak değişikliği | تعویض نسلها |
| kuşaklar arasında uçurum | شکاف نسلها |
| kardeş | برادر و یا خواهر |
| Çok kardeşin var mı? evet, üç erkek ve bir kız kardeşim var. | |
| | خانواده‌ی پرجمعیتی هستیید؟ بله، من سه برادر و یک خواهر دارم. |
| küçük kardeşler | برادرها و یا خواهرهای کوچکتر |
| kuzen | عمو زاده؛ دایی زاده؛ عمه زاده؛ خاله زاده |
| kardeş grubu, aile | مجموعه‌ی خواهر برادرها (کل خانواده به استثنای پدر و مادر) |
| anne baba, ebeveyn, veli | پدر مادر، والدین، ولی |
| anne veya baba | پدر یا مادر |
| kaynana ve kayınbaba | پدر و مادر همسر |
| manevi ana baba | والدین تعمیدی (کسانی که بچه‌ای را به فرزندى قبول می‌کنند.) |
| yetim, öksüz | یتیم |
| kaynana ve kayınpeder | والدین همسر |
| Kayınpederim ve kayınvalidem İzmir'de oturuyorlar. | |
| | والدین همسر من در ازمیر زندگی می‌کنند. |
| eşin annesi | مادر همسر |
| kayınbirader, enişte, bacanak | برادر همسر؛ شوهر خواهر، باجناق |
| kayınpeder, kaynata | پدر همسر |
| eşin babası | پدر همسر |
| koca | شوهر |
| Kocam marangozdur | شوهر من نجار (درودگر) است. |
| amca, dayı, hala ya da teyze çocuğu | عمو زاده؛ دایی زاده؛ عمه زاده؛ خاله زاده |
| Kuzenlerim Tahran'da oturuyorlar. | عمو زاده‌های من در تهران زندگی می‌کنند. |
| kız evlat | فرزند دختر |
| Güzel bir kızımız oldu. | خدا به ما یک دختر خوشگل داد |
| en küçük kızımız | کوچک‌ترین دختر ما |
| kız kardeşin kız evladı, yeğen | دختر خواهر |
| kız çocuktan olan oğlan torun | نوه‌ی دختری |
| kız yeğen | دختر خواهر، خواهرزاده |
| küçük kız kardeş | خواهر کوچک |

| | |
|-------------------------------------|---------------------------------|
| nikâh | نکاح، مراسم ازدواج |
| nikâh töreni | مراسم ازدواج |
| evlilik cüzdanı, evlilik belgesi | عقد نامه |
| Büyükannesinin yanında büyüdü. | او پیش مادربزرگش بزرگ شد. |
| Negiz Teyze dün bize ziyarete geldi | خاله نرگس دیروز به دیدن ما آمد. |
| erkek evlat, oğul | پسر، فرزند مذکر |
| O, kapıcının oğludur. | او پسر سرایدار است. |
| benim kendi oğlum | پسر خودم |
| torun (oğlun oğlu) | نوهی پسری، پسرِ پسر |
| torun (kızın oğlu) | نوه، پسرِ دختر |
| torun (oğlun kızı) | نوه، دخترِ پسر |

birbir یا biribir (یک دیگر، هم دیگر)

| | |
|------------------------------------|-------------|
| 1-birbirimiz | اول شخص جمع |
| 2-birbiriniz | دوم شخص جمع |
| 3-biribirleri یا birbiri, biribiri | سوم شخص جمع |

مثال:

| | |
|-----------------------------|----------------------------------|
| birbirimize yardım ediyoruz | ما داریم به یک دیگر کمک می کنیم. |
| birbirinizi seviniz | یک دیگر را دوست بدارید. |
| birbirinden güzel kızlar | دخترهایی که یکی از یکی زیباترند. |
| birbirileri seviyor | همدیگر را دوست دارند. |

Ayşe'yle Semra birbir-in-den/birbir-lerin-den hiç hoşlanmıyor(lar).

عایشه و سمرا اصلاً از همدیگر خوششان نمی آید.

Almanya ve Brezilya takımları birbirlerinden haklı olarak korkuyorlar.

تیمهای برزیل و آلمان به نحو موجهی از همدیگر می ترسند.

(Siz) birbirinizle çok iyi anlaşılıyorsunuz. (شما) با هم خیلی خوب به تفاهم می رسید.

Birbir-lerin-i iki yıldır gör-mü-yor-lar. آن‌ها دو سال است که همدیگر را نمی بینند.

Biz-i birbir-imiz-e şikayet et-ti-n. از ما به هم دیگر شکایت کردی.

Size birbirinizden hiç söz etmedim. از شما به هم دیگر حرفی نزد.

(Siz) [birbirinizin yarışmayı kazanmasını]-ı mı istiyorsunuz?

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

آیا (شما) می‌خواهید مسابقه را به نفع یکدیگر برنده شوید؟

(Biz) [birbir-imiz-in sev-diğ-i] renkleri sev-mi-yor-uz.

(ما) رنگ‌های مورد علاقه یک دیگر را دوست نداریم.

Amaç birbirimizi görmektir

هدف دیدن یکدیگر بود.

Birbirlerine çok düşkün Ayşe'yle Semra.

عایشه و سمرا به همدیگر خیلی وابسته هستند.

(Tanıştığımıza) memnun oldum.

Ben de (memnun oldum)

چگونه خود را معرفی کنیم؟

İyi günler efendim, ben Osman Pek.

İyi günler beyefendi. memnun oldum. Ben de Ali Nar.

Memnun oldum.

روز به خیر، آقا. من عثمان پک هستم.

روز به خیر، آقای محترم. خوشوقتم. من علی نار هستم.

خوشوقتم.

Affedersiniz, siz Ali Nar değil misiniz?

Evet, siz?

Ben Halil Temiz.

Tanıştığımıza memnun oldum.

Ben de.

می‌بخشید، آیا شما علی نار نیستید؟

بله (هستم) و شما؟

من خلیل تمیز هستم.

از آشنایی با شما خوشوقتم.

من هم همچین.

İyi günler hanım efendi

?

Ben Ali Nar. Amerikan Ekspres'ten

Aaa, tabi. Merhaba

روز به خیر، خانم.

?

من علی نار هستم. از مطبوعات آمریکایی
آه، البته. سلام.

چگونه دیگران را به هم معرفی کنیم؟

Ahmet Bey, sizi Ali Nar ile tanıştırayım. Ali Bey Amerikan Ekspres'te
tercüman. Ali Nar. Ahmet Mutlu.
Memnun oldum, beyefendi.
Ben de.

احمد آقا، شما را به علی نار معرفی می‌کنم. علی آقا مترجم از مطبوعات آمریکایی. علی نار. احمد موتلو.
خوشوقتم، آقای محترم.
منم همچنین.

| | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| Benim adım ... | نام من ... است. |
| Adınız ne? | نام شما چیست؟ |
| Soyadınız ne? | نام خانوادگی شما چیست؟ |
| İşiniz ne? | شغل شما چیست؟ |
| Mesleğiniz ne? | حرفه شما چیست؟ |
| Adın ne? | اسم تو چیست؟ |
| Adı ne? | نام او چیست؟ |
| Kiminle birlikte-siniz? | چه کسی همراه شماست؟ |
| Tek başınayım. | من تنها هستم. |
| Eşim ile beraberim. | من همراه همسرم هستم. |
| Nişanlım ile beraberim. | من همراه نامزد هستم. |
| Kız arkadaşım ile beraberim. | من همراه دوست دخترم هستم. |
| Babam ile beraberim. | من همراه پدرم هستم. |
| Oğlum ile beraberim. | من همراه پسر هستم. |
| Kardeşim (Ağabeyim) ile beraberim. | من همراه برادرم هستم. |
| Yeğenim ile beraberim. | من همراه پسر برادرم (خواهرم) هستم. |
| Amcam (Dayı) ile beraberim. | من همراه عمویم (دایی‌ام) هستم. |
| Annem ile beraberim. | من همراه مادرم هستم. |
| Kızım ile beraberim. | من همراه دخترم هستم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Kız kardeşim (Ablam) ile beraberim. من همراه خواهرم هستم.
- Halam (Teyze) ile beraberim. من همراه عمه‌ام (خاله‌ام) هستم.
- Ailem ile beraberim. من همراه خانواده‌ام هستم.
- Çocuklarım ile beraberim. من همراه فرزندانم هستم.
- Ana babam ile beraberim. من همراه پدر و مادرم هستم.
- Sizi eşim ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به همسرم معرفی کنم؟
- Sizi nişanlım ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به نامزدم معرفی کنم؟
- Sizi kız arkadaşım ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به دوست دخترم معرفی کنم؟
- Sizi oğlum ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به پسرم معرفی کنم؟
- Sizi babam ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به پدرم معرفی کنم؟
- Sizi kardeşim (ağabeyim) ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به برادرم معرفی کنم؟
- Sizi amcam (dayı) ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به عمویم (دایی‌ام) معرفی کنم؟
- Sizi dedem ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به پدربزرگم معرفی کنم؟
- Sizi yeğenim ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به پسر برادرم (خواهرم) معرفی کنم؟
- Sizi kızım ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به دخترم معرفی کنم؟
- Sizi torunum ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به نوه‌ام معرفی کنم؟
- Sizi annem ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به مادرم معرفی کنم؟
- Sizi kız kardeşim (ablam) ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به خواهرم معرفی کنم؟
- Sizi halam (teyze) ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به عمه‌ام (خاله‌ام) معرفی کنم؟
- Sizi anneannem ile tanıştırebilir miyim? می‌توانم شما را به مادربزرگم معرفی کنم؟
- Neredensiniz? اهل کجا هستید؟
- Hangi şehir? کدام شهر؟
- Hangi ülke? کدام کشور؟
- Ben Amerika'dan geliyorum. من اهل ایالات متحده آمریکا هستم.
- Ben İran'dan geliyorum. من اهل ایران هستم.
- Ben İngiltere'den geliyorum. من اهل انگلستان هستم.
- Ben İspanya'dan geliyorum. من از اسپانیا می‌آیم.
- Ben İtalya'dan geliyorum. من اهل ایتالیا هستم.
- Ben Portekiz'den geliyorum. من از پرتغال می‌آیم.
- Ben Polonya'dan geliyorum. من اهل لهستان هستم.
- Ben Rusya'dan geliyorum. من اهل روسیه هستم.

| | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| Evli misiniz? | آیا ازدواج کرده‌اید؟ |
| Boşandınız mı? | آیا طلاق گرفته‌اید؟ |
| Bekar mısınız? | آیا مجرد هستید؟ |
| Evliyim | من ازدواج کرده‌ام. |
| Bekarım. | من مجرد هستم. |
| Boşandım. | من طلاق گرفته‌ام. |
| Çocuklarınız var mı? | آیا بچه دارید؟ |
| Akrabalarınız var mı? | آیا خویشاوندان دیگری دارید؟ |
| Hangi iş yapıyorsunuz? | کار شما چیست؟ |
| Öğrenciyim. | من دانش آموز هستم. |
| Öğretmenim. | من معلم هستم. |
| İşçiyim | من کارگر هستم. |
| Yöneticiyim. | من مدیر هستم. |
| Bankacıyım. | من کارمند بانک هستم. |
| Programcıyım. | من برنامه نویس هستم. |
| İşadamıyım. | من تاجر هستم. |
| Mühendisim. | من مهندس هستم. |
| Tatildeyim. | من برای تعطیلات آمده‌ام. |
| İş seyahatindeyim. | من برای کار آمده‌ام. |
| Burada bir gün kalacağım. | من برای یک روز اینجا می‌مانم. |
| Burada iki gün kalacağım. | من برای دو روز اینجا می‌مانم. |
| Burada üç gün kalacağım. | من برای سه روز اینجا می‌مانم. |
| Burada bir hafta kalacağım. | من برای یک هفته اینجا می‌مانم. |
| Burada birkaç hafta kalacağım. | من برای چند هفته اینجا می‌مانم. |
| Burada bir ay kalacağım. | من برای یک ماه اینجا می‌مانم. |
| Burada birkaç ay kalacağım. | من برای چند ماه اینجا می‌مانم. |
| Burada bir yıl kalacağım. | من برای یک سال اینجا می‌مانم. |
| Yarın ayrılıyorum. | من فردا می‌روم. |
| 2 gün içinde ayrılıyorum. | من دو روز دیگر می‌روم. |
| 3 gün içinde ayrılıyorum. | من سه روز دیگر می‌روم. |
| Gelecek hafta ayrılıyorum. | من هفته بعد می‌روم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|-------------------------------|-------------------------------|
| Gelecek ay ayrılıyorum. | من ماه بعد می‌روم. |
| Pazartesi günü ayrılıyorum. | من دوشنبه می‌روم. |
| Salı günü ayrılıyorum. | من سه شنبه می‌روم. |
| Çarşamba günü ayrılıyorum. | من چهارشنبه می‌روم. |
| Perşembe günü ayrılıyorum. | من پنج شنبه می‌روم. |
| Cuma günü ayrılıyorum. | من جمعه می‌روم. |
| Cumartesi günü ayrılıyorum. | من شنبه می‌روم. |
| Pazar günü ayrılıyorum. | من یکشنبه می‌روم. |
| Hiç Türkiye'de bulundunuz mu? | آیا تا به حال ترکیه رفته‌اید؟ |

İle

اگر İle به معنی «با» و «و» را به واژه قبل از خود بچسبانیم حرف i حذف می‌شود. چنانچه حرف آخر کلمه یک مصوت باشد y را قبل le- می‌آوریم:

| | |
|---------------------------|------------------------------|
| Ahmet'le Ayşe geliyorlar. | احمد با عایشه دارند می‌آیند. |
| Ahmet Ayşeyle geliyor. | احمد با عایشه دارد می‌آید. |

ile را برای وسایل حمل و نقل نیز بکار می‌برند:
 آنها با اتوبوس به آنکارا می‌روند.

Otobüsle Ankara'ya gidiyorlar.

مثال‌های دیگر:

| | |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| Masada fincanla tabaklar var | بر روی میز فنجان با (و) بشقاب هست. |
| Ali ile arkadaşı , odaya girdi | علی با (و) دوستش وارد اتاق شد. |
| Mustafa ile Selim partiye gitti | مصطفی با (و) سلیم به مهمانی رفت. |
| Ali ile arkadaşı, Mustafa ile Selim | علی با (و) دوستش، سلیم با (و) مصطفی |
| Benimle Mehmet geldi | محمد با من آمد. |
| Ali arkadaşıyla , odaya girdi | علی با دوستش وارد اتاق شد. |
| Mustafa, Selim 'le partiye gitti | مصطفی با سلیم به مهمانی رفت. |

نکته: در چهار مثال اول می‌توانیم بجای ile از ve (و) استفاده کنیم:

| | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| Ali ve arkadaşı odaya girdiler | علی و دوستش وارد اتاق شدند. |
| Mustafa ve Selim partiye gittiler | مصطفی و سلیم به مهمانی رفتند. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Masada fincanlarla ve tabaklar var

بر روی میز فنجان و بشقاب هست.

Ali ve arkadaşı, Mustafa ve Selim

علی و دوستش، سلیم و مصطفی

اما در سه مثال آخر نمی توان از ve بجای ile استفاده کرد.

یادآوری:

-dan/ -tan /-ten/-den (از) پیوندی است که نقطه حرکت یا آغاز را نشان می دهد.

Ankara'dan

از آنکارا benden

از من

مشاغل (حرفه ها)

Mesleğiniz/İşiniz ne?

Ne iş yaparsınız?

Nerede çalışırsınız?

Mesleğiniz ne?

Memurum.

شغل شما چیست؟

کارمند هستم.

Ne iş yaparsınız?

Profesörüm.

چه کاری انجام می دهید؟

پروفسور هستم.

Nerede çalışırsınız?

Sefarete sekreterim.

کجا کار می کنید؟

منشی سفارت هستم.

مشاغل و حرفه های رایج

manav

میوه فروش

yazar

نویسنده

muhasebeci

حسابدار

aktör

هنرپیشه مرد

mühendis

مهندس

artist

هنر پیشه زن

müzişyen

موسیقی دان

asker

سرباز

öğrenci

دانش آموز

avukat

وکیل

| | | | |
|------------|-----------|-------------|--------------|
| öğretmen | معلم | bakkal | بقال |
| polis | پلیس | banker | بانک دار |
| politikacı | سیاستمدار | çiftçi | کشاورز |
| postacı | پستیچی | diplomat | دیپلمات |
| profesör | پروفسور | dişçi | دندان پزشک |
| rejisör | کارگردان | doktor | دکتر |
| ressam | نقاش | eczacı | داروفروش |
| sekreter | منشی | ev kadını | خانه دار |
| sporcu | ورزشکار | gazeteci | روزنامه نگار |
| subay | افسر | hakim | قاضی |
| şarkıcı | خواننده | hostes | مهماندار |
| şöför | راننده | iş adamı | تاجر مرد |
| tercüman | معلم | iş kadını | تاجر زن |
| terzi | خیاط | işçi | کارگر |
| kasap | قصاب | kütüphaneci | کتابخانه دار |

پیوند هشت شکلی -ci -çi, -cı -çı, -cu -çu , -cü -çü

اگر این پیوند به دنبال حرفه ایای یا اسمی واقع شود صاحب یا کننده آن حرفه یا اسم را نشان می دهد

| | | | |
|---------|-------------------|-----------|--------------|
| kitap | کتاب | kitapçı | کتابدار |
| yoğurt | ماست | yoğurtçu | ماست فروش |
| hizmet | خدمت | hizmetçi | خدمتکار |
| balık | ماهی | balıkçı | ماهی گیر |
| yol | راه | yolcu | مسافر |
| taksi | تاکسی | taksici | راننده تاکسی |
| kebab | کباب | kebapçı | کباب فروش |
| çilek | گل | çilekçi | گل فروش |
| maden | معدن | madenci | معدنچی |
| halı | فرش، قالی | halıçı | فرش فروش |
| iş | کار | işçi | کارگر |
| bulaşık | ظروف آلوده و کثیف | bulaşıkçı | ظرف شو |
| göz | چشم | gözcü | نگهبان |

مکان های کار

| | | | |
|-----------|-----------|-----------|---------------|
| banke | بانک | muhasebe | دفتر حسابداری |
| dükkan | مغازه | ofis | اداره |
| fabrika | کارخانه | okul | مدرسه |
| garaj | گاراژ | postahane | پستخانه |
| hastahane | بیمارستان | sinema | سینما |
| lokanta | رستوران | tiyatro | تئاتر |

سفر (seyahat)**گمرک (gümrük)**

Bir tane daha gümrük formu alabilir miyim? ممکن است یک فرم گمرکی دیگر به من بدهید؟
Lütfen formu nasıl dolduracağımı gösterir misiniz?

لطفاً به من نشان دهید چطور این فرم را پر کنم.

Buyurun pasaportum.

بفرمایید این گذرنامه من است.

Buyurun vizam.

بفرمایید این ویزای من است.

Birleşik pasaportumuz var.

ما یک گذرنامه مشترک داریم.

Pasaportuma lütfen damga vurur musunuz?

ممکن است لطفاً گذرنامه مرا مهر کنید؟

Ben turistim.

من جهانگرد هستم.

Ben işadamıyım.

من تاجر هستم.

Tatile çıkıyorum.

من برای تعطیلات آمده‌ام.

İş seyahatine çıkıyorum.

من برای سفر کاری آمده‌ام.

Ben tek başıyım.

من تنها هستم.

Ben ailemle birlikteyim.

من با خانواده‌ام هستم.

Bu benim ilk ziyaretim.

این اولین سفر من است.

iki hafta kalmayı planlıyorum.

من قصد دارم دو هفته بمانم.

Birkaç hafta kalmayı planlıyorum.

من قصد دارم چند هفته بمانم.

Bu benim transit geçiş vizam.

این مجوز ترانزیت من است.

Bu valizler benim.

این‌ها چمدان‌های من هستند.

Sadece kişisel kullanım için eşyalarım var.

من فقط وسایلی برای استفاده شخصی دارم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Bu arkadaşım için bir hediye. این هدیه‌ای برای یک دوست است.

Bu video kamera benim kişisel kullanımım için.

این دوربین فیلمبرداری برای استفاده شخصی من است.

Onun fiyatını ikiyüz Amerikan dollardır.

قیمت آن در حدود دویست دلار آمریکاست.

Bu benim deklarasyonum.

بفرمایید این اظهارنامه من است.

Deklare edecek hiç bir şeyim yok.

من چیزی برای اظهار ندارم.

beşyüz dollarlık seyahat çekim var.

من پانصد دلار چک مسافرتی دارم.

کلمات مفید

| | |
|----------------------------------|----------------------------|
| Gümrük | گمرک |
| Sınır geçişi | عبور از مرز |
| Yeşil Alan | خط سبز |
| Kırmızı Alan | خط قرمز |
| Deklare edecek hiç bir şeyim yok | چیزی برای اظهار وجود ندارد |
| Deklare edilecek ürünler | کالاهای برای اظهار |
| Gümrüksüz Mallar Mağazası | فروشگاه معاف از حقوق گمرکی |

اطلاعات جهانگردان (turist bilgileri)

| | |
|---|---|
| Turizm danışma bürosu nerede? | دفتر اطلاعات جهانگردان کجاست؟ |
| Döviz bürosu nerede? | دفتر صرافی کجاست؟ |
| Oto kiralama şirketi nerede? | مرکز اجاره اتومبیل کجاست؟ |
| Otobüsler nerede? | اتوبوس‌ها کجا هستند؟ |
| Ben Tahran'a transit giden bir yolcuyum. | من مسافر ترانزیت به مقصد تهران هستم. |
| Aynı gün aktarma yapabilir miyim? | آیا می‌توانم همان روز قطار یا اتوبوسم را عوض کنم؟ |
| Aktarma yapmam ne kadar sürer? | عوض کردن قطار یا اتوبوس چقدر طول می‌کشد؟ |
| Burada bir otel odası rezervasyonu yapabilir miyim? | آیا می‌توانم اینجا یک اتاق هتل رزرو کنم؟ |
| Servis otobüsüne nerede binebilirim? | کجا می‌توانم سوار اتوبوس خطی شوم؟ |
| Limuzin nerede kira yapabilirim? | آیا ممکن است راه باجه کرایه تاکسی را به من نشان دهید؟ |
| Beni lütfen buraya götürür müsünüz? | لطفاً مرا ببرید اینجا. |

رزرو (rezervasyon)

- Buradan buraya nasıl gidebilirim? چطور می‌توانم از اینجا به این محل بروم؟
- New İstanbul'a bir sonraki uçuş ne zaman? پرواز بعدی به استانبول چه موقع است؟
- New İzmir'a bir sonraki tren ne zaman? قطار بعدی به ازمیر چه موقع است؟
- New Ankara'a bir sonraki otobüs ne zaman? اتوبوس بعدی به آنکارا چه موقع است؟
- Direkt uçuş var mı? آیا این پرواز یکسره است؟
- Kesintisiz uçuş var mı? آیا این پرواز بدون توقف است؟
- Bu tren ekspres mi? آیا این قطار سریع السیر است؟
- Bu otobüs ekspres mi? آیا این اتوبوس سریع السیر است؟
- Bu uçuş başka bir şehirde konaklama yapıyor mu? آیا این پرواز در شهر دیگری توقف دارد؟
- Bu tren yolda duraklama yapıyor mu? آیا این قطار در راه توقف دارد؟
- İstanbul'a hangi uçuşlar var mı? چه پروازهایی تا استانبول وجود دارد؟
- Lütfen diğer havayolu şirketlerini kontrol ediniz. لطفاً به خطوط هوایی دیگر مراجعه نمایید.
- Bu uçakta boş koltuk var mı? آیا در پرواز جای خالی هست؟
- Bu trende boş koltuk var mı? آیا در قطار جای خالی هست؟
- Bu otobüste boş koltuk var mı? آیا در اتوبوس جای خالی هست؟
- Ne kadar sıklıkla uçak var? هر چند وقت یکبار پرواز هست؟
- Tren değiştirmek zorunda mıyım? آیا باید قطار عوض کنم؟
- Uçağımı nerede değiştirmeliyim? کجا باید هواپیما عوض کنم؟
- Bu otobüste yer ayırtmak istiyorum. من می‌خواهم یک جا در این اتوبوس رزرو کنم.
- Lütfen bir sonraki İzmir uçuşuna rezervasyon yapın. لطفاً پرواز بعدی را به مقصد ازمیر رزرو کنید.
- Bilet ne kadar? قیمت بلیط چقدر است؟
- İstanbul bileti ne kadar? قیمت بلیط تا استانبول چقدر است؟
- İndirim var mı? آیا تخفیف دارد؟
- Muafiyet tarifeleri var mı? آیا نرخ پایین تری وجود دارد؟
- Öğrenci indirimi var mı? آیا تخفیف دانشجویی دارد؟
- Yaşlılar için indirim var mı? آیا برای بازنشستگان تخفیف دارد؟
- Bir business class bilet, lütfen. یک بلیط بیزینس کلاس لطفاً.
- Bir ekonomi class bilet, lütfen. یک بلیط اکونومی کلاس لطفاً.
- Bir first class bilet, lütfen. یک بلیط فرست کلاس لطفاً.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

İki tane business class bilet rica ediyorum.

من دو تا بلیط بیزینس کلاس می خواهم.

Bir gidiş-dönüş bilet, lütfen.

یک بلیط رفت و برگشت لطفاً.

Bir tek yön bilet, lütfen.

یک بلیط یکسره لطفاً.

Havaalanına ne kadar erken gelmeliyim?

چقدر زودتر باید در فرودگاه باشم؟

Ne zaman çek in yaptırmalıyım?

چه ساعتی باید برای سوار شدن اقدام کنم؟

Uçak ne zaman kalkıyor?

چه ساعتی پرواز حرکت می کند؟

Tren ne zaman kalkıyor?

چه ساعتی قطار حرکت می کند؟

Otobüs ne zaman kalkıyor?

چه ساعتی اتوبوس حرکت می کند؟

Saat kaçta varacağız?

چه ساعتی خواهیم رسید؟

Yanımda ne kadar valiz getirebilirim?

چقدر بار می توانم داشته باشم؟

Valizim yok.

من باری ندارم.

Antalya biletimi iptal etmek istiyorum.

من می خواهم بلیطم را به آنتالیا باطل کنم.

Rezervasyonumu iptal etmek istiyorum.

من می خواهم رزروم را باطل کنم.

Rezervasyonumu değiştirmek istiyorum.

من می خواهم رزروم را تغییر دهم.

Rezervasyonumu onaylamak istiyorum.

من می خواهم رزروم را تأیید کنم.

ثبت برای پرواز (uçuş rezervasyonu)

A kontuarı nerede?

باجه A کجاست؟

Finnair kontuarı nerede?

باجه فین ایر کجاست؟

British Airways kontuarı nerede?

باجه بریتیش ایرویز کجاست؟

Aeroflot kontuarı nerede?

باجه ایر فلوت کجاست؟

Lufthansa kontuarı nerede?

باجه لوفت هانزا کجاست؟

Air France kontuarı nerede?

باجه ایر فرانس کجاست؟

A terminali nerede?

ترمینال A کجاست؟

Lufthansa terminali nerede?

ترمینال لوفت هانزا کجاست؟

Nerede çek in yaptırabilirim?

کجا باید کارت پرواز بگیرم؟

Valizlerimi otele yollayın lütfen.

لطفاً چمدان های مرا به هتلتم بفرستید.

Fazla valiz ücreti ne kadar?

هزینه اضافه بار چقدر است؟

Bu valizi İzmir'e göndermek istiyorum.

من می خواهم این چمدان را به ازمیر بفرستم.

Yanımda iki parça eşya taşıyacağım.

من دو تکه بار همراه مسافر دارم.

İstanbul için transit yolcuyum.

من ترانزیت به مقصد استانبول هستم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Uçağa ne zaman bineceğiz? سوار کردن مسافران کی شروع می‌شود؟
 Bu uçak hangi kapıdan kalkıyor? پرواز از کدام گیت است؟
 1 No.lu kapı nerede? گیت یک کجاست؟
 Bu uçak zamanında kalkacak mı? آیا این پرواز رأس ساعت خواهد بود؟
 Herhangi bir gecikme var mı? آیا تأخیری خواهد داشت؟
 Pencerenin yanında koltuk rica ediyorum. لطفاً یک صندلی کنار پنجره به من بدهید.
 Koridorda koltuk rica ediyorum. لطفاً یک صندلی کنار راهرو به من بدهید.
 Sigara içilen bölümde koltuk rezervasyonu yaptırmak istiyorum.
 من می‌خواهم یک جا در قسمت سیگاری‌ها رزرو کنم.

Sigara içilmeyen bölümde koltuk rezervasyonu yaptırmak istiyorum.
 من می‌خواهم یک جا در قسمت غیر سیگاری‌ها رزرو کنم.
 Havaalanında alışveriş yapabilir miyiz? آیا می‌توانیم در فرودگاه خرید کنیم؟
 Bu hangi para biriminde? به چه پولی است؟
 Dollar olarak ödeyebilir miyim? آیا می‌توانم با دلار پرداخت کنم؟
 Euro olarak ödeyebilir miyim? آیا می‌توانم با یورو پرداخت کنم؟
 Burada satın aldığım ürünler için gümrük ödemem gerekiyor mu?
 آیا باید برای کالاهایی که اینجا خریدم حقوق گمرگی پرداخت کنم؟
 Lütfen fiş verin. لطفاً به من رسید بدهید.

کلمات مفید

| | | | |
|-------------------|----------------|---------------|--------------|
| Geliş | پروازهای ورودی | iptal edildi | لغو شد |
| Gidiş | پروازهای خروجی | uçuş | پرواز |
| güvenlik kontrolü | بازرسی امنیتی | uçuş numarası | شماره پرواز |
| pasaport kontrolü | کنترل گذرنامه | biniş kartı | کارت پرواز |
| kapı | گیت | indi | به زمین نشست |
| gecikme | تأخیر دارد | | |

در هواپیما (uçakta)

Bu koltuk nerede? این صندلی کجاست؟
 Koltuk değiştirebilir miyiz? امکان دارد جایم را با شما عوض کنم؟
 Türkçe gazeteniz var mı? روزنامه ترکی دارید؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Lütfen bir battaniye verir misiniz? آیا ممکن است یک پتو برای من بگیرید؟
- Lütfen bir yastık verir misiniz? آیا ممکن است یک بالش برای من بگیرید؟
- Hasta torbası, lütfen. لطفاً یک کیسه استفرغ به من بدهید.
- Lütfen bir şişe bira verin. لطفاً یک بطری آبجو به من بدهید.
- Lütfen bir kadeh şarap verin. لطفاً یک لیوان شراب به من بدهید.
- Bir kadeh daha alabilir miyim? آیا ممکن است یک لیوان دیگر به من بدهید؟
- Biraz daha fıstık alabilir miyim? آیا ممکن است مقداری دیگر پسته به من بدهید؟
- İçecek bir şeyler sipariş etmek istiyorum. من می‌خواهم نوشیدنی سفارش بدهم.
- Çay rica ediyorum, lütfen. من چای می‌خواهم، لطفاً.
- Kahve rica ediyorum, lütfen. من قهوه می‌خواهم، لطفاً.
- Uçakta İngilizce konuşabilen hostes var mı? آیا در هواپیما خانم میهماندار انگلیسی زبان هست؟
- Bunu İngilizce'ye çevirir misiniz? آیا می‌توانید آن را به انگلیسی ترجمه کنید؟
- Gecikme ne kadar sürecek? چقدر تأخیر خواهد داشت؟
- Uçak ne zaman kalkacak? هواپیما کی بلند می‌شود؟
- Uçak ne zaman inecek? هواپیما کی می‌نشیند؟
- Burada ne kadar duracağız? چه مدت اینجا توقف خواهیم داشت؟
- Midem bulanıyor. حالم بهم می‌خورد.
- Koltuğumu yatırabilir miyim? آیا ممکن است پشت صندلیم را بخوابانم؟
- Yemek için beni uyandırır mısınız, lütfen? آیا ممکن است لطفاً مرا برای غذا بیدار کنید؟
- Uçakta gümrüksüz ürünler satıyor musunuz? آیا در هواپیما کالاهای معاف از حقوق گمرکی می‌فروشید؟
- Bu filmin ismi ne? اسم این فیلم چیست؟
- Ne zaman film göstereceksiniz? این فیلم را چه وقت نشان می‌دهید؟
- Bu film ne kadar sürüyor? زمان این فیلم چقدر است؟
- Bu film için kulaklık alabilir miyim? برای فیلم گوشی به من بدهید.
- Filmi izlemek için hangi kanala ayarlıyorum? برای دیدن فیلم باید کدام کانال را تنظیم کنم؟
- Kulaklıklarım çalışmıyor. گوشی من کار نمی‌کند.

کلمات مفید

- Kemerlerinizi bağlayın. کمربندهای خود را ببندید.
- can yeleği جلیقه نجات

oksijen maskesi

ماسک اکسیژن

tuvalet

دستشویی

قطار/اتوبوس (tren/otobüs)

Tarife alabilir miyim?

ممکن است یک برنامه حرکت به من بدهید؟

Bu otobüs tarifesi güncel mi?

آیا این برنامه حرکت فعلی اتوبوس است؟

Bu şuanda kullanılan tren tarifesi mi?

آیا این برنامه فعلی حرکت قطار است؟

Treni kaçırdım. Bir sonraki saat kaçta kalkıyor?

من قطار را از دست دادم. بعدی کی حرکت می کند؟

Bu tren Ankara'ya mı gidiyor?

آیا این قطار به لندن می رود؟

Bu otobüs İstanbul'dan mı geliyor?

آیا این اتوبوس از استانبول می آید؟

Bu direkt tren mi?

آیا این قطار مستقیم است؟

Bu otobüs oraya gidiyor mu?

آیا این اتوبوس به آنجا می رود؟

Bu ekspres treni mi normal tren mi?

آیا این قطار سریع السیر است یا محلی؟

Yemekli vagon var mı?

آیا در قطار واگن رستوران هست؟

Yemekli vagon trenin önünde mi arkasında mı?

واگن رستوران در جلوی قطار است یا در عقب آن؟

1 numaralı platform nerede?

سکوی شماره یک کجاست؟

Benim koltuğum hangi vagonda?

جای من در کدام واگن است؟

Benim koltuğum nerede?

جای من کجاست؟

Benim kompartımanım nerede?

کوپه من کجاست؟

benim yatağım nerede?

محل خواب من کجاست؟

Bu koltuk dolu mu?

آیا اینجا جای کسی است؟

Sanırım bu benim koltuğum.

فکر می کنم اینجا جای من است.

Cam kenarı tercih ederim.

صندلی کنار پنجره را ترجیح می دهم.

Burası çok sıcak.

اینجا هوا خیلی گرم است.

Burası çok soğuk.

اینجا هوا خیلی سرد است.

Pencereyi açabilir miyim?

اجازه دارم پنجره را باز کنم؟

Şu anda nereden geçiyoruz?

حالا داریم از کجا رد می شویم؟

Tren burada ne kadar duracak?

قطار چقدر اینجا توقف دارد؟

Otobüs burada ne kadar duracak?

اتوبوس چقدر اینجا توقف دارد؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|-------------------------------|------------------------------|
| Bir sonraki durak nerede? | توقف بعدی کجاست؟ |
| Hangi durakta inmeliyim? | کدام ایستگاه باید پیاده شوم؟ |
| Bir sonraki durakta ineceğim. | من ایستگاه بعد پیاده می شوم. |
| Burada ineyim lütfen. | اینجا پیاده می شوم. |
| Burada durun lütfen. | لطفاً اینجا بایستید. |
| Buradan sonra kaç durak var? | چند ایستگاه از اینجا؟ |

کلمات مفید

| | | | |
|---------------|------------------|--------------------|-------------------|
| üst yatak | محل خواب بالا | bekleme odası | اتاق انتظار |
| alt yatak | محل خواب پایین | Platformlara gider | به سمت سکوها |
| orta yatak | محل خواب وسط | Giriş | درب ورودی |
| valiz rafi | جای ائائیه مسافر | Çıkış | درب خروجی |
| kompartıman | کوپه | Çıkış yolu | راه خروج |
| vagon | واگن | kayıp eşya bürosu | دفتر اشیاء گم شده |
| istikamet | مقصد | Acil freni | ترمز اضطراری |
| hareket saati | زمان حرکت | alarm | آژیر |
| demir yolu | خط راه آهن | otomatik kapılar | درهای اتوماتیک |
| durma talebi | درخواست توقف | gece otobüsü | اتوبوس شبانه |

کشتی/قایق (feribot/gemi)

| | |
|--|---|
| Dok nerede? | بارانداز کجاست؟ |
| Gemiye nereden binebilirim? | کجا می توانم سوار کشتی شوم؟ |
| Gemi ne zaman ayrılıyor? | کشتی چه ساعتی راه می افتد؟ |
| Gemi ne zaman varıyor? | کشتی چه ساعتی پهلو می گیرد؟ |
| Ne zaman biniyoruz? | چه ساعتی سوار شویم؟ |
| Kamarama nasıl gideceğimi tarif eder misiniz? | آیا ممکن است لطفاً کابین مرا نشانم دهید؟ |
| Kahvaltımı kamaramda etmek istiyorum. | من دوست دارم صبحانه را در کابینم میل کنم. |
| Güvertede bir koltuk rezervasyonu yaptırmak istiyorum. | من می خواهم یک صندلی روی عرشه رزرو کنم. |
| Akşam yemeğini ne zaman yiyebilirim? | چه ساعتی می توانم ناهار بخورم؟ |

کلمات مفید

| | |
|-------------------------------|--------------------------------------|
| Araba güvertesine giriş yasak | ورود به عرشه مخصوص ماشینها ممنوع است |
| cankurtaran sandalı | قایق نجات |
| can yeleşi | جلیقه نجات |
| kamara | کابین |
| güverte | عرشه |
| üst güverte | عرشه بالا |
| alt güverte | عرشه پایین |

اثاثیه مسافر (bagaj)

| | |
|---|---|
| Bagajımı nerede check ettirebilirim? | محل بازرسی اثاثیه مسافر کجاست؟ |
| Bagajımı nereden alabilirim? | از کجا می توانم اثاثیه ام را بگیرم؟ |
| İşte bagaj kartım. | این رسید اثاثیه من است. |
| Bagajımı bulamıyorum. | من نمی توانم اثاثیه ام را پیدا کنم. |
| Valizimi bulamıyorum. | من نمی توانم چمدانم را پیدا کنم. |
| Bana check-in yaptırdığımda bagaj kartı vermediler. | وقتی اثاثیه ام را تحویل دادم رسید نگرفتم. |
| Bagajım kırılmış ve bazı şeyler eksik. | وسایل من شکسته است و بعضی چیزهای من کم شده است. |
| Valizim kırılmış ve bazı şeyler eksik. | چمدان من شکسته است و بعضی چیزهای من کم شده است. |
| Nerede bir hamal bulabilirim? | از کجا می توانم یک باربر پیدا کنم؟ |
| Bu benim bagajım. | این اثاثیه من است. |
| Bu benim valizim. | این چمدان من است. |
| Bu benim çantam. | این کیف من است. |
| Bu bagajı taksi standına taşıyın lütfen. | لطفاً این وسایل را به ایستگاه تاکسی ببرید. |
| Kırılabilir. Lütfen taşıırken dikkatli olun. | شکستنی است. لطفاً هنگام حمل آن مراقب باشید. |
| Emanet nerede? | صندوق های اثاثیه کجاست؟ |

ممکن است بشنوید

- Seyahat amacınız? هدف شما از این سفر چیست؟
- Nerede kalacaksınız? کجا اقامت خواهید نمود؟
- Ne kadar kalacaksınız? چه مدت اینجا اقامت خواهید داشت؟
- Deklare edeceğiniz bir şey var mı? آیا چیزی برای اظهار دارید؟
- Yanınıza alacağınız bir şey var mı? آیا بار همراه خود دارید؟
- Lütfen formu doldurun. لطفاً این فرم را پر کنید.
- Nereye gidiyorsunuz? مقصد شما کجاست؟
- Pasaportunuzu görebilir miyim? آیا می‌توانم گذرنامه شما را ببینم؟
- Biniş kartınızı görebilir miyim? آیا می‌توانم کارت پرواز شما را ببینم؟
- Gümrük deklarasyonunuz lütfen. لطفاً اظهارنامه گمرکی خود را به من بدهید.
- Bagaj kartınız lütfen. لطفاً رسید اثاثیه خود را به من بدهید.
- Kaç valiziniz var? چند تا کیف دارید؟
- Yanınızda taşımak için çok fazla şey almışsınız. شما بار همراه زیادی دارید.
- Ekses ücreti ödemelisiniz. شما باید هزینه اضافه بار بپردازید.
- Bugün için tüm biletler satıldı. تمام بلیطهای امروز فروخته شده‌اند.
- Uçakta yer yok. در این پرواز جای خالی نیست.
- Sizi bekleme listesine kayıt etmemi ister misiniz? آیا می‌خواهید اسم شما را در لیست انتظار بنویسم؟
- Pencere kenarı mı, koridor mu istersiniz? مایل اید صندلی شما کنار پنجره باشد یا کنار راهرو؟
- Dikkat! توجه!
- Yüzyermi numaralı uçuş binişe başlamıştır. پرواز شماره صد و بیست اکنون در حال سوار کردن مسافر است.
- 120 numaralı uçuş için son çağrı. آخرین اعلام سوار شدن برای پرواز صد و بیست.
- 1 numaralı kapıya gidiniz. لطفاً حالا به گیت شماره یک بروید.
- Burada sigara içmeyin lütfen. لطفاً اینجا دخانیات استعمال نکنید.
- Burada sigara içmek yasak. استعمال دخانیات مجاز نیست.
- Elektrikli aletlerinizi kapatınız. لطفاً تمام دستگاه‌های الکترونیکی را خاموش کنید.
- Pardon, bu sizin kompartımanınız değil. ببخشید، این کوپه شما نیست.
- Pardon, bu sizin ranzanız değil. ببخشید، این جای خواب شما نیست.
- Pardon, bu sizin koltuğunuz değil. ببخشید، این جای شما نیست.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Bagajınız ulaştığında biz size haber vereceğiz.

هنگامی که وسایل شما تحویل داده شد به شما اطلاع می‌دهیم.

Kayıp eşya bürosuna gitmelisiniz.

باید به محل دفتر اشیاء پیدا شده مراجعه کنید.

Adımınıza dikkat edin!

مراقب جلوی پایتان باشید!

Önüne bak!

جلویتان را نگاه کنید!

Ayakkabılarınızı çıkartın.

لطفاً کفش خود را درآورید.

ضرب المثل

Dikensiz gül olmaz.

گل بی خار نمی‌شود.

Hasta ol benim için, öleyim senin için.

تب کن برایم تا بمیرم برایت.

Müft olsun da zift olsun.

مفت باشد کوفت باشد.

اصطلاحات

Püf noktası:

مهمترین و ظریفترین جای یک کار

Pes demek:

شکست را قبول کردن. در مقابل برتری کسی گردن خم کردن

Parmak hesabı:

حساب سر انگشتی

Palavra atmak:

با اغراق سخن گفتن. یا دروغ گفتن. از چیزهای نشدنی بحث کردن

Para dökmek:

پول ریختن. برای یه کاری پول زیاد خرج کردن

Saç ağartmak:

مو سفید کردن. تو یک کاری مدت زیادی کار کردن و صاحب تجربه شدن

Açık bono vermek

در زمینه رفتار، به کسی اختیار بی‌حد و مرز دادن

Abbas yolcu

عباس مسافر؛ کسی که عزم رفتن دارد. همچنین به کسی که در آستانه مرگ است گفته می‌شود.

Abuk sabuk konuşmak

چرت و پرت گفتن، حرف مفت زدن!

Acı soğan yemedim ki ağzım koksun

پیاز تند نخوردم که دهانم بو بدهد: کنایه از کسی که هیچ‌گاه کار خلافی انجام نداده، کسی که همیشه و همه‌جا

سربلند است

درس ۳

پرسیدن سن اشخاص



| | |
|--|--|
| <p>Kaç yaşındasınız? ... (I) nız kaç yaşında / aylık? Doğum tarihiniz ne (dir) ? Hangi tarihte doğdunuz?</p> | <p>... yaşındayım Yasım ... (DİR) ... - (I) m ... yaşında / aylık Doğum tarihim ... (DİR) ... - DE doğdum</p> |
|--|--|

Kaç yaşındasınız?

سن شما چقدر است؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Otuziki yaşındayım.

سنم سی و دو سال است.

Doğum tarihiniz ne?

تاریخ تولدتان کی است؟

3 Kasım 1965.

۳ نوامبر ۱۹۶۵.

Bu yıl Kasım'da yirmi yedi oluyorum

این نوامبر ۲۷ ساله می‌شوم.

Hangi tarihte doğdunuz?

در چه سالی متولد شدید؟

1945'liyim.

در ۱۹۴۵

Bebeğiniz kaç aylık?

بچه شما چند ماهه است؟

Altı aylık.

شش ماهه

Yaş kaç?

سن اشخاص به صورت‌های زیر نیز پرسیده می‌شود:

چند سال داری؟

Sende yaş kaçtı?

سن تو چقدر بود؟

ay ماه

ماه‌های سال

| | | | |
|---------|-----------------------------------|---------|---------------------------------|
| Ocak | ژانویه (۱۰ دی تا ۱۰ بهمن) | Temmuz | ژوئیه (۱۱ تیر تا ۱۰ مرداد) |
| Şubat | فوریه (۱۳ بهمن تا ۱۳ اسفند) | Ağustos | اوت (۱۱ مرداد تا ۱۰ شهریور) |
| Mart | مارس (۱۱ اسفند تا ۱۲ فروردین) | eylül | سپتامبر (۱۱ شهریور تا ۹ مرداد) |
| Nisan | آوریل (۱۳ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت) | ekim | اکتبر (۱۰ مهر تا ۱۰ آبان) |
| Mayıs | مه (۱۲ اردیبهشت تا ۱۱ خرداد) | kasım | نوامبر (۱۱ آبان تا ۱۱ آذر) |
| Haziran | ژوئن (۱۲ خرداد تا ۱۰ تیر) | Aralık | دسامبر (از ۱۱ آذر ماه تا ۱۱ دی) |

اعداد اصلی

| | | | | | |
|------|---|-----------|----|----------|-----|
| bir | ۱ | ondokuz | ۱۹ | beşyüz | ۵۰۰ |
| iki | ۲ | yermi | ۲۰ | altıyüz | ۶۰۰ |
| üç | ۳ | yermi bir | ۲۱ | yediyüz | ۷۰۰ |
| dört | ۴ | yermi iki | ۲۲ | sekizyüz | ۸۰۰ |
| beş | ۵ | otuz | ۳۰ | dokuzyüz | ۹۰۰ |

| | | | | | |
|--------|----|----------|-----|--------------------|------------|
| altı | ۶ | otuz bir | ۳۱ | bin | ۱۰۰۰ |
| yedi | ۷ | kırk | ۳۲ | milyon | یک میلیون |
| sekiz | ۸ | elli | ۳۳ | milyar | یک میلیارد |
| on | ۱۰ | altmış | ۶۰ | yüz yermi üç | ۱۲۳ |
| onbir | ۱۱ | yetmiş | ۷۰ | ikiyüz yermi elli | ۲۵۰ |
| oniki | ۱۲ | seksen | ۸۰ | yetmiş altı | ۷۶ |
| onüç | ۱۳ | doksan | ۹۰ | kırk sekiz | ۴۸ |
| ondört | ۱۴ | yüz | ۱۰۰ | bin elli altı | ۱۰۵۶ |
| onbeş | ۱۵ | ikiyüz | ۲۰۰ | üçyüz yetmişdört | ۳۷۴ |
| onaltı | ۱۶ | üçyüz | ۳۰۰ | dokuzyüz seksenbir | ۹۸۱ |
| onyedi | ۱۷ | dört yüz | ۴۰۰ | yüz otuzsekiz | ۱۳۸ |

اعداد اصلی + تا ۴۹

| | | | | | | | | | |
|-------|---|----------|----|-------------|----|------------|----|------------|----|
| sıfır | ۰ | on | ۱۰ | yirmi | ۲۰ | otuz | ۳۰ | kırk | ۴۰ |
| bir | ۱ | on bir | ۱۱ | yirmi bir | ۲۱ | otuz bir | ۳۱ | kırk bir | ۴۱ |
| iki | ۲ | on iki | ۱۲ | yirmi iki | ۲۲ | otuz iki | ۳۲ | kırk iki | ۴۲ |
| üç | ۳ | on üç | ۱۳ | yirmi üç | ۲۳ | otuz üç | ۳۳ | kırk üç | ۴۳ |
| dört | ۴ | on dört | ۱۴ | yirmi dört | ۲۴ | otuz dört | ۳۴ | kırk dört | ۴۴ |
| beş | ۵ | on beş | ۱۵ | yirmi beş | ۲۵ | otuz beş | ۳۵ | kırk beş | ۴۵ |
| altı | ۶ | on altı | ۱۶ | yirmi altı | ۲۶ | otuz altı | ۳۶ | kırk altı | ۴۶ |
| yedi | ۷ | on yedi | ۱۷ | yirmi yedi | ۲۷ | otuz yedi | ۳۷ | kırk yedi | ۴۷ |
| sekiz | ۸ | on sekiz | ۱۸ | yirmi sekiz | ۲۸ | otuz sekiz | ۳۸ | kırk sekiz | ۴۸ |
| dokuz | ۹ | on dokuz | ۱۹ | yirmi dokuz | ۲۹ | otuz dokuz | ۳۹ | kırk dokuz | ۴۹ |

اعداد اصلی + تا ۴۹

| | | | | | | | | | |
|-----------|----|-------------|----|-------------|----|-------------|----|-------------|----|
| elli | ۵۰ | altmış | ۶۰ | yetmiş | ۷۰ | seksen | ۸۰ | doksan | ۹۰ |
| elli bir | ۵۱ | altmış bir | ۶۱ | yetmiş bir | ۷۱ | seksen bir | ۸۱ | doksan bir | ۹۱ |
| elli iki | ۵۲ | altmış iki | ۶۲ | yetmiş iki | ۷۲ | seksen iki | ۸۲ | doksan iki | ۹۲ |
| elli üç | ۵۳ | altmış üç | ۶۳ | yetmiş üç | ۷۳ | seksen üç | ۸۳ | doksan üç | ۹۳ |
| elli dört | ۵۴ | altmış dört | ۶۴ | yetmiş dört | ۷۴ | seksen dört | ۸۴ | doksan dört | ۹۴ |
| elli beş | ۵۵ | altmış beş | ۶۵ | yetmiş beş | ۷۵ | seksen beş | ۸۵ | doksan beş | ۹۵ |

| | | | | | | | | | |
|------------|----|--------------|----|--------------|----|--------------|----|--------------|----|
| elli altı | ۵۶ | altmış altı | ۶۶ | yetmiş altı | ۷۶ | seksen altı | ۸۶ | doksan altı | ۹۶ |
| elli yedi | ۵۷ | altmış yedi | ۶۷ | yetmiş yedi | ۷۷ | seksen yedi | ۸۷ | doksan yedi | ۹۷ |
| elli sekiz | ۵۸ | altmış sekiz | ۶۸ | yetmiş sekiz | ۷۸ | seksen sekiz | ۸۸ | doksan sekiz | ۹۸ |
| elli dokuz | ۵۹ | altmış dokuz | ۶۹ | yetmiş dokuz | ۷۹ | seksen dokuz | ۸۹ | doksan dokuz | ۹۹ |

اعداد اصلی ۱۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰

| | | | | | | | |
|-----------|------|-----------|-------|---------------|-------|-----------------|---------|
| yüz | ۱۰۰ | iki bin | ۲۰۰۰ | oniki bin | ۱۲۰۰۰ | yirmi iki bin | ۲۲۰۰۰ |
| iki yüz | ۲۰۰ | uç bin | ۳۰۰۰ | onuç bin | ۱۳۰۰۰ | yirmi uç bin | ۲۳۰۰۰ |
| uç yüz | ۳۰۰ | dört bin | ۴۰۰۰ | ondört bin | ۱۴۰۰۰ | yirmi dört bin | ۲۴۰۰۰ |
| dört yüz | ۴۰۰ | beş bin | ۵۰۰۰ | onbeş bin | ۱۵۰۰۰ | yirmi beş bin | ۲۵۰۰۰ |
| beş yüz | ۵۰۰ | altı bin | ۶۰۰۰ | onaltı bin | ۱۶۰۰۰ | yirmi altı bin | ۲۶۰۰۰ |
| altı yüz | ۶۰۰ | yedi bin | ۷۰۰۰ | onyedi bin | ۱۷۰۰۰ | yirmi yedi bin | ۲۷۰۰۰ |
| yedi yüz | ۷۰۰ | sekiz bin | ۸۰۰۰ | onsekiz bin | ۱۸۰۰۰ | yirmi sekiz bin | ۲۸۰۰۰ |
| sekiz yüz | ۸۰۰ | dokuz bin | ۹۰۰۰ | ondokuz bin | ۱۹۰۰۰ | otuz bin | ۳۰۰۰۰ |
| dokuz yüz | ۹۰۰ | on bin | ۱۰۰۰۰ | yirmi bin | ۲۰۰۰۰ | elli bin | ۵۰۰۰۰ |
| bin | ۱۰۰۰ | onbir bin | ۱۱۰۰۰ | yirmi bir bin | ۲۱۰۰۰ | bir milyon | ۱۰۰۰۰۰۰ |

اعداد ترتیبی

| | | | | | |
|----------|-------|-----------|------|------------|----------|
| birinci | اول | altıncı | ششم | yerminci | بیستم |
| ikinci | دوم | yedinci | هفتم | otuzüçüncü | سی و سوم |
| üçüncü | سوم | sekizinci | هشتم | kırkıncı | چهلیم |
| dördüncü | چهارم | dokuzuncu | نهم | sekseninci | هشتادم |
| beşinci | پنجم | onuncu | دهم | yüzüncü | صدم |

ilk نیز معنای اول را می‌دهد اما در مقابل آخر از آن استفاده می‌شود و در شمردن اعداد ترتیبی مورد استفاده نیست. اگر اعداد قبل از اسم قرار گیرند اسم شکل مفرد خود را حفظ کرده و صورت جمع به خود نمی‌گیرد. اما اگر کمیت اسم مشخص نشده باشد و یا قبل از آن عدد ذکر نشود اسم‌ها را به تنهایی می‌توان بعد از صفت جمع بست:

| | |
|-----------------|--------------|
| Güzel resimler | عکس‌های زیبا |
| Beş güzel resim | پنج عکس زیبا |
| Beş resim | پنج عکس |

جمع، تفریق، ضرب، تقسیم

| | |
|-------|-------|
| Artı | جمع |
| eksi | تفریق |
| çarpı | ضرب |
| bölü | تقسیم |

| | | |
|--------------|---|---|
| $3 + 5 = 8$ | → | üç artı beş eşittir sekiz |
| $6 - 2 = 4$ | → | altı eksi iki eşittir dört |
| $4 * 7 = 28$ | → | dört çarpı yedi eşittir yermi sekiz |
| $9 / 3 = 3$ | → | dokuz bölü üç eşittir üç |

واحد های اندازه گیری و نشانه ها

Ön ekler: (پیشوندها)

| Birim: (واحد) | Kısaltma: (مخفف) | Anlamı: (مفهوم) |
|---------------|------------------|-----------------|
| kilo | k | 1000 |
| hekto | h | 100 |
| desi | d | 1/10 |
| santi | s | 1/100 |
| mili | m | 1/1 000 |

Ölçü birimleri: (واحد اندازه گیری)

| واحد | مخفف | | مفهوم | برای اندازه گیری |
|-----------------------|----------------|---|--------------------|------------------|
| bir milimetre | mm. | = | 1/10 cm. | uzunluk (طول) |
| bir santimetre/santim | cm. | = | 10 mm. | uzunluk |
| bir desimetre | dm. | = | 10 cm. | uzunluk |
| bir metre | m. | = | 10 dm. , 100cm. | uzunluk |
| bir kilometre | km. | = | 1 000 m. | uzunluk |
| bir mil | | = | 10 km. | uzunluk |
| bir deniz mili | | = | 1 852 m. | طول (در دریا) |
| bir metrekare | m ² | | | yüzölçüm (مساحت) |
| bir ar | | = | 100 m ² | yüzölçüm |
| bir dekar | da | = | 10 ar | yüzölçüm |
| bir hektar | ha | = | 10 da | yüzölçüm |

| | | | | |
|-------------------|----------|---|-----------------|----------------|
| bir metreküp | m^3 | = | 1 000 lt. | hacim (حجم) |
| bir litre | lt. | = | 1 dm^3 | hacim |
| bir desilitre | dl. | = | 1/10 lt. | hacim |
| bir santilitre | cl. | = | 1/10 dl. | hacim |
| bir mililitre | ml. | = | 1/10 cl. | hacim |
| bir yemek kaşığı | | = | yaklaşık 15 ml. | hacim |
| bir çay kaşığı | | = | yaklaşık 5 ml. | hacim |
| bir gram | gr. | = | 1 000 mg. | ağırlık (وزن) |
| bir miligram | mg. | = | 1/1 000 g. | ağırlık |
| bir hektogram | hg. | = | 100 g. | ağırlık |
| bir kilogram/kilo | kg. | = | 1000 g. | ağırlık |
| bir saniye | san. /s. | | | zaman (زمان) |
| bir dakika | dak. | = | 60 san. | zaman |
| bir saat | saat | = | 60 dak. | zaman |
| bir jul | J | | | enerji (انرژی) |
| bir kilojul | kJ | = | 1 000 J | enerji |
| bir kilokalori | kcal | = | 4,18 kJ | enerji |
| bir kilovat saat | kWh | = | saatte 1000 vat | enerji |

| واحد | مخفف | | مفهوم | برای اندازه گیری |
|-----------------------|----------|---|-----------------------|------------------|
| bir deniz mili | | = | saatte 1 deniz mili | hız (denizde) |
| bir desibel | dB | | | ses şiddeti |
| bir hertz | Hz | = | saniyede 1 devir | frekans |
| bir megahertz | MHz | = | 1 000 000 Hz | frekans |
| bir gigahertz | | = | 1 000 MHz | frekans |
| bir amper | A | | | akım gücü |
| bir ohm | Ω | | | elektrik direnci |
| bir volt | V | | | voltaj/gerilim |
| bir vat | W | | | enerji/güç |
| bir santigrat derece | C | = | $(F - 32) \times 5/9$ | ısı/sıcaklık |
| bir Fahrenheit derece | F | = | $9/5 \times C + 32$ | ısı/sıcaklık |
| bir bit | b | | | واحدی در رایانه |
| bir bayt | B | = | 8 bit | واحدی در رایانه |
| bir kilobayt | kB | = | 1 024 B | واحدی در رایانه |
| bir megabayt | MB | = | 1 024 kB | واحدی در رایانه |
| bir gigabayt | gB | = | 1 024 Mb | واحدی در رایانه |

| | | | | |
|-------------|------|---|---------------|-----------------|
| bir megabit | Mbit | = | 1 048 576 bit | واحدی در رایانه |
| bir gigabit | gb | = | 1 024 Mbit | واحدی در رایانه |

İşaretler: ((نشانه‌ها))

| نشانه | اسم | نشانه | اسم |
|----------|------------------------------|-------|-------------------------|
| / | taksim işareti | * | yıldız işareti |
| // | çift taksim işareti | , | virgöl |
| [] | köşeli parantez/köşeli ayraç | . | nokta |
| () | parantez/yay ayraç | - | kısa çizgi/tire |
| { } | kıvrımlı parantez | - | eksi işareti |
| < > | açılı parantez | - | uzun çizgi/tire |
| | dikey çizgi | ° | derece |
| \ | eğik çizgi | § | çengel işareti/paragraf |
| ~ | yaklaşık işareti | % | yüzde işareti |
| @ | at işareti/güzel a | ‰ | binde işareti |
| _ | alt çizgi | + | artı |
| «» , « » | tırnak işareti | ^ | inceltme işareti |
| : | iki nokta | ' | kesme işareti |
| ; | noktalı virgöl | & | Ve işareti |
| ? | soru işareti | = | eşittir işareti |
| ! | ünlem işareti | - | üst çizgi |

پرسیدن محل تولد

Doğum yeriniz neresi?
Nerede doğdunuz?
Nerelisiniz?
Neredensiniz?
Memleket neresi?

Memleket neresi?

Eskişehir.

کشور شما کجاست؟

اسکی شهر است.

Nerede doğdunuz?

Tahran'da.

در کجا به دنیا آمده‌اید؟

در تهران

Doğum yeriniz neresi?

Ankara.

محل تولد شما کجاست؟

آنکارا

Nerelisiniz?

İngilizim. Londralıyım.

اهل کجا هستید؟

انگلیسی هستم اهل لندن.

Neredensiniz?

Almanya'danım.

کجایی هستید؟

اهل آلمان هستم.

کشور، ملیت و زبان

| زبان | | ملیت | کشور |
|-------------------|------------------|--------------------|------------------|
| Almanca | آلمانی | Alman آلمانی | Almanya آلمان |
| İngilizce | انگلیسی | Amerikalı/Amerikan | Amerika |
| İngilizce | انگلیسی | Avustralyalı | Avustralya |
| Fransızca | فرانسوی | Belçikalı | Belçika |
| İngilizce | انگلیسی | İngiliz | Büyük britanya |
| Farsça | فارسی | İranlı | İran |
| Çince | چینی | Çinli | Çin |
| Fransızca | فرانسوی | Fransız | Fransa |
| Hintçe | هندی | Hintli | Hindistan |
| İngilizce | انگلیسی | İngiliz | İngiltere |
| İspanyolca | اسپانیایی | İspanyol | Ispanya |
| Arapça | عربی | Iraklı | Irak |
| İtalyanca | ایتالیایی | İtalyan | İtalya |
| Japonca | ژاپنی | Japon | Japonya |
| İngilizce/Fransız | انگلیسی / فرانسه | Kanadalı | Kanada |
| Portekizce | پرتغالی | Portekizli | Portekiz |
| Rusça | روسی | Rus | Rusya |
| Arapça | عربی | Suriyeli | Suriye |
| Türkçe | ترکی | Türk | Türkiye |
| İngilizce | انگلیسی | Yeni Zelandalı | Yeni Zelanda |

| | | | |
|-------|--------|---------|------------|
| Rumca | یونانی | Yunanlı | Yunanistan |
|-------|--------|---------|------------|

اگر بخواهیم صفتی را که نشان دهنده ملیت باشد برای توصیف یک اسم بکار ببریم آخرین هجا یعنی -li را در صورت موجود بودن حذف می‌کنیم:

Hintli هندی (ملیت) Hint müziği موسیقی هند

پیوند -li/-lı/-lu/-lü

این پیوند را به اسم اضافه می‌کنند و از آن صفت یا اسمی جدید با معانی «دارای» و «با» که نشان دهنده وابستگی یا مالکیت است، درست می‌کنند؟

| | | | |
|---------|--------|-----------|---------------|
| dikkat | توجه | dikkatlı | با توجه، دقیق |
| güneş | آفتاب | güneşli | آفتابی |
| şehir | شهر | şehirli | شهری |
| Amerika | آمریکا | Amerikalı | آمریکایی |
| vefa | وفا | vefalı | با وفا |
| su | آب | sulu | آبدار |

جهات



| | | | |
|-------|------|------------|-----------|
| kuzey | شمال | kuzey doğu | شمال شرقی |
| güney | جنوب | kuzey batı | شمال غربی |
| doğu | شرق | güney doğu | جنوب شرقی |
| batı | غرب | güney batı | جنوب غربی |

Ankara İstanbul'un neresinde?

Ankara İstanbul'un doğusunda.

آنکارا در کجای استانبول قرار دارد؟

آنکارا در شرق استانبول است.

Cambridge Londra'nın neresinde?

Cambridge Londra'nın kuzeyinde

کمبریج در کجای لندن قرار دارد؟

کمبریج در شمال لندن قرار دارد.

Japonya Kore'nin neresinde?

Japonya Kore'nin doğusunda.

ژاپن در کجای کره قرار دارد؟

ژاپن در شرق کره قرار دارد.

Portekiz İspanya'nın neresinde?

Portekiz İspanya'nın batısında

پرتغال در کجای اسپانیا قرار دارد؟

پرتغال در غرب اسپانیا قرار دارد؟

Hamburg Münih'in neresinde?

Hamburg Münih'in kuzeyinde

هامبورگ در کجای مونیخ قرار دارد؟

هامبورگ در شمال مونیخ قرار دارد.

Trabzon Antalya'nın neresinde?

Trabzon Antalya'nın kuzey – doğusunda

ترابزون در کجای آنتالیا قرار دارد؟

ترابزون در شمال شرقی آنتالیا قرار دارد.

İtalya İngiltere'nin neresinde?

İtalya İngiltere'nin güney - doğusunda

ایتالیا در کجای انگلیس قرار دارد؟

ایتالیا در جنوب شرقی ایتالیا قرار دارد.

جاه‌های دیدنی**اطلاعات جهانگردان / رزرو تور (turizm danışma/tur rezervasyonu)**

- Bir gezi yapmak istiyorum. من می‌خواهم از جاه‌های دیدنی بازدید کنم.
- Bir gezi yapmak planlıyorum. من قصد دارم از جاه‌های دیدنی بازدید کنم.
- Şehrin tarihi bölgelerini görmek istiyorum. من می‌خواهم قسمت قدیمی شهر را ببینم.
- En iyi yol hangisi? بهترین مسیر کجاست؟
- Önemli yerler nereleri? جاه‌های اصلی دیدنی کجا هستند؟
- Hangi geziler var? چه تورهای گردشگری هست؟
- Şehir turu var mı? آیا اینجا تور شهر هست؟
- Tüm gün turu var mı? آیا اینجا تور تمام روز هست؟
- Bisikletli tur alabilir miyiz? آیا امکان دارد به یک تور با دوچرخه برویم؟
- Yürüyerek tur alabilir miyiz? آیا امکان دارد به یک تور پیاده برویم؟
- Rehberli tur alabilir miyiz? آیا امکان دارد به یک تور با راهنما برویم؟
- Gezi turu tavsiye edebilir misiniz? آیا می‌توانید یک تور گشت و گذار توصیه کنید؟
- Gezinti tavsiye edebilir misiniz? آیا می‌توانید سفر تفریحی توصیه کنید؟
- Boat turu tavsiye edebilir misiniz? آیا می‌توانید یک سفر با قایق توصیه کنید؟
- Rehber tavsiye edebilir misiniz? آیا می‌توانید یک راهنما توصیه کنید؟
- Benim için bir seyahat ayarlar mısınız? آیا امکان دارد لطفاً سفر را برای من ترتیب دهید؟
- Benim için bir gezi ayarlar mısınız? آیا امکان دارد لطفاً سواری را برای من ترتیب دهید؟
- Benim için bir gezinti ayarlar mısınız? آیا امکان دارد لطفاً سفر تفریحی را برای من ترتیب دهید؟
- Benim için bir turistik turu ayarlar mısınız? آیا امکان دارد لطفاً تور را برای من ترتیب دهید؟
- Otobüsle gitmeyi tercih ederim. من ترجیح می‌دهم با اتوبوس بروم.
- Trenle gitmeyi tercih ederim. من ترجیح می‌دهم با قطار بروم.
- Uçakla gitmeyi tercih ederim. من ترجیح می‌دهم با هواپیما بروم.
- Gemiyle gitmeyi tercih ederim. من ترجیح می‌دهم با کشتی بروم.
- Turla otelde buluşabilir miyim? آیا می‌توانم در هتل به تور ملحق شوم؟
- Otelde inebilir miyim? آیا می‌توانم در محل هتل پیاده شوم؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Tur ücreti ne kadar? این تور چقدر هزینه دارد؟
- Yemek dahil mi? آیا شامل هزینه غذا هم می‌شود؟
- Saat kaçta başlıyor? چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Saat kaçta dönüyoruz? چه ساعتی بر می‌گردیم؟
- Ne zaman ve nerede buluşabiliriz? کی و کجا می‌توانیم یکدیگر را ملاقات کنیم؟
- Nereleri göreceğiz? چه محل‌هایی را خواهیم دید؟
- Bir şehir haritası rica ediyorum, لطفاً یک نقشه شهر به من بدهید.
lütfen.
- Nereden bir şehir haritası satın alabilirim? از کجا می‌توانم یک نقشه شهر بخرم؟
- Turu ve gezi bölgelerini anlatan bir broşürünüz var mı? آیا بروشوری دارید که تور و سفرهای تفریحی را شرح دهد؟
- Başka ilgi çekici neler var? چه چیزهای دیگری برای دیدن هست؟
- Yürümek için çok mu uzak? آیا برای پیاده رفتن خیلی دور است؟
- Fotoğraf çekme imkanımız var mı? آیا فرصتی برای گرفتن عکس خواهد بود؟
- Burada bulunan müzeleri söyler misiniz? امکان دارد لطفاً به من بگویید چه موزه‌هایی اینجا هست؟
- Burada bulunan sergileri söyler misiniz? امکان دارد لطفاً به من بگویید چه نمایشگاه‌هایی اینجا هست؟
- Burada bulunan tiyatroları söyler misiniz? امکان دارد لطفاً به من بگویید چه تئاترهای اینجا هست؟
- Burada bulunan gezi bölgelerini söyler misiniz? امکان دارد لطفاً به من بگویید چه جاهای دیدنی اینجا هست؟
- Bu şehirde tiyatro var mı? آیا در این شهر تئاتر هست؟
- Bu şehirde park var mı? آیا در این شهر پارک هست؟
- Bu şehirde manastır var mı? آیا در این شهر دیر هست؟
- Bu şehirde sergi salonu var mı? آیا در این شهر نگارخانه هنری هست؟
- Tiyatroya nasıl gideceğiz? چطور به تئاتر برویم؟
- Müzeye nasıl gideceğiz? چطور به موزه برویم؟
- Sanat galerisine nasıl gideceğiz? چطور به نگارخانه هنری برویم؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Konsere nasıl gideceğiz?

چطور به کنسرت برویم؟

Nereden bilet alabilirim?

از کجا می‌توانم بلیط بخرم؟

İngilizce konuşan bir rehber istiyorum.

من یک راهنمای انگلیسی زبان می‌خواهم.

Tuvaleti kullanabilir miyim?

آیا امکان دارد از سرویس بهداشتی استفاده کنم؟

کلمات مفید

| | | | |
|-----------------|-----------------|-----------------------|-----------------------------|
| manastır | دیر، صومعه | savaş alanı | میدان جنگ |
| kilise | کلیسا | savaş bölgesi | میدان نبرد |
| katedral | کلیسای جامع | mozaik | موزاییک |
| mezarlık | قبرستان | piramit | اهرام |
| kale | قلعه | çarşı | بازار |
| saray | کاخ | ortaçağ | مربوط به قرون وسطی |
| kule | برج | eski | باستانی |
| belediye binası | سالن شهر | geçmiş | پیشین |
| meclis binası | ساختمان مجلس | tarih öncesi | مربوط به دوران ما قبل تاریخ |
| şehir merkezi | منطقه مرکز شهر | Art Nouveau | هنر نو |
| eski şehir | شهر قدیمی | İmparatorluk | امپراطوری |
| manzara noktası | دیدگاه | Barok | باروک |
| anıt | یادگار | Rokoko | روکو |
| sanat galerisi | نگارخانه هنری | Klasik | کلاسیک |
| opera binası | سالن اپرا | Gotik | گوتیک |
| tiyatro | تئاتر | Modern | مدرن |
| çeşme | فواره، چشمه | Romantik | رومانتیک |
| heykel | مجسمه | Rönesans | رنسانس |
| mezar | مقبره | M.S. (Milattan Sonra) | بعد از میلاد مسیح |
| botanik | باغ گیاه شناسی | M.Ö. (Milattan Önce) | قبل از میلاد مسیح |
| park | پارک | bina | ساختمان |
| harabeler | ویرانه | metro istasyonu | ایستگاه مترو |
| tren istasyonu | ایستگاه راه آهن | köprü | پل |
| postane | اداره پست | doğum yeri | محل تولد |
| üniversite | دانشگاه | fabrika | کارخانه |

kolej

دانشکده

nehir kenarı

کنار رودخانه

نشانی پرسیدن / دادن (yol tarifi)

Adresiniz ne?
Nerede oturuyorsunuz?
Eviniz nerede?

Nerede oturuyorsunuz?

کجا می‌نشینید (زندگی می‌کنید)؟

İzmir'de. Atatürk Bulvarı'nda. Okulun yanında

در ازمیر. در خیابان آتاتورک. کنار مدرسه

Adresiniz ne?

آدرستان چیست؟

23 Serçe Sokak, Şişli, İstanbul. Telefon numaram 137 48 95

خیابان ۲۳ serçe, şişli, استانبول. شماره تلفن من ۱۳۷۴۸۹۵ است.

Eviniz nerede?

خانه شما کجاست؟

Bahçelievler'de. 6. Cadde, Tunalı Sitesi, B Blok, Kat 7, Daire 2.

در Bahçelievler به آدرس خیابان ششم، ساختمان‌های «تونالی»، بلوک B طبقه ۷. آپارتمان ۲.

Pardon. Buraya nasıl gidebilirim?

ببخشید. چطور می‌توانم به این محل بروم؟

Kilise nerede?

کلیسا کجاست؟

Sanat galerisi nerede?

نگارخانه هنری کجاست؟

Belediye binası nerede?

سالن شهر کجاست؟

Çarşı nerede?

بازار کجاست؟

Müze nerede?

موزه کجاست؟

Saray nerede?

کاخ کجاست؟

Pardon. Buraya nasıl gidebilirim?

تئاتر کجاست؟

Bu otele nasıl gidebilirim?

امکان دارد به من بگویید چه طور به این هتل بروم؟

En yakın metro istasyonu nerede?

نزدیک‌ترین ایستگاه مترو کجاست؟

En yakın taksi durağı nerede?

نزدیک‌ترین ایستگاه تاکسی کجاست؟

En yakın tuvalet nerede?

نزدیک‌ترین سرویس بهداشتی عمومی کجاست؟

Yakında bir metro istasyonu var mı?

آیا ایستگاه مترو در این نزدیکی هست؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Yakında bir taksi durağı var mı? آیا ایستگاه تاکسی در این نزدیکی هست؟

Yakında tuvalet var mı? آیا سرویس بهداشتی عمومی در این نزدیکی هست؟

Otel buradan uzak mı? آیا هتل از اینجا خیلی دور است؟

Oraya gitmek ne kadar sürer? چقدر طول می کشد؟

O bu tarafta mı? آیا در این سمت است؟

Postaneye nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?

امکان دارد به من بگویید چطور می توانم به اداره پست بروم؟

Polis merkezine nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?

امکان دارد به من بگویید چطور می توانم به اداره پلیس بروم؟

Kumsala nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?

امکان دارد به من بگویید چطور می توانم به ساحل بروم؟

Şehir merkezine nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?

امکان دارد به من بگویید چطور می توانم به مرکز شهر بروم؟

Şehir merkezi ne tarafta?

مرکز شهر از کدام طرف است؟

Haritada nerede olduğumu gösterir misiniz?

لطفاً روی این نقشه نشان دهید کجا هستم.

Şu anda neredeyiz?

الآن کجا هستیم؟

Lütfen buraya planı çizin.

لطفاً یک نقشه اینجا بکشید.

Bu sokağın adı ne?

اسم این خیابان چیست؟

Bu bölgenin adı ne?

اسم این ناحیه چیست؟

Bu kasabanın adı ne?

اسم این شهر چیست؟

Bu köyün adı ne?

اسم این روستا چیست؟

Bu yerin adı ne?

اسم این محل چیست؟

Yolumuzun üzerinde hangi sınır işareti var?

چه نشانه هایی در مسیر هست؟

Düz mü gideyim?

آیا باید مستقیم بروم؟

Yürüyüş yanında mı?

آیا برای پیاده رفتن نزدیک است؟

Buradan çok uzak mı?

آیا از اینجا خیلی دور است؟

Burada bir dakika bekleyin lütfen.

لطفاً یک لحظه صبر کنید.

کلمات مفید

| | | | |
|----------|----------|------|-------|
| apartman | آپارتمان | kat | طبقه |
| blok | بلوک | semt | ناحیه |

| | | | |
|--------|-------|-------|-----------------|
| bulvar | بلوار | site | ردیف ساختمان‌ها |
| cadde | جاده | sokak | کوچه، جاده |
| daire | واحد | | |

در موزه (muzede)

| | |
|--------------------------------------|---|
| Bu müze halka açık mı? | آیا موزه برای بازدید عموم باز است؟ |
| Çevreye bakabilir miyiz? | آیا می‌توانیم به اطراف نگاهی بیاندازیم؟ |
| Müze saat kaçta açılıyor? | موزه چه ساعتی باز می‌شود؟ |
| Son giriş saat kaçta? | ورود حد اکثر تا چه ساعتی است؟ |
| Son giriş saat yedi'de | ورود حد اکثر تا ساعت ۵ بعد از ظهر |
| Pazar günleri açık mısınız? | آیا یکشنبه‌ها باز هستید؟ |
| Bir sonraki rehberli tur saat kaçta? | تور با راهنمای بعدی چه موقعی است؟ |
| İngilizce rehber kitabınız var mı? | آیا کتابچه راهنمایی به زبان انگلیسی دارید؟ |
| Fotoğraf çekebilir miyim? | آیا می‌توانم عکس بگیرم؟ |
| Engelliler için giriş var mı? | آیا برای افراد معلول امکان دسترسی وجود دارد؟ |
| İngilizce rehber kaset var mı? | آیا راهنمای صوتی به زبان انگلیسی دارید؟ |
| Giriş ücreti ne kadar? | ورودی به چه قدر است؟ |
| Çocuklar için indirim var mı? | آیا برای کودکان تخفیفی قایل می‌شوید؟ |
| Engelliler için indirim var mı? | آیا برای افراد معلول تخفیفی قایل می‌شوید؟ |
| Grup için indirim var mı? | آیا برای گروه‌ها تخفیفی قایل می‌شوید؟ |
| Yaşlılar için indirim var mı? | آیا برای افراد بازنشسته تخفیفی قایل می‌شوید؟ |
| Öğrenciler için indirim var mı? | آیا برای دانش آموزان و دانشجویان تخفیفی قایل می‌شوید؟ |
| Bir tam iki çocuk lütfen. | یک بزرگسال و دو کودک، لطفاً. |
| Biletimi kaybettim. | من بلیطم را گم کرده‌ام. |

کلمات مفید

| | | | |
|------------------|--------------|---------------------|-------------------------|
| Ziyaret Saatleri | ساعات بازدید | Sonraki tur saat | تور بعدی ساعت |
| Açık | باز | Flaş kullanmayın | عکاسی با فلاش ممنوع است |
| Kapalı | تعطیل | İşi Olmayan Giremez | فقط پرسنل |
| Ücretsiz giriş | ورود رایگان | interaktif sergisi | اثر نمایشی تعاملی |

| | | | |
|-------------------|---------------------|-----------------------|-------------------------|
| Dokunmayın | دست نزنید | multimedya sergisi | اثر نمایشی چند رسانه‌ای |
| sergi | اثر نمایشی | tarafından resmedildi | نقاشی شده به دست |
| tüfekhane | اسلحه خانه | tarihinde tamamlandı | کامل شده در |
| doğum | متولد شده در | tarafından tasarlandı | طراحی شده به دست |
| ölüm | وفات کرده در | tarafından yıkıldı | ویران شده به دست |
| inşa etmiş tarihi | ساخته شده در | nakış | نقاشی با آبرنگ روی گچ |
| kuruluş tarihi | تأسیس شده در | gravür | حکاکی |
| güzel sanatlar | هنرهای زیبا | sanat eseri | شاهکار |
| el sanatları | صنایع | goblen | پرده نقش دار |
| kanaviçe | بوم نقاشی | oyma | کنده کاری |
| yağlı boya | رنگ روغن | heykel | مجسمه |
| ressam | نقاش | tavan | سقف |
| deniz manzarası | منظره دریایی | empresyonistik | امپرسیونیستی |
| sulu boya | آبرنگ | soyut | انتزاعی |
| natürmort | تصاویر اشیاء بی جان | yüzyıl | قرن |
| eskiz | طرح اولیه | sergi | نمایش |
| friz | حاشیه زینتی | imparator | امپراتور |
| altın kaplamak | طلاکاری شده | imparatoriçe | امپراتریس |
| süsleme | قالب ریزی | kral | شاه |
| tuğla | آجر | kraliçe | ملکه |
| kanat (bina) | بخش (ساختمان) | pismiş lüleci çamura | سفال |

عکسبرداری (fotoğraf çekimi)

| | |
|--|-----------------------------------|
| Burada fotoğraf çekebilir miyim? | آیا می‌توانم اینجا عکس بگیرم؟ |
| Orada fotoğraf çekebilir miyim? | آیا می‌توانم آنجا عکس بگیرم؟ |
| Flaş kullanabilir miyim? | آیا می‌توانم از فلاش استفاده کنم؟ |
| Fotoğrafımı çekebilir misiniz? | اشکالی ندارد از من یک عکس بگیرید؟ |
| Fotoğrafımızı çekebilir misiniz? | اشکالی ندارد از ما یک عکس بگیرید؟ |
| Size bir kopya yollayacağım. Buraya adresinizi yazın lütfen. | |

من یک نسخه برای شما می‌فرستم. لطفاً نشانی خودتان را اینجا بنویسید.

Lütfen benimle çekiniz.

لطفاً با من یک عکس بگیرید.

سرگرمی / سینما / تئاتر (eğlence/sinema/tyatro)

- Rahatlayabileceğim bir yere gitmek istiyorum. من می‌خواهم برای تفریح به جایی بروم.
- Etkinlik programınız var mı? آیا برنامه رویدادها را دارید؟
- Bale tavsiye edebilir misiniz? امکان دارد یک باله به من توصیه کنید؟
- Konser tavsiye edebilir misiniz? امکان دارد یک کنسرت به من توصیه کنید؟
- Sinema tavsiye edebilir misiniz? امکان دارد یک سینما به من توصیه کنید؟
- Opera tavsiye edebilir misiniz? امکان دارد یک اپرا به من توصیه کنید؟
- Gidecek güzel bir yer bulalım mı? بیا جای خوبی را پیدا کنیم و برویم؟
- Benimle tiyatroya gelmek ister misiniz? آیا دوست دارید با من به تئاتر بیایید؟
- Benimle operaya gelmek ister misiniz? آیا دوست دارید با من به اپرا بیایید؟
- Benimle sinemaya gelmek ister misiniz? آیا دوست دارید با من به سینما بیایید؟
- Benimle konsere gelmek ister misiniz? آیا دوست دارید با من به سالن کنسرت بیایید؟
- Hangi sinema salonuna gidiyoruz? به کدام سینما خواهیم رفت؟
- Şu anda gösterimde ne var? چه فیلمی را نمایش می‌دهد؟
- Oyuncular kim? هنرپیشگانش چه کسانی هستند؟
- Bu ilk gösterim mi? برای بار اول اکران می‌شود؟
- Bu gece için boş yeriniz var mı? آیا جایی برای امشب خالی مانده است؟
- Gece kıyafeti gerekli mi? آیا پوشیدن لباس شب لازم است؟
- Film saat kaçta başlıyor? فیلم چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Performans saat kaçta başlıyor? اجرا چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Gösteri saat kaçta başlıyor? نمایش چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Konser saat kaçta başlıyor? کنسرت چه ساعتی شروع می‌شود؟
- Ne kadar sürecek? چه مدت طول می‌کشد؟
- Biletleri ben alırım. من بلیط می‌گیرم.
- Koltuk ücreti ne kadar? جاها چقدر می‌شود؟
- Bilet ücreti ne kadar? بلیطها چقدر می‌شود؟
- Seni saat beş'te alırım. من ساعت پنج به دنبال شما می‌آیم.
- Beni yerime götürür müsünüz? امکان دارد لطفاً جای مرا نشانم دهید؟
- Bir program alabilir miyim? امکان دارد برنامه را به من بدهید؟
- Vestiyer nerede? جامه داری کجاست؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Sizin en çok sevilen film yıldızlarınız kimler? هنرپیشگان محبوب شما چه کسانی هستند؟
 Bu akşam televizyonda iyi filmler var mı? آیا تلویزیون امشب فیلم خوبی دارد؟
 Bu akşam televizyonda iyi programlar var mı? آیا تلویزیون امشب برنامه خوبی دارد؟
 Annem dizilik filimlerden hoşlanıyor. مادرم عاشق سریال‌های آبکی است.
 En çok hangi program bilgilendirici? آموزنده‌ترین برنامه کدام است؟

کلمات مفید

| | | | |
|---------------------|-----------------|-----------------|----------------|
| Rezerve koltuklar | جاهای رزرو شده | klasik müziği | موسیقی کلاسیک |
| Bugün için biletler | بلیط برای امروز | komedi | کمدی |
| Bitti | بلیط تمام شد | kara mizah | کمدی سیاه |
| oyun yazarı | نمایشنامه نویس | drama | درام |
| besteci | آهنگساز | aşk hikayesi | داستان عاشقانه |
| solist | تکنواز | müzikal | موزیکال |
| orkestra şefi | رهبر ارکستر | aksiyon filmi | فیلم اکشن |
| orkestra | ارکستر | korku filmi | فیلم ترسناک |
| halk müziği | موسیقی محلی | polisye | فیلم جنایی |
| caz | جاز | animasyon filmi | فیلم انیمیشن |

سرگرمی/تفریحات شبانه (eğlence/gece hayatı)

Şehirde bar var mı? آیا در شهر بار هست؟
 Şehirde gazino var mı? آیا در شهر کازینو هست؟
 Şehirde disko var mı? آیا در شهر دیسکو هست؟
 Şehirde bowling salonu var mı? آیا در شهر باشگاه بولینگ هست؟
 Şehirde gece klubu var mı? آیا در شهر کاباره هست؟
 Şehirde striptiz baru var mı? آیا در شهر بار استریپتیز هست؟
 Bar buradan çok uzak mı? آیا تا بار خیلی راه است؟
 Hangi müzik çalıyorlar? چه نوع موسیقی می‌نوازند؟
 Giriş ücreti var mı? آیا ورودیه دارد؟
 Üye olmamız gerekiyor mu? آیا باید عضو باشیم؟
 Rezervasyon yaptırmamız gerekiyor mu? آیا باید رزرو کنیم؟
 Bilardo var mı? آیا بیلیارد هست؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Rulet var mı? آیا بازی قمار رولت هست؟
 oyun makineleri var mı? آیا ماشین قمار سکه‌ای هست؟
 Dans etmek ister misiniz? آیا تمایل دارید برای رقص بروید؟
 Bu dansı bana lütfeder misiniz? لطفاً افتخار این رقص را به من می‌دهید؟
 Gezmek için en iyi nereye gidilir? بهترین مکان برای وقت گذرانی کجاست؟
 Çok güzel bir geceydi. شب فوق العاده ای است.

ممکن است بشنوید

Nasıl bir tur tercih edersiniz? چه نوع توری را ترجیح می‌دهید؟
 Rehber ihtiyacınız var mı? آیا به راهنما احتیاج دارید؟
 Tercümana ihtiyacınız var mı? آیا به مترجم احتیاج دارید؟
 Görmek istediğiniz özel bir şey var mı? آیا چیز خاصی وجود دارد که مایل باشید آن را ببینید؟
 Gezi listesi burada. بفرمایید این فهرست سفرهای تفریحی است.
 Yürüyerek beş dakika tutar. پیاده در حدود پنج دقیقه راه است.
 Yürüyerek gidebilirsiniz. پیاده نزدیک است.
 Sokağın karşısında. درست آن طرف خیابان است.
 Çok uzak değil. خیلی دور نیست.
 Mutlaka görürsün. امکان ندارد آن را پیدا نکنید.
 Buradan oldukça uzak. از اینجا خیلی دور است.
 Fotoğraf ve film çekmek yasak. عکاسی و فیلمبرداری ممنوع است.
 Fotoğraf çekmek yasak. عکاسی ممنوع است.
 Hangi koltuğu tercih edersiniz? چه صندلی را ترجیح می‌دهید؟
 Bu gece için bilet yok. برای امشب بلیط نداریم.
 Bu filmin ilk gösterimi. این فیلم برای بار اول اکران می‌شود.
 Bu performansın ilk gösterimi. این اجرا برای بار اول اکران می‌شود.

زمان حال استمراری (şimdiki zaman)

Iyor- پیوند زمان حال استمراری است که تداوم عمل را در حال حاضر و یا انجام عملی را در آینده نزدیک نشان می‌دهد:

Televizyon seyrediyor. او در حال تماشای تلویزیون است.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Akşam İstanbul'a gidiyorum.

می‌خواهم امشب به استانبول بروم.

در صرف این فعل ابتدا از مصدر فعل امر ساخته و به دنبالش صدای \dot{i}, i, u, \ddot{u} گذاشته و بعد علامت استمراری یعنی yor را گذاشته و متعاقب آن از ضمائر به فعل استفاده می‌کنیم.

علامت ضمیر شخصی + yor + (i, i, u, ü) + مصدر بدون mak, mek + ضمیر فاعلی = زمان حال استمراری

مثال:

gelmek gel + i + yor + um = geliyorum می‌آیم

gelmemek gelme (i) + yor + um = gelmiyorum نمی‌آیم

در سؤالی منفی یا مثبت کافی است علامت استفهامی یعنی mi را بعد از کلمه yor بگذاریم تا فعل صرف شود. مثل:

geliyor + mu + (y) um = geliyormuyum آیا دارم می‌آیم؟

gelmiyor + mu + (y) um = gelmiyormuyum آیا نمی‌آیم؟

حرف y بین دو حرف صدادار u قرار گرفته است.

علاوه بر oturmak (نشستن) و çalışmak کار کردن، افعال ادراکی (مانند «دانستن»، «فکر کردن»، «فهمیدن») و افعال احساسی (از قبیل «دیدن»، «شنیدن» و غیره) در زبان ترکی به شکل زمان استمراری بیان می‌شوند:

Adana'da oturuyor. او در آدانا می‌نشیند (زندگی می‌کند).

Bankada çalışıyorum. در بانک کار می‌کنم.

İngilizce biliyoruz. انگلیسی بلدیم.

Otobüsü görüyorsun, değil mi? اتوبوس را می‌بینی، این طور نیست؟

| جدول صرف زمان حال استمراری از مصدر görmek دیدن | | | | |
|--|------------------------|------------------|-----------------------------------|-----------------------------|
| مفرد | مثبت (دارم) می‌بینم | منفی نمی‌بینم | مثبت سؤالی آیا (دارم) می‌بینم؟ | منفی سؤالی آیا نمی‌بینم؟ |
| 1 | görüyorum | görmüyorum | görüyor muyum | görmüyor muyum |
| 2 | görüyorsun | görmüyorsun | görüyor musun | görmüyor musun |
| 3 | görüyor | görmüyor | görüyor mü | görmüyor mu |
| جمع | | | | |
| 1 | görüyoruz | görmüyoruz | görüyor muyuz | görmüyor muyuz |
| 2 | görüyorsunuz | görmüyorsunuz | görüyor musunuz | görmüyor musunuz |
| 3 | görüyorlar | görmüyorlar | görüyorlar mı | görmüyorlar mı |

واژه‌های جدید

| | | | |
|----------|----------------|----------|--------------------|
| yan | کنار | art | عقب، قسمت پشتی |
| alt | زیر | üst | بالا |
| ara | بین | orta | وسط، میان |
| yukarı | بالا | aşağı | پایین |
| ön | جلو، پیش | arka | پشت |
| üzeri | روی | yakın | نزدیک |
| dış/dışı | بیرون، خارج | iç/içeri | داخل، درون |
| karşı | مقابل، روبرو | taraf | طرف |
| çevre | اطراف، پیرامون | peş | پشت، دنبال، عقب سر |

dış / dışı (بیرون، خارج)**استفاده به عنوان صفت (dış)**

| | |
|----------|--------------|
| dış kapı | درب خارجی |
| dış avlu | محوطه بیرونی |

استفاده به عنوان اسم (dışı)

| | |
|-------------------|---------------|
| kapının dışı | بیرون درب |
| bankanın dışına | به بیرون بانک |
| evin dışında | در بیرون خانه |
| bahçenin dışından | از بیرون حیاط |

استفاده به عنوان قید مکان (dışarı – بیرون)

لطفاً از بیرون خوردنی و آشامیدنی نیاورید.

dışarı gidiyorum. (dışarıya gidiyorum) (به بیرون می‌روم.)
 dışarıdan geliyorum. از بیرون می‌آیم.
 dışarıdayım. در بیرون هستم.

در مکالمات روزمره برای تسریع در رساندن مفهوم به جای dışarıdayım از dışarıdayım استفاده می‌شود
 مانند buradayım (در اینجا هستم) که به صورت burdayım بکار می‌رود.

استفاده به عنوان دستور (dışarı – بیرون)

dışarı! برو بیرون!

Evin dışına çıktı.

چند مثال دیگر:

به بیرون خانه رفت.

Kapının dışında bir adam bekliyordu

پشت در یک مرد منتظر بود.

Evin dışından arabalar geçiyor.

(در) بیرون از خانه ماشین‌ها می‌گذرند.

çık dışarı

برو بیرون

iç (داخل، درون)

- (n) in içine

به داخل ...

- (n) in içinde

در داخل ...

- (n) in içinden

از داخل ...

استفاده به عنوان صفت

iç hastalıkları

بیماری‌های داخلی

iç savaş

جنگ داخلی

استفاده به عنوان اسم

odanın içi

داخل اتاق

ormanın içinde

درون جنگل

garın içinden

از داخل ایستگاه راه آهن

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

مثال‌های دیگر:

Tirenin içinde yer buldu, oturdu. داخل قطار یک جا پیدا کرد و نشست.

Bu kutuda ne var? Bilmem, içine bakmadım.

درون جعبه چه هست. نمی‌دانم درونش را نگاه نکردم.

Odanın içinden bir gürültü geliyordu.

از درون اتاق صدایی می‌آمد.

Bu odanın içindekiler hepsi kiralıktır.

کل وسایل داخل این اتاق کرایه‌ای است.

Eşyalarımı kutu içine koydum.

وسایلم را داخل جعبه گذاشتم.

Eşyalarımı kutunun içine koydum.

وسایلم را داخل جعبه گذاشتم.

Bir hafta içinde kitabını bitirecek.

ظرف یک هفته کتابش را تمام خواهد کرد.

Bu şehrin içinde çok insan var.

داخل این شهر انسان‌های زیادی وجود دارند.

استفاده به عنوان قید مکان (içeri – داخل)

Lütfen kapıdan içeri giriniz.

لطفاً از درب داخل شوید.

İçerden geliyorum.

از داخل می‌آیم.

استفاده به عنوان دستور (içeri – داخل)

İçeri!

بیا تو!

Yan (کنار، طرف، سمت، نزد، فرعی، غیره مستقیم)

- (n) in yanına

به کنار ...

- (n) in yanında

در کنار ...

- (n) in yanından

از کنار ...

استفاده به عنوان صفت

yan kapı

درب جانبی

yan sokak

کوچه فرعی، خیابان فرعی

استفاده به عنوان اسم

kapının yanında

در کنار دروازه

bankanın yanından

از طرف بانک

sol duvarın yanına

به دیوار سمت چپ

duvarın sol yanına

به سمت چپ دیوار

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

چند مثال دیگر:

Mehmet, Ali'nin yanına oturdu.

محمد کنار علی نشست.

Mehmet, Ali'nin yanında oturdu.

محمد در کنار علی نشست.

Kitabi, yatağın yanındaki masanın üstüne attı.

کتاب را بروی تخت کنار میز انداخت.

نکته: کلمه yan yana به معنی «در کنار هم» است.

taraf (طرف، جهت، سمت، ناحیه، منطقه)

- (n) in yanına به طرف ...
- (n) in yanında در طرف ...
- (n) in yanından از طرف ...

استفاده به عنوان اسم

kapının tarafında

در طرف دروازه (درب)

bankanın tarafından

از طرف بانک

peronun tarafına

به طرف سکو

چند مثال دیگر:

Arabanın alt tarafından bir seyler damlıyor.

از زیر ماشین یک چیزهایی چکه می کند.

Sen kimin tarafındasın? Benim mi onun mu?

تو طرف کی هستی؟ من یا او؟

Dolabın üst tarafına baktın mı?

بالای کمد را نگاه کردی؟

üst (بالا، رویه، عالی، فوق، ماورا، سر)

- (n) in üstüne به روی ...
- (n) in üstünde در روی ...
- (n) in üstünden از روی ...

استفاده به عنوان صفت

üst tepe

تپه بالایی

en üst pencere

بالاترین پنجره

استفاده به عنوان اسم

bardağın üstünde

در بالای لیوان

ağaçların üstüne

به بالای درخت

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

arabamın üstünden از روی ماشینم

چند مثال دیگر:

Kitabi, masanın üstüne koydu. کتاب را بروی میز گذاشت.

Kapının üstünde büyük bir pencere vardı. روی در یک پنجره بزرگ بود.

üzeri (روی، بالا، سر، علاوه بر)

- (n) in üzerine به روی ...

- (n) in üzerinde در روی...

- (n) in üzerinden از روی...

üzeri به عنوان صفت و اسم بکار نمی‌رود و تنها در ساختار جمله و یادداشت‌ها استفاده می‌شود به مثال‌های زیر توجه کنید:

elma üzerine portakal getir علاوه بر سیب پرتغال هم بیاور.

binanın üzerinden از روی ساختمان

masanın üzerindeki fincan فنجان روی میز

Bu sözün üzerine çok kızdım سر این حرف خیلی عصبانی شدم.

Bunun üzerine çok kızdım سر این خیلی ناراحت شدم.

alt (پایین، زیر، پست)

- (n) in altına به زیر ...

- (n) in altında در زیر...

- (n) in altından از زیر...

استفاده به عنوان صفت

alt kapı درب پایینی، درب زیری

alt dolap کمد پایینی

استفاده به عنوان اسم

Alt dolabın altına fincanları koyunuz dışarda فنجان‌های زیر کمد پایینی را بیرون بگذارید.

Masanın altından topu çekin توپ را از زیر میز بیرون بکشید.

Sağ ayağımın altı kaşınıyor زیر پای راستم می‌خارد.

چند مثال دیگر:

Köpek dolabın altına girdi, orada yatıyor. سگ به زیر کمد رفته و در آنجا می‌خوابد

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Köpek dolabın altında yatıyor.
Köpeğimiz hep ayak altında.

سگ در زیر کمد می خوابد
سگ ما همیشه سر پا است.

otra (وسط، مرکز، میان، میانه، نیمه)

- (n) in altına به میان ...
- (n) in altında در میان...
- (n) in altından از میان...

استفاده به عنوان صفت

Orta kapı درب وسطی (میانی)
Orta oda اتاق مرکزی (وسطی)

استفاده به عنوان اسم

Parkın ortasına به وسط پارک.
Bahçenin ortasında در میان باغ.
Orta odanın ortasından در وسط اتاق متوسط.

چند مثال دیگر:

Yemeğin ortasında geldi وسط غذا آمد.
Her zaman yemek ortasında gelir همیشه میان غذا می آید.
Sokağın ortasında yürüyor وسط کوچه راه می رود.
Tam sokağın ortasında yürüyor دقیقاً در وسط خیابان راه می رود.
Tam sokağın ortasından yürüyor دقیقاً از وسط خیابان راه می رود.
Ahmed'in kitabının ortasına kadar okudum تا میانه های کتاب را خواندم.
Buraya hafta ortasında vardı وسط های هفته اینجا بود.
Buraya haftanın ortasında vardı وسط های هفته اینجا بود.

art (عقب، قسمت پشتی، پشت، پشت سر)

- (n) in ardına به پشت ...
- (n) in ardında در پشت...
- (n) in ardından از پشت...

art به عنوان صفت استفاده نمی شود و تنها به عنوان اسم بکار گرفته می شود:

kapının ardında در پشت درب.
 bankanın ardından از پشت بانک.
 mutfağın ardına به پشت آشپزخانه.

نکته: کلمه art arda به معنی «پشت سر هم، پیایی» و ardınca به معنی «از عقب، از پشت سر» است. همچنین
 واژه ardın ardın به معنی «عقب عقب، نوبت و صف به طور پشت سر هم»، است.

arka (پشت، عقب)

- (n) in arkasına به پشتِ ...
 - (n) in arkasında در پشتِ...
 - (n) in arkasından از پشتِ...

استفاده به عنوان صفت

arka kapı درب پشتی
 arka bahçe باغ پشتی

استفاده به عنوان اسم

kapının arkası پشت در
 garajın arkasından از پشت گاراژ.
 kuyruğun arkasına به پشت صف.

چند مثال دیگر:

Evimin arkasında büyük bir bahçe var در پشت خانه من یک باغ بزرگ است.
 Masanın arkasına baktınız mı? آیا پشت میز را نگاه کردید؟

ön (جلو، پیش، آینده)

- (n) in önüne به جلویِ ...
 - (n) in önünde در جلویِ...
 - (n) in önünde از جلویِ...

استفاده به عنوان صفت

ön kapı درب جلویی
 ön pencereler پنجره‌های جلویی

استفاده به عنوان اسم

kapının önünde
manavın önüne
rafların önünden

در جلوی درب
به جلوی میوه فروشی
از جلوی قفسه‌ها
چند مثال دیگر:

Otobüs, tam evımızın önünde durur.
Bahçemizin önündeki duvarda oturduk.

اتوبوس دقیقاً جلوی خانه ما می‌ایستد.
روی دیوار جلوی باغمان نشستیم؟

yakın (نزدیک، در مجاورت)

- (n) in yakınına
- (n) in yakınında
- (n) in yakınından

به نزدیک ...
در نزدیک...
از نزدیک...

استفاده به عنوان صفت

yakın kapı
yakın bir ofis

درب نزدیک
اداره نزدیک

استفاده به عنوان اسم

kapının yakınında
kapının yakınlığında
bankanın yakınından
otogarın yakınına

در نزدیک درب.
در نزدیکی‌های درب.
از نزدیک بانک.
به نزدیک ایستگاه اتوبوس

استفاده به عنوان قید مکان

bankaya yakın

در نزدیکی بانک

ara (بین، رابطه، واسطه، فاصله، وسط)

- (n) in arasına
- (n) in arasında
- (n) in arasından

به بین ...
در بین...
از بین...

استفاده به عنوان صفت

ara kapı

درب میانی

استفاده به عنوان اسم

hafta arası

بین هفته، اواسط هفته.

kapıların arasında

در بین درب‌ها.

masaların arasına iskemleyi koyun.

صندلی را بین میزها بگذارید.

bunların arasından bir tane alın.

از بین این‌ها یک یکی را بخرید.

چند مثال دیگر:

Evlerimizin arasında büyük bir bina var.

یک ساختمان بزرگ در بین خانه‌های ما است.

O evlerin arasında bir park var.

در بین آن خانه‌ها یک پارک است.

Amerika ile Avrupa arasında Atlas Okyanusu var.

بین آمریکا و اروپا اقیانوس اطلس وجود دارد.

karşı (مقابل، متقابل، ضد، مخالف، روبرو)

- (n) in karşısına

به مقابل ...

- (n) in karşısında

در مقابل...

- (n) inkarşısından

از مقابل...

استفاده به عنوان صفت

karşı kapı

درب روبرو

karşı kaldırım

پیاده رو مقابل

استفاده به عنوان اسم

kapının karşısında

در مقابل درب

bankanın karşısındaki soka.

خیابان مقابل بانک

Mehmet, kahvenin karşısından çıktı.

محمد از روبروی کافه در آمد.

چند مثال دیگر:

Fabrika, evimizin karşısında.

کارخانه مقابل خانه ما قرار دارد.

Mehmed'in karşısına oturdu.

روبروی محمد نشست.

Bir kedi karşıma çıktı.

یک گربه مقابل من در آمد.

etraf (اطراف، دور، اکناف، پیرامون)

- (n) in etrafına ... به اطراف...
 - (n) in etrafında ... در اطراف...
 - (n) in etrafından ... از اطراف...

etraf به عنوان صفت استفاده نمی‌شود و تنها به عنوان اسم بکار می‌رود:

Masamızın etrafına bolca çiçek koyuldu. گل‌های فراوانی در اطراف میز ما قرار داده شد.
 Etrafımda çocuklar oynuyordu. در اطراف من کودکان بازی می‌کردند.
 bostanın etrafından از اطراف بوستان

çevre (اطراف، دور، سرناسر، پیرامون، محیط، دایره)

این کلمه مترادف کلمه عربی etraf است و به تدریج جایگزین این کلمه شده است.



محیط اطرافمان را پاکیزه نگاه داریم.

- (n) in çevresine ... به اطراف...
 - (n) in çevresinde ... در اطراف...
 - (n) in çevresinden ... از اطراف...

استفاده به عنوان صفت

çevre yolu جاده دایره‌ای (حلقوی)

استفاده به عنوان اسم

kentin çevreleri اطراف شهر
 Bankanın çevresinde bir park bulunur. در اطراف بانک یک پارک وجود دارد.
 Fabrikanın çevresine bir engel koydular. در دور تا دور کارخانه یک حائل کار گذاشتند.



بابت خسارت‌ها و مزاحمت‌هایی که در حین ساخت و ساز برای محیط اطرافمان به وجود می‌آوریم پوزش می‌طلبیم.

اşağı (پایین، زیر)

- (n) in aşağısına به پایین...
- (n) in aşağısında در پایین...
- (n) in aşağısından از پایین...

استفاده به عنوان صفت

- aşağı mahalle محل پایین
- aşağı kat طبقه پایین

استفاده به عنوان اسم

- inişin aşağısı پایین سر پایینی
- merdivenin aşağısına به پایین نردبان
- yolun aşağısından yürüyün از پایین راه بروید.
- Dağın aşağısı serin. پایین کوه خنک است.
- Dağın aşağısındaki ağaçlar çok güzel. درختان پایین کوه زیبا هستند.
- Dağın aşağısından gelen rüzgar çok soğuk. بادی که از پایین کوه می‌آید خیلی خنک است.

استفاده به عنوان قید مکان

- Aşağı gidiyorum. پایین می‌روم.
- ya یا

- Aşağıya gidiyorum به پایین می‌روم.

yukarı (بالا، مافوق، رو، فوق، رو)

- (n) in yukarisına به بالای...
- (n) in yukarisıda در بالای...
- (n) in yukarisıdan از بالای...

استفاده به عنوان صفت

- yukarı ev خانه بالا
- yukarı dal شاخه بالا

استفاده به عنوان اسم

- yokuş yukarı سرپایینی
- merdivenin yukarısı بالای نردبان
- Tepenin yukarisından indik. از بالای تپه پایین آمدیم.

peş (پشت، دنبال، عقب سر)

Peş، به معنی پشت یک شی در حال حرکت است و معمولاً به شکل peşinden (از پشت) ظاهر می‌شود. مورد استفاده آن (فقط جسم متحرک) هنگامی که چیزی یا کسی از پس کس یا چیز دیگری که در حال حرکت است می‌رود؛ است. به مثال‌های زیر توجه کنید:

- Otobüsün peşinden gittik. از پشت اتوبوس رفتیم.
- Benim peşime düşün! پشت من بیافتید!

توجه:

- peşin, peşinat قبلی، از قبل، جلو، نقد، یا پول پیشکی
- peşin para پول نقد

نمونه‌هایی برای مطالعه

- Bir adam, vapurun arkasından suyun içine düştü. یک مرد از پشت قایق به داخل آب افتاد.
- Onlarla bizim aramızda, bahçe üzerine kavga çıktı. بین ما و آن‌ها سر باغ دعوا شد.
- Büyük bir ağacın altında yere yattı. در جایی زیر یک درخت بزرگ خوابید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Her şeyim el altında. هم چیز من زیر دست است.

Dükkanın arkasında büyük elma ağaçları var. در پشت مغازه درختان بزرگ سیب وجود دارد.

Halil her akşam içki içer, gece ortasında eve gelir.

خلیل هر عصر مشروب می نوشد و نیمه شب به خانه می آید.

Size bir paket getirdim, eşyalarınızın arasına attım.

برای شما یک پاکت آوردم، بین وسایلتان انداختم.

Bu kış, sizinkinin karşısındaki evde oturacağız.

این زمستان در خانه روبروی شما می نشینیم.

Paketin içindekilerini bize gösterir misiniz? آیا محتویات درون پاکت را به ما نشان

می دهید.

Senin koca ayaklarının yanında yer kalmadı. در کنار پای گنده تو جایی باقی نماند.

Yunus Emre'nin Ahmedin üstündeki tesiri çok büyüktür.

تأثیر یونس امره بر روی احمد بسیار بزرگ است.

Askerler, şehrin önüne duvar yaptılar.

سربازها جلوی شهر دیوار ساختند.

Ahmet daima o kızın peşinden gider. احمد دائماً پشت آن دختر می رود (تعقیبش می کند).

Evin dış kısmına baktık, içine ama girmedik.

قسمت بیرونی ساختمان را نگاه کردیم اما داخلش نرفتیم.

ضرب المثل

El elden üstündür. دست روی دست زیاد است.

Bal bal demekle ağız tatlı olmaz. حلوا حلوا دهان شیرین نمی شود.

Bügünkü işini yarına bırakma. کار امروز را به فردا نیانداز.

اصطلاحات

Laf etmek: حرف زدن. یک چیزی را موضوع غیبت کردن

Laf (söz) yok: بدون نقصان. بدون عیب. یعنی نکته قابل انتقاد برایش نیست.

Lastikli söz: یعنی سخنی که دارای معانی مختلف است.

Leşini çıkarmak: به گونه ای خیلی فجیع کتک زدن

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Lüpe konmak: چیز ارزشمندی را به صورت رایگان وبدون صرف زحمت صاحب شدن
- Maşallahı var: ماشاالله داره.برای تعریف وضعیت خوب یک نفر یا یک چیزبه کار میرود.
- Mendil açmak: دستمال باز کردن.کنایه از گدایی کردن
- Mukabelede bulunmak: پاسخ دادن
- Meteliğe kurşun atmak: بی پول ماندن .هیچ پول نداشتن
- Metelik vermemek: ارزش ندادن.اهمیت ندادن
- Merhabayı kesmek: سلام راقطع کردن.بایکی ارتباط را قطع کردن.یا به دوستی خاتمه دادن
- Ne şiş yansın ne kebab: نه سیخ بسوزد نه کباب.اصطلاحی که در فارسی هم است.
- Ne günlere kaldık!: قدیما بهتر بود.زمنه عوض شده.روزهای خیلی بدی را پشت سر میگذاریم.
- Nuh der peygamber demez: نوح میگوید پیغمبر نمی گوید.کنایه از انسان خیلی لجباز که طرز فکر خود را به هیچ وجه عوض نمیکند.
- Oyun etmek: فریب دادن.با حيله گری یکی را به دام انداختن.
- Orta hâlli: متوسط الحال.نه فقیر نه ثروتمند.نه زشت نه زیبا.نه خوب نه بد
- Ortaya dökmek: کنایه از درآوردن ونشان دادن.همه چیزهای مخفی را آشکار کردن
- Olmayacak duaya amin demek: به یک دعای غیرقابل استجابت آمین گفتن.کنایه از مشغول شدن به کاری بی نتیجه یا از آن حمایت کردن
- Öbür (öteki) dünya: کنایه از آن دنیا(آخرت)عالم ابدی
- Ödü patlamak: ترسیدن زیاد به علت یک حادثه لحظه ای
- Özü sözü bir: کسی که ظاهر وباطنش یکی است.یا افکار وسخنانش با اعمالش یکی است.
- Örtbas etmek: ماست مالی کردن

درس ۴

خوش آمد گویی



Hoş geldiniz.
Buyrun
Girin

Hoş geldiniz.
Hoş bulduk.

Buyrun, içeri buyrun.
Teşekkür ederim.

Girin, girin.

خوش آمدید.
متشکرم.

Hoş bulduk جواب «خوش آمدید» است. معادل فارسی دقیقی برای آن نیست.

بفرمایید، بفرمایید تو.
تشکر می کنم.

بیایید تو، بیایید تو.

Rahatsız etmeyelim.

مزاحم نمی شویم.

Rica ederim. Hiç rahatsızlık değil.

خواهش می کنم. هیچ مزاحمتی نیست.

خواهش ها

Benim için bir iyilik yapabilir misiniz?

به من لطفی می کنید؟

Pardon.

چی فرمودید؟

Lütfen bana yardım eder misiniz?

امکان دارید لطفاً به من کمک کنید؟

Yardımcı olur musunuz?

ممکن است به من کمک کنید؟

Bana yardımcı olabilir misiniz?

ممکن است به من کمک کنید؟

Bana bu konuda yardım edebilir misiniz?

ممکن است در این مسأله به من کمک کنید؟

Pardon? Ne dediniz?

ببخشید؟ چی گفتید؟

Lütfen bir daha tekrarlar mısınız?

لطفاً یک بار دیگر تکرار کنید.

Lütfen biraz daha yavaş konuşun.

لطفاً آهسته تر صحبت کنید.

Tekrar edebilir misiniz?

ممکن است دوباره تکرار کنید؟

Lütfen buraya yazın.

لطفاً اینجا بنویسید.

Bu ne?

این چیست؟

O ne?

آن چیست؟

Bu ne demek?

این به چه معنی است؟

Anlıyor musunuz?

آیا متوجه می شوید؟

Lütfen acele edin.

لطفاً عجله کنید.

Benimle gelin!

با من بیایید!

Siz bana bozuk para borç verebilir misiniz?

ممکن است یک سکه به من بدهید؟

Bakabilir miyim?

می توانم به این نگاهی بیاندازم؟

Kaleminizi alabilir miyim?

می توانم خودکار شما را قرض بگیرم؟

Kurşunkaleminizi alabilir miyim?

می توانم مداد شما را قرض بگیرم؟

Anahtarınızı alabilir miyim?

می توانم کلید شما را قرض بگیرم؟

Arabanızı alabilir miyim?

می توانم ماشین شما را قرض بگیرم؟

Bu mektubu benim için gönderir misiniz?

امکان دارد لطفاً این نامه را برای من پست کنید؟

Adresinizi alabilir miyim?

می توانم نشانی شما را داشته باشم؟

Telefon numaranızı alabilir miyim?

می توانم شماره تلفن شما را داشته باشم؟

E-mail adresinizi alabilir miyim?

می توانم نشانی پست الکترونیکی شما را داشته باشم؟

Beni şehir merkezine bırakabilir misiniz?

امکان دارد مرا به مرکز شهر برسانید؟

ابراز اولویت (رجحان)

mI...
mI?

Bahçede mi oturmak istersin yoksa içerde mi?

Ya bahçede ya da balkonda. Bugün hava çok güzel.

Kahve veya çay? Ne tercih edersin?

Kahve lütfen.

Türk kahvesi mi Neskafe mi arzu edersin? Türk kahvesine pek memnun olurum.

Şekerli mi sade mi?

Orta şekerli mümkün mü? Tabii mümkün.

یا... یا؟

آیا می‌خواهی در باغچه بنشینی یا در داخل (منزل)؟

یا در باغچه یا در ایوانک فرق نمی‌کند. امروز هوا خیلی خوب است.

قهوه یا چای؟ کدام را ترجیح می‌دهید؟

قهوه لطفاً.

آیا قهوه ترک یا نسکافه میل دارید؟

قهوه ترک، بسیار ممنونم.

با شکر یا ساده؟

(مقداری) به طور متوسط شکر، اگر ممکن است؟

البته که ممکن است.

اگر مفعول جمله‌ای یک اسم معین باشد آن را با پیوند $-(y)i/- (y)ı/- (y)u/- (y)ü$ (پیوند حالت بی واسطه) نشان

می‌دهند:

Kitabı istiyorum.

کتاب را می‌خواهم.

Beni görüyor musun?

آیا مرا می‌بینی؟

اگر مفعول نامعین باشد اسم را بدون هیچ‌گونه نشانه‌ای بکار می‌برند. یا می‌توان bir را به معنای «یک» مورد استفاده

قرار داد.

Kitap istiyorum.

کتاب (هر کتابی که باشد) می‌خواهم.

Bir kitap istiyorum.

یک کتاب می‌خواهم.

اگر مفعول istemek (خواستن)، یک فعل باشد به شکل مصدر در جمله ظاهر می‌شود:

Bu odayı bebek odası yapmak istiyorum. می‌خواهم این اتاق را به اتاق بچه تبدیل کنم.
 Beyefendi, kızınızla evlenmek istiyorum. آقای محترم، می‌خواهم با دخترتان ازدواج کنم.
 İçmek istiyorlar. می‌خواهند بنوشند.
 Kalmak istemedin. نخواستی بمانی.
 Çalışmak istemeyecekler. نمی‌خواهند کار کنند.

کاربرد زمان حال ساده (گسترده) (Geniş zaman)

۱- کارهای عادی ۲- عمل توأم با قصد و اراده (مثلاً قول یا تهدید) و یا پرسیدن اینکه آیا انجام چیزی ممکن است (مثلاً ممکن است بیایید؟ دوست داری بخری؟) و ۳- درخواست به شکل سؤالی
 در صرف این فعل چگونگی عمل بدین ترتیب است که ابتدا علامت مصدری را که mak, mek است از جلوی ریشه فعل برداشته و از آن فعل امر می‌سازیم. سپس از شاخص این صیغه که -r, -er (ar), -ir است استفاده کرده و به دنبالش ضمائر متصل به فعل می‌گذاریم. مثال:

Gelmek => gel+ir+im=gelirim می‌آیم (اول شخص مفرد)

در منفی کردن این فعل کافی است از آن فعل امر ساخته و در برابر بدون استفاده از شاخص زمان حال ساده از ضمائر متصل به فعل استفاده کنیم. (چون در زبان ترکی استانبولی دو حرف صدادار کنار هم نمی‌آیند، یا یکی از آنها را بر می‌داریم و یا اینکه وسط دو حرف صدادار حرف صامت y می‌گذاریم). مثال:

gelmemek=>gelme+ (i) m=gelmem نمی‌آیم

در سؤالی کردن به صورت مثبت فقط کافی است بعد شاخص این فعل یعنی -r, -er (ar), -ir علامت استفهامی mi را بگذاریم بدین صورت فعل صرف می‌شود. مثال: gelirmiyim? اما در حالت منفی باید علامت استفهامی را به آخر فعل بگذاریم و صرف نماییم. مانند: gelmem mi

| جدول صرف زمان حال ساده از مصدر gelmek آمدن | | | | |
|--|----------------|-----------------|---------------------------|----------------------------|
| مفرد | مثبت می‌آیم | منفی نمی‌آیم | مثبت سؤالی آیا می‌آیم؟ | منفی سؤالی آیا نمی‌آیم؟ |
| 1 | geLiRim | gelMEM | geLiR miyim | gelMEZ miyim |
| 2 | geLİRsin | gelMEZsin | geLİR misin | gelMEZ misin |
| 3 | geLİR | gelMEZ | geLiR mi | gelMEZ mi |
| جمع | | | | |
| 1 | geLİRiz | gelMEYiz | gelirLER mi | gelMEZ miyiz |
| 2 | geLİRsiniz | gelMEZsiniz | geLİR miyiz | gelMEZ misiniz |

| | | | | |
|---|----------|-----------|-------------|--------------|
| 3 | gelirLER | gelmezLER | gelirLER mi | gelmezLER mi |
|---|----------|-----------|-------------|--------------|

مثال:

۱- عمل همیشگی

| | |
|------------------------------------|---------------------------------------|
| Her akşam dokuzda yatarım. | هر شب ساعت ۸ می خوابم. |
| Sabah erken gelirim. | صبح، زود می آیم. |
| Her gun denizde yüzerim. | هر روز در دریا شنا می کنم. |
| Ayşe hanım dondurmayı çok sever. | عایشه خانم بستنی را خیلی دوست دارد؟ |
| Her gece eve dönerim. | هر شب به خانه بر می گردم. |
| Her gün düzenli olarak traş olur. | او هر روز با صورت تراشیده و مرتب است. |
| Genellikle et yeriz. | معمولاً گوشت می خوریم. |
| Her hafta sonunda futbol oynarlar. | آخر هر هفته فوتبال بازی می کنند. |

۲- رضایت یا میل

| | |
|-----------------------------|---|
| Kapıyı açar mısınız? | آیا می شود درب را باز کنید؟ (درخواست مؤدبانه) |
| Buna bakar mısınız? | آیا امکان دارد به این نگاه کنید؟ (دستور ادبی) |
| Evet, onu yaparım. | بله، آن را انجام می دهم. (رضایت خاطر) |
| İki gecelik bir oda tutarız | یک اتاق برای دو شب کرایه می کنیم. |

۳- دستور دادن مؤدبانه

| | |
|----------------|---|
| Bakar mısınız? | لطفاً نگاه می کنید؟ |
| | این حالت برای جلب توجه افراد بکار می رود. |

۴- در خواست محترمانه

| | |
|----------------------------|--|
| Bir çay rica ederim | یک چای لطفاً |
| Pencereyi kapatır mısınız? | آیا امکان دارد پنجره را ببندید؟ |
| | برای درخواست محترمانه از غریبه ها و دستور مؤدبانه به آنها از این روش استفاده می شود. |

۵- موافقت همراه با ادب رضایت خاطر

| | |
|-----------------|---|
| Ben onu yaparım | من آن را انجام می دهم |
| | این راه خوبی برای پذیرش مسئولیت چیزی است. |

۶- آینده مردد

زمان حال ساده همچنین برای وقایعی که در زمان فعلی نیستند مورد استفاده قرار می‌گیرد:

| | |
|--|--|
| Saatin altında seni beklerim | در ساعت شش منتظر تو هستم. |
| Parkın yanındaki bankayı tabii ki bulursunuz | البته که بانک کنار پارک را پیدا می‌کنید. |
| Yarın ofiste buluşuruz | فردا در اداره هم دیگر را می‌بینیم. |

شاخص زمان حال ساده

شاخص این صیغه R- است که به طور مستقیم به ریشه فعل اضافه می‌شود و به شرح زیر است:

افعال تک هجایی

برای افعالی تک هجایی که در پایان به حرف صامت مختوم می‌شوند، در زمان مثبت از شاخص -ar یا -er استفاده می‌کنیم. البته چند استثنا برای این قاعده کلی وجود دارد. این زمان نشان می‌دهد که تنها برخی از بی قاعدگی‌های اندک در شکل فعل‌های ترکی استانبولی وجود دارند.

فعل‌های چند هجایی

برای فعل‌ها با بیش از یک هجا بسته به محیط صوتی شاخص‌های -ür -ır -ir وجود دارند.

فعل‌های مختوم به مصوت‌ها

برای تمام فعل‌هایی که به حروف صدادار ختم می‌شوند شاخص -r وجود دارد.

| افعال تک هجایی مختوم به صامت. | | | |
|---|------------------|------------|-----------------|
| شاخص‌های -ar یا -er پس از حذف -mak یا -mek به ریشه فعل اضافه می‌شوند. | | | |
| yapmak | انجام دادن، کردن | kesmek | بریدن، قطع کردن |
| yaparım | انجام می‌دهم | keserim | می‌برم |
| yaparsın | انجام می‌دهی | kesersin | می‌بری |
| yapar | انجام می‌دهد | keser | می‌برد |
| yaparız | انجام می‌دهیم | keseriz | می‌بریم |
| yaparsınız | انجام می‌دهید | kesersiniz | می‌برید |
| yaparlar | انجام می‌دهند | keserler | می‌برند |

| پنج فعل استثنا که تغییر در آخرین حرف بی صدای آن‌ها انجام می‌شود. | | | |
|---|-----------|----------|-------------|
| به یاد داشته باشید که برای تلفظ نرم پس از اضافه شدن شاخص t به d تبدیل می‌شود. | | | |
| gitmek | رفتن | gider | می‌رود |
| etmek | کردن | ederim | می‌کنم |
| tatmak | مزه کردن | tadarlar | مزه می‌کنند |
| ditmek | پاره کردن | didersin | پاره می‌کنی |

| | | | |
|--------|--------|---------|----------|
| gütmek | چراندن | güderim | می چرانم |
|--------|--------|---------|----------|

استثنای افعال تک هجایی

تعداد ۱۳ فعل تک هجایی از شاخص‌های -ür -ır -ir -ur بسته به محیط صوتی بهره می‌جویند که این افعال به شرح لیست‌های زیر می‌باشند.

| استثنای افعال تک هجایی | | | |
|---|---------------------------------------|------------|--------------|
| این ۱۳ فعل تک هجایی استثنای این زمان می‌باشند که شاخص‌های -ür -ır -ir -ur به آن‌ها اضافه می‌شود | | | |
| almak | گرفتن، خریدن، وصول کردن | alırım | می‌گیرم |
| bilmek | دانستن، شناختن، فهمیدن | bilir | می‌داند |
| bulmak | یافتن، پیدا کردن | bulur | می‌فهمد |
| durmak | ایستادن، ماندن، توقف کردن، صبر کردن | dururuz | می‌ایستیم |
| gelmek | آمدن، وارد شدن، رسیدن | gelirsiniz | می‌آید |
| görmek | دیدن، مشاهده کردن، ملاقات کردن | görürler | می‌بیند |
| kalmak | ماندن، تأخیر افتادن، باز ماندن | kalırım | می‌مانم |
| olmak | شدن، بودن، گردیدن، گشتن | olursun | می‌شوم |
| ölmek | مردن، از بین رفتن | ölür | می‌میرد |
| sanmak | تصور کردن، گمان کردن، فرض کردن | sanırız | تصور می‌کنیم |
| vermek | دادن، پرداخت کردن، بخشیدن، تقدیم کردن | verirsiniz | می‌دهید |
| varmak | رسیدن، واصل شدن، به پایان رسیدن | varırlar | می‌رسند |
| vurmak | زدن، کوبیدن، بستن، کشتن، دزدیدن | vururum | می‌زنم |

| افعال تک هجایی مختوم به مصوت. | | | |
|--|------------|------------|----------|
| شاخص r-پس از حذف mak-یا mek-په ریشه فعل اضافه می‌شود. | | | |
| demek | گفتن، یعنی | anlamak | فهمیدن |
| derim | می‌گویم | anlarım | می‌فهمم |
| dersin | می‌گویی | anlarsın | می‌فهمی |
| der | می‌گوید | anlar | می‌فهمد |
| deriz | می‌گوییم | anlınız | می‌فهمیم |
| dersiniz | می‌گویید | anlarsınız | می‌فهمید |
| derler | می‌گویند | anlalar | می‌فهمند |

مثال‌های بیشتر با شاخص **R-**:

| | | | |
|---------------------------------------|--------------|--------|---|
| demek | گفتن | der | می گوید |
| Dünya yuvarlaktır derler | | | می گویند دنیا گرد است. |
| yemek | خوردن، غذا | yer | می خورد. |
| Her gün ekmek yeriz | | | هر روز نان می خوریم. |
| beklemek | انتظار کشیدن | bekler | انتظار می کشد. |
| Her gün köşede beklersiniz, değil mi? | | | هر روز در گوشه ای انتظار می کشید. این طور نیست؟ |
| söylemek | گفتن | söyler | می گوید. |
| Her zaman "hayır'ı" derler | | | آن ها همیشه «خیر» می گویند. |

| افعال چند هجایی مختوم به صامت | | | |
|--|-----------|--------------|---------------|
| افعال چند هجایی مختوم به صامت که شاخص های -ir -ır -ür -ur بسته به محیط صوتی به آن ها اضافه می شود | | | |
| göndermek | فرستادن | kazanmak | برنده شدن |
| gönderirim | می فرستم | kazanırım | برنده می شوم |
| gönderirsin | می فرستی | kazanırsın | برنده می شوی |
| gönderir | می فرستد | kazanır | برنده می شود |
| göndeririz | می فرستیم | kazanırız | برنده می شویم |
| gönderirsiniz | می فرستید | kazanırsınız | برنده می شوید |
| gönderirler | می فرستند | kazanırlar | برنده می شوند |

مثال های بیشتر:

| | |
|---|---|
| Her hafta Milli Piyango'yu kazanabilirsin | هر هفته قرعه کشی ملی را می توانی برنده شوی. |
| Her yıl Nemrut Dağı'na tırmanırız | هر سال کوه نمرود را فتح می کنیم. |
| Mehmet, yemeğini her gün evden götürür | محمد هر روز غذایش را از خانه می آورد. |
| Türk kahvesini beğenirler | آن ها قهوه ترک را می پسندند. |

ضرب المثل ها

ضرب المثل های ترکی معمولاً به شکل حال گسترده بیان می شوند در پایین چند نمونه از شکل مثبت این زمان را مشاهده می کنید:

| | |
|---|---|
| Acele işe, şeytan karışır | عجله کار شیطان است. |
| Çabuk parlayan çabuk söner. | چیزی که سریع روشن می شود سریع هم خاموش می شود. |
| Damlaya damlaya göl olur. | قطره قطره جمع شود وانگهی دریا شود. |
| Emek ver, kulak ver, bilgi ver, ama hiçbir zaman boş verme. | زحمت بکش، گوش بده، آگاهی بده اما هیچ وقت منصرف نشو. |

Fakirlik ayıp değil tembellik ayıp. فقیر بودن عیب نیست تنبلی عیب است.

Güzel gören güzel düşünür. Güzel düşünen hayattan lezzet alır.

کسی که زیبا می بیند زیبا فکر می کند. کسی که زیبا فکر می کند از زندگی لذت می برد.

İyilik eden iyilik bulur. کس که خوبی می کند خوبی می بیند.

Ne ekersen onu biçersin. هر چه بکاری همان را برداشت می کنی.

Önce düşün sonra söyle. اول فکر کن بعد صحبت کن.

Sağlam kafa sağlam vücutta bulunur. عقل سالم در تن سالم است.

Tok iken yemek yiyen, mezarını kendi kazar.

کسی که در حال سیری غذا می خورد قبر خودش را می کند.

Diş vereni iş de verir. هر آن کس که دندان دهد نان دهد.

ya ... ya da (یا... یا)

Kışın ya battaniye ya da yorgan kullanırız.

در زمستان یا پتو و یا لحاف استفاده می کنیم.

Bütün gün ya bilaşık yıkar, ya çamaşır yıkar, ya da evi temizler.

تمام روز یا ظرف می شوید یا لباس می شوید و یا خانه تمیز می کند.

نشان دادن سپاسگزاری

Teşekkür ederim
Mersi
Sağol
Ellerine sağlık

Estağfurullah
(Hiç) bir şey değil
Rica ederim
Sen de sağol .
Afiyet olsun

Sana zahmet oluyor, çok teşekkür ederim.

Rica ederim, hiç bir şey değil

به شما زحمت دادم. خیلی تشکر می کنم. خواهش می کنم، قابل ندارد.

Kahveniz nasıl? Çok mu şekerli?

Hayır, tam karar. Ne tatlı, ne acı. Ellerinize sağlık.

Afiyet olsun.

قهوه شما چطور است؟ زیاد شیرین است؟

خیر، کاملاً خوب است. نه شیرین، نه تلخ. دستتان درد نکند.

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

خواهش می‌کنم مهم نیست.

Ellerinize sağlık (دستت درد نکند) در قدردانی از چیزی که با دست انجام گرفته باشد به کار می‌برند مانند: آماده کردن غذا یا درست کردن لباس. Afiyet olsun (نوش جان) جواب آن است در صورتی که برای غذا به کار رفته باشد.

çayını hem de pastanı sehpanın üstüne koyuyorum.
Sağol.
Sen de sağol.

هم چای هم کیک را روی میز می‌گذارم.
سلامت باشید.
شما هم سلامت باشید.

تعریف کردن و قدردانی

Yeni saç kesiminiz çok güzel.
Kıyafet seçiminiz çok zevkli.
O çok komik.
O mükemmel.
O ilginç.
Aferin!
Harika!
Çok hoş görünüyorsunuz!
Ne kadar güzel bir yer.
Ne kadar güzel bir araba.
Ne kadar güzel bir oda.
Ne kadar güzel bir restoran.
Ne kadar güzel bir manzara.
İltifatınız için çok teşekkür ederim.
İyi bir gün için çok teşekkür ederim.
Beni aldığınız için çok teşekkür ederim.
Zahmet ettiğiniz için çok teşekkür ederim.

موهویت خیلی خوب شده است.
شما سلیقه خوبی برای لباس دارید.
با مزه است.
عالی است.
جالب است.
آفرین!
فوق العاده است!
خیلی خوش تیپ شدی!
چه جای زیبایی است.
چه ماشین زیبایی است.
چه اتاق زیبایی است.
چه رستوران زیبایی است.
چه منظره زیبایی است.
از شما به خاطر تعریفتان متشکرم.
از شما به خاطر یک روز خوب متشکرم.
از شما به خاطر اینکه دنبالم آمدید متشکرم.
از شما به خاطر زحمتی که کشیدید متشکرم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Çok keyifli bir gün geçirdim, teşekkür ederim. امروز به من خوش گذشت، متشکرم.
 Çok naziksiniz. واقعاً لطف دارید.
 Çok nazik. واقعاً لطف دارد.
 Çok cömertsiniz. شما بسیار سخاوتمند هستید.
 Size çok teşekkür ederim. من واقعاً از شما متشکرم.
 Size çok minnettarım. بسیار از شما سپاسگزارم.
 Çok minnettarım. بسیار سپاسگزارم.

Ne ... Ne de (نه ... نه) و hem ... hem (هم ... هم)

Odanın içinde ne gardrop ne de şifonyer var. در داخل اتاق نه گنجه هست و نه کمد کشویی
 Ne şiş yansın ne kebab نه سیخ بسوزد نه کباب
 Kitabı ne aldım ne de okuydum. کتاب را نه خریدم و نه خواندم.
 Ne tiyatroya gider ne radyoyu dinler. نه به تئاتر می‌رود و نه رادیو گوش می‌کند.
 Bu sabah ne çay ne kahve içtim این صبح نه چای نه قهوه نوشیدم.
 Bu gün çıkmadım ne bahçeye ne sokağa امروز نرفتم نه به باغچه نه به خیابان
 Ne sen, ne ben bu işe karışmasaydık böyle olmazdı
 اگر نه تو، نه من در این کار دخالت نمی‌کردیم این‌طور نمی‌شد.

Ondan ne bir selâm ne bir mektup almadıkça adını bile anmıyacağım

مادامی که از او نه یک سلام نه یک نامه دریافت نکردم حتی اسمش را هم به زبان نخواهم آورد.

Ne memlekette konuşulan dili, ne oranın âdetlerini bilmediğinden çok zahmet çekti

به خاطر اینکه نه زبانی که در آن مملکت صحبت می‌شد و نه فرهنگشان را می‌دانست خیلی به زحمت افتاد.

Ne tütüne, ne içkiye sakın alışmayın! هرگز نه به دود نه به شراب معتاد نشوید!
 Ne İstanbul'a ne Konya'ya, bir yere gitmiyor نه به استانبول، نه به قونیه، جایی نمی‌رود.
 Ne sen, ne o, ikiniz de bilmediniz نه تو، نه او، هر دو نفرتان ندانستید.
 Ne türkçe ne arapça ne farsça biliyor نه ترکی، نه عربی، و نه فارسی می‌داند.
 Gelmez ne dost ne düşman نمی‌آید نه دوست نه دشمن.
 Banyoda hem küvet hem de duş var. در حمام هم وان هست و هم دوش آب.
 Hem ziyaret hem ticaret هم زیارت هم تجارت.
 Sıcak, hem de ne sıcak! گرم، آن هم چه گرمی!

اگر ne ... ne de با صفات متناقض به کار رود خنثی بودن یا هماهنگی را نشان می‌دهد:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Bugün hava ne sıcak ne de soğuk . امروز هوا نه گرم است و نه سرد (متعادل).

gerek ... gerekse ya gerek ... gerek (هم ... هم یا چه ... چه)

Bu haber, gerek ankara'da gerekse vaşington'da fena bir hava yaratmıştır.

این خبر، هم در آنکارا هم در واشنگتن جو بدی را به وجود آورده است.

Gerek ben gideyim, gerek siz gidin, gerek o gitsin, işin sonu değişmez.

چه من بروم، چه شما بروید، چه او برود، پایان کار عوض نمی‌شود

ha ... ha (چه ... چه)

این حرف ربط در مقام مقایسه، عدم تفاوت بین دو چیز هر چند متفاوت را نشان می‌دهد.

Ha çay ha su ne fark eder?

چه چای، چه آب، چه فرقی می‌کند؟

Ha bağ ha bahçe ha tarla farketmez

چه باغ، چه باغچه، چه مزرعه، فرق ندارد.

ister ... ister (خواه ... خواه)

İster git, ister kal, bana ne?

می‌خواهی بمان، می‌خواهی برو، به من چه؟

İster gitsin, ister kalsın, sana ne?

می‌خواهد برود، می‌خواهد بماند، به تو چه؟

olsun... olsun (هم ... هم)

Lokanta olsun, otel olsun, her şey var orada.

هم رستوران، هم هتل، هم چیز در آنجا وجود دارد. (از رستوران گرفته تا هتل همه چیز در آنجا هست).

ama (اما، ولی)

کاربرد این کلمه در جملات تقریباً شبیه به زبان فارسی است و شکل اصلی آن به صورت Amma است:

Sen de gel, ama gel

تو هم بیا، اما بیا

Güzel ama!

زیبا است اما!

Bu söz sözlenmez ama!

این حرف، حرفی نیست که گفته بشود اما!

Kız güzel, ama bencil

دختر زیبا است ولی خودخواه

Yarın gelmek istiyor ama, ben evde bulunmıyacağım.

فردا می‌خواهد بیاید اما من در خانه پیدایم نخواهد شد.

Ben de ona yardım ettim ama pişman oldum.

من هم به او کمک کردم اما پشیمان شدم.

این کلمه می‌تواند به صورت پنهان نیز به کار رود.

Yalancının evi yanmış, kimse inanmamış

خانه دروغ گو سوخته، (اما) کسی باور نکرده

-(y)e / -(y)a

پیوندی است که مقصد را نشان می‌دهد (به، به طرف)

bana

به من

yatağa

به رختخواب

Amerika'ya

به آمریکا

sana

به تو

Hiç

Hiç را فقط در جملات منفی یا سؤالی در معنای «هیچ، اصلاً» به کار می‌برند.

Restoranda hiç yer var mı?

آیا هیچ اتاقی در رستوران هست؟

Evde hiç şeker yok.

در خانه هیچ شکر نیست.

Kahve hiç şekerli değil.

قهوه اصلاً شیرین نیست.

ابراز رضایت و خرسندی

DEn memnun
musun (uz) ?

Çok memnunum
Pek memnun
değilim
Hiç memnun
değilim

Ayşe Hanım, hangi çamaşır tozunu kullanıyorsunuz?

Persil kullanıyorum.

Persil'den memnun musunuz?

Hem de çok memnunum.

عایشه خانم کدام پودر لباس‌شویی را استفاده می‌کنید؟

«پرسیل» استفاده می‌کنم.

از «پرسیل» راضی هستید؟

خیلی راضی هستم.

Bu şampundan memnun musun?

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Vallaha, pek memnun değilim, Kepek yapıyor.

از این شامپو رضایت دارید.

والله (چی به گم) زیاد راضی نیستم. شوره ایجاد می کند.

Ali yeni sekreterinden memnun mu?

Hiç memnun değil.

Neden? Çok güler yüzlü bir kız.

Ama ne İngilizce biliyor, ne de mektupları doğru yazıyor.

آیا علی از منشی جدید رضایت دارد؟

اصلاً راضی نیست.

چرا؟ او یک دختر بسیار خندان است.

ولی نه انگلیسی بلد است و نه نامه ها را درست می نویسد.

عبارات مورد نیاز در زمان خداحافظی

Allahısmarladık
Görüşmek üzere
Hoşçakal (ın)
(Haydi) bana müsaade
Eyvallah

Güle güle

İyi yolculuklar
Yolun (uz) açık olsun

Konsere biletim var, gitmem lazım. Bana müsaade.

Pekiyi, güle güle.

برای کنسرت بلیت دارم باید بروم. به من اجازه بدهید.

بسیار خوب، خداحافظ.

Herşey çok güzel ama müsaadenizle gitmem lazım. Allahısmarladık.

Güle güle. Gene buyrun.

همه چیز بسیار خوب است اما با اجازه شما باید بروم. خداحافظ.

به سلامت. دوباره تشریف بیاورید.

Hiç vaktim yok, haydi eyvallah.

Güle güle.

اصلاً وقت ندارم، خوب خداحافظ.

به سلامت.

Tren kalkıyor, allahısmarladık.
Güle güle. Yolunuz açık olsun.

قطار دارد راه می‌افتد، خداحافظ.
به سلامت. سفر خوبی داشته باشی.

Allaha ısmarladık!

خداحافظ.

Allaha emanet ol!

در پناه حق.

Bay!

خداحافظ

İyi geceler

شب به خیر.

Daha sonra görüşmek üzere

بعداً شما را می‌بینم.

Yarın görüşmek üzere

فردا شما را می‌بینم.

Görüşürüz

می بینمت.

Kısa zamanda görüşürüz

به زودی می بینمت.

Umarım sizi yeniden göre bilirim

امیدوارم بزودی دوباره ببینمتان.

Seni yakında görürüm

به زودی می بینمت.

Sizi ararım

تماس می‌گیرم.

Kendinize iyi bakın

مواظب خودتان باشید.

Kendine iyi bak

مواظب خود باش.

Kendine dikkat et

مراقب خود باش.

Hoşca kalın

خوش بگذرد.

İyi şanslar

خیر پیش.

Babanıza selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به پدرتان برسانید.

Kardeşinize selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به برادرتان برسانید.

Annenize selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به مادرتان برسانید.

Kız kardeşinize selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به خواهرتان برسانید.

Eşinize selamlar söyleyin

لطفاً سلام مرا به خانمتان برسانید.

Sizinle tekrar görüşmeyi dört gözle bekleyeceğim

بی‌صبرانه منتظر دیدار دوباره شما هستم

Bu benim kartvizitim

این کارت ویزیت من است.

Bu benim telefon numaram.

این شماره تلفن من است.

Bu benim adresim.

این نشانی پستی من است.

Bu benim faks numaram.

این شماره فاکس من است.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Bu benim e-mail adresim.

این نشانی پست الکترونیکی من است.

بیان ضرورت

یکی از راه‌های بیان ضرورت و لزوم در زبان ترکی، به کار بردن کلمه *lazım* (لازم) با فعل ضمیر دار است یعنی ریشه فعل + *-ma / -me* (پیوندی که فعل را به اسم تبدیل می‌کند) + پیوند ملکی.

otur + ma + n lazım.

نشستن تو لازم است (تو باید بنشینی)

kalk + ma + mız lazım.

برخاستن ما لازم است (باید برخیزیم)

gel + me + leri lazım.

آمدن آن‌ها لازم است (باید بیایند)

مثال‌های دیگر:

çıkması lazım

او باید بیرون رود. bakmam lazım

من باید نگاه کنم.

oturmanız lazım

شما باید بنشینید. başlaması lazım

آن باید شروع شود.

gelmeleri lazım

آن‌ها لازم است بیایند. kalkmamız lazım

ما باید از خواب برخیزیم.

برای آشنایی بیشتر با صورت‌های دیگر به درس ۱۱ مراجعه کنید.

تکرار عمل

یکی از راه‌هایی که در آن افعال زبان ترکی به قیدهای حالت تبدیل می‌شود و تکرار عمل را نشان می‌دهد استفاده از ریشه فعل + *-(y)a / -(y)e* به طور مضاعف (دو بار گفتن) است.

Gazetelere baka baka nihayet kiralık bir ev buldum.

با نگاه کردن و نگاه کردن (چند بار نگاه کردن) به روزنامه‌ها سرانجام یک خانه کرایه‌ای پیدا کردم.

Çarşafı ve yastık yüzlerini yıkaya yıkaya eskitiyorsun

با شستن مکرر ملافه‌ها و روبالشی‌ها آن‌ها را می‌پوسانی.

Genç kadın ağlaya ağlaya hikaye sini anlattı.

زن جوان گریان (با گریه کردن مستمر) داستانش را تعریف کرد.

ضرب المثل

Komşunun tavuğu komşuya kaz görünür.

مرغ همسایه غازه.

Son pişmanlık fayda etmez.

پشیمانی سودی ندارد.

Ne ekersen onu biçersin.

هر چه بکاری درو می‌کنی.

اصطلاحات

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Burun kıvırmak: اهمیت وارزش ندادن.تحقیر نمودن.نپسندیدن

Burun buruna gelmek:

به طور ناگهانی با کسی برخورد کردن-رودررو شدن.۲.به یکدیگر خیلی نزدیک شدن

Boş vermek:

اهمیت ندادن.رها کردن.بی توجه رفتار کردن

Bir tutmak:

مساوی دیدن.مساوی به حساب آوردن

Bir dalda durmamak:

تو یک شاخه نماندن.کنایه از کسانی هست مرتب فکر کار ویا موضع عوض میکنند.

Bayram etmek:

کنایه از خوشحال شدن زیاد

Baş başa kalmak:

با یکی تنها ماندن.تنها ماندن دو نفر باهم

Can vermek:

جان دادن .مردن



| | | |
|-----------|------------------|---|
| - (I) nIz | çok pek ne | - |
|-----------|------------------|---|

Eviniz çok güzel. Güle güle oturun.
Teşekkür ederiz

خانه شما بسیار زیباست. انشاء الله به سلامتی در آن زندگی کنید.
متشکرم.

ooo, yemek odası takımınız şahane. Yeni mi?
Evet yeni.
Güle güle kullanın.

آه، اتاق ناهارخوری شما عالییه. تازه است؟
بله، تازه است.
به خوشی از آن استفاده کنید.

Annenizin yemekleri enfes.

Eh, pek fena degildir.

غذاهای مادرتان خوشمزه است.

ای، خیلی بد نیست.

Oğlunuz çok akıllı maşallah. İyi okuyor mu?

Evet, şimdilik iyi.

ماشالله پسران خیلی عاقل است. آیا خوب می‌خواند (درش خوب است) ؟

بله، فعلاً خوب است.

برای اموالی که تازه خریداری و تهیه شده‌اند عبارات تعارفی خاصی وجود دارد. متداول‌ترین آن‌ها عبارتند از:

Güle güle oturun.

(انشاء الله) به خوشی و شاد کامی در آن بنشینید.

Güle güle kullanın.

(انشاء الله) به خوشی و شاد کامی از آن استفاده کنید

Güle güle giyin.

(انشاء الله) روزهای خوشی را با آن بگذرانید.

گیرنده تعارف ممکن است بخواهد تواضع خود را نشان دهد و یا آنچه را که دارد بر حسب تعارف بی اهمیت جلوه دهد.

برای این منظور می‌تواند از عبارت Eh, pek fena degildir (ای، خیلی بد نیست) استفاده نماید.

عبارت‌هایی چون Allah nazardan saklasın, Nazar degmesin همگی را می‌توان به

«انشاء الله، خداوند او را از چشم بد محفوظ بدارد» ترجمه کرد.

واژه‌های مربوط به خانه

| | | | |
|---------------|--------------|---------------|-------------|
| gardrop | کمد | televezyon | تلویزیون |
| koltuk | صندلی | balkon | ایوانک |
| koridor | سرسرا | banyo | حمام |
| masa | میز | bardak. | لیوان |
| hali | قالی | tencere | قابلمه |
| misafir odası | اتاق پذیرایی | bıçak | چاقو |
| iskemle | چهار پایه | tuvalet | توالت |
| mutfak | آشپزخانه | buzdolabı | یخچال |
| kenepe | کاناپه | yastık | متکا |
| ocak | اجاق | büfe | بوفه |
| kapı | درب | yatak | رختخواب |
| oturma odası | اتاق نشیمن | çalışma odası | اتاق مطالعه |
| pencere | پنجره | çarşaf | ملافه |
| perdeler | پرده‌ها | çatal | چنگال |
| kaşık | قاشق | yatak odası | رختخواب |
| radio | رادیو | çatı | سقف |

| | | | |
|--------------|-------------|-------------|-----------------|
| salon | سالن | çocuk odası | اتاق بچه |
| sandık odası | انبار | dolap | گنجینه |
| kiler | انبار آذوقه | yemek odası | اتاق ناهار خوری |
| tabak | بشقاب | duvar | دیوار |
| tavan | سقف | fincan | فنجان |
| kitaplık | قفسه کتاب | yer | جا، زمین |
| yorgan | لحاف | | |

واژه‌های دیگر:

| | | | |
|----------------------|-----------------------|---------------|----------------------|
| müstakil ev | خانه مستقل | asansörlü | با آسانسور |
| aparıman dairesi | آپارتمانی | bahçeli | با باغچه |
| alaturka / alafranga | سبک ترکی / سبک فرهنگی | şömineli | با شومینه |
| tuvaletli | با توالت | kaloriferli | با سیستم حرارت مرکزی |
| teras kat | طبقه فوقانی | balkonlu | بالکن دار |
| yüzme havuzlu | با استخر شنا | garajlı | گاراژ دار |
| daimi sıcak sulu | با دائماً گرم | geniş salonlu | با سالن بزرگ |
| ...odalı | با... اتاق | | |

نکته: پیوند چهار شکلی -li/-lı/-lu /-lü به معنی «با» و «دار» است.

واژه‌های مربوط به حمام و دست شویی

| | | | |
|--------------|------------|-----------|-----------|
| diş fırçası | مسواک | hamam | حمام ترکی |
| diş macunu | خمیر دندان | musluk | شیر آب |
| sabun | صابون | lavabo | دست شویی |
| tarak | شانه | ayna | آینه |
| saç fırçası | برس مو | küvet | وان حمام |
| yüz havlusu | حوله صورت | duş | دوش آب |
| banyo | حمام فرنگی | duş almak | دوش گرفتن |
| banyo yapmak | حمام کردن | | |

سمت‌ها

| | | | |
|-----|------|------|-----|
| Sağ | راست | sol | چپ |
| ön | جلو | arka | پشت |

چند مثال دیگر از جمله‌های تعارف آمیز:

Ooo, kebabınız çok lezzetli!

آه، کباب شما خیلی لذیذ است.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Ooo, banyonuz çok ferah!
Ooo, elbiseniz çok şık!
Ooo, kızınız çok akıllı!
Ooo, koltuğunuz çok rahat!

آه، حمام شما خیلی راحت است.
آه، لباس شما خیلی شیک است.
آه، دخترتان خیلی باهوش است.
آه، صندلی شما خیلی راحت است.

ابراز موافقت / مخالفت

موافقت:

Evet
Tabii
(Çok) doğru/haklısınız
Öyle
Ben de öyle düşünüyorum/ aynı fikirdeyim

Bugünün çocukları çok değişik.

Çok diğışik, evet. Çok doğru, Herşeyi anneden babadan bekliyorlar.

Hakikaten öyle.

Mesela benim kızım sabah on'dan önce kalkmaz

Bizim evde de aynı.

On'dan on buçuga kadar banyodadır. Kahvaltı eder, onbirden sonra telefona koşar. Saat onikide o hala telefondadır.

Yaaaa.

Düsünce yok, yardım yok. O halde diyorum, yaz tatili de yok.

Çok haklısınız.

Bu şekilde öğrenirler.

Ben de aynı fikirdeyim.

بچههای امروز خیلی فرق دارند.

خیلی فرق دارند. بسیار صحیح است.

همه چیز را از مادر و پدر انتظار دارند.

حقیقتاً این طور است.

مثلاً دختر من قبل از ده صبح بیدار نمی شود.

در خانه من نیز چنین است.

از ده تا ده و نیم در حمام است. صبحانه می خورد. بعد از ساعت ۱۱ تلفنی صحبت می کند. در ساعت ۱۲ هنوز پای تلفن است.

بله، دقیقاً.

ملاحظه نمی‌کند، کمکی در کار نیست. در این وضعیت من می‌گویم از تعطیلی تابستان هم خبری نیست.

کاملاً حق دارید.

به این شکل آن‌ها درس می‌گیرند.

من هم کاملاً با شما هم عقیده‌ام.

مخالفت:

Hayır
Katiyyen
Ne demek
Yoo ...
Hem de çok/pek ...
Hiç de ... değil
(Yok canım) ... ml/ -mEz olur mu?

İçerisi çok dağınık.

Aman efendim. Dağınık ne demek? Estağfurullah.

Böyle buyurmaz mısınız? O koltuk rahatsızdır.

Yoo. Hem de pek rahat.

Pencere açık, üsürsünüz belki.

Hayır, üşür müyüm? Katiyyen üşümem.

Dışarıdan yemek kokuları da geliyor.

Hayır hayır, hiç de gelmiyor.

Bari biraz kolonya buyrun. Yalnız limon bitti. Bu lavanta kolonyası. Belki sevmezsiniz.

Sevmez olur muyum? Baylırım. Çok teşekkür ederim.

خانه خیلی درهم و نامرتب است.

خدای من. به این نامرتبی می‌گویی؟ این طور نیست (استغفرالله).

چرا آنجا نمی‌نشینی؟ آن صندلی راحت نیست؟

نه. برعکس، خیلی راحت است.

پنجره باز است. شاید احساس سرما کنی.

نه، احساس سرما کنم؟ قطعاً سردم نیست.

بوی غذا هم از بیرون می‌آید.

نه، نه، هیچ بویی نمی‌آید.

خود آموز ترکی استانبولی ----- facebook.com/morteza.abdi

اقلاً بفرمایید قدری ادکلن. اما عطر لیمویی ما تمام شده است. این عطر لاوانتا است. شاید از آن خوشتان نیاید. خوشم نیاید؟ من عاشق آن هستم. بسیار تشکر می‌کنم.
در درس ۴ دیدیم که *Estağfurullah* در پاسخ به *Teşekkür ederim* آمده است. شکل دیگر آن در پاسخ به عذرخواهی است (درس ۸). در اینجا « برای خود را کوچک شمردن » آمده است و در جواب به تعارف.

از... به (تا)

پیشرفت و حرکت از نقطه ایی به نقطه دیگر را با پیوندهای *(y) a/- (y) e* - ... - *dan/-den* نشان می‌دهند.
او روز به روز در حال بهبودی است.
از صبح تا شب دارم کار می‌کنم.
Günden güne iyileşiyor.
Sabahtan akşama kadar çalışıyorum.

جملات سؤالی که برای بیان عدم موافقت به کار می‌روند.

۱- در زبان ترکی عدم موافقت را در قالب جمله سؤال بیان می‌کنند
یعنی چه؟ (معنی آن چیست)؟
آیا (فکر می‌کنی) احساس سرما می‌کنم؟
مگر می‌شود دوست نداشته باشم.
Ne demek?
Üşür müyüm?
Sevmez olur muyum?

او مرا دوست ندارد.
ای بابا! او چطور می‌تواند دوست نداشته باشد.
در ساخت این نوع جملات، عدم موافقت را با جملات پرسشی و جملاتی برای پاسخ به آن می‌سازند.
آن‌ها راحت نیستند.
ای بابا! چطور می‌توانند راحت نباشند؟
Beni sevmez.
Yok canım, sevmez olur mu?
Rahat değiller,
Yok canım, rahat olmaz olurlar mı?

۲- جملات مثبت و پاسخ‌ها.
شما دیر خواهید آمد.
ای بابا، ما دیر خواهیم آمد؟
تو جشن تولد من را فراموش می‌کنی.
نه جانم، مگر می‌شود فراموش کنم.
Geç gelirsiniz.
Yok canım, geç gelir miyiz?
Doğum günümü unutursun.
Yok canım, unuttur muyum?

: Hem de; Hiç de

این دو عبارت نیز در بیان عدم موافقت بکار می‌روند مشروط بر اینکه متن جمله امکان تناقض گویی بدهد:
۱- جملات منفی و پاسخ‌ها:
احتمالاً کیک خوشمزه نیست.
Galiba pasta lezzetli değil.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Hem de çok lezzetli.
Pek yemediniz.
Hem de çok yedik.

برعکس، بسیار خوشمزه است.
زیاد نخورید.
برعکس زیاد خوردیم.

۲- جملات مثبت را پاسخها:

Yaşlandım.
Hiç de yaşlanmadın.
Sıkıldınız.
Hiç de sıkılmadık.

من پیر شدم.
بر عکس (هیچ هم) اصلاً پیر نشدی.
شما کسل شدید.
بر عکس اصلاً (هیچ هم) کسل نشدیم.

: Duymak

Duymak به معنای «شنیدن» را می‌توان برای احساسات دیگر نیز بکار برد.

koku duymak
acı duymak

احساس تأسف کردن
احساس ترسیدن
merhamet duymak (احساس) بو کردن
korku duymak احساس درد کردن

احساسات

Siz haklısınız.
Siz haksızsınız.
Emin değilim.
Öyle düşünmüyorum.
Korkarım öyle değil.
İnanılmaz.
Ne kadar güzel!
O çok güzel!
Korkarım hata yapıyorsunuz.
Üzgün hissediyorum.
Çok iğrenç.
Beni hasta ediyorsun.
Sakın olun, her şey yoluna girecek.
Sinirlenmeyin.
Acele etmeyin.
Onun söylediğini dikkate alma.

شما درست می‌گویید. (حق با شماست).
شما اشتباه می‌کنید.
مطمئن نیستم.
گمان نمی‌کنم.
متأسفانه خیر.
باورکردنی نیست.
چه زیباست!
عالی است!
متأسفانه اشتباه می‌کنید.
غمگین و افسرده‌ام.
نفرت انگیز است.
حال مرا به هم می‌زنی.
آرام باشید، همه چیز درست می‌شود.
عصبی نباشید.
عجله نکنید.
به آنچه گفت توجه نکنید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Onların söylediklerini dikkate alma.

به آنچه گفتند توجه نکنید.

Sakın olun!

خونسرد باشید! (آرام باشید!)

Moralinizi bozmayın!

آرامش خودت را حفظ کن! (اعصاب خودتان را خورد نکنید!)

Neşelenin biraz!

اخم‌هایتان را باز کنید! (کمی شاد باشید!)

Ne yazık!

چه بد!

Çok şaşırdım!

تعجب آور است!

Şaka yapıyor olmalısınız!

حتماً شوخی می کنید!

Aman Tanrım, bu ne dağınıklık!

وای خدای من، چه افتضاحی!

Ne kadar serssem!

چه احمقی!

Yeter artık!

کافی است!

Aman Tanrım!

آه خدای من!

Aman Allahım!

خدای من!

Tabi ki!

البتہ!

ساعت

saat kaç?

ساعت چند است؟

Kaçla kaç arasında arayayım seni?

بین چه ساعتی با تو تماس بگیرم؟



Saat oniki



saat iki buçuk



saat dördü çeyrek
geçiyor



saat yediye çeyrek
var



saat ona yermi
var



saat dokuzu yirmibeş
geçiyor



saat yarım



saat beşi beş
geçiyor

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

توجه کنید که var و geçiyor اصطلاحات مربوط به ساعت هستند به ترتیب به kala و gece تبدیل می‌شوند و این در صورتی است که ذکر ساعت بخشی از یک جمله بزرگ‌تر باشد.

Saat dokuzar beş var. پنج دقیقه به نه مانده است.
 Susan saat dokuza beş kala gelir. سوزان ساعت پنج دقیقه به نه می‌آید.
 Saat ikiyi on geçiyor. ساعت دو و ده دقیقه است.
 İkiyi on geç otobüs var. در ساعت دو و دو دقیقه یک اتوبوس می‌آید.

واژه‌های مربوط به زمان

| | | | |
|------------------|--------------------|----------------------|--------------------|
| 24 saat, bir gün | دوره‌ی ۲۴ ساعته | saat kayışı/kordonu | بند ساعت |
| akrep | عقربه‌ی ساعت | saniye | ثانیه |
| dakika | دقیقه | saniye gösteren | ثانیه‌شمار |
| duvar saati | ساعت دیواری | saniye gösteren ibre | عقربه ثانیه شمار |
| kol saati | ساعت مچی | saniye göstergesi | عقربه‌ی ثانیه‌شمار |
| saatlerinde | ساعت دیواری | altın saat | ساعت طلا |
| saat | ساعت | yarım saat | نیم ساعت |
| saat göstergesi | عقربه‌ی ساعت شمار | yelkovan | ساعت |
| alarmlı saat | عقربه‌ی ثانیه‌شمار | çalar saat | ساعت زنگ دار |
| saatli radyo | ساعت رادیو دار | çeyrek saat | ربع ساعت |

اصطلاحات مربوط به ساعت

| | |
|---|--------------------------------------|
| 24 saat, bir gün ve bir gece | دوره‌ی ۲۴ ساعته، شبانه‌روز |
| gezi üç gün üç gece sürdü | سفر سه شبانه‌روز طول کشید. |
| bir günde on saat uyurum | من روزی ۱۰ ساعت می‌خوابم. |
| gece gündüz | شبانه‌روزی، ۲۴ ساعته |
| günlük ritm | روال روزانه |
| saat | ساعت |
| bir zaman ölçüsü, günün 1/24 ü, 60 dakika | واحد زمانی، ۱/۲۴ شبانه‌روز، ۶۰ دقیقه |
| saatte iki kez | دو بار در ساعت |
| birkaç saatlik iş | کاری که چند ساعت طول بکشد. |
| pazartesi günü dışıde randevum var | دوشنبه برای دندان پزشکی وقت دارم. |
| son anda | در دقیقه‌ی نود (تقریباً خیلی دیر) |
| saatlerce | ساعت‌ها (چندین ساعت) |

| | |
|--|---|
| gecenin çok geç ve sabahın ilk saatlerinde | زمان بعد از نیمه شب و صبح روز بعد |
| derhal | به زودی |
| akşam saati | شامگاه |
| boş ders | ساعت بیکاری (در حین ساعت‌های مدرسه) |
| kum saati | ساعت شنی |
| akrep | عقربه‌ی ساعت شمار |
| saat doğru | ساعت درست کار می‌کند |
| saat... | ساعت ... است |
| saat on ikiyi gösterince | ساعت دوازده (وقتی ساعت دوازده را نشان می‌دهد) |
| saat gibi işlemek | مثل ساعت کار کردن (درست و دقیق کار کردن) |
| çeyrek saat | ربع ساعت |
| ۱۵ dakika içinde | تا پانزده دقیقه‌ی دیگر |
| ۱۵ dakikadır bekliyoruz | یک ربع ساعت است که منتظریم |

هتل

رزرو (Rezervasyon)

| | |
|--|---|
| Rezervasyon yaptırmıştım. | من اتاق رزرو کرده بودم. |
| Ben ve ailem için rezervasyon yapılmıştır. | رزرو اتاق برای من و خانواده‌ام انجام شده است. |
| Rezervasyonumu Tahran'dan onaylatmıştım. | من رزرو را در تهران تأیید کرده بودم. |
| Boş yeriniz var mı? | آیا جای خالی دارید؟ |
| Bir oda istiyorum. | من یک اتاق می‌خواهم. |
| Tek kişilik bir oda rica ediyorum. | من یک اتاق یک نفره می‌خواهم. |
| Çift kişilik bir oda rica ediyorum. | من یک اتاق دوفنره می‌خواهم. |
| Lüks bir oda rica ediyorum. | من یک اتاق لوکس می‌خواهم. |
| Rahat bir oda rica ediyorum. | من یک اتاق راحت می‌خواهم. |
| Tek kişilik odanız var mı? | آیا برای یک نفر اتاق دارید؟ |
| İki kişilik odanız var mı? | آیا برای دو نفر اتاق دارید؟ |
| Üç kişilik odanız var mı? | آیا برای سه نفر اتاق دارید؟ |
| Tuvaleti olan bir oda rica ediyorum. | من یک اتاق با دستشویی می‌خواهم. |
| Duşlu bir oda rica ediyorum. | من یک اتاق با دوش می‌خواهم. |
| Küvetli bir oda rica ediyorum. | من یک اتاق با وان می‌خواهم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Çift kişilik yatağı olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با تخت دونفره می‌خواهم.
- İki yatağı olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با دو تخت می‌خواهم.
- Büyük boy yatağı olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با یک تخت بزرگ می‌خواهم.
- Balkonlu bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با بالکن می‌خواهم.
- Televizyonu olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با تلویزیون می‌خواهم.
- Telefonu olan bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با تلفن می‌خواهم.
- Banyoda duş kabini var mı? آیا حمام‌هایی دارید که مجهز به کابین دوش باشد؟
- Banyoda saç kurutma makinesi var mı? آیا حمام‌هایی دارید که مجهز به سشوار باشد؟
- İki yataklı bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با دو تخت می‌خواهم.
- Üç yataklı bir oda rica ediyorum. من یک اتاق با سه تخت می‌خواهم.
- Bizim ekstra yataklı ikiz odaya ihtiyacımız var. ما یک اتاق دو نفره با یک تخت اضافی نیاز داریم.
- Odamıza ekstra yatak koyabilir misiniz? امکان دارد یک تخت اضافی در اتاق بگذارید؟
- Odamıza çocuk yatağı koyabilir misiniz? امکان دارد یک تخت بچه در اتاق بگذارید؟
- Odamıza karyola koyabilir misiniz? امکان دارد یک تختخواب تاشو در اتاق بگذارید؟
- Daha iyi bir şey var mı? آیا چیز بهتر دارید؟
- Daha ucuz bir şey var mı? آیا چیز ارزان‌تر دارید؟
- Daha az pahalı bir şey var mı? آیا چیز با قیمت مناسب‌تری دارید؟
- Daha büyük bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق بزرگتر به من نشان دهید؟
- Daha küçük bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق کوچکتر به من نشان دهید؟
- Daha iyi bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق بهتر به من نشان دهید؟
- Daha ucuz bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق ارزان‌تر به من نشان دهید؟
- Daha aydınlık bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق روشن‌تر به من نشان دهید؟
- Daha sessiz bir oda gösterir misiniz? امکان دارد یک اتاق ساکت‌تر به من نشان دهید؟
- Deniz manzaralı oda var mı? آیا اتاقی رو به دریا دارید؟
- Bir geceliği ne kadar? شبی چند است؟
- Bir haftalığı ne kadar? هفته‌ای چند است؟
- Oda kahvaltısı ne kadar? با تختخواب و صبحانه چند است؟
- Yemek hariç ne kadar? بدون غذا چند است؟
- Servis ücreti ve vergi ne kadar? هزینه سرویس و مالیات چقدر است؟
- Servis ücreti dahil mi? آیا هزینه سرویس را شامل می‌شود؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|--|
| Kahvaltı dahil mi? | آیا صبحانه را شامل می‌شود؟ |
| Fiyata kahvaltı dahil mi? | آیا این قیمت شامل صبحانه است؟ |
| Fiyata vergi dahil mi? | آیا این قیمت شامل مالیات فروش است؟ |
| Fiyata servis ücreti dahil mi? | آیا این قیمت شامل هزینه سرویس است؟ |
| Kahvaltı dahil bir oda ne kadar? | اتاق با صبحانه چند است؟ |
| Kahvaltı dahil bir gecelik ne kadar? | شبی با صبحانه چند است؟ |
| Ücreti ne kadar? | قیمت آن چند است؟ |
| Depozitoya ihtiyacınız var mı? | آیا ودیعه می‌خواهید؟ |
| Pasaportuma ihtiyacınız var mı? | آیا گذرنامه مرا می‌خواهید؟ |
| Odayı boşaltma saati kaç? | زمان تحویل اتاق چه ساعتی است؟ |
| Başka bir otel tavsiye eder misiniz? | آیا می‌توانید هتل دیگری را پیشنهاد کنید؟ |
| Yakında başka bir otel var mı? | آیا هتل دیگری در این نزدیکی وجود دارد؟ |
| Bu odayı bir günlüğüne kullanacağım. | من این اتاق را برای یک روز می‌گیرم. |
| Bu odayı bir geceliğine kullanacağım. | من این اتاق را برای یک شب می‌گیرم. |
| Bu odayı bir haftalığına kullanacağım. | من این اتاق را برای یک هفته می‌گیرم. |
| Bu odayı bir aylığına kullanacağım. | من این اتاق را برای یک ماه می‌گیرم. |
| 2 gece kalacağım. | من دو شب خواهم ماند. |
| 15 Haziran'a kadar kalacağım. | من تا پانزدهم ژوئن خواهم ماند. |
| 5 Ağustos'a kadar kalacağım. | من تا پنجم اوت خواهم ماند. |
| 30 Temmuz'a kadar kalacağım. | من تا سیام جولای خواهم ماند. |
| Benim adım ... | نام من ... است. |

کلمات مفید

| | | | |
|-----------------|-----------------------|----------------------|--------------------------|
| Boş yer var. | اتاق خالی موجود است. | Müdür | سرپرست |
| Boş yer yok. | اتاق خالی موجود نیست. | Yönetici | مدیر |
| Resepsiyon | پذیرش | (elektronik) anahtar | کلید (الکترونیکی) |
| Resepsiyoner | مسئول پذیرش | Viza Desteği | پشتیبانی برای گرفتن ویزا |
| Kahvaltı büfesi | صبحانه بوفه | | |

سرویس (servis)

Oda servisiniz var mı? آیا سرویس برای اتاق وجود دارد؟

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

Oda servisi lütfen. سرویس اتاق، لطفاً.

Oda numaram ... شماره اتاق من ... است.

Girin. بفرمایید تو.

Bazı değerli eşyalarımı emanet kasasına koymak istiyorum.

من می‌خواهم بعضی از اشیاء با ارزشم را در صندوق امانات بگذارم.

Değerli eşyalarımı geri almak istiyorum. من می‌خواهم اشیاء با ارزش خود را پس بگیرم.

Valizimi lütfen odama gönderir misiniz? امکان دارد لطفاً ائاثیه مرا به اتاقم بفرستید؟

Valizim için lütfen birini yollar mısınız? لطفاً یک نفر را برای بردن ائاثیه من بفرستید.

Bu valizi benim için saklar mısınız? آیا امکان دارد این چمدان را برای من نگه دارید؟

Valizimi geri alabilir miyim? امکان دارد ائاثیه‌ام را پس بگیرم؟

Odamda tıraş makinem için priz var mı? آیا برای ریش تراش برقی پریز برق در اتاق من هست؟

Odamda tıraş makinem için adaptör var mı?

آیا برای ریش تراش برقی آداپتور در اتاق من هست؟

Lütfen biraz sıcak su getirin. لطفاً برای من مقداری آب جوش بیاورید.

Lütfen bir battaniye getirin. لطفاً برای من یک پتو بیاورید.

Kablolu televizyonu nasıl kullanabilirim? چگونه می‌شود از تلویزیون کابلی استفاده کرد؟

Dış hat kullanabilir miyim? چگونه می‌توانم یک خط آزاد برای تماس با بیرون از هتل بگیرم؟

Uluslararası kodunuzu biliyor musunuz? آیا می‌دانید کد بین‌المللی شما چیست؟

Amerika'nın ülke kodu nedir? کد کشور آمریکا چیست؟

İran'nın ülke kodu nedir? کد کشور ایران چیست؟

Yemek saatleri ne zaman? در چه ساعاتی غذا داده می‌شود؟

Kahvaltımı odamda yapabilir miyim? آیا می‌توانم صبحانه را در اتاقم میل کنم؟

Kahvaltımı odama lütfen saat 7:00'de yollayın. لطفاً صبحانه‌ام را ساعت هفت بفرستید.

Yarın sabah için kahvaltı siparişi vermek istiyorum.

من می‌خواهم صبحانه فردا را سفارش دهم.

İşte siparişim. این سفارش من است.

Yürüeyebilir miyim yoksa taksi mi çağırayım? آیا می‌توانم پیاده بروم یا باید تاکسی بگیرم؟

Benim için telefon notu var mı? آیا من پیغام تلفنی دارم؟

Benim için mektup var mı? آیا من نامه دارم؟

Beni arayan oldu mu? آیا کسی با من تماس گرفت؟

Lütfen, otelin adresi olan bir kartvizit verin.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

لطفاً یک کارت ویزیت را که نشانی هتل روی آن نوشته شده باشد به من بدهید.

Bunun yıkanmasını istiyorum, lütfen. من می‌خواهم این را بشویید.

Buna dikkat edin. Saf ipektir. لطفاً مراقب آن باشید. ابریشم خالص است.

Bu çamaşırları yıkamaya gönderir misiniz?

آیا امکان دارد این لباس‌ها را به خشکشویی بفرستید؟

Bu takımını temizleyip ütüler misiniz?

امکان دارد این کت و شلوار را خشکشویی و اتو کنید؟

Bu bluzlara lütfen dikkatli davranır mısınız? امکان دارد لطفاً مراقب این بلوزها باشید؟

Bu düğmeleri diker misiniz? آیا می‌توانید این دکمه‌ها را بدوزید؟

Bu lekeyi çıkartabilir misiniz? آیا می‌توانید این لکه را پاک کنید؟

Ben beklerken bu pantolonları ütüler misiniz?

آیا می‌توانید این شلوار را در مدتی که منتظر می‌مانم اتو کنید؟

Bunu lütfen ütöletin. لطفاً این را اتو کنید.

Kıyafetlerim ne zaman hazır olur? لباس‌هایم کی آماده خواهند شد؟

Saat beşe kadar hazır olması gerekiyor. باید تا ساعت پنج حاضر شود.

Beni saat yedide uyandırır mısınız? آیا امکان دارد لطفاً مرا ساعت هفت بیدار کنید؟

Aynı gün alabilir miyim? سرویس همین روز؟

Lütfen bu odayı temizleyin. لطفاً این اتاق را مرتب کنید.

Taksi çağırabilir misiniz? امکان دارد لطفاً یک تاکسی صدا کنید؟

Taksiyle havaalanına gitmek ne kadar sürer?

تا فرودگاه با تاکسی چقدر طول می‌کشد؟

Mektuplarımı ev adresime gönderebilir misiniz?

آیا امکان دارد لطفاً نامه‌هایم را به نشانی خانه‌ام ارسال کنید؟

شکایات (şikayetler)

Benimle gelin. با من بیایید.

Odam kötü kokuyor. توی اتاقم بوی بدی می‌آید.

Televizyon çalışmıyor. تلویزیون کار نمی‌کند.

Telefon çalışmıyor. تلفن کار نمی‌کند.

Anahtar çalışmıyor. کلید کار نمی‌کند.

Elektrik düğmesi çalışmıyor. کلید برق کار نمی‌کند.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Buzdolabı çalışmıyor. یخچال کار نمی کند.
 Klima çalışmıyor. سیستم تهویه مطبوع کار نمی کند.
 Radyo çalışmıyor. رادیو کار نمی کند.
 Tuvalet kağıdı yok. دستمال توالت نیست.
 Sabun yok. صابون نیست.
 Televizyon yok. تلویزیون نیست.
 Soğuk su yok. آب سرد نیست.
 Sıcak su yok. آب گرم نیست.
 Kilit kırılmış. قفل شکسته است.
 Kapı kırılmış. در شکسته است.
 Lavabo tıkanmış. دستشویی گرفته است.
 Tuvalet tıkanmış. توالت گرفته است.
 Pencere açılmıyor. پنجره باز نمی شود.
 Pencere kapanmıyor. پنجره بسته نمی شود.
 Odam çok sıcak. اتاق من خیلی گرم است.
 Odam çok soğuk. اتاق من خیلی سرد است.
 Odamda böcekler var. در اتاق من حشره است.
 Odamızda böcekler var. در اتاق ما حشره است.
 Bu odada böcekler var. در این اتاق حشره است.
 Odamı değiştirmek istiyorum. من می خواهم اتاقم را عوض کنم.
 Hala sipariş ettiğim kahvaltıyı bekliyorum. من هنوز منتظر صبحانه ای هستم که سفارش داده ام.

Bir hata olmalı. Bunlar benim değil. باید اشتباهی شده باشد. اینها مال من نیستند.
 Odam temizlenmemiş. اتاق من تمیز و مرتب نشده است.
 Bu lekeler çıkmamış. این لکه ها پاک نشده اند.
 Bu kan lekesi. این لکه خون است.

Çift kişilik yatak rezervasyonu yaptırmıştım ama odamda ikiz yatak var.

من یک اتاق با تخت دونفره رزرو کرده بودم اما یک اتاق دو تخته به من دادند.

Bu oda çok küçük. Daha büyük bir odanız var mı?

این اتاق خیلی کوچک است. آیا اتاق بزرگتری دارید؟

کلمات مفید

| | | | |
|-----------|---------------|------------------|-------------|
| çaydanlık | کتیری | musluk | شیر آب |
| buzdolabı | یخچال | lavabo | لگن دستشویی |
| lamba | لامپ | duş | دوش |
| klima | تهویه مطبوع | elektrik düğmesi | کلید برق |
| fan | پنکه | televizyon | تلویزیون |
| ısıtma | سیستم گرمایشی | telefon | تلفن |

پرداخت (ödeme)

| | |
|---|--|
| Odayı boşaltıyorum. | من دارم اتاق را تحویل می‌دهم. |
| Yarın ayrılıyorum. | من فردا از هتل می‌روم. |
| Bir gün erken ayrılmak istiyorum. | من می‌خواهم یک روز زودتر بروم. |
| Ziyaret süremi birkaç gün daha uzatmak istiyorum. | من می‌خواهم اقامتم را چند روز دیگر تمدید کنم. |
| Şimdi ödeyebilir miyim? | آیا می‌توانم حالا پرداخت کنم؟ |
| Daha sonra ödeyebilir miyim? | آیا می‌توانم بعداً پرداخت کنم؟ |
| Nakit ödeyeceğim. | من نقد پرداخت می‌کنم. |
| Kredi kartı ile ödeyeceğim. | من با کارت اعتباری پرداخت می‌کنم. |
| Hesap alabilir miyim? | امکان دارد صورتحساب را به من بدهید؟ |
| Hesabı görebilir miyim? | امکان دارد صورتحساب را ببینم؟ |
| Ayrıntılı fiş alabilir miyim? | امکان دارد یک صورتحساب مورد به مورد به من بدهید؟ |
| Fatura alabilir miyim? | امکان دارد رسید به من بدهید؟ |
| Bu hesap ne için? | این صورتحساب برای چیست؟ |
| Bunu biraz pahalı buluyorum. | به نظرم کمی گران می‌آید. |
| Mini-bar için ne kadar ödüyorum? | هزینه مینی بار من چقدر شد؟ |
| Oda servisi için ne kadar ödüyorum? | هزینه سرویس اتاق من چقدر شد؟ |
| Pardon, bu benim imzam değil. | متأسفم، این امضای من نیست. |
| Kredi kartı kabul ediyor musunuz? | آیا کارت اعتباری قبول می‌کنید؟ |
| Seyahat çeki kabul ediyor musunuz? | آیا چک مسافرتی قبول می‌کنید؟ |
| Benim için taksi çağırın lütfen. | لطفاً یک تاکسی برای من سفارش دهید. |

Çok memnun kaldım.

من از اقامتم لذت بردم.

امکانات (hizmetler)

Restoran nerede?

رستوران کجاست؟

Burada snack bar var mı?

آیا در اینجا ساندویچ فروشی هست؟

Odamda mini-bar var mı?

آیا در اتاق من مینی بار هست؟

Otelinizin kablolu televizyonu var mı?

آیا هتل تلویزیون کابلی دارد؟

Otelinizin çamaşırhanesi var mı?

آیا هتل سرویس خشکشویی دارد؟

Otelinizin havuzu var mı?

آیا هتل استخر شنا دارد؟

Otelinizin saunası var mı?

آیا هتل سونا دارد؟

Otelinizin garajı var mı?

آیا هتل گاراژ دارد؟

Otelinizin güzellik salonu var mı?

آیا هتل سالن آرایش و زیبایی دارد؟

Otelinizin hediyelik eşya mağazası var mı?

آیا هتل مغازه فروش سوغات دارد؟

Otelinizin restoranı var mı?

آیا هتل رستوران دارد؟

Otelinizin barı var mı?

آیا هتل بار دارد؟

Çocuklar için tesisleriniz var mı?

آیا امکاناتی برای کودکان دارید؟

Engelliler için tesisleriniz var mı?

آیا امکاناتی برای افراد معلول دارید؟

Acil çıkış kapısı nerede?

راه خروج اضطراری کجاست؟

اجاره (kiralamak)

Kiralık daire arıyorum.

من می‌خواهم یک آپارتمان برای اجاره پیدا کنم.

Kiralık ev arıyorum.

من می‌خواهم یک خانه برای اجاره پیدا کنم.

İki odalı bir daire kiralamak istiyorum.

من می‌خواهم یک آپارتمان دو خوابه اجاره کنم.

İki odalı bir ev kiralamak istiyorum.

من می‌خواهم یک خانه دو خوابه اجاره کنم.

Mobilyalı bir daire tercih ederim.

یک آپارتمان مبله را ترجیح می‌دهم.

Depozito ne kadar?

پیش پرداخت چقدر است؟

Aylık kira ne kadar?

نرخ ماهانه چقدر است؟

Garaj kiralamam mümkün mü?

آیا امکان اجاره گاراژ وجود دارد؟

Anahtarları nereden alabilirim?

کلیدها را باید از کجا بگیریم؟

Elektrik saati nerede?

کنتور برق کجاست؟



| | |
|------------------------------|-------------------------------------|
| Sigorta kutusu nerede? | جعبه فیوز کجاست؟ |
| Valf nerede? | شیر اصلی آب کجاست؟ |
| Şofben nerede? | آبگرمکن کجاست؟ |
| Yedek sigorta kutusu var mı? | آیا فیوز یدکی هست؟ |
| Yedek gaz deposu var mı? | آیا کپسول گاز یدکی هست؟ |
| Yedek çarşaf var mı? | آیا ملافه اضافه هست؟ |
| Hizmetçi hangi gün geliyor? | خدمتکار چه روزی می آید؟ |
| Çöpü nereye çıkartayım? | زباله را کجا باید بیرون بگذارم؟ |
| Çöpü ne zaman çıkartayım? | زباله را چه موقع باید بیرون بگذارم؟ |
| Fırın nasıl çalışıyor? | اجاق گاز چگونه کار می کند؟ |
| Şofben nasıl çalışıyor? | آبگرمکن چگونه کار می کند؟ |
| Çaydanlık bozuldu. | کتری خراب شد. |
| Sıcak su deposu bozuldu. | مخزن آبگرمکن خراب شد. |
| Dondurucu bozuldu. | یخچال خراب شد. |
| Lamba bozuldu. | لامپ خراب است. |
| Çamaşır makinesi bozuldu. | ماشین لباسشویی خراب است. |

کلمات مفید

| | | | |
|--------------------|--------------------|--------------------|--------------|
| tencere | قابلمه | battaniyeler | پتو |
| çatal bıçak takımı | سرویس قاشق و چنگال | elektrik süpürgesi | جارو برقی |
| fırın | اجاق | bulaşık deterjanı | مایع ظرفشویی |
| kızartma tavası | ماهیتابه | yer sabunu | مایع کفشویی |
| kaplar | ظروف | sünger | اسفنج |
| çamaşır makinesi | ماشین لباسشویی | kap kacak | قابلمه |
| ocak | فر | | |

ممکن است بشنوید

| | |
|------------------------------|--------------------------------------|
| Rezervasyonunuz var mı? | آیا رزرو کرده اید؟ |
| Nasıl bir oda istersiniz? | چه نوع اتاقی می خواهید؟ |
| Oda numaranız ... | شماره اتاق شما ... است. |
| Şu anda odamız yok maalesef. | متأسفم در حال حاضر اتاق خالی نداریم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Tek kişilik odamız kalmadı. اتاق یک نفره خالی نمانده است.
 Çift kişilik odamız kalmadı. اتاق دو نفره خالی نمانده است.
 Kaç gece için? برای چند شب؟
 Odayı boşaltma saatiniz ... زمان تحویل اتاق ... است.
 Oda servisi saat başı vardır. ارائه سرویس برای اتاق بیست و چهار ساعته است.
 Oda servisi sabah saat altı'dan akşam on'a kadar vardır. ارائه سرویس برای اتاق از ۶ صبح تا ۱۰ شب است.
 Kahvaltı saat sekiz ile on arası vardır. صبحانه از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح داده می‌شود.
 Ziyaretinizden memnun kaldınız mı? آیا از اقامت خود لذت بردید؟
 Servis ücreti dahil değil. شامل هزینه سرویس نیست.
 Kahvaltı dahil değil. شامل صبحانه نیست.
 Mesajınız var. شما یک پیغام دارید.
 Mektubunuz var. شما نامه دارید.

Faturanızda uluslararası telefon görüşmeleri dahil edilmiştir.

تماس‌های بین‌المللی داخل صورتحساب شده‌اند.

Faturanızda uluslararası telefon görüşmeleri dahil edilmemiştir.

تماس‌های بین‌المللی داخل صورتحساب نشده‌اند.

Nasıl ödemek istersiniz?

چطور می‌خواهید مبلغ آن را بپردازید؟

Kredi kartı kabul ediyoruz.

ما کارت اعتباری قبول می‌کنیم.

Çek kabul ediyoruz.

ما چک قبول می‌کنیم.

Nakit kabul ediyoruz.

ما پول نقد قبول می‌کنیم.

ضرب المثل

Anasına bak, kızını al.

مادر را ببین دختر را بگیر.

Beş parmak bir değil.

پنج انگشت یکی نمی‌شود..

Çocuktan al haberi.

حرف راست را از بچه بشنو.

اصطلاحات

Canı tez:

بی صبر - کسی که تحمل انتظار ندارد. آدم شتابزده

Canı yanmak:

۱- یک درد فیزیکی حس کردن ۲- در یک کاری ضرر دیدن ۳- یک درد معنوی احساس نمودن

Canlı cenaze:

جنازه زنده-مردنی-کنایه از انسان خیلی لاغر و ناتوان یا کسی که از لاغری استخوانهایش بیرون زده است.

Cebi delik:

جیبش سوراخ. کنایه از آدم بی پول یا کسی که نمیتونه پول تو جیبش نگه داره

Caka satmak:

افاده فروختن

Can evi:

۱. حساس ترین نقطه بدن. ۲. قلب

Çar çur etmek:

پول خود را درجایی غیر ضروری خرج کردن و تمام کردن

Çarşaf gibi:

بدون موج , بسیار صاف وراکد.

Çenesi düşük:

پرحرف. کسی که حرف های غیر ضروری میزنه

Çifte kumrular:

کنایه از کسانی که همدیگر رو خیلی دوست دارند و نمیخواهند جدا شوند.



| | | |
|--|--|--------------------|
| ... severim - (y) I severim - (y) E bayılırım -DEn zevk alırım -DEn hoşlanırım | ... pek/hiç sevrnem - (y) I pek/hiç sevmem -DEn pek/hiç hoşlanmam -DEn pek/hiç zevk almam | -DEn nefret ederim |
|--|--|--------------------|

Klasik müzik sever misiniz?

Sabahları dinlemeyi çok severim.

Ben hiç sevmem.

آیا موسیقی کلاسیک دوست دارید؟

گوش دادن به آن را صبحها خیلی دوست دارم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

من اصلاً دوست ندارم.

Sinemada Lurel Hardı'ın bir filmi var.
Ay, komik filmlerinden nefret ederim.

در سینما یک فیلم از «لورل هاردی» گذاشته‌اند.
آه، از فیلم‌های کمدی بدم می‌آید.

İstanbulu halkı bayılıyorum.
Neden?
Hep güleryüzlü olurlar.

مردمان استانبول را خیلی دوست دارم.
چرا؟
آن‌ها همیشه خوش‌رو و بانشاط هستند.

Hobileriniz var mı?
Evet, okumaktan çok zevk alırım. Yürümeyi severim. Pul ve kibrit kutusu koleksiyonu yaparım. Yemek pişirmekten de hoşlanırım.
Aa, yemeği eşiniz pişirmez mi?
O pek sevmez.

آیا سرگرمی‌هایی دارید؟
بله، از مطالعه کردن خیلی لذت می‌برم. پیاده روی را دوست دارم. کلکسیون تمبر و قوطی کبریت جمع می‌کنم. از غذا درست کردن نیز خوشم می‌آید.
آه، مگر غذا را همسرتان درست نمی‌کند (نمی‌پزد) ؟
او (این کار را) خیلی دوست ندارد.

صفات ظاهری انسان‌ها

| | | | |
|------------|----------|-----------------------------|-------------------------|
| kısa boylu | کوتاه | kumral | شاه بلوطی |
| uzun boylu | بلند | esmer | سبزه-تیره |
| şişman | چاق | uzun/kısa saçlı | با موی کوتاه/بلند |
| zayıf | لاغر | düz/dalgalı/kıvrıkcık saçlı | با موی صاف/موج دار/مجعد |
| genç | جوان | kahverengi gözlü | چشم قهوه‌ای |
| orta yaşlı | میان سال | yuvarlak/uzun yüzlü | با صورت گرد/دراز |
| ihtiyar | پیر | yeşil/mavi | سبز/آبی |
| sarışın | بور | | |

خصوصیات خلق و خوی

| | | | |
|-------------|-----------------|---------------|------------------|
| güleryüzlü | خوش رو، با نشاط | sinirli | عصبی |
| konuşkan | حراف، پر حرف | asık suratlı | تند مزاج، ترش رو |
| iyi huylu | خوش مشرب | sessiz | آرام |
| neşeli | شاد | huysuz | بد اخلاق |
| sempatik | صمیمی | ters | خشن |
| nazik | مو دب | antipatik | منفور |
| akıllı | عاقل | kaba | بی تربیت |
| kültürlü | تحصیل کرده | akılsız | بی عقل |
| utangaç | خجالتی | kültürsüz | بی سواد |
| iyimser | خوش بین | cesur | شجاع |
| yardımsever | کمک کننده | kötümser | بد بین |
| sakin | ساکت | misafirperver | مهمان نواز |

آرایشگاه

| | |
|---|---|
| Saç kesimi için randevu almak istiyorum. | من می خواهم برای کوتاه کردن مو وقت بگیرم. |
| Ne kadar beklemem gerekiyor? | چه مدت باید منتظر بمانم؟ |
| Beklerken nerede oturabilirim? | کجا می توانم مدت کوتاهی بنشینم؟ |
| Saçımı yaptırmak istiyorum. | من یک مدل موی جدید می خواهم. |
| Yeni bir saç kesimi istiyorum. | من می خواهم موی مرا کوتاه کنید. |
| Saçımı kestirmek ve fön çektiirmek istiyorum. | می خواهم موی مرا کوتاه کنید و سشوار بکشید. |
| Lütfen saçımı yıkayın ve şekillendiriniz. | لطفاً موی مرا شامپو بزنید و مدل دهید. |
| Saç sakal lütfen. | لطفاً موی مرا کوتاه کنید و ریش مرا بتراشید. |
| Saçımı kestirmek istiyorum. | من می خواهم مویم را کوتاه کنم. |
| Saçımı yaptırmak istiyorum. | من می خواهم که به موی من مدل دهید. |
| Manikür yaptırmak istiyorum. | من می خواهم برایم مانیکور کنید. |
| Pedikür yaptırmak istiyorum. | من می خواهم برایم پدیکور کنید. |
| Saçımı yıkatmak istiyorum. | من می خواهم موهایم را شامپو بزنید. |
| Tıraş olmak istiyorum. | من می خواهم ریشم را بتراشم. |
| Yüz bakımı yaptırmak istiyorum. | من می خواهم ماسک صورت برایم بگذارید. |
| Masaj yaptırmak istiyorum. | من می خواهم که مرا ماساژ بدهید. |
| Balmumu ile tüy almak istiyorum. | من می خواهم اپیلاسیون کنم. |
| Saçımı yıkatmak istiyorum. | لطفاً موی مرا بشوید. |

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

- Saçımı kestirmek istiyorum. لطفاً موی مرا کوتاه کنید.
- Saçımı kıvrıcık yaptırmak istiyorum. لطفاً موی مرا فر کنید.
- Saçımı düzleştirmek istiyorum. لطفاً موی مرا صاف کنید.
- Saçımı şekillendirmek istiyorum. لطفاً موی مرا مدل دهید.
- Kısa kesin, lütfen. لطفاً کوتاهش کنید.
- Sadece saçlarım ucunu kesip düzeltiniz, lütfen. لطفاً فقط مرتبش کنید.
- Sadece kenarlardan alın. فقط کمی از اطراف را کوتاه کنید.
- Sakalımı düzeltin, lütfen. لطفاً ریش من را کوتاه کنید.
- Bıyığımı düzeltin, lütfen. لطفاً سبیل من را کوتاه کنید.
- Favorilerimi düzeltin, lütfen. لطفاً خط ریش من را کوتاه کنید.
- Çok kısa olmasın. خیلی کوتاه نشود.
- Biraz renk katabilir misiniz? ممکن است کمی رنگ اضافه کنید؟
- Yumuşak perma, lütfen. یک فر دائم نرم، لطفاً.
- Buradan biraz daha kesin, lütfen. یک کم دیگر از اینجا را لطفاً کوتاه کنید.
- Ensemi biraz daha kısaltır mısınız? لطفاً یک کم دیگر از پشت گردن را کوتاه کنید.
- Önümü biraz daha kısaltır mısınız? لطفاً یک کم دیگر از جلو را کوتاه کنید.
- Arkamı biraz daha kısaltır mısınız? لطفاً یک کم دیگر از عقب را کوتاه کنید.
- Yanları biraz daha kısaltır mısınız? لطفاً یک کم دیگر از بغلها را کوتاه کنید.
- Tepemi biraz daha kısaltır mısınız? لطفاً یک کم دیگر از بالا را کوتاه کنید.
- Saçıma fön çekin lütfen. لطفاً موی مرا با ششوار بکشید.
- Jöle kullanın, lütfen. لطفاً از ژل استفاده کنید.
- Köpük kullanın, lütfen. لطفاً از موس استفاده کنید.
- Cila kullanın, lütfen. لطفاً از روغن استفاده کنید.
- Kısa bir kesim istiyorum. لطفاً مویم را کوتاه کنید.
- Uçları içe kıvrın, lütfen. لطفاً انتهای مو را به داخل فر کنید.
- Uçları dışa kıvrın, lütfen. لطفاً انتهای مو را به بیرون فر کنید.
- Saçımı ortadan ayırın, lütfen. لطفاً فرق مرا از وسط باز کنید.
- Saçımı sol tarafa ayırın, lütfen. لطفاً فرق مرا از سمت چپ باز کنید.
- Saçımı sağ tarafa ayırın, lütfen. لطفاً فرق مرا از سمت راست باز کنید.
- Saçımı geriye tarayın lütfen. لطفاً موی مرا به سمت عقب شانه کنید.
- Saçıma saç spreyi sıkın, lütfen. لطفاً مدل مو را با اسپری مو ثابت کنید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Saç spreyi kullanmayın, lütfen. لطفاً بدون اسپری مو.

Başıma masaj yapar mısınız? می شود پوست سرم را ماساژ بدهید.

Tırnaklarım cila sürdürmek istiyorum. من می خواهم ناخن هایم را برق لاک بزنم.

Tırnaklarım oje sürdürmek istiyorum. من می خواهم ناخن هایم را لاک بزنم.

Tırnaklarım manikür yaptırmak istiyorum. من می خواهم برایم ناخن هایم را لاک بزنم.

Kaşlarımı alır mısınız? لطفاً ممکن است ابروهای مرا بردارید؟

Ağda yapıyor musunuz? آیا شما اپیلاسیون می کنید؟

Bacaklarım ağda yaptırmak istiyorum. می خواهم پاهایم را اپیلاسیون کنید.

Cilt bakımı yaptırmak istiyorum. لطفاً پوستم را تمیز کنید.

Tırnaklarımı törpülemenizi ve şekillendirmenizi istiyorum.

من می خواهم که ناخن هایم را شکل دهید و لاک بزنید.

کلمات مربوط به آرایشگاه

| | | | |
|--------------------|------------------|------------------|----------------------------|
| kuaför | آرایشگاه | sürekli boya | رنگ دائمی |
| güzellik salonu | سالن زیبایی | yarı-kalıcı boya | رنگ نیمه دائم |
| stilist | آرایشگر | folyo örgü | های لایت کردن با فویل |
| makyaj | آرایش | spa | آبگرم |
| röfle | های لایت | bakım kremi | نگهداری مو |
| kıvrıcık | فر | saç bakımı | ترمیم مو |
| dalgalı | ویو | kıvrıcık | فر کوتاه مدت |
| kâkül | موی چتری | saç örgüsü | باقتن مو |
| at kuyruğu | موی دم اسبی | ek saç | کلاه گیس برای بلند کردن مو |
| boya | رنگ | ek tırnak | ناخن مصنوعی |
| klasik manikür | مانیکور کلاسیک | tırnak onarma | ترمیم ناخن |
| Fransız manikür | مانیکور فرانسوی | temizleme | پاک کردن/تمیز کردن |
| sıcak yağ manikürü | مانیکور روغن داغ | epilasyon | اپیلاسیون |
| pedikür | پدیکور | maske | ماسک |
| spa pedikürü | پدیکور در آبگرم | masaj | ماساژ |
| peeling | پیلینگ | | |

تصحیح کردن گفتار

Bolşey tiyatrosu bu sene gene geliyor.
Ne zaman? Ağustos'ta mı?
Eylül'de.

(گروه) تئاتر بولشوی امسال دوباره می آید.
چه وقت؟ در ماه اوت؟
در سپتامبر.

Bu hafta sinemada Çarli Çaplin'in filmi var.
Hangi filmi? Büyük Diktatör mü?
Hayır, yeni asır.

این هفته در سینما فیلم «چارلی چاپلین» را گذاشته اند.
کدام فیلم؟ «دیکتاتور بزرگ»؟
نه، «عصر جدید».

Çok enteresan bir roman okuyorum.
Kimin? Du Maurier'nin mi?
Yok Du Maurier sıkıcı. Bu Thomas Hardy'nin.

یک رمان خیلی جالب می خوانم.
از چه کسی؟ از «دوموریه»؟
نه، «دوموریه» کسا لت آور است. این از «توماس هاردی» است.

Beşiktaş bu maçı kaybetmez arkadaşım ... Beş gol atar ...
Nerede oynuyorlar, İstanbul'da mı?
Değil ama gene de kazanır.

«بشیکتاش» این مسابقه را نمی بازد، رفیق. پنج گل می زند.
در کجا بازی می کنند، در استانبول؟
نه، ولی دوباره هم می برند.

Çocuklan sirke götürmek lazım.
Kim götürüyor, sen mi?
Hayır, sen. Bu babaların işi.

باید بچه ها را به سیرک برد.
چه کسی می برد، آیا تو؟
نه، تو. این کار پدرشان است.

Tatilde oto-stop yapmaya gidiyoruz.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Nasıl gidiyorsunuz. arabayla mı?

Hayır taksiyle

در تعطیلات به اتو - استوپ (نوعی بازی) می‌رویم.

چطور می‌روید. با ماشین؟

خیر با تاکسی

Gene

این کلمه نیز مانند yine و tekrar (که گاهی به tekrardan تبدیل می‌شود) معنی «دوباره» می‌دهد.

Gene geliriz

دوباره خواهیم آمد.

Gene geldiler.

باز آمدند.

Gene de (هنوز، باز هم)

Kuyrukta çok bekledim, gene de bilet alamadım

در صف خیلی منتظر ماندم ولی هنوز نتوانستم بلیت بگیرم.

ابراز اطمینان / عدم اطمینان

yüzde yüz
garanti
eminim
muhakkak

sanıyorum
zannediyorum
gibime geliyor

Bu müzik Leonard Bernstein'in gibime geliyor.

Emin misin?

Hayır emin değilim ama öyle sanıyorum.

به نظرم می‌آید این موسیقی از «لئونارد برنشتاین» باشد.

مطمئن هستی؟

نه، مطمئن نیستم ولی این طور حدس می‌زنم.

Navratilova aslen Çekoslovakyalıdır.

Emin misin?

Eminim. yüzde, yüz.

«ناوراتیلوا» اصلاً اهل چک اسلواکی است.

مطمئنی؟

مطمئنم، صد درصد.

Bu akşam Hamlet'i oynuyorlar.
Sanmıyorum.
Ben eminim, bu akşam 'Hamlet' var.

امشب «هملت» را بازی می کنند.
فکر نمی کنم.
من مطمئنم. امشب «هملت» است.

Ali bu gece garanti sinemadır.
Neden? sinema gitmeyi çok mu sever?
Bayılır. Muhakkak oradadır.

علی امشب حتماً در سینما خواهد بود.
چرا؟ مگر او خیلی سینما دوست دارد؟
او عاشق آن (سینما) است. قطعاً در آنجا است.

اصطلاحات

- Can damarı: مهمترین عنصر و یا مهمترین نقطه یک چیز
- Canına kıymak: خود کشی کردن. خود را کشتن
- Cart curt etmek: زهر چشم دادن. یا با هدف تمجید از کسی سخن اغراق آمیز گفتن
- Çakı gibi: سرزنده و چالاک. چابک
- Çam yarması: کنایه از انسان درشت اندام. که برای انسان های قوی هیکل به کار می رود
- Çetin ceviz: چیزی که شکستنش سخت است. گردو سخت پوست. کنایه از رقیبی که شکست دادنش سخته یا کاری که موفقیت در آن مشکل است.
- Dünyayı toz pembe görmek: خوشبین بودن. حتی به شرایط ناراحت کننده با چشم خوب نگرستن
- Dünya yıkılsa umurunda değil: دنیا خراب شه عین خیالش نیست. کنایه از انسان بی خیال و غیر مسئول
- Dünkü çocuk: کنایه از انسان ناشی و کم تجربه
- Dünyanın öbür ucu: کنایه از جای خیلی دور است.



Buralarda bir Turizm Danışma Bürosu var mı?

Var efendim. Şu köşeden karşıya geçin, düz yürüyün, trafik ışıklarında sağa dönün, ana yolu takip edin, sonra ilk caddeden sola sapın. Yolun ilerisinde bir meydan var. Turizm Bürosu onun ortasında.

Buradan uzak galiba.

Yok değil, buraya çok yakın. Yürüyerek on dakika sürer. Üniversitenin giriş kapısının karşısında

آیا در اینجاها اداره اطلاعات جهانگردی وجود دارد؟

بله هست آقا. از مقابل این نبش (گوشه) بگذرید، مستقیم بروید، از چراغ قرمز به راست بپیچید، خیابان اصلی را همچنان بروید، سپس از جاده اولی به چپ بپیچید. جلوتر یک میدان هست. اداره جهانگردی در وسط است. فکر می‌کنم از اینجا دور باشد.

نه نیست، به اینجا خیلی نزدیک است. پیاده دقیقه طول می‌کشد. آن روبروی درب ورودی دانشگاه است.

حمل و نقل محلی (yerel ulaşım)**اتوبوس/مترو (otobüs/metro)**

- En yakın otobüs durağı nerede? نزدیکترین ایستگاه اتوبوس کجاست؟
- En yakın metro istasyonu nerede? نزدیکترین ایستگاه مترو کجاست؟
- Bu otobüs oraya gidiyor mu? آیا این اتوبوس آنجا می‌رود؟
- Hangi otobüs şehir merkezine gidiyor? کدام اتوبوس به مرکز شهر می‌رود؟
- Hangi otobüs belediye merkezine gidiyor? کدام اتوبوس به شهرداری می‌رود؟
- ... için hangi hattı kullanmam lazım? برای ... باید کدام خط را سوار شوم؟
- Hava limanı için bir sonraki otobüs saat kaçta kalkıyor? اتوبوس بعدی برای فرودگاه چه ساعتی حرکت می‌کند؟
- Hava limanı için son otobüs saat kaçta kalkıyor? اتوبوس آخر برای فرودگاه چه ساعتی حرکت می‌کند؟
- Metro kaçta kadar çalışıyor? مترو تا چه ساعتی کار می‌کند؟
- Kart nereden alabilirim? از کجا می‌توانم کارت بخرم؟
- Bilet nereden alabilirim? از کجا می‌توانم بلیط بخرم؟
- Jeton nereden alabilirim? از کجا می‌توانم ژتون بخرم؟
- Bilet ücreti ne kadar? کرایه چقدر است؟
- Bu gidiş-dönüş bileti ne zamana kadar geçerli? یک بلیط رفت و برگشت چه مدت اعتبار دارد؟
- Birden çok yolculuk için indirimli tarifeler var mı? آیا کرایه برای چند بار سوار شدن تخفیفی دارد؟
- Grup için indirimli tarifeler var mı? آیا نرخ گروهی هم وجود دارد؟
- ... bilet lütfen. یک بلیط برای ...، لطفاً.
- Buraya bilet ücreti ne kadar? کرایه تا این محل چقدر است؟
- Valizim için ücret ne kadar? آیا باید برای وسایلم مبلغ اضافی بپردازم؟
- Aylık bilet alabilir miyim? آیا می‌توانم یک بلیط ماهانه بخرم؟
- Haftalık bilet alabilir miyim? آیا می‌توانم یک بلیط هفتگی بخرم؟
- Şehir merkezine gitmek ne kadar sürer? تا مرکز شهر چقدر طول می‌کشد؟
- İneceğim yeri lütfen bana söyleyin. لطفاً به من بگویید کجا پیاده شوم.
- Nerede inmeliyim? کجا باید پیاده شوم؟
- Burada inmek istiyorum lütfen. لطفاً مرا اینجا پیاده کنید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|----------------------------------|--------------------------------|
| Bir sonraki durak lütfen. | ایستگاه بعدی، لطفاً. |
| İniyor musunuz? | آیا پیاده می شوید؟ |
| Saatte kaç defa var? | ساعتی چند بار است؟ |
| Günde kaç defa var? | روزانه چند بار است؟ |
| Metro ne zaman kapanıyor? | مترو چه ساعتی تعطیل می شود؟ |
| Bu bileti iptal etmek istiyorum. | می خواهم این بلیط را باطل کنم. |
| Kapılara yaslanmayınız. | به درها تکیه ندهید. |

کلمات مفید

| | | | |
|---------------|----------------|----------------|-------------------|
| tam | بزرگسال | metro haritası | نقشه مترو |
| otobüs | اتوبوس | tarife | جدول زمانی |
| kondüktör | مسئول بلیط | transfer | انتقال |
| çocuk | کودک | yere geçirmek | تعویض وسیله نقلیه |
| yol parası | کرایه | turnike | نرده |
| bilet | بلیط | Girilmez | ورود ممنوع |
| jeton | ژتون | Giriş | درب ورودی |
| rota | مسیر | Şehire çıkış | خروج به سمت شهر |
| otobüs durağı | ایستگاه اتوبوس | Çıkış yolu | راه خروج |

تاکسی (taksi)

| | |
|--|---|
| Taksi! | تاکسی! |
| Taksi durağı nerede? | ایستگاه تاکسی کجاست؟ |
| Benim için taksi çağırır mısınız? | آیا ممکن است برای من یک تاکسی صدا کنید؟ |
| Taksi nerede bulabilirim? | از کجا می توانم تاکسی بگیرم؟ |
| Taksi nerede bulabiliriz? | از کجا می توانیم تاکسی بگیریم؟ |
| Şimdi bir taksi rica ediyorum. | من همین حالا تاکسی می خواهم. |
| Bir saat içinde bir taksi rica ediyorum. | من یک ساعت دیگر تاکسی می خواهم. |
| Yarım saat içinde bir taksi rica ediyorum. | من نیم ساعت دیگر تاکسی می خواهم. |
| Boş musunuz? | آیا آزاد هستید؟ |
| Beni hava limanına götürün lütfen. | لطفاً مرا به فرودگاه ببرید. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|---|------------------------------------|
| Beni şehire götürün lütfen. | لطفاً مرا به شهر ببرید. |
| Beni tren istasyonuna götürün lütfen. | لطفاً مرا به ایستگاه قطار ببرید. |
| Beni bu adrese götürün lütfen. | لطفاً مرا به این نشانی ببرید. |
| Beni bu otele götürün lütfen. | لطفاً مرا به این هتل ببرید. |
| Beni merkeze götürün lütfen. | لطفاً مرا به مرکز ببرید. |
| Beni oraya götürün lütfen. | لطفاً مرا آنجا ببرید. |
| Beni şehir merkezine götürün lütfen. | لطفاً مرا به مرکز شهر ببرید. |
| Hava limanına gitmek ne kadar tutar? | کرایه تا فرودگاه چقدر می شود؟ |
| Şehire gitmek ne kadar tutar? | کرایه تا شهر چقدر می شود؟ |
| Tren istasyonuna gitmek ne kadar tutar? | کرایه تا ایستگاه قطار چقدر می شود؟ |
| Bu adrese gitmek ne kadar tutar? | کرایه تا این نشانی چقدر می شود؟ |
| Çok pahalı. | خیلی زیاد است. |
| Ekstra ücret var mı? | هزینه دیگری هم هست؟ |
| Taksimetre nerede? | تاکسی متر کجاست؟ |
| Taksimetre lütfen. | تاکسی متر، لطفاً. |
| En kısa yoldan lütfen. | کوتاه ترین مسیر. |
| Acelem var. | عجله دارم. |
| Yavaşlayın | سرعت خود را کم کنید. |
| Düz gidin. | مستقیم بروید. |
| Sağa. | به راست. |
| Sola. | به چپ. |
| Burada durun. | اینجا بایستید. |
| Bekleyebilir misiniz? | می توانید منتظر شوید؟ |
| Borcum ne kadar? | چه قدر باید بپردازم؟ |
| Bu sizin için. | این برای شماست. |
| Paramın üstü lütfen. | بقیه پولم، لطفاً. |
| Üstü kalsın. | بقیه اش مال خودت. |

کرایه ماشین (araba kiralama)

| | |
|---|---------------------------------------|
| Nereden araba kiralayabilirim? | از کجا می توانم یک ماشین کرایه کنم؟ |
| Araba kiralayabilir miyim? | آیا می توانم یک ماشین کرایه کنم؟ |
| Tek kapılı bir araba kiralamak istiyorum. | من می خواهم یک ماشین دو در کرایه کنم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Dört kapılı bir araba kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ماشین چهار در کرایه کنم.
 Araba kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ماشین کرایه کنم.
 Kamyonet kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ون کرایه کنم.
 Motosiklet kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک موتورسیکلت کرایه کنم.
 Moped kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک موتور اسکوتر کرایه کنم.
 Bisiklet kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک دوچرخه کرایه کنم.
 Şoförlü bir araba kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ماشین با راننده کرایه کنم.
 Şoförsüz bir araba kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک ماشین بدون راننده کرایه کنم.
 Küçük bir araba tercih ederim. من یک ماشین کوچک را ترجیح می‌دهم.
 Büyük araba tercih ederim. من یک ماشین بزرگ را ترجیح می‌دهم.
 Otomatik vites tercih ederim. من دنده اتوماتیک را ترجیح می‌دهم.
 Yanımda hangi bölgelerin bulunması gerekiyor? چه مدارکی باید همراه من باشد؟
 Bu benim uluslararası sürücü iznim. این مجوز بین المللی رانندگی من است.
 Bu arabayı iki günlüğüne kiralamak istiyorum. من می‌خواهم این ماشین را برای دو روز کرایه کنم.

Saati ücreti ne kadar? کرایه ساعتی چقدر می‌شود؟
 Günlüğü ücreti ne kadar? کرایه روزانه چقدر می‌شود؟
 Hafta sonu için ücreti ne kadar? کرایه آخر هفته‌ای چقدر می‌شود؟
 Haftalığı ücreti ne kadar? کرایه هفته‌ای چقدر می‌شود؟
 Aylığı ücreti ne kadar? کرایه ماهی چقدر می‌شود؟
 Kilometre başına ücreti ne kadar? کرایه کیلومتری چقدر می‌شود؟
 Ücrete sigorta dahil mi? آیا این قیمت شامل بیمه است؟
 Ücrete kilometre dahil mi? آیا این قیمت شامل مسافت پیموده شده است؟
 Özel hafta sonu tarifeleriniz var mı? آیا قیمت‌های ویژه‌ای برای آخر هفته‌ها وجود دارد؟
 Asgari kiralama süreniz ne kadar? حد اقل زمان کرایه چقدر است؟
 Depozito ödemem gerekiyor mu? آیا باید مبلغی را به عنوان ودیعه بپردازم؟
 Bu arabanın benzini var mı? آیا ماشین بنزین دارد؟
 Herhangi bir sorun olduğu takdirde arayabileceğim birkaç numara verin lütfen.

لطفاً شماره تلفن‌هایی را در اختیار من قرار دهید تا در صورت بروز مشکلی با آن‌ها تماس بگیرم.

Ücret tarifinizi gösterin lütfen. لطفاً لیست قیمت‌های خود را به من نشان دهید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Fazladan kilometre için ücretiniz nedir? برای کیلومترهای بیشتر چقدر هزینه خواهد داشت؟

Ne tür benzin kullanıyor? چه نوع سوختی مصرف می کند؟

Bu arabayı denemek istiyorum. مایلم ماشین را امتحان کنم.

Arabayı yolumun üstünde bir yere bırakabilir miyim?

آیا می توانم ماشین را در مقصدم بگذارم؟

Nereye iade edeyim?

کجا می توانم آن را برگردانم؟

Arabayı hava limanında bırakabilir miyim?

آیا امکان دارد ماشین را در فرودگاه بگذارم؟

Arabayı deposu dolu mu iade etmeliyim?

آیا باید ماشین را با باک پر بازگردانم؟

Arabayı lütfen otelime gönderin.

لطفاً یک ماشین به هتل من بفرستید.

Araç sigortası talebinde bulunmak istiyorum.

می خواهم خسارت بیمه ماشین دریافت کنم.

کلمات مفید

araç kiralama

کرایه ماشین

araç kiralama bürosu/oto kiralama

دفتر کرایه ماشین

kira sözleşmesi

توافق نامه کرایه

depo

باک

sigorta

بیمه

رانندگی/پارک کردن (araba kullanmak/park etmek)

Nereye park edebilirim?

کجا می توانم پارک کنم؟

Buraya park edebilir miyim?

آیا می توانم اینجا پارک کنم؟

Burada ne kadar park edebilirim?

چه مدت می توانم اینجا پارک کنم؟

Park ücreti ödemem gerekiyor mu?

آیا باید برای پارک در اینجا مبلغی بپردازم؟

Saati ne kadar?

هزینه ساعتی چقدر است؟

Günlüğü ne kadar?

هزینه روزانه چقدر است؟

... nasıl giderim?

چطور می توانم به ... بروم؟

... ne kadar uzak?

تا ... چقدر راه است؟

Sahile en kısa yoldan nasıl giderim?

کوتاه ترین راه تا ساحل کدام است؟

Merkeze en kısa yoldan nasıl giderim?

کوتاه ترین راه تا مرکز کدام است؟

Göle giden bu yol iyi bir yol mu?

آیا جاده به طرف دریاچه خوب است؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

En yakın garaj nerede? نزدیکترین گاراژ کجاست؟
 Anayol çıkışı nerede? خروجی به بزرگراه کجاست؟
 Bu yol nereye gidiyor? این جاده به کجا می‌رود؟
 Bu yol ... mı(mi, mu, mü) gidiyor? آیا این جاده به ... می‌رود؟
 Yol haritanız var mı? آیا نقشه راه دارید؟
 Bu haritada nerede olduğumu gösterir misiniz?

ممکن است روی نقشه به من نشان دهید کجا هستم؟

Hangi yönde gitmeliyim? از کدام جهت باید بروم؟
 Nereden döneceğim? کجا باید بپیچم؟
 En yakın benzin istasyonu kaç kilometre uzaklıkta?

تا نزدیکترین پمپ بنزین چند کیلومتر راه است؟

En yakın benzin istasyonu kaç mil uzaklıkta? تا نزدیکترین پمپ بنزین چند مایل راه است؟

کلمات مفید

| | | | |
|--------------------|---------------------------|-----------------------|------------------------|
| yol | جاده | inşaat alanı | جاده در دست تعمیر است |
| trafik | ترابری | dönüş (yoldan dışarı) | پیچ |
| yoğun trafik | ترابری سخت | geçit (tren yolunda) | راه بند (در تقاطع ریل) |
| trafik sıkışıklığı | راهبندان | ücretli park yeri | پارکینگ عوارضی |
| kavşak | چهارراه | ücretsiz park yeri | پارکینگ رایگان |
| birleşme yeri | تقاطع | bisiklet yolu | مسیر مخصوص عبور دوچرخه |
| dolambaçlı yol | میدان چکنم | hız göstergesi | سرعت سنج |
| trafik ışıkları | چراغ راهنما | yol haritası | نقشه راه |
| yol işareti | تابلوی راهنمایی و رانندگی | düz | مستقیم |
| kamyon | کامیون | sol | چپ |
| yaya | عابر پیاده | sağ | راست |
| yaya geçişi | محل عبور عابران پیاده | ilk | اول |
| yaya geçidi | منطقه مخصوص عابران پیاده | sonraki | بعد |
| tren yolu | تقاطع ریل | sokak | خیابان |
| park yeri | پارکینگ | köprü | پل |
| hız limiti | حد مجاز سرعت | tünel | تونل |
| anayol | بزرگراه | kuzey | شمال |

| | | | |
|-----------------|--------------|-----------------|-------------------|
| çevre yolu | بزرگراه | güney | جنوب |
| paralı yol | جاده عوارضی | doğu | شرق |
| hız | سرعت | batı | غرب |
| gösterge paneli | داشبورد | torpido gözü | جعبه داشبورد |
| sürücü koltuğu | صندلی راننده | sürücü ehliyeti | گواهینامه رانندگی |
| yolcu koltuğu | صندلی مسافر | | |

در ایستگاه بنزین (benzin istasyonunda)

| | |
|---|---|
| Benzinim bitiyor. | بنزین دارد تمام می شود. |
| Doldurun lütfen. | لطفاً پرش کنید. |
| Benzin kullanıyorum. | من بنزین استفاده می کنم. |
| Kurşunsuz benzin kullanıyorum. | من بنزین بدون سرب استفاده می کنم. |
| Normal benzin kullanıyorum. | من بنزین معمولی استفاده می کنم. |
| Süper benzin kullanıyorum. | من بنزین سوپر استفاده می کنم. |
| Dizel kullanıyorum. | من دیزل استفاده می کنم. |
| On galon rica ediyorum. | می خواهم ده گالن بنزین. |
| On litre rica ediyorum. | می خواهم ده لیتر بنزین. |
| Genelde benzin kullanırım. | من معمولاً از بنزین استفاده می کنم. |
| Genelde dizel kullanırım. | من معمولاً از سوخت دیزل استفاده می کنم. |
| Tamir yapıyor musunuz? | آیا تعمیرات انجام می دهید؟ |
| Benim için kontrol eder misiniz? | آیا می توانید آن را برای من چک کنید؟ |
| Yağı kontrol edin lütfen. | روغن را لطفاً چک کنید. |
| Lastiklerin havasını kontrol edin lütfen. | باد تایرها را لطفاً چک کنید. |
| Radyatörü kontrol edin lütfen. | رادیاتور را لطفاً چک کنید. |
| Aküyü kontrol edin lütfen. | باتری را لطفاً چک کنید. |
| Sigortayı kontrol edin lütfen. | فیوزها را لطفاً چک کنید. |
| Bujileri kontrol edin lütfen. | شمعها را لطفاً چک کنید. |
| Farları kontrol edin lütfen. | چراغهای جلو را لطفاً چک کنید. |
| Arka lambaları kontrol edin lütfen. | چراغهای عقب را لطفاً چک کنید. |
| Flaşörü kontrol edin lütfen. | فلاشر را لطفاً چک کنید. |
| Arka aynayı kontrol edin lütfen. | آینه عقب را لطفاً چک کنید. |
| Yan aynaları kontrol edin lütfen. | آینه بغل را لطفاً چک کنید. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|--|
| Vantilatör kayışını kontrol edin lütfen. | تسمه پروانه را لطفاً چک کنید. |
| Frenleri kontrol edin lütfen. | ترمزها را لطفاً چک کنید. |
| Yağı değiştirin lütfen. | من می‌خواهم که روغن را تعویض کنید، لطفاً. |
| Yeni bir aküye ihtiyacım var. | من یک باتری نو لازم دارم. |
| Yeni bujilere ihtiyacım var. | من شمع‌های نو لازم دارم. |
| Yeni fan kayışına ihtiyacım var. | من تسمه پروانه نو لازم دارم. |
| Antifriziniz var mı? | ضد یخ دارید؟ |
| Lastik basıncını kontrol eder misiniz? | ممکن است لطفاً فشار باد تایر را چک کنید؟ |
| Fren sıvısını doldurur musunuz? | ممکن است لطفاً روغن ترمز را پر کنید؟ |
| Radyatöre biraz su ekler misiniz? | ممکن است لطفاً مقداری آب به رادیاتور اضافه کنید؟ |
| Arabayı yıkatabilir miyim? | امکان دارد ماشین را بشویید؟ |
| Tuvaletler nerede? | دستشویی کجاست؟ |

کلمات مفید

| | |
|------------------|----------|
| antifriz | ضد یخ |
| otomatik | اتوماتیک |
| motor | موتور |
| egzoz | اگزوز |
| otomobil plakası | پلاک |
| benzin | بنزین |

خرابی‌ها (arızalar)

| | |
|-------------------------------------|--------------------------|
| Motor çalışmıyor. | موتور روشن نمی‌شود. |
| Motor çok ısınmıyor. | موتور خیلی داغ می‌کند. |
| Çok gürültülü. | خیلی سر و صدا می‌کند. |
| Bir şey ses çıkartıyor. | یک چیزی سر و صدا می‌کند. |
| Bu bir şeye çarpma sesi çıkartıyor. | تق تق می‌کند. |
| Tekerleğim patladı. | من پنچر کرده‌ام. |
| Radyatör akıyor. | رادیاتور نشستی دارد. |
| Yağ basıncında bir sorun var. | فشار روغن مشکل دارد. |

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|---|---|
| Flaşörde bir sorun var. | فلاشر مشکل دارد. |
| Kapı kolunda bir sorun var. | دستگیره در مشکل دارد. |
| Elektrik sisteminde bir sorun var. | سیستم برق مشکل دارد. |
| Vantilatörde bir sorun var. | پروانه مشکل دارد. |
| Vantilatör kayışında bir sorun var. | تسمه پروانه مشکل دارد. |
| Benzin pompasında bir sorun var. | پمپ بنزین مشکل دارد. |
| Viteste bir sorun var. | دنده‌ها مشکل دارند. |
| Vites kolunda bir sorun var. | اهرم دنده مشکل دارد. |
| Ateşlemede bir sorun var. | سیستم جرقه مشکل دارد. |
| Starterde bir sorun var. | استارت مشکل دارد. |
| Vites kutusunda bir sorun var. | جعبه دنده مشکل دارد. |
| Klakson çalışmıyor. | بوق کار نمی‌کند. |
| Radio çalışmıyor. | رادیو کار نمی‌کند. |
| Farlar çalışmıyor. | چراغ جلو کار نمی‌کند. |
| Akü bitmiş. | باتری خالی شده است. |
| Aküyü şarj eder misiniz? | ممکن است لطفاً باتری را شارژ کنید؟ |
| Yedek parçanız var mı? | آیا قطعات یدکی دارید؟ |
| Benzinimiz bitti. | بنزینم تمام شد. |
| Anahtarlarımı arabada unuttum. | من کلیدهایم را در ماشین جا گذاشته‌ام و در را قفل کرده‌ام. |
| Arabam bozuldu. Lütfen birini yollar mısınız? | ماشین خراب شد. لطفاً یک نفر را بفرستید. |
| Tamirci yollar mısınız? | امکان دارد یک مکانیک بفرستید؟ |
| Kurtarıcı yollar mısınız? | امکان دارد یک کامیون یدک کش بفرستید؟ |
| Arabayı tamir edebilir misiniz? | آیا می‌توانید ماشین را تعمیر کنید؟ |
| Arabayı tamir etmeniz ne kadar sürer? | تعمیر ماشین چقدر طول خواهد کشید؟ |
| Tamirat ücreti ortalama ne kadar tutar? | تعمیرات تقریباً چه قدر هزینه خواهد داشت؟ |
| Sigortam tamiratı kapsıyor mu? | آیا بیمه من هزینه تعمیرات را پوشش می‌دهد؟ |
| Ayrıntılı hesap verir misiniz? | ممکن است یک صورت‌حساب مورد به مورد به من بدهید؟ |
| Arabam hazır olunca beni arar mısınız? | آیا وقتی ماشین آماده شد مرا خبر می‌کنید؟ |
| Fener ödünç verir misiniz? | امکان دارد یک چراغ قوه به من قرض بدهید؟ |
| Çekiç ödünç verir misiniz? | امکان دارد یک چکش به من قرض بدهید؟ |
| Kriko ödünç verir misiniz? | امکان دارد یک جک به من قرض بدهید؟ |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Kerpeten ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک انبردست به من قرض بدهید؟

Tornavida ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک پیچ گوشتی به من قرض بدهید؟

İngiliz anahtarı ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک آچار فرانسه به من قرض بدهید؟

Cıvata ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک پیچ به من قرض بدهید؟

Ampul ödünç verir misiniz?

امکان دارد یک لامپ به من قرض بدهید؟

کلمات مفید

| | | | |
|---------------|-------------|----------------|------------|
| frenler | ترمز | kavrama | کلاچ |
| tampon | سپر | fren pedalı | پدال ترمز |
| çamurluk | گل گیر | gaz pedalı | پدال گاز |
| motor kapağı | کاپوت | vites kolu | اهرم دنده |
| bagaj | صندوق عقب | el freni | ترمز دستی |
| yedek lastik | چرخ زاپاس | flaş lambası | فلاشر |
| direksiyon | فرمان | far | چراغ جلو |
| ön cam | شیشه جلو | arka lamba | چراغ عقب |
| silecek | برف پاک کن | ateşleme | سیستم جرقه |
| lastik | چرخ | emniyet kemeri | کمربند |
| dönüş sinyali | چراغ راهنما | yan aynası | آینه بغل |
| arka ayna | آینه عقب | | |

حوادث (kazalar)

Bir kaza oldu.

یک تصادف اتفاق افتاده است.

Bir arıza oldu.

یک خرابی اتفاق افتاده است.

Bir hırsızlık oldu.

یک دزدی از ماشین اتفاق افتاده است.

En yakın telefon nerede?

نزدیک ترین تلفن کجاست؟

En yakın servis merkezi nerede?

نزدیک ترین مرکز سرویس کجاست؟

Ambulans çağırın.

یک آمبولانس خبر کنید.

Doktor çağırın.

یک دکتر خبر کنید.

İtfaiye çağırın.

آتش نشانی خبر کنید.

Polis çağırın.

پلیس خبر کنید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Yaralılar var. چند نفر زخمی شده‌اند.
 Yaralı yok. هیچ کس صدمه‌ای ندیده است.
 Benim hatamdı. تقصیر من بود.
 Sizin hatanız olduğunu düşünüyorum. فکر می‌کنم تقصیر شما بود.
 O bana çarptı. او به من زد.
 Yol benimdir. حق تقدم با من بود.
 Bir tercümanla görüşmek istiyorum. من یک مترجم می‌خواهم.
 İşareti görmedim. من تابلو را ندیدم.
 Araç plakam ...idi. شماره پلاک ... بود.
 Fazla hasar yok gibi gözüküyor. به نظر نمی‌رسد خسارت زیاد باشد.
 Bu sorunu kendi aramızda çözebilir miyiz? آیا می‌توانیم مسأله را بین خودمان حل و فصل کنیم؟

Ben yabancıyım. Buyurun, sürücü ehliyetim.

من یک خارجی هستم. بفرمایید این گواهینامه رانندگی من است.

İsminizi ve adresinizi alabilir miyim?

امکان دارد نام و نشانی شما را داشته باشم؟

Kaza raporunun bir kopyasını alabilir miyim?

امکان دارد نسخه‌ای از گزارش تصادف را داشته باشم؟

تابلوهی راهنمایی و رانندگی (trafik işaretleri)

Girilmez ورود ممنوع
 Geçilmez عبور ممنوع
 Geçiş yok رد شدن ممنوع
 Girilmez: tek yön وارد نشوید: یک طرفه
 Park yapılmaz پارک ممنوع
 Ücretsiz giriş ورود رایگان
 Tek yön trafik مسیر یک طرفه
 Tehlikeli dönüş پیچ خطرناک
 Yol çalışması کارگران در حال کار هستند.
 Daralan yol جاده باریک می‌شود.
 Şehir merkezine به طرف مرکز شهر
 İnşaat ساخت و ساز

| | |
|---------------------|-------------------------------|
| Dikkat | احتیاط |
| Yavaş | آرام |
| Dur | ایست |
| Sonraki çıkış | خروجی بعدی |
| Yol ver | حق تقدم |
| Farlarınızı yakın | از چراغ‌های جلو استفاده کنید. |
| Sapak | مسیر انحرافی |
| Okul | مدرسه |
| Alçak köprü | پل با ارتفاع کوتاه |
| Şerit değiştirmeyin | بین خطوط برانید. |
| Yol kapalı | جاده مسدود است. |

ممکن است بشنوید

| | |
|--|--|
| Biletiniz lütfen. | بلیط شما لطفاً. |
| Biletleriniz lütfen. | بلیط‌های شما لطفاً. |
| Dikkatli olun kapılar kapanıyor. | مراقب باشید، درها در حال بسته شدن هستند. |
| Bir sonraki istasyon ... | ایستگاه بعد ... است. |
| İleride bir kaza olmuş. | جلوتر تصادفی اتفاق افتاده است. |
| Burası tek yön. | این خیابان یک طرفه است. |
| Burası sadece yayalara açık. | این خیابان فقط مخصوص عابران پیاده است. |
| Burada park yapılmaz. | پارک کردن در اینجا ممنوع است. |
| Benzin istasyonu orada. | پمپ بنزین آنجاست. |
| Otobüs durağı orada. | ایستگاه اتوبوس آنجاست. |
| Metro istasyonu orada. | ایستگاه مترو آنجاست. |
| Tarifeyi orada bulabilirsiniz. | برنامه حرکت را می‌توانید آنجا ببینید. |
| Buradan aktarma yapmanız gerekecek. | باید اینجا وسیله خود را عوض کنید. |
| Oradan aktarma yapmanız gerekecek. | باید آنجا وسیله خود را عوض کنید. |
| Bu istasyondan aktarma yapmanız gerekecek. | باید در این ایستگاه وسیله خود را عوض کنید. |
| Tren değiştirmeniz gerekecek. | باید قطار خود را تعویض کنید. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Otobüs ile giderseniz daha iyi olur.

اگر با اتوبوس بروید بهتر است .

معذرت خواهی و جواب دادن به آن

| | |
|-----------------|--------------------------|
| Özür dilerim | Estağfurullah |
| Affedersiniz | (Hiç) bir şey değil |
| Pardon | (Hiç) önemli/mühim değil |
| Kusura bakmayın | Rica ederim |
| Bağışlayın | Farketmez |
| | Ziyanı yok |

Ayakta kalıyorsunuz, özür dilerim.

Hiç önemli değil, rica ederim.

شما باید بایستید، متأسفم.

مهم نیست، خواهش می‌کنم.

Yeriniz vagonun sonunda, kusura bakmayın.

Ziyanı yok. Farketmez.

جای شما در عقب واگن است، می‌بخشید.

مسئله‌ای نیست. فرقی نمی‌کند.

Birinci mevki üçbin beşyüz lira.

Öyle mi? Pardon. Buyrun, beşyüz lira daha.

درجه یک، سه هزار و پانصد لیر می‌شود.

واقعاً؟ معذرت می‌خواهم. بفرمایید. پانصد لیر دیگر.

Bakar mısınız? Acaba Sirkeci'ye kaçta varıyoruz?

Affedersiniz ama ben de yolcuyum.

Ah, bağışlayın. Çok özür dilerim.

Estağfurullah.

عذر می‌خواهم؟ نمی‌دانم کی به «سیرکی جی» می‌رسیم؟

می‌بخشید ولی من هم مسافرم.

آه، مرا ببخشید. خیلی معذرت می‌خواهم.

خواهش می‌کنم.

Affedersiniz, özür dilerim و pardon را می‌توان قبل، در طول و یا بعد از صحبت اصلی یا عمل بکار

برد.

Affedersiniz bakar mısınız?

ببخشید ممکن است توجه کنید؟

Özür dilerim, hiç bozuğum yok.

متأسفم، هیچ پول خرد ندارم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Pardon, üçüncü peron nerede?

می بخشید، سکوی سوم در کجاست؟

ابتدای صحبت برای جلب نظر و یا پرسیدن ساعت استفاده کرد.
Kusura bakmayın و bağışlayın را اکثراً بعد از صحبت اصلی یا عمل بیان می کنند؛ و نمی توان از آن ها در

Özür dilerim.

عذر می خواهم.

Affedersiniz.

یک لحظه مرا ببخشید.

Bir dakika lütfen.

لطفاً یک دقیقه صبر کنید.

Benim hatam.

تقصیر من است.

Benim dikkatsizliğim.

بی دقتی من بود.

Öyle demek istemedim.

منظوری نداشتم.

Gelecek defa doğru yapacağım.

دفعه بعد جبران می کنم.

Geç kaldığım için özür dilerim.

ببخشید که دیر کردم.

Sizi beklettiğim için özür dilerim.

متأسفم که شما را منتظر گذاشتم.

Sizi rahatsız mı ediyorum?

مزاحم شما شده ام؟

Sizi bir dakika rahatsız edebilir miyim?

می توانم یک لحظه مزاحمتان شوم؟

چگونه، کاری را از کسی بخواهیم؟

Bir gidiş ... dönüş bilet

Süper benzin

Bir Ekonomist mecmuası

(verir misiniz?) lütfen

یک بلیت رفت و برگشت (به من می دهید؟) لطفاً.

بنزین سوپر (به من می دهید؟) لطفاً.

یک مجله «اکنومیست» (به من می دهید؟) لطفاً.

Bir koka kala Bir

peynirli tost Bir

limonlu çay

(getirir misiniz) lütfen

یک کوکاکولا (می آورید؟) لطفاً.

یک ساندویچ پنیر (می آورید؟) لطفاً.

یک چایی لیمویی (می آورید؟) لطفاً.

مؤدبانه کاری را از کسی خواستن

اگر بخواهیم مؤدبانه از کسی انجام کاری را بخواهیم گفته ما باید شامل ساخت زبر باشد. کلمه عذرخواهی + درخواست + دلیل.

Pencereyi açar mısınız lütfen, burası çok havasız.

ممکن است لطفاً پنجره را باز کنید، اینجا خیلی خفه است.

Özür dilerim, bavulunuzu yakarıya koyar mısınız lütfen?

معذرت می‌خواهم (ولی) می‌شود لطفاً چمدانتان را بالا بگذارید؟

Pardon, daha hızlı sürer misiniz lütfen, geç kalıyorum.

ببخشید (ولی) می‌شود لطفاً سریع‌تر برانید، دارد دیر می‌شود.

شکل مؤدبانه‌تر درخواست با اضافه کردن پیوند توانای (abil, -ebil) میسر است (برای شرح بیشتر به درس ۱۲ مراجعه شود).

Pencereyi kapayabilir misiniz?

می‌توانید لطف کرده پنجره را ببندید؟

دستور دادن

4:45 Trenini kaçırmayın.

قطار ۴/۴۵ را از دست ندهید.

Bir hamal bulun.

یک باربر پیدا کن.

Bavulunuzu açın.

چمدانتان را باز کنید.

Sıraya giriniz.

بروید تو صف.

25 Numaralı çıkış kapısına gidin

به درب خروجی شماره ۲۵ برو.

Diğer yolcuları takip edin.

به دنبال دیگر مسافران برو.

Dışarıya sarkmayınız.

تکیه ندهید.

حالت امری

حالتی است که انجام با منع حرکت و کنش را به فرمان و تاکید با خواهش و تکلیف و نصیحت طلب می‌کند. وجه امر فاقد پیوند زمان بوده و تنها پیوندهای شخص را می‌پذیرد. در این وجه مفهوم زمان در فعل مستتر بوده و انجام یا عدم انجام آن الزاما موكول به بعد از صدور امر است.

| | |
|------|------------------------|
| مفرد | |
| 2 | – |
| 3 | -sin, -sın, -sun, -sün |
| جمع | |

| | |
|---|--|
| 2 | -(y)in, -(y)ın, -(y)un, -(y)ün یا -(y)iniz, -(y)ınız, -(y)unun, -(y)ünün |
| 3 | -sinler, -sınlar, -sunlar, -sünler |

| جدول صرف وجه امری از مصدر gelmek آمدن | | |
|---------------------------------------|---------------|---------------------|
| مفرد | مثبت بیا! | منفی نیا! |
| 1 | - | - |
| 2 | gel | Gelme |
| 3 | gelsin | Gelmesin |
| جمع | | |
| 1 | GELin/GELiniz | GELmeyin/GELmeyiniz |
| 2 | - | - |
| 3 | gelsinLER | GELmesinler |

گوینده اگر باکسی صمیمی باشد و یا مراقب شغلی و رتبه‌ای را در نظر بگیرد، جملات امری خود را در قالب دوم شخص مفرد بیان می‌کند. اما در خطاب‌های رسمی یا نامه‌های تجاری دوم شخصی جمع را بکار می‌برد.

Paketi aç,teneereye boşaltın, içine yarım litre su ilave ediniz. ,

پاکت را باز کن، قابلمه را خالی کنید، به آن نیم لیتر آب اضافه کنید...

| | | | |
|-----------|-------|-------------|-------|
| git | برو | gitme | نرو |
| gidin | بروید | gitmeyin | نروید |
| gidiniz | بروید | gitmeyiniz | نروید |
| gitsin | برود | gitmesin | نرود |
| gitsinler | بروند | gitmesinler | نروند |

جمله امری در قالب سوم شخص به صورت «بگذار که او...» بیان می‌شود. جهت آشنای با جزئیات بیشتر به فهرست صرف افعال مراجعه کنید.

(بدون، بی) -siz/-sız/-suz/-süz

| | | | |
|------|-------|---------|----------|
| akıl | عقل | akılsız | بی عقل |
| son | انتها | sonsuz | بی انتها |
| renk | رنگ | renksiz | بی رنگ |
| ben | من | bensiz | بی من |

(بدون، بی، بلا) -sizin/-sızın/-suzun/-süzün

| | |
|----------------|-------------|
| kullanmaksızın | بلا استفاده |
| benzemeksizin | بلا تشبیه |
| şüphesizin | بلا تردید |
| karşılıksızın | بلا عوض |

پیوندهای ملکی «زنجیره‌ای»

یک اضافه ملکی (مانند Ahmed- in ev- i خانه احمد) ، ممکن است پیوندهای ملکی دیگر نیز به خود بگیرد.

Ahmed-in ev-i-nin kapı-sı در خانه احمد

این زنجیره. تا زمانی که مفهوم را آشفتگی نکند می‌تواند بسط یابد.

Ahmed-in ev-i-nin kapı-sı-nın kilid-i قفل در خانه احمد

-(y)arak, -(y)erek (با انجام دادن چیزی) :

این پیوند به ریشه فعل اضافه می‌شود:

Müzik dinleyerek dinleniyorum. با گوش دادن به موسیقی استراحت می‌کنم.

O ellerini kullanarak bisiklete biniyor او دارد با استفاده از دست‌هایش دوچرخه سواری می‌کند.

Çocuklar koşarak içeri girdiler. بچه‌ها با دویدن (دوان دوان) داخل شدند.

مثلاً کلمه yürüyerek را که در متن مربوط به «چگونه راهنمایی کنیم» ملاحظه شد، به معنای «با راه رفتن» است.

توجه: استراحت کردن dinlenmek، گوش دادن dinlemek و گدایی کردن dilenmek

پیشنهاد کمک کردن

Şişli otobüsü çoktan kalktı.

Aaa, hay Allah. Ne yapacağım şimdi.

Size bir taksi çevireyim mi?

اتوبوس «شیشلی» (به مقصد «شیشلی») خیلی وقته که رفته است.

آه خدای من. حالا چه کار باید بکنم؟

آیا برای شما یک تاکسی صدا کنم؟

Bavulu taşıyayım mı, abla?

Pakala taşı bakalım.

چمدانتان را حمل کنم، خواهر؟

خیلی خوبه، ببینم چطور حمل می‌کنی.

Yardım edeyim mi beyefendi?
Çok naziksiniz ama gereği yok.

می‌توانم به شما کمک کنم، آقا؟
خیلی لطف دارید (مهربان هستید) اما لازم نیست.

Affedersiniz, acaba yardım eder misiniz? 3 Numaralı peronu arıyorum. Ben sizi götürüyüm.

بخشید، نمی‌دانم آیا می‌توانید به من کمک کنید؟ دنبال سکوی شماره ۳ هستم.
من شما را می‌برم.

Yardımcı olabilir miyim hanımefendi?
Teşekkür ederim, sadece bakıyorum.

می‌توانم به شما کمک کنم سرکار خانم؟
متشکرم، من فقط نگاه می‌کنم.

وجه آرزو

وجهی است که وقوع یا حدوث را به شکل خواست و آرزو بیان می‌دارد:

| | |
|------|--------------------------|
| مفرد | |
| 1 | -(y)ayım, -(y)eyim |
| 2 | -(y)asın, -(y)esin |
| 3 | -(y)a , -(y)e |
| جمع | |
| 1 | -(y)alım, -(y)elim |
| 2 | -(y)asınız , -(y) esiniz |
| 3 | -(y)alar , -(y)eler |

| جدول صرف وجه آرزو از مصدر gelmek (آمدن) | | | | |
|---|--------------------------|--------------------------|-------------------------------------|-------------------------------------|
| مفرد | مثبت (بهتر است) بیایم | منفی (بهتر است) نیایم | مثبت سؤالی (آیا بهتر است) بیایم؟ | منفی سؤالی (آیا بهتر است) نیایم؟ |
| 1 | geleYİM | GElmeyeyim | geleYİM mi | GElmeyeyim mi |
| 2 | geleSİN | GELmeyesin | | |
| 3 | geLE | GELmeye | | |
| جمع | | | | |
| 1 | geleLİM | GELmeyelim | geleLİM mi | GELmeyelim mi |
| 2 | geLEsiniz | GELmeyesiniz | | |

| | | | | |
|---|---------|------------|--|--|
| 3 | geleLER | GELmeyeler | | |
|---|---------|------------|--|--|

کاربردهای وجه آرزو در اول شخص مفرد و جمع عبارتند از:

۱- بهتر بودن کاری را بیان کردن

Pazar günü için bilet alayım.

(بهتر است) برای روز یکشنبه بلیط بخرم.

۲- اجازه خواستن

Dışarıda bisikletime bineyim mi?

آیا بیرون سوار دوچرخه‌ام بشوم؟

۳- پیشنهاد برای با هم انجام دادن یک کار.

Gişeden soralım.

بیا از گیشه (دفتر فروش بلیت) بپرسیم.

توجه داشته باشید که برای دوم شخص مفرد و جمع، پیشنهاد انجام کار یا اجازه گرفتن به صورت امری بیان می‌شود.

Bence pazar günü git.

من می‌گویم (معتقدم) روز یکشنبه برو.

Pasaportunu gösterebilir mi?

آیا می‌خواهید او پاسپورتش را نشان دهد؟

وجه التزامی در دوم شخص مفرد و جمع، قصد و هدف را نشان می‌دهد.

Pazar günü gidesin (gidesiniz) diye biler alıyorum.

می‌خواهم یک بلیت بخرم تا روز یکشنبه بتوانی بروی (بروید).

Banam dedi ki, yarın bize geleceksiniz

پدرم گفت که فردا به خانه ما بیایید.

برای آشنایی با که **diye** دلیل انجام کار را نشان می‌دهد به درس ۱۵ مراجعه کنید.

استفاده از وجه التزامی سوم شخص مفرد و جمع متداول نیست. یکی دیگر از کاربردهای وجه التزامی در درس ۸ ذکر

شده است. برای آشنایی بیشتر به فهرست صرف افعال مراجعه نمایید.

القاب و خطابها

کلمات خطاب مخصوص افراد فامیل و خویشاوند را می‌توان به منظور نشان دادن صمیمیت به افراد غریبه و دور نیز

عنوان کرد.

abla

آبجی، خواهر (برای زنان جوان)

ağabey/abi

برادر، داداش (برای مردان جوان)

teyze

خاله (برای زنان مسن‌تر)

amca

عمو (برای مردان مسن‌تر)

kardeşim خواهرم/ برادرم (برای زن و مرد)
 çocuğum بچه جان (برای بچه‌ها)
 پیوند چهار شکلی -cık/-cik/-cuk/-cük- پیوند صغیر یا کوچک شمردن است که در ترکی استانبولی بسیار پر کاربرد است مانند kedi-cik (گربه ناز کوچولوی بیچاره) همچنین این پیوند را می‌توان برای نشان دادن محبت به اسامی خاص اضافه کرد مانند: Ayeş'ciğim (عایشه عزیزم) ، babacığım (بابای مهربانم)، ablacığım (خواهر عزیزم)، Ahmet'ciğim (احمد جانم) خطاب‌های محبت آمیز دیگری هم وجود دارند از قبیل:

| | | | |
|---------|----------------|-----------|--------------|
| hayatım | عمرم، زندگی‌ام | canım | جانم |
| şekerim | قندِ عسلم | bir tanem | یک‌دانه‌ی من |
| tatlım | نازِ من | sevgilim | معشوقه‌ی من |
| kuzum | عزیزیم | güzelim | زیبایِ من |
| aşkım | عشقم | tatlım | شیرینم |

اگر کلمه‌ای به حرف k ختم شده باشد پس از اضافه شدن پیوند -cık/-cik/-cuk/-cük، حرف k حذف می‌شود.

| | | | |
|-------|---------------|---------|-----------|
| küçük | کوچک | küçücük | خیلی کوچک |
| ufak | کوچک | ufacık | کوچولو |
| minik | کوچولو و قشنگ | minicik | خیلی ریز |

این پیوند گاهی قبل از خود یک مصوت می‌گیرد.
 تک، یگانه، تنها، بی همتا bir-i-cik

az-ı-cık کمی، تا اندازه‌ای، مقداری

اصطلاحات

Deve kini: کینه شتری

Ekmek elden su gölden:

این اصطلاح برای کسانی به کار میره که نه از درآمد خودشان بلکه از طریق درآمد دیگران گذران زندگی میکنند.

Ele avuca sığmamak: لوس و پررو رفتار کردن ۲-حرف گوش نکردن، قاعده و مقررات نشناختن

El kadar: اندازه دست. کنایه از چیز کوچک خیلی کوچک

Eninde sonunda: در نهایت ۲-در پایان

Enine boyuna: با همه جهات، بدون کاستی-کامل ۲-هرگونه احتمال را در نظر گرفتن

Er geç: دیر یا زود، حتما

Eski hamam eski tas:

این اصطلاح زمانی به کار میرود که چیزی عوض نشده و در همان حالت قدیمی مانده باشد.

Etekleri zil çalmak: خیلی خوشحال شدن. کارها روبراه بودن

Eşek şakası: شوخی سنگین و سخت. ناخوشایندی که موجب رنجش شخص شود. شوخی بی ادبی

Eyere de gelir semere de:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

هم به زین میاد هم به پالان. به همه کار میخوره. برای هر کاری مفیده. هم برای کارهای ظریف وهم برای کارهای
ضمخت قابل استفاده است.

Fitil olmak:

۱- خیلی نوشیدن ومست شدن ۲- بی اندازه خشمگین شدن

درس ۸

اظهار تأسف، تعجب، همدردی



Kazada yaralandı. Kolu kırıldı ...

Yok canım. sahi mi? Çok üzüldüm. Geçmiş olsun.

او در سانحه مجروح شد. بازویش شکست.

نه! جدی می گویی؟ خیلی متأسفم. خدا سلامتی بدهد.

Kanserden dediler.

Aaa, vah vah. Yazık.

آن‌ها گفتند از سرطان است.

ای وای. اسفناک است.

Gözleri bozuldu, artık hiç görmüyor.

Ne diyorsun, doğru mu? Allahallah!

چشمانش ضعیف شده، دیگر چیزی نمی بیند.

چه می گویی، حقیقت دارد؟ وای خدای من.

Geçen ay kalp krizi geçirdim.

Ciddi mi? Yapma yahu. Geçmiş olsun.

ماه گذشته دچار حمله‌ی قلبی شدم.

جدی می‌گویی؟ تعجب می‌کنم. خدا سلامتی بدهد.

Geçmiş olsun به معنای «بگذرد» و اصطلاحاً «خدا سلامتی بدهد، بلا به دور است» را در جواب اخبار مربوط به ناگواری‌ها، مخصوصاً بیماری‌ها و ناخوشی‌ها بر زبان می‌آورند، می‌توان بکار برد.
در جواب خبر فوت کسی اصطلاحات زیر را می‌توان به کار برد:

Başınız sağolsun.

عمر شما دراز باد.

Allah rahmet eylesin.

خدا رحمت کند

Allah geride kalanlara ömür versin.

خدا به بازماندگان طول عمر عنایت کند.

Toprağı bol olsun

غریق آسایش باشد (برای غیر مسلمان‌ها)

واژه‌های مربوط به زمان

| | | | |
|------------------|--------------------|------------|-------------|
| günler | روزها | | |
| Pazartesi | دوشنبه | Cuma | جمعه |
| Salı | سه شنبه | Cumartesi | شنبه |
| Çarşamba | چهارشنبه | Pazar | یکشنبه |
| Perşembe | پنج شنبه | | |
| mevsimler | فصل‌ها | | |
| yaz | تابستان | yazın | در تابستان |
| kış | زمستان | kışın | در زمستان |
| ilkbahar | بهار | ilkbaharda | در بهار |
| sonbahar | پاییز | sonbaharda | در پاییز |
| yazları | (هنگام) تابستان‌ها | | |
| kışları | زمستان‌ها | | |
| ilkbaharları | بهارها | | |
| sonbaharları | پاییزها | | |
| dün | دیروز | hafta | هفته |
| bugün | امروز | ay | ماه |
| yarın | فردا | sene, yıl | سال |
| geçen | پیش، گذشته | gelecek | آینده، بعدی |
| bu | این | | |

مثال:

| | | | | | |
|-------------|------------|------------|-----------|-------------|--------------|
| geçen hafta | هفته گذشته | geçen sene | سال گذشته | geçen Pazar | یکشنبه گذشته |
| bu ay | این ماه | bu mevsim | این فصل | bu Salı | این سه شنبه |

اعضای بدن و اصطلاحات مربوط، اصطلاحات پزشکی و سلامتی



| | | | |
|--------------|------------|-----------|--------|
| ağız | دهان | dudak | لب |
| akciğer | ریه | el | دست |
| alın | پیشانی | göğüs | سینه |
| ayak | پا | omuz | شانه |
| ayak bileği | مچ پا | göz | چشم |
| ayak parmağı | انگشت پا | parmak | انگشت |
| bacak | ساق | kalça | ران |
| baş | سر | saç | مو |
| bel | کمر | kalp | قلب |
| bilek | مچ دست | karaciğer | کبد |
| boğaz | گلو | vücut | بدن |
| boyun | گردن | kas | ماهیچه |
| burun | دماغ، بینی | yanak | گونه |
| çene | چانه | kaş | ابرو |
| dirsek | آرنج | kol | بازو |
| diş | دندان | kulak | گوش |
| diz | زانو | miğde | معدده |



akciğer

شُش، ریه، جگر سفید

akciğer kanseri

سرطان ریه

olabildiğince yüksek tonda şarkı söylemek

صدا را به سر خود انداختن (با بلندترین صدای ممکن آواز خواندن)

akciğer zarı, plöra

غشاء ریوی

aort damarı

آتورت، سرخرگ بزرگ

kalbin sol karıncığından çıkan ve vücuda kırmızı kan dağıtan büyük atardamar.

شریان بزرگی که خون را از دهلیز چپ قلب به شریان‌های دیگر می‌رساند.

apandis

آپاندیس

apandis ameliyatı

عمل آپاندیس

kör bağırsağın ince bir parmak gibi olan son bölümü.

آخرین بخش روده کور که مانند یک انگشت نازک است.

apandisit

التهاب آپاندیس

apış, apış arası

محل اتصال دو ران

atardamar

سرخرگ، شریان

kalbin sağ karıncığından akciğerlere, sol karıncığından vücudun diğer bölümlerine kan taşıyan damar.

رگی که خون را از بطن راست قلب به ریه‌ها و از بطن چپ قلب به دیگر قسمت‌های بدن انتقال می‌دهد.

atardamlardan birinde kanama

خونریزی از سرخرگ

beyin atardamarı

سرخرگ مغز

ayak bileği

مُچ پا

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|---|---|
| ayakla bacağın birleştiği bölüm | اتصال بین پا و پنجه‌ی پا |
| ayak bileğini burktu | مچ پایش پیچ خورد |
| ayak bileği eklemi | قوزک (مفصل) مچ |
| bağırsak | روده |
| uzun ve ince nesnelere için mecaz anlamda da kullanılır | به صورت مجازی در مورد چیزهایی که باریک و بلند هستند. |
| kalın bağırsak | روده‌ی بزرگ |
| ince bağırsak | روده‌ی کوچک |
| kör bağırsak | آپاندیس |
| kalın bağırsak sonu | مقعد (انتهای روده‌ی بزرگ) |
| beyin | فکر، مغز، عقل |
| mecaz olarak "anlayış, akıl; çok akıllı kişi" | به صورت مجازی در مورد اشخاص بسیار باهوش، منخ، عقل، فهم |
| aklımı kullan! , kafamı çalıştır! | عقلت را به کار بینداز! |
| ülkenin en zeki kişileri | بهترین مغزهای کشور |
| bir şeye kafasını takmak | بسیار درگیر چیزی بودن |
| beyin kanaması | خونریزی مغزی |
| beyin jimnastiği | ورزش فکری |
| bronş | نایژه، نایچه |
| soluk borusunun akciğerlere giden iki kolundan her biri ve bunların dalları | هر یک از دو بازویی که از لوله تنفس به سمت ریه‌ها می‌رود به همراه شاخه‌هایش (راه‌های اصلی هوا در شش) |
| böbrek | کلیه |
| böbrek taşı | سنگ کلیه |
| cinsel organ | اندام جنسی |
| iç ve dış cinsel organlar | اندام جنسی داخلی و بیرونی |
| damar | رگ، شریان، مجرا |
| kan damarı | رگ، مجرای خونی |
| varis | واریس، گشاد شدن رگ پاها |
| damar sertliği/kireçlenme | سفت شدن رگ‌ها، تصلب شرایین |
| damar kireçlenmesinden muzdarip | کسی که دچار تصلب شرایین شده است. |
| dirsek | آرنج |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|--|
| kol ile ön kol arasındaki eklem | مفصل میانی دست |
| başkalarını düşünmeden, kendi çıkarı peşinde koşmak | |
| | با زور (فشار آرنج) خود را به جلو کشیدن (با پررویی و پیله کردن کار خود را پیش بردن) |
| dirsek eklemi | مفصل آرنج |
| serbestçe hareket edecek yeri olmak | جای کافی داشتن برای انجام حرکت آزادانه |
| eklem, mafsalsal | مفصل |
| kemiklerin birleştiği yerdeki oynak bağlantı kolu eklem | استخوان دست از مفصل در رفت. |
| diz eklemi | مفصل پا |
| el bileği | مفصل مِچ |
| diz kapağı | کاسه زانو، استخوان کشکک |
| döl yatağı borusu | تخمراه |
| rahime bağlı bir kanal | لوله‌ای که تخمک در راه تخمدان به رحم از آن می‌گذرد. |
| döl yatağı, rahim | رَحِم، زهدان |
| rahim boynu | لوله‌ی رَحِم |
| rahim ağzı | دهانه‌ی رَحِم |
| er bezi, haya | بیضه، تخم، خایه |
| erkeklik hormonunu oluşturan erkek cinsiyet bezi, testis | غده جنسی مردانه که هورمون‌های مردانه را تشکیل می‌دهد، بیضه |
| genital bölge | آلات تناسلی (زنانه) و اطرافش |
| genital bölge muayenesi | معاینه‌ی آلات تناسلی زنانه |
| göğüs | سینه |
| göğüs cerrahisi | عمل جراحی روی سینه |
| göğüs kafesi | قفسه‌ی سینه |
| göğüs kafesi kemiği | استخوان جناغ سینه |
| idrar kanalı | مجرای ادرار |
| sidik torbası | مثانه، پیشاب دان |
| idrar torbası | مثانه، پیشاب دان |
| vücutta sidiğin biriktiği hazne, mesane | مخزن تجمع ادرار در بدن، مثانه |
| iskelet | اسکلت |
| iskelet parçası | قسمتی از اسکلت |

| | |
|---|---|
| iç organlar | اعضا درونی، امعاء و احشاء، محتویات شکم |
| kaburga kemiği | استخوان دنده |
| kafatası | جمجمه، کاسه‌ی سر |
| kafatası, kafa | جمجمه، کاسه‌ی سر |
| kalp kası | ماهیچه‌ی قلب |
| kalbin çalışmasını sağlayan kas | ماهیچه‌ای باعث کار کردن قاب می‌شود |
| kalça | بالای ران |
| kalça eklemi | مفصل بالای ران |
| kamış kemiği | استخوان نازک نی |
| kan | خون |
| kalbin pompaladığı, atardamar, toplardamar ve damarların içinde dolaşan kırmızı renkli sıvı | مایع قرمز رنگی که توسط قلب پمپاژ می‌شود و در وریدها، عروق و شریان‌ها می‌چرخد. |
| kanına dokunmak (kızgınlık veya nefret uyandırmak) | خشم و نفرت ایجاد کردن |
| kanla kaplı | خون‌آلود |
| insan kanı | خون انسان |
| kan tahlili | آزمایش خون |
| kan dolaşımı | جریان خون |
| kandan yapılan bir çeşit sosis | سوسیس تیره درست شده از خون خوک |
| tansiyon, kan basıncı | فشار خون |
| kan grubu | گروه خونی |
| kan damarı | رگ |
| bir damar | مویرگ |
| damar çatlağı | رگ آسیب‌دیده |
| kan dolaşımı | گردش خون |
| kanın kalp ve damarlar içinde izlediği yol, dolaşım, deveren kan dolaşımı yavaş olmak | خط سیر خون در قلب و شریان، کاهش خون‌رسانی به عضوی از بدن |
| karaciğer | کبد، جگر سیاه |
| mecaz olarak işin özü | به صورت مجازی ماهیت، گوهر |
| içinden geleni/düşündüğünü söylemek | |

از ته دل سخن گفتن (گفتن چیزی به طور مستقیم و صادقانه)

| | |
|--|---|
| siroz | ناخوشی کبد |
| morina ciğeri | جگر ماهی کُذ |
| kas, adale | ماهیچه، عضله |
| kasları germek | عضلات خود را کشیدن |
| kas kopması | پارگی عضله |
| kas ağrısı | درد عضله |
| baldır kası | عضله‌ی ران |
| kaval kemiği | استخوان درشت نی (قوی‌ترین استخوان پا) |
| klitoris, bızır | کلیتوریس، چوچوله (عضوی کوچک و حساس از اندام جنسی بیرونی زنان) |
| köprücük kemiği | استخوان ترقوه |
| kürek kemiği | کتف، استخوان شانه |
| leğen | لگن خاصره |
| mide, karın | معدة، شکم |
| midem/karnım ağrıyor | معدة‌ام درد می‌کند |
| aç karnına | با معده‌ی خالی |
| ishal | اسهال |
| soğuk ve sakin olmak | دندان روی جگر گذاشتن (با آرامش منتظر ماندن) |
| mide rahatsızlığı | مشکل معدوی |
| mide sancısı | شکم درد |
| boru, tüp, kamış | لوله |
| vücuttaki bazı organlar için de kullanılır | همچنین برای بعضی از اعضاء بدن نیز بکار می‌رود |
| kamış, pipet | نی (برای نوشیدن) |
| drenaj borusu | لوله‌ای که با آن چرک را خارج می‌کنند، چرک کش |
| tesisatçı | لوله‌کش |
| nefes/soluk borusu | نایژه (لوله‌های نازک درون شش) |
| pis su borusu | مجرای فاضلاب |
| çelik boru | لوله‌ی فولادی |
| boru hattı | لوله‌کشی |
| omur | مُهره‌ی ستون فقرات |
| omurgayı oluşturan kemiklerden her biri | استخوان تیره‌ی پشت |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|---|--|
| omurga | ستون فقرات، تیره‌ی پشت |
| mecaz olarak "taşıyan bölüm, güçlü karakter" | |
| | به صورت مجازی تکیه‌گاه، هسته یا شخصیت (کاراکتر) قوی |
| omurgasız olmak (ödlek/korkak olmak) | بی دل و جرأت شدن (ترسو/بزدل شدن) |
| omurilik | مغز نخاع |
| omurga içinde bulunan kanal boyunca uzanan sinir dokusu | |
| | بافت عصبی که در کل طول مجرای ستون فقرات یافت می‌شود |
| iliklerine işlemiş olmak | چیزی را بسیار خوب پیش بردن |
| omurilik kanalı | مجرای ستون فقرات، مجرای نخاعی |
| penis | آلت تناسلی مرد، کیر |
| erkeklik organı | آلت تناسلی مرد |
| sik | آلت تناسلی مرد، کیر |
| arak | آلت تناسلی مرد، کیر |
| penis başı | کلاهک کیر، سر کیر |
| taşak | خایه، بیضه |
| prostat | پروستات |
| Erkeklerde mesanenin altında ve idrar yolunun başlangıcında bulunan genital sisteme ait bir bez | |
| | غده‌ی مردانه که در زیر مثانه و ابتدای مجرای ادرار قرار دارد و قسمتی از مایع منی را تولید می‌کند. |
| rektum | مقعد |
| kalın bağırsağın son bölümü | انتهای روده‌ی بزرگ |
| öd, safra | صفرا، زهره |
| karaciğerin salgıladığı yeşil, sarı renkte acı sıvı | |
| | مایع تلخ در رنگ سبز و زرد که از کبد ترشح می‌شود |
| sert yorum yapmak | نیش و کنایه زدن |
| soluk borusu | نای (راه بین حنجره و نایژه‌ها) |
| solunum organları | اندام تنفسی |
| akciğerler ve solunum yolları | ریه‌ها و راه‌های تنفسی |
| sperm kanalı | مجرای اسپرم |
| testis kesesi/torbasi | کیسه‌ی بیضه |
| penisin altındaki testislerin içinde | کیسه‌ی پوستی در زیر آلت که بیضه‌ها را در خود |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|---|---|
| bulunduğu deri torba | می‌گیرد |
| toplardamar, verit | سیاهرگ |
| kanın, vücudun her yanından kalbe gitmesine yarayan damar | رگی که خون را به قلب باز می‌گرداند |
| uyluk kemiği | استخوان ران |
| vajina | مهبل، کس |
| döl yolu | کانال بین رحم و آلت تناسلی زنانه |
| am | مهبل، کس |
| amcık | کلیتوریس، چوچوله |
| vulva, ferç | مهبل، کس |
| kadınlarda üreme organının dış bölümü | ارگان‌های جسمی بیرونی زن |
| yara, bere, sıyrık | زخم، جراحت |
| dizi yaralanmak | زخم شدن زانو |
| yaraya tuz basmak (daha kötü yapmak) | نمک به زخم پاشیدن (دردی را بدتر کردن) |
| bir yenilgiden sonra kendini toplamaya çalışmak | تلاش برای بیرون آمدن از مهلکه‌ای و دوباره روی پای خود ایستادن |
| teselli veya teskin etmek için | مانند مرهمی بر زخم (جبران کردن) |
| zaman her derde devadır. | زمان مرهم تمام زخم‌ها است. |
| kesik yarası | بُریدگی |
| ülser | زخم معده |
| yanık | جای سوختگی |
| yemek borusu | مِری |
| yumurtalık | تخم‌دان |
| yürek, kalp | قلب، دل |
| mecaz olarak "merkez"; kalp şeklindeki nesnelere için de kullanılır | به صورت مجازی «هسته، مرکز»؛ همچنین جسم قلب شکل |
| kalp kapaklarında ve/veya koroner arterlerde kireçlenme | تصلب شریان‌های قلبی |
| şehrin kalbi, kentin merkezi | مرکز شهر (قلب شهر) |
| kafanda ne var? (benimle ne hakkında konuşmak istiyorsun?) | تو دلت چی داری؟ (چه می‌خواهی به من بگویی؟) |
| yapmaya kıyamamak | دل کاری را نداشتن (به علت ترحم قادر به انجام کاری نبودن) |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|--|
| yüreği ağzına gelmek | آمدن قلب توی دهان (بسیار ترسیدن) |
| kalp biçiminde bir çeşit çörek | نان زنجفیلی قلب شکل |
| kalp çarpıntısı, kalp atışı | تپش قلب |
| kalp atışlarını düzenleyen aygıt | دستگاه تنظیم کننده ی ضربان قلب |
| kalp faaliyeti | فعالیت قلبی |
| kalp nakli | پیوند قلب |
| çene | آرواره، فک |
| altlı üstlü dişleri taşıyan ve ağzın açılıp kapanmasını sağlayan parça | عضوی که دندانهای بالایی و پایینی را حمل می کند و باعث باز و بسته شدن دهان می شود |
| çene eklemi | مفصل فک |
| üst çene | فک بالا |
| alt çene | فک پایین |
| öd, safra | صفراء، زهره |
| üriner sistem | مجاری ادراری |

علامه بیماری (belirtiler)

| | |
|---------------------------------------|------------------------|
| Kendimi pek iyi hissetmiyorum. | حالم خوب نیست. |
| Kendimi garip hissediyorum. | احساس خوبی ندارم. |
| Midem bulanıyor. | حالت تهوع دارم. |
| Sırtımda bir ağrı var. | کمرم درد می کند. |
| Karnımda bir ağrı var. | معدهم درد می کند. |
| Başımda bir ağrı var. | سرم درد می کند. |
| Boğazımda bir ağrı var. | گلویم درد می کند. |
| Göğsümde bir ağrı var. | قفسه سینهم درد می کند. |
| Yanımda bir ağrı var. | پهلویم درد می کند. |
| Bacağымda bir ağrı var. | پایم درد می کند. |
| Kolumda bir ağrı var. | دستم درد می کند. |
| Kalbime yakın bir yerde bir ağrı var. | نزدیک قلبم درد می کند. |
| Baş dönmesi hissediyorum. | احساس سرگیجه دارم. |
| Baygınlık hissediyorum. | احساس ضعف دارم. |

| | |
|----------------------------|-----------------------------|
| Rahatsız hissediyorum. | احساس می کنم مریض شده ام. |
| Mide bulantı hissediyorum. | حالت تهوع دارم. |
| Hasta hissediyorum. | احساس می کنم بیمار شده ام. |
| Burası acıyor. | اینجا می درد می کند. |
| Yüksek ateşim var. | من تب شدید دارم. |
| Ateşim var. | من تب دارم. |
| Soğuk algınlığım var. | من سرما خورده ام. |
| Baş ağrım var. | سرم درد می کند. |
| Sırt ağrım var. | کمرم درد می کند. |
| Diş ağrım var. | دندانم درد می کند. |
| Karın ağrım var. | معددهم درد می کند. |
| Daha iyi hissediyorum. | کمی بهتر هستم.. |
| Çıban var. | من دمل در آورده ام. |
| Kırık var. | من شکستگی دارم. |
| Burkulma var. | من دچار کشیدگی عضله شده ام. |
| Su toplanmış kabarcık var. | من تاول زده ام. |
| Yaram var. | من جراحت دارم. |
| Çürük oldu. | من ضرب دیده ام. |
| Şişlik var. | من یک غده دارم. |
| Yandım. | من سوخته ام. |
| Kesik var. | من بریدگی دارم. |
| Sıyrık var. | من خراشیدگی دارم. |
| Şişme var. | من ورم دارم. |
| Kaşıntım var. | من دانه زده ام. |
| Astımım var. | من آسم دارم. |
| Kabız oldum. | من یبوست دارم. |
| Hemoroitim var. | من بواسیر دارم. |
| Soğuk algınlığım var. | من لرز دارم. |
| Bronşitim oldum. | من برونشیت دارم. |
| İshal oldum. | من اسهال دارم. |
| Zehirlendim. | من مسموم شده ام. |

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|----------------------------------|---|
| Zatürree oldum. | من ذات‌الریه دارم. |
| Grip oldum. | من آنفولانزا دارم. |
| Yüksek tansiyonum var. | من فشار خون بالا دارم. |
| Çok sık başım ağrıyor. | من اغلب سر درد دارم. |
| Keskin bir sancı. | درد شدید دارد. |
| Ağır bir sancı. | درد شدیدی دارد. |
| Sürekli acı var. | دائم درد می‌کند. |
| Arada sırada acıyor. | گاه و بیگاه درد می‌کند. |
| Geceleri daha çok acıyor. | بیشتر شب‌ها درد می‌کند. |
| Burnum akıyor. | آبریزش بینی دارم. |
| Burnum tıkalı. | بینی‌ام گرفته است. |
| Midem bulanıyor. | معدده‌ام به هم ریخته است. |
| Lenf bezlerim şişti. | غدد لنفاوی من ورم کرده‌اند. |
| Kolum çıktı. | بازوی من در رفته است. |
| Bacağım çıktı. | پای من در رفته است. |
| Parmağım çıktı. | انگشت دست من در رفته است. |
| Ayak parmağım çıktı. | انگشت پای من در رفته است. |
| Kolumu kırdım. | بازوی من شکسته است. |
| Bacağımı kırdım. | پای من شکسته است. |
| Parmağımı kırdım. | انگشت دست من شکسته است. |
| Ayak parmağımı kırdım. | انگشت پای من شکسته است. |
| Dizimi çarptım. | زانویم ضرب دیده است. |
| Omzumu çarptım. | شانه‌ام ضرب دیده است. |
| Kolumu çarptım. | بازویم ضرب دیده است. |
| Elimi çarptım. | دستم ضرب دیده است. |
| Ayağımı çarptım. | پایم ضرب دیده است. |
| Başımı çarptım. | سر من ضرب دیده است. |
| Ayak bileğimi incittim. | مچ پایم رگ به رگ شده است. |
| Ayak bileğimi burktum. | مچ پایم پیچ خورده است. |
| Bulaşık bir ayak hastalığım var. | من به بیماری قارچی انگشتان پا مبتلا شده‌ام. |
| Kalp sorunum var. | من به بیماری قلبی مبتلا شده‌ام. |

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|-------------------------|-----------------------------|
| Boğazım ağrıyor. | من به گلو درد مبتلا شده‌ام. |
| Gözüme bir şey kaçtı. | توی چشمم چیزی رفته است. |
| Uykusuzluk sorunum var. | من از بی خوابی رنج می‌برم. |
| Titriyorum. | من لرز دارم. |
| Kilo kaybettim. | من لاغر شده‌ام. |
| Beni deniz tutuyor. | دریازده شده‌ام. |
| Beni yol tutuyor. | ماشین زده شده‌ام. |
| Şeker hastasıyım. | من دیابت دارم. |
| Isırıldım. | من گزیده شده‌ام. |

کلمات مفید:

| | | | |
|-----------------------|-------------|-----------------------|--------------|
| acı | درد | yara | جراحت |
| ağrı | درد | çürük | ضرب |
| yanık | سوختگی | şişlik | غده |
| soğuk algınlığı | سرماخوردگی | yanık | سوختگی |
| öksürük | سرفه | kesik | بریدگی |
| ağrıyan boğaz | گلو درد | sıyrık | خراشیدگی |
| baş dönmesi | سرگیجه | şiş | ورم |
| titreme | لرز | kaşıntı | دانه |
| grip | آنفلانزا | böcek ısırığı | نیش حشره |
| çıban | دمل | lumbago | گرفتگی گردن |
| kırık | شکستگی | baş ağrısı | سردرد |
| burkma | کشیدگی عضله | aybaşının spazmı | درد حیض |
| su toplanmış kabarcık | تاول | karın bölgesinde ağrı | شکم درد |
| ısıрма | گزیدگی | migren | سردرد میگرنی |

مراجعه به پزشک (doktor ziyareti)

| | |
|-----------------------------|--------------------------------|
| Bir doktor görmek istiyorum | من می‌خواهم که پزشک مرا ببیند. |
| Randevu almak istiyorum | من می‌خواهم یک وقت بگیرم. |
| Muayene olmam gerekiyor | من نیاز به مشاوره پزشکی دارم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Muayene saatleri kaç? مشاوره چه ساعتی است؟

Yarın sabah saat 10'a randevu almak istiyorum.

من یک وقت برای فردا ساعت ده صبح می خواهم.

En yakın göz uzmanı nerede? نزدیک ترین متخصص چشم کجاست؟

En yakın boğaz uzmanı nerede? نزدیک ترین متخصص حلق کجاست؟

En yakın kulak uzmanı nerede? نزدیک ترین متخصص گوش کجاست؟

Neyim var? مشکل من چیست؟

Ciddi bir sorun olduğunu mu آیا فکر می کنید مسئله جدی است؟

düşünüyorsunuz?

Bulaşıcı mı? آیا مسری است؟

Tehlikeli mi? آیا خطرناک است؟

Ağrımı dindirecek bir şey verebilir ممکن است چیزی برای قطع شدن درد به من بدهید؟

misiniz?

Daha önce ülser tedavisi görmüştüm من قبلاً به خاطر زخم معده تحت درمان قرار گرفته ام

Kan grubum 0 rh pozitif گروه خونی من O مثبت است.

Kan grubum A rh pozitif گروه خونی من A مثبت است.

Kan grubum B rh pozitif گروه خونی من B مثبت است.

Kan grubum AB rh pozitif گروه خونی من AB مثبت است.

Kan grubum 0 rh negatif گروه خونی من O منفی است.

Kan grubum A rh negatif گروه خونی من A منفی است.

Kan grubum B rh negatif گروه خونی من B منفی است.

Kan grubum AB rh negatif گروه خونی من AB منفی است.

Ateşim kaç? دمای بدن من چقدر است؟

Ne kadar zamanda iyileşebilirim? بهبودی چقدر طول می کشد؟

Tedavi ne kadar sürecek? درمان چقدر طول می کشد؟

Seyahatime devam edebilir miyim? آیا می توانم به سفرم ادامه دهم؟

Aileme haber verir misiniz? امکان دارد لطفاً به خانواده ام اطلاع دهید؟

Hipermetropum من دوربین هستم.

Miyopum من نزدیک بین هستم.

Bir kontak lensimi kaybettim من یکی از لنزهایم را گم کرده ام.

Gözlüklerimi kaybettim من عینکم را گم کرده ام.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Kontak lenslerimi kaybettim من لنزهایم را گم کرده‌ام.

O testi daha önce yaptırmıştım من قبلاً این آزمایش را انجام داده‌ام.

Bu hastalığı daha önce hiç geçirmedim من قبلاً این بیماری را نداشتم.

Hiç narkotik kullanmadım من هیچ وقت از مواد مخدر استفاده نکرده‌ام.

Kliniğiniz isimsiz AIDS testi yapıyor mu?

آیا کلینیک شما آزمایش ایدز را به صورت ناشناس انجام می‌دهد؟

Bu ilacı kullanıyorum من از این دارو استفاده می‌کنم.

Rejim var من رژیم دارم.

Yataktan çıkabilir miyim? اجازه دارم تختخواب را ترک کنم؟

Sakinleştirici bir ilaç için reçete yazar mısınız?

لطفاً ممکن است برای من یک آرام بخش بنویسید؟

Reçete yazar mısınız? لطفاً برای من یک نسخه بنویسید.

Röntgen odası nerede? اتاق رادیولوژی کجاست؟

Röntgen çektirmem gerekiyor باید چند عکس رادیولوژی از من گرفته شود.

Bu testin ücreti ne kadar? این آزمایش چقدر هزینه دارد؟

کلمات مفید:

| | | | |
|------------------|---------------|------------------------|-------------------|
| randevu | وقت تعیین شده | mide bulantısı | حالت تهوع |
| kontrol | معاینه | kaşınıtı | دانه |
| reçete | نسخه | idrar yolları iltihabı | عفونت مجاری ادرار |
| tedavi | درمان | zührevi hastalıklar | بیماری مقاربتی |
| analiz | آزمایش | kurt | کرم |
| Röntgen | اشعه ایکس | arterit | آرتروز |
| sağlık muayenesi | معاینه جسمی | tahlil | نمونه آزمایش |
| hemşire | پرستار | astım | آسم |
| hazımsızlık | سوءهاضمه | bronşit | برونشیت |
| enfeksiyon | عفونت | alerji | حساسیت |
| migren | میگرن | kalp rahatsızlığı | بیماری قلبی |

دندان پزشکی (dişci) :

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|---|
| Dişçiye gitmeliyim | من باید پیش یک دندان پزشک بروم. |
| En yakın dişçi nerede? | نزدیک ترین کلینیک دندان پزشکی کجاست؟ |
| Dolgun düştü | پرشدگی دندانم کنده شده است. |
| Dişime dolgu yaptırmak istiyorum | می خواهم یک دندانم را پر کنم. |
| Çiğnerken acıyor | وقتی غذا می جوم درد می گیرد. |
| Dişim düştü | یک دندان من افتاده است. |
| Diş etim acıyor? | لثه هایم درد می کنند. |
| Protezlerimi onarabilir misiniz? | آیا می توانید دندان های مصنوعی مرا درست کنید؟ |
| Lütfen, bu dişi kaplayın | لطفاً این دندان را روکش کنید. |
| Dişi çekmeniz şart mı? | آیا لازم است که این دندان کشیده شود؟ |
| Çekmeyin | این دندان را نکشید. |
| Lütfen ağrıyı giderecek bir şeyler yapın | لطفاً برای درد آن کاری بکنید. |

حوادث/کمک های اولیه (kazalar/ilk yardım) :

| | |
|---|--|
| Doktor çağırın lütfen | لطفاً یک پزشک خبر کنید. |
| Ambulans çağırın lütfen | لطفاً یک آمبولانس خبر کنید. |
| Beni hastaneye götürün! | مرا به بیمارستان ببرید! |
| Beni deniz tutuyor. Doktor çağırabilir misiniz? | من خیلی دریا زده شده ام. امکان دارد یک پزشک پیدا کنید؟ |
| Acil bir durum! | فوری است. |
| Oğlum yaralandı | پسرم صدمه دیده است. |
| Babam yaralandı | پدرم زخمی شده است. |
| Kızım yaralandı | دخترم صدمه دیده است. |
| Eşim yaralandı | همسرم زخمی شده است. |
| Annem yaralandı | مادرم صدمه دیده است. |
| Onun şuuru yerinde değil | او بیهوش است. |
| O ağır yaralı | او شدیداً صدمه دیده است. |
| Kan kaybediyorum | من خونریزی دارم. |
| Kan kaybediyor | او خونریزی دارد. |
| Bana araba çarptı | من با یک ماشین تصادف کرده ام. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Çok kan kaybettim مقدار زیادی خون از من رفته است.
 Basamaklara takıldım توی پله‌ها پایم گیر کرد و افتادم.
 Merdivenden düştüm من از پله‌ها افتادم.
 Hastanede kalmam gerekiyor mu? آیا باید در بیمارستان بمانم؟
 Buyurun, sağlık sigortam بفرمایید این بیمه نامه پزشکی من است.
 Ameliyat olmam gerekiyor mu? آیا نیاز به عمل جراحی دارم؟
 Lokal anestezi mi olacağım? آیا بیهوشی موضعی برای من لازم است؟
 Penisiline alerjim var? من به پنی‌سیلین حساسیت دارم.
 Antibiyotiğe alerjim var? من به آنتی‌بیوتیک حساسیت دارم.
 Novocaine'e alerjim var? من به داروی بیهوشی نواکائین حساسیت دارم.
 Herhangi bir ilaca karşı alerjim yok من به هیچ دارویی حساسیت ندارم.
 Bu ilaçları aldım من این داروها را می‌خورم.
 Alerjim var من حساسیت دارم.
 Epilepsim var من صرع دارم.
 Engelliyim من معلولیت دارم.
 acil servis اورژانس
 Hastahannede acil müdahale gereken hastaların alındığı bölüm, örn.trafik kazası mağdurları.

بخشی در بیمارستان برای بیمارانی که نیاز فوری به درمان دارند، مثلاً مجروحین تصادفات.

Yaralılar acil servise nakledildiler.

مجروحین به اورژانس منتقل شدند.

داروخانه (eczane)

Nöbetçi eczane nerede? نزدیک‌ترین داروخانه شبانه روزی کجاست؟
 Eczane saat kaçta açılıyor? داروخانه چه ساعتی باز می‌کند؟
 Eczane saat kaçta kapanıyor? داروخانه چه ساعتی تعطیل می‌کند؟
 Bu reçeteyi benim için hazırlar mısınız? امکان دارد این نسخه را برای من بپیچید؟
 Bekleyeyim mi? آیا باید منتظر بمانم؟
 Onu almak için geri geleceğim من برای گرفتنش بر می‌گردم
 Uyku ilacı için reçete gerekiyor mu? آیا برای قرص‌های خواب آور نسخه می‌خواهید؟
 Bu ilaç için reçete gerekiyor mu? آیا برای این باید نسخه داشته باشم؟

کلمات مفید:

| | | | |
|---------------------|-------------------------|------------------------|--------------------------------|
| Son kullanma tarihi | تاریخ انقضا | sterilizasyon | محلول استریل کننده |
| Tırnak tutan | ناخن گیر | solüsyonu | |
| Harici kullanım | فقط برای استعمال خارجی | temizleme solüsyonu | محلول پاک کننده |
| makas | قیچی | hap | قرص |
| Dahili kullanmayın | برای استعمال داخلی نیست | nemlendirici solüsyonu | محلول خیساندن |
| Reçete gerekli | فروش با نسخه پزشک | anti-alerji haplar | قرص ضد آلرژی |
| damar içi | درون وریدی | anti-astım sprey | اسپری ضد آسم |
| anal yolla | مقعدی | lavman | تنقیه |
| oral yolla | دهانی | derece | درجه |
| tatlı kaşığı | قاشق چای خوری | sargı bezi | باند |
| doz | مقدار مصرف | yara bandı | مشمع |
| hap | قرص | nemlendirici krem | کرم مرطوب کننده |
| tablet | قرص | el kremi | کرم دست |
| draje | قرص پوشش دار | dudak balsamı | پماد/کرم لب |
| köpüren tablet | قرص های جوشان | deodorant | دئودورانت |
| pastil | مکیدنی | diş ipi | نخ دندان |
| kapsül | کپسول | diş fırçası | مسواک |
| ampul | آمپول | güneş kremi/losyonu | کرم برای حمام آفتاب |
| damla | قطره | güneş sonrası losyon | لوسیون پس از حمام آفتاب |
| sıvı merhem | روغن مالیدنی | güneş koruması | کرم ضد آفتاب |
| karışım | مخلوط | faktör (SPF) | عامل محافظت در برابر نور آفتاب |
| şurup | شربت | tıraş bıçağı | تیغ صورت تراشی |
| fitil | شیاف | tıraş kremi | افترشیو |
| tarak | شانه | tuvalet kağıdı | دستمال توالت |
| toz | پودر | sabun | صابون |
| solüsyon | محلول | | |
| süspansiyon | سوسپانسیون | | |
| krem | کرم | | |

| | | | |
|--------------------|---------------------|------------------|------------------|
| çare | درمان | temizlik mendili | نوار بهداشتی |
| ilaç | دارو | tampon | تامپون |
| ağrı kesici | داروی مسکن | fırça | شانه |
| analjezik | داروی مسکن | saç kremi | نرم کننده |
| sakinleştirici | داروی مسکن | köpük | موس |
| müşil | ملین | saç spreyi | اسپری مو |
| yatıştırıcı | خواب آور | şampuan | شامپو |
| uyku hapları | قرص خواب | bebek maması | غذای بچه |
| aspirinsiz ürün | مسکنی غیر از آسپرین | ıslak mendil | دستمال مرطوب بچه |
| öksürük için damla | قطره سرفه | bebek bezi | پوشک |
| kulak damlası | قطره گوش | kapsül | کپسول |
| göz damlası | قطره چشم | haşere ilacı | دافع حشره |
| vazelin | وازلین | merhem | پماد |
| alkol | الکل | yara bezi | نوار زخم بندی |
| sıvı merhem | روغن مالیدنی | pamuk | پنبه |
| damla | قطره | makas | قیچی |

ممکن است بشنوید:

| | |
|------------------------|---------------------------------|
| Sigortanız var mı? | آیا بیمه دارید؟ |
| Ağrınız var mı? | درد دارید؟ |
| Başınız mı dönüyor? | سرتان گیج می‌رود؟ |
| Hareket etmeyin. | تکان نخورید. |
| Kastlarınızı gevşetin. | آرام باشید |
| Kaç yaşındasınız? | چند سال دارید؟ |
| Kan grubunuz ne? | گروه خونی شما چیست؟ |
| Hasta mısınız? | آیا احساس بیماری می‌کنید؟ |
| Kaza mı geçirdiniz? | آیا برای شما اتفاقی افتاده است؟ |
| Size ne oldu? | چه اتفاقی برای شما افتاد؟ |
| İyi misiniz? | آیا حالتان خوب است؟ |
| Önemli bir şey değil. | چیز مهمی نیست. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Şeker hastalığınız var mı? آیا دیابت دارید؟
- Yüksek tansiyonunuz var mı? آیا فشار خون شما بالا است؟
- Düşük tansiyonunuz var mı? آیا فشار خون شما پایین است؟
- Herhangi bir ilaca alerjiniz var mı? آیا به دارویی حساسیت دارید؟
- İlaç kullanıyor musunuz? از چه داروهایی استفاده می‌کنید؟
- Ne zaman kötü hissetmeye başladınız? چه موقع حالتان بد شد؟
- Ne zaman acıyor? کی درد می‌گیرد؟
- Neresi acıyor? کجا درد می‌کند؟
- Dokunduğum zaman acıyor mu? وقتی اینجا دست می‌گذارم، درد می‌گیرد؟
- Yutduğunuz zaman acıyor mu? وقتی چیزی قورت می‌دهید درد می‌گیرد؟
- Çiğnediğiniz zaman acıyor mu? وقتی چیزی می‌جوید درد می‌گیرد؟
- Buyrun, reçeteniz. بفرمایید این نسخه شماست.
- Bu ilaçları kullanın. از این داروها استفاده کنید.
- Bu hapları kullanın. از این قرص‌ها استفاده کنید.
- Ciddi bir tedaviye ihtiyacınız var. شما به درمان جدی نیاز دارید.
- Kronik herhangi bir hastalığınız var mı? آیا به بیماری‌های مزمن مبتلا هستید؟
- Sigortanız bu tür bir tedaviyi karşılamıyor. بیمه شما این نوع درمان را پوشش نمی‌دهد.
- Bunun için daha önceden bir tedavi gördünüz mü? آیا قبلاً برای این مشکل تحت درمان قرار گرفته‌اید؟
- Bazı testler yaptırmanız gerekiyor. باید یک سری آزمایش انجام دهید.
- Ağzınızı açın lütfen. لطفاً دهانتان را باز کنید.
- Dişinizi çekmemiz gerekiyor. مجبوریم دندانتان را بکشیم.
- Acı hissetmeyeceksiniz. هیچ دردی احساس نخواهید کرد
- Endişelenmeyin, acıtmayacak. نگران نباشید، درد ندارد.
- Reçeteniz var mı? آیا نسخه دارید؟
- Reçetesiz alınabilir. بدون نسخه نمی‌توانید این دارو را بگیرید.
- Reçete gerekiyor. نسخه لازم دارد.
- Üzgünüm, bu reçeteli ilaç. متأسفانه این دارو با نسخه پزشک فروخته می‌شود.

زمان ماضی مطلق: di'li geçmiş zaman

به وقوع یا حدوث و خاتمه‌ی عمل و حرکت در گذشته‌ی دور یا نزدیک دلالت می‌کند. ماضی مطلق از شرکت مستقیم شخص متکلم در جریان وقوع یا حدوث فعل و یا از وقوف قطعی او بر وقوع و یا حدوث آن حکایت می‌کند و بنابراین، از آن به ماضی شهودی نیز نام می‌برند.

در صرف این فعل از مصدر فعل امر ساخته و به دنبالش از شاخص ماضی مطلق که $-D\dot{I}$ ($-di, -d\dot{ı}, -d\ddot{u}, -du$) - است، استفاده کرده و به دنبال آن از ضمایر متصل به فعل استفاده می‌کنیم. در صرف این فعل تنها یک نکته متفاوت از سایر افعال است؛ این که در اول شخص جمع، ضمیر متصل به فعل حرف k است.

زمان ماضی مطلق

علامت ضمایر شخصی + $-di, -d\dot{ı}, -d\ddot{u}, -du, ti, -t\dot{ı}, -t\ddot{ü}, -tu$ + مصدر فعل بدون mak, mek

آمدم $gel + di + (i) m = geldim$ اول شخص مفرد
آمدیم $gel + di + (i) k = geldik$ اول شخص جمع

در منفی کردن نیز از فعل امر منفی به ترتیب فوق بهره جسته و فعل را صرف می‌کنیم: مثال:

نیامدم $gelme + di + i (m) = gelmedim$ (نیامدن) $gelmemek$

در حالت سؤالی منفی یا مثبت، کافی است به آخر افعال پیوند استفهامی $-m\dot{I}$ را اضافه کنیم تا فعل درست شود:

آیا آمدم؟ $geldim mi$

آیا نیامدم؟ $gelmedim mi$

جدول صرف زمان ماضی مطلق از مصدر $g\ddot{ö}rmek$ دیدن

| مفرد | مثبت دیدم | منفی ندیدم | مثبت سؤالی آیا دیدم؟ | منفی سؤالی آیا ندیدم؟ |
|------|---------------------------------|---------------------|---|--------------------------|
| 1 | $g\ddot{ö}rd\ddot{u}m$ | $g\ddot{ö}rmedim$ | $g\ddot{ö}rd\ddot{u}m\ m\ddot{ü}?$ | $g\ddot{ö}rmedim\ mi?$ |
| 2 | $g\ddot{ö}rd\ddot{u}n$ | $g\ddot{ö}rmedin$ | $g\ddot{ö}rd\ddot{u}n\ m\ddot{ü}?$ | $g\ddot{ö}rmedin\ mi?$ |
| 3 | $g\ddot{ö}rd\ddot{ü}$ | $g\ddot{ö}rmedi$ | $g\ddot{ö}rd\ddot{ü}\ m\ddot{ü}?$ | $g\ddot{ö}rmedi\ mi?$ |
| جمع | | | | |
| 1 | $g\ddot{ö}rd\ddot{ü}k$ | $g\ddot{ö}rmedik$ | $g\ddot{ö}rd\ddot{ü}k\ m\ddot{ü}?$ | $g\ddot{ö}rmedik\ mi?$ |
| 2 | $g\ddot{ö}rd\ddot{ü}n\ddot{ü}z$ | $g\ddot{ö}rmediniz$ | $g\ddot{ö}rd\ddot{ü}n\ddot{ü}z\ m\ddot{ü}?$ | $g\ddot{ö}rmediniz\ mi?$ |
| 3 | $g\ddot{ö}rd\ddot{ü}ler$ | $g\ddot{ö}rmediler$ | $g\ddot{ö}rd\ddot{ü}ler?$ | $g\ddot{ö}rmediler\ mi?$ |

چند مثال دیگر:

düştüm
İyileşmediler
Tedavi oldunuz mu?

افتادم.
آن‌ها بهبودی نیافتند.
آیا معالجه شدید؟

برای تمرین جمله‌های زیر را به گذشته تبدیل می‌کنیم:

Saunaya terlemek için gidiyoruz.
Jimnastikten sonra karnım acıktır.
Dışarıda oynayınca uykusu geliyor
Çalışıyorum ama yorulmuyorum.
Çocuk sıcak havada çok susuyor.
Zeyiflamak için perhiz mi yapıyorsun?
İyileşiyor, Ona çok seviniyoruz.

برای عرق کردن به سونا می‌روم.
بعد از ژیمناستیک گرسنه می‌شوم.
وقتی در بیرون بازی می‌کند احساس خواب می‌کند.
کار می‌کنم اما خسته نمی‌شوم.
کودک در هوای گرم خیلی تشنه می‌شود.
آیا برای لاغری رژیم می‌گیری؟
او دارد خوب می‌شود ما از آن خیلی خوشنودیم.

گذشته:

Saunaya terlemek için gittik
Jimnastikten sonra karnım acıktı.
Dışarıda oynayınca uykusu geldi.
Çalıştım ama yorulmadım.
Çocuk sıcak havada çok susadı.
Zeyiflamak için perhiz mi yaptın?
İyileşti, Ona çok sevindik.

برای عرق کردن به سونا رفتیم.
بعد از ژیمناستیک گرسنه‌ام شد.
وقتی در بیرون بازی کرد خوابش گرفت.
کار کردم اما خسته نشدم.
بچه در هوای گرم خیلی تشنه شد.
رژیم را برای لاغر شدن گرفتی؟
او خوب شد. برای این خیلی خوشنود شدیم.

Hala (هنوز) ، Artık (دیگر)

Hala başınız ağrıyor mu?
Hayır, artık hiç ağrımıyor

آیا هنوز سردرد دارید؟
خیر، دیگر هیچ سردردی ندارم

پیشنهاد دادن توصیه کردن

عمل لازم که به شکل حال استمراری بیان می‌شود + (Neden)

Ben olsam ...

... istersen (iz)

Akıl vermek gibi olmasın ama ...

-sEnE/-sEnIzE

Bence ...

Parmağını kesti, çok kanıyor.

Neden melhem sürmüyorsunuz?

انگشتش را برید، خیلی خون می‌آید.

چرا پماد (مرهم) روی آن نمی‌گذارید؟

Yükesk ateşi var, telaşlanıyorum

Ben olsam bir aspirin veririm.

تب او خیلی بالاست، نگرانم.

اگر جای تو باشم به او آسپیرین می‌دهم.

Miğdem bulanıyor, bilmem neden?

Çok mu yedin acaba? Biraz uzansana.

دل بهم خوردگی دارم، نمی‌دانم چرا؟

شاید زیاد خورده‌ای؟ کمی دراز بکش.

Merdivenden düştü. Herhalde ayağı kırıldı.

Akıl vermek gibi olmasın ama bence hemen bir röntgen çektirin.

از پله‌ها افتاد. احتمالاً پایش شکسته.

نمی‌خواهم خودم را عاقل نشان بدهم اما به عقیده من فوراً از آن عکس برداری کنید.

Başımın ağrısını çok merak ediyorum.

Mühim bir şey değil. Geçer. Benim de ağrıyor.

از سردردم بسیار نگرانم.

مهم نیست. می‌گذرد (رفع می‌شود) سر من هم درد می‌کند.

Dişim ağrıyor.

Bir dişçiye git istersen.

دندانم درد می‌کند.

می‌توانی به یک دندان‌پزشک بروی.

istersen یعنی «اگر بخواهی». توضیح بیشتر آن در درس ۱۰ در بحث ise- آمده است.

İshal olduk. Ne tavsiye edersiniz?

Aman sakın mayonez yemeyin

اسهال شدید داریم. چه توصیه‌ای می‌کنید؟

خوب، نباید مایونز بخورید. (امان مبادا مایونز بخورید)

حالت امری (غیررسمی)

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

پیوندهای -sEnE/-sEnIzE- مختص به دوم شخص مفرد و جمع است برای حالت دستوری غیررسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و با توجه به شرایط، مفاهیم متفاوتی دارد.

۱- لحن شدیدی را که در دستورات صریح وجود دارد ملایم می‌کند. مثلاً Hastahaneye gitsenize (لطفاً بروید به بیمارستان) ملایم‌تر و پذیرفتنی‌تر از Hastahaneye gidin (بروید به بیمارستان) است.

۲- حالتی از بی‌صبری را نشان می‌دهد.

İçeriye gir dedim.

به تو گفتم برو تو.

Dinlesene.

(چرا گوش نمی‌دهی) گوش کن.

Yemeğini yesene!

غذایت را (چرا نمی‌خوری) بخور!

Bana Baksana

(لطفاً) به من نگاه کن

DEn sonra (بعد از)

Senden sonra ben geldim.

بعد از تو من آمدم

DEn önce (قبل از)

Ali Mehmet'ten önce gitti.

علی قبل از محمد رفت.

DEn evvel (قبل از)

Her şeyden evvel buna bakın.

قبل از هر چیز به این نگاه کنید.

نکته: در اینجا ما حرف d و e را به صورت بزرگ نشان دادیم. زیرا این دو حرف می‌توانند نسبت به محیط صوتی به ترتیب به t و a تبدیل شود.

روایت کردن یک حادثه

Hasta mısın? Neyin var?

Bir süredir arkamda bir ağrı var.

Nasıl başladı?

Valla, iki ay evvel bir gün denize gittik. Kocam yürüdü, denize girdi. Ben çakıl taşlarını sevmem. Efendime söylüyeyim, iskeleden atlamak istedim. Derken efendim, tam tahtanın kenarında duruyorum. Çocuklardan biri gelip arkamdan itmesin mi!

Aaa, hay allah!

Ondan sonracığıma, suya ters bir şekilde düştüm. Devamlı ... ne derler adına ... aspirin alıyorum ama henüz bir faydasını görmedim.

آیا مریض هستی؟ چی شده؟

مدتی است پشتم درد می‌کند.

چطور شروع شد؟

والله، دو ماه پیش روزی به دریا رفتیم. شوهرم با پای برهنه وارد دریا شد. من سنگریزه‌ها را دوست ندارم. بله، عرض کنم که خواستم از سکو بپریم. عرض کنم درست در کنار تخته شیرجه ایستادم. یکی از بچه‌ها آمد از پشت مرا هل داد وای، خدای من!

بله، عرض کنم، سپس به شکل ناجوری در آب افتادم. دائماً... به آن چه می‌گویند... بله اسپیرین می‌خورم اما هنوز تأثیر نداشته است (فایده‌ای از آن ندیده‌ام).

DEn beri - (از... تاکنون) و Dİr (به مدت)

Sonbahardan beri ilaç alıyorum.

از پاییز (تاکنون) دوا می‌خورم.

Üç gündür tedaviye gidiyor.

به مدت سه روز است برای معالجه می‌رود

Geçen seneden beri muayeneye gitmedim

از سال گذشته (تا کنون) برای معاینه نرفته‌ام.

Uzun zamandır aşı olmadık.

مدت زیادی است که واکسن نزده‌ایم.

شکل جملات بالا در زبان ترکی به صورت زمان گذشته ساده است اما ترجمه آن در فارسی به صورت زمان ماضی نقلی ارائه شده است. به شکل زمان حال استمراری جملات زیر توجه کنید:

dinleniyorum

دارم استراحت می‌کنم.

dinlendim bile.

قبلاً استراحت کردم.

bile

bile به معنی «حتی، هم، نیز» است و گاهی معنی «قبلاً» را می‌دهد. مثال:

Ben bile bilmiyorum

حتی من هم نمی‌دانم.

Nuri, sokağa bile çıkmak istemiyor.

نوری حتی نم خواهد به خیابان برود.

Bazen o pis köpeği okşuyor bile.

بعضاً آن سگ کثیف را حتی نوازش می‌کند.

O filmi gördüm bile.

آن فیلم را قبلاً دیده‌ام.

DEn beri - را می‌توان با قیدهایی که آغاز مشخصی از زمان را نشان می‌دهند همراه کرد:

Pazardan beri

از یکشنبه

Marttan beri

از مارس

yazdan beri

از تابستان

اما اگر قید زمان با عددی توصیف شده باشد می‌توان آن را با dEn beri - یا با dİr - به کاربرد بدون آنکه در معنا

تغییری ایجاد شود.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

üç geceden beri

در طول (به مدت) سه شب گذشته

üç gecedir

در طول (به مدت) سه شب گذشته

Henüz

دو شکل مثبت و منفی دارد. در جملات مثبت به معنی «هم اکنون» و در جملات منفی به معنی «هنوز» است.

Henüz kalktım

هم اکنون بلند شده‌ام.

Henüz kalkmadım

هنوز بلند نشده‌ام.

mektubu henüz aldım hala (daha) okuyamadım

نامه را هم اکنون گرفتم هنوز نتوانستم بخوانم

kalktın mı?

این کلمه، شکل پرسشی ندارد و برای گفتن «آیا تاکنون بیدار شده‌اید؟» می‌گوییم:

Hiç (هرگز، هیچ)

Hiç antibiyotik kullandınız mı?

آیا هرگز (هیچ) آنتی‌بیوتیک مصرف کرده‌اید؟

Hayır, hiç kullanmadım.

خیر، هرگز (هیچ) مصرف نکرده‌ام.

Hiç kan testi yaptırdınız mı?

هرگز (هیچ) آزمایش خون داده‌اید؟

Evet yaptırdım. Kan gurubum RH pozitif

بله داده‌ام. گروه خونی ام RH مثبت است.

اصطلاحات اضافی در صحبت‌ها

گوینده گاهی در صحبت‌های طولانی عبارتهایی مانند *Derken efendim*، *efendime söyliyeyim*.

Ondan sonracağıma را برای پر کردن خلأ و شکاف حرف‌های خود بر زبان می‌آورد تا فرصت بیشتری برای

فکر کردن به خود بدهد. معادل این عبارتهای در فارسی «بله، عرض کنم که» و مانند آن است.

استفاده از وجه شرطی در ذکر وقایع غیرمنتظره

استفاده از وجه شرطی به صورت سؤالی و منفی روشی است برای گوینده تا غیرمنتظره بودن یک واقعه را نشان دهد و

یا احساس تعجب در شنونده ایجاد کند.

Çocuk birden hastalanmasın mı? = (Çocuk birden hastalandı)

آیا بچه ناگهان مریض شد؟

O gün hemşireler grev yapmasın mı? = (O gün hemşireler grev yaptı)

آیا آن روز پرستاران اعتصاب کردند؟

اصطلاحات

Ha Hoca Ali, ha Ali Hoca:

برای مواقعی به کار میرود که دو چیز در ظاهر متفاوت نشان میدهند ولی در واقعیت هیچ تفاوتی باهم ندارند.

Hoş beş etmek:

خوش بش کردن. از این و آن حرف زدن

Hava parası:

پول سرقفلی

Haram para:

پول حرام. پولی که از نظر دینی از راههای غیر متعارف حاصل میشود

Ivır zıvır :

خرت و پرت. چیز بی ارزش

Islak tavuk :

کنایه از زن مسکین میباشد.

İyi gün dostu:

دوست روز خوب. دوستی که در روزهای سختی همراه دوستش نیست

Kaldırım mühendisi:

مهندس پیاده رو. این عبارت برای انسانهای بی کسب و کار که در کوچه خیابان ها میگردند به کار برده میشود.

درس ۹

بیان قصد و نیت



-(y)i planlamak/düşünmek/arzu etmek
niyetinde olmak
istemek
inşallah

Yılbaşında bir şeyler almayı planlıyor musun?

Tabii, hediyesiz Yılbaşı olur mu?

Neler almak niyetindesin?

Herhalde çoğunlukla kıyafet. Kocam için bir takım elbise ile kravat düşünüyorum. Oğluma kazak ve çizme alacağım. Veya saat, bakalım duruma göre. Kızıma bir bluzla etek almak niyetindeyim. Annem uzun zamandır bir palto istiyor. Babama da güzel bir şapka inşallah.

Peki, bana bir şey almıyacak mısın?

Almaz olur muyum? Ama seninkini söylemem.

آیا برای سال نو تصمیم دارید چیزهایی بخرید؟

البته. آیا سال نو بدون هدیه می‌شود؟

قصد دارید چه چیزهایی بخرید؟

احتمالاً بیشتر لباس است. برای شوهرم یک دست لباس با کراوات در نظر دارم. برای پسرم پیراهن و پوتین خواهم خرید؛ و یا ساعت، باید موقعیت را ببینم (به موقعیت بستگی دارد). تصمیم دارم برای دخترم یک بلوز دامن بخرم. مادرم خیلی وقت است که یک پالتو می‌خواهد. برای پدرم نیز انشاء الله یک کلاه خوشگل می‌گیرم.

بسیار خوب، آیا برای من چیزی نمی‌خری؟

مگر می‌شود نخرم؟ اما مال تو را نمی‌گویم.

به نظر می‌رسد که bir şeyler (یک چیزها) به خاطر مفرد و جمع بودن یک عبارت، متناقض است اما این یک عبارت ترکیبی (به معنی چیزی، چیزها) بوده و به همین صورت استفاده می‌شود.

satın almak یعنی «خریدن». اما معمولاً کوتاه شده آن را almak (گرفتن، خریدن) در مکالمات بکار می‌برند.

خرید

اطلاعات (danışma)

En yakın alışveriş merkezi nerede?

منطقه خرید کجاست؟

Alışveriş bölgesi nerede?

منطقه خرید اصلی کجاست؟

En yakın kitap evi nerede?

نزدیک‌ترین کتاب فروشی کجاست؟

En yakın hediyelik eşya mağazası nerede?

نزدیک‌ترین مغازه کادو فروشی کجاست؟

En yakın antikacı nerede?

نزدیک‌ترین مغازه عتیقه فروشی کجاست؟

En yakın Tekel nerede?

نزدیک‌ترین مغازه مشروب فروشی کجاست؟

En yakın ayakkabıcı nerede?

نزدیک‌ترین مغازه کفش فروشی کجاست؟

En yakın müzik mağazası nerede?

نزدیک‌ترین فروشگاه موسیقی کجاست؟

En yakın giyim mağazası nerede?

نزدیک‌ترین فروشگاه پوشاک کجاست؟

En yakın çarşı nerede?

نزدیک‌ترین بازار کجاست؟

En yakın eczane nerede?

نزدیک‌ترین داروخانه کجاست؟

Saat kaçta açıyorsunuz?

چه موقع باز می‌کنید؟

Saat kaçta kapıyorsunuz?

چه موقع تعطیل می‌کنید؟

Bu mağaza saat kaçta açılıyor?

این فروشگاه چه موقع باز می‌کند؟

| | |
|--|--|
| Bu mağaza saat kaçta kapanıyor? | این فروشگاه چه موقع تعطیل می‌کند؟ |
| Hafta içi kaçta kadar açıksınız? | روزهای هفته تا کی باز هستید؟ |
| Hafta sonu kaçta kadar açıksınız? | تعطیلات آخر هفته تا کی باز هستید؟ |
| Buralarda vergisiz satış mağazası var mı? | آیا مغازه معاف از مالیات خرید در این نزدیکی هست؟ |
| Buralarda hediyelik eşya mağazası var mı? | آیا مغازه کادو فروشی در این نزدیکی هست؟ |
| Yakınlarda büyük mağaza var mı? | آیا فروشگاه بزرگ در این نزدیکی هست؟ |
| Yakınlarda giyim mağazası var mı? | آیا فروشگاه پوشاک در این نزدیکی هست؟ |
| Yakınlarda spor malzemeleri mağazası var mı? | آیا فروشگاه وسایل ورزشی در این نزدیکی هست؟ |
| Gıda mağazası hangi katta? | بخش مواد غذایی در کدام طبقه است؟ |
| Giyim mağazası hangi katta? | بخش پوشاک در کدام طبقه است؟ |
| Ayakkabılar mağazası hangi katta? | بخش کفش در کدام طبقه است؟ |
| Spor malzemeleri mağazası hangi katta? | بخش وسایل ورزشی در کدام طبقه است؟ |
| Hediyelik eşya mağazası hangi katta? | بخش سوغات در کدام طبقه است؟ |
| Bu şehrin özel ürünleri neler? | چه چیزهایی مخصوص این شهر هستند؟ |
| Onu nereden satın alabilirim? | از کجا می‌توانم آن را بخرم؟ |
| Onları nereden satın alabilirim? | از کجا می‌توانم آن‌ها را بخرم؟ |

کلمات مفید

| | | | |
|---------------------------|--------------------------------|----------------------|----------------------|
| antikacı | مغازه عتیقه فروشی | alışveriş merkezi | مرکز خرید |
| kitap evi | کتاب فروشی | bayan giyim mağazası | مغازه لباس زنانه |
| eczane | داروخانه | erkek giyim mağazası | مغازه لباس مردانه |
| gazete bayi | دکه روزنامه فروشی | çocuk giyim | لباس کودکان |
| fotoğraf stüdyosu | فروشگاه دوربین | kadın iç çamaşırını | لباس زیر زنانه |
| giyim mağazası | فروشگاه پوشاک | çorap | جوراب و زیرپوش کشباف |
| büyük mağaza | فروشگاه بزرگ | triko | لباس بافتنی |
| ayakkabı mağazası | کفش فروشی | pijama mağazası | لباس خواب |
| spor malzemeleri mağazası | فروشگاه لوازم ورزشی | iş/açılış saatleri | ساعات کار |
| hediyelik eşya mağazası | مغازه کادو فروشی / سوغات فروشی | açık | باز |
| | | kapalı | تعطیل |
| | | Tüm gün açık | تمام روز باز است |

| | | | |
|-----------------------------------|---------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|
| oyuncak dükkanı | فروشگاه اسباب بازی | Öğle yemeği için kapalı | برای ناهار تعطیل است |
| sağlıklı gıda malzemeleri dükkanı | فروشگاه غذاهای سالم | Tasfiye satışı/ Likidasyon satışı | حراج بسته شدن فروشگاه/حراج تعطیلی |
| kuyumcu | جوهر فروشی | | فروشگاه |
| çarşı | بازار | Tasfiye satışı | حراج کلی |
| minimarket | مغازه | bahar/kış/Noel satışı | حراج بهاره/زمستانی/کرسمس |
| süpermarket | سوپرمارکت | Kasa | صندوق |
| hipermarket | فروشگاه بزرگ | kat haritası | راهنمای طبقه |
| Yönetici | خدمات مشتری | satış | حراج |
| Burada ödeyin | اینجا بپردازید | | |
| indirim | تخفیف | | |
| hediye | هدیه | | |

سرویس (سرویس)

| | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| Sadece etrafa bakıyorum. | فقط دارم نگاه می کنم. |
| Pahalı mı? | آیا گران است؟ |
| Sizde ... var mı? | آیا ... دارید؟ |
| ... istiyorum. | من ... می خواهم. |
| ... rica ediyorum. | من ... می خواستم. |
| ... görmek istiyorum. | من می خواهم ... را ببینم. |
| Lütfen bana ... gösterin. | لطفاً ... را به من نشان دهید. |
| ... arıyorum. | من دنبال ... می گردم. |
| Bunun gibi bir şey var mı? | آیا مثل این را دارید؟ |
| Daha kalitelisi var mı? | آیا جنس بهتری دارید؟ |
| Daha büyük boyu var mı? | آیا بزرگ تر از این دارید؟ |
| Daha ucuzu var mı? | آیا ارزان تر از این دارید؟ |
| Daha uzununu var mı? | آیا بلندتر از این دارید؟ |
| Daha kısası var mı? | آیا کوتاه تر از این دارید؟ |
| Daha küçüğü var mı? | آیا کوچک تر از این دارید؟ |
| Daha ucuz bir şeyleriniz var mı? | آیا چیز ارزان تری دارید؟ |
| Daha büyük bir şeyleriniz var mı? | آیا چیز بزرگ تری دارید؟ |

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

- Daha pahalı bir şeyleriniz var mı? آیا چیز گران تری دارید؟
- Daha uzun bir şeyleriniz var mı? آیا چیز بلندتری دارید؟
- Daha kaliteli bir şeyleriniz var mı? آیا چیز با کیفیت بهتری دارید؟
- Daha kısa bir şeyleriniz var mı? آیا چیز کوتاهتری دارید؟
- Daha küçük bir şeyleriniz var mı? آیا چیز کوچکتری دارید؟
- Bu hangi boy? چه اندازه است؟
- Benim boyum var mı? امکان دارد اندازه مرا چک کنید؟
- Kol boyumu ölçer misiniz? ممکن است قد آستین من را اندازه بگیرید؟
- Yakamı ölçer misiniz? ممکن است یقه من را اندازه بگیرید؟
- Ayakkabı numaramı ölçer misiniz? ممکن است سایز کفش من را اندازه بگیرید؟
- Daha büyük boyu var mı? آیا اندازه بزرگتر دارد؟
- Daha az pahalı olanı var mı? آیا با قیمت مناسب تر از این هم هست؟
- Başka renkleri var mı? رنگ‌های دیگری از این را دارید؟
- Daha açık bir tonunu görmek istiyorum. من می‌خواهم یک رنگ روشن تر را ببینم.
- Daha koyu bir tonunu görmek istiyorum. من می‌خواهم یک رنگ تیره تر را ببینم.
- Farklı bir tonunu görmek istiyorum. من می‌خواهم یک رنگ متفاوت را ببینم.
- Başka bir tane gösterin lütfen. لطفاً یکی دیگر را به من نشان بدهید.
- Bunu benim için ayırtın lütfen. لطفاً این یکی را فعلاً برای من نگه دارید.
- Benim boyum sipariş edebilir misiniz? ممکن است اندازه مرا سفارش دهید؟
- Yeni stoklarınız ne zaman gelecek? جنس‌های جدید شما کی می‌رسند؟
- Bu ürün ne zaman indirim girer? کی این جنس را به حراج می‌گذارید؟
- Bunu alıyorum. من این یکی را بر می‌دارم.
- Hediye paketi alabilir miyim? امکان دارد یک جعبه کادو به من بدهید؟
- Bunu hediye paketi yapar mısınız? امکان دارد این را برای من کادو کنید؟
- Ayrı paketleyin lütfen. لطفاً آن‌ها را جداگانه کادو کنید.
- Bu güzel ama biraz pahalı. خوب است، اما کمی گران است.
- Bunu satın almaya gücüm yetmez. من از عهده خرید این بر نمی‌آیم.
- Bunu faturası ile birlikte otele gönderir misiniz? آیا ممکن است آن را با یک رسید به هتل من بفرستید؟
- Bugün gönderebilir misiniz? آیا ممکن است آن را امروز بفرستید؟
- Gönderebilir misiniz? ممکن است آن را بفرستید؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Bunu otelime gönderir misiniz? ممکن است آن را به این آدرس بفرستید؟

Bunu bu adrese gönderir misiniz? ممکن است آن را به این آدرس بفرستید؟

Satın aldıklarımı ev adresime gönderir misiniz? آیا ممکن است خریدهایم را به آدرس خانهاام بفرستید؟

Buna desen yaptırmak istiyorum. من می‌خواهم آن را با حروف اول اسم تزئین کنید.

Bunun üzerine baş harflerimi yazdırmak istiyorum. من می‌خواهم حروف اول اسم من روی این حک شود.

Bunun üzerine ismimi yazdırmak istiyorum. من می‌خواهم اسم من روی این حک شود.

Bunun üzerine soyadımı yazdırmak istiyorum. من می‌خواهم نام خانوادگی من روی این حک شود.

Elime alabilir miyim? ممکن است آن را بردارم؟

Daha sonra tekrar geleceğim. من بعداً برمی‌گردم.

پوشاک (giyim)

Özel dikim bir takım rica ediyorum. من یک دست کت و شلوار سفارشی می‌خواهم.

Resmi bir takım rica ediyorum. من یک دست کت و شلوار مخصوص کار می‌خواهم.

Üç parça bir takım rica ediyorum. من یک دست کت و شلوار سه تکه می‌خواهم.

İki parça bir takım rica ediyorum. من یک دست کت و شلوار دو تکه می‌خواهم.

Frak bir takım rica ediyorum. من یک دست کت و شلوار شب می‌خواهم.

Spor bir takım rica ediyorum. من یک دست لباس ورزشی می‌خواهم.

Bu pantolona uyacak ceketiniz var mı? آیا کتی دارید که به این شلوار بیاید؟

Bu eteğe uyacak ceketiniz var mı? آیا کتی دارید که به این دامن بیاید؟

Pijama rica ediyorum. من یک پیژامه می‌خواهم.

Bunu denemek istiyorum. می‌خواهم این را پرو کنم.

Her ikisini de denemek istiyorum. می‌خواهم هر دوی آنها را پرو کنم.

Soyunma odaları nerede? اتاق پرو کجاست؟

Bu kumaş dayanıklı mı? فکر می‌کنید این جنس با دوام باشد؟

Boyunu ayarlar mısınız? آیا قد آن را درست می‌کنید؟

Bunu uzatabilir misiniz? می‌توانید این را بلندتر کنید؟

Bunu kısaltabilir misiniz? می‌توانید این را کوتاه‌تر کنید؟

Bu bana tam uydu. کاملاً اندازه است.



| | |
|------------------------------|---------------------------------------|
| Burası çok dar. | اینجا خیلی تنگ است. |
| Bu bana olmadı. | کاملاً اندازه من نیست. |
| Çok kısa. | خیلی کوتاه است. |
| Çok uzun. | خیلی بلند است. |
| Çok dar. | خیلی تنگ است. |
| Çok bol. | خیلی گشاد است. |
| Koton bir şey arıyorum. | من یک جنس نخ می خواهم. |
| Deri bir şey arıyorum. | من یک جنس چرمی می خواهم. |
| Dantelli bir şey arıyorum. | من یک جنس توری می خواهم. |
| Kot kumaşı bir şey arıyorum. | من یک جنس جین می خواهم. |
| Yünlü bir şey arıyorum. | من یک جنس پشمی می خواهم. |
| Keten bir şey arıyorum. | من یک جنس کتان می خواهم. |
| Rami bir şey arıyorum. | من یک جنس پارچه رامی می خواهم. |
| Saf koton mu? | آیا نخ خالص است؟ |
| Saf sentetik mi? | آیا مواد مصنوعی خالص است؟ |
| Saf ipek mi? | آیا ابریشم خالص است؟ |
| Saf yün mü? | آیا پشم خالص است؟ |
| Bej bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ بژ می گردم. |
| Beyaz bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ سفید می گردم. |
| Mavi bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ آبی می گردم. |
| Gri bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ خاکستری می گردم. |
| Kahverengi bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ قهوه ای می گردم. |
| Pembe bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ صورتی می گردم. |
| Kırmızı bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ قرمز می گردم. |
| Yeşil bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ سبز می گردم. |
| Siyah bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ مشکی می گردم. |
| Sarı bir şey arıyorum. | من دنبال چیزی به رنگ زرد می گردم. |
| Elde yıkama mı? | آیا با دست قابل شستن است؟ |
| Makinede yıkama mı? | آیا با ماشین قابل شستن است؟ |

کلمات مفید

| | | | |
|--------------------|-------------------------|----------------|-----------------|
| terzi işi | دوخت سفارشی | boxer külot | شورت پاچه دار |
| bluz | بلوز | çorap | جوراب |
| gömlek | پیراهن | mayo | مایوی مردانه |
| tişört | تی شرت | mayo | لیاس شنا |
| kazak | گرمکن | sutyen | سینه بند، سوتین |
| kolsuz | بدون آستین | kadın geceliği | پیراهن زنانه |
| polo yaka (tişört) | تی شرت یقه دار | üst | تاپ |
| dik yakalı kazak | یقه اسکی | kep | کلاه |
| ceket | کت | şapka | کلاه |
| kot | شلوار جین | yağmurluk | بارانی |
| pantolon | شلوار | palto | کت، پالتو |
| tozluk | ساق | kazak | ژاکت |
| kapri | شلوار کشی زنانه | pulover | پلیور |
| şort | شورت | kumaş | پارچه |
| kumaş pantolon | شلوار مخمل کبریتی | koton | نخ |
| etek | دامن | ipek | ابریشم |
| yelek | جلیقه | akrilik | آکرلیک |
| bikini | مایوی دو تکه زنانه | polyester | پلیس تر |
| üçgen bikini | مایوی دو تکه بندی زنانه | yün | پشم |
| külot | زیرشلواری | keten | کتان |
| iç çamaşırını | زیرپوش | poliamid | پلی آمید |
| külot | زیرشلواری | nylon | نایلون |
| el yapımı | دست دوز | likra | لای کرا |
| tayt | اسپندکس | | |

لوازم تزئینی (aksesuarlar)

İpek kravat takımlarınızı gösterir misiniz?
 Üzgünüm, bu kravat çok sade.
 Çizgili bir kravat gösterin lütfen.

ممکن است کراوات‌هایتان را به من نشان بدهید؟
 متأسفم این کراوات خیلی ساده است.
 لطفاً یک کراوات با طرح راه راه به من نشان دهید.

| | |
|--|--|
| Lekli bir kravat gösterin lütfen. | لطفاً یک کراوات با طرح خال خالی به من نشان دهید. |
| Kareli bir kravat gösterin lütfen. | لطفاً یک کراوات با طرح چهارخانه به من نشان دهید. |
| Koyu renk bir kravat gösterin lütfen. | لطفاً یک کراوات ساده به من نشان دهید. |
| Pratik bir valiz seti görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک مجموعه چمدان‌های کارآمد ببینم. |
| Bu gerçek deri mi? | آیا این چرم اصل است؟ |
| Deri cüzdan rica ediyorum. | من یک کیف پول چرمی می‌خواهم. |
| Deri çanta rica ediyorum. | من یک کیف بغلی چرمی می‌خواهم. |
| Deri el çantası rica ediyorum. | من یک کیف دستی چرمی می‌خواهم. |
| Deri evrak çantası rica ediyorum. | من یک کیف چرمی می‌خواهم. |
| Deri kemer rica ediyorum. | من یک کمربند چرمی می‌خواهم. |
| Bir çift kol düğmesi rica ediyorum. | من یک جفت دکمه سر دست می‌خواهم. |
| Bir çift güneş gözlüğü rica ediyorum. | من یک عینک آفتابی می‌خواهم. |
| Bir çift eldiven rica ediyorum. | من یک دستکش می‌خواهم. |
| Bu gözlük benim için çok zayıf. | این عینک برای من خیلی ضعیف است. |
| Daha güçlü bir gözlük denemek istiyorum. | من می‌خواهم عینک‌های قوی تری را امتحان کنم. |
| Koton çorabınız var mı? | آیا جوراب نخی دارید؟ |
| Yün çorabınız var mı? | آیا جوراب پشمی دارید؟ |
| Naylon çorabınız var mı? | آیا جوراب نایلونی دارید؟ |
| Çorap alabilir miyim? | ممکن است یک جفت جوراب به من بدهید؟ |
| İnce çorap alabilir miyim? | ممکن است یک جفت جوراب ساق بلند به من بدهید؟ |
| Bu hangi kumaştan yapılmış? | این چه جنسی است؟ |

کلمات مفید

| | | | |
|--------------|--------------|------------------|-------------|
| aksesuarlar | لوازم تزئینی | gözlük | عینک |
| gerçek deri | چرم اصل | eldiven | دستکش |
| sunî deri | چرم مصنوعی | çanta | کیف |
| yumuşak deri | چرم نرم | arka çantası | کوله پشتی |
| sert deri | چرم خشک | el çantası | کیف دستی |
| mendil | دستمال | evrak çantası | سامسونت |
| başörtü | دستمال سر | çek defteri kabı | جلد دسته چک |

| | | | |
|---------|-----------|------------|---------|
| bandana | سر بند | eşarp | شال |
| kemer | کمر بند | şemsiye | چتر |
| kravat | کراوات | cüzdan | کیف پول |
| çanta | کیف زنانه | baş örtüsü | روسری |

کفش (ayakkabı)

| | |
|---|---------------------------------------|
| Erkek çocuğu ayakkabısı görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک جفت کفش پسرانه ببینم. |
| Kız çocuğu ayakkabısı görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک جفت کفش دخترانه ببینم. |
| Erkek ayakkabısı görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک جفت کفش مردانه ببینم. |
| Bayan ayakkabısı görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک جفت کفش زنانه ببینم. |
| Yazlık hafif bir ayakkabı istiyorum. | من یک جفت کفش سبک تابستانی می‌خواهم. |
| Spor ayakkabısı istiyorum. | من یک جفت کفش ورزشی می‌خواهم. |
| Sandal istiyorum. | من یک جفت صندل می‌خواهم. |
| Bunlar çok büyük. | این‌ها خیلی بزرگ هستند. |
| Bunlar çok dar. | این‌ها خیلی تنگ هستند. |
| Bunlar çok küçük. | این‌ها خیلی کوچک هستند. |
| Bunlar çok geniş. | این‌ها خیلی گشاد هستند. |
| Bir numara büyüğü var mı? | آیا اندازه بزرگ‌ترش را دارید؟ |
| Bir numara küçüğü var mı? | آیا اندازه کوچک‌ترش را دارید؟ |
| Bu ayağımı vuruyor. | پایم را می‌زنند. |
| Onlar beni tam uyuyorlar. | درست اندازه پای من است. |
| Onlar sizi tam uyuyorlar. | درست اندازه پای شماست. |

کلمات مفید

| | | | |
|-----------------|---------------------------|------------------|-------------|
| bot | پوتین | tokyo | صندل سبک |
| mokasen | کفش راحتی | ayakkabı bağcığı | بند کفش |
| mokasen | کفش بدون پاشنه از چرم نرم | kerata | پاشنه کش |
| terlik | کفش چوبی | topuk | پاشنه |
| spor ayakkabısı | کفش ورزشی | yüksek topuklu | پاشنه بلند |
| terlik | دمپایی | düşük topuklu | پاشنه کوتاه |

| | | | |
|----------------------|-----------------|--------------|------------------|
| topluklu ayakkabı | کفش سبک زنانه | düz | بدون پاشنه |
| arkası açık iskarpin | کفش پشت بند دار | ince topuklu | پاشنه بلند و تیز |
| sandal | صندل | platform | کف کلفت |

وسایل الکترونیکی (elektronik aletler)

| | |
|--|--|
| Adaptör satın almak istiyorum. | من می‌خواهم یک آداپتور بخرم. |
| Pil satın almak istiyorum. | من می‌خواهم یک باتری بخرم. |
| Epilatör satın almak istiyorum. | من می‌خواهم یک اپیلاتور بخرم. |
| Tıraş makinesi satın almak istiyorum. | من می‌خواهم یک ریش تراش برقی بخرم. |
| Uzatma kablosu satın almak istiyorum. | من می‌خواهم یک سیم رابط بخرم. |
| Saç kurutma makinesi satın almak istiyorum. | من می‌خواهم یک سشوار بخرم. |
| Fiş satın almak istiyorum. | من می‌خواهم یک دوشاخه بخرم. |
| Kamera görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک دوربین ببینم. |
| Video kamera görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک دوربین فیلمبرداری ببینم. |
| DVD player görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک دستگاه پخش دی وی دی ببینم. |
| CD player görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک دستگاه پخش سی دی ببینم. |
| Video player görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک دستگاه پخش ویدئو ببینم. |
| Video teyp görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک دستگاه ویدئوی ضبط و پخش ببینم. |
| Teyp görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک ضبط صوت ببینم. |
| İyi bir kamera tavsiye edebilir misiniz? | آیا ممکن است یک دوربین خوب معرفی کنید؟ |
| İyi bir tablet tavsiye edebilir misiniz? | آیا ممکن است یک تبلت خوب معرفی کنید؟ |
| 8 milimetre film kamerası için film istiyorum. | من فیلم برای یک دوربین فیلمبرداری هشت میلیمتری می‌خواهم. |
| Otomatik ışık ölçerli bir kameranız var mı? | آیا دوربین با نورسنج اتوماتیک دارید؟ |
| CD almak istiyorum. | من می‌خواهم یک سی دی بخرم. |
| DVD almak istiyorum. | من می‌خواهم یک دی وی دی بخرم. |
| Video kaset almak istiyorum. | من می‌خواهم یک نوار ویدئو بخرم. |
| Kaset almak istiyorum. | من می‌خواهم یک نوار بخرم. |
| Flaş için piliniz var mı? | باتری چراغ قوه دارید؟ |
| İşitme cihazı için piliniz var mı? | باتری سمعک دارید؟ |
| Birkaç tane 25-wattlık ampul istiyorum. | من چند تا لامپ بیست و پنج وات می‌خواهم |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Birkaç tane 100-wattlık ampul istiyorum. من چند تا لامپ صد وات می‌خواهم.
- Nasıl kullanacağımı gösterir misiniz? آیا ممکن است به من نشان دهید چطور کار می‌کند؟
- Daha basit bir model tercih ederim. من یک مدل ساده‌تر را ترجیح می‌دهم.
- Garantisi var mı? آیا گارانتی دارد؟
- Tamirat garantisi veriyor musunuz? آیا خدمات را ضمانت می‌کنید؟
- İçinde kullanma kılavuzu var mı? آیا دفترچه راهنما دارد؟
- Renkli film rica ediyorum. من یک فیلم رنگی می‌خواهم.
- Siyah beyaz film rica ediyorum. من یک فیلم سیاه و سفید می‌خواهم.
- 24 pozluk film rica ediyorum. من یک فیلم ۲۴ تایی می‌خواهم.
- 36 pozluk film rica ediyorum. من یک فیلم ۳۶ تایی می‌خواهم.
- Renkli filminiz var mı? آیا فیلم رنگی دارید؟
- Piliniz var mı? آیا باتری دارید؟
- Otomatik fotoğraf makinesi arıyorum. من دنبال یک دوربین اتوماتیک می‌گردم.
- Kompakt fotoğraf makinesi arıyorum. من دنبال یک دوربین جمع و جور می‌گردم.
- Dijital fotoğraf makinesi arıyorum. من دنبال یک دوربین دیجیتال می‌گردم.
- Tek kullanımlık fotoğraf makinesi arıyorum. من دنبال یک دوربین یکبار مصرف می‌گردم.
- Flaş için ampul rica ediyorum. من چند تا لامپ فلاش می‌خواهم.
- Lens kapağı rica ediyorum. من یک درپوش لنز می‌خواهم.
- Lens rica ediyorum. من یک لنز می‌خواهم.
- Pil rica ediyorum. من یک باتری می‌خواهم.
- Kamera kutusu rica ediyorum. من یک کیف دوربین می‌خواهم.
- Bu kamera için flaş kartı arıyorum. من یک کارت فلاش برای این دوربین می‌خواهم.
- Bu kamera için SD kartı arıyorum. من یک کارت اس دی برای این دوربین می‌خواهم.
- Bu kamera için MMC kartı arıyorum. من یک کارت ام ام سی برای این دوربین می‌خواهم.
- Bu kamera için Smart-media kartı arıyorum. من یک کارت رسانه هوشمند برای این دوربین می‌خواهم.
- Fotoğraf makineme film takar mısınız? لطفاً ممکن است در دوربین من فیلم بگذارید؟
- Bu filmin banyosu yapmak istiyorum. من می‌خواهم این حلقه فیلم را ظاهر کنید.
- Her birinden iki kopya rica ediyorum. از هر کدام دو سری چاپ می‌خواهم.
- Sanırım bazı fotoğraflar karanlık çıkmış. فکر می‌کنم بعضی از این عکس‌ها کم نور دیده‌اند.
- Bu fotoğrafları büyütme istiyorum. من می‌خواهم این عکس‌ها را بزرگ کنم.

Fotoğraflar ne zaman hazır olur?

عکس‌ها کی آماده می‌شود؟

کلمات مفید

| | | | |
|--------------------------|--------------------|-------------------|------------------------|
| yabancı dil kayıtları | نوارهای زبان خارجی | video kamera | دوربین فلمبرداری |
| elektronik flaş | فلاش الکترونیکی | DVD player | دستگاه پخش دی وی دی |
| kompakt flaş | فلاش | CD player | دستگاه پخش سی دی |
| taşınabilir hafıza kartı | کارت حافظه | video player | دستگاه پخش ویدئو |
| kaset | نوار کاست | video teyp | دستگاه ضبط و پخش ویدئو |
| video kaset | نوار ویدئو | teyp | ضبط صوت |
| film | فیلم | flaş | فلاش |
| parlak yüzey | کاغذ براق | flaş kartı | فلاش کارت |
| mat yüzey | کاغذ مات | SD kartı | کارت اس دی |
| adaptör | آداپتور | MMC kartı | کارت ام ام سی |
| pil | باتری | smart-media kartı | کارت رسانه هوشمند |
| epilatör | اپیلاتور | kompakt disk (CD) | سی دی |
| tıraş makinesi | ریش تراش برقی | stereo sistemi | سیستم استریو |
| uzatma kablosu | سیم رابط | bilgisayar | رایانه |
| saç kurutma makinesi | سشوار | bilgisayar diski | دیسک رایانه |
| fiş | دو شاخه | mouse | ماوس |
| kamera | دوربین | modem | مودم |
| cep telefonu | تلفن همراه | dijital | دیجیتال |

سوغات (hediyelik eşya)

Bu kasabaya ait özel bir hediyelik eşya istiyorum.

می‌خواهم از این شهر سوغاتی ببرم.

Özel bir hediye almak istiyorum.

من می‌خواهم یک هدیه ویژه بخرم.

Küçük bir hediye almak istiyorum.

من می‌خواهم یک سوغات کوچک بخرم.

Seramik gösterir misiniz?

آیا ممکن است تعدادی سرامیک به من نشان بدهید؟

Mücevherat gösterir misiniz?

آیا ممکن است تعدادی جواهرآلات به من نشان بدهید؟

Dantel gösterir misiniz?

آیا ممکن است مقداری پارچه زینتی توری به من نشان بدهید؟

Deri ürünler gösterir misiniz?

آیا ممکن است تعدادی وسایل چرمی به من نشان بدهید؟

Likör gösterir misiniz?

آیا ممکن است تعدادی لیکور به من نشان بدهید؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Müzik aleti gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی آلات موسیقی به من نشان بدهید؟

Parfüm gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی عطر به من نشان بدهید؟

Resim gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی تصویر به من نشان بدهید؟

Poster gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی پوستر به من نشان بدهید؟

Buzdolabı magnetleri gösterir misiniz? آیا ممکن است تعدادی تزئین آهنربایی روی یخچال به من نشان بدهید؟

Sizde bu bölgenin manzara resimleri var mı? آیا تصاویری از منظره‌های این منطقه دارید؟

Bu şehrin manzarası olan kartpostalınız var mı? آیا کارت پستالی با منظره‌های این شهر دارید؟

Bu şehrin manzarası olan takviminiz var mı? آیا تقویمی با منظره‌های این شهر دارید؟

Bu şehrin manzarası olan tişörtünüz var mı? آیاتی شرتی با منظره‌های این شهر دارید؟

Bu şehrin manzarası olan posteriniz var mı? آیا پوستری با منظره‌های این شهر دارید؟

Çok ünlü Fransız ressamların tablolarını arıyorum.

من دنبال تابلوهای نقاشان مشهور فرانسوی می‌گردم.

Çok ünlü Hollandalı ressamların tablolarını arıyorum.

من دنبال تابلوهای نقاشان مشهور هلندی می‌گردم.

Avrupa sanatıyla ilgileniyorum. من به هنر اروپا علاقه مند هستم.

Doğu sanatıyla ilgileniyorum. من به هنر شرق علاقه مند هستم.

Bu heykel hangi döneme ait? این مجسمه مربوط به چه دوره‌ای است؟

Bu resim hangi döneme ait? این تابلو مربوط به چه دوره‌ای است؟

Bu vazoz hangi döneme ait? این گلدان مربوط به چه دوره‌ای است؟

Bu para hangi döneme ait? این سکه مربوط به چه دوره‌ای است؟

Bunun için değer biçer misiniz? لطفاً ممکن است قیمت این را برای من ارزیابی کنید؟

El örgüsü kilim görmek istiyorum. من می‌خواهم یک فرش دست باف ببینم.

Bunlar kristal mi? این‌ها بلور هستند؟

Antika para alıyor musunuz? آیا شما سکه‌های قدیمی می‌خرید؟

Antika para satıyor musunuz? آیا شما سکه‌های قدیمی می‌فروشید؟

Bir buket kırmızı gül rica ediyorum. من یک دسته گل رز سرخ می‌خواهم.

Bir kutu çikolata rica ediyorum. من یک جعبه شکلات می‌خواهم.

Bir şişe şarap rica ediyorum. من یک بطری شراب می‌خواهم.

کتابها (kitaplar)

- Kitaplara göz atabilir miyim? امکان دارد به کتابها نگاهی ببینم؟
- Kılavuz satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک کتاب راهنما بخرم.
- Cep sözlüğü satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک فرهنگ لغت جیبی بخرم.
- Şehir haritası satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک نقشه شهر بخرم.
- Türkçe-Farsça sözlük arıyorum. من دنبال یک فرهنگ لغت ترکی به فارسی هستم.
- Beş yaşında bir çocuk için boyama kitabı arıyorum. من یک کتاب مصور برای بچه پنج ساله می‌خواهم.
- Boyama kitaplarına bakmak istiyorum. من می‌خواهم چند کتاب رنگ آمیزی ببینم.
- Türkçe bir mistik romanı satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک رمان رمز به زبان ترکی بخرم.
- Türkçe bir tarihi romanı satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک رمان تاریخی به زبان ترکی بخرم.
- Türkçe bir polisiye romanı satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک داستان کارآگاهی به زبان ترکی بخرم.
- Türkçe bir macera romanı satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک داستان ماجراجویی به زبان ترکی بخرم.
- Türkçe bir fantastik romanı satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک داستان خیالی به زبان ترکی بخرم.
- Türkçe bir dramatik eseri satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک درام به زبان ترکی بخرم.
- Türkçe bir kolay okuma satın almak istiyorum. من می‌خواهم یک داستان ساده به زبان ترکی بخرم.
- Türkçe gazete verin lütfen. لطفاً یک روزنامه ترکی به من بدهید.
- Bloknot rica ediyorum. من یک دفترچه یادداشت می‌خواهم.
- Kalem rica ediyorum. من یک خودکار می‌خواهم.
- Silgi rica ediyorum. من یک پاک کن می‌خواهم.
- Kurşun kalem rica ediyorum. من یک مداد می‌خواهم.
- Defter rica ediyorum. من یک دفتر می‌خواهم.
- Kalemıraş rica ediyorum. من یک مداد تراش می‌خواهم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Cetvel rica ediyorum. من یک خط کش می خواهم.
 Seloteyp rica ediyorum. من یک چسب نواری می خواهم.
 Raptiye rica ediyorum. من چند پونز می خواهم.
 Ataç rica ediyorum. من چند گیره کاغذ می خواهم.
 Zarf rica ediyorum. من یک پاکت نامه می خواهم.
 Bu şehirin açıkça işaretlenmiş bir haritasını rica ediyorum.

من یک نقشه واضح از این شهر می خواهم.

Tebrik kartınız var mı? آیا کارت تبریک دارید؟
 Küçük biblolarınız var mı? آیا خورده ریز دارید؟
 İngilizce kitaplarınız var mı? آیا کتاب انگلیسی دارید؟
 Çocuk kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می توانم کتاب کودکان پیدا کنم؟
 Sanat kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می توانم کتاب هنری پیدا کنم؟
 Hikaye kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می توانم یک مجموعه داستان پیدا کنم؟
 Şiir kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می توانم یک مجموعه شعر پیدا کنم؟
 Tarih kitaplarını nerede bulabilirim? از کجا می توانم کتاب های تاریخی پیدا کنم؟
 Tercüme edilmiş romanları nerede bulabilirim?
 از کجا می توانم رمان های ترجمه شده پیدا کنم؟

اسباب بازی ها/بازی (oyuncaklar/oyun)

Erkek çocuğu için ilgi çekici bir oyuncak arıyorum.

من یک بازی جالب برای یک پسر بچه می خواهم.

Kız çocuğu için ilgi çekici bir oyuncak arıyorum.

من یک بازی جالب برای یک دختر بچه می خواهم.

Küçük çocuk için oyuncak arıyorum.

من یک اسباب بازی برای بچه کوچک می خواهم.

Küçük çocuk için oyun arıyorum.

من یک بازی برای بچه کوچک می خواهم.

Elektrik oyuncak arıyorum.

من می خواهم چند تا اسباب بازی برقی ببینم.

Müzikli oyuncak arıyorum.

من می خواهم چند تا اسباب بازی موزیکال ببینم.

Konuşan oyuncak arıyorum.

من می خواهم چند تا اسباب بازی سخنگو ببینم.

Eğitici oyuncak arıyorum.

من می خواهم چند تا اسباب بازی آموزشی ببینم.

Plastik oyuncak arıyorum.

من می خواهم چند تا اسباب بازی پلاستیکی ببینم.

Dört yaşında bir çocuk için uygun bir oyuncağınız var mı?

آیا برای یک بچه چهار ساله اسباب بازی مناسب دارید؟

Çocuklar için basit oyunlarınız var mı?

آیا بازی‌های آسان برای بچه‌ها دارید؟

Çocuklar için eğlenceli oyunlarınız var mı?

آیا بازی‌های سرگرم کننده‌ای برای بچه‌ها دارید؟

Hasta küçük bir oğlana ne verebiliriz?

به یک پسر بچه مریض چه چیزی می‌توانیم بدهیم؟

Hasta küçük bir kıza ne verebiliriz?

به یک دختر بچه مریض چه چیزی می‌توانیم بدهیم؟

Yürüyen ve konuşan oyuncak bebekleriniz var mı?

آیا عروسکی که راه برود و حرف بزند دارید؟

Pinpon topunuz var mı?

آیا توپ پینگ پنگ دارید؟

Yap-bozunuz var mı?

آیا پازل دارید؟

Transformeriniz var mı?

آیا ترانسفرمر دارید؟

Araba modeliniz var mı?

آیا مدل‌های ماشین دارید؟

Oyuncak bebek eviniz var mı?

آیا خانه عروسک دارید؟

Ne tür yapı oyuncaklarınız var?

چه نوع کیت ساختنی دارید؟

Ne tür banyo oyuncaklarınız var?

چه نوع اسباب بازی حمام دارید؟

Ne tür zeka oyunlarınız var?

چه نوع بازی فکری دارید؟

Ne tür çingirdaklarınız var?

چه نوع جغجغه‌ای دارید؟

Ne tür yürüteçleriniz var?

چه نوع روروکها دارید؟

Kova kürek takımı rica ediyorum.

من یک سطل و یک بیل می‌خواهم.

Satranç rica ediyorum.

من یک دست شطرنج می‌خواهم.

Oyuncak bebek rica ediyorum.

من یک عروسک می‌خواهم.

Elektronik oyun rica ediyorum.

من یک بازی الکترونیکی می‌خواهم.

Oyuncak ayı rica ediyorum.

من یک خرس عروسکی می‌خواهم.

Baloncuk makinesi rica ediyorum.

من یک حباب ساز می‌خواهم.

Oyuncak yemek seti rica ediyorum.

من یک دست ظروف غذاخوری می‌خواهم.

Oyuncak yapı kovası rica ediyorum.

من یک سطل بازی می‌خواهم.

Oyuncak bebek evi rica ediyorum.

من یک خانه عروسکی می‌خواهم.

Oyun seti rica ediyorum.

من یک مجموعه اسباب بازی می‌خواهم.

کلمات مفید

banyo oyuncakları/küvetler

اسباب بازی حمام

| | |
|----------------------------------|---------------------|
| yüzen | شناور |
| kolluk | شناورهای بازو |
| bebek kayığı | قایق بچه |
| şnorkel | لوله تنفس |
| zeka oyunları | بازی فکری |
| tavla | تخته نرد |
| dama | بازی چکر |
| satranç | شطرنج |
| dart | دارت |
| yap-boz | پازل |
| plastik oyuncaklar | اسباب بازی پلاستیکی |
| kova ve kürek | سطل و بیل |
| oyun seti | مجموعه اسباب بازی |
| blok seti | سری قطعه قطعه |
| yapı setleri/oyuncak yapı kovası | کیت ساختنی/سطل بازی |
| Lego | بازی لگو |
| çingirdaklar | جغجغه |
| yürüteç | روروک |
| oyuncak bebekler | عروسک |
| Barbie | باربی |
| oyuncak yemek takımı seti | ظروف غذاخوری |
| oyuncak bebek evi | خانه عروسکی |
| pelüş hayvanlar | حیوانات بازی |
| oyuncak askerler | سربازهای حلبی |
| transformerler | ترانسفرمر |
| top | توپ |
| futbol | توپ فوتبال |
| uçurtma | بادبادک |
| pinpon | پینگ پنگ |
| baloncuk makinesi | حباب ساز |
| balon | بادکنک |

su tabancası

تفنگ آبی

eğitici elektronik oyuncaklar

اسباب بازی‌های الکترونیکی آموزشی

müzikli ve konuşan oyuncaklar

اسباب بازی‌های موزیکال و سخنگو

radyo ve uzaktan kumandalı araçlar

ماشین‌های کنترل از راه دور

توتون / الکل (tütün ürünleri/alkol)

Bir paket sigara rica ediyorum.

من یک پاکت سیگار می‌خواهم.

Biraz puro rica ediyorum.

من چند تا سیگار برگ می‌خواهم.

Bir çakmak rica ediyorum.

من یک فندک می‌خواهم.

Kibrit rica ediyorum.

من چند تا کبریت می‌خواهم.

Biraz tütün rica ediyorum.

من مقداری توتون می‌خواهم.

Çiğnemek için tütün satıyor musunuz?

آیا توتون جویدنی دارید؟

Sigara ağızlığı satıyor musunuz?

آیا چوب سیگار دارید؟

Puro satıyor musunuz?

آیا سیگار برگ دارید؟

Çakmak satıyor musunuz?

آیا فندک دارید؟

Pipo satıyor musunuz?

آیا پیپ دارید؟

Pipo tütünü satıyor musunuz?

آیا توتون پیپ دارید؟

Filtreli hangi markalar var?

فیلتردار چه مارکی دارید؟

Bir paket filtreli sigara.

یک پاکت سیگار بدون فیلتر.

Bir paket filtresiz sigara.

یک پاکت سیگار بدون فیلتر.

Bir paket sert sigara.

یک پاکت سیگار قوی.

Bir paket mentollü sigara.

یک پاکت سیگار منتول.

Bir paket orta sigara.

یک پاکت سیگار متوسط.

Bir paket hafif sigara.

یک پاکت سیگار ملایم.

Bir paket çok hafif sigara.

یک پاکت سیگار فوق ملایم.

Bir paket büyük boy sigara.

یک پاکت سیگار بزرگ.

Bir paket ince sigara.

یک پاکت سیگار نازک.

Gümrükten ne kadar çikolata geçirebilirim?

چه مقدار شکلات می‌توانم با خودم از گمرک رد کنم؟

Gümrükten ne kadar tütün geçirebilirim?

چه مقدار توتون می‌توانم با خودم از گمرک رد

کنم؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|--|
| Gümrükten ne kadar alkol geçirebilirim? | چه مقدار الکل می‌توانم با خودم از گمرک رد کنم؟ |
| Gümrükten ne kadar parfüm geçirebilirim? | چه مقدار عطر می‌توانم با خودم از گمرک رد کنم؟ |
| Gümrükten ne kadar havyar geçirebilirim? | چه مقدار خاویار می‌توانم با خودم از گمرک رد کنم؟ |
| Deri tütün keseniz var mı? | آیا کیسه توتون چرمی دارید؟ |
| İyi bir pipo görmek istiyorum. | من می‌خواهم یک پپ خوب ببینم. |
| İyi, büyük bir purunuz var mı? | آیا سیگار برگ بزرگ و خوب دارید؟ |
| Ne marka porto şaraplarınız var? | پرت چه مارک‌هایی دارید؟ |
| Hangi bağbozumu en iyisi? | شراب محصول کدام سال بهتر است؟ |
| Orijinal konyağınız var mı? | آیا کنیاک اصل دارید؟ |
| Yerel şarabınız var mı? | آیا شراب محلی دارید؟ |
| Bu şarap tatlı mı? | آیا این شراب شیرین است؟ |
| Bu şarap sek mi? | آیا این شراب گس است؟ |
| Bir şişe brandi rica ediyorum. | من یک بطری براندی می‌خواهم. |
| Bir şişe votka rica ediyorum. | من یک بطری ودکا می‌خواهم. |
| Bir şişe viski rica ediyorum. | من یک بطری ویسکی می‌خواهم. |
| Bir şişe şeri rica ediyorum. | من یک بطری شری می‌خواهم. |
| İyi bir konyak tavsiye edebilir misiniz? | ممکن است یک کنیاک خوب توصیه کنید؟ |
| İyi bir bira tavsiye edebilir misiniz? | ممکن است یک آبجوی خوب توصیه کنید؟ |
| İyi bir şarap tavsiye edebilir misiniz? | ممکن است یک شراب خوب توصیه کنید؟ |
| Bira bardağı görmek istiyorum. | من می‌خواهم چند تا لیوان آبجو ببینم. |
| Şarap kadehi görmek istiyorum. | من می‌خواهم چند تا گیلان شراب ببینم. |
| Kristal şarap sürahiniz var mı? | آیا تنگ کریستال شراب دارید؟ |

زیور آلات/ساعت مچی (mücevher/kol saatleri)

| | |
|----------------------|----------------------------|
| Bir yüzük istiyorum. | من یک انگشتر می‌خواهم. |
| Küpe istiyorum. | من گوشواره می‌خواهم. |
| Broş istiyorum | من یک سنجاق سینه می‌خواهم. |
| Zincir istiyorum. | من یک زنجیر می‌خواهم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|--|
| İğne istiyorum. | من یک سنجاق می خواهم. |
| Bilezik istiyorum. | من یک دست بند می خواهم. |
| Kolye istiyorum. | من یک گردن بند می خواهم. |
| Pendantif istiyorum. | من یک آویز می خواهم. |
| Kol saati istiyorum. | من یک ساعت مچی می خواهم. |
| Saat istiyorum. | من یک ساعت می خواهم. |
| Altın bir yüzük görmek istiyorum. | من می خواهم یک انگشتر طلا ببینم. |
| Altın bir küpe görmek istiyorum. | من می خواهم گوشواره طلا ببینم. |
| Bayan için yüzük görmek istiyorum. | من می خواهم یک انگشتر زنانه ببینم. |
| Alyans görmek istiyorum. | من می خواهم یک حلقه ازدواج ببینم. |
| 18 kırıat altın olan bir tane tercih ederim. | من طلای ۱۸ عیار را ترجیح می دهم. |
| O kolyenin tokası sıkı mı? | قلاب روی آن گردنبند محکم است؟ |
| O kol saatinin tokası sıkı mı? | قلاب روی آن ساعت محکم است؟ |
| Altın paranız var mı? | آیا سکه طلا دارید؟ |
| Altın kol düğmeniz var mı? | آیا دکمه سر دست طلا دارید؟ |
| Altın küpeniz var mı? | آیا گوشواره طلا دارید؟ |
| El yapımı mı? | آیا دست ساز است؟ |
| Bu altın mı? | آیا طلا است؟ |
| Bu platin mi? | آیا پلاتین است؟ |
| Bu gümüş mü? | آیا نقره است؟ |
| Bu paslanmaz çelik mi? | آیا استیل است؟ |
| Bunun için sertifika var mı? | آیا سند رسمی دارد؟ |
| Bu taş ne? | این سنگ چیست؟ |
| Bu desende gümüş takım var mı? | ظروف نقره‌ای با آن طرح دارید؟ |
| Yeni çerçeve yapabilir misiniz? | ممکن است یک قاب جدید درست کنید؟ |
| Saatimin ayarlanması gerekiyor. | ساعت من نیاز به تنظیم دارد. |
| Kurgusu kırıldı. | دکمه تنظیم خراب شده است. |
| Saatimi temizler misiniz lütfen? | ممکن است لطفاً ساعت مرا تمیز کنید؟ |
| Saatimin pilini değiştirir misiniz? | ممکن است لطفاً باتری ساعت را عوض کنید؟ |
| Tarihi gösteren bir kol saati görebilir miyim? | |

ممکن است یک ساعت مچی ببینم که تاریخ را نشان می دهد؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Kronometre görmek istiyorum.

من می‌خواهم یک کرنومتر ببینم.

Deri saat kayışı görmek istiyorum.

من می‌خواهم یک بند ساعت چرمی ببینم.

Naylon saat kayışı görmek istiyorum.

من می‌خواهم یک بند ساعت نایلونی ببینم.

Plastik saat kayışı görmek istiyorum.

من می‌خواهم یک بند ساعت پلاستیکی ببینم.

Beyaz porselen gösterebilir misiniz?

ممکن است چند تا چینی سفید به من نشان بدهید؟

Bu figürler kırılğan mı?

آیا این مجسمه‌های کوچک خیلی شکننده هستند؟

کلمات مفید

| | | | |
|---------------|---------------|---------------------|--------------------|
| kristal | کریستال | yeşim taşı | یشم |
| bakır | مس | fil dişi | عاج |
| pırlanta | الماس | jasper | یشم سبز |
| emaye | لعاب | malakit | مرمر سبز |
| inci | مروارید | oniks | عقیق |
| gümüş kaplama | نقره داده | yakut | یاقوت سرخ |
| altın kaplama | طلا داده | safir | یاقوت کبود |
| platin | پلاتین | turkuvaz | فیروزه |
| kristal | بلور کریستال | gümüş | نقره |
| kehribar | کهربا | altın | طلا |
| ametist | یاقوت ارغوانی | değerli taşlar | سنگ جواهر |
| akuamarin | زمرد کبود | yanı değerli taşlar | سنگ‌های نیمه قیمتی |
| zümrüt | زمرد سبز | emitasyon mücevher | جواهر بدلی |
| opal | عین الشمس | stras | جواهر بدلی |

در سوپر مارکت (süpermarkette)

Alışveriş arabaları nerede?

چرخ دستی‌های خرید کجا هستند؟

Alışveriş sepetleri nerede?

سبدهای خرید کجا هستند؟

Konserve gıda nerede bulabilirim?

کجا می‌توانم غذای کنسرو شده پیدا کنم؟

Kahve nerede bulabilirim?

کجا می‌توانم قهوه پیدا کنم؟

Çay nerede bulabilirim?

کجا می‌توانم چای پیدا کنم؟

Kahvaltılık gevrek nerede bulabilirim?

کجا می‌توانم برشته‌ک پیدا کنم؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Banyo malzemeleri nerede bulabilirim? کجا می‌توانم لوازم آرایش پیدا کنم؟
- Hangi koridorda konserve gıda bulabilirim? در کدام ردیف می‌توانم غذای کنسرو شده پیدا کنم؟
- Burada fırın var mı? آیا اینجا نانوايي هست؟
- Burada eczane var mı? آیا اینجا داروخانه هست؟
- Burada mezeci dükkânı var mı? آیا اینجا اغذیه فروشی هست؟
- Biraz bundan rica ediyorum. من مقداری از این را می‌خواهم.
- Biraz şundan rica ediyorum. من مقداری از این را می‌خواهم.
- Biraz ondan rica ediyorum. من مقداری از آن را می‌خواهم.
- Bunu این یکی.
- Onu آن یکی.
- Bunlar. این‌ها
- Onlar. آن‌ها.
- Sola به چپ.
- Sağa به راست.
- Hepsi bu kadar, teşekkürler. همین، متشکرم.
- Yarım kilo elma rica ediyorum. من نیم کیلو سیب می‌خواهم.
- Yarım kilo domates rica ediyorum. من نیم کیلو گوجه فرنگی می‌خواهم.
- Yarım kilo patates rica ediyorum. من نیم کیلو سیب زمینی می‌خواهم.
- Yarım kilo vişne rica ediyorum. من نیم کیلو آلبالو می‌خواهم.
- Yarım kilo muz rica ediyorum. من نیم کیلو موز می‌خواهم.
- Yarım kilo şeftali rica ediyorum. من نیم کیلو هلو می‌خواهم.
- Yarım kilo tavuk göğsü rica ediyorum. من نیم کیلو سینه مرغ می‌خواهم.
- Yarım kilo salam rica ediyorum. من نیم کیلو سالامی می‌خواهم.
- Yarım kilo domuz eti rica ediyorum. من نیم کیلو گوشت خوک قطعه قطعه می‌خواهم.
- Yarım düzine yumurta rica ediyorum. من شش تا (دوجین) تخم مرغ می‌خواهم.
- Yarım düzine patates rica ediyorum. من شش تا (دوجین) سیب زمینی می‌خواهم.
- Birkaç dilim jambon verin, lütfen. لطفاً چند برش گوشت ران خوک به من بدهید.
- Birkaç dilim peynir verin, lütfen. لطفاً چند برش پنیر به من بدهید.
- Birkaç dilim salam verin, lütfen. لطفاً چند برش سالامی به من بدهید.
- Birkaç dilim domuz pastırması verin, lütfen. لطفاً چند برش بیکن به من بدهید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|---|--|
| Bir kalıp sabun verin lütfen. | لطفاً یک قالب صابون به من بدهید. |
| Bir şişe meyve suyu verin lütfen. | لطفاً یک بطری آب میوه به من بدهید. |
| Bir kutu kahvaltılık gevrek verin lütfen. | لطفاً یک جعبه برشتوک به من بدهید. |
| Bir kavanoz kahve verin lütfen. | لطفاً یک شیشه قهوه به من بدهید. |
| Bir kutu kola verin lütfen. | لطفاً یک قوطی نوشابه به من بدهید. |
| Bir poşet patates çipsi verin lütfen. | لطفاً یک بسته چیپس سیب زمینی به من بدهید. |
| İki dilim, lütfen. | من دو برش می خواهم. |
| İki parça, lütfen. | من دو قطعه می خواهم. |
| İki paket, lütfen. | من دو بسته می خواهم. |
| İki şişe, lütfen. | من دو بطری می خواهم. |
| İki kutu, lütfen. | من دو جعبه می خواهم. |
| İki konserve, lütfen. | من دو قوطی می خواهم. |
| İki kalıp, lütfen. | من دو قالب می خواهم. |
| İki kavanoz, lütfen. | من دو شیشه می خواهم. |
| İki poşet, lütfen. | من دو بسته می خواهم. |
| Üç yüz gram tartın lütfen. | لطفاً ۳۰۰ گرم برای من بکشید. |
| Self servis mi? | سلف سرویس است؟ |
| Piştirilmesi gerekiyor mu? | آیا باید پخته شود؟ |
| Biraz tadabilir miyim? | ممکن است کمی بچشم؟ |
| Biraz daha. | کمی دیگر |
| Daha az. | کمتر |
| Burada mı kasada mı ödüyorum? | آیا باید الان پولش را بدهم یا در زمان خروج از فروشگاه؟ |
| Poşet alabilir miyim, lütfen? | لطفاً ممکن است یک کیسه به من بدهید؟ |

کلمات مفید

| | | | |
|--------------|---------------|--------------------------|------------------------------|
| Ev eşyaları | کالاهای خانگی | Satış tarihi ... | فروش تا تاریخ ... |
| Sadece nakit | فقط پول نقد | Son kullanma tarihi ... | بهترین تاریخ مصرف تا ... |
| Mezeler | اغذیه فروشی | mikrodalgada yapılabilir | قابل استفاده در مایکروویو |
| Fırın | نانوایی | Yemekten önce ısıtınız | پیش از خوردن دوباره گرم شود. |
| yarım düzine | جین | kilo | کیلو |
| ons | اونس | gram | گرم |

| | | | |
|-------------|-----------|----------------------|----------------------|
| pound | پاوند | litre | لیتر |
| yarım pound | نیم پاوند | kupon | کوپن |
| düzine | دوجین | indirim | تخفیف |
| koridor | راهرو | fiş | رسید |
| Kasa | صندوق | Buzdolabında tutunuz | در یخچال نگهداری شود |

پرداخت (ödeme)

| | |
|---|--|
| Ödemeyi nerede yapabilirim? | کجا باید پرداخت کنم؟ |
| Kredi kartı kabul ediyor musunuz? | آیا کارت اعتباری قبول می‌کنید؟ |
| Döviz kabul ediyor musunuz? | آیا ارز خارجی قبول می‌کنید؟ |
| Seyahat çeki kabul ediyor musunuz? | آیا چک مسافرتی قبول می‌کنید؟ |
| Çek kullanabilir miyim? | آیا می‌توانم چک شخصی بدهم؟ |
| Bu ödeyebileceğimden fazla. | من این قدر نمی‌توانم پرداخت کنم. |
| Bu fiyat hiç mantıklı değil. | این قیمت مناسب نیست. |
| Bu fiyat harcamayı planladığım rakamın üstünde. | این قیمت بالاتر از آن است که در نظر داشتم هزینه کنم. |
| Vergisiz alabilir miyim? | آیا می‌توانم آن را بدون پرداخت مالیات بخرم؟ |
| Taksitle alabilir miyim? | آیا می‌توانم آن را قسطی بخرم؟ |
| Daha uygun bir fiyat verebilir misiniz? | ممکن است قیمت بهتری به من بدهید؟ |
| Nakit indirimi verebilir misiniz? | ممکن است تخفیف نقدی به من بدهید؟ |
| Fiş verebilir misiniz? | ممکن است رسید به من بدهید؟ |
| Nakit indirimi olanağı var mı? | امکان گرفتن تخفیف نقدی وجود دارد؟ |
| Taksit olanağı var mı? | امکان خرید قسطی وجود دارد؟ |
| Faturada bir hata mı var? | در صورت حساب اشتباهی نشده است؟ |
| Tekrar kontrol eder misiniz? | ممکن است دوباره آن را چک کنید؟ |
| Yanlış para üstü verdiniz. | بقیه پول را اشتباه به من دادید. |
| Ben ödeme yaptım! | من پرداخت کردم! |
| Bugün almak istiyorum. | من آن را امروز می‌خواهم. |
| Bunu iade etmek istiyorum. | من می‌خواهم این را پس بدهم. |
| Buyurun faturam. | این فاکتور من است. |
| Buyurun ödeme belgem. | این رسید پرداخت من است. |

Buyurun fişim. این رسید من است.
 Bu kırık. این خراب است.
 Hayır, bu benim için değil. خیر، مال من نیست.

ممکن است بشنوید:

Üzgünüm, kapalıyız. متأسفم، تعطیل است.
 Merhaba, nasıl yardımcı olabilirim? سلام، چطور می توانم به شما کمک کنم؟
 Özel bir şey mi arıyorsunuz? دنبال چیز خاصی می گردید؟
 İndirimdeyiz. ما حراج کرده ایم.
 İndirimde. حراج.
 Maalesef elimizde kalmamış. متأسفانه تمام کرده ایم.
 Sizin için sipariş edebiliriz. می توانیم برای شما سفارش دهیم.
 Ne aramıştınız? دنبال چه چیزی می گردید؟
 Karar verdiniz mi? تصمیم گرفتید؟
 Bir şey seçtiniz mi? چیزی انتخاب کردید؟
 Beğendiğiniz bir şeyler bulabildiniz mi? چیزی که خوشتان بیاید پیدا کردید؟
 Kaç beden aramıştınız? چه اندازه ای می خواهید؟
 Denemek ister misiniz? مایلید آن را پرو کنید؟
 Lütfen bunu deneyin. لطفاً این را امتحان کنید.
 Size çok yakıştı. خیلی به شما می آید.
 Beğendiniz mi? خوشتان آمد؟
 Tatmak ister misiniz? مایلید آن را بچشید؟
 Başka bir çift denemek ister misiniz? می خواهید یک جفت دیگر را پرو کنید؟
 Üzgünüm, bu sonucusu. متأسفم، این آخرین دانه است.
 Bunu tavsiye ederim. توصیه می کنم این یکی را بردارید.
 Bu sizin bedeniniz değil. این اندازه شما نیست.
 Bunu sizin bedeninize göre ayarlayabiliriz. می توانیم آن را اندازه شما کنیم.
 Hepsi bu kadar. فقط همین ها را داریم.
 Orada bulabilirsiniz. ممکن است آنجا پیدا کنید.
 Nasıl ödemek istersiniz? چه طور پرداخت می کنید؟
 Kasa orada. صندوق آنجاست.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

İndirim kartınız var mı? کارت تخفیف ما را دارید؟
 Bu kart geçerli değil. این کارت اعتبار ندارد.
 Bu kart tarihi geçmiş. این کارت تاریخش گذشته است.
 İşlem yapılamadı. پرداخت تأیید نشده است.
 Bankamatik orada. عابر بانک آنجا است.
 Mağaza kapanıyor. فروشگاه دارد تعطیل می شود.
 Lütfen Müşteri Hizmetlerine sorun. لطفاً از قسمت خدمات مشتریان بپرسید.

istemek (خواستن)

Kalmak istiyorum. می خواهم بمانم.
 Kalmanızı istiyorum. می خواهم بمانید (ماندن شما را می خواهم).
 Kalabilmenizi istiyoruz. می خواهم بتوانید بمانید.
 Kalmamanızı istiyorular. آن ها می خواهند شما نمانید.
 Kalmanızı istemiyoruz. نمی خواهیم شما بمانید.
 Kalmasını istemiyorlar. نمی خواهند او بماند.
 Kalmamalarını istemiyorum. نماندن آن ها را نمی خواهم (می خواهم آن ها بمانند).

پوشیدنی ها و زیور آلات

| | | | |
|----------|--------------|----------------|-------------|
| ayakkabı | کفش | iç çamaşırkanı | لباس زیر |
| ceket | ژاکت | kemer | کمربند |
| çorap | جوراب | şort | شرت |
| elbise | لباس | pantolon | شلوار |
| gömlek | پیراهن | küpe | گوشواره |
| bilezik | انگو، دستبند | yüzük | حلقه انگشتر |
| kolye | گردنبند | | |

Gelecek zaman: آینده

در صرف این فعل بعد از ساختن فعل امر (که با حذف mak, mek از مصدر حاصل می شود) به جلوی آن علامت شاخص آینده، یعنی -ecek, -acak می گذاریم و به دنبال آن با افزودن ضمایر متصل به فعل صیغه خود را صرف می کنیم.

علامت ضمایر شخصی + -ecek, -acak + مصدر بدون mak, mek + ضمیر فاعلی = زمان آینده

مثال:

Gelmek → gel + ecek + im = geleceğim

خواهم آمد

برای منفی کردن این زمان me و ma را قبل ecek و acak می آوریم. مثال:

Gelmek → gelme + (y) ecek + im = gelmeyeceğim نخواهم آمد

برای سؤالی کردن این زمان پیوند چهار شکلی mı, mi, mu, mü را بعد از پیوند دو شکلی ecek و acak می آوریم. مثال:

Gelmek → gelecek + mi + (y) im = gelecekmiyim آیا خواهم آمد

| جدول صرف زمان آینده از مصدر bakmak (نگاه کردن) | | | | |
|--|------------------------|-------------------------|-----------------------------------|------------------------------------|
| مفرد | مثبت نگاه خواهم کرد | منفی نگاه نخواهم کرد | مثبت سؤالی آیا نگاه خواهم کرد؟ | منفی سؤالی آیا نگاه نخواهم کرد؟ |
| 1 | bakacağım | bakmayacağım | bakacakmıyım | bakmayacak mıyım |
| 2 | bakacaksın | bakmayacaksın | bakacakmısın | bakmayacak mısın |
| 3 | bakacak | bakmayacak | bakacak mı | bakmayacak mı |
| جمع | | | | |
| 1 | bakacağız | bakmayacağız | bakacakmıyız | bakmayacak mıyız |
| 2 | bakacaksınız | bakmayacaksınız | bakacakmısınız | bakmayacak mısınız |
| 3 | bakacaklar | bakmayacaklar | bakacaklar mı | bakmayacaklar mı |

کاربرد زمان آینده

۱- بیان اعمالی که قرار است اتفاق بیافتند ولی هنوز رخ نداده اند.

Ben denize gidiyorum, sen de gelecek misin? می خواهم به دریا بروم، تو هم خواهی آمد؟

۲- بیان چیزی که گوینده می خواهد اتفاق بی افتد.

Sigara içmekten vazgeçeceksin. تو سیگار را ترک خواهی کرد.

۳- بیان حدسیات مطمئن.

Bu gelen Ahmet olacak. این که می آید احمد خواهد بود.

برای آشنایی بیشتر به فهرست صرف افعال مراجعه شود

تبریک و تهنیت

Tebrik ederim
Gözünüz aydın

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Oğlum üniversiteye kabul edildi.
Öyle mi? Tebrik ederim.
Eşim terfi oldu.
Gözünüz aydın. Çok sevindim.

پسرم در دانشگاه قبول شد.
واقعاً؟ تبریک می‌گویم.
شوهرم ترفیع گرفت.
چشم شما روشن. خیلی خوشحال شدم.

برخی اصطلاحات رایج

Gözünüz aydın

چشم شما روشن

در جواب کسی که خبرهای خوب گرفته است.

Allah mesut etsin.

خداوند سعادت بدهد.

در تبریک یک زوج تازه ازدواج کرده.

Allah analı babalı büyütsün

خدا پدر و مادرش را به رایش حفظ کند.

برای ولادت نوزاد.

Kolay gelsin

خدا قوت بده (خسته نباشید).

برای شخصی که از نظر جسمی و فکری بسیار پر کار و سخت کوش است.

İyi şanslar

موفق باشید.

Sağlık olsun

سلامت باشید. (خیرش در آن باشد).

زمانی که چیزی گم و یا شکسته می‌شود.

Allah kavuştursun

وعده وصل با خدا

به کسی که محبوبه یا معشوقش دور شده باشد.

Darısı başına

خداوند به شما نیز توفیق دهد.

آرزوی موفقیت کسی که آن را بدست آورده است برای شخص دیگر.

Çok yaşa/Sen de gör

زنده باشید/ شما هم برقرار باشید. (عافیت باشد).

وقتی کسی عطسه می‌کند.

Allah rahatlık versin/Sana da

آسوده بخوابید/ تو نیز همین طور

قبل از رفتن به رختخواب

İyi geceler

شب به خیر

Nice senelere

صد سال به این سالها

Yeni yılınız kutlu olsun.

سال نو مبارک

اصطلاحات مربوط به can (جانان، دوست، رفیق، روح، جان)

can atmak

تقلاء کردن

can çekişmek

جان دادن

| | |
|------------------------|------------------------|
| canı acımak | بدنش به درد آمدن |
| canı çekmek | آرزو کردن، تمایل داشتن |
| canını çıkmak | روح از بدن خارج شدن |
| canı istemek | هوس داشتن، میل داشتن |
| canı sıkılmak | دل تنگ شدن |
| canını yanmak | احساس درد کردن |
| canına değmek | خوشش آمدن |
| canına kıymak | بدون ترحم کشتن |
| canına minnet | جانت سلامت باد |
| canına susamak | دنبال بلا گشتن |
| canına tak etmek/demek | بی صبر شدن |
| canını çıkarmak | کهنه کردن، خسته کردن |
| canını dişine takmak | جگر به دندان گرفتن |
| canını vermek | خود را فدا کردن |
| canını sokakta bulmak | از جان خود سیر نشدن |
| canın sağ olsun | سرت سلامت! جانت سلامت! |
| cana yakın | تو دل برو، دلنشین |
| can yoldaşı | همراه، سنگ صبور |

حدس و گمان

Bana öyle geliyor ki ...
Sanmam/sanmıyorum
galiba/herhalde
anlaşılan
gibi görünüyor
gibi gözüküyor
gibi duruyor
demek
sanki

Elbiseyi burada giyip çıkartacağız herhalde.
Evet, orada deneyeceksiniz.

گویا در اینجا باید لباسها را پرو کنیم.
بله، در آنجا پرو کنید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Kredi kartıyla ödeyeceksiniz sanırım. فکر می‌کنم با کارت اعتباری پرداخت می‌کنید.
Hayır, çek yazacağım. نه، یک چک خواهم نوشت.

Bu yumurtalar süpermarkettekiler kadar taze anlaşılın.
Daha bile iyi.

احتمالاً این تخم مرغها به اندازه تخم مرغهای سوپرمارکت تازه هستند.
و حتی تازه‌تر.

Yemek hazır değil gibi görünüyor.
Henüz değil, Yarım saat sonra hazır olacak.

به نظر می‌رسد که غذا حاضر نیست.
هنوز نه. ظرف نیم ساعت حاضر خواهد شد.

Bana öyle geliyor ki büyüyünce satış müdürü olacak. Bir şeyler alıp satmaktan çok hoşlanıyor.

این طور فکر می‌کنم که او در بزرگی مدیر فروش خواهد شد. او از خرید و فروش چیزها خیلی لذت می‌برد.

Demek biraz indirim yapmıyorsunuz.
Yapmıyoruz efendim. Fiyatlarımız zaten indirimli.
öyleyse ben de almam.

پس (به نظر می‌آید) شما هیچ‌گونه تخفیفی نمی‌دهید.
خیر، خانم. در قیمت‌های ما، از قبل تخفیف مراعات شده است.
در این صورت من هم نمی‌خرم.

Bu kumaş çok yumuşak. Sanki ipek. این پارچه خیلی نرم است. مثل اینکه ابریشم است.
İyi bildiniz. İpeklidir bu kumaş. حق با شماست. این پارچه ابریشم است.

Siz hayat-ınız-dan memnun gibi dur-uyor-sunuz. شما از زندگی‌تان راضی به نظر می‌رسید.
Siz hayatınızdan memnun-sunuz gibi dur-uyor.

به نظر می‌رسد شما از زندگی‌تان راضی هستید.

Onlar bizi farkında değil sanıyorlar. آنها تصور می‌کنند او متوجه ما نیست.

پیوند -ki

این پیوند از تکرار اسمی که حالت اضافه یا ملکی دارد جلوگیری می‌کند و به معنای «مالی، آنی که، از آن» است:

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Benim arabam bozuk. Seninki çalışıyor mu?

ماشین من خراب است. آیا مال تو کار می‌کند؟

می‌توان به **ki** - پیوندهای دیگر هم افزود:

Bu kutuda bal var. Raftakinde ne var?

در این قوطی عسل هست. در آن که (آن قوطی) روی قفسه است چه چیز هست؟

Ağaçtaki elma büyüktür

سیب روی درخت بزرگ است.

Senin araban Ahmed'inkinden daha büyük mü?

آیا ماشین شما بزرگ‌تر از مال احمد است؟

Ki در نقش حرف ربط

ki اگر جدا نوشته شود دو جمله را بهم ربط می‌دهد و دقیقاً همانند زبان فارسی عمل می‌کند:

Gelmeyecek.

او نخواهد آمد.

Anladım.

فهمیدم.

Anladım **ki** gelmeyecek.

فهمیدم که او نخواهد آمد.

Yeni ev alıyorlar.

آن‌ها خانه جدید می‌خرند.

Herhalde paraları var.

احتمالاً آن‌ها پول دارند.

Herhalde paraları var **ki** yeni ev alıyorlar.

احتمالاً آن‌ها پول دارند که خانه جدید می‌خرند.

Ali, **ki** sen bugün gördün, benim en iyi arkadaşım

علی، که امروز دیدی بهترین دوست من است.

Biliyorum **ki** beni seviyorsun.

می‌دانم که من را دوست داری.

İnanıyorum **ki** herşey düzelecek.

باور دارم که همه چیز درست خواهد شد.

Sana bunu söylüyorum **ki** sonradan şaşırmasın.

به تو این را دارم می‌گویم که بعدش متحیر نشوی.

Sanıyorum **ki** işini bırakmak istiyor

تصور می‌کنم که می‌خواهد کارش را رها کند.

Kapıyı açtım **ki** içerisi insan dolu.

در را باز کردم (و دیدم) که درون آنجا پر از انسان است.

O gün Suzan bana demişti **ki**: “Artık dayanamıyorum”.

آن روز سوزان به من گفته بود که: «دیگر نمی‌توانم تحمل کنم».

Bana genellikle deniyordu **ki**: “Sen küçüksün, gelemezsin”

معمولاً به من گفته می‌شد که: «تو کوچک هستی، نمی‌توانی بیایی»

Diyorlar **ki** New York ağıustosta çekilmez.

می‌گویند که نیویورک در ماه اوت غیر قابل تحمل است.

Ben diyorum **ki** herkes kendi yiyeceklerini kendi getirsin.

من می‌گویم که هر کس خوردنی‌های خودش را بیاورد.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Anlaşıyor **ki** Fransızca'ya olan talep iyice azalmış.

واضح است که تقاضا برای زبان فرانسوی، به طور قابل توجهی کاهش یافته است.

Bir gün duyduk **ki** adam taşınıp gitmiş.

یک روز شنیدیم که آن مرد نقل مکان کرده و رفته است.

Öyle sanıyorum **ki** arkadaşlarımızın çoğu ağustosta gelemeyecekler.

من این طور تصویری کنم که بسیاری از دوستان ما قادر نخواهد بود در ماه اوت بیایند.

Bana öyle geliyor **ki** Zeynep'le ablasının araları pek iyi değil.

به نظرم می‌رسد که رابطه‌ی میان زینب و خواهرش خیلی خوب نیست.

İsteniyormuş **ki** birer birer girelim.

به نظر خواسته شده که یکی یکی وارد شویم.

Aslında istiyor **ki** her taraf mermerle kaplansın.

در واقع او می‌خواهد که همه جا با سنگ مرمر پوشیده شود.

Tabii **ki** ben hiç öyle bir şey kastetmemiş

البته که من اصلاً قصد چنین چیزی را نداشتم.

tim.

Belli **ki** birbirini çekemiyorlar.

معلوم است که آن‌ها نمی‌توانند یکدیگر را تحمل کنند.

زبان ترکی حرف ربط «**ki**» را از زبان فارسی وام گرفته است. هر چند این نوع ساخت زبان ترکی را (که از زبان‌های آلتائیک به حساب می‌آید) به زبان‌های هند و اروپایی نزدیک‌تر می‌کند و سازگاری بیشتری را نسبت به این زبان‌ها نشان می‌دهد اما مطابق با ساختار اصلی دستور زبان ترکی نمی‌باشد در مثال زیر جمله اول به شیوه‌ی دستور زبان فارسی ساخته شده، و جمله دوم بر طبق ساختار دستوری زبان ترکی:

Biliyorum ki beni seviyorsun.

می‌دانم که من را دوست داری

Beni sevdiğini biliyorum.

مثال دیگر:

eminim ki yarın gelecek
yarın geleceğine eminim

مطمئن هستم که فردا خواهد آمد.

سایر مثال‌ها از **ki**:

Anlayamıyorum ki!

متوجه نمی‌شوم که!

Londra sonbaharda o kadar güzel olur ki!

لندن در پاییز آن قدر زیبا می‌شود که نگو!

Bugün hava açarsa, ki açacağını pek sanmıyorum, bahçede mangal yakacaklarmış.

اگر امروز هوا باز شود، که تصور نمی‌کنم باز شود، آن‌ها می‌خواهند در باغ منقل روشن کنند.

Semra ki partileri sevmez, o bile eğlendi.

سمیرا که مهمانی‌ها را دوست ندارد حتی او هم شادی و تفریح کرد.

Bir şöför ki park etmeyi bilmesin, ona güvenip arabasına binilmez.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

یک راننده‌ای که پارک کردن را بلد نباشد، نمی‌شود به او اعتماد کرد و سوار ماشینش شد.

Bildiğim şu ki, herkesin tatile ihtiyacı var.

چیزی که می‌دونم این است که هر کس به تعطیلی احتیاج دارد.

Gibi: (مثل، مانند)

Ali Ahmet gibi asık suratlı.

علی مثل احمد عبوس است.

Meryem Arzu gibi güzel.

مریم مانند آرزو زیباست.

Sanki: (گویا، انگار)

این حرف معمولاً به همراه gibi می‌آید:

Sanki dünyada başka bir kadın yokmuş gibi hep Ayşe'yi düşünüyor

انگار تو دنیا زن دیگری وجود ندارد دائماً به عایشه فکر می‌کند.

sanki bilmiyor gibisiniz!

انگار نمی‌دانید!

sanki kabahat benimmiş!

انگار تقصیر من بوده!

ablanıza çok üzüntü verdiniz de iyi mi ettiniz sanki?

به خواهرتان کلی ناراحتی دادید فکر هم می‌کنید کار خوبی کردید؟

makine sabah akşam çocuğa elinin ve kafasının gücünü hesaplatıyor; sanki ona

"Benimle yapacağın her işten sen sorumlusun, ben karışmam" diyor

دستگاه شب و روز برای بچه قدرت دست و سرش را حساب می‌کند. انگار به او می‌گوید «تو مسئول هستی در قبال هر

کاری که می‌خواهی با من انجام بدهی من دخالت نمی‌کنم»

-(y)IncA :

این پیوند به ریشه افعال اضافه می‌شود و معنی «هنگامی که، وقتی که» را می‌دهد.

Kalkınca kahvaltı eder.

وقتی که از خواب برخیزد صبحانه‌اش را می‌خورد.

Hediyeyi alınca sevindi.

وقتی که هدیه را گرفت خوشحال شد.

(از هنگامی که، از وقتی که، از زمانی که) -eli, -eli beri, -eliden beri, -diX -eli

Biz İstanbul'a geleli hiç yağmur yağmadı.

از وقتی که ما به استانبول آمده‌ایم اصلاً باران نباریده است.

Biz İstanbul'a geleli beri hiç yağmur yağmadı.

از زمانی که ما به استانبول آمده‌ایم (تا کنون) هرگز باران نباریده است.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Biz İstanbul'a geleliden beri hiç yağmur yağmadı.

از وقتی که ما به استانبول آمده‌ایم (تا کنون) هرگز باران نباریده است.

(Biz) İstanbul'a geldik geleli hiç yağmur yağmadı.

از وقتی که (ما) به استانبول آمده‌ایم هرگز باران نباریده است.

madem, madem ki (مادام، مادامی که)

Madem (ki) anlamıyorsun niçin karışyorsun?

مادامی که (وقتی که) نمی‌فهمی برای چی دخالت می‌کنی؟

توصیه کردن

Ne tavsiye edersiniz?

I tavsiye ederim (y)-

Sicimlerden hangisini tavsiye edersiniz?

Hepsi iyi ama ben gene de koyu renklisini tavsiye ederim.

Neden? Açık renkli sicim çürük mü?

Koyu renklisi sadece daha sağlam değil daha da ucuz.

Dükkanındaki en iyi kalite mal bu. Bakın göstereyim.

Bu paketi bağlamak için kaç metre alayım?

Bence bir metre yirmibeş santim lam, yeter.

کدام یک از این نخ‌ها را توصیه می‌کنید؟

همه خوبند اما من رنگ تیره را توصیه می‌کنم.

چرا؟ آیا نخ رنگ روشن بد است؟

رنگ تیره نه تنها محکم‌تر بلکه ارزان‌تر نیز هست. آن بهترین جنس این مغازه است. نگاه کنید. بگذارید به شما نشان

بدهم.

برای بستن این بسته چند متر باید بخرم؟

به نظرم یک متر و بیست و پنج سانتی متر کافی است.

عبارت‌های مربوط به مقادیر

hepsi

همه، همه‌اش

yarası

نیم، نصفش

çoğu

اکثراً، بیشتر

biri

یکی، یکی از

bazısı

بعضی از

bir kaç tanesi

چند تا (از آن)

bir kısmı

برخی (قسمتی از)

daha fazlası

بیشتر

azı

اندکی

en fazlası

اکثر

اصطلاحات

- Küçük görmek: کوچک دیدن. به معنای اهمیت ندادن و ارزش ندادن.
- Kuru iftira: افترا خشک. کنایه از اتهام و افترای که هیچ گونه مدرکی برایش نیست.
- Kıl payı (kalmak): خیلی کم. با تفاوت اندک
- Kara gün dostu: کنایه از دوستی که همیشه چه در روز خوش چه در روز بد کنار دوستش میماند.
- Kara cahil: کنایه از انسانی که هیچ چیزی نمیداند. نادان کامل
- Kara gün: روز سیاه. کنایه از روز غم انگیز. ناراحت کننده
- Kara haber: خبر سیاه. کنایه از خبر خیلی ناراحت کننده. خبر مرگ و فلاکت
- Kel kâhya: کنایه از اشخاصی که چه اطلاع داشته باشند یا نداشته باشند تو همه کار دخالت میکنند.
- Kargacık burgacık: این عبارت برای نوشته های کج و معوج که خواندنشان خیلی سخت است به کار میرود.
- Kalburla su taşımak: کنایه از کار بیهوده و بی فایده. مشغول شدن به کاری که شدنی نیست.

درس ۱۰ تصمیم گیری



karar vermek/vermemek
karar verememek
karar değiştirmek

A: Karar verdiniz mi efendim, ne alıyorsunuz?

B: Ben verdim. Sen Ayşe?

C: Henüz vermedim, daha doğrusu bir türlü karar veremiyorum. Et de güzel görünüyor, balıklar da. Nasıl, levreğiniz taze mi?

A: Evet efendim, bu sabah geldi, çok taze.

C: Pekiyi. o halde ben bir ızgara levrek alayım.

A: Siz, beyefendi?

B: Ben bir zeytinyağlı fasulya ile salata alacağım.

A: Başüstüne.

C: Aaa, pardon, kararımı değiştirdim. Bana da aynısı olsun lütfen.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

A: تصمیم گرفته‌اید چه چیز بخورید (بگیرید) آقا؟

B: من تصمیم گرفته‌ام. تو چی عایشه؟

C: هنوز تصمیم نگرفته‌ام. راستش (دقیق‌تر این که) اصلاً نمی‌توانم تصمیم بگیرم. گوشت به نظرم خوب است، ماهی

نیز همین طور. ماهی سفیدتان چطور است، تازه است؟

A: بله خانم. امروز صبح آمده، بسیار تازه است.

C: بسیار خوب در آن صورت یک ماهی سفید سرخ شده می‌خواهم.

A: شما آقا؟

B: من لوبیا سبز سرخ شده در روغن زیتون با سالاد می‌خواهم.

A: چشم، اطاعت.

C: راستی ببخشید. تصمیمم را عوض کردم. برای من نیز همان را بیاورید لطفاً.

ناتوانی

پیوند منفی دو شکلی $(y) a$ - , $(y) a$ - را برای نشان دادن ناتوانی به فعل می‌افزایند.

gel-e-me-m

نمی‌توانم بیایم.

uyu-ya-ma-dı-k

نتوانستیم بخوابیم.

aç-a-mı-yor-lar

نمی‌توانند باز کنند

otur-a-mı-yacak-sınız

نخواهید توانست بنشینید.

پیشنهاد انجام کاری

-Elim mi?
istersen -Elim
-sEk mi?

Bir paket çay alalım mı?

آیا (مایلید) یک پاکت چای بخریم؟

Evet, alalım.

بله، بخریم.

istersen tatlı yerine meyva ısmarlayalım.

اگر مایل باشی بجای شیرینی، میوه سفارش بدهیم.

Tamam, olur.

خوب است. موافقم.

Haydi, yemeli restoranda yiyelim.

Yiyelim, ama hep aynı restorana gidiyoruz. Bu akşam da bir başka yer

deneyelim.

بیا. بیا در یک رستوران غذا بخوریم.

بیا بخوریم. ولی ما همیشه به یک رستوران می‌رویم. این عصر یک رستوران دیگر برویم.

Artık hesabı istesek mi?
İstiyelim. tabii.

آیا حالا صورت حساب را بخواهیم؟
البته، بخواهیم.

ساختن جمله شرطی با ise

اگر انجام کاری به کار دیگر وابسته باشد جمله شرطی است و باید از واژه ise استفاده کرد.

Kızkardeşin hasta ise yatsın.

اگر خواهرت مریض است باید به بستر برود.

Hava güzel ise dışarıda oturalım.

اگر هوا خوب باشد بیرون بنشینیم.

حرف i (مصدر imek بدون -mek) در ise را می‌توان حذف نموده و به کلمه چسباند مانند. güzelse (اگر زیبا/خوب است) اگر کلمه‌ای به حرف مصوت ختم شده باشد حرف y میانجی را بین کلمه و -SA قرار می‌دهیم مانند: hastaysa (اگر بیمار است).

مثال از افعال شرطی:

| | |
|-------------------|----------------------|
| istersen | اگر بخواهی |
| gitmezsem | اگر نروم |
| gidiyorsam | اگر می‌روم |
| gitmiyorsam | اگر نمی‌روم |
| gelecekse | اگر او بخواهد بیاید |
| koşuyorsa | اگر او بدود |
| gittiysen | اگر تو رفتی |
| gitmediysem | اگر نرفتم |
| gitseydim | اگر می‌رفتم |
| gitmeseydim | اگر نمی‌رفتم |
| gitmişsem | اگر رفته‌ام |
| gitmemişsem | اگر نرفته‌ام |
| gitmiş olsa | اگر رفته باشد |
| gitmemiş olsa | اگر نرفته باشد |
| gitmiş olsaydım | اگر رفته بودم |
| gitmemiş olsaydım | اگر نرفته بودم |
| gidebilirsem | اگر بتوانم بروم |
| gidemezsem | اگر نتوانم بروم |
| gidebilseydim | اگر می‌توانستم بروم |
| gidemeseydim | اگر نمی‌توانستم بروم |

اگر فعل مختوم به ise به دنبال یک کلمه پرسشی قرار گیرد معنای آن به «هر» تغییر می‌یابد.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

ne zaman gelirsiniz هر وقت بیاید.
nerede olursam هر جا باشم.
kimi görürsek هر کسی که بینم
چند مثال دیگر:

Ne zaman İngilizce konuşmaya başlasam arkadaşım gülerdi.

هر وقت شروع به انگلیسی حرف زدن می کردم دوستم می خندید

Ne zaman İstanbul'a gelersen bizi ziyaret edebilirsin.

هر وقت به استانبول بیایی می توانی ما را ببینی.

Ne zaman şarkı söylesem kız kardeşim derhal odadan dışarı çıkar.

هر وقت ترانه می خوانم خواهرم بلافاصله از اتاق بیرون می رود.

Ne zaman Bursa'ya gitsek dağa tırmanırız.

هر وقت به بورسا می رویم به کوه صعود می کنیم.

اگر احتمال پیش آمد، کمتر باشد خود SA- نقش زمان فعل را بازی می کند.

gelse به فرض اینکه آمد
gitsen اگر می رفتی
alsak اگر می خریدیم
zengin bir adam olsam اگر مرد ثروتمندی بودم

مثال های تکمیلی از جملات شرطی:

Erken varırsanız, beklemelisiniz اگر زود برسید باید منتظر شوید.

Erken varırsanız, beklersiniz اگر زود برسید معطل می شوید.

Erken varsaydınız, bekleyecektiniz اگر زود می رسیدید می خواستید منتظر شوید.

Sana yardım edebilirlerse, yardım edecekler اگر بتوانند به تو کمک کنند کمک خواهند کرد.

Sana yardım etseler, yardım ederler اگر بتوانند به تو کمک کنند کمک می کنند.

Sana yardım edebilseydiler, (yardım) ederlerdi
اگر می توانستند به تو کمک کنند (کمک) می کردند.

Fazla içersen sarhoş olursun اگر زیاد بخوری مست می شوی.

Çok çalışmazsan, sınavı geçemeyeceksin اگر خیلی تلاش نکنی نمی توانی امتحان را رد کنی.

Sigara içmeyi bırakırsan, daha uzun yaşarsın
اگر سیگار کشیدن را ترک کنی عمر بیشتری می کنی.

Yağmur yağmasaydı dışarı çıkacaktık اگر باران نمی بارید می خواستیم به بیرون برویم.

Eğer buradan gitseydim sana yazardım اگر از اینجا می رفتم برای تو می نوشتم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Şura-da otur-sa-nız daha rahat ed-er-siniz. اگر اینجا بنشینید راحت تر خواهید بود.

Öykü-yü daha bitir-me-di-niz-se daha sonra da oku-yabil-ir-im.

اگر هنوز (نوشتن) داستان را تمام نکرده اید بعداً هم می توانم آن را بخوانم.

Biraz erken gel-se-n iyi ol-ur. خوب می شود اگر یک کم زود بیایی.

Telefon et-se-ydi-k belki bekle-r-ler-di. اگر تلفن می کردیم شاید آنها منتظر می ماندند.

Yabancı bir dil öğren-ir-se-niz dünya-nız genişle-r.

اگر یک زبان خارجی یاد بگیرید دنیای شما توسعه می یابد.

Yorgun-lar-sa yarın-a bırak-abil-ir-iz. اگر آنها خسته هستند ما می توانیم بگذاریم برای فردا.

Para-sı var-dı-ysa ev-e neden hiç bak-ma-mış? اگر پول داشت چرا اصلاً به خانه نگاه نکرده؟

Arabayı sat-SA hepimiz rahatLARız. اگر ماشین را بفروشد همه ی ما راحت می شویم.

Arabayı sat-AR-sa hepimiz rahatLARız. اگر ماشین را بفروشد همه ی ما راحت می شویم.

Eğer çocuk yaşa-sa-ydı çok iyi bir mimar olacaktı.

اگر کودک زندگی می کرد (زنده می ماند) معمار خیلی خوبی می شد.

Hasan bu mektubu okuduysa eğer, çok kötü olmuştur.

اگر حسن این نامه را خوانده، حتماً حالش خیلی بد شده است.

برای آشنایی بیشتر به فهرست صرف افعال مراجعه شود.

واحدهای شمارشی خوراکی ها

| | |
|--------------------|-----------------------|
| bir tutam tuz | یک انگشت نمک |
| iki paket çay | دو بسته چای |
| üç kilo elma | سه کیلو سیب |
| dört şişe rakı | چهار شیشه (بطری) راک |
| beş demet maydanoz | پنج بسته جعفری |
| altı kaşık şeker | شش قاشق شکر |
| yedi kutu lokum | هفت قوطی راحت الحلقوم |
| birkaç karpuz | چند عدد هندوانه |

توجه داشته باشید که اسم بعد از واحدهای شمارشی همیشه به صورت مفرد است.

ابراز تأسف

Çok üzgünüm ama
Ne yazık ki
Korkarım
Maalesef

Farketmez
Bana göre hava hoş
Ne olacak, mühim değil
Bence hepsi bir
Olsa da olur, olmasa da.

Çok üzgünüm ama hiç sütümüz kalmadı. Gazoz veya meyva suyu içer misiniz?
Bence hepsi bir. Hangisi olursa.

خیلی متأسفم ولی هیچی شیر نمانده. آیا نوشابه و یا آب میوه می نوشید؟
برای من هر دو یکی است. هر کدام باشد (فرق نمی کند).

Ne yazık ki buzumuz yok.

Ne olacak, mühim değil, Olsa da olur, olmasa da. Haydi içelim. şerefinize!

چه حیف شد که یخ نداریم.

اشکالی ندارد، مهم نیست. هر چه باشد می نوشیم. به سلامتی شما!

Korkanm şu anda masaların hepsi dolu.

Bana göre have hoş, Vaktim var. Beklerim.

متأسفم تمام میزها در حال حاضر، اشغالند.

برایم مهم نیست. وقت دارم. منتظر می شوم.

Maalesef çorba biraz tuzsuz.

Hiç farketmez. Tuz koyarız, olur biter.

متأسفانه سوپ کمی بی نمک است.

هیچ فرقی نمی کند. مقداری نمک اضافه می کنیم.

در ترکی بسته به نوع نوشیدنی که می نوشند اصطلاحات متفاوتی بکار می برند که همه را می توان ظاهراً «به سلامتی شما» معنی کرد.

Şerefinize

به افتخار شما

Sağlığınıza

به سلامتی شما

Sıhhatinize

به سلامتی شما

Mutluluğunuza

به سعادت شما

Başarınıza

به توفیق شما

غذا و نوشیدنی (yeyicek ve içecek)



میوه‌ها و سبزیجات (meyveler ve sebzeler)

| | | | |
|--------------------|-----------|------------------|-------------|
| meyve | میوه | fasulye | لوبیا |
| elma | سیب | lima fasulyesi | لوبیای لیما |
| kayısı | زردآلو | kırmızı barbunya | لوبیا قرمز |
| bakla | باقلا | kuru fasulye | لوبیا سفید |
| muz | موز | taze fasulye | لوبیا سبز |
| mısır | ذرت | yeşil fasulye | لوبیا سبز |
| üzüm | انگور | fasulye filizi | جوانه لوبیا |
| greyfurt | گریپ فروت | bezelye | نخود فرنگی |
| kivi | کیوی | lahana | کلم |
| limon | لیمو | havuç | هویج |
| lime | لیمو ترش | karnabahar | گل کلم |
| mango | انبه | patates | سیب زمینی |
| kavun | خریزه | bal kabağı | کدو تنبل |
| portakal | پرتقال | kabak | کدو مسما |
| kavunağacı meyvesi | پاپایا | dolmalık kabak | کدو |
| şeftali | هلو | patlıcan | بادمجان |
| armut | گلابی | avokado | آواکادو |
| erik | آلو | turp | تربچه |
| mandalina | نارنگی | domates | گوجه فرنگی |

| | | | |
|---------------|------------|-------------------|--------------|
| karpuz | هندوانه | salatalık | خیار |
| yaban mersini | زغال اخته | salatalık turşusu | خیار شور |
| kızılcık | کران بری | kapari | کیپر |
| kiraz | گیلاس | mantar | قارچ |
| ahududu | تمشک | zeytin | زیتون |
| çilek | توت فرنگی | mısır | ذرت |
| ravent | ریواس | marul | کاهو |
| kuru üzüm | کشمش | brokoli | کلم بروکلی |
| kuru erik | سیاه آلو | ıspanak | اسفناج |
| incir | انجیر | kıvırcık lahanası | کلم پیچ |
| sebze | سبزیجات | Brüksel lahanası | کلم بروکسل |
| yeşillik | سبزی | soğan | پیاز |
| enginar | کنگر فرنگی | kuşkonmaz | مارچوبه رسمی |
| kereviz | کرفس | dut | توت |
| vişne | آلبالو | germek | طالبی |
| hayva | به | ceviz | گردو |
| pırasa | تره | terhun | ترخون |
| kişniş | گشنیز | maydanoz | جعفری |
| fıstık | پسته | findık | فندق |
| nohut | نخود | ananas | آناناس |
| badem | بادام | nar | انار |
| marul | کاهو | bamya | بامیه |
| ıspanak | اسفناج | mercimek | عدس |
| domates | گوجه فرنگی | kereviz | کرفس |

غذای دریایی (deniz ürünleri)

| | | | |
|---------------|-------------|-------------------|------------|
| denizkulağı | صدف آبالون | yumuşakça kavkısı | صدف حلزونی |
| deniz tarağı | حلزون | dere pisisi | سفره ماهی |
| sardin balığı | ماهی ساردین | Hamsi balığı | ماهی هامسی |
| yengeç | خرچنگ | ringa balığı | شاه ماهی |

| | | | |
|---------------------|-----------------|------------------|----------------|
| kerevit | خرچنگ | uskumru | ماهی خال مخالی |
| istakoz | لابستر | tatlısu levreği | ماهی لوتی |
| ahtapot | هشت پا | turna balığı | اردک ماهی |
| istiridye | صدف | palamuta | ماهی پامپانو |
| tarak | حلزون اسکالوپ | kırlangıç balığı | ماهی سرخو |
| karides/iri karides | میگو | somon | ماهی آزاد |
| kabuksuz yengeç | خرچنگ نرم پوسته | gümüş balığı | ماهی اسملت |
| kalamar | ماهی مرکب | çizgili levrek | ماهی راه راه |
| balık | ماهی | kılıç balığı | نیزه ماهی |
| yayınbalığı | گرابه ماهی | alabalık | ماهی قزل آلا |
| havyar | خاویار | ton balığı | ماهی تن |
| morina | ماهی کاد | beyaz balık | ماهی سفید |
| miyde yemeği | غذای صدف خوراکی | ton balığı | ماهی تن |

ادویه‌ها و چاشنی‌ها (baharatlar)

| | | | |
|-----------------|-------------|------------------------|---------------|
| anason | رازیانه | mercanköşk | مرزنجوش |
| fesleğen | ریحان | küçük hindistan cevizi | جوز |
| kimyon | زیره | dağ keçisi | پونه کوهی |
| kakule | هل | kırmızı biber | فلفل پاپریکا |
| kırmızı biber | فلفل هندی | maydanoz | جعفری |
| sarı papatya | بابونه | biber | فلفل |
| Frenk maydanozu | جعفری فرنگی | nane şekeri | نعناع بیابانی |
| radika kökü | ریشه کاسنی | haşhaş tohumu | دانه خشخاش |
| çili | فلفل قرمز | safran | زعفران |
| tarçın | دارچین | adaçayı | مریم گلی |
| karanfil | میخک | tuz | نمک |
| kişniş | گشنیز | susam | کنجد |
| köri | کاری | bahçe nanesi | نعنای تند |
| dereotu | شوید | baharatlar | ادویه‌ها |
| rezene | رازیانه | kekik | آویشن |

| | | | |
|----------------|----------|--------------|---------|
| sarımsak | سیر | hintsafıranı | زردچوبه |
| zencefil | زنجفیل | sumak | سماق |
| ginkgo | گینگو | nane | نعناع |
| yabanturpu | ترب کوهی | yapuz otu | پونه |
| esmer suyosunu | کتانجک | hardal | خردل |

گوشت (et)

| | | | |
|------------------|--------------|-----------|-----------------|
| domuz pastırması | بیکن | tavşan | خرگوش |
| sığır eti | گوشت گاو | hindi | بوقلمون |
| tavuk | جوجه، مرغ | dana eti | گوشت گوساله |
| ördek | اردک | geyik eti | گوشت گوزن و آهو |
| kuzu eti | گوشت بره | kıyma | گوشت چرخکرده |
| domuz eti | گوشت خوک | şinitzel | شنیسل |
| kümes hayvanları | مرغ | biftek | استیک |
| yağsız et | گوشت بی چربی | koyun eti | گوشت گوسفند |

خواربار (bakkal)

| | | | |
|-------------------|---------------|----------------------|-----------------|
| şeker | شکر | sos | سس |
| ekmek | نان | zeytin yağı | روغن زیتون |
| çavdar ekmeği | چاودار | Rus sosu | سس روسی |
| çavdar ekmeği | نان سیاه | Thousand Island sosu | سس هزار جزیره |
| yulaf ekmeği | نان جو | İtalyan sosu | سس ایتالیایی |
| muz ekmeği | نان موز | barbekü sosu | سس گوشت |
| beyaz ekmek | نان سفید | Tabasko (acı sos) | سس فلفل تاباسکو |
| tam buğday ekmeği | نان سفید کامل | soya sosu | سس سویا |
| rulo | نان ساندویچی | sirke | سرکه |
| top | نان کماج | çerez | آجیل |
| jambon | ژامبون | badem | بادام |
| jambon füme | ژامبون دودی | hindistan cevizi | نارگیل |

| | | | |
|----------------|----------------|--------------------|----------------|
| dilimlenmiş | تکه تکه | findık | فندق |
| sucuk | سوسیس | yer fıstığı | بادام زمینی |
| peynir | پنیر | fıstık | پسته |
| rokfor | پنیر آبی | Brezilya kestanesi | آجیل برزیلی |
| Edam | پنیر ایدام | ceviz | گردو |
| Çedar | پنیر چدار | kestane | شاه بلوط |
| Gravyer | پنیر سوئیسی | pekan | گردوی آمریکایی |
| Provolone | پنیر پرولون | kahvaltılık gevrek | غلات و حبوبات |
| Mozzarella | پنیر ماتسرلا | şeker | نبات |
| Muenster | پنیر مونس تر | çikolata | شکلات |
| krem peynir | پنیر خامه‌ای | çikolatalı puding | پودینگ شکلاتی |
| Brie | پنیر بری | çikolatalı kek | کیک شکلاتی |
| Camambert | پنیر کاممبر | krema | خامه |
| Monterrey Jack | پنیر مونتری جک | koyu krema | کاستارد |
| yağ | روغن | dondurma | بستنی |
| tere yağı | کره | top/kepçe | گلوله بستنی |
| yoğurt | ماست | kağıt tabak | بشقاب کاغذی |
| yumurta | تخم مرغ | kağıt bardak | لیوان کاغذی |
| süt | شیر | plastik kaşık | قاشق پلاستیکی |
| hardal | خردل | plastik çatal | چنگال پلاستیکی |
| mayonez | مایونز | plastik tabaklar | بشقاب پلاستیکی |
| ketçap | سس کچاپ | plastik bardaklar | لیوان پلاستیکی |

نوشیدنی‌های غیر الکلی (meşrubat)

| | | | |
|-----------------|----------------|------------|----------------|
| içecekler | نوشیدنی‌ها | milk shake | میلک شیک |
| çay | چای | yağsız süt | شیر خامه گرفته |
| bitkisel çaylar | جوشانده گیاهی | maden suyu | آب معدنی |
| yasemin çayı | جوشانده گل یاس | şişe su | آب معدنی |

| | | | |
|-----------------|---------------|--------------|-----------------|
| yeşil çay | چای سبز | maden sodası | آب گازدار |
| buzlu çay | چای سرد | memba suyu | آب چشمه کوهستان |
| meyve suyu | شربت، آب میوه | soda | آب (سودا) |
| portakal suyu | آب پرتقال | tonik | تنیک |
| kutu meyve suyu | قوطی شربت | kahve | قهوه |
| ezme | اسکواش | kakao | شیر کاکائو |
| limonata | لیموناد | kola | کو کاکولا |

مشروبات الکلی (alkollu içecek)

| | | | |
|---------------------|--------------|---------------|---------------|
| bira | آبجو | vermut | شراب ورموت |
| dark bira | آبجو تیره | sek vermut | شراب ورموت گس |
| ithal bira | آبجو وارداتی | Martini | مارتینی |
| yerli bira | آبجو محلی | Bakardi | باکاردی |
| bir tür hafif bira | آبجو آلمانی | likör | لیکور |
| hafif bira | آبجو سبک | burbon | بوربن |
| sert | آبجو استاوت | brendi | براندی |
| buğday birası | آبجو گندم | konyak | کنیاک |
| siyah bira | آبجو پورتر | cin | جین |
| birinci kalite bira | آبجو ایل | skoç | اسکاچ |
| elma şarabı | شراب سیب | tekila | تکیلا |
| şampanya | شامپاین | votka | ودکا |
| şarap | شراب | viski | ویسکی |
| beyaz şarap | شراب سفید | tatlı şarap | شراب شیرین |
| sek şarap | شراب گس | kırmızı şarap | شراب قرمز |
| pembe şarap | شراب سرخ | Şiraz şarabı | شراب شیراز |
| alkol | الکل | | |

در رستوران: اشتها آورها (restoranda: apertif)

| | | | |
|---------------|----------------|-----------------|---------|
| tuzlu kraker | چوب شور | istiridye güveç | سوپ صدف |
| patates cipsi | چیپس سیب زمینی | omlet | املت |

| | | | |
|------------------|-----------------|--------------------|-------------------|
| çerez | آجیل آجیو | rafadan yumurta | تخم مرغ عسلی |
| tost | نان تست | katı yumurta | تخم مرغ سفت |
| kıtır tost | نان سوخاری ترد | kahvaltılık gevrek | برشتوک |
| sarımsaklı ekmek | نان سیر | yulaf ezmesi | بلغور جو دوسر |
| salata | سالاد | tavuk kanadı | بال مرغ |
| salata barı | میز سالاد | hamburger | همبرگر |
| şefin salatası | سالاد سرآشپز | sandviç | ساندویچ |
| Grek salata | سالاد یونانی | somon sandviç | ساندویچ ماهی آزاد |
| yeşil salata | سالاد سبزیجات | sardalyeli sandviç | ساندویچ ساردین |
| Sezar salata | سالاد سزار | klüp sandviç | کلاب ساندویچ |
| meyve salatası | سالاد میوه | cheeseburger | چیزبرگر |
| patates salatası | سالاد سیب زمینی | sosisli sandviç | هات داگ |
| lahana salatası | سالاد کلم | kebab | کباب |
| karides kokteyl | کوکتل میگو | iştah açıcılar | اشتها آورها |

در رستوران: سوپ (restoranda: çorba)

| | | | |
|--------------------------|----------------------|-----------------------|----------------------|
| ordövr | پیش غذا | bezelye çorbası | سوپ نخود |
| et suyuna çorba | شوربا/آبگوشت | fasulye çorbası | سوپ لوبیا |
| nohut çorbası | سوپ نخود | sebze çorbası | سوپ سبزی |
| tavuk çorbası | سوپ مرغ | sığır kuyruğu çorbası | سوپ دم گاو |
| kremalı çorba | سوپ خامه‌ای | arpa çorbası | سوپ جو |
| brokoli çorbası | سوپ بروکلی | gaspacho | سوپ گاسپاچو |
| mantar çorbası | سوپ قارچ | sığır eti konsome | سوپ رقیق با گوشت گاو |
| kremalı karavide çorbası | سوپ غلیظ لایستر تیغی | mısır çorbası | آبگوشت ذرت |
| soğan çorbası | سوپ پیاز | domates çorbası | سوپ گوجه فرنگی |
| balkabağı çorbası | سوپ کدو تنبل | deniz tarağı çorbası | آبگوشت حلزون |
| kuşkonmaz çorbası | سوپ مارچوبه | et çorbası | سوپ گوشت |

در رستوران: غذای اصلی (restoranda: ana yemekler)

| | |
|--------------------------------|-------------------|
| ana yemekler | غذای اصلی |
| yağda yumurta | نیمرو |
| sahanada yumurta | نیمروی مهیتابه ای |
| menemen | املت |
| tavuk göğsü | سینه مرغ |
| hindi göğsü | سینه بوقلمون |
| göğüs | گوشت سینه |
| fileto | فیله |
| ciğer | جگر |
| böbrek | قلوه |
| fileto | گوشت گرده |
| pirzola | دنده |
| sırtın alt ucundan kesilmiş et | گوشت گرده |
| Kaburga | گوشت دنده خوک |
| bonfile | فیله |
| dil | زبان |
| pirzola | گوشت با استخوان |
| pirzola et | استیک قطعه قطعه |
| kotlet | کتلت |
| eskalop | گوشت بریان خوک |
| filet mignon | فیله مینیون |
| fileto biftek | استیک فیله |
| gulaş | گولاش |
| et dilimi | میت لوف |
| rostro | قورمه |
| sığır eti güveç | تاس کباب گاو |
| kuzu güveç | تاس کباب بره |
| tavşan güveç | تاس کباب خرگوش |
| böf straganof | بیف استروگانف |
| haşlanmış sığır eti | گوشت گاو آب پز |

| | |
|---------------------------------|-----------------------------|
| haşlanmış dil | زبان آب پز |
| haşlanmış ıstakoz | لابستر آب پز |
| haşlanmış sığır eti ve lahanası | گوشت گاو آب پز و کلم |
| tavuk böreği | پای مرغ |
| rozbif | رست بیف |
| tavuk kızartma | جوجه کباب |
| ördek kızartma | گوشت اردک کباب شده |
| domuz kızartma | گوشت خوک کباب شده |
| hindi kızartma | گوشت بوقلمون کباب شده |
| kızartılmış dana eti | گوشت گوساله کباب شده |
| İsviçre biftek | استیک سویسی |
| T-kemikli biftek | استیک گوشت گاو با استخوان |
| domuz kaburga eti | استیک گوشت نرم بدون استخوان |
| fırında jambon | گوشت ران خوک پخته شده |
| tavuk kızartma | مرغ سرخ کرده |
| tavada et | استیک سرخ شده در ماهی تابه |
| garnitür | غذای جانبی/چاشنی |
| patates kızartması | سیب زمینی سرخ کرده |
| erişte | رشته فرنگی |
| kızarmış pırasa | تره فرنگی پخته |
| püre | پوره |
| pilav | برنج |
| fırında fasulye | لوبیای پخته |
| elma dilimli patates | سیب زمینی تنوری |
| haşlanmış patates | سیب زمینی آب پز |
| makarna | پاستا |
| makarna | ماکارونی |
| spagetti | اسپاگتی |
| ravioli | راویولی |
| linguini | لینگوینی |
| tel şehriye/şehriye | ورمیشل |

| | |
|-----------------------|------------------------|
| pizza | پیتزا |
| pan pizza | پن پیتزا |
| kalın hamur | نان ضخیم |
| ince hamur | نان نازک |
| malzeme | چاشنی روی غذا |
| pepperoni | فلفلی |
| pişmiş | پخته |
| mangalda | کبابی |
| haşlanmış | آب پز |
| kavurma | ملایم پخته شده |
| kotletpane | پوشیده با نان |
| dondurulmuş | سرد شده |
| kıyılmış | قطعه قطعه شده |
| yemek siparişi | سفارشی پخته شده |
| bol yağda kızartılmış | کاملاً سرخ شده در روغن |
| taze | تازه |
| kızartılmış | سرخ کرده |
| ızgara | بریانی شده |
| ev yapımı | خانگی |
| eritilmiş | آب شده |
| püre | له شده، پوره |
| kıyılmış | خرد کرده |
| tavada kızartılmış | سرخ شده در ماهی تابه |
| sıcak suda pişirilmiş | آب پز شده |
| kavrulmuş | کبابی |
| füme | دودی |
| baharatlı/acı | تند |
| yahni | خورشتی |
| dolma | پر شده، دلمه |
| az pişmiş | خام |
| orta pişmiş | نیم پز |

| | |
|--------------|--------------|
| çok pişmiş | کاملاً پخته |
| iyi pişmiş | خوب پخته شده |
| yarım pişmiş | نیمه پخته |

در رستوران: دسر (restoranda: tatlı)

| | | | |
|-------------------|-----------------------|------------------|----------------|
| tatlı | دسر | turta | پای |
| banana split | دسر بستنی موز با خامه | tart | تارت |
| vanilya | وانیلی | pekan tartı | پای گردو |
| meyve tabağı | میوه‌ها | elmalı tart | پای سیب |
| pişirilmiş elma | سیب پخته | elmalı turta | استرودل سیب |
| kurabiye | بیسکویت | cheesecake | کیک پنیر |
| kek | کیک | peynirli pasta | کیک پنیر |
| meyve pastası | کیک کابلر | zencefilli kek | شیرینی زنجفیلی |
| reçelli bir börek | کیک میوه | zencefil ekmek | نان زنجبیلی |
| Hamur işi | شیرینی فرانسوی | dondurma sandviç | بستنی حصیری |
| kruasan | کروسانت | şurup | شریت |
| çörek | کیک مافین | kızılıcak sosu | چاشنی کران بری |
| krep | کلوچه | akça ağaç şurubu | شریت افرا |
| reçel | مربا | jöle | ژله |
| puding | پودینگ | cevizli dondurma | بستنی گردویی |
| karışık dondurma | بستنی مخلوط | meyveli dondurma | بستنی میوه‌ای |
| meyveli pasta | کیک میوه‌ای | | |

در رستوران: نوشیدنی‌ها (restoranda: içecekler)

| | | | |
|---------------|----------------|--------------|-------------------|
| alkolsüz | بدون الکل | kola | کوکاکولا |
| kokteyl | کوکتل | ayran | دوغ |
| harmanlanmış | مخلوط | türk kahvesi | قهوه ترک |
| karıştırılmış | هم زده شده | fıçı bira | آبجوی بشکه‌ای |
| çalkalanmış | زده شده | içkiler | نوشیدنی‌ها |
| aperatif | نوشابه پیش غذا | neskafe | قهوه فوری، نسکافه |

| | | | |
|---------------|--------------|-----------------|------------------|
| uzun içimlik | نوشیدنی بزرگ | filtre kahve | قهوه فیلتر شده |
| kısa içimlik | نوشیدنی کوچک | siyah kahve | قهوه خالص |
| yudum | گیلاس | cappuccino | کاپوچینو |
| beyaz şarap | شراب سفید | kafeinsiz kahve | قهوه بدون کافئین |
| köpüklü şarap | شامپاین | espresso | اسپرسو |
| tatlı şarap | شراب شیرین | frappe | یخ در بهشت |
| sek şarap | شراب گس | sıcak çikolata | شکلات داغ |
| kırmızı şarap | شراب قرمز | tarçın ile | با دارچین |
| pembe şarap | شراب سرخ | krema ile | با خامه |
| buzlu | با یخ | limon ile | با لیمو |
| şeker ile | با شکر | muzlu süt | شیر موز |
| portakal suyu | آب پرتقال | nar suyu | آب انار |

در رستوران: رزرو (restoranda: rezervasyon)

| | |
|---|--|
| Buralarda iyi bir restoran var mı? | رستوران خوبی در این حوالی هست؟ |
| Buralarda ucuz restoran var mı? | رستوران ارزانی در این حوالی هست؟ |
| Buralarda yerel restoran var mı? | رستوران محلی در این حوالی هست؟ |
| Buralarda otantik restoran var mı? | رستوران غذای ملی در این حوالی هست؟ |
| Buralarda fast food restoran var mı? | رستوران فست فود در این حوالی هست؟ |
| Buralarda vejetaryen restoran var mı? | رستوران گیاه خواری در این حوالی هست؟ |
| Nerede bir sandviççi bulabilirim? | کجا می‌توانم یک ساندویچ فروشی پیدا کنم؟ |
| Nerede bir kahvehane bulabilirim? | کجا می‌توانم یک قهوه خانه پیدا کنم؟ |
| Nerede bir çay bahçesi bulabilirim? | کجا می‌توانم یک چایخانه پیدا کنم؟ |
| Nerede bir pizzacı bulabilirim? | کجا می‌توانم یک پیتزا فروشی پیدا کنم؟ |
| Nerede bir et lokantası bulabilirim? | کجا می‌توانم یک استیک فروشی پیدا کنم؟ |
| Nerede bir kafeterya bulabilirim? | کجا می‌توانم یک غذاخوری پیدا کنم؟ |
| Nerede bir arabaya servis yapan restoran bulabilirim? | کجا می‌توانم یک رستوران با سرویس در داخل ماشین پیدا کنم؟ |
| Nerede bir fast-food restoran bulabilirim? | کجا می‌توانم یک رستوران فست فود پیدا کنم؟ |
| Yemek yiyecek güzel bir yer tavsiye edebilir misiniz? | |

- آیا می‌توانید یک جای خوب برای غذا خوردن توصیه کنید؟
- آیا می‌توانید یک رستوران خوب توصیه کنید؟
- İyi bir restoran tavsiye edebilir misiniz?
- آیا می‌توانید یک بار خوب توصیه کنید؟
- İyi bir bar tavsiye edebilir misiniz?
- جایی که خیلی گران نباشد.
- Çok pahalı olmayan bir yer.
- آیا رستوران چینی در این نزدیکی هست؟
- Yakınlarda Çin restoranı var mı?
- آیا رستوران ایرانی در این نزدیکی هست؟
- Yakınlarda İran restoranı var mı?
- آیا رستوران ایتالیایی در این نزدیکی هست؟
- Yakınlarda İtalyan restoranı var mı?
- آیا رستوران ژاپنی در این نزدیکی هست؟
- Yakınlarda Japon restoranı var mı?
- آیا رستوران هندی در این نزدیکی هست؟
- Yakınlarda Hint restoranı var mı?
- آیا رستوران روسی در این نزدیکی هست؟
- Yakınlarda Rus restoranı var mı?
- آیا رستوران فرانسوی در این نزدیکی هست؟
- Yakınlarda Fransız restoranı var mı?
- آیا رستوران مکزیکی در این نزدیکی هست؟
- Yakınlarda Meksikan restoranı var mı?
- من می‌خواهم به یک رستوران ایرانی بروم.
- İran restoranına gitmek istiyorum.
- من می‌خواهم بهترین غذای محلی را بخورم.
- En iyi yerel yemeği yemek istiyorum.
- آیا می‌توانم یک نمونه از غذای محلی را آنجا بچشم؟
- Orada yerel mutfağından örnekler tadabilir miyim?
- آیا می‌توانم یک نمونه از غذای ترک را آنجا بچشم؟
- Orada Türk mutfağından örnekler tadabilir miyim?
- آیا باید رزرو کنیم؟
- Rezervasyon yaptırmamız gerekiyor mu?
- آیا امکان دارد ترتیب رزرو را برای من بدهید؟
- Benim için rezervasyon yaptırabilir misiniz?
- من می‌خواهم یک میز برای ۲ نفر رزرو کنم.
- İki kişilik bir masa ayırtmak istiyorum.
- من می‌خواهم یک میز برای ۴ نفر رزرو کنم.
- Dört kişilik bir masa ayırtmak istiyorum.
- من می‌خواهم یک میز برای ۶ نفر رزرو کنم.
- Altı kişilik bir masa ayırtmak istiyorum.
- من می‌خواهم یک میز برای امشب رزرو کنم.
- Bu akşam için rezervasyon yaptırmak istiyorum.
- من می‌خواهم یک میز برای فردا شب رزرو کنم.
- Yarın akşam için rezervasyon yaptırmak istiyorum.
- ساعت ۶ می‌آییم.
- Saat 6'da geleceğiz.
- برای صبحانه چه ساعتی باز می‌کنید؟
- Kahvaltı saatiniz kaçta başlıyor?
- من یک میز برای ۲ نفر می‌خواهم.
- İki kişilik bir masa istiyorum.
- من یک میز در قسمت سیگاری‌ها می‌خواهم.
- Sigara içilen yerde bir masa istiyorum.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|---|
| Sigara içilmeyen yerde bir masa istiyorum. | من یک میز در قسمت غیر سیگاری ها می خواهم. |
| Pencere kenarında masanız var mı? | آیا میزی کنار پنجره دارید؟ |
| Orada oturabilir miyim? | امکان دارد آنجا بنشینم؟ |
| Dışarıda oturabilir miyim? | امکان دارد بیرون بنشینم؟ |
| Pencere kenarında oturabilir miyim? | امکان دارد کنار پنجره بنشینم؟ |
| Sigara içilen yerde oturabilir miyim? | امکان دارد در قسمت سیگاری ها بنشینم؟ |
| Sigara içilmeyen yerde oturabilir miyim? | امکان دارد در قسمت غیر سیگاری ها بنشینم؟ |
| Dört kişiyiz. | ما یک گروه ۴ نفره هستیم. |
| Rezervasyon yaptırmışım. | من رزرو کرده ام. |

کلمات مفید

| | | | |
|------------------|----------------------|-----------------|-------------|
| Lütfen bekleyin. | لطفاً منتظر بمانید. | öğle yemeği | ناهار |
| Rezerve | رزرو شده است. | branç | صبحانه دوم |
| Boş masa yok | میز خالی موجود نیست. | akşam yemeği | شام |
| Özel parti | میهمانی خصوصی | giriş ücreti | پول میز |
| kahvaltı | صبحانه | bekleme listesi | لیست انتظار |

در رستوران: سفارش غذا (restoranda: yemek siparişi)

| | |
|---|------------------------------------|
| Garson! | ببخشید آقا! |
| Sipariş vermek istiyorum. | من می خواهم سفارش بدهم. |
| Mönüyü görmek istiyorum. | من می خواهم منو را ببینم. |
| Yemek siparişi vermek istiyorum. | من می خواهم غذا سفارش بدهم. |
| Yemek istiyorum. | من می خواهم غذا بخورم. |
| Hesabı ödemek istiyorum. | من می خواهم مبلغ را پرداخت کنم. |
| Sipariş vermek için hazırım. | من آماده ام سفارش دهم. |
| Kontinental kahvaltı rica ediyorum. | من یک صبحانه سبک می خواهم. |
| İçecek bir şeyler rica ediyorum. | من یک نوشیدنی می خواهم. |
| Atıştırmak için bir şeyler rica ediyorum. | من یک غذای سبک می خواهم. |
| Sadece salata rica ediyorum. | من فقط یک سالاد می خواهم. |
| Ne tavsiye ederseniz onu istiyorum. | من هر چیزی شما توصیه کنید می خورم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Ne tavsiye edersiniz? شما چه چیزی توصیه می کنید؟
- Spesiyaliniz nedir? غذای مخصوص شما چیست؟
- Mönüyü, lütfen. منو، لطفاً.
- Mönüyü ve şarap mөнüsünü alabilir miyim lütfen? امکان دارد لطفاً منو و فهرست شراب را به من بدهید؟
- Vejetaryen yemeđiniz var mı? آیا غذای گیاهخواری دارید؟
- Diyabet yemeđiniz var mı? آیا غذای دیابتی دارید؟
- İngilizce mөнünüz var mı? آیا منو به زبان انگلیسی دارید؟
- Günün kokteyli nedir? کوکتل روز چیست؟
- Günün çorbası nedir? سوپ روز چیست؟
- Henüz sipariş vermek için hazır deđilim. من هنوز آماده سفارش دادن نیستم.
- Aynısından alacađım. من هم همین را می خواهم.
- Bunu istiyorum. من این را می خواهم.
- Lezzetli mi? آیا خوش طعم است؟
- Pahalı mı? آیا گران است؟
- Hafif mi? آیا سبک است؟
- Doyurucu mu? آیا شکم پر کن است؟
- Ne kadar sürer? چه قدر طول خواهد کشید؟
- Porsiyon sebze ile birlikte mi geliyor? آیا همراه غذا سبزیجات هست؟
- Porsiyon patates ile birlikte mi geliyor? آیا همراه غذا سیب زمینی هست؟
- Porsiyon garnitür ile birlikte mi geliyor? آیا همراه غذا مخلقات هست؟
- Jambonlu sandviç rica ediyorum. من فقط یک ساندویچ گوشت ران خوک می خورم.
- Tavuklu sandviç rica ediyorum. من فقط یک ساندویچ مرغ می خورم.
- Etli sandviç rica ediyorum. من فقط یک ساندویچ رست بیف می خورم.
- Biftek kızarmış patates ile rica ediyorum. من استیک با سیب زمینی سرخ کرده می خورم.
- Biftek fırında patates ile rica ediyorum. من استیک با سیب زمینی پخته می خورم.
- Biftek püre patates ile rica ediyorum. من استیک با سیب زمینی له شده می خورم.
- Orta, lütfen. نیم پز خام لطفاً.
- Çok pişmiş, lütfen. برشته لطفاً.
- Şarap listenizi gösterin lütfen. لطفاً فهرست شرابها را به من نشان دهید.
- Ne tür şaraplarınız var? چه نوع شرابی دارید؟

| | |
|---|---------------------------------------|
| Bir şişe beyaz şarap rica ediyorum. | من یک بطری شراب سفید می‌خواهم. |
| Bir şişe kırmızı şarap rica ediyorum. | من یک بطری شراب قرمز می‌خواهم. |
| Bir şişe pembe şarap rica ediyorum. | من یک بطری شراب سرخ می‌خواهم. |
| Bir şişe şarap ne kadar? | یک بطری کامل چقدر می‌شود؟ |
| Bir sürahi şarap ne kadar? | یک تنگ چقدر می‌شود؟ |
| Bir kadeh şarap ne kadar? | یک لیوان چقدر می‌شود؟ |
| Bir bardak kahve rica ediyorum. | من یک فنجان قهوه می‌خواهم. |
| Bir bardak çay rica ediyorum. | من یک فنجان چای می‌خواهم. |
| Bir bardak kahve daha rica ediyorum. | من یک فنجان دیگر قهوه می‌خواهم. |
| Tekrar doldurur musunuz? | لطفاً لیوان مرا دوباره پر کنید. |
| Bir bardak bira alabilir miyim? | امکان دارد یک لیوان آبجو به من بدهید؟ |
| Bir bardak büyük boy bira alabilir miyim? | امکان دارد یک پاینت آبجو به من بدهید؟ |
| Bir sürahi bira alabilir miyim? | امکان دارد یک تنگ آبجو به من بدهید؟ |
| Bir şişe bira alabilir miyim? | امکان دارد یک بطری آبجو به من بدهید؟ |
| Portakal suyu. | آب پرتقال. |
| Greyfurt suyu. | آب گریپ فروت. |
| Domates suyu. | آب گوجه. |
| Meyve suyu. | آب میوه. |
| Tatlı olarak ne var? | برای دسر چی دارید؟ |

در رستوران: سرویس (restoranda: Servis)

| | |
|------------------------------------|--|
| Ellerimi merde yıkaya bilirim? | دست‌هایم را کجا می‌توانم بشویم؟ |
| Biraz tereyağı alabilir miyim? | امکان دارد مقداری کره به من بدهید؟ |
| Biraz limon alabilir miyim? | امکان دارد مقداری لیمو به من بدهید؟ |
| Biraz tatlandırıcı alabilir miyim? | امکان دارد مقداری ساخارین به من بدهید؟ |
| Biraz yağ alabilir miyim? | امکان دارد مقداری روغن به من بدهید؟ |
| Biraz sirke alabilir miyim? | امکان دارد مقداری سرکه به من بدهید؟ |
| Biraz hardal alabilir miyim? | امکان دارد مقداری خردل به من بدهید؟ |
| Biraz ekmek alabilir miyim? | امکان دارد مقداری نان به من بدهید؟ |
| Biraz biber alabilir miyim? | امکان دارد مقداری فلفل به من بدهید؟ |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|---|
| Biraz tuz alabilir miyim? | امکان دارد مقداری نمک به من بدهید؟ |
| Biraz şeker alabilir miyim? | امکان دارد مقداری شکر به من بدهید؟ |
| Biraz sos alabilir miyim? | امکان دارد مقداری سس به من بدهید؟ |
| Temiz bir tabak alabilir miyim? | امکان دارد یک بشقاب تمیز به من بدهید؟ |
| Temiz bir kaşık alabilir miyim? | امکان دارد یک قاشق تمیز به من بدهید؟ |
| Temiz bir çatal alabilir miyim? | امکان دارد یک چنگال تمیز به من بدهید؟ |
| Temiz bir bıçak alabilir miyim? | امکان دارد یک کارت تمیز به من بدهید؟ |
| Temiz bir kül tablası alabilir miyim? | امکان دارد یک زیر سیگاری تمیز به من بدهید؟ |
| Temiz bir peçete alabilir miyim? | امکان دارد یک دستمال سفره تمیز به من بدهید؟ |
| Temiz bir fincan alabilir miyim? | امکان دارد یک فنجان تمیز به من بدهید؟ |
| Temiz bir bardak alabilir miyim? | امکان دارد یک لیوان تمیز به من بدهید؟ |
| Bir porsiyon pilav daha lütfen. | یک پرس دیگر برنج، لطفاً. |
| Bir porsiyon patates kızartma daha lütfen. | یک پرس دیگر سیب زمینی سرخ کرده، لطفاً. |
| İki hamburger paket lütfen. | دو تا همبرگر، لطفاً. |
| Üç katlı sandviç ve süt lütfen. | یک ساندویچ سه طبقه با شیر برای من بیاورید، لطفاً. |
| Kola getirin lütfen. | لطفاً نوشابه بیاورید. |
| Fransız soslu yeşil salata. | یک سالاد فصل با سس فرانسوی. |
| Tereyağı ile. | با کره. |
| Limon ile. | با لیمو. |
| Şeker ile. | با شکر. |
| Biraz daha lütfen. | لطفاً کمی دیگر. |
| Başka bir şey yok, teşekkürler. | متشکرم چیز دیگری نمی‌خواهم. |
| Yeterli, teşekkürler. | کافیست، متشکرم. |
| Tuzu uzatır mısınız? | امکان دارد لطفاً نمک را به من بدهید؟ |
| Tadı nasıl? | مزه‌اش چطور است؟ |
| Çok lezzetliydi. | خوشمزه بود. |
| Bu benim yiyebileceğimden fazlaydı. | بیشتر از ظرفیت من بود. |
| Hemen alabilir miyim? | امکان دارد فوراً آماده شود؟ |
| Acele eder misiniz lütfen? | ممکن است لطفاً عجله کنید؟ |
| Sigara içebilir miyim? | امکان دارد سیگار بکشم؟ |
| Bu benim siparişim değil. | این سفارش من نیست. |

| | |
|----------------------------------|---------------------------------|
| Ben bu yemeği sipariş etmemiştim | من این غذا را سفارش نداده بودم. |
| Siparişim henüz gelmedi. | سفارش من هنوز نرسیده است. |
| Bunu nasıl yiyorsunuz? | این را چگونه می‌شود خورد؟ |
| Yemek çok tuzludur. | غذا خیلی شور است. |
| Yemek çok soğuktur. | غذا خیلی سرد است. |
| Yemek çok yağlıdır. | غذا بسیار چرب است. |
| Et çok serttir. | گوشت خیلی سفت است. |
| Et pişmemiş. | گوشت نپخته است. |
| Balık taze değildir. | ماهی تازه نیست. |
| Bu çok soğuk. | سرد است. |
| Bu çok sıcak. | داغ است. |
| Bu çok sert. | سفت است. |
| Bu çok pişmiş. | بیش از حد پخته است. |
| Bu çok baharatlı. | خیلی تند است. |
| Bu çok tatlı. | خیلی شیرین است. |
| Bu çok tuzlu. | خیلی شور است. |
| Bu çok sert. | خیلی غلیظ است. |
| Yeterince pişmemiş. | این به اندازه کافی نپخته است. |
| Bu taze değil. | این خیلی تازه نیست. |
| Yeterince temiz değil. | این به اندازه کافی تمیز نیست. |
| Bunu ısıtır mısınız? | امکان دارد این را گرم کنید؟ |

کلمات مفید

| | | | |
|----------------|-------------|---------------------|------------------|
| ekmek | نان | mayonez | مایونز |
| yağ | کره | ketçap | سس کچاپ |
| margarin | کره گیاهی | biraz | یک کم |
| tuz | نمک | daha | باز هم |
| şeker | شکر | başka bir tane | دیگر |
| biber | فلفل | Servis dahil değil. | شامل سرویس نیست. |
| tabak | بشقاب | küçük | کوچک |
| fazladan tabak | بشقاب اضافی | orta | متوسط |

| | | | |
|--------------|-------------|---------------|--------------------|
| peçete | دستمال سفره | büyük | بزرگ |
| sofra takımı | ظروف نقره | mönü | منو |
| bıçak | کارد | Günün mönüsü | منوی روز |
| çatal | چنگال | turist mönüsü | منوی جهانگردان |
| kaşık | قاشق | özel teklif | پیشنهاد ویژه |
| sürahi/testi | پارچ/تنگ | spesiyaliniz | غذای مخصوص رستوران |
| bal | عسل | hardal | خردل |

در رستوران: پرداخت: (restoranda: Hesab)

| | |
|--|---|
| Hesap lütfen. | صورتحساب، لطفاً. |
| Hesabı alabilir miyim lütfen? | امکان دارد صورتحساب را به من بدهید، لطفاً. |
| Hesabı şimdi ödemek istiyorum, lütfen. | می‌خواهم الان حساب کنم. |
| Toplam ne kadar? | جمعش چقدر می‌شود؟ |
| Hesaba servis ücreti dahil mi? | آیا صورتحساب شامل هزینه سرویس هم می‌شود؟ |
| Sanırım hesap yanlış toplanmış. | گمان می‌کنم در جمع صورتحساب اشتباهی شده باشد. |
| Bunu ben ısmarlamadım. | من این را سفارش ندادم. |
| Cüzdanımı unuttum. | من کیف پولم را فراموش کرده‌ام بیاورم. |
| Hesap benden. | پرداخت صورتحساب با من است. |
| Hesabı birlikte dikkata alınız. | صورتحساب را یکجا در نظر بگیرید. |
| Bu akşam yemeği ben ısmarlıyorum. | من امشب شما را به شام دعوت می‌کنم. |
| Benim hesabıma yazın, lütfen. | لطفاً آن را روی صورتحساب من بگذارید. |
| Herkes için ben ödüyorum. | من صورتحساب همه را حساب می‌کنم. |
| Ayrı ödüyoruz. | ما جداگانه حساب می‌کنیم. |
| Fatura ayrı ayrı olsun. | صورتحساب جداگانه باشد. |
| Hesabı bölelim. | بیایید صورتحساب را بین خودمان تقسیم کنیم. |
| Hesabı o ödeyecek. | صورتحساب را او حساب می‌کند. |
| Hesabı ben ödeyeceğim. | صورتحساب را من حساب می‌کنم. |
| Hesabı biz ödeyeceğiz. | صورتحساب را ما حساب می‌کنیم. |
| Hesabı o ödeyecek. | صورتحساب را او حساب می‌کند. |
| Hesabı onlar ödeyecek. | صورتحساب را آن‌ها حساب می‌کنند. |
| Kendi payımı ödememe izin verin. | اجازه بدهید سهم خودم را حساب کنم. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Üstü kalsın, lütfen.

بقیه‌اش مال خودتان.

در باره: (Barda)

Size bir içki ısmarlamama izin verin.

اجازه بدهید برای شما یک نوشیدنی بخرم.

Size ısmarlayabilir miyim?

اجازه دارم شما را مهمان کنم؟

Bir sonraki içkiler benden.

دور بعد به حساب من است.

Ne içmek istersiniz?

چه چیزی مایلید بنوشید؟

Viski ve su, lütfen.

ویسکی و آب، لطفاً.

Duble olsun, lütfen.

لطفاً دوبله‌اش را بیاورید.

Buzlu skoç, lütfen.

اسکاچ با یخ، لطفاً.

Cin tonik rica ediyorum.

من جین و تونیک می‌خورم.

Bir tane daha, lütfen.

یکی دیگر، لطفاً.

Size içelim!

بیایید بنوشیم به سلامتی شما!

İran'a içelim!

بیایید بنوشیم به سلامتی ایران!

Türkiye'ye içelim!

بیایید بنوشیم به سلامتی ترکیه!

Şerefe!

به سلامتی!

Biraz sarhoş oldum.

کمی احساس مستی می‌کنم.

Yiyecek bir şeyleriniz var mı?

آیا چیزی هم برای خوردن دارید؟

Bir bira lütfen!

یک آبجو لطفاً!

Bir tane daha bira lütfen!

یک آبجوی دیگر لطفاً!

در رستوران: ممکن است بشنوید: (restoranda: Duyabilecekleriniz)

Üzgünüm, tüm masalar dolu.

متأسفم تمام میزها در حال حاضر پر هستند.

On dakika beklemeniz gerekebilir.

در حدود ده دقیقه باید منتظر بمانید.

Beklemek ister misiniz?

آیا مایلید منتظر بمانید؟

İsminizi alabilir miyim?

امکان دارد لطفاً اسمتان را بفرمایید؟

Rezervasyon gerekli.

لازم است که رزرو کنید.

Nerede oturmak istersiniz?

کجا دوست دارید بنشینید؟

Lütfen beni takip edin.

لطفاً دنبال من بیایید.

İşte masanız.

این میز شماست.

Şarap menümüzü görmek ister misiniz?

اجازه دارم فهرست شراب‌هایمان را تقدیم کنم؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

İçecek bir şeyler ister misiniz? نوشیدنی میل دارید؟
 Sipariş vermek için hazır mısınız? آماده‌اید سفارش بدهید؟
 Ne alırdınız? چه چیزی مایلید بخورید؟
 Tatlı ister misiniz? با مقداری دسر چطورید؟
 Başka bir şey? چیز دیگری لازم دارید؟
 Afiyet olsun. نوش جان.
 Servis ücreti dahil değildir. شامل هزینه سرویس نیست.
 Üzgünüm kredi kartı kabul etmiyoruz. متأسفم ما کارت اعتباری قبول نمی‌کنیم.
 Üzgünüm döviz kabul etmiyoruz. متأسفم ما ارز خارجی قبول نمی‌کنیم.
 Üzgünüm seyahat çeki kabul etmiyoruz. متأسفم ما چک مسافرتی قبول نمی‌کنیم.
 Hesabınız بفرمایید این صورت‌حساب شماست.

دعوت

| | | | |
|--|------------------|-------|--------|
| Selim ve Zeynep Dallı Sayın Bay ve. Bayan Ahmet Solmaz'. kokteyle davet ederler. | | | |
| Yer: | Hilton Oteli | LCV': | 658491 |
| Tarih: | 15 Ocak 1991 18. | | |
| Saat: | 30-21. 00 | | |

LCV مخفف Lütfen cevap veriniz (لطفاً جواب دهید) است.

Yarın akşam benimle sinemaya gider misin?

Çok özür dilerim, mümkün değil, tiyatroya biletim var.

آیا فردا شب با من به سینما می‌آیی؟

خیلی متأسفم، ممکن نیست، برای تئاتر بلیت دارم.

Bir gün, bize çaya buyrun.

Tabii. Memnuniyetle geliriz.

روزی نزد ما برای چای تشریف بیاورید.

البته. با کمال میل خواهیم آمد.

Ahmed'in partisine gidiyorum. Sen de gel.

Maalesef. Doktora randevum var. Bir başka gün inşallah

به مهمانی احمد می‌روم. تو هم بیا.

متأسفم. وقت دکتر دارم. یک روز دیگر انشاء الله.

| | |
|--|--|
| Sizinle lobide buluşmak isterim. | مایلم با شما در لابی ملاقات کنم. |
| Yarın boş musunuz? | آیا فردا وقت شما آزاد است؟ |
| Bu akşam boş musunuz? | آیا امشب وقت شما آزاد است؟ |
| Benimle gelmek ister misiniz? | آیا می‌خواهید با من بیایید؟ |
| Bizimle gelmek ister misiniz? | آیا می‌خواهید با ما بیایید؟ |
| Bugün için planlarınız neler? | برنامه‌های شما برای امروز چیست؟ |
| Bu gece için planlarınız neler? | برنامه‌های شما برای امشب چیست؟ |
| Yarın için planlarınız neler? | برنامه‌های شما برای فردا چیست؟ |
| Yürüyüş yapmak ister misiniz? | آیا دوست دارید برای پیاده روی بروید؟ |
| Dans etmeye gitmek ister misiniz? | آیا دوست دارید برای رقص بروید؟ |
| İçki içmeye gitmek ister misiniz? | آیا دوست دارید برای نوشیدنی بروید؟ |
| Yemeğe çıkmak ister misiniz? | آیا دوست دارید برای غذا خوردن بیرون بروید؟ |
| Alışverişe gitmek ister misiniz? | آیا دوست دارید به خرید بروید؟ |
| Size yol göstereyim. | اجازه بدهید شما را راهنمایی کنم. |
| Benimle alışverişe gitmek ister misiniz? | با من خرید نمی‌آیید؟ |
| Bizimle alışverişe gitmek ister misiniz? | با ما خرید نمی‌آیید؟ |
| Yüzmeye gidelim. | برویم شنا. |
| Birşeyler yemek ister misiniz? | آیا میل دارید چیزی بخورید؟ |
| Size bir içki ikram edebilir miyim? | اجازه دارم به شما یک نوشیدنی تعارف کنم؟ |
| Bir içki ister misiniz? | با یک نوشیدنی چطورید؟ |
| Size bir içki ısmarlayayım. | من شما را به یک نوشیدنی دعوت می‌کنم. |
| Kahve içelim. | بیایید قهوه بنوشیم. |
| Kendi eviniz gibi bulun. | اینجا را خانه خودتان بدانید. |
| Bu iyi bir fikir. | این فکر خیلی خوب است. |
| Çok sevindim. | خیلی خوشحال شدم. |
| İtiraz etmeyim. | مهم نیست. |
| Kesinlikle hayır! | اصلاً نمی‌شود! |

اصطلاحات

Aba altından değnek göstermek:

از زیر عبا چماق نشان دادن .یعنی علیرغم آرام و نرم بودن به صورت مخفیانه در صدد ترساندن کسی باشی
Abacı, kebeci, ara yerde sen neci?

عبا فروش.نمد فروش تو این وسط تو چه فروشی؟در مواقعی این عبارت به کار می رود که کسی در کاری بهش
مربوط نیست دخالت کند.

Acemi çaylak: این اصطلاح به اشخاص ناشی .تازه کار.غیر ماهر .بی تجربه گفته میشود

Acı soğuk: سرمای خیلی شدید

Acı söz: سخن تلخ.سخنی که دل انسان را آزرده کند.

Açık seçik: واضح و روشن.خیلی برجسته(آشکار)

Açık saçık: هرگونه(سخن.رفتار.لباسی)که خلاف عرف و تربیت باشد.

Ağır başlı: جدی.سرسنگین.باوقار

Ağır aksak: بسیار آرام و آهسته.نامنظم

درس ۱۱

بیان الزام و اجبار



Gerek
Lazım
Şart
-mEli

Üç gece için rezervasyon yaptırmak istiyorum. Tek kişilik bir oda. Duşlu olması şart.

Tek kişilik odamız kalmadı efendim. Çift kişilik oda alır mısınız?

Alırım ama bu durumda çift kişilik fiyatı mı ödemem lazım?

Hayır, yalnız ikinci gün tek kişilik odaya geçmeniz gerekiyor.

Peki, anahtarı en geç saat kaçta almalıyım?

Ne zaman isterseniz alın. Resepsiyon yirmi dört saat açık. Yalnız gece onikiden sonra bavullarınızı yukarıya kendiniz çıkarmanız gerekecek.

برای سه روز می‌خواهم اتاق رزرو کنم. یک اتاق تک نفره. به شرط داشتن دوش (حمام).

اتاق تک نفره نمانده است آقا. آیا اتاق دو نفره می‌گیرید؟

(خوب است) می‌گیرم ولی آیا در این شرایط باید پول اتاق دو نفره را پردازم؟
نه، اما باید روز بعد به اتاق تک نفره برگردید.

بسیار خوب. دیرترین ساعتی که می‌توانم از شما کلید بگیرم کی است؟
هر زمان بخواهید. پذیرش ۲۴ ساعته باز است. اما بعد از نیمه شب، اسباب‌هایتان را باید خودتان به بالا حمل کنید.

انجام کار توسط دیگران (جملات سببی)

افعال اجبار به افعالی اطلاق می‌شود که در آن‌ها حرکت و کنش به خواست و هدایت شخص به وسیله‌ی شخص ثانی اجرا می‌شود شما برخی کارها را خودتان انجام می‌دهید و برخی را دیگران برای شما انجام می‌دهند. در مورد اخیر باید پیوند -Dir (Dir, -tür, -tir, -tır, -dir, -dır, -dur, -dür, -t) را بعد از حروف صامت و t- را بعد از حروف مصوت قرار دهید:

| | | |
|-----------|----------------------------|---|
| almak: | Alacağım, Aldıracağım | من خواهم خرید. من خواهم خرید (می‌دهم بخرند). |
| yapmak: | Yaptık. Yaptırdık. | ما آن را انجام دادیم. ما دادیم آن را انجام دادند. |
| uyumak: | Uyuyor. Uyutuyor. | او خواب است. او بچه را می‌خواباند. |
| dinlemek: | Dinlerler. Dinletirler. | آن‌ها گوش می‌دهند. آن‌ها از دیگران می‌خواهند گوش دهند. |

به عنوان مثال شما هنگامی که به آرایشگاه مراجعه می‌کنید چون کارهایی که می‌خواهید انجام دهید، توسط آرایشگر انجام می‌شود، برای بیان خواسته‌هایتان از جمله‌های سببی استفاده می‌کنید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

| | |
|---------------------------------------|--|
| Saçımı kestirmek istiyorum. | من می‌خواهم مویم را کوتاه کنم. (برایم کوتاه کنید). |
| Saçımı yıkatmak istiyorum. | می‌خواهم موهایم را بشویم. (برایم بشوید) |
| Tırnaklarıma oje sürdürmek istiyorum. | من می‌خواهم ناخن‌هایم را لاک بزنم. (برایم بزنید). |
| Yüz bakımı yaptırmak istiyorum. | من می‌خواهم ماسک صورت بگذارم. (برایم بگذارید). |

دو روش برای بیان اجبار وجود دارد:

۱- افزودن پیوند دو شکلی اجبار، -meli و -malı به فعل

Gelmelisin تو باید بیایی
Bugün işte olmalıydım امروز باید سرکار می‌بودم.

۲- به کار بردن یکی از کلمات نشان دهنده اجبار

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Gelmen lazım تو باید بیایی (آمدنت لازم است) .
 Gelmen gerek آمدنت ضرورت دارد.
 Gelmen şart تو باید بیایی (آمدنت یک شرط است)
 از میان افعال فوق‌الذکر، فقط gerek صرف می‌شود:

gelmen gerekti / gerekecek / gerekiyor / gerekir

به خاطر آوردن و فراموش کردن

... -Dİn (İz) mİ?
 ... -EcEktİn (İz) ... -Dİn (İz) mİ?
 ... (y) İ hatırlıyor musun (uz) ?
 unutmazsın (İz) , değil mi?
 unutma (yın) !

| | | | |
|--------------------|-------------|-------------|---------------------|
| | gazı | گاز را | |
| | elektriği | برق را | |
| Evden çıkarken | televizyonu | تلویزیون را | kapattın mı? |
| آیا هنگام ترک خانه | ütüyü | اتو را | بستی (خاموش کردی) ؟ |
| | radıyoyu | رادیو را | |

| | | | |
|---------------------|---------------|------------|----------------------|
| | pul | تمبر | |
| | jeton | ژتون | |
| Postahaneden | kartpostal | کارت پستال | alacaktın, aldın mı? |
| قرار بود از پستخانه | zarf | پاکت نامه | آیا خریدی؟ بخری |
| | mektup kağıdı | کاغذ نامه | |
| | telgraf formu | فرم تلگراف | |

| | | |
|------------------|------------------|------------------------------|
| Arızanın | خدمات تعمیر تلفن | |
| Polisin | پلیس | |
| Ambulansın | آمبولانس | numarasını hatırlıyor musun? |
| İtfaiyenin | آتش نشانی | آیا به خاطر می‌آوری شماره |
| Şehirlerarasının | تلفن بین شهری | |

یاد آوری‌ها

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

از بانک گرفتن (پول، دفتر چک، کارت اعتباری) را فراموش نکن، خوب؟

Bankadan para çek defteri almayı unutmazsın, değil mi?
Kredi kartı

Aman temizleyiciye uğramayı سر زدن به نظافتچی را

امان

Sakın kalöriferi açmayı باز کردن سیستم حرارت مرکزی را

مبادا

Lütfen kapıcıyı çağırmayı unutma! صدا کردن دربان را

لطفاً

Gözünü seveyim çöpi dökmeyi فراموش نکن زباله به بیرون ریختن را

لطفاً

پیوند İken- یا ken(y)-(هنگام، زمانی که) مانند:

Mehmet kasabaya yürüyorken onu gördüm

هنگامی که محمد داشت در قصبه حومه شهر قدم می زد او را دیدم.

Sen kasabaya yürüyorken, seni gördüm

هنگامی که تو در قصبه حومه شهر قدم می زدی تو را دیدم.

İngiltere'ye gidecekken, Türkiye'de kaldık

به جای رفتن به انگلیس در ترکیه ماندیم.

Türkiye'de kalacakken, İngiltere'ye gidelim.

به جای ماندن در ترکیه به انگلیس برویم.

Biz tam evden çıkarken, yağmur yağmağa başladı

دقیقاً هنگامی که می خواستیم از خانه بیرون بیاییم باران شروع به باریدن کرد.

Onlar tam kapıyı açarken, anahtar koptu.

آن ها درست زمانی که داشتند در را باز می کردند کلید شکست.

Ben, tam evden ayrılırken telefon çaldı.

درست زمانی که خانه را ترک می کردم تلفن زنگ زد.

Tam onun hakkında konuşmaya başladığım zaman Mehmet kapıyı açtı.

درست زمانی که در مورد او شروع به صحبت کردن کردم محمد در را زد.

Ben, tam evden ayrılırken yağmur yağmaya başladı.

دقیقاً هنگامی که داشتم خانه را ترک می کردم باران شروع به باریدن کرد.

Tam öğretmen tahtayı silerken müfettiş sınıfa girdi.

درست زمانی که معلم داست تخته را پاک می کرد بازرس وارد کلاس شد

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Çalışmazken susuzum

اگر چه من کار نکردم اما تشنه هستم.

Sürmezken yolu bilirim.

اگرچه من رانندگی نکردم اما راه را می دانم.

Galatasaray'ın yıldız futbolcularından Necati Ates, kendilerine ödeme yapılamazken, bazı yabancı oyuncuların alacaklarının verildiğini duymanın üzüntü verici olduğunu söyledi.

یکی از بازیکنان ستاره تیم گالاتاسرای، نجاتی آتس، گفت: این بسیار ناراحت کننده است وقتی می شنویم که بدهی های بعضی از بازیکنان خارجی پرداخت شده در حالی که توان انجام پرداختی های بازیکنان داخلی وجود ندارد.

Bu iş bitirilmişken, eve gidelim

حالا که این کار تمام شده است به خانه برویم

Aklıma gelmişken, söyleyeyim.

حالا که به فکر آمده بگویم

körkütük sarhoş olma. Öyle kalk ki, yolda giderken sarhoşluğun anlaşılmasın.

مست خراب مشو. چنان برخیز که اندر راه اثر مستی بر تو پیدا نبود.

Dün yolda giderken yıllardır görmediğim bir arkadaşşıma rastladım.

دیروز زمانی که تو راه قدم می زدم با یکی از دوستانم که سال ها ندیده بودم برخورد کردم.

a rağmen - (به رغم، علیرغم، با وجود این که)

Çalışmamama rağmen susuzum.

علیرغم اینکه کار نکردم امام تشنه هستم.

Ben sürmememe rağmen yolu bilirim

علیرغم اینکه من رانندگی نکردم اما راه را بلدم.

ancak, yalnız (فقط، اما، تنها، ولی، نهایت)

ancak iki buçuk liram var

فقط دو و نیم لیره دارم.

yollar çok kalabalıydı ancak geldim

راه ها خیلی شلوغ بود به سختی آمدم

yalnız şunu demek istiyorum

تنها می خواهم این را بگویم.

geldi yalnız bir az geç geldi

آمد فقط کمی دیر آمد.

kütüphanede çalışmam lazım, ancak bugün gidemem

باید در کتابخانه کار کنم اما (فقط) امروز نمی توانم بروم.

زمان های گذشته

به طور کلی idi یا (y)DI- همه افعال را به زمان گذشته تبدیل می کند :

| | | |
|------------|------------|-----------------------|
| geliyorsun | geliyordun | داشتی می آمدی. |
| gelir | gelirdi | او (عادتاً) می آمد. |
| geleceğiz | gelecektik | ما می خواستیم بیاییم. |
| geldim | geldiydim | آمده بودم. |
| gelmiş | gelmişti | آمده بود. |
| gelsem | gelseydim | اگر می آمدم. |

اصطلاحات

Ana kuzusu:

این اصطلاح به ۱. بچه خیلی کوچک بغلی ۲. به جوان یا کودکی ناز نازی گفته میشه که به مشکلات و کارهای سخت عادت نداره

Apar topar:

با عجله و دست پاچگی

Allak bullak etmek

زیر و رو کردن. یا به حالت پیچیده و قره قاطی درآوردن

Allah Allah!:

بیشتر مواقع حیرت و تعجب را تعریف میکند

Allah adamı

به شخصی که حيله و بدی نمیکند و در راه خدا گام برمیدارد گفته میشود

Ağzı var dili yok:

دهان داره زبان نداره (به اشخاص خیلی آرام و ساکت گفته میشه که تو حال خودشانند)

Abur cubur:

غذای بی فایده (بدون ارزش غذایی) هل وهوله

Abayı yakmak:

عبا را آتش زدن. کنایه از دل دادن و عاشق شدن

درس ۱۲

بیان توانایی‌ها



... - (y) Ebilir misin (iz) ?

... - (y) Ebilir misin (iz) ?

İngilizce telefon konuşması yapabilir misiniz?

Yapabilirim.

Tercüme?

Teknik lisan değilse onu da yapabilirim.

Daktilo yazabilir misiniz?

Evet, daktilodan başka bilgisayar da kullanabilirim.

İş mektupları yazabilir misiniz?

Kendim yazamam. Siz dikte ederseniz mesele yok.

Stenonuz nasıl?

Yeterli değil, İşe girmeden önce biraz steno çalışmıştım, ama işe girdikten sonra pek kullanmadım. Onun için unuttum. Istiyorsanız ilerletebilirim.

آیا می‌توانید به انگلیسی مکالمه تلفنی بکنید؟

می‌توانم.

ترجمه چی؟

اگر زبان فنی نباشد آن را هم می‌توانم انجام دهم.

می‌توانید ماشین نویسی کنید؟

بله، علاوه بر ماشین نویسی، می‌توانم از رایانه هم استفاده کنم.

می‌توانید نامه‌های تجاری بنویسید؟

از خودم نمی‌توانم بنویسم. اما اگر خود شما دیکته کنید مسئله‌ای نیست.

تندنویسی شما چطور است؟

به اندازه کافی خوب نیست. قبل از کار کردن، مقداری تندنویسی کار کرده‌ام اما زمانی که سرکار رفته‌ام آن را خیلی مورد استفاده قرار نداده‌ام. آن را فراموش کرده‌ام. اگر بخواهید می‌توانم خودم را تقویت کنم.

Ebil(y)- پیوند توانایی که به ریشه فعل اضافه می‌شود و حالت توانایی را بیان می‌کند. همان طور که در درس ۱۰

ذکر شد عدم توانایی با پیوند Eme(y)- بیان می‌شود.

çalış-abil-mek

کار توانستن

çalış-ama-mak

کار نتوانستن

hesapla-yabil-mek

محاسبه توانستن

hesapla-yamamak

محاسبه نتوانستن

بعد از پیوندهای توانایی و عدم توانایی می‌توان پیوندهای شخصی و زمان‌ها را قرار داد.

Görebildik.

ما توانستیم ببینیم.

Gelemyecekler.

آن‌ها نخواهند توانست بیایند.

پیوند توانایی را می‌توان برای حالت پرسشی و امکان نیز بکار برد.

Bu pazartesi işe başlayabilecek misiniz?

آیا این دوشنبه کار را می‌توانید شروع کنید؟

و یا برای اجازه خواستن و اجازه دادن

Burada sigara içebilir miyim?

آیا می‌توانم اینجا سیگار بکشم؟

Tabii içebilirsiniz.

البته که می‌توانید.

gidebiliyorum

می‌توانم بروم.

gidebiliyoruz

می‌توانیم برویم.

gitmeye biliyorum

می‌توانم بروم.

| | |
|--------------------|----------------------------|
| gidebilirsin | می توانی بروی. |
| gidemiyorum | نمی توانم بروم. |
| gidemiyoruz | نمی توانیم برویم. |
| gidemeyiz | نمی توانیم برویم. |
| gidemezsin | نمی توانی بروی. |
| gidebildiler | توانستند بروند. |
| gidemediniz | نتوانستید بروید. |
| gidebiliyordum | می توانستم بروم. |
| gitmeye biliyordun | می توانستی بروی. |
| gidebilirdin | می توانستی بروی. |
| gidebiliyorlardı | می توانستند بروند. |
| gidebilirlerdi | می توانستند بروند. |
| gidebilmişiz | توانسته ایم برویم. |
| gidebilmişsek | اگر توانسته ایم برویم. |
| gidebilmişlerdi | توانسته اند بروند. |
| gidebilmiştim | توانسته بودم بروم. |
| gidebileceğim | خواهم توانست بروم. |
| gidebilecek | خواهد توانست برود. |
| gidebilecekmişsem | اگر قرار بوده بتوانم بروم. |
| gidebilirsem | اگر بتوانم بروم. |
| gidemezsem | اگر نتوانم بروم. |
| gidebilseydim | اگر می توانستم بروم. |
| gidemeseydim | اگر نمی توانستم بروم. |

کاربرد DEN önce-(قبل از)، DEN sonra-(بعد از) را قبلاً ملاحظه کردید. به اینها می توان پیوندهای دیگری نیز (بر سر فعل) افزود که در آن صورت به mEdEn önce- و dİktEn sonra- تبدیل می شوند.

oku-duktan sonra بعد از خواندن
yaz-madan önce قبل از نوشتن

Akşam yemeğini yemeden önce dışarıya oynamaya çıktım.

قبل از اینکه شام را بخورم به بازی کردن بیرون رفتم.

Biz hedefimize varmadan önce güneş batıdan batmıştı.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

قبل از اینکه ما به هدفمان برسیم خورشید از غرب غروب کرده بود.

Hava kararmadan önce eve gitmeliyiz.

قبل از تاریک شدن هوا باید به خانه برویم.

Tren Londraya varmadan önce öğlen yemeğimizi yiyecektik.

می خواستیم قبل از اینکه قطار به لندن برسد ناهارمان را بخوریم.

Ben dönmeden önce küçük erkek kardeşim bütün böreği yemişti.

قبل از اینکه من بر گردم برادر کوچکم تمام پراشکی ها را خورده بود.

Babam eve gelmeden önce her şeyi bitireceğim.

قبل از این که بابایم به خانه بر گردد هم چیز را تمام خواهم کرد .

Biz oraya varmadan önce parti sona erecek.

قبل از آنکه من به آنجا برسم مهمانی تمام خواهد شد.

Oraya varmadan önce toplantı başlamıştı bile.

حتی قبل از رسیدن به آنجا جلسه شروع شده بود.

Kız kardeşim yattıktan sonra ışıkları söndürdüm.

بعد از اینکه خواهرم به تختخواب رفت لامپها را خاموش کردم.

Uçak havalandıktan sonra öğle yemeğimizi yedik.

بعد از اینکه هواپیما بلند شد ناهارمان را خوردیم.

Ders bittikten sonra öğretmene bir soru soracağım.

پس از تمام شدن درس از معلم یک سؤالی خواهم پرسید.

Ankara'dan ayrıldıktan sonra sana mektup yazacağım.

پس از ترک کردن آنکارا برای تو نامه خواهم نوشت.

İşlerini bitirdikten sonra tiyatroya gittiler.

بعد از اینکه کارشان را تمام کردن به تئاتر رفتند.

Savaş çıktıktan sonra İtalya'ya gittik.

پس از آغاز جنگ به ایتالیا رفتیم.

Den başka - (علاوه بر، به غیر از)

daktilodan başka

به غیر از ماشین نویسی

çalışmak-tan başka

علاوه بر کار

مکالمه تلفنی

Alo?

... ile görüşebilir miyim (lütfen) ?

... - (y) I bağıyabilir misiniz (lütfen) ?

Alo? /Buyurun?
Bir dakika efendim,
çağırayımı/bağlıyayım

Alo?

Alo, buyrun?

Türk Hava Yolları mı? Hayır, değil,
Özür dilerim. Yanlış numara düştü herhalde.

Alo?

Alo, Türk Hava Yolları, buyrun.

Ahmet Bey'le görüşebilir miyim lütfen?

Ahmet Bey şu anda dışarıda efendim. Ben yardımcı olabilir miyim?



الو؟

الو بفرمایید؟

هواپیمایی ترکیه است؟

خیر نیست

معذرت می خواهم. احتمالاً شماره اشتباه افتاده است.

الو؟

الو؟ هواپیمایی ترکیه، بفرمایید.

می توانم با احمد آقا صحبت کنم، لطفاً؟

احمد آقا در این لحظه بیرون هستند آقا. من می توانم به شما کمک کنم؟

Teşekkür ederim ama sanmıyorum. Ne zaman döner acaba?

Bilmiyorum ama isterseniz mesaj alabilirim.

Bir zahmet alıverin o halde. Ben Mehmet Uçar. Beni ararsa memnun olurum.

Numaramı biliyor.

Gelir gelmez mesajınızı iletacağım efendim.

Teşekkür ederim. İyi günler.

Size de.

متشکرم. ولی فکر نمی کنم. چه وقت برمی گردد؟

نمی دانم. ولی اگر می خواهید پیام شما را می توانم برسانم.

بله لطفاً زحمت بکشید. من «محمد اوچار» هستم، خوشحال می شوم به من زنگ بزنند. او شماره من را بلد است.

به محض اینکه آمد پیام شما را می رسانم، آقا.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

تشکر می‌کنم، روز خوش (خداحافظ).
روز شما هم خوش.

Alo? Buyurun.

532 numaralı odayı bağıyabilir misiniz lütfen?

Tabii beyefendi, bir dakika, bağıyayım.

الو؟

بفرمایید.

آیا می‌توانید به اتاق شماره ۵۳۲ وصل کنید لطفاً؟

البته آقای محترم، یک دقیقه، وصل می‌کنم.

Buralarda telefon kulübesi nerede bulabilirim?

کجا می‌توانم در این حوالی یک تلفن عمومی پیدا کنم؟

Buralarda telefoncu nerede bulabilirim?

کجا می‌توانم در این حوالی یک دفتر مخابراتی پیدا کنم؟

Ödemeli arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس با هزینه طرف مقابل بگیرم.

Uluslararası arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس بین المللی بگیرم.

Bire bir arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس نفر به نفر بگیرم.

Kredi kartıyla arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس با کارت اعتباری بگیرم.

Ülkelerarası arama yapmak istiyorum.

من می‌خواهم یک تماس راه دور بگیرم.

Tahran'a telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با تهران تماس بگیرم.

İstanbul'a telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با استانبول تماس بگیرم.

New York'a telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با نیویورک تماس بگیرم.

Londra'ya telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با لندن تماس بگیرم.

Paris'e telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با پاریس تماس بگیرم.

Sidney'e telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با سیدنی تماس بگیرم.

Moskova'ya telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با مسکو تماس بگیرم.

Varşova'ya telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با ورشو تماس بگیرم.

Munih'e telefon açmak istiyorum.

من می‌خواهم با مونیخ تماس بگیرم.

Dakika ücreti ne kadar?

دقیقه‌ای چند است؟

İki dakika ücreti ne kadar?

برای دو دقیقه چقدر می‌شود؟

Beş dakika ücreti ne kadar?

برای پنج دقیقه چقدر می‌شود؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--|---|
| Bu hat meşgul. | خط اشغال است. |
| Bu numara listede yok. | این شماره در راهنمای تلفن موجود نیست. |
| Direkt arayabilir miyim? | آیا می‌توانم مستقیماً شماره بگیرم؟ |
| Yönetici ile görüşebilir miyim? | آیا ممکن است با مدیر صحبت کنم؟ |
| Telefonunuzu kullanabilir miyim? | آیا امکان دارد از تلفن شما استفاده کنم؟ |
| Benim için arar mısınız? | آیا می‌توانید برای من شماره بگیرید؟ |
| Benim için konuşur musunuz? | آیا می‌توانید برای من صحبت کنید؟ |
| Pardon, yanlış numarayı çevirdiniz. | متأسفم شماره را اشتباه گرفته‌اید. |
| O şu anda burada değil. | او در حال حاضر اینجا نیست. |
| O şu anda başka hatta görüşüyor. | او در حال حاضر دارد با خط دیگر صحبت می‌کند. |
| Hattı tutun lütfen. | لطفاً پشت خط بمانید. |
| Hemen kapatmayın lütfen. | لطفاً گوشی را نگذارید. |
| Sizi sonra tekrar arayacağım. | من دوباره زنگ می‌زنم. |
| 212 No.lu dahili hatı bağlayın lütfen. | لطفاً داخلی ۲۱۲ را وصل کنید. |
| Kim arıyor sorabilir miyim? | می‌توانم بپرسم اسم شما چیست؟ |
| Heceler misiniz? | ممکن است آن را هجی کنید؟ |
| Yanlış numarayı aramışım. | من شماره را اشتباه گرفتم. |
| Ona beni aramasını söyleyin lütfen. | آیا امکان دارد پیغام بگذارم؟ |
| Mesaj bırakabilir miyim? | آیا امکان دارد پیغام بگذارم؟ |
| Ne zaman döner? | چه موقع بر می‌گردد؟ |
| Aradığınız için teşekkürler. | از تماس شما متشکرم. |
| Kontürüm bitiyor. | شارژم دارد تمام می‌شود. |
| Aradığınız kişi şu anda ulaşılamıyor lütfen daha sonra tekrar deneyiniz. | مشترک مورد نظر در دسترس نمی‌باشد. لطفاً بعداً دوباره امتحان کنید. |

کلمات مفید

| | | | |
|----------------------|---------------------|-----------------|--------------|
| şehir içi konuşma | تماس محلی | ülke kodu | کد کشور |
| uluslararası konuşma | تماس بین‌المللی | bölge kodu | کد منطقه |
| telefon kartı | کارت تلفن | telefon rehberi | راهنمای تلفن |
| telefoncu | دفتر خدمات مخابراتی | ücretsiz arama | تلفن رایگان |
| santral | اپراتور | arızalı | خراب |

uluslararası desteği خدمات بین المللی

ممکن است بشنوید

| | |
|------------------------------------|--|
| Merhaba! | الو! |
| Efendim ... | خودم هستم ... |
| Kiminle görüşüyorum? | جنابعالی؟ |
| Kiminle görüşmek istemiştiniz? | با چه کسی می خواهید صحبت کنید؟ |
| Telefon numaranız ne? | شماره تلفن شما چیست؟ |
| Lütfen yarın tekrar arayın. | لطفاً فردا دوباره تماس بگیرید. |
| Aradığınızı söyledim. | من می گویم که شما تماس گرفتید. |
| Ona sizi aramasını söylerim | از او می خواهم که با شما تماس بگیرد. |
| Tekrar edin lütfen. | لطفاً دوباره تکرار کنید. |
| Size nasıl yardım edebilirim? | چه کمکی از دست من بر می آید؟ |
| Mesaj bırakmak ister misiniz? | آیا مایلید پیغام بگذارید؟ |
| İsminizi kodlar mısınız? | امکان دارد لطفاً اسم خود را هجی کنید؟ |
| E-mail adresinizi bırakır mısınız? | ممکن است لطفاً نشانی پست الکترونیکی خود را بفرمایید؟ |

اینترنت

| | |
|---|--|
| Nereden Internet'e bağlanabilirim? | کجا می توانم به اینترنت دسترسی داشته باشم؟ |
| Burada Internet'e bağlanabilir miyim? | آیا می توانم اینجا به اینترنت دسترسی داشته باشم؟ |
| E-mailimi kontrol edebilir miyim? | آیا امکان دارد پست الکترونیکی خودم را چک کنم؟ |
| E-mail yoluyla mesaj göndermek istiyorum. | من می خواهم یک پیغام با پست الکترونیکی بفرستم. |
| Faks yoluyla mesaj göndermek istiyorum. | من می خواهم یک پیغام با فاکس بفرستم. |
| E-mail adresinizi öğrenebilir miyim? | نشانی پست الکترونیکی شما چیست؟ |
| Saat başına ücretiniz ne kadar? | هزینه ساعتی چند است؟ |
| Nasıl bağlanıyorum? | چطور می توانم وارد شوم؟ |
| Veri aktarım hızı nedir? | سرعت انتقال اطلاعات چقدر است؟ |

کلمات مفید

| | | | |
|------------------|-------------------------|-------------------|---------------|
| eyt | ات | website | سایت اینترنتی |
| nokta | نقطه | bağlantı | پیوند |
| web sayfası | صفحه اینترنتی | giriş | ورود به سیستم |
| kullanıcı adı | نام کاربر | domain | دامنه |
| şifre | رمز عبور | trafik | ترافیک |
| giriş engellendi | امکان دسترسی وجود ندارد | sistem yöneticisi | مدیر سیستم |
| hata | خطا | ayarlar | تنظیمات |

فوریت و اضطرار

با قرار دادن Iver- بین فعل و پیوند فعلی، می توان اهمیت عمل و یا سریع انجام شدن آن را نشان داد.

Şu mektubu postaya atıver. (فوری) این نامه را پست کن.
Dönerken bir gazete alıverin. (حتماً) هنگام برگشتن یک روزنامه بخرید.

Ir ... -mEz - (به محض اینکه) :

girer girmez onu gördüm به محض وارد شدن، او را دیدم.
Mezun olur olmaz iş bulacak به محض اینکه فارغ التحصیل شود شغلی پیدا خواهد کرد.
Babam eve gelir gelmez çay içeceğiz. به محض اینکه بابم بیاید چای خواهیم نوشید.
Film biter bitmez ışıkları açtılar. به محض تمام شدن فیلم لامپها را روشن کردند.
Tatil başlar başlamaz sizi görmeye geleceğiz. به محض شروع شدن تعطیلات برای دیدن شما خواهیم آمد.

Ayşe ev ödevini bitirir bitirmez dışarıya oynamaya çıktı.
عایشه بلافاصله بعد از تمام کردن تکالیف خانهاش به بیرون برای بازی کردن رفت.
Babam hazır olur olmaz gideceğiz. به محض این که بابایم حاضر شود خواهیم رفت.
Sen bu romanı satın alırsan onu senden ödünç alacağım.
به محض اینکه تو این رمان را بخری آن را از تو قرض خواهم گرفت.

حالت های دیگر:

otururdum oturmadım telefon çaldı تا نشستم (نشسته نشسته) تلفن زنگ زد.
o geldi mi geldi bana haber ver به محضی که آمد به من خبر بده.

-masıyla... bir oldu

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Dansın başlamasıyla ışıkların sönmesi bir oldu.

شروع شدن رقص با خاموش شدن لامپها هم زمان شد.

Ankara'dan geri dönmemle Paris'e hareket etmem bir oldu.

بر گشتن از آنکارا با حرکتم به سوی پاریس یکی شد.

Yatağa girmesiyle pencerenin açılması bir oldu.

رفتن او به تختخواب با باز کردن پنجرهها همزمان شد.

Selda'nın odaya girmesi ile telefonun tekrar çalması bir oldu.

رفتن سelda به اتاق با زنگ خوردن مجدد تلفن یکی شد

Hasan'ın ahizeyi yerine koyması ile telefonun tekrar çalması bir oldu.

گذاشتن دسته تلفن توسط حسن سر جایش با زنگ خوردن مجدد تلفن هم زمان شد

نامه نگاری

یک نامه رسمی

Sayın Osman Türkmen,

Gazetemizdeki abone kaydınız 31. 12. 1991 tarihinde sona ermektedir. Yüzde onluk (10) tenzilattan faydalanmak istiyorsanız bir an evvel abone yenilemek üzere başvurunuzu tavsiye eder, saygılar sunarız.

Abone Kayıt Kabul Müdürü

یک نامه نیمه رسمی

Hakkı Bey Kardeşim,

Notunu aldım, sağolasın. Durumunu anlıyorum ama mallar depoya gelinceye kadar beklememiz gerekiyor. Gecikme arabaların yolda bozulmasından dolayı oldu. Bir kaç gün daha sabretmeni rica eder, gözlerinden öperim.

Nuri.

یک نامه غیر رسمی

Sevgili Ayşe'ciğim,

Raporu bitirip postaya verdim. Müdür Bey ilk fırsatta okuyup cevap verise memnun olurum Sevgiler.

Tülin

لغات نامه رسمی

| | |
|--------------|------------------------|
| abone | آبونه، اشتراک |
| kayıt | ثبت نام |
| sona ermek | تمام کردن |
| tenzilat | تخفیف |
| faydalanmak | استفاده کردن از |
| yenilemek | تجدید کردن |
| başvurmak | به کار بردن |
| saygı sunmak | احترامات کسی را رساندن |

لغات نامه نیمه رسمی

| | |
|------------|-----------------|
| not | یادداشت |
| durum | موقعیت |
| mal | کالا |
| depo | انبار |
| gecikme | تأخیر |
| bozulma | خراب شدن، شکستن |
| sabretmek | تحمل کردن |
| rica etmek | خواهش کردن |
| öpmek | بوسیدن |

لغات نامه غیر رسمی

| | |
|------------|-------------|
| sevgili | عزیز، محبوب |
| rapor | گزارش |
| postalamak | پست کردن |
| sevgiler | عشق‌ها |

برخی از عبارتهای پایانی نامه، دربردارنده اصطلاح بوسیدن است که در چهارچوب پذیرفته شده اجتماعی به عنوان احترام ذکر می‌شود.

Gözlerinden öperim. چشمانتان را می‌بوسم (برای زن و مرد و افراد جوان) .
 Yanaklarından öperim. (گونه) روی‌تان را می‌بوسم (برای زن و مرد) .
 Ellerin (iz) den öperim. دست بوستان هستم (به عنوان احترام برای سالخورده‌ها) .

اداره پست

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

En yakın postane nerede? نزدیکترین اداره پست کجاست؟

En yakın Internet kafe nerede? نزدیکترین کافی نت کجاست؟

Postaneye nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?

امکان دارد لطفاً راه اداره پست را به من نشان دهید؟

Internet kafeye nasıl gideceğimi tarif eder misiniz?

امکان دارد لطفاً راه کافی نت را به من نشان دهید؟

Genel teslimat hangi gişede? کدام باجه برای دریافت نامه است؟

Para havalesi hangi gişede? کدام باجه برای حواله پستی است؟

Pul hangi gişede? کدام باجه برای تمبر است؟

Koleksiyoncu pulları hangi gişede? کدام باجه برای تمبر مجموعه‌ای است؟

Genel teslimat nerede? شعبه دریافت نامه کجاست؟

Posta kutusu nerede? صندوق پستی کجاست؟

Bunu taahhütlü mektup ile göndermek istiyorum.

من می‌خواهم این را با پست سفارشی بفرستم.

Bunu ekspres posta ile göndermek istiyorum.

من می‌خواهم این را با پست پیشتاز بفرستم.

Bunu havayolu ile göndermek istiyorum.

من می‌خواهم این را با پست هوایی بفرستم.

Bunu özel gönderim ile göndermek istiyorum.

من می‌خواهم این را با تحویل ویژه بفرستم.

Bu mektuplar için pul ücreti ne kadar? تمبر این نامه‌ها چقدر می‌شود؟

Bunu taahhütlü mektup ile gönderme ücreti ne kadar?

ارسال این با پست سفارشی چقدر می‌شود؟

Bunu ekspres posta ile gönderme ücreti ne kadar?

ارسال این با پست پیشتاز چقدر می‌شود؟

Bunu havayolu ile gönderme ücreti ne kadar?

ارسال این با پست هوایی چقدر می‌شود؟

Bunu özel gönderim ile gönderme ücreti ne kadar?

ارسال این با تحویل ویژه چقدر می‌شود؟

Mektup gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک نامه چقدر است؟

Havayolu ile gönderilen mektup gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک نامه با پست هوایی چقدر است؟

Sigortalı mektup gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک نامه بیمه شده چقدر است؟

Taahhütlü mektup gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک نامه سفارشی چقدر است؟

Özel gönderim mektubu gönderme posta ücreti ne kadar?

facebook.com/morteza.abdi-----خود آموز ترکی استانبولی

هزینه پست یک نامه با تحویل ویژه چقدر است؟

Koli gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک بسته چقدر است؟

Kart gönderme posta ücreti ne kadar?

هزینه پست یک کارت پستال چقدر است؟

Basılı malzeme gönderme posta ücreti ne kadar? هزینه پست کتاب و مطبوعات چقدر است؟

Amerika'ya gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا ایالات متحده آمریکا چقدر است؟

İran'a gönderim posta ücretini biliyor musunuz? آیا می‌دانید هزینه پست تا ایران چقدر است؟

İngiltere'ye gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا انگلستان چقدر است؟

Avrupa'ya gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا اروپا چقدر است؟

Rusya'ya gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا روسیه چقدر است؟

Asya ülkelerine gönderim posta ücretini biliyor musunuz?

آیا می‌دانید هزینه پست تا کشورهای آسیایی چقدر است؟

Kart ve pul nerede alabilirim?

از کجا می‌توانم تمبر و کارت پستال بگیرم؟

Lütfen bunu sigortalayın.

لطفاً این را بیمه کنید.

Bu koliyi tartar mısınız?

امکان دارد لطفاً این بسته پستی را وزن کنید؟

Bu çok mu ağır?

آیا خیلی سنگین است؟

Mektuplarımı İstanbul adresime gönderir misiniz?

ممکن است نامه‌هایم را به نشانی من در استانبول بفرستید؟

Mektuplarımı Tahran adresime gönderir misiniz?

ممکن است نامه‌هایم را به نشانی من در تهران بفرستید؟

Bunu İran'daki bu adrese gönderir misiniz? ممکن است این را به این نشانی در ایران بفرستید؟

Bu koliyi Tahran'a göndermek istiyorum.

من می‌خواهم این بسته را به تهران بفرستم.

Bu koliyi hemen gönderir misiniz?

ممکن است لطفاً این بسته را در اسرع وقت بفرستید؟

Bu küçük paketi hemen gönderir misiniz?

ممکن است لطفاً این بسته را در اسرع وقت بفرستید؟

Bu mektubu hemen gönderir misiniz?

ممکن است لطفاً این نامه را در اسرع وقت بفرستید؟

Kaç gün sürer?

چند روز طول خواهد کشید؟

Zarfa ihtiyacım var.

من یک پاکت نامه لازم دارم.

Mektup kağıdına ihtiyacım var.

من یک برگ کاغذ برای نوشتن لازم دارم.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Kaleme ihtiyacım var. من یک خودکار لازم دارم.
 Pula ihtiyacım var. من یک تمبر لازم دارم.
 Telgraf göndermek istiyorum. من می‌خواهم یک تلگراف بفرستم.
 Kelime başına ücreti ne kadar? قیمت هر کلمه چقدر است؟

کلمات مفید

| | | | |
|---------------|--------------|----------------|-------------|
| koli | بسته | kime/kimden | به/از |
| kutu | جعبه | posta kodu | کد پستی |
| posta kutusu | صندوق پستی | genel teslimat | دریافت نامه |
| mektup adresi | نشانی پستی | telgraf | تلگراف |
| cevap adresi | نشانی بازگشت | içerik | محتویات |
| taahhütlü | سفارشی | kırılabilir | شکستنی |
| sigortalı | بیمه شده | pul | تمبر |
| kart | کارت پستال | zarf | پاکت نامه |
| mektup | نامه | | |

mEk üzere – (به منظور، برای)

istanbul'a gitmek üzere uçağa bindiler. آن‌ها برای رفتن به استانبول سوار هواپیما شدند.
 Beni geçirmek üzere kapıya kadar gelir. به منظور مشایعت کردن من تا دم در می‌آید.

(y) İncEyE kadar – (تا، تا زمانی که)

İyileşinceye kadar hastahane de kalmalısın. تا بهبودی یافتن باید در بیمارستان بمانید.
 Maaşım artıncaya kadar araba almayacağım. تا زمانی که اضافه حقوق نگیرم ماشین نخواهم خرید.

DEn dolayı – (به علت، به خاطر)

Kazadan dolayı sigortadan para aldık. به علت تصادف، از بیمه پول گرفتیم.
 Enflasyondan dolayı şirket zararda. به خاطر تورم، شرکت در حال ورشکستگی است. (ضرر و زیان)

استفاده از ip- برای جلوگیری از تکرار

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

وقتی که دو یا چند عمل توسط یک فرد پشت سر هم انجام شده باشد به فعل یا عمل اول پیوند -ip می‌افزاییم:

Borsadaki hisselerini sattı ve yazlık bir ev aldı (Borsadaki hisselerini satıp yazlık bir ev aldı)

او سهام بورس خود را فروخت و یک خانه تابستانی خرید.

Sinemaya gid-ip güzel bir film seyretsek.

پیشنهاد می‌کنم به سینما برویم و یک فیلم خوب ببینیم.

Kendin gel-ip gör-ünce anlayacaksın.

وقتی خودت بیایی و ببینی خواهی فهمید.

Bu havada herhalde evde otur-up televizyon seyret-me-yeceğ-iz!

احتمالاً در این هوا نمی‌خواهیم در خانه بنشینیم و فیلم تماشا کنیم!

Ahmet mesajı bul-up da anla-ma-mış mı acaba?

(من تعجب می‌کنم) احمد پیغام را پیدا کرده و نفهمیده است؟!)

Bu havada evde otur-ma-yıp yürüyüşe çık-malı-yız.

در این هوا نباید در خانه بنشینیم و باید به پیاده روی برویم.

Yemek yi-yip de geldim.

غذا را خوردم و آمدم.

Tam o saat-te Ali iş-i bırak-ıp Ahmet işbaşı yap-ıyor.

دقیقاً در آن ساعت علی کار را رها کرده، احمد شروع به انجام وظیفه می‌کند.

باهم متن زیر را به فارسی ترجمه می‌کنیم.

İstanbul 'da iken kartvisit bastırmak istedim. 'Hürriyet Matbaasından başka bir yer yok bu iş için' dediler. Matbaaya gitmek üzere yola çıktım. Adresi buluncaya kadar bir hayli dolaşım. Matbaaya hava karardıktan sonra varabildim. Ben kapıyı çalar çalmaz yaşlı bir adam pencereden baktı. 'Gelmeden önce randevu almanız lazımdı. Şimdi kapalıyız' deyip kayboldu

وقتی در استانبول بودم خواستم کارت ویزیت به رایم چاپ کنند. می‌گفتند: «جای دیگری بجز چاپخانه حریت برای این کار وجود ندارد.» برای رفتن به چاپخانه از خانه خارج شدم. برای یافتن آدرس صحیح خیلی گشتم. بعد از تاریک شدن هوا به چاپخانه رسیدم. وقتی که در زدم یک پیرمرد از پنجره نگاه کرد. «قبل از آمدن به اینجا می‌بایستی قرار ملاقات می‌گذاشتی. فعلاً بسته است.» این را گفت و ناپدید شد.

درس ۱۳

درباره کسی / چیزی پرسیدن



Biliyor musun (uz) ?
Tanıyor musun (uz)

Şurada oturan adamı tanıyor musun?

Ayşe'nin konuştuğu adamı mı? Tanıyorum. Bizim komşumuzdur.

فردی را که آنجا نشسته می شناسی؟

مردی که عایشه با او دارد صحبت می کند؟ او را می شناسم. همسایه ما است.

Bitince atılan çakmakları biliyor musun?

Hani şu plastik çakmaklar mı?

Ha onlar. Hava alanından bir kaç tane aliver bana.

آن فندک‌هایی را که بعد از مصرف تمام می شوند می شناسی؟

منظورت آن فندک‌های پلاستیکی است؟

آره آنها. (حتماً) یک یا دو تا از فرودگاه، برایم بخر.

Mühürdar'a giden yolu biliyor musun?

Evet?

İşte o yol üzerindeyim. Çay bahçesinin karşısında.

جاده‌ای را که به «موهوردار» می‌رود می‌شناسی؟

بله؟

الآن در همان جاده هستم. روبه روی باغ چایی (قهوه خانه باغ) .

افعال مجهول

برای ساختن فعل مجهول، بسته به اینکه ریشه فعل به حرف مصوت یا صامت ختم شده باشد. -il /-ıl /-ul /-ül یا -n استفاده می‌شود.

| مختوم شدن ریشه فعل به یک حرف صامت -il /-ıl /-ul /-ül | | مختوم شدن ریشه فعل به یک حرف مصوت -n | |
|---|-----------|---|------------|
| kır-mak | شکستن | ye-mek | خوردن |
| kır-ıl-mak | شکسته شدن | ye-n-mek | خورده شدن |
| tut-mak | گرفتن | iste-mek | خواستن |
| tut-ul-mak | گرفته شدن | iste-n-mek | خواسته شدن |

«که»: موصولی فاعلی و مفعولی

به دو مثال زیر توجه کنید:

مردی که برای شام می‌آید...

مردی که من برای شام دعوت کردم...

در مثال اول، (می‌آید) توسط مرد انجام می‌گیرد به عبارت دیگر، مرد فاعل است ولی در مثال دوم عمل (دعوت کردم) بر روی مرد توسط شخص دیگر انجام شده است. به بیانی دیگر، مرد در اینجا نقش مفعولی دارد. در زبان ترکی، حرف «که» سه شکل مختلف در حالات فاعلی، مفعولی و... به خود می‌گیرد؟ که عبارتند از:

1- -(y)En (فاعلی) که

2- -Dİġİ (مفعولی برای گذشته و حال)

3- -(y)EcEġİ (مفعولی برای آینده)

برای موصول‌های مفعولی، شخص انجام دهنده کار یا فاعل باید پیوند ملکی بگیرد. این نکته را می‌توان از مثال‌های زیر فهمید.

Gökte uçan kuşu görebilirim

پرنده‌های که در آسمان پرواز می‌کند را می‌توانم ببینم.

Masaya oturan adamı tanırım

مردی که رو میز نشسته را می‌شناسم

kapıyı kapayan çocuk

بچه‌ای که در را می‌بندد.

çocuğun kapadığı kapı

دری که بچه می‌بندد/ بست.

| | |
|---|--|
| çocuğun kapayacağı kapı | دری که بچه خواهد بست. |
| bizi gören kadın | زنی که ما را دید. |
| gördüğümüz kadın | زنی که او را دیدیم. |
| göreceğimiz kadın | زنی که او را خواهیم دید. |
| gideceğim yer güzeldir | جایی که می‌خواهم بروم حتماً زیبا است. |
| sevdiğim kız evlenmiş | دختری که دوست دارم/داختم ازدواج کرده |
| Ferişte geldiği gün yağmur yağdı | روزی که فرشته آمد باران بارید. |
| oyuncak-lar-ın-ı kır-an küçük kız | دخترکی که اسباب بازی‌هایش را می‌شکند. |
| her gün okul-da gör-düğ-üm kız | دختری که هر روز در مدرسه می‌بینم |
| anne-si-yle tanış-acağ-ım kız | دختری که می‌خواهیم با مادرش آشنا شویم. |
| baş-ın-da şapka ol-an kız | دختری که روی سرش کلاه دارد |
| ağır yaralı ol-an hastalar | بیمارانی که زخم‌های شدید دارند |
| çocukların evde olacağı bir gün | روزی که کودکان در خانه خواهند بود. |
| iç-in-de üç top bulun-an/ol-an kutu | جعبه‌ای که در آن سه توپ پیدا می‌شود/ هست |
| burada sat-ıl-an kitap-lar | کتاب‌هایی که در اینجا فروخته می‌شود |
| öğretmen ol-an Haydar | حیدر که معلم است |
| araba-sı çal-ın-an komşu-muz | همسایه‌ی ما که ماشینش دزدیده شد |
| rolü büyük olmayan oyuncu | بازیگری که نقشش بزرگ نیست |
| koyun-lar-ın-ı kurt kap-an köylü-ler | دهاتی‌هایی که گرگ گوسفندهایشان را درید |
| çatı-sın-dan birkaç küçük kiremit düş-en ev | خانه‌ای که از سقفش چند تا سفال کوچک می‌افتد |
| arka-sın-da adam ol-an çocuk | کودکی که در پشتش یک مرد هست |
| komşu-muz-un çal-ın-an araba-sı | ماشین همسایه‌مان که دزدیده شد |
| kitap imzala-n-an yer | جایی که کتاب در آنجا امضا می‌شود |
| içki iç-il-ebil-ecek ol-an lokantalar | رستوران‌هایی که بشود در آن‌ها مشروب خورد |
| Fatma'nın yarın gör-eceğ-i film | فیلمی که فردا فاطمه خواهد دید |
| bil-diğ-im bir turizm şirketi | یک شرکت توریستی که من می‌دانم |
| gönderecekleri temsilci | نماینده‌ای که آن‌ها خواهند فرستاد |
| benim korktuğum bazı hayvanlar | بعضی از حیوانات که من از آن‌ها می‌ترسم/می‌ترسیدم |
| Turhan-ın et-i kes-eceğ-i bıçak | چاقویی که «تورهان» گوشت را با آن خواهد برید |
| Ali-nin kendi-si-yle konuş-abil-eceğ-i birisi | کسی که علی بتواند با او صحبت کند |
| bizim kendilerinden nefret ettiğimiz kişiler | کسانی که ما از آن‌ها نفرت داریم/داشتیم |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

usta-nın kapı-sın-ı deđiřtir-eceđ-i amařır makinası

ماشین لباسشویی که استاد کار در آن را تعویض خواهد کرد

kız-ın-a piyano ders-i ver-diđ-im hanım

خانمی که به دخترش درس پیانو می‌دهم/ می‌دادم

ön-ün-den köprü-nün geç-tiđ-i ev-ler

خانه‌هایی که از جلوی آن‌ها پل می‌گذرد

ön-ün-den köprü geç-en ev-ler

خانه‌هایی که از جلوی آن‌ها پل می‌گذرد

arkasında Semra-nın oturduđu çocuk

کودکی که در پشتش «سمرا» نشسته است/ بود

iine birkaç iek konmuř olan bir vazo

گلدانی که در آن چند تا گل گذاشته شده است/ بود

iine birkaç ieđin konmuř olduđu bir vazo

گلدانی که در آن چند تا گل گذاشته شده است/ بود

iine Zeynep'in bahesinden toplanmıř birkaç ieđin konmuř olduđu bir vazo

گلدانی که درون آن از گل‌هایی که از باغ زینب چیده شده بود، گذاشته شده است

araba-nın kır-dıđ-ın sol ayna-sı

ماشینی که آینه چپش را تو شکستی

ev sahib-in-in kork-tuđ-um köpeđ-i

سگ صاحب خانه‌ای که من از آن می‌ترسم

ayla yiyecek bir řeyler

چیزهایی که به همراه چای خورده می‌شوند

seni anlayacak yařta deđil

در سنی نیست که (بخواهد) تو را بفهمد

Hasan'a ynelt-ecek soru

سؤالی که به حسن سوق داده خواهد شد

Hasan'a ynelt-il-ecek soru

سؤالی که می‌شود به حسن سوق داد

İstanbul-da otur-duđ-u san-ıl-an kız

دختری که تصور می‌شود/ می‌شد در استانبول می‌نشیند

herkesin bilmesi gereken bir konu

موضوعی که لازم است هرکس بداند

gelmeleri beklenen misafirler

مهمانانی که انتظار آمدنشان کشیده می‌شد

ben-im İstanbul-da otur-duđ-un-u san-dıđ-ım kız

دختری که من تصور می‌کنم/ می‌کردم در استانبول زندگی می‌کند/ می‌کرد

Ali-nin evlen-eceđ-in-i san-dıđ-ı kız

۱-دختری که تصور می‌کند/ می‌کرد علی می‌خواهد ازدواج کند ۲-دختری که علی تصور می‌کرد/ می‌کند ازدواج خواهد کرد

Ali-nin evleneceđin-i dřündüđüm kız

دختری که من فکر می‌کردم علی با او ازدواج خواهد کرد

al-ma-nız-ı tavsiye et-tiđ-im ilaç

دارویی که من توصیه کردم بگیرد

sev-diđ-im ağa-lar

درختانی که دوست دارم

Halil'in evleneceđi Ayře, iřte bu Ayře.

این همان عایشه است که خلیل می‌خواهد با او ازدواج کند.

Buđın yurda dnen Cumhurbaşkanı, saat 16'da bir basın toplantısı dzenleyecek.

کنفرانس مطبوعاتی رئیس جمهور که امروز دارد به کشور بر می‌گردد، در ساعت ۱۶ تشکیل خواهد شد.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

opera-yı sev-me-yen-ler-e şaşıyorum. من تعجب می‌کنم از کسانی که اپرا را دوست ندارند.
 Biz-im dik-ecek-ler-imiz-de hata var. در چیزهایی که ما می‌خواهیم بدوزیم خطا وجود دارد.
 biz-im dik-eceğ-imiz elbise-ler-de... در لباس‌هایی که ما خواهیم دوخت...
 Öğleden sonra ara-yan ol-ma-dı. بعد از ظهر تماسی گرفته نشد.
 Bu konuda bil-diğ-im yok. در رابطه با این موضوع اطلاعی ندارم.
 dün başla-yan fırtına طوفانی که دیروز شروع شد
 iki yıldır süren kuraklık خشکسالی که دو سال به طول می‌انجامد.
 şu anda çalan parça قطعه موسیقی که اکنون در حال نواخته شدن است
 geçen hafta bitir-diğ-im roman رمانی که هفته پیش تمام کردم
 şu sırada okuduğum roman رمانی که در این لحظه دارم می‌خوانم
 Sonunda git-tiğ-in okul nasıl olsa bir spor akademi-si ol-acak.

سرانجام مدرسه‌ای به آن رفتی هر طور هم که باشد در آن آکادمی ورزش وجود خواهد داشت.

yarın oku-yacağ-ım makale مقاله‌ای که فردا می‌خواهم بخوانم
 Dün oku-yacağ-ım makale-yi ancak bugün oku-yabil-di-m.

مقاله‌ای که قرار بود دیروز بخوانم در نهایت امروز توانستم بخوانم.

Geçen hafta göreceğim film Mavi Kadife'ydi.

فیلمی که هفته پیش می‌خواستم ببینم مخمل آبی بود.

Oku-duğ-u kitabı kaybetti. او کتابی که می‌خواند/ خوانده بود را گم کرد.

Oku-muş ol-duğ-u kitabı kaybetti. او کتابی که خوانده بود را گم کرد.

yarın bitireceğim kitap کتابی که فردا می‌خواهم تمامش کنم

yarın bitirmiş olacağım kitap کتابی که فردا تمام خواهم کرد

kızı dün gelen kadın/kızı dün gelmiş olan kadın زنی که دیروز دخترش آمد

Sizin dün gördüğünüz/görmüş olduğunuz filmi ben yarın göreceğim.

فیلمی که شما دیروز دیدید من فردا می‌خواهم ببینم.

Yarın çık-acak ol-an gazete-de önemli bir yazı bulun-acak.

در روزنامه که فردا بیرون خواهد آمد نوشته مهمی وجود خواهد داشت.

Dün gösterilecek olan filmde sakıncalı sahneler bulunmuş.

در فیلمی که بنا بود دیروز نشان داده شود صحنه‌های مورد دار پیدا شده است.

arkadaş-lar-ın al-acak-ları televizyon تلویزیونی که دوستان می‌خواهند/ می‌خواستند بخرند

arkadaş-lar-ın al-acak ol-duk-ları televizyon تلویزیونی که دوستان می‌خواهند/ می‌خواستند بخرند

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Oku-makta ol-duğ-u kitabı kaybetti. کتابی که در حال خواندنش بود را گم کرد.
 şu anda Ali-ye mektup yaz-makta ol-an kız دختری که اکنون دارد به علی نامه می نویسد
 şu anda Ali-ye mektup yaz-an kız دختری که اکنون دارد به علی نامه می نویسد
 o sırada seyret-mekte ol-duğ-um videolar ویدئوهایی که من در آن لحظه تماشا می کردم
 o sırada seyret-tiğ-im videolar ویدئوهایی که من در آن لحظه تماشا می کردم
 Ali geldiği sırada seyrediyor olacağım film eskilerden biri olacak(tı). فیلمی که می خواهم وقتی علی آمد تماشا کنم یکی از فیلم های قدیمی خواهد بود.

Yakında her gün görüyor olacağım terapist acaba bana dayanabilecek mi?

درمانگری که به زودی هر روز می خواهم او را ببینم آیا می تواند مرا تحمل کند

Artık sık sık görüşür olduğumuz komşularımızı başta hiç sevmemiştik.

همسایه های ما که حالا دیگر تند تند ملاقاتشان می کنیم اول اصلاً دوستشان نداشتیم.

Zeynep yakında giy-e-mez ol-acağ-ı giysilerini bu günlerde özellikle giymek istiyor.

زینب لباس هایی که به این زودی ها نمی توانست آن ها را بپوشد مخصوصاً در این روزها می خواهد بپوشد.

kömür-de piş-miş patlıcan بادمجان های پخته شده در ذغال
 iki kilometre yüz-ecek birisi کس که می تواند دو کیلومتر شنا کند
 iki kilometre yüz(ebil)ecek olan birisi کس که می تواند دو کیلومتر شنا کند
 kapağ-ı boyalı (olan) bir kutu قوطی که درش رنگ شده است
 önü bahçeli (olan) ev خانه ای که در جلویش باغ دارد
 Notu düşük (olan) bir öğrenci bu sınavı alamaz.

دانش آموزی که نمره ی پایینی دارد نمی تواند این امتحان را اخذ کند.

Yemeğ-in-i ye-miş bebek ağlamaz. نوزادی که غذایش را خورده گریه نمی کند.

Sınava girecek öğrenciler burada. دانش آموزانی که می خواهند وارد امتحان شوند اینجا هستند.

Yemeğini yemiş olan bebek ağlamaz. نوزادی که غذایش را خورده گریه نمی کند.

Yemeğini yemiş olan bebek hemen uykuya daldı.

نوزادی که غذایش را خورده بود سریع به خواب فرو رفت.

عباراتی که برای «و غیره» به کار می روند

| |
|--|
| Falan Filan Vesaire Havlu mavlu |
|--|

Hatice Hanım'ın kızına düğün hediyesi ne alacağız?

Gümüş tabak veya tepsi falan alsak?

Yoo, gümüşü mümüşü çok var.

Porselen çay takımı alalım. Pasta servisi, çatal bıçağı, vesaire.

Olmaz. Çay takımı da çok var.

Tencere, tava cinsinden bir şey?

Mutfağında tencere tava dağ gibi.

Havlu takımı? Masa örtüsü? Peçete filan?

Havlu mavlu, onların hepsini Bursa'dan getirdiler.

Bir mendil?

Fesüphanallah! O kadar zengin kız. Bir mendili ne yapsın?

Bu yaşta herşeye sahip olduğu için otursun ağlasın.

برای دختر خدیجه خانم هدیه عروسی چه بخریم؟

نظرت چیه اگر بشقاب نقره‌ای و یا سینی و این جور چیزها بخریم؟

نه، نقره و مقره (سینی و مینی) زیاد دارد.

بیا یک دست چای خوری چینی بخریم. سرویس کیک خوری، قاشق چنگال و غیره...

نمی‌شود. سرویس چای خوری نیز زیاد دارد.

چیزهای مثل قابلمه، تابه چطور؟

در آشپزخانه‌اش قابلمه و تابه تل انبار (مثل کوه) است.

سرویس حوله چطور؟ رومیزی؟ دستمال سفره و مانند آن؟

حوله موله، آن‌ها همه آن‌ها را از «بورسا» (اسم شهری در ترکیه) تهیه کردند.

دستمال چی؟

سبحان الله! یک چنین دختر ثروتمندی به یک دستمال چه نیازی دارد؟

(برای اینکه) او باید بنشیند و به خاطر اینکه در این سن کم صاحب همه چیز است، گریه کند.

در زبان ترکی استانبولی مانند زبان فارسی برای «و غیره»، غالباً کلمات را دو بار تکرار می‌کنند بدین ترتیب که عیناً

مانند فارسی اولین حرفی کلمه دوم را به M (م) تبدیل می‌کنند که این کلمه دوم در حقیقت به معنی «و غیره، الی

آخر،...» است.

kitap mitap

کتاب متاب (غیره)

uzun muzun

دراز مرز (غیره)

geldi meldi

آمد مامد (غیره)

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

لازم به تذکر است که قاعده فوق برای کلماتی که اولین حرف آن‌ها M (م) است صدق نمی‌کند در این مورد باید filan, falan (و گاهی با هم falan filan یا اصطلاحاً فلان بهمان) و یا vesaire (و سایر) را به کار برد که این واژه‌ها را می‌توان بجای هم استفاده کرد.

mektup falan
mürekkep filan
mutfak vesaire

کتاب و فلان
مرکب و فلان
آشپزخانه و غیره (و سایر)

شکل و مواد

| | | | |
|---------|-------|------------|----------------|
| kağıt | کاغذ | daire | دایره |
| yün | پشم | yuvarlak | گرد |
| muşamba | مشمع | küp | مکعب |
| metal | فلز | dikdörtgen | مربع مستطیل |
| tahta | تخته | üçgen | مثلث |
| cam | شیشه | kare | چهار گوش، مربع |
| hasır | حصیر | silindir | استوانه |
| kumaş | پارچه | piramit | هرم |
| deri | چرم | plastik | پلاستیک |

قرض گرفتن، قرض دادن، قول دادن

Ödünç/borç alabilir mi (yim) / verir mi (sin)
?

söz (vermek)
vallaha (billaha)
yemin etmek

Ahmet, çim biçme makınanı bir kaç gün için verir misin?
Ama işin bitince getireceksin.
Yemin ederim ki getiririm.

احمد، ماشین چمن زنیات را برای چند روز به من قرض می‌دهی؟
ولی وقتی که کارت تمام شد آن را برمی‌گردانی.
قسم می‌خورم که بر می‌گردانم.

Bisiklet pompanı alabilir miyim?
Al ama ödünç ha.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Tamam canım. Yarına kadar. Söz. Vallaha.

می توانم تلمبه دوچرخهات را قرض بگیرم؟

می توانی. ولی فقط برای قرض ها.

بسیار خوب. تا فردا. قول می دهم. قسم می خورم.

Suzan. çok affedersin ama bana eldivenlerini verebilir misin?

Aman lafi mı olur? Gayet tabii.

سوزان، بسیار متأسفم اما می توانی دستکش هایت را به من قرض بدهی؟

این حرف ها چیه قابل ندارد. صد البته.

Ali, hiç param kalmadı. 10,000 lira borç verebilir misin?

Kusura bakma. Bende de hiç yok.

علی، هیچی پول به رایم نمانده. می توانی ۱۰۰۰۰ لیر به من قرض بدهی؟

متأسفم. من هم هیچی ندارم.

Borç almak/vermek

قرض کردن / دادن فقط در مورد پول بکار می رود.

اشیاء مفقوده

... -I kaybettim/bulamıyorum

نمونه یک آگهی روزنامه مبنی بر مفقود شدن اسناد و مدارک:

Nüfus cüzdanımı, üniversite kimlik kartımı, araba ehliyetimi kaybettim.

Hükümsüzdür, Hayri Aslan.

شناسنامه ام، کارت شناسایی دانشگاهم، گواهینامه رانندگی ام را گم کردم.

آن ها دیگر معتبر نیستند، «هایری اصلان» .

Otelin lobisinde çantamı kaybettim. Birisi alıp gitti herrhalde. Size kimse çanta getirdi mi?

Getirmedi ama araştıralım efendim. Tarif eder misiniz nasıl bir çanta idi?

Siyah, küçük, dikdörtgen bir çanta. Metalden fermuru var.

İçinde ne var?

Her şey. Para cüzdanım, tarak ve fırçam, bir ufak ayna, bir dolma-kalem, bir kutu, bir çift küpe, çakmağım, bir anahtarlık, adres defteri, iki-üç jeton, iki çengelli-iğne,

Aferin! Hepsini birer birer nasıl hatırladınız?

Çantamı hiç boşaltmam, açtıkça görüyorum tabii.

در راهرو هتل کیفم را گم کردم. کسی احتمالاً آن را برداشته برده است. کسی کیف برای شما نیاورده است؟

نه نیاورد. اما بگذارید تحقیقی بکنم، خانم. می توانید بگویید چطور کیفی بود؟

یک کیف سیاه، کوچک و مستطیلی بود. یک زیپ فلزی دارد.

در داخل آن چیست؟

همه چیز. کیف پولم، شانه و برسم، یک آینه کوچک، یک خودنویس، یک قوطی، یک جفت گوشواره فندکم، یک جاکلیدی، دفتر آدرس، دو سه تا ژتون تلفن، دو تا سنجاق قفلی.
آفرین! همه را یکی یکی چطور در خاطر دارید؟
هرگز کیفم را خالی نمی‌کنم؛ و البته با هر بار آن را باز می‌کنم همه چیز را می‌بینم.

خبر کردن پلیس

| | |
|---------------------------------------|---|
| Yardım! | کمک! |
| Bana yardım edin! | به من کمک کنید! |
| Acil bir durum! | فوری است! |
| Lütfen hemen polisi arayın. | لطفاً فوراً با پلیس تماس بگیرید. |
| Bir kaza bildirmek istiyorum. | من می‌خواهم یک حادثه را گزارش دهم. |
| Bir saldırı bildirmek istiyorum. | من می‌خواهم یک حمله را گزارش دهم. |
| Gasp olayı bildirmek istiyorum. | من می‌خواهم یک ضرب و شتم را گزارش دهم. |
| Tecavüz bildirmek istiyorum. | من می‌خواهم یک تجاوز به عنف را گزارش دهم. |
| Saldırıya uğradım. | من مورد حمله قرار گرفتم. |
| Soyuldum. | من مورد سرقت قرار گرفتم. (لختم کردند). |
| Tecavüze uğradım. | من مورد تجاوز قرار گرفتم. |
| Lütfen hırsızlık raporunu doldurun. | لطفاً یک گزارش سرقت پر کنید. |
| Lütfen soygun raporunu doldurun. | لطفاً یک گزارش راه زنی پر کنید. |
| En yakın polis merkezi nerede? | نزدیک‌ترین مرکز پلیس کجاست؟ |
| Pasaportumu kaybettim. | من گذرنامه‌ام را گم کرده‌ام. |
| Biletimi kaybettim. | من بلیطم را گم کرده‌ام. |
| Valizimi kaybettim. | من وسایلم را گم کرده‌ام. |
| Çantamı kaybettim. | من کیفم را گم کرده‌ام. |
| Cüzdanımı kaybettim. | من کیف پولم را گم کرده‌ام. |
| Pasaportumu hiçbir yerde bulamıyorum. | نمی‌توانم گذرنامه‌ام را پیدا کنم. |
| Biletimi hiçbir yerde bulamıyorum. | نمی‌توانم بلیطم را پیدا کنم. |
| Valizimi hiçbir yerde bulamıyorum. | نمی‌توانم وسایلم را پیدا کنم. |
| Çantamı hiçbir yerde bulamıyorum. | نمی‌توانم کیفم را پیدا کنم. |

Cüzdanımı hiçbir yerde bulamıyorum.

نمی‌توانم کیف پولم را پیدا کنم.

Yeniden çıkartabilir miyim?

آیا می‌توانم درخواست صدور مجدد کنم؟

Pasaportum çalındı.

گذرنامه من به سرقت رفته است.

Biletim çalındı.

بلیط من به سرقت رفته است.

Valizim çalındı.

وسایل من به سرقت رفته است.

Çantam çalındı.

کیف من به سرقت رفته است.

Cüzdanım çalındı.

کیف پول من به سرقت رفته است.

Kameram çalındı.

دوربین من به سرقت رفته است.

Saatim çalındı.

ساعت من به سرقت رفته است.

Metroda pasaportum çalındı.

گذرنامه‌ام را در مترو از من دزدیدند.

Evraklarım elimden alındı.

مدارکم را به زور از من سرقت کردند.

Kredi Kartlarım elimden alındı.

کارت‌های اعتباری‌ام را به زور از من سرقت کردند.

Kimi bilgilendirmeliyim?

باید به چه کسی اطلاع دهم؟

Kayıp eşya bürosu nerede?

دفتر اشیاء پیدا شده کجاست؟

Elçiliği aramam lazım.

من باید با سفارتخانه تماس بگیرم.

Avukatımı aramam lazım.

من باید با وکیل تماس بگیرم.

Arkadaşlarımı aramam lazım.

من باید با دوستانم تماس بگیرم.

Akrabalarımı aramam lazım.

من باید با خویشاوندانم تماس بگیرم.

İngilizce konuşan bir avukata ihtiyacım var.

من به یک وکیل انگلیسی زبان نیاز دارم.

Hiçbir şey görmedim.

من چیزی ندیدم.

Bunu kimin yaptığını bilmiyorum.

نمی‌دانم چه کسی این کار را انجام داد.

ممکن است بشنوید

İyi misiniz?

حالتان خوب است؟

Ne oldu?

چه اتفاقی افتاد؟

Bir sorun mu var?

اتفاقی افتاده است؟

Polisi aradınız mı?

آیا با پلیس تماس گرفته‌اید؟

Polisi kim aradı?

چه کسی با پلیس تماس گرفت؟

Nerede oldu?

کجا اتفاق افتاد؟

Ne zaman oldu?

چه موقع اتفاق افتاد؟

Nasıl oldu?

چطور اتفاق افتاد؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|---------------------------------------|---|
| Yaralı var mı? | کسی صدمه دیده است؟ |
| Kayıp mı? | چه چیزی مفقود شده است؟ |
| Sinirli olduğunuzu biliyorum. | می دانم که ناراحت هستید. |
| Aşırı hız yüzünden durdurdum sizi. | من شما را به خاطر سرعت زیاد متوقف کردم. |
| Pasaportunuzu görebilir miyim lütfen? | ممکن است گذرنامه شما را ببینم؟ |
| Kimliğinizi görebilir miyim lütfen? | ممکن است کارت شناسایی شما را ببینم؟ |
| Ehliyetinizi görebilir miyim lütfen? | ممکن است گواهینامه رانندگی شما را ببینم؟ |
| Sigortanızı görebilir miyim lütfen? | ممکن است کارت بیمه شما را ببینم؟ |
| Ruhsatınızı görebilir miyim lütfen? | ممکن است کارت ماشین شما را ببینم؟ |
| Adresiniz ne? | نشانی شما چیست؟ |
| Telefon numaranız ne? | شماره تلفن شما چند است؟ |
| Dilinizi bilmiyorum. | زبان شما را نمی دانم. |
| Resmi rapor tutturmanız gerekiyor. | باید یک گزارش رسمی تهیه کنید. |
| Kayıp eşya bürosuna baktınız mı? | آیا به دفتر اشیاء پیدا شده مراجعه کرده اید؟ |
| Tanığınız var mı? | آیا شاهدی دارید؟ |
| Ceza ödemeniz gerekiyor. | شما باید جریمه بپردازید. |

Dikça - (هر بار، هر زمان، بیشتر)

| | |
|--|--|
| Bebek ağladıkça ben telaşlandım. | هرچه بیشتر بچه گریه کرد بیشتر نگران شدم. |
| Ankara'ya gittikçe halamı ziyaret ederim. | در هر بار رفتن به آنکارا، عمه ام را ملاقات می کنم. |
| Bize her geldikçe çiçek getiriyor | هر بار که به منزل ما می آید گل می آورد. |
| İstedikçe yazarım | هر چقدر بخواهم می نویسم. |
| Biz konuştukça olmaz | ما هر چقدر صحبت کنیم نمی شود. |
| O güldükçe ben de güldüm | هر چه او بیشتر خندید من هم بیشتر خندیدم. |
| Sen o mektubu yazmağı geçiktirdikçe başlaması güç olur | تو هر چه بیشتر در نوشتن آن نامه تأخیر کنی آغاز کردنش سخت خواهد شد. |
| Devlet yardım etmedikçe fert ne yapabilir? | تا زمانی که دولت کمک نکند فرد چه کار می تواند بکند. |
| Çikolata yedikçe kilo alırsın. | هر چقدر بیشتر شکلات بخوری (به همان مقدار) وزنت بالا می رود. |

-diğince

Herkes, elden geldiğince fakirlere yardım etmeli.

هرکس باید هر قدری که از دستش می‌آید به فقیرها کمک کند.

Uzağı görmediğimizce, manzara hakkında bir fikrimiz yok.

از آن جایی که ما نتوانستیم دور دست را ببینیم، در مورد منظره فکری نداریم.

-dikte

Her mektup aldıkta yüzü güler.

او هر وقت نامه می‌گیرد صورتش خندان می‌شود.

Her geldikte kavga eder.

او هر وقت می‌آید دعوا می‌کند.

(Er ... - (Er (پیوند توالی)

birer birer

üçer üçer یک به یک

سه تا سه تا

ikişer ikişer

dörder dörder دو به دو

چهارتا چهارتا

kimse و birisi (کسی)

این دو واژه هم معنی هستند، اما اولی در جملات منفی و سؤالی و دومی در جملات مثبت بکار می‌روند.

مثبت

Birisi var.

کسی هست

منفی

Kimse yok.

کسی نیست

سؤالی

Kimse var mı?

آیا کسی هست؟

(ve (و

Odaya girdi ve bir sandalyeye oturdu.

وارد اتاق شد و بر روی یک صندلی نشست.

همین جمله به شکل‌های زیر نیز می‌تواند نوشته شود:

Odaya girip bir sandalyeye oturdu.

یا

Odaya girdi, bir sandalyeye oturdu.

ben ve sen

من و تو

این جمله نیز به شکل زیر می‌تواند نوشته شود:

benimle sen

sen, ben ve kardeşin

تو، من و برادرت

sen, ben, kardeşin de

sen, ben, kardeşin

شکل فارسی این حرف نیز در زبان ترکی وجود دارد:

abuhava

آب و هوا

hercümerc

هرج و مرج

kaza vü kader

قضا و قدر

yarü ağyar

یار و دشمن

مثال‌های تکمیلی:

siyah beyaz bir film

یک فلیم سیاه (و) سفید

Öğleyin ekmek peynir yedim.

نهار نان (و) پنیر خوردم

Gece gündüz çalışıyoruz.

شب و روز کار می‌کنیم.

güzel, büyük, deniz manzaralı bir oda

اتاقی زیبا، بزرگ و با منظره‌ای رو به دریا

Zeynep pabuçlarını, paltosunu giydi, eline şemsiyesini aldı, işe gitti.

زینب کفش‌ها و پالتویش را پوشید، چتر در دست گرفت و به سر کار رفت.

Arapça ve Farsça

عربی و فارسی

Ahmet'in bu kitabı okuması-yla okumaması arasında bir fark olacağını

sanmıyorum.

تصور نمی‌کنم فرقی بکند بین این که احمد این کتاب را بخواند یا نخواند

با هم متن زیر را به فارسی برمی‌گردانیم.

Hasan'ın aldığı yeni araba çok güzel. 1991 Model. Dört kapılı. Rengi yeşil. Koltukları sarı deriden, geniş ve rahat. Benzin biterken, önde bir ışık yanıp söniyor. Arkada oturan çocuklar için bile emniyet kemerleri var. Anne, baba öndeki kapılan kilitlerse arkadaki kapılar açılmıyor. İdeal aile arabası.

ماشین جدیدی که حسن خریده خیلی قشنگ است. مدل ۱۹۹۱ است. چهار در است. سبز است. صندلی‌هایش بزرگ و راحتند و روکش آن چرم زرد رنگ است. با تمام شدن بنزین در جلو یک چراغ روشن می‌شود. حتی برای بچه‌هایی که

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

در پشت می‌نشینند کمر بندهای ایمنی دارد. اگر والدین درهای جلو را قفل کنند، درهای عقب هم باز نمی‌شوند. آن یک ماشین ایده آل برای خانواده است.

درس ۱۴

نقل قول (۱)



... diyor/dedi
 diye ısrar etti/diye ısrar ediyor
 diye ekledi/diye ekliyor
 ... imiş/-miş

Yarın hava Ege ve Akdeniz bölgelerinde açık ve güneşli. Orta ve Doğu Anadolu'da bulutlu, Karadeniz bölgesinde sağanak yağışlı olacak. Marmara bölgesindeki sis sabaha doğru kuzeybatıdan gelen rüzgarla dağılacak. Bütün bölgelerde ısı derecesi oniki ile onsekiz arasında değişecek

فردا در مناطق اژه و دریای مدیترانه هوا صاف و آفتابی، در آناتولی مرکزی و شرقی ابری و در منطقه دریای سیاه همراه با رگبارهای پراکنده است. صبح هنگام، مه در منطقه مرمره به خاطر بادی که از شمال شرقی می آید (میوزد) کنار می رود. گرما در تمام مناطق بین دوازده و هجده درجه متغیر است.

Radyo ne diyor?

Yarın yağmur yağacak' diyor.

Yağmur mu yağacak? Hani güneşli olacaktı?

Güneş Akdenizde olacak' diyor.

Burada hava soğuk mu olacakmış?

Ne soluk ne sıcak. Bütün bölgelerde ısı en az 12 en fazla derece olacakmış, ılık yani.

راديو چه می گوید؟

می گوید: «فردا باران خواهد بارید» .

باران می خواهد بارد؟ چی شد قرار بود آفتابی باشد؟

می گوید: «آفتاب در مدیترانه خواهد بود» .

آیا در اینجا هوا سرد خواهد بود؟

نه سرد، نه گرم. در تمام مناطق حداقل ۱۲ و حداکثر ۱۸ درجه خواهد بود. یعنی معتدل.

نقل قول:

گفته اشخاص را می توان یا مستقیماً و بدون تغییر ذکر کرد و یا در آن تغییراتی ایجاد کرد که در مورد اخیر معمولاً پیوند *imiş* را به پیوند زمان اضافه می کنند.

Haritayı takip ediyoruz.

نقشه را دنبال می کنیم.

1 'Haritayı takip ediyoruz' diyor

۱- «نقشه را دنبال می کنیم» ، او می گوید.

2 Haritayı takip ediyormuşuz.

۲- او می گوید (به نظر می رسد) که نقشه را دنبال می کنیم.

Kar yağmadan gideceğim.

قبل از بارش برف خواهیم رفت

1 'Kar yağmadan gideceğim' dedi.

۱- «قبل از باریدن برف خواهیم رفت» ، او گفت.

2 Kar yağmadan gidecekmiş.

۲- می گویند (به نظر می رسد) او می خواهد قبل از باریدن برف برود.

Hergün dışarıya gideriz.

هر روز بیرون می رویم.

1 'Hergün dışarıya gideriz' der.

۱- می گوید: «ما هر روز بیرون می رویم.»

2 Hergün dışarıya giderlermiş.

۲- او می گوید که آن ها هر روز بیرون می روند.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

تنها استثنایی که وجود دارد مربوط به گزارش کردن وقایع گذشته ساده است که در آن صورت پیوند زمانی Dİ - حذف و بجای آن mİŞ - گذاشته می شود.

Atlı arabada gittik. با درشکه رفتیم.

1 'Altı arabada gittik' dedi. «با درشکه رفتیم»، او گفت.

2 Atlı arabada gitmişler می گویند (به نظر می رسد) که آن ها با درشکه رفتند. (رفته اند).

اگر نقل قول ما در حالت سؤالی باشد، ساخت دوم فوق به کار نمی رود، بلکه از ساخت دیگری مشابه با ساخت اول استفاده می شود.

Kıslıkları sandığa kaldıralım mı?

آیا لباس های زمستانی را در جامه دان صندوق (نگه داریم؟)

'Kıslıkları sandığa kaldıralım mı?' diye sordu.

«آیا لباس های زمستانی را در جامه دان (صندوق) نگاه داریم؟» او پرسید.

در درس ۱۵ یکی از روش های پیشرفته تر در نقل قول جملات پرسشی ذکر شده است.

Saçı sakalı ağaran ilk insanın kim olduğunu söyle, dediler.

و گفتند: بگو اول کسی که بود از آدمیان که موی سر و ریش او سپید گشت؟

تأیید یک عمل

Nasıl (olmuş) / (buldun) ?

İyi! Güzel/ Doğru/ Yakışmış ... mı?

Ne diyorsun?

Doğrur/iyi/ Güzel ... yapmış mıyım?

Büyük Ada'da ev kiraladım. İyi yapmış mıyım?

Çok iyi yapmışsın. Çok sevindim.

در «بیوک آدا» خانه ایی اجاره کردم. آیا کار درستی انجام داده ام؟

کار خیلی خوبی کرده ای. خیلی خوشحال شدم.

Bu sene tarlaya bakla ekeceğim, Ne diyorsun?

Vallaha çok akıllı bir iş olur.

امسال در مزرعه می خواهم باقلا بکارم. چه می گویی (نظرت چیست)؟

والله کار عاقلانه ای است.

Gül, karanfil ve laleden bir buket yaptırđım. Doğru yapmış mıyım?

Bukette toplam kaç çiçek var?

Yirmi.

Aa, çift sayılı çiçek göndermek ayıptır. Tek sayılı göndermeli idin. Ya ondokuz ya da yirmibir.

دادم یک دسته گل حاوی رز، میخک، و لاله درست کردند. آیا کار درستی کردم؟
روی هم رفته چند تا گل در دسته هست؟
بیست تا.

آه، فرستادن گل در تعداد زوج صحیح نیست (عیب است). شما می‌بایست آن‌ها را در تعداد فرد می‌فرستادید. یا نوزده و یا بیست و یک.

Çadırı gölün kenarına kurdum. Nasıl olmuş?

Bravo. En ideal yeri bulmuşsun.

چادر را کنار دریاچه برپا کردم. چطور شده؟
احسنت. بهترین جا را پیدا کرده‌ای.

لغات مربوط به محیط

| | | | |
|---------|---------|--------|--------|
| ada | جزیره | kaya | صخره |
| ağaç | درخت | kıyı | ساحل |
| bitki | گیاه | köprü | پل |
| bulut | ابر | körfez | خلیج |
| çalılık | بوته | köy | دهکده |
| dağ | کوه | taş | سنگ |
| çayır | علف زار | kum | شن |
| çiçek | گل | nehir | نهر |
| çim | چمن | ova | دشت |
| deniz | دریا | tarla | مزرعه |
| gök | آسمان | tepe | تپه |
| gezegen | سیاره | uzay | فضا |
| göl | دریاچه | vadi | دره |
| arı | زنبور | kedi | گربه |
| aslan | شیر | köpek | سگ |
| at | اسب | koyun | گوسفند |

| | | | |
|------------|---------|---------|---------|
| balık | ماهی | kurbağa | قورباغه |
| domuz | خوک | kuş | پرنده |
| eşek | خر | maymun | میمون |
| fil | فیل | örümcek | عنکبوت |
| inek | گاو | sinek | مگس |
| kaplumbağa | لاک پشت | tavuk | مرغ |
| ay | ماه | güneş | خورشید |
| dünya | دنیا | yıldız | ستاره |

آب و هوا (Hava durumu)

| | |
|------------------------|--------------------------|
| Bugün hava nasıl? | امروز هوا چطور است؟ |
| Bugün hava iyi. | امروز هوا خوب است. |
| Bugün hava kötü. | امروز هوا بد است. |
| Bugün hava sıcak. | امروز هوا گرم است. |
| Bugün hava çok sıcak. | امروز هوا خیلی گرم است. |
| Bugün hava ılık. | امروز هوا معتدل است. |
| Bugün hava soğuk. | امروز هوا سرد است. |
| Bugün hava çok soğuk. | امروز هوا خیلی سرد است. |
| Bugün hava serin. | امروز هوا خنک است. |
| Güzel bir gün. | روز خوبی است. |
| Kötü bir gün. | روز مزخرفی است. |
| Hava sıcak. | هوا گرم است. |
| Hava soğuk. | هوا سرد است. |
| Hava rüzgarlı. | الان دارد باد می‌وزد. |
| Hava nemli. | هوا گرم و شرجی است. |
| Hava güneşli. | هوا آفتابی است. |
| Hava bulutlu. | هوا ابری است. |
| Sıcak | هوا مثل آتش است. |
| Bugün hava fırın gibi. | امروز مثل یک کوره است. |
| Sis başlıyor. | هوا دارد مه آلود می‌شود. |

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

| | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| Gökyüzü açılıyor. | آسمان دارد صاف می‌شود. |
| Gökyüzü bulutlanıyor. | آسمان دارد با ابر پوشیده می‌شود. |
| Güneş açıyor. | خورشید دارد بیرون می‌آید. |
| Güneş doğuyor. | خورشید دارد طلوع می‌کند. |
| Güneş battı. | خورشید غروب کرد. |
| Bulutlar dağılıyor. | ابرها دارند تکه تکه می‌شوند. |
| Yağmur yağıyor. | باران می‌آید. |
| Kar yağıyor. | برف می‌آید. |
| Yarın güneşli bir gün olacak. | فردا آفتابی خواهد شد. |
| Yarın yağmurlu bir gün olacak. | فردا بارانی خواهد شد. |
| Yarın rüzgarlı bir gün olacak. | فردا باد تندی خواهد وزید. |
| Yarın bulutlu bir gün olacak. | فردا ابری خواهد شد. |
| Fırtına mı çıkacak acaba? | نمی‌دانم طوفانی خواهد شد یا نه. |

کلمات مفید

| | | | |
|----------------|-----------|-------------------------|-----------------|
| kar | برف | buz fırtınası | کولاک |
| yağmur | باران | tipi | کولاک شدید |
| güneş | خورشید | sağanak | طوفان رعد و برق |
| sis | مه | fırtına | طوفان |
| rüzgâr | باد | kasırga | تندباد |
| felaket | فاجعه | deprem | زمین لرزه |
| hortum | گردباد | şiddetli hava koşulları | هوای خراب |
| sel | سیل/طغیان | ısı | گرما |
| heyelan | بهمن | yoğun yağış | باران شدید |
| orman yangını | آتش جنگل | yoğun sis | نم نم باران |
| toprak kayması | گلرود | çiğdem | شبنم |

ورزش / اوقات فراغت (spor/boş vakit)

اردو زدن (kamp yapmak)

Buraya yakın kamp bölgesi var mı?

آیا این اطراف اردوگاه هست؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Burada kamp yapabilir miyiz? امکان دارد اینجا اردو بزنیم.
- Geceyi burada geçirebilir miyiz? امکان دارد شب را اینجا بمانیم؟
- Çadır için yeriniz var mı? آیا برای یک چادر جا دارید؟
- Karavan için yeriniz var mı? آیا برای یک کاروان جا دارید؟
- Günlük ücretiniz ne kadar? هزینه روزانه چقدر است؟
- Haftalık ücretiniz ne kadar? هزینه هفته‌ای چقدر است؟
- Çadır için ücretiniz ne kadar? هزینه یک چادر چقدر است؟
- Karavan için ücretiniz ne kadar? هزینه یک کاروان چقدر است؟
- Kamp alanında yemek pişirme tesisleri var mı? آیا در این ادوگاه امکانات آشپزی هست؟
- Kamp alanında elektrik prizi var mı? آیا در این ادوگاه پریز برق هست؟
- Kamp alanında çöp bidonu var mı? آیا در این ادوگاه سطل زباله هست؟
- Kamp alanında çamaşırhane var mı? آیا در این ادوگاه امکانات لباسشویی هست؟
- Kamp alanında duş var mı? آیا در این ادوگاه دوش هست؟
- İçme suyu nereden bulabilirim? کجا می‌توانم آب آشامیدنی پیدا کنم؟
- Bütan gazı nereden bulabilirim? کجا می‌توانم گاز بوتان پیدا کنم؟
- Şehir buradan çok mu uzak? آیا شهر از اینجا خیلی دور است؟
- Balık tutmayı seviyorum. من ماهیگیری را دوست دارم.
- Avlanmayı seviyorum. من شکار را دوست دارم.
- Burada balık tutmak serbest mi? آیا اینجا ماهیگیری مجاز است؟
- Burada avlanmak serbest mi? آیا اینجا شکار مجاز است؟
- Burası çok güneşli. اینجا بیش از حد آفتابی است.
- Burası çok gölge. اینجا بیش از حد سایه است.
- Burası çok kalabalık. اینجا بیش از حد شلوغ است.
- Yer çok sert. زمین خیلی سفت است.
- Yer düzgün değil. زمین خیلی ناهموار است.
- Başka biraz düzgün yer var mı? جای صاف تری دارید؟
- Bu bölgenin yürüyüş yollarının haritasını rica ediyorum.

من یک نقشه مسیرهای پیاده روی این منطقه را می‌خواهم.

Bu bölgenin bisiklet yollarının haritasını rica ediyorum.

من یک نقشه مسیرهای دوچرخه سواری این منطقه را می‌خواهم.

کلمات مفید

| | | | |
|--------------|-----------|-----------------|-----------------|
| kamp yapmak | اردو زدن | yatak | تشکچه |
| kibrit | کبریت | kamp ateşi | آتش اردو |
| kömür | زغال | kamp bölgesi | اردوگاه |
| bütan gazı | گاز بوتان | kamp alanı | اردوگاه |
| çadır direği | تیر چادر | Kamp Yapılmaz | اردو زدن ممنوع |
| çekiç | چکش | İçme Suyu | آب آشامیدنی |
| şişme yatak | تشک بادی | Ateş yakılmaz | روشن کردن آتش |
| parafin | پارافین | mangal yakılmaz | کباب کردن ممنوع |
| çadır kazığı | میخ چادر | çadır | چادر |
| gaz ocağı | اجاق نفتی | uyku tulumu | زیرانداز |

در ساحل (kumsalda)



Orada su kayağı yapabilir miyim?

می‌توانم آنجا اسکی روی آب کنم؟

- Orada skydiving yapabilir miyim? می‌توانم آنجا چتربازی کنم؟
- Orada sky gliding yapabilir miyim? می‌توانم آنجا با هواپیمای بی موتوری پرواز کنم؟
- Orada bungee jumping yapabilir miyim? می‌توانم آنجا با طناب از ارتفاع بپریم؟
- Orada parasailing yapabilir miyim? می‌توانم آنجا با طناب چتربازی کنم؟
- Orada surf yapabilir miyim? می‌توانم آنجا موج سواری کنم؟
- Orada dalış yapabilir miyim? می‌توانم آنجا غواصی کنم؟
- Nereden bir surfboard kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک تخته موج سواری کرایه کنم؟
- Nereden bir yelkenli kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک قایق بادبانی کرایه کنم؟
- Nereden bir motorbot kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک قایق موتوری کرایه کنم؟
- Nereden bir su kayağı kiralayabilirim? کجا می‌توانم چوب اسکی روی آب کرایه کنم؟
- Nereden bir dalış ekipmanı kiralayabilirim? کجا می‌توانم وسایل غواصی کرایه کنم؟
- Nereden bir paraşüt kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک چتر نجات کرایه کنم؟
- Nereden bir şezlong kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک تخت مخصوص ساحل کرایه کنم؟
- Nereden bir şemsiye kiralayabilirim? کجا می‌توانم یک چتر کرایه کنم؟
- En yakın yat klubu nerede? نزدیک‌ترین باشگاه قایق رانی کجاست؟
- En yakın kiralama bürosu nerede? نزدیک‌ترین دفتر کرایه کجاست؟
- En yakın dalış merkezi nerede? نزدیک‌ترین مرکز غواصی کجاست؟
- En yakın golf sahası nerede? نزدیک‌ترین زمین گلف کجاست؟
- En yakın tenis kortu nerede? نزدیک‌ترین زمین تنیس کجاست؟
- En yakın su parkı nerede? نزدیک‌ترین پارک آبی کجاست؟
- Surfboard kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک تخته موج سواری چقدر است؟
- Yat kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک قایق بادبانی چقدر است؟
- Motorbot kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک قایق موتوری چقدر است؟
- Su kayağı kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه چوب اسکی روی آب چقدر است؟
- Dalış ekipmanı kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه وسایل غواصی چقدر است؟
- Paraşüt kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک چتر نجات چقدر است؟
- Şezlong kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک تخت مخصوص ساحل چقدر است؟
- Şemsiye kiralama ücreti ne kadar? هزینه کرایه یک چتر چقدر است؟
- Daha büyük bir bot kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک قایق بزرگ‌تر کرایه کنم.
- Daha küçük bir bot kiralamak istiyorum. من می‌خواهم یک قایق کوچک‌تر کرایه کنم.
- Depozito bırakmak şart mı? گذاشتن ودیعه لازم است؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Bu motor kaç beygir? موتور چند اسب بخار قدرت دارد؟
- Bu botun ne tür navigasyon aletleri var? قایق چه نوع وسایل ناوبری دارد؟
- Botun azami hızı ne kadar? حداکثر سرعت قایق چقدر است؟
- Botu ne zaman iade etmem gerekiyor? چه موقع باید قایق را برگردانم؟
- Yat acil durum için sigortalı mı? آیا این قایق بادبانی برای شرایط اضطراری بیمه شده است؟
- Bot acil durum için sigortalı mı? آیا این قایق برای شرایط اضطراری بیمه شده است؟
- Motorbot acil durum için sigortalı mı? آیا این قایق موتوری برای شرایط اضطراری بیمه شده است؟
- Hava durumu tahmini ne? پیش بینی وضع هوا چیست؟
- Burada kayalık veya akıntı var mı? آیا اینجا صخره‌های دریایی یا جریان‌های قوی دارد؟
- Bu regataya kaç tane bot dahil? چند قایق در این مسابقه قایق رانی شرکت دارد؟
- Bu regataya kaç tane yat dahil? چند قایق بادبانی در این مسابقه قایق رانی شرکت دارد؟
- Dalış kıyafeti ve aletleri kiralayabilir miyim? امکان دارد یک لباس و وسایل غواصی کرایه کنم؟
- Dalış kıyafetinin günlük kirası ne kadar? هزینه کرایه یک لباس غواصی روزانه چقدر است؟
- Dalış kıyafetinin saatlik kirası ne kadar? هزینه کرایه یک لباس غواصی ساعتی چقدر است؟
- Hangi oksijen yediğiniz var? چه نوع ذخیره اکسیژن دارید؟
- Tüp ne kadar süre dayanır? کپسول اکسیژن برای چه مدت است؟
- Nerede eğitmen bulabilirim? کجا می‌توانم یک مربی پیدا کنم؟
- Ders alabilir miyim? امکان دارد آموزش ببینم؟
- Bu tulum ile ne kadar derine dalabilirim? تا چه عمقی می‌توانم با این لباس غواصی بروم؟
- Burası ne kadar derin? عمق اینجا چقدر است؟
- Bu sularda köpek balığı ya da tehlikeli balıklar var mı? آیا در این آب‌ها کوسه یا ماهی‌های خطرناک دیگر وجود دارد؟
- Sualtı akımı var mı? آیا جریان‌های زیر آب وجود دارد؟
- Buradan kumsala nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به ساحل بروم؟
- Buradan stadyuma nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به استادیوم بروم؟
- Buradan hipodroma nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به زمین مسابقه بروم؟
- Buradan golf sahasına nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به زمین گلف بروم؟
- Buradan tenis kortuna nasıl gidebilirim? چه طور می‌توانم از اینجا به زمین تنیس بروم؟
- Kumsal taşlık mı kum mu? ساحل ریگی است یا شنی؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Burada yüzmek güvenli mi? آیا اینجا برای شنا کردن بی خطر است؟
 Buraya yakın açık havuz var mı? آیا این اطراف استخر روباز هست؟
 Burada spor salonu var mı? آیا اینجا مرکز آمادگی جسمانی هست؟
 Yüzmeyi severim. من شنا را دوست دارم.

مسابقه اسب دوانی/استادیوم (at yarışları/stadium)

Bilet gişesi nerede? باجه فروش بلیط کجاست؟
 Bilet ücreti ne kadar? قیمت بلیط چقدر است؟
 Orta tribünde bir bilet verin lütfen. لطفاً یک بلیط در جایگاه وسط به من بدهید.
 Sağ tribünde bir bilet verin lütfen. لطفاً یک بلیط در جایگاه سمت راست به من بدهید.
 Sol tribünde bir bilet verin lütfen. لطفاً یک بلیط در جایگاه سمت چپ به من بدهید.
 Oyun kaçta başlayacak? چه موقع بازی شروع می‌شود؟
 Maç kaçta başlayacak? چه موقع مسابقه شروع می‌شود؟
 At yarışı kaçta başlayacak? چه موقع مسابقه سوارکاری شروع می‌شود؟
 Kaç kaç? نتیجه چیست؟
 Kim yeniyor? چه کسی دارد برنده می‌شود؟
 Hangi taraf sayı aldı? کدام طرف گل زد؟
 Hangi takım sarı forma giyiyor? کدام تیم لباس زرد پوشیده است؟
 Hangi takım beyaz forma giyiyor? کدام تیم لباس سفید پوشیده است؟
 Hangi takım kırmızı forma giyiyor? کدام تیم لباس قرمز پوشیده است؟
 Hangi takım mavi forma giyiyor? کدام تیم لباس آبی پوشیده است؟
 Hangi takım yeşil forma giyiyor? کدام تیم لباس سبز پوشیده است؟
 Siz hangi takımı tutuyorsunuz? طرفدار کدام تیم هستید؟
 Sizce maç kaç kaç bitecek? به نظر شما مسابقه چند چند تمام خواهد شد؟
 Sizce bugün kim kazanacak? فکر می‌کنید امروز چه کسی برنده می‌شود؟
 Bu yarışa hangi atlar katıldı? چه اسب‌هایی در این مسابقه شرکت دارند؟
 Bugün kaç yarış var? امروز چند تا مسابقه هست؟
 Bu yarışta kaç at koşuyor? چند تا اسب در این مسابقه شرکت دارند؟
 Bu yarışta hangi at favori? کدام اسب در این مسابقه شانس برنده شدن دارد؟
 Bahis gişesi nerede? باجه شرط بندی کجاست؟
 En az ne kadar bahis yatırabilirim? کمترین مقداری که می‌توانم شرط ببندم چقدر است؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Bir sonraki yarışta kaç tane bahis yatırılabilir? چند تا شرط در مسابقه بعدی می توان بست؟
 Favoriye hangi bahis var? احتمال برنده شدن شانس اول چقدر است؟
 Bu cokey kaç yarış kazandı? این سوارکار چند مسابقه را برده است؟
 Bu at ne cins? این اسب از چه نژادی است؟
 Bu at kaç yaşında? این اسب چند ساله است؟

کلمات مفید

| | | | |
|--------------------|--------------------|---------|-------------|
| cokey | سوارکار | yürüyüş | قدم رورفتن |
| antrenör | مری | tırs | یورتمه رفتن |
| seyis | مهتر | dörtmal | چهار نعل |
| at yarışı | مسابقه اسب دوانی | yarış | مسابقه |
| engelli at yarışı | سوارکاری با مانع | ahır | اصطبل |
| engelsiz at yarışı | سوارکاری بدون مانع | | |

تنیس / گلف (tenis/golf)

Golf sopalarını ve arabayı nereden kiralayabilirim?
 از کجا می توانم چوب گلف و یک چرخ دستی کرایه کنم؟
 Saha ücreti ne kadar?
 هزینه بازی گلف چقدر است؟
 Bugün rüzgar sert mi?
 آیا امروز باد تند است؟
 Bu delik için kaç vuruş yapmalıyım?
 برای این حفره چند امتیاز باید بیارم؟
 O atışla topu ne kadar uzağa attınız?
 با آن ضربه توپ را تا کجا فرستادید؟
 Tenis raketi kiralayabilir miyim?
 آیا ممکن است یک راکت تنیس اجاره کنم؟
 Kendi raketimi getirmem gerekiyor mu?
 آیا باید راکت خودم را بیاورم؟
 Bu kortun kirası ne kadar?
 هزینه اجاره زمین چقدر است؟
 Benimle oynamak ister misiniz?
 آیا می خواهید با من بازی کنید؟
 Çiftler oynayalım.
 بیایید دو به دو کنیم.

ممکن است بشنوید

Koça ihtiyacınız var mı?
 آیا مربی لازم دارید؟
 Yüzebiliyor musunuz?
 آیا می توانید شنا کنید؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

- Can yeleşinizi takmayı unutmayın. اطمینان حاصل کنید که جلیقه نجات پوشیده‌اید.
 Tehlikeli olabilir. ممکن است خطرناک باشد.
 Ski ve botlar kiralanabilir. چوب و کفش اسکی را می‌توانید اجاره کنید.
 Bahis yatırmak ister misiniz? آیا مایلید شرط ببندید؟
 Burada avlanmak yasak. شکار اینجا ممنوع است.
 Burada balık tutmak yasak. ماهیگیری اینجا ممنوع است.
 Dinlenme odası. محل استراحت.

زمان ماضی نقلی: -miş'li - geçmiş zaman

نتیجه‌ی وقوع یا حدوث حرکت و کنشی را که در گذشته انجام پذیرفته درحین تکلم بیان می‌دارد. فرق اساسی ماضی نقلی با ماضی مطلق در آن است که ماضی نقلی علاوه بر اعلام اجرا و خاتمه‌ی فعل، نتیجه آنرا نیز در حین تکلم بیان می‌دارد.

در ساختن این فعل بعد از ایجاد فعل امر به جلوی آن شاخص ماضی نقلی، یعنی miş و در منفی نیز بدین ترتیب عمل می‌کنیم.

علامت ضمیر شخصی + miş,miş,muş,müş + مصدر بدون mak, mek + ضمیر فاعلی = زمان ماضی نقلی

مثال:

gelmek → gel + miş + im = gelmişim آمده‌ام
 gelmemek → gelme + miş + im = gelmemişim نیامده‌ام

در سؤالی منفی و یا مثبت نیز علامت استفهامی یعنی mi را جلوی کلمه -miş گذاشته و فعل را صرف می‌کنیم.
 مثال:

gelmiş + mi + (y) im = gelmiş miyim? آیا آمده‌ام؟
 gelmemiş + mi + (y) im = gelmemiş miyim? آیا نیامده‌ام؟

| جدول صرف زمان ماضی نقلی از مصدر bakmak (نگاه کردن) | | | | |
|--|----------------------|-----------------------|---------------------------------|----------------------------------|
| مفرد | مثبت نگاه کرده‌ام | منفی نگاه نکرده‌ام | مثبت سؤالی آیا نگاه کرده‌ام؟ | منفی سؤالی آیا نگاه نکرده‌ام؟ |
| 1 | bakmışım | bakmamaşım | bakmış mıyım | bakmamış mıyım |
| 2 | bakmışsın | bakmamışsın | bakmış mısın | bakmamış mısın |
| 3 | bakmış (tır) | bakmamış (tır) | bakmış mı | bakmamış mı |

| | | | | |
|---|-----------------|-------------------|----------------|------------------|
| | | | | |
| 1 | bakmışız | bakmamışız | bakmış mıyız | bakmamış mıyız |
| 2 | bakmışsınız | bakmamışsınız | bakmış mısınız | bakmamış mısınız |
| 3 | bakmışlar (dır) | bakmamışlar (dır) | bakmışlar mı | bakmamışlar mı |

کاربرد زمان ماضی نقلی:

برای ذکر عملی که در گذشته اتفاق افتاده اما شخص مورد نظر در لحظه وقوع شاهد آن نبوده است و بعداً از وقوع آن خبردار شد. است باید از زمان ماضی نقلی استفاده کرد.

Karanlık olmuş.

شب فرا رسیده است (به طوری که شخصاً ناظر آن نبوده‌ام بلکه کس بعد از وقوع متوجه شده‌ام) عدم آگاهی از کارهای خود شخص را می‌توان به روش مشابه ذکر کرد.

Çamura basmışım.

(به نظر می‌رسد که، گویا) در گل پا گذاشته‌ام. زمانی که بخواهیم تایید کسی را جلب کنیم ادب و تواضع اقتضا می‌کند تا خودمان را شخصاً در عمل وارد نکنیم تا شاید احتمال تایید عمل را بیشتر کنیم.

Nasıl yapmışım?

چطور آن را انجام داده‌ام؟ اگر عدم اطمینان با توقعات شدید درهم آمیخته باشد یک ضمیر اضافی **-Dir** را جهت قطعیت دادن به مطلب می‌افزاییم.

Güneyde çiçekler açmıştır.

Bahçeyi sulamışlardır.

گل‌ها می‌بایستی در جنوب شکوفه کرده باشند. آن‌ها می‌بایستی به گل‌ها آب داده باشند. از آنجایی که کلیه روایات قصه‌ها و شایعات، اطلاعات دست دوم هستند، برای ذکر و انتقال آن‌ها پیوند **-miş** را بکار می‌برند به شعر زیر توجه کنید.

Ya Rabbim ne aksi dünya,

Zenginlere at vermişsin.

Kuşlara kanat vermişsin,

Bana bir merkep yok mu ya!

ای پروردگار چه دنیای بر عکسی (ناعادلانه‌ای)، به توانگران اسب داده‌ای. به پرندگان بال داده‌ای. آیا برای من یک قاطر هم وجود ندارد!

Güzel mavi gökyüzünde uçmak, kartallardan daha yükseğe çıkmak ve bulutları geçmek istemiştir.

می‌خواسته است که در آسمان زیبای آبی پرواز کند، از عقاب‌ها بالاتر رود و از ابرها بگذرد.

روایات

Bir sabah bir karadenizli bir penguen bulmuş ama daha önce hiç penguen görmediği için ne yapacak, bilmemiş, Yolda bir arkadaşına rastlamış.

'Ben bunu ne yapayım' diye sormuş. Arkadaşı cevap vermiş:

'Hayvanat bahçesine götür. '

Akşamüzeri arkadaşı gene Karadenizli ile karşılaşmış. Bakmış hala yanında penguen, yolda yürüyor.

'Ben sana bunu hayvanat bahçesine götür demedim mi?' demiş. Karadenizli cevap vermiş:

'Götürdüm, ondan sonra sirke gittik, şimdi de sinemaya götürüyorum. '

یک صبح، یک کارا دنیزلی (اهل شهر کارا دنیز) یک پنگوئن پیدا می‌کند اما به خاطر اینکه قبلاً پنگوئن ندیده بوده نمی‌داند چه کار کند، در راه با یکی از دوستانش بر خورد می‌کند و می‌پرسد که من این را چه کار کنم. دوستش جواب می‌دهد:

«به باغ وحش ببر»

سر شب دوستش دوباره با کارا دنیزلی رو برو می‌شود و می‌بیند پنگوئن هنوز در کنارش دارد راه می‌رود. می‌گوید مگر من به تو نگفتم که این را به باغ وحش ببر. کارا دنیزلی جواب می‌دهد: بردم، بعد از آن به سیرک رفتیم، و حالا هم دارم به سینما می‌برم.

واژه‌های روایت فوق

penguen

پنگوئن

rastlamak

تصادف کردن، برخورد کردن

hayvanat bahçesi

باغ وحش

karşılaşmak

به هم رسیدن، روبرو شدن

درس ۱۵

نقل قول (۲)



Söyledi
Bildirdik
Kabul
ettiler

... yIp ...

-mEdİğİnİ
-mEyEcEğİnİ

sordu

öğrenmek istiyor

merak ediyoruz

Ev ödevnizi yapın.

نقل قول جملات امری

تکلیفتان را انجام بدهید.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Ev ödevimizi yapmamızı söyledi.

او به ما گفت تکلیف مان را انجام بدهیم.

Takrarlayın.

آن را تکرار کنید.

Takrarlamamızı söyledi.

او به ما گفت آن را تکرار کنیم.

o kelimeyi bilmiyorum.

آن کلمه را نمی‌دانم.

o kelimeyi bilmediğini kabul etti.

او قبول کرد آن کلمه را نمی‌داند.

İmtihanı geçeceğim.

در امتحانات قبول خواهیم شد.

İmtihanı geçeceğini söylüyor.

او می‌گوید که در امتحانات قبول خواهد شد.

نقل قول جملات سؤالی

Öğretmen geldi mi?

آیا معلم آمد؟

Öğretmenin gelip gelmediğini sordu.

او پرسید آیا معلم آمده (یا نه)

Bir daha söyler misiniz lütfen?

ممکن است لطفاً یک بار دیگر آن را بگویید؟

Bir daha söyleyip söylemeyeceğimi sordu.

وی از من خواست آن را دوباره بگویم.

Biraz yavaş konuşabilir misiniz acaba?

می‌شود کمی آرام‌تر صحبت کنید؟

Biraz yavaş konuşup konuşamayacağımı sordu.

او پرسید که آیا من می‌توانم کمی آرام‌تر صحبت کنم.

نقل قول سؤالی با kimin ,kim ,nasıl ,nerede , zaman , ne, و ...

Bunu nasıl telaffuz edersiniz?

چگونه این را تلفظ می‌کنید؟

Bunu nasıl telaffuz edeceğimi sordu.

او پرسید چگونه این را تلفظ می‌کنم.

Bunun İngilizcesi nedir?

انگلیسی این چیست؟

Bunun İngilizcesinin ne olduğunu sordu

او پرسید این را به انگلیسی چه می‌گویند.

Türkçeyi nerede öğrendiniz.

ترکی را کجا یاد گرفتید؟

Türkçeyi nerede öğrendiğimi sordu.

او پرسید ترکی را کجا یاد گرفته‌ام.

Demek و Söylemek :

Söylemek در نقل قول غیر مستقیم بکار می‌رود.

Ankaraya gideceğini söyledi.

او گفت که به آنکارا می‌رود.

Demek را در نقل قول مستقیم بکار می‌برند.

'Ankara' ya gideceğim' dedi.

«من به آنکارا خواهم رفت»، او گفت.

اظهار تناقضی در جملات

| |
|---------------------------------------|
| halde yerde aksine -mEktEnsE |
|---------------------------------------|

Çok çalıştığı halde tercüme-yi zamanında bitiremedi.

اگرچه سخت کار کرد ولی نتوانست ترجمه را به موقع تمام کند.

Kütüphane duvarında "Konuşmayınız " diye bir yazı olduğu halde. Ali konuştu.

اگرچه روی دیوار کتابخانه نوشته بود «صحبت نکنید»، علی صحبت کرد.

Lugata bakacağı yerde kelimelerin anlamını benden soruyor.

بجای نگاه کردن به فرهنگ لغت، معنی لغتها را از من می‌پرسد.

Kursa gideceği yerde zamanını gezerek geçirdi.

بجای تحصیل کردن، وقت خود را با ولگردی می‌گذراند.

Bir Avrupa dili öğrenmektense Türkçe öğrenmeyi tercihettim.

در عوض یادگیری یک زبان اروپایی، ترجیح دادم ترکی یاد بگیرم.

Kimsenin beğenmediği bir filmi seyretmektense evde kalmayı tercih ederim.

ترجیح می‌دهم بجای دیدن فیلمی که هیچ کس نمی‌پسندت، در خانه بمانم.

Pratiği laboratuvarında yapmaktansa, kendine bir Türk arkadaş bul

بجای آنکه در آزمایشگاه زبان کار عملی انجام دهی یک دوست ترک برای خودت پیدا کن.

Tahminlerin aksine, altı ayda bu lisanı fevkalade öğrendim

بر خلاف انتظارات، در ظرف شش ماه این زبان را بسیار عالی یاد گرفتم.

Söylenenlerin aksine, Türkçeyi çok kolay buldular.

برخلاف آنچه که گفته شده بود، آن‌ها ترکی را خیلی آسان یافتند.

| | |
|---------------------|------------------------|
| Bay | آقا |
| Bayan | خانم |
| Dikkat | توجه |
| Dur | ایست |
| Dolu | پر |
| Girilmez | ورود ممنوع |
| Giriş | ورود |
| Hastahane | بیمارستان |
| İmdat Yeleği | جلیقه نجات |
| İtiniz | فشار دهید |
| Jandarma | ژاندارم |
| Karakol | کلانتری |
| Kayıp Eşya Bürosu | دفتر اشیاء مفقوده |
| Meşgul | مشغول |
| Ormanları koruyalım | جنگل‌ها را مواظبت کنیم |
| PTT | اداره پست |
| Satılık | برای فروش |
| Sigara İçilmez | سیگار کشیدن ممنوع |
| Tehlike | خطر |
| Çimlere basmayın | از چمن عبور نکنید |
| Danışma | اطلاعات |
| boş | خالی |
| Çekiniz | بکشید |
| Çıkıs | خروج |
| Kiralık | برای اجاره |
| Polis | پلیس |
| Tenzilatlı Satışlar | حراج |
| Vezne | صندوق پرداخت پول |

Yangın Merdiveni

پله فرار از آتش سوزی

Yasak

ممنوع

Yasak Bölge

منطقه ممنوعه

نکات بیشتری در مورد Diye

Diye را می‌توان برای توضیح دلایل یک عمل یا حالت بکار برد.

Anlasın diye yavaş konuşuyorum.

دارم آرام (شمرده) حرف می‌زنم تا او بتواند بفهمد.

İmtahanı geçemedi diye çok üzgün.

او خیلی پریشان است زیرا نتوانست در امتحان قبول شود.

همچنین این کلمه در ذکر عناوین، نشانه‌ها یا پیام‌های کتبی کاربرد دارد.

Bir Türk Ailesinin Portresi' diye bir kitap okuyorum.

در حال خواندن کتابی به اسم «تصویری از یک خانواده ترک» هستم

بانک**واریز/برداشت (para yatırmak/para çekmek)**

En yakın banka nerede?

نزدیک‌ترین بانک کجاست؟

En yakın döviz bürosu nerede?

نزدیک‌ترین صرافی کجاست؟

Banka saat kaçta kadar açık?

بانک تا کی باز است؟

Döviz bürosu saat kaçta kadar açık?

صرافی تا کی باز است؟

Hesap açtırmak istiyorum.

من می‌خواهم یک حساب باز کنم.

Vadeli hesap açtırmak istiyorum.

من می‌خواهم یک حساب پس انداز باز کنم.

Çek hesabı açtırmak istiyorum.

من می‌خواهم یک حساب جاری باز کنم.

1.000 Amerikan Doları çekmek istiyorum.

من می‌خواهم لطفاً ۱۰۰۰ دلار آمریکا برداشت کنم.

Biraz para yatırmak istiyorum.

من می‌خواهم مقداری پول واریز کنم.

Biraz para çekmek istiyorum.

من می‌خواهم مقداری پول برداشت کنم.

Para çekme formu almam gerekiyor.

من یک قبض برداشت می‌خواهم.

Para yatırma formu almam gerekiyor.

من یک قبض واریز می‌خواهم.

Nereye imza atıyorum?

کجا را باید امضاء کنم؟

Pasaportum gerekli mi?

آیا گذرنامه من لازم است؟

Buyurun kimlik kartım.

این کارت شناسایی من است.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Ne kadar çabuk yapılabilir? انجام این کار چقدر طول می کشد؟

Bankamatikler nerede? دستگاه های خودپرداز کجا هستند؟

Burada kredi kartımdan para çekebilir miyim?

آیا می توانم از کارت اعتباریم اینجا برداشت کنم؟

Visa kartıma koyun.

به کارت ویزای من واریز کنید.

MasterCard kartıma koyun.

به مسترکارت من واریز کنید.

American Express kartıma koyun.

به کارت امریکن اکسپرس من واریز کنید.

کلمات مفید

| | | | |
|------------------|-----------------|------------------|---------------|
| ATM (Bankamatik) | دستگاه خودپرداز | fiş | رسید |
| Kasa | تحویلدار | komisyon | حق کمیسیون |
| Tüm İşlemler | تمام تراکنشها | seyahat çeki | چک مسافرتی |
| banka | بانک | Visa | ویزا |
| para | پول | MasterCard | مسترکارت |
| nakit | پول نقد | American Express | امریکن اکسپرس |
| fatura | اسکناس | faiz oranı | نرخ بهره |
| madeni para | سکه | | |

مبادله ارز (döviz bozdurmak)

Nerede döviz değiştirebilirim?

کجا می توانم ارز مبادله کنم؟

Amerikan doları ile Euro almak istiyorum.

من می خواهم دلار آمریکا با یورو مبادله کنم.

İngiliz poundu ile Euro almak istiyorum.

من می خواهم پوند انگلیس با یورو مبادله کنم.

Dollar için döviz kuru ne?

نرخ مبادله برای دلار چیست؟

Bu seyahat çekini nakide çevirmek istiyorum.

من می خواهم این چک مسافرتی را نقد کنم.

Komisyon ne kadar?

حق کمیسیون چقدر است؟

Büyük para rica ediyorum lütfen.

لطفاً اسکناس درشت به من بدهید.

Beş pound için bozuk para verir misiniz?

آیا امکان دارد پنج پوند پول خرد به من بدهید؟

Bu 100 doları bozukluk olarak verebilir misiniz?

آیا امکان دارد این اسکناس ۱۰۰ دلاری را خرد کنید؟

Bu para için bozukluk verir misiniz?

آیا امکان دارد این اسکناس را برای من خرد کنید؟

Biraz bozuk para da verebilir misiniz?

آیا امکان دارد مقداری از آن را پول خرد به من بدهید؟

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

Her boyutta madeni para istiyorum lütfen.

من همه اندازه سکه می‌خواهم.

کلمات مفید

| | | | |
|--------------|----------------------|-------|-------|
| döviz bürosu | صرافی | dinar | دینار |
| alış/satış | ما می‌خریم/می‌فروشیم | şekel | شکل |
| dolar | دلار | lari | لاری |
| Euro | یورو | yuan | یوان |
| pound | پوند | real | ریل |
| pezo | پزو | yen | ین |
| lira | لیره | won | وان |
| frank | فرانک | ruble | روبل |
| rupi | روپیه | | |

ممکن است بشنوید

Pasaportunuz lütfen.

گذرنامه شما لطفاً.

Kimliğiniz lütfen.

کارت شناسایی شما لطفاً.

Buraya imza atın lütfen.

لطفاً اینجا را امضا کنید.

Komisyon ücreti ...

حق کمیسیون ... است.

Hesabınızda para yok.

شما در حسابتان موجودی ندارید.

Para yatırmak mı istiyorsunuz?

آیا می‌خواهید واریز کنید؟

Komisyon dahil edilmiştir.

شامل حق کمیسیون است.

Bu para sahte.

این اسکناس تقلبی است.

Bu sahte kopya.

این نسخه تقلبی است.

ترجمه متون پیچیده

در زیر متن اعلامیه جهانی حقوق بشر آورده شده است که جزو متون دشوار به حساب می‌آید. متن زیر را بدون آن که به ترجمه‌ی فارسی آن‌ها نگاه بی‌اندازید با دقت بخوانید و خود را در میزان فهم متون ترکی بیازمایید.

İnsan Hakları Evrensel Beyannamesi

اعلامیه جهانی حقوق بشر

Önsöz

İnsanlık ailesinin bütün üyelerinde bulunan haysiyetin ve bunların eşit ve devir kabul etmez haklarının tanınması hususunun, hürriyetin, adaletin ve dünya barışının temeli olmasına,

مقدمه

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد،

İnsan haklarının tanınmaması ve hor görülmesinin insanlık vicdanını isyana sevkeden vahşiliklere sebep olmuş bulunmasına, dehşetten ve yoksulluktan kurtulmuş insanların, içinde söz ve inanma hürriyetlerine sahip olacakları bir dünyanın kurulması en yüksek amaçları oralak ilan edilmiş bulunmasına,

از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است،

İnsanın zulüm ve baskıya karşı son çare olarak ayaklanmaya mecbur kalmaması için insan haklarının bir hukuk rejimi ile korunmasının esaslı bir zaruret olmasına,

از آنجا که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد،

Uluslararası dostça ilişkiler geliştirilmesini teşvik etmenin esaslı bir zaruret olmasına,

از آنجا که اساساً لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد،

Birleşmiş Milletler halklarının, Antlaşmada, insanın ana haklarına, insan şahsının haysiyet ve değerine, erkek ve kadınların eşitliğine olan imanlarını bir kere daha ilan etmiş olmalarına ve sosyal ilerlemeyi kolaylaştırmaya, daha geniş bir hürriyet içerisinde daha iyi hayat şartları kurmaya karar verdiklerini beyan etmiş bulunmalarına,

از آنجا که مردمِ مللِ متحدِ ایمانِ خود را به حقوقِ اساسیِ بشر و مقام و ارزشِ فردِ انسانی و تساویِ حقوقِ مرد و زن مجدداً در منشورِ اعلامِ کرده‌اند و تصمیمِ راسخ گرفته‌اند که به پیشرفتِ اجتماعیِ کمک کنند و در محیطیِ آزادتر وضعِ زندگیِ بهتری به وجود آورند،

Üye devletlerin, Birleşmiş Milletler Teşkilatı ile işbirliği ederek insan haklarına ve ana hürriyetlerine bütün dünyada gerçekten saygı gösterilmesinin teminini taahhüt etmiş olmalarına,

از آنجا که دول عضو متعهد شده‌اند که احترامِ جهانی و رعایتِ واقعیِ حقوقِ بشر و آزادی‌هایِ اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تأمین کنند،

Bu haklar ve hürriyetlerin herkesçe aynı şekilde anlaşılmasının yukarıdaki taahhüdün yerine getirilmesi için son derece önemli bulunmasına göre,

از آنجا که حسنِ تفاهمِ مشترکی نسبت به این حقوق و آزادی‌ها برایِ اجرایِ کاملِ این تعهدِ کمالِ اهمیت را دارد،

Birleşmiş Milletler Genel Kurulu, İnsanlık topluluğunun bütün fertleriyle uzuvlarının bu beyannameyi daima gözönünde tutarak öğretim ve eğitim yoluyla bu haklar ve hürriyetlere saygıyı geliştirmeye, gittikçe artan milli ve milletlerarası tedbirlerle gerek bizzat üye devletler ahalisi gerekse bu devletlerin idaresi altındaki ülkeler ahalisi arasında bu hakların dünyaca fiilen tanınmasını ve tatbik edilmesini sağlamaya gayret etmeleri amacıyla bütün halklar ve milletler için ulaşılabilecek ortak ideal olarak işbu İnsan Hakları Evrensel Beyanname'si'ni ilan eder.

مجمعِ عمومیِ این اعلامیهِ جهانیِ حقوقِ بشر را آرمانِ مشترکی برایِ تمامِ مردم و کلیه‌ی ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه‌ی ارکانِ اجتماعِ این اعلامیه را دائماً در مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله‌ی تعلیم و تربیت احترام این حقوق و آزادی‌ها توسعه یابد و با تدابیرِ تدریجی ملی و بین‌المللی، شناسایی و اجرایِ واقعی و حیاتی آن‌ها، چه در میانِ خودِ مللِ عضو و چه در بینِ مردمِ کشورهایِ که در قلمرو آن‌ها می‌باشند، تأمین گردد.

Madde 1

Bütün insanlar hür, haysiyet ve haklar bakımından eşit doğarlar. Akıl ve vicdana sahiptirler ve birbirlerine karşı kardeşlik zihniyeti ile hareket etmelidirler.

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

Madde 2

Herkes, ırk, renk, cinsiyet, dil, din, siyasi veya diğer herhangi bir akide, milli veya içtimai menşe, servet, doğuş veya herhangi diğer bir fark gözetilmeksizin işbu Beyanname'de ilan olunan tekmil haklardan ve bütün hürriyetlerden istifade edebilir.

Bundan başka, bağımsız memleket uyruğu olsun, vesayet altında bulunan, gayri muhtar veya sair bir egemenlik kayıtlamasına tabi ülke uyruğu olsun, bir şahıs hakkında, uyruğu bulunduğu memleket veya ülkenin siyasi, hukuki veya milletlerarası statüsü bakımından hiçbir ayrılık gözetilmeyecektir.

ماده دوم

هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده ی سیاسی یا هر عقیده ی دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه ی آزادی های که در اعلامیه ذکر حاضر شده است، بهره مند گردد.

بعلاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضائی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل، تحت قیومیت یا غیر خودمختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

Madde 3

Yaşamak, hürriyet ve kişi emniyeti her ferdin hakkıdır.

ماده سوم

هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

Madde 4

Hiç kimse kölelik veya kulluk altında bulundurulamaz; kölelik ve köle ticareti her türlü şekliyle yasaktır.

ماده چهارم

احدی را نمی‌توان در بردگی نگاهداشت و داد و ستدِ بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

Madde 5

Hiç kimse işkenceye, zalimane, gayriinsani, haysiyet kırıcı cezalara veya muamelelere tabi tutulamaz.

ماده پنجم

احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلافِ انسانیت و شئونِ بشری یا موهن باشد.

Madde 6

Herkes her nerede olursa olsun hukuk kişiliğinin tanınması hakkını haizdir.

ماده ششم

هر کس حق دارد که شخصیتِ حقوقی او در همه‌جا به عنوانِ یک انسان در مقابلِ قانون شناخته شود.

Madde 7

Kanun önünde herkes eşittir ve farksız olarak kanunun eşit korumasından istifade hakkını haizdir. Herkesin işbu Beyanname'ye aykırı her türlü ayırddedici mualeleye karşı ve böyle bir ayırddedici muamele için yapılacak her türlü kışkırtmaya karşı eşit korunma hakkı vardır.

ماده هفتم

همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایتِ قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابلِ هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایتِ قانون بهره‌مند شوند.

Madde 8

Her şahsın kendine anayasa veya kanun ile tanınan ana haklara aykırı muamelelere karşı fiilli netice verecek şekilde milli mahkemelere müracaat hakkı vardır.

ماده هشتم

در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه دارد.

Madde 9

Hiç kimse keyfi olarak tutuklanamaz, alıkonulanamaz veya sürülemez.

ماده نهم

احدی نمی تواند خودسرانه توقیف - حبس یا تبعید بشود.

Madde 10

Herkes, haklarının, vecibelerinin veya kendisine karşı cezai mahiyette herhangi bir isnadın tespitinde, tam bir eşitlikle, davasının bağımsız ve tarafsız bir mahkeme tarafından adil bir şekilde ve açık olarak görülmesi hakkına sahiptir.

ماده دهم

هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی درباره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که به او توجه پیدا کرده باشد اتخاذ تصمیم بنماید.

Madde 11

1. Bir suç işlemekten sanık herkes, savunması için kendisine gerekli bütün tertibatın sağlanmış bulunduğu açık bir yargılama ile kanunen suçlu olduğu tespit edilmedikçe masum sayılır.

2. Hiç kimse işlendikleri sırada milli veya milletlerarası hukuka göre suç teşkil etmeyen fiillerden veya ihmallerden ötürü mahkum edilemez. Bunun gibi, suçun işlendiği sırada uygulanabilecek olan cezadan daha şiddetli bir ceza verilemez.

ماده یازدهم

(۱) هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد.

(۲) هیچ کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب، آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است محکوم نخواهد شد. به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت درباره احدی اعمال نخواهد شد.

Madde 12

Hiç kimse özel hayatı, ailesi, meskeni veya yazışması hususlarında keyfi karışmalara, şeref ve şöhretine karşı tecavüzlere maruz bırakılamaz. Herkesin bu karışma ve tecavüzlere karşı kanun ile korunmaya hakkı vardır.

ماده دوازدهم

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

Madde 13

1. Herkes herhangi bir devletin sınırları dahilinde serbestçe dolaşma ve yerleşme hakkına haizdir.
2. Herkes, kendi memleketi de dahil, herhangi bir memleketi terketmek ve memleketine dönmek hakkına haizdir.

ماده سیزدهم

- (۱) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.
- (۲) هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود باز گردد.

Madde 14

1. Herkes zulüm karşısında başka memleketlerden mülteci olarak kabulü talep etmek ve memleketler tarafından mülteci muamelesi görmek hakkını haizdir.
2. Bu hak, gerçekten adi bir cürüme veya Birleşmiş Milletler prensip ve amaçlarına aykırı faaliyetlere müstenit kovuşturmalar halinde ileri sürülemez.

ماده چهاردهم

- (۱) هر کس حق دارد در برابر تعقیب شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

facebook.com/morteza.abdi----- خود آموز ترکی استانبولی

(۲) در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده نمود.

Madde 15

1. Her ferdin bir uyrukluk hakkı vardır.
2. Hiç kimse keyfi olarak uyrukluğundan ve uyrukluğunu değiştirmek hakkından mahrum edilemez.

ماده پانزدهم

- (۱) هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد.
- (۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

Madde 16

1. Evlilik çağına varan her erkek ve kadın, ırk, uyrukluk veya din bakımından hiçbir kısıtlamaya tabi olmaksızın evlenmek ve aile kurmak hakkına haizdir. Her erkek ve kadın evlenme konusunda, evlilik süresince ve evliliğin sona ermesinde eşit hakları haizdir.
2. Evlenme akdi ancak müstakbel eşlerin serbest ve tam rızasıyla yapılır.
3. Aile, cemiyetin tabii ve temel unsurudur, cemiyet ve devlet tarafından korunmak hakkını haizdir.

ماده شانزدهم

- (۱) هر زن و مرد بالنی حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشوئی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشوئی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج، دارای حقوق مساوی می‌باشند.
- (۲) ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.
- (۳) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

Madde 17

Her şahıs tek başına veya başkalarıyla birlikte mal ve mülk sahibi olmak hakkını haizdir.

Hiç kimse keyfi olarak mal ve mülkünden mahrum edilemez.

ماده هفدهم

- (۱) هر شخص منفرداً یا به طور اجتماعی حق مالکیت دارد.
 (۲) احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

Madde 18

Her şahsın, fikir, vicdan ve din hürriyetine hakkı vardır; bu hak, din veya kanaat değiştirmek hürriyeti, dinini veya kanaatini tek başına veya topluca, açık olarak veya özel surette, öğretim, tatbikat, ibadet ve ayinlerle izhar etmek hürriyetini içerir.

ماده هیجدهم

هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.

Madde 19

Her ferдин fikir ve fikirlerini açıklamak hürriyetine hakkı vardır. Bu hak fikirlerinden ötürü rahatsız edilmemek, memleket sınırları mevzubahis olmaksızın malumat ve fikirleri her vasıta ile aramak, elde etmek veya yaymak hakkını içerir.

ماده نوزدهم

هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آنست که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.

Madde 20

1. Her şahıs saldırsız toplanma ve dernek kurma ve derneğe katılma serbestisine maliktir.
2. Hiç kimse bir derneğe mensup olmaya zorlanamaz.

ماده بیستم

- (۱) هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد.
 (۲) هیچ کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.

Madde 21

1. Her şahıs, doğrudan doğruya veya serbestçe seçilmiş temsilciler vasıtasıyla, memleketin kamu işleri yönetimine katılmak hakkını haizdir.
 2. Her şahıs memleketin kamu hizmetlerine eşitlikle girme hakkını haizdir.
- Halkın iradesi kamu otoritesinin esasıdır; bu irade, gizli şekilde veya serbestliği
3. sağlayacak muadil bir usul ile cereyan edecek, genel ve eşit oy verme yoluyla yapılacak olan devri ve dürüst seçimlerle ifade edilir.

ماده بیست و یکم

- (۱) هر کس حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.
- (۲) هر کس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور خود نائل آید.
- (۳) اساس و منشأ قدرت حکومت، اراده مردم است، این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تأمین نماید.

Madde 22

Her şahsın, cemiyetin bir üyesi olmak itibariyle, sosyal güvenliğe hakkı vardır; haysiyeti için ve şahsiyetinin serbestçe gelişmesi için zaruri olan ekonomik, sosyal ve kültürel hakların milli gayret ve milletlerarası işbirliği yoluyla ve her devletin teşkilatı ve kaynaklarıyla mütenasip olarak gerçekleştirilmesine hakkı vardır.

ماده بیست و دوم

هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمود آزادانه شخصیت او است با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور بدست آورد.

Madde 23

1. Her şahsın çalışmaya, işini serbestçe seçmeye, adil ve elverişli çalışma şartlarına ve işsizlikten korunmaya hakkı vardır.
2. Herkesin, hiçbir fark gözetilmeksizin, eşit iş karşılığında eşit ücrete hakkı vardır.

3.Çalışan her kimsenin kendisine ve ailesine insanlık haysiyetine uygun bir yaşayış sağlayan ve gerekirse her türlü sosyal koruma vasıtalarıyla da tamamlanan adil ve elverişli bir ücrete hakkı vardır.

4.Herkesin menfaatlerinin korunması için sendikalar kurmaya ve bunlara katılmaya hakkı vardır.

ماده بیست و سوم

(۱) هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

(۲) همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی، در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

(۳) هر کس که کار می کند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذی حق می شود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسائل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

(۴) هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند.

Madde 24

Her şahsın dinlenmeye, eğlenmeye, bilhassa çalışma müddetinin makul surette sınırlandırılmasına ve muayyen devrelerde ücretli tatillere hakkı vardır.

ماده بیست و چهارم

هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی های ادواری با اخذ حقوق ذی حق می باشد.

Madde 25

1.Her şahsın, gerek kendisi gerekse ailesi için, yiyecek, giyim, mesken, tıbbi bakım, gerekli sosyal hizmetler dahil olmak üzere sağlığı ve refahını temin edecek uygun bir hayat seviyesine ve işsizlik, hastalık, sakatlık, dulluk, ihtiyarlık veya geçim imkânlarından iradesi dışında mahrum bırakacak diğer hallerde güvenliğe hakkı vardır.

2.Ana ve çocuk özel ihtimam ve yardım görmek hakkını haizdir. Bütün çocuklar, evlilik içinde veya dışında doğsunlar, aynı sosyal korunmadan faydalanırlar.

ماده بیست و پنجم

(۱) هر کس حق دارد که سطح زندگانی و سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضا، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده انسان وسایل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود.

(۲) مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند، حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

Madde 26

1. Her şahsın öğrenim hakkı vardır. Öğrenim hiç olmazsa ilk ve temel safhalarında parasızdır. İlköğretim mecburidir. Teknik ve mesleki öğretimden herkes istifade edebilmelidir. Yüksek öğretim, liyakatlerine göre herkese tam eşitlikle açık olmalıdır.

2. Öğretim insan şahsiyetinin tam gelişmesini ve insan haklarıyla ana hürriyetlerine saygının kuvvetlenmesini hedef almalıdır. Öğretim bütün milletler, ırk ve din grupları arasında anlayış, hoşgörü ve dostluğu teşvik etmeli ve Birleşmiş Milletler'in barışın idamesi yolundaki çalışmalarını geliştirmelidir.

3. Ana baba, çocuklarına verilecek eğitim türünü seçmek hakkını öncelikle haizdirler.

ماده بیست و ششم

(۱) هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لاقفل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدائی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدائی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید با شرایط تساوی کامل بروی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.

(۲) آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را بعد اكمال رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهیل نماید.

(۳) پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

Madde 27

1. Herkes, topluluğun kültürel faaliyetine serbestçe katılmak, güzel sanatları tatmak, ilim sahasındaki ilerleyişe iştirak etmek ve bundan faydalanmak hakkını haizdir.

2. Herkesin yarattığı, her türlü bilim, edebiyat veya sanat eserlerinden mütevellit manevi ve maddi menfaatlerin korunmasına hakkı vardır.

ماده بیست و هفتم

(۱) هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماعی شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد.

(۲) هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

Madde 28

Herkesin, işbu Beyanname'de derpiş edilen hak ve hürriyetlerin tam tatbikini sağlayacak bir sosyal ve milletlerarası nizama hakkı vardır.

ماده بیست و هشتم

هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تأمین کند و آن‌ها را به مورد عمل بگذارد.

Madde 29

1. Her şahsın, şahsiyetinin serbest ve tam gelişmesi ancak bir topluluk içinde mümkündür ve şahsın bu topluluğa karşı görevleri vardır.

2. Herkes, haklarının ve hürriyetlerinin kullanılmasında, sadece, başkalarının haklarının ve hürriyetlerinin gereğince tanınması ve bunlara saygı gösterilmesi amacıyla ve ancak demokratik bir cemiyette ahlâkın, kamu düzeninin ve genel refahın haklı icaplarını yerine getirmek maksadıyla kanunla belirlenmiş sınırlamalara tabi tutulabilir.

3. Bu hak ve hürriyetler hiçbir veçhile Birleşmiş Milletler'in amaç ve prensiplerine aykırı olarak kullanılamaz.

ماده بیست و نهم

(۱) هر کس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.

(۲) هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

(۳) این حقوق و آزادی‌ها در هیچ موردی نمی‌تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

Madde 30

İşbu Beyanname'nin hiçbir hükmü, herhangi bir devlete, zümreye ya da ferde, bu Beyanname'de ilan olunan hak ve hürriyetleri yoketmeye yönelik bir faaliyete girişme ya da eylemde bulunma hakkını verir şekilde yorumlanamaz.

ماده سی ام

هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتوانند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرند و یا در آن راه فعالیت بنمایند.

نمودار صرف افعال

در این بخش، کلیه صرف‌های ممکن افعال، حتی آن‌هایی که در این کتاب مورد بحث قرار نگرفته‌اند، ارائه شده است. برای جلوگیری از تکرار، فقط به ترجمه فارسی اول شخص مفرد اکتفا شده است. نوآموز باید این نکته را مدنظر داشته باشد که افعال ذکر شده در این بخش در متون مختلف، معانی متفاوت به خود می‌گیرند و ترجمه فارسی که برای این افعال نوشته شده صرفاً یکی از جلوه‌های معنایی آن‌هاست و نقصان زبان‌های دیگر در صرف افعال نسبت به زبان ترکی سبب می‌شود که این زبان‌ها نتوانند معنای معادل و کاملی برای افعال ترکی داشته باشند و فقط در صورت قرار گرفتن در محیط و با تکرار و تمرین مستمر می‌توانید درک صحیح از افعال داشته باشید.

| زمان حال استمراری | | | | |
|-------------------|-----------------------|-----------------|----------------------------------|----------------------------|
| مفرد | مثبت (دارم) می‌آیم | منفی نمی‌آیم | مثبت سؤالی آیا (دارم) می‌آیم؟ | منفی سؤالی آیا نمی‌آیم؟ |
| ۱ | geliyorum | gelmiyorum | geliyor muyum | gelmiyor muyum |
| ۲ | geliyorsun | gelmiyorsun | geliyor musun | gelmiyor musun |
| ۳ | geliyor | gelmiyor | geliyor mü | gelmiyor mu |
| جمع | | | | |
| ۱ | geliyoruz | gelmiyoruz | geliyor muyuz | gelmiyor muyuz |
| ۲ | geliyorsunuz | gelmiyorsunuz | geliyor musunuz | gelmiyor musunuz |
| ۳ | geliyorlar | gelmiyorlar | geliyorlar mı | gelmiyorlar mı |

| زمان حال استمراری | | | | |
|-------------------|--------------------------|---------------------------|---------------------------------|--------------------------------------|
| مفرد | مثبت در حال آمدن هستم | منفی در حال آمدن نیستم | مثبت سؤالی آیا در حال آمدنم؟ | منفی سؤالی آیا در حال آمدن نیستم؟ |
| ۱ | gelmekteyim | gelmekte değilim | gelmekte miyim | gelmekte değil miyim |
| ۲ | gelmektesin | gelmekte değilsin | gelmekte misin | gelmekte değil misin |
| ۳ | gelmektedir | gelmekte değil | gelmekte mi | gelmekte değil mi |
| | | | | |
| ۱ | gelmekteyiz | gelmekte değiliz | gelmekte miyiz | gelmekte değil miyiz |
| ۲ | gelmektesiniz | gelmekte değilsiniz | gelmekte misiniz | gelmekte değil misiniz |
| ۳ | gelmekteler | gelmekte değiller | gelmekteler mi | gelmekte değiller mi |

| زمان ماضی استمراری | | | | |
|--------------------|-------------------------|------------------|------------------------------------|-----------------------------|
| مفرد | مثبت (داشتم) می آمدم | منفی نمی آمدم | مثبت سؤالی آیا (داشتم) می آمدم؟ | منفی سؤالی آیا نمی آمدم؟ |
| ۱ | geLiyordum | GELmiyordum | geLiyor muydum | GELmiyor muydum |
| ۲ | geLiyordun | GELmiyordun | geLiyor muydun | GELmiyor muydun |
| ۳ | geLiyordu | GELmiyordu | geLiyor muydu | GELmiyor muydu |
| جمع | | | | |
| ۱ | geLiyorduk | GELmiyorduk | geLiyor muyduk | GELmiyor muyduk |
| ۲ | geLiyordunuz | GELmiyordunuz | geLiyor muydunuz | GELmiyor muydunuz |
| ۳ | geLiyorlardı | GELmiyorlardı | geLiyorlar mıydı | GELmiyorlar mıydı |

| زمان ماضی استمراری | | | | |
|--------------------|-------------------------|---------------------|------------------------------------|-----------------------------|
| مفرد | مثبت (داشتم) می آمدم | منفی نمی آمدم | مثبت سؤالی آیا (داشتم) می آمدم؟ | منفی سؤالی آیا نمی آمدم؟ |
| ۱ | gelmekteydim | gelmekte değildim | gelmekte miydim | gelmekte değil miydim |
| ۲ | gelmekteydin | gelmekte değildin | gelmekte miydin | gelmekte değil miydin |
| ۳ | gelmekteydi | gelmekte değildi | gelmekte miydi | gelmekte değil miydi |
| | | | | |
| ۱ | gelmekteydik | gelmekte değildik | gelmekte miydik | gelmekte değil miydik |
| ۲ | gelmekteydiniz | gelmekte değildiniz | gelmekte miydiniz | gelmekte değil miydiniz |
| ۳ | gelmektelerdi | gelmekte değildiler | gelmekte miydiler | gelmekte değil miydiler |

| با ise (کمکی شرطی) | | |
|--------------------|---------------------------|---------------------|
| مفرد | مثبت اگر (دارم) می آیم | منفی اگر نمی آیم |
| ۱ | geLiyorsam | GELmiyorsam |
| ۲ | geLiyorsan | GELmiyorsan |
| ۳ | geLiyorsa | GELmiyorsa |
| جمع | | |
| ۱ | geLiyorsak | GELmiyorsak |
| ۲ | geLiyorsanız | GELmiyorsanız |
| ۳ | geLiyorlarsa | GELmiyorlarsa |

| با ise (کمکی شرطی) | | |
|--------------------|-----------------------------------|-------------------------------------|
| مفرد | مثبت اگر در حال آمدن هستم/بودم | منفی اگر در حال آمدن نیستم/نبودم |
| ۱ | gelmekteysem | gelmekte değilsem |
| ۲ | gelmekteysen | gelmekte değilsen |
| ۳ | gelmekteyse | gelmekte değilse |
| جمع | | |
| ۱ | gelmekteysek | gelmekte değilsek |
| ۲ | gelmekteyseniz | gelmekte değilseniz |
| ۳ | gelmektelerse | gelmekte değilserse (değilseler) |

| ماضی نقلی مستمر-miş'li geçmiş zaman | | | | |
|-------------------------------------|---|---|--|--|
| مفرد | مثبت می آمده‌ام (می گویند) می آیم | منفی نمی آمده‌ام (می گویند) نمی آیم | مثبت سؤالی آیا می آمده‌ام؟ آیا (می گویند) می آیم | منفی سؤالی آیا نمی آمده‌ام؟ آیا (می گویند) نمی آیم |
| ۱ | geLiyormuşum | GELmiyormuşum | geLiyor muymuşum | GELmiyor muymuşum |
| ۲ | geLiyormuşsun | GELmiyormuşsun | geLiyor muymuşsun | GELmiyor muymuşsun |
| ۳ | geLiyormuş | GELmiyormuş | geLiyor muymuş | GELmiyor muymuş |
| جمع | | | | |
| ۱ | geLiyormuşuz | GELmiyormuşuz | geLiyor muymuşuz | GELmiyor muymuşuz |
| ۲ | geLiyormuşsunuz | GELmiyormuşsunuz | geLiyor muymuşsunuz | GELmiyor muymuşsunuz |
| ۳ | geLiyorlarmış | GELmiyorlarmış | geLiyorlar mıydı | GELmiyorlar mıymış |

| ماضی نقلی مستمر-miş'li geçmiş zaman | | | | |
|-------------------------------------|---|---|--|--|
| مفرد | مثبت در حال آمدن بوده‌ام (می گویند) در حال آمدن هستم ظاهراً در حال آمدن هستم | منفی نمی آمده‌ام (می گویند) نمی آیم ظاهراً در حال آمدن نیستم | مثبت سؤالی آیا داشتم می آمده‌ام؟ آیا (می گویند) دارم می آیم؟ آیا (به نظر می رسد) دارم می آیم؟ | منفی سؤالی در حال آمدن نبوده‌ام؟ آیا (می گویند) در حال آمدن نیستم آیا (به نظر می رسد) در حال آمدن نیستم |
| ۱ | gelmektemişim | gelmekte değilmişim | gelmekte miymişim | gelmekte değil miymişim |
| ۲ | gelmektemişsin | gelmekte değilmişsin | gelmekte miymişsin | gelmekte değil miymişsin |
| ۳ | gelmektemiş | gelmekte değilmiş | gelmekte miymiş | gelmekte değil miymiş |
| | | | | |
| ۱ | gelmektemişiz | gelmekte değilmişiz | gelmekte miymişiz | gelmekte değil miymişiz |
| ۲ | gelmektemişsiniz | gelmekte değilmişsiniz | gelmekte miymişsiniz | gelmekte değil miymişsiniz |
| ۳ | gelmektemişler | gelmekte değilmişler | gelmekte miymişler | gelmekte değil miymişler |

| با ise (کمکی شرطی) و imiş (کمکی فرضی) | | |
|---------------------------------------|---|--|
| مفرد | مثبت | منفی |
| | اگر می گویند (دارم/داشتم) می آیم / می آمدم اگر داشتم می آمده ام اگر می آمده ام اگر ظاهراً می آیم | اگر می گویند نمی آیم / نمی آمدم اگر در حال آمدن نبوده ام اگر نمی آمده ام اگر ظاهراً نمی آیم |
| ۱ | geliyormuşsam | gelmiyormuşsam |
| ۲ | geliyormuşsan | gelmiyormuşsan |
| ۳ | geliyormuşsa | gelmiyormuşsa |
| جمع | | |
| ۱ | geliyormuşsak | gelmiyormuşsak |
| ۲ | geliyormuşsanız | gelmiyormuşsanız |
| ۳ | geliyormuşsalar (geliyorlarmışsa) | gelmiyormuşsalar (gelmiyorlarmışsa) |

| با ise (کمکی شرطی) و imiş (کمکی فرضی) | | |
|---------------------------------------|---|---|
| مفرد | مثبت | منفی |
| | اگر می گویند در حال آمدن هستم/بودم اگر در حال آمدن بوده ام | اگر می گویند نمی آیم / نمی آمدم اگر در حال آمدن نبوده ام |
| ۱ | gelmektemişsem | gelmekte değilmişsem |
| ۲ | gelmektemişsen | gelmekte değilmişsen |
| ۳ | gelmektemişse | gelmekte değilmişse |
| جمع | | |
| ۱ | gelmektemişsek | gelmekte değilmişsek |
| ۲ | gelmektemişseniz | gelmekte değilmişseniz |
| ۳ | gelmektemişseler | gelmekte değilmişseler |

| زمان حال ساده | | | | |
|---------------|-------------|-----------------|------------------------|----------------------------|
| مفرد | مثبت آیم | منفی نمی آیم | مثبت سؤالی آیا آیم؟ | منفی سؤالی آیا نمی آیم؟ |
| ۱ | geLiRim | gelMEM | geLiR miyim | gelMEZ miyim |
| ۲ | geLIRsin | gelMEZsin | geLIR misin | gelMEZ misin |
| ۳ | geLİR | gelMEZ | geLiR mi | gelMEZ mi |
| جمع | | | | |
| ۱ | geLİRiz | gelMEYiz | geLİR miyiz | gelMEZ miyiz |
| ۲ | geLIRsiniz | gelMEZsiniz | geLİR misiniz | gelMEZ misiniz |
| ۳ | gelirLER | gelmezLER | gelirLER mi | gelmezLER mi |

| با idi (کمکی گذشته) | | | | |
|---------------------|-----------------|------------------|----------------------------|-----------------------------|
| مفرد | مثبت می آمدم | منفی نمی آمدم | مثبت سؤالی آیا می آمدم؟ | منفی سؤالی آیا نمی آمدم؟ |
| ۱ | geLİRdim | gelMEZdim | geLİR miydim | gelMEZ miydim |
| ۲ | geLİRdin | gelMEZdin | geLİR miydin | gelMEZ miydin |
| ۳ | geLİRdi | gelMEZdi | geLİR miydi | gelMEZ miydi |
| جمع | | | | |
| ۱ | geLİRdik | gelMEZdik | geLİR miydik | gelMEZ mlydik |
| ۲ | geLİRDiniz | gelMEZdiniz | geLİR miydiniz | gelMEZ miydiniz |
| ۳ | gelirLERdi | gelmezLERdi | gelirLER miydi | gelmezLERmiydi |

| با ise (کمکی شرطی) | | |
|--------------------|-------------------|-------------------|
| مفرد | مثبت اگر بیایم | منفی اگر نیایم |
| ۱ | geLiRsem | gelMEZsem |
| ۲ | geLiRsen | gelMEZsen |
| ۳ | geLiRse | gelMEZse |
| جمع | | |
| ۱ | geLiRsek | gelMEZsek |
| ۲ | geLİRseniz | gelMEZseniz |
| ۳ | gelirLERse | gelmezLERse |

| با imiş (کمکی فرضی) | | | | |
|---------------------|--|--|---|---|
| مفرد | مثبت (می گویند) می آیم می آمده ام. | منفی (می گویند) نمی آیم نمی آمده ام. | مثبت سؤالی (می گویند) آیا می آیم؟ آیا می آمده ام؟ | منفی سؤالی (می گویند) آیا نمی آیم؟ آیا نمی آمده ام؟ |
| ۱ | geLiRmişim | gelMEZmişim | geLiR miymişim | gelMEZ miymişim |
| ۲ | geLİRmişsin | gelMEZmişsin | geLİR miymişsin | gelMEZ miymişsin |
| ۳ | geLiRmiş | gelMEZmiş | geLİR miymiş | gelMEZ miymiş |
| جمع | | | | |
| ۱ | geLİRmişiz | gelMEZmişiz | geLİR miymişiz | gelMEZ miymişiz |
| ۲ | geLİRmişsiniz | gelMEZmişsiniz | geLİR miymişsiniz | gelMEZ miymişsiniz |
| ۳ | gelirLERmiş | gelmezLERmiş | geLİRler miymiş | gelmezLER miymiş |

| زمان گذشته ساده یا ماضی مطلق | | | | |
|------------------------------|-------------|----------------|-------------------------|---------------------------|
| مفرد | مثبت آمد | منفی نیامدم | مثبت سؤالی آیا آمدم؟ | منفی سؤالی آیا نیامدم؟ |
| ۱ | gelDiM | GELmedim | geldİM mi | GELmedim mi |
| ۲ | gelDiN | GELmedin | gelDiN mi | GELmedin mi |
| ۳ | gelDi | GELmedi | gelDİ mi | GELmedi mi |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelDiK | GELmedik | geldİK mi | GELmedik mi |
| ۲ | geldNiZ | GELmediniz | geldiNiZ mi | GELmediniz mi |
| ۳ | geldiLER | GELmediler | geldiLER mi | GELmediler mi |

| با idi (کمکی گذشته) | | | | |
|---------------------|-------------------|---------------------|------------------------------|--------------------------------|
| مفرد | مثبت آمده بودم | منفی نیامده بودم | مثبت سؤالی آیا آمده بودم؟ | منفی سؤالی آیا نیامده بودم؟ |
| ۱ | gelDİYdim | GELmediydim | geldİ miydim | GELmedi miydim |
| ۲ | gelDİYdin | GELmediydin | geıDİ miydin | GELmedi miydin |
| ۳ | gelDİYdi | GELmediydi | geldİ miydi | GELmedi miydi |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelDİYdik | GELmediydik | geldİ miydik | GELmedi miydik |
| ۲ | gelDİYdiniz | GELmediydiniz | geldİ miydiniz | GELmedi miydiniz |
| ۳ | geldiLERdi | GELmedilerdi | geldiLER miydi | GELmediler miydi |

| ise (کمکی شرطی) | | |
|-----------------|---------------------------|-------------------------------|
| مفرد | مثبت اگر آمدم، آمده‌ام | منفی اگر نیامدم، نیامده‌ام |
| ۱ | gelDIYsem | GELmediysem |
| ۲ | gelDiYsen | GELmediysen |
| ۳ | gelDiYse | GELmediyse |
| جمع | | |
| ۱ | gelDiYsek | GELmediysek |
| ۲ | gelDIYseniz | GELmediyseniz |
| ۳ | geldiLERse | GELmedilerse |

| زمان ماضی نقلی | | | | |
|----------------|-----------------|-------------------|----------------------------|------------------------------|
| مفرد | مثبت آمده‌ام | منفی نیامده‌ام | مثبت سؤالی آیا آمده‌ام؟ | منفی سؤالی آیا نیامده‌ام؟ |
| ۱ | gelMİŞim | GELmemişim | gelMİŞ miyim | GELmemiş miyim |
| ۲ | gelMİŞsin | GELmemişsin | gelMİŞ misin | GELmemiş misin |
| ۳ | gelMİŞ | GELmemiş | gelMİŞ mi | GELmemiş mi |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelMİŞiz | GELmemişiz | gelMİŞ miyiz | GELmemiş miyiz |
| ۲ | gelMİŞsiniz | GELmemişsiniz | gelMİŞ misiniz | GELmemiş misiniz |
| ۳ | gelmişLER | GELmemişler | gelmişLER mi | GELmemişler mi |

| زمان ماضی بعید | | | | |
|----------------|-------------------|---------------------|------------------------------|--------------------------------|
| مفرد | مثبت آمده بودم | منفی نیامده بودم | مثبت سؤالی آیا آمده بودم؟ | منفی سؤالی آیا نیامده بودم؟ |
| ۱ | gelMIŞtim | GELmemiştim | gelMIŞ miydim | GELmemiş miydim |
| ۲ | gelMIŞtin | GELmemiştin | gelMIŞ miydin | GELmemiş miydin |
| ۳ | gelMIŞti | GELmemişti | gelMIŞ miydi | GELmemiş miydi |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelMIŞtik | GELmemiştik | gelMIŞ miydik | GELmimiş miydik |
| ۲ | gelMIŞtiniz | GELmemiştiniz | gelMIŞ miydiniz | GELmemiş miydiniz |
| ۳ | gelmişLERdi | GELmemişlerdi | gelmişLER miydi | GELmemişler miydi |

| زمان ماضی ابعد (دورتر) | | | | |
|------------------------|----------------------|------------------------|---------------------------------|-----------------------------------|
| مفرد | مثبت آمده بوده‌ام | منفی نیامده بوده‌ام | مثبت سؤالی آیا آمده بوده‌ام؟ | منفی سؤالی آیا نیامده بوده‌ام؟ |
| ۱ | gelmişmişim | gelmemişmişim | gelmişmiş miyim | gelmemişmiş miyim |
| ۲ | gelmişmişsin | gelmemişmişsin | gelmişmiş misin | gelmemişmiş misin |
| ۳ | gelmişmiş | gelmemişmiş | gelmişmiş mi | gelmemişmiş mi |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelmişmişiz | gelmemişmişiz | gelmişmiş miyiz | gelmemişmiş miyiz |
| ۲ | gelmişmişsiniz | gelmemişmişsiniz | gelmişmiş misiniz | gelmemişmiş misiniz |
| ۳ | gelmişmişler | gelmemişmişler | gelmişmişler mi | gelmemişmişler mi |

| با ise (کمکی شرطی) | | |
|--------------------|---------------------|-----------------------|
| مفرد | مثبت اگر آمده‌ام | منفی اگر نیامده‌ام |
| ۱ | gelMIŞsem | GELmemişsem |
| ۲ | gelMIŞsen | GELmemişsen |
| ۳ | gelMIŞse | GELmemişse |
| جمع | | |
| ۱ | gelMIŞsek | GELmemişsek |
| ۲ | gelMIŞseniz | GELmemişseniz |
| ۳ | gelMIŞLERse | GELmemişlerse |

| زمان آینده | | | | |
|------------|-------------------|--------------------|------------------------------|-------------------------------|
| مفرد | مثبت خواهم آمد | منفی نخواهم آمد | مثبت سؤالی آیا خواهم آمد؟ | منفی سؤالی آیا نخواهم آمد؟ |
| ۱ | geleCEğim | GELmeyeceğim | GELecek miyim | GELmeyecek miyim |
| ۲ | geleCEksin | GELmeyeceksin | GELecek misin | GELmeyecek misin |
| ۳ | geleCEK | GELmeyecek | GELecek mi | GELmeyecek mi |
| جمع | | | | |
| ۱ | geleCEğiz | GELmeyeceğiz | geleCEK miyiz | GELmeyecek miyiz |
| ۲ | geleCEksiniz | GELmeyeceksiniz | geleCEK misiniz | GELmeyecek misiniz |
| ۳ | geleCEKler | GELmeyecekler | gelecekLER mi | GELmeyecekler mi |

| زمان گذشته در آینده (ماضی مستقبل) | | | | |
|-----------------------------------|--|---|---|--|
| مفرد | مثبت می خواستم بیایم بنا بود بیایم قرار بود بیایم | منفی نمی خواستم بیایم بنا بود بیایم قرار بود بیایم | مثبت سؤالی آیا می خواستم بیایم؟ آیا بنا بود بیایم؟ آیا قرار بود بیایم؟ | منفی سؤالی آیا نمی خواستم بیایم؟ آیا بنا نبود بیایم؟ آیا قرار نبود بیایم؟ |
| ۱ | geleCEKtim | GELmeyecektim | geleCEK miydim | GELmeyecek miydim |
| ۲ | geleCEKtin | GELmeyecektın | geleCEK miydin | GELmeyecek miydin |
| ۳ | geleCEKti | GELmeyecekti | geleCEK miydi | GELmeyecek miydi |
| جمع | | | | |
| ۱ | geleCEKtik | GELmeyecektik | geleCEK miydik | GELmeyecek miydik |
| ۲ | geleCEKtiniz | GELmeyecektiniz | geleCEK miydiniz | GELmeyecek miydiniz |
| ۳ | geleCEKlerdi | GELmeyeceklerdi | geleCEKler miydi | GELmeyecekler miydi |

| با ise (کمکی شرطی) | | |
|--------------------|---|---|
| مفرد | مثبت اگر بخواهم بیایم اگر بنا باشد بیایم اگر قرار باشد بیایم | منفی اگر بخواهم نیایم اگر بنا باشد نیایم اگر قرار باشد نیایم |
| ۱ | geleCEKsem | GELmeyeceksem |
| ۲ | geleCEKsen | GELmeyecekse |
| ۳ | geleCEKse | GELmeyecekse |
| جمع | | |
| ۱ | geleCEKsek | GELmeyeceksek |
| ۲ | geleCEKseniz | GELmeyecekse |
| ۳ | gelecekLERse | GELmeyeceklerse |

| با imiş (کمکی فرضی) | | | | |
|---------------------|---|---|---|---|
| مفرد | مثبت (می گویند) خواهیم آمد می خواسته ام بیایم | منفی (می گویند) نخواهیم آمد نمی خواسته ام بیایم | مثبت سؤالی (آیا می گویند) خواهیم آمد؟ آیا می خواسته ام بیایم؟ | منفی سؤالی (آیا می گویند) نخواهیم آمد؟ آیا نمی خواسته ام بیایم؟ |
| ۱ | geleCEKmişim | GELmeyecekmişim | geleCEK miymişim | GELmeyecek miymişim |
| ۲ | geleCEKmişsin | GELmeyecekmişsin | geleCEK miymişsin | GELmeyecek miymişsin |
| ۳ | geleCEKmiş | GELmeyecekmiş | geleCEK miymiş | GELmeyecek miymiş |
| جمع | | | | |
| ۱ | geleCEKmişiz | GELmeyecekmişiz | geleCEK miymişiz | GELmeyecek miymişiz |
| ۲ | geleCEKmişsiniz | GELmeyecekmişsiniz | geleCEK miymişsiniz | GELmeyecek miymişsiniz |
| ۳ | gelecekLERmiş | GELmeyeceklermiş | gelecekLER miymiş | GELmeyecekler miymiş |

| با ise (کمکی شرطی) و imiş (کمکی فرضی) | | |
|---------------------------------------|--|--|
| مفرد | مثبت اگر (می گویند/ گفتند) خواهیم آمد اگر می خواسته ام بیایم | منفی اگر (می گویند/ گفتند) نخواهیم آمد اگر نمی خواسته ام بیایم |
| ۱ | gelecekmişsem | gelmeyecekmişsem |
| ۲ | gelecekmişsen | gelmeyecekmişsen |
| ۳ | gelecekmişse | gelmeyecekmişse |
| جمع | | |
| ۱ | gelecekmişsek | GELmeyecekmişsek |
| ۲ | gelecekmişseniz | GELmeyecekmişseniz |
| ۳ | gelecekmişlerse | GELmeyecekmişlerse |

| وجه شرطی | | | | |
|----------|-----------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------------|--------------------------------------|
| مفرد | مثبت چنانچه بیایم اگر بیایم | منفی چنانچه نیایم اگر نیایم | مثبت سؤالی (فکر می کنی) من بیایم؟ | منفی سؤالی (فکر می کنی) من نیایم؟ |
| ۱ | gelSEM | gelmeSEM | gelSEM mi | gelmeSEM mi |
| ۲ | gelSEn | GELmesen | gelSEn mi | GELmesen mi |
| ۳ | gelSE | GELmese | gelSE mi | GELmese mi |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelSEK | GELmesek | gelSEK mi | GELmesek mi |
| ۲ | gelseNiZ | GELmeseniz | gelseNiZ mi | GELmeseniz mi |
| ۳ | gelseLER | GELmeseler | gelseLER mi | GELmeseler mi |

| با idi (کمکی گذشته) | | | | |
|---------------------|-----------------------|----------------------|---|--|
| مفرد | مثبت اگر آمده بودم | منفی اگر نمی آمدم | مثبت سؤالی (فکر می کنی) می بایستی می آمدم؟ | منفی سؤالی (فکر می کنی) نمی بایستی می آمدم؟ |
| ۱ | gelSEYdim | GELmeseydim | gelSE miydim | GELmese miydim |
| ۲ | gelSEYdin | GELmeseydin | gelSE miydin | GELmese miydin |
| ۳ | gelSEYdi | GELmeseydi | gelSE miydi | GELmese miydi |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelSEYdik | GELmeseydik | gelSE miydik | GELmese miydik |
| ۲ | gelSEY diniz | GELmeseydiniz | gelSE miydiniz | GELmese miydiniz |
| ۳ | gelSElerdi | GELmeselerdi | gelSEler miydi | GELmeseler miydi |

| با imiş (کمکی فرضی) | | | | |
|---------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|--------------------------------------|---------------------------------------|
| مفرد | مثبت (می گویند) بهتر است بیایم | منفی (می گویند) بهتر است نیایم | مثبت سؤالی (می گویند) آیا می آیم؟ | منفی سؤالی (می گویند) آیا نمی آیم؟ |
| ۱ | gelSEYmişim | GELmeseymişim | gelSE miymişim | GELmese miymişim |
| ۲ | gelSEYmişsin | GELmeseymişsin | gelSE miymişsin | GELmese mlymişsin |
| ۳ | gelSEYmiş | GELmeseymiş | gelSE miymiş | GELmese miymiş |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelSEYmişiz | GELmeseymişiz | gelSE miymişiz | GELmese miymişiz |
| ۲ | gelSEYmişsiniz | GELmeseymişsiniz | gelSE miymişsiniz | GELmese miymişsiniz |
| ۳ | gelSElermiş | GELmeselermiş | gelSEler miymiş | GELmeseler miymiş |

| وجه اجبار | | | | |
|-----------|--------------------|---------------------|-------------------------------|--------------------------------|
| مفرد | مثبت باید بیایم | منفی نباید بیایم | مثبت سؤالی آیا باید بیایم؟ | منفی سؤالی آیا نباید بیایم؟ |
| ۱ | gelmeliyim | gelmemeliyim | gelmeli miyim | gelmemeli miyim |
| ۲ | gelmelisin | gelmemelisin | gelmeli misin | gelmemeli misin |
| ۳ | gelmeli | gelmemeli | gelmeli mi | gelmemeli mi |
| | | | | |
| ۱ | gelmeliyiz | gelmemeliyiz | gelmeli miyiz | gelmemeli miyiz |
| ۲ | gelmelisiniz | gelmemelisiniz | gelmeli misiniz | gelmemeli misiniz |
| ۳ | gelmeliler | gelmemeliler | gelmeliler mi | gelmemeliler mi |

| وجه اجبار با idi (کمکی گذشته) | | | | |
|-------------------------------|----------------------|-----------------------|---------------------------------|----------------------------------|
| مفرد | مثبت باید می آمدم | منفی باید نمی آمدم | مثبت سؤالی آیا باید می آمدم؟ | منفی سؤالی آیا نباید می آمدم؟ |
| ۱ | gelmeLİYdim | GELmemeliydim | gelmeLİ miydim | GELmemeli miydim |
| ۲ | gelmeLİYdin | GELmemeliydin | gelmeLİ miydin | GELmemeli miydin |
| ۳ | gelmeLİYdi | GELmemeliydi | gelmeLİ miydi | GELmemeli miydi |
| | | | | |
| ۱ | gelmeLİYdik | GELmemeliydik | gelmeLİ miydik | GELmemeli miydik |
| ۲ | gelmeLİYdiniz | GELmemeliydiniz | gelmeLİ miydiniz | GELmemeli diydiniz |
| ۳ | gelmeLİYdiler | GELmemeliydiler | gelmeLİ miydiler | GELmemeli miydiler |

| با ise (کمکی شرطی) | | |
|--------------------|------------------------------|-------------------------------|
| مفرد | مثبت اگر مجبور شوم بیایم. | منفی اگر مجبور نشوم بیایم. |
| ۱ | gelmeliysem | gelmemeliysem |
| ۲ | gelmeliysen | gelmemeliysen |
| ۳ | gelmeliyse | gelmemeliyse |
| جمع | | |
| ۱ | gelmeliysek | gelmemeliysek |
| ۲ | gelmeliyseniz | gelmemeliyseniz |
| ۳ | gelmeliyseler | gelmemeliyseler |

| با imiş (کمکی فرضی) | | | | |
|---------------------|--|--|--|--|
| مفرد | مثبت (می گویند) باید بیایم باید می آمده ام | منفی (می گویند) نباید می آمدم نباید می آمده ام | مثبت سؤالی (آیا می گویند) باید بیایم؟ آیا باید می آمده ام؟ | منفی سؤالی (آیا می گویند) نباید می آمدم؟ آیا باید نمی آمده ام؟ |
| ۱ | gelmeliymişim | gelmemeliymişim | gelmeli miymişim | gelmemeli miymişim |
| ۲ | gelmeliymişin | gelmemeliymişin | gelmeli miymişin | gelmemeli miymişin |
| ۳ | gelmeliymiş | gelmemeliymiş | gelmeli miymiş | gelmemeli miymiş |
| جمع | | | | |
| ۱ | gelmeliymişiz | gelmemeliymişiz | gelmeli miymişiz | gelmemeli miymişiz |
| ۲ | gelmeliymişsiniz | gelmemeliymişsiniz | gelmeli miymişsiniz | gelmemeli miymişsiniz |
| ۳ | gelmeliymişler | gelmemeliymişler | gelmeli miymişler | gelmemeli miymişler |

| وجه آرزو | | | | |
|----------|--------------------------|--------------------------|-------------------------------------|-------------------------------------|
| مفرد | مثبت (بهتر است) بیایم | منفی (بهتر است) نیایم | مثبت سؤالی (آیا بهتر است) بیایم؟ | منفی سؤالی (آیا بهتر است) نیایم؟ |
| ۱ | geleYİM | GElmeyeyim | geleYİM mi | GElmeyeyim mi |
| ۲ | geleSİN | GELmeyesin | | |
| ۳ | geLE | GELmeye | | |
| جمع | | | | |
| ۱ | geleLİM | GELmeyelim | geleLİM mi | GELmeyelim mi |
| ۲ | geLEsiniz | GELmeyesiniz | | |
| ۳ | geleLER | GELmeyeler | | |

| با idi (کمکی گذشته) | | |
|---------------------|-------------------------|--------------------------|
| مفرد | مثبت ای کاش می آمدم. | منفی ای کاش نمی آمدم. |
| ۱ | geLEYdim | Gelmeyeydim |
| ۲ | geLEYdin | Gelmeyeydin |
| ۳ | geLEYdi | Gelmeyeydi |
| جمع | | |
| ۱ | geLEYdik | Gelmeyeydik |
| ۲ | geLEYdiniz | Gelmeyeydiniz |
| ۳ | geLEYdiler | Gelmeyeydiler |

| وجه امری | | |
|----------|---------------|---------------------|
| مفرد | مثبت بیا! | منفی نیا! |
| ۱ | - | - |
| ۲ | gel | Gelme |
| ۳ | gelsin | Gelmesin |
| جمع | | |
| ۱ | GElin/GEliniz | GELmeyin/GELmeyiniz |
| ۲ | - | - |
| ۳ | gelsinLER | GELmesinler |